

انحرافات جنسی، آسیب ها و راهکارها

انحرافات جنسی
آسیب ها و راهکارها

- * زنا
- * ازدواج
- * خودارضایی
- * تربیت جنسی
- * همجنس گرایی
- * عفت و پاکدامنی
- * پیشگیری و درمان
- * آسیب ها و انحرافات جنسی
- * اخلاق و رفتار جنسی در اسلام و فرهنگ غربی

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَٰلِكَ أَرَادَ اللَّهُ حَيْرًا لِّمَا يَصْنَعُونَ ﴿۲۰﴾

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند،
و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است؛
خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است! نورا، ۳۰

فهرست مطالب

اخلاق و رفتار جنسی در اسلام و فرهنگ غربی

معناشناسی «رفتار جنسی»

اخلاق جنسی در غرب

قوانین و اصول حاکم بر ارضای غرایز در اسلام

آسیب‌ها و انحرافات جنسی

انحرافات جنسی، زمینه‌ها، پیامدها

اقسام انحرافات جنسی

خودارضایی

خودارضایی، مفهوم و نشانه‌ها

ریشه‌ها و عوامل خودارضایی

آسیب‌های خودارضایی

پیشگیری و درمان خودارضایی

راه‌های پیشگیری از خودارضایی

درمان خودارضایی

وظیفه مربیان

همجنس‌گرایی

علل همجنس‌گرایی

راهکارهایی برای درمان همجنس‌گرایی

پیشگیری و درمان

روشهای برخورد با انحرافات جنسی

راه‌کارهای کنترل مثبت (پیش‌گیری) و درمانی

تربیت جنسی

اثربخیزی در مسائل جنسی

تربیت جنسی کودکان و نوجوانان

تربیت جنسی دختران و زنان

آموزش و تربیت جنسی

آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی

کی و چگونه در مورد مسائل جنسی کودک خود گفتگو کنیم؟

آموزش جنسی در مدارس

زنا

تحلیل جرم‌شناختی ازدواج سفید

عفت و پاکدامنی

پاکدامنی و اهمیت آن از دیدگاه قرآن

جایگاه «عفت جنسی» در شریعت اسلامی

عفت و پاکدامنی در مسیحیت و اسلام

ترویج و تبلیغ عفت و پاکدامنی

ازدواج

رفتار جنسی در روابط زناشویی
آسیب‌شناسی ازدواج
ناهماهنگی دین و کارشناسان در زمینه ازدواج و خانواده
افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان
ازدواج موقت در کتاب و سنت

غریزه ی جنسی به عنوان یکی از مهم‌ترین غرایز بشر، عامل بقای نسل آدمی است. تاریخ بشر گویای آن است که انسان در جهت تولید مثل به آمیزش جنسی نیازمند بوده و به جنس مخالف تمایل دارد. غریزه جنسی در دوران بلوغ و نوجوانی با گرایش به جنس مخالف، بروز می‌کند و به معنای میل فطری، روانی و بالاخره فیزیکی است که به جهت خاصی فرد را به حرکت درمی‌آورد و به «رفتار جنسی» می‌انجامد.

بر اساس فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف، مفهوم غریزه ی جنسی، متفاوت ارزیابی شده است. در قرن‌های گذشته، بشر اطلاعات خود را درباره رفتار جنسی از دین و ادبیات به دست آورده و بر اساس چنین آگاهی‌هایی از تمایلات جنسی خود بهره‌مند شده است. یونانیان باستان در افسانه‌های خود چنین ابراز داشته‌اند که انسان‌ها دارای خلقت دوگانه هستند؛ بعضی از انسان‌ها مؤنث دوگانه و برخی مذکر دوگانه‌اند؛ بنابراین علاقه به جنس مخالف ظاهراً ناشی از شکاف نیمی مذکر و نیمی مؤنث و تمایل به هم جنس ناشی از شکاف (مذکر مؤنث) دوگانه است. [1]

نگرش دین یهود به مقوله فوق، بیشتر به منظور تولید مثل و داشتن وارث و جانشین بوده است. این دین، پسران را در سن 13 تا 18 سالگی و دختران را در سن 12 سالگی به ازدواج توصیه می‌کند [2] در دین یهود، از یک سو، اعمال جنسی زن، گناه آلود و ناپاک معرفی شده و از سوی دیگر توصیه شده است که در پرتو ازدواج، ارضای تمایلات جنسی به درون خانواده منتقل شود و زن در خانواده مورد حمایت قرار گیرد. بر اساس چنین اعتقادی، دیدگاه یهود، نگرشی دوگانه و متضاد را در این زمینه ارائه می‌دهد.

در مسیحیت نیز، نسبت به زن نگرش یکسانی وجود ندارد؛ با وجود اینکه زنان را به رهبانیت دعوت می‌کند، آنان را به واسطه ی امکان برقراری روابط جنسی با مردان، دلفریب دانسته و در این صورت، سرکوب شهوت جنسی را به مردان سفارش نموده و خواسته است تا در این جهت به کلیسا روی آورند. [3]

با ظهور اسلام، دیدگاه گذشته نسبت به زنان و به طور کلی نسبت به غریزه جنسی، متحول شد؛ چنان‌که اسلام ارضای تمایل جنسی را در نظام خانواده و در پرتو ازدواج امری پسندیده به حساب آورد و بر آن تأکید ورزید و به انسان‌ها اجازه داد که تمایل جنسی خود را از طریق آمیزش با همسر خویش ارضا کنند. اسلام علاوه بر ازدواج دائم، امکان ازدواج موقت را تحت شرایطی خاص به منظور ارضای غریزه ی جنسی فراهم ساخته است. از این جهت است که در دین اسلام، ازدواج تنها راه ابراز و ارضای تمایل جنسی به شمار می‌آید و به هیچ وجه سرکوب غریزه ی جنسی جایز دانسته نشده است؛ بلکه هرگاه امکان ازدواج فراهم نباشد، به «استعفاف» امر می‌شود. قرآن کریم در سوره نور آیه 33 می‌فرماید: «**وَلِیَسْتَعْفِفِ الذِّیْنَ لَا یَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى یَغْنِیَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ**»، «و آنان که امکان ازدواج ندارند، باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آن‌ها را به لطف خود بی‌نیاز گرداند.» عفت نفس به معنی کنترل غریزه

جنسی است. در این معنا، کسانی که از لحاظ مالی یا آمادگی روحی، امکان ازدواج ندارند، با شیوه‌های خاصی به کنترل‌گریزه‌ی جنسی توصیه شده‌اند که شرح آن در مباحث آتی خواهد آمد. [4]

از دیدگاه تمام‌روان‌شناسان و زیست‌شناسان، غریزه‌ی جنسی یک غریزه‌ی ثانویه است؛ به این دلیل که عدم ارضای آن برخلاف غرایز اولیه مانند گرسنگی و تشنگی سبب نابودی فرد نمی‌شود، اما عدم ارضای صحیح آن باعث ایجاد بیماری‌های روانی و سواس و افسردگی، و انحرافات جنسی مانند استمنا و همجنس‌گرایی و نیز اختلالات جنسی مانند سردمزاجی، ناتوانی جنسی و... می‌شود. [5] غریزه‌ی جنسی از نیازهای ذاتی انسان است، به طوری که ماژلو این نیازها را در رده‌ی نیازهای فیزیولوژیک یا نیازهای حیاتی اولیه قرار داده و معتقد است: افراد خودشکوفای اوج لذت جنسی را وسیله‌ی دست‌یابی به وحدت، پیوند و عشق کامل واقعی می‌دانند. [6] اما این غریزه مقوله‌ای صرفاً بیولوژیکی نیست که تابع محض ترشحات ناشی از بلوغ انسان باشد، بلکه تابعی از جنسیت، طبقه‌ی اجتماعی-اقتصادی، نژاد، دین و... می‌باشد. [7] ثانویه بودن این غریزه حمل بر کم‌اهمیت بودن آن نسبت به سایر غرایز نیست، بلکه گویای این نکته است که چگونگی ارضای آن را می‌توان با توجه به مسائلی مانند دین، عقل، ارزش‌های حاکم و شرایط زمانی و مکانی به طرق مختلف به انجام رسانید. به بیان دیگر، حاکمیت عقل و اختیار آدمی در دو نوع غریزه متفاوت است: در صورتی که در طول تاریخ بشری غرایز اولیه به شکل تقریباً یکسانی جواب داده می‌شده‌اند، اما ارضای این غریزه (جنسی)، تنوع پرشماری در گستره‌ی فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف داشته است. اموری مانند رهبانیت جنسی، آزادی جنسی، ازدواج یک‌مرد با چند زن و بعکس، تقدیس زن و رذالت زن در زمان و مکان‌های مختلف و نگاه ادیان الهی و غیر الهی به این غریزه را می‌توان سندی بر این مدعا برشمرد. حال این سؤال مطرح می‌شود که چگونه باید با این غریزه برخورد کرد؟ به نظر پیاژه، «ما می‌توانیم تمام غرایز را در مسیر اصلی خودش رهبری کنیم، بخصوص غریزه‌ی جنسی را که اگر همه‌ی انرژی این غریزه، به امور جنسی روی گردانده شود آنگاه این انسان، به صورت یک غول شهوت‌ران ظاهر خواهد شد، اما محدود کردن همه‌ی رفتارهای جنسی و کنار گذاشتن آنها سبب عوارضی می‌شود که هر آن خطرناکتر از برآورده شدن همه‌ی کوشش‌های جنسی است.» [8]

در پاسخ به این سؤال، ابتدا باید هدف انسان از زندگی را مشخص کنیم و ببینیم که این غریزه چه نقشی در رسیدن انسان به اهدافش می‌تواند ایفا کند؟ بر این اساس، اگر چهارچوبی دنیایی برای اهداف زندگی بشر در نظر بگیریم، کسب نهایت لذت بیشتری کمک این غریزه به انسان است و تربیت جنسی او در کسب نهایت لذت جنسی خلاصه می‌شود، در غیر این صورت، باید امور معنوی را نیز در تربیت جنسی لحاظ کرد. انسان فطرتاً میل به کمال و جاودانگی دارد و از فنا بیزار است. طبیعت این غریزه به دلیل اهمیتش در حفظ نوع بشر به گونه‌ای است که کشش عجیبی در انسان ایجاد می‌کند و انسان را به تولید نسل وادار می‌کند. این غریزه قابلیت انبساط و انقباض فراوانی دارد تا جایی که می‌تواند تمام ابعاد حیات فرد را اشغال کند و یا به صورت بخش کوچکی در زندگی انسان درآید. حال اگر برخورد با این غریزه در حد افراط و تفریط باشد کمال و جاودانگی انسان در خطر است. [9]

پی‌نوشت‌ها:

- [1] Understanding human Sexuality , Hyde, J, Mc. Grow, New York, 1986: 4
- [2] Psychology, Lindzy & Thompson, New York, Worth Publishers , INC , 1988: 421
- [3] همان.
- [4] برگرفته از مقاله: رفتارشناسی جنسی در اندیشه دینی؛ کج باف، محمد باقر؛ نشریه

مطالعات راهبردی زنان، بهار 1384 - شماره 27.

[5] تربیت جنسی، مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث؛ فقیهی، علی نقی؛ چ 3،

قم: دار الحدیث، 1388، ص 38.

[6] مزلو به نقل از:

Vandermassen, G. (2004) Sexual Selection: A tale of male bias and feminist denial

..European journal of womensstudies: 11(1), 2-26

[7] روان‌شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان؛ کوچتکوف، و. د؛ لاپیک، و. م، ترجمه

محمد تقی زاده؛ چ 14، تهران: بنیاد، 1373، ص 6.

[8] پنج گفتار در روان‌شناسی؛ پیاز، ژان؛ ترجمه نیکچهره محسنی؛ چ 3، تهران: رشد، 1360،

ص 129.

[9] برگرفته از مقاله: مقایسه جایگاه غریزه جنسی در فرهنگ اسلامی و غربی؛ زنداونیان،

احمد؛ شمشادی، صادق؛ مجله بانوان شیعه، پاییز و زمستان 1389 - شماره 25.

اخلاق و رفتار جنسی در اسلام و فرهنگ غربی

رویکرد مکاتب مختلف در برخورد با غریزه جنسی را می‌توان در سه طبقه قرار داد:

1- برخورد افراطی (آزادی بی حد و مرز)؛

2- برخورد تفریطی (رهبانیت جنسی)؛

3- برخورد معتدل و میانه.

«اسلام، شئون جنسی انسان را نادیده نگرفته و سرکوب نیروی جنسی را به هیچ روی روا نداشته است. در برخورد با این غریزه، روح حاکم بر جامعه ایرانی که برخاسته از تعالیم اسلامی است، مبین آن است که در اسلام به اصل موضوع غریزه جنسی و اعمال متعاقبش با دیدگاه منع نگاه نشده است.» [1] از سوی دیگر، آزادی بی حد و مرز جنسی نیز جایگاهی در فرهنگ اسلامی-ایرانی ندارد. پس رویه اسلام در برخورد با این غریزه، رعایت اعتدال است. اسلام برای این غریزه ارزش قایل است و بدین سبب، قواعد و ضوابط خاصی برای برخورد با آن پیش بینی کرده است که محوری ترینش، ارضای این غریزه در قالب تشکیل خانواده است. در اسلام، جذابیت جنسی زنان در بستر روابط زناشویی تعریف شده و بر لزوم آراستگی زن و شوهر در برابر یکدیگر تأکید شده است. نیز از ازدواج به عنوان وسیله ای برای تقرب به خداوند یاد شده و ازدواج کردن بر عزب ماندن و باکرگی ترجیح داده شده است. «در واقع، زیبایی و جذابیت جنسی در اسلام یک نعمت محسوب می‌گردد، لیکن تفاوت آن با دیدگاه غرب در این است که جذابیت جنسی در اسلام یک ارزش صرفاً زناشویی است، اما در غرب علاوه بر ارزش زناشویی، ارزش اجتماعی نیز محسوب می‌گردد.» [2]

این در حالی است که در مسیحیت قدیم، رهبانیت جنسی و مجرد ماندن وسیله ای برای تقرب به خداوند به حساب می‌آمد و بر همین اساس، مجرد ماندن کشیشان مرد و راهبان زن مرجح بوده و هست که البته رسوایی‌هایی را هم حتی در بین مقامات ارشد مسیحی (پاپ) سبب شده است که از جمله آن می‌توان به زندگی پاپ الکساندر بورجا [3] اشاره کرد. «وی معشوقه‌های فراوان داشته است. یکی از معشوقه‌های وی دخترش بوده که از وی دختر به دنیا آورده است. به عبارتی، دخترش در عین حال نوه اش هم بوده است.» [4] این موضوع به خوبی نتیجه رهبانیت جنسی را معلوم می‌کند. اما در سوی دیگر، مسئله آزادی جنسی تبعات وحشتناکی را بخصوص برای زنان و خانواده‌ها به ارمغان آورده است.

«جدیدترین آمار نشان می‌دهد که پنجاه هزار دختر پانزده ساله و سی و یک هزار دختر سیزده تا چهارده ساله بریتانیایی در سال 2006-2007 برای درمان‌های ضدبارداری به کلینیک‌های پزشکی مراجعه کرده‌اند.» [5] این تنها گوشه‌ای از منجلابی است که آزادی‌های جنسی غرب به وجود آورده است. ملاحظه می‌شود که در غرب جایگاه این غریزه در زندگی افراد، مسیری از تفریط به افراط را طی کرده است. این مقایسه کوتاه، نشان می‌دهد که افراط و تفریط روش مناسبی برای برخورد با این غریزه نیست. انسان نباید در ارضای این غریزه نه آن قدر کوتاهی کند که از تشکیل خانواده سرباز زند و به آن قدر ارضای این غریزه را در کانون زندگی خود قرار دهد که به جذابیت جنسی، امتیاز اجتماعی دهد و فحشا را یک شغل مجاز تلقی کند و یا همجنس‌گرایی را جزء حقوق بشر به رسمیت بشناسد. [6]

پی‌نوشت‌ها:

[1] مجموعه بحث‌ها در زمینه خانواده و تربیت کودک؛ قائمی امیری، عباس؛ تهران: امیری

1364، ص 321.

[2] کتاب الکترونیکی زن در اسلام و غرب؛ خرداد؛ قدیری ابیانه، محمد حسن، 1390، ص 15؛

برگرفته از سایت www.ghadiri.ir.

Alejandro Borgia [3]

[4] کتاب الکترونیکی مسیحیت از واقعیت تا تحریف، قدیری ابیانه، محمد حسن؛ 1389، ص 96؛

برگرفته از سایت www.ghadiri.ir.

[5] کتاب الکترونیکی زن در اسلام و غرب؛ خرداد؛ قدیری ابیانه، محمد حسن، 1390، ص 110،

به نقل از: روزنامه رسالت، 86/8/16، ص 18.

[6] برگرفته از مقاله: ابعاد و مراحل تربیت جنسی دختران و زنان از نظر اسلام؛ زنداونیان، احمد؛

شمشادی، صادق؛ مجله بانوان شیعه، پاییز و زمستان 1389 - شماره 25.

معناشناسی «رفتار جنسی»

علوم مختلف زیست‌شناسی، روان‌شناسی و مردم‌شناسی، رفتار جنسی را متفاوت معنا کرده‌اند. زیست‌شناسان رفتار جنسی را چنین تعریف می‌کنند: «به هر نوع رفتاری که احتمال ترکیب اسپرم و تخمک را افزایش دهد، رفتار جنسی گفته می‌شود.» [1] در این تعریف بر وظیفه‌ی تولید مثل تأکید شده است. تعریفی که زیست‌شناسان درباره‌ی رفتار جنسی مطرح کردند، با کشف اسپرم به وسیله‌ی «آنتون فن لیوون هوک» [2] و همکارش «جان هام» [3] آغاز شد؛ تا این که در سال 1875 برای اولین بار لقاح باروری بیضه به وسیله‌ی «اوسکار هرت وینگ» [4] با استفاده از اسپرم در خارپوست دریایی صورت گرفت. اگر چه سلول تخم ماده در انسان به طور مستقیم تا قبل از قرن 19 مشاهده نشده بود، لیکن زیست‌شناسان ترجیح دادند که رفتار جنسی را بر اساس لقاح و تولید مثل تعریف کنند.

روان‌شناسان نیز رفتار جنسی را چنین تعریف کرده‌اند: «رفتاری که برانگیختگی جنسی ایجاد نموده و احتمال رسیدن به اوج لذت جنسی را افزایش می‌دهد.» [5]

بررسی مردم‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی نشان می‌دهد که در فرهنگ‌های مختلف روش‌های ارضای میل جنسی و به عبارت دیگر رفتارهای جنسی، به صورت‌های مختلفی تحقق می‌پذیرد.

با رشد و پیشرفت علوم رفتاری، مطالعه رفتار جنسی بشر ضروری به نظر می‌رسد. گزارش‌های کینزی [6] (1953) در مورد رفتار جنسی مردان و زنان، از جمله پژوهش‌های مهمی است که در این زمینه صورت گرفته است. وی در یک مطالعه‌ی تاریخی با 5300 مرد و 5900 زن مصاحبه کرد. نتیجه این مصاحبه‌ها علاوه بر کسب اطلاعاتی مهم، معیار مقایسه‌ای را نیز در این زمینه به دست داد. کینزی معتقد بود که بهترین شاخص نگرش یک شخص، رفتار ظاهری اوست [7]. بر اساس چنین اعتقادی، کینزی درباره‌ی نگرش‌ها و واکنش‌های هیجانی زنان بررسی‌هایی به عمل آورده و نتایج حاصل را گزارش کرده است.

هانت [8] نیز نتایج تحقیق خود را درباره‌ی رفتار جنسی در مردان و زنان در مقایسه با بررسی‌های کینزی، در خلال سال 1969 در کتابی به نام «رفتار جنسی» نگاشت و در اوایل دهه‌ی 1970، آن را منتشر کرد. حاصل مقایسه پژوهش‌های هانت و کینزی بیانگر آن است که در آمریکا، در دهه‌های اخیر آمیزش جنسی قبل از ازدواج رواج یافته، از تفاوت‌های نقش جنسی زنان و مردان کاسته شده و تفاوت ارضای تمایل جنسی در طبقه‌های اجتماعی مختلف از میان رفته است.

هانت در 24 ایالت از ایالات متحده‌ی آمریکا تحقیق کرده است که در آن 982 مرد و 1044 زن شرکت داشتند. از این عده، 90 درصد سفید پوست، 10 درصد سیاه پوست،

71 درصد متأهل، 25 درصد مجرد و 4 درصد، مدت‌ها قبل ازدواج کرده بودند [9] در نتایج حاصل از تحقیق هانت، افزایش آمیزش جنسی قبل از ازدواج در آمریکا، بیانگر آن است که جامعه‌ی آن زمان آمریکا تا حدودی نسبت به گذشته، از آزادی رفتارهای جنسی بیشتری برخوردار بوده است.

مفاهیم بنیادین در رفتارشناسی جنسی

مهمترین مفاهیمی که در بررسی رفتار جنسی قابل بحث و بررسی است، شامل موارد ذیل می‌شود:

الف- جنسیت یا تمایل جنسی [10]

این مفهوم به دو معنی به کار می‌رود؛ اولین معنی آن فعالیت شهوانی است که به لذت یا تولید مثل منجر شود و دومین معنای آن مفهوم زیست‌شناسی جنسی را دربر می‌گیرد. وجود کروموزم‌های زنانه، تخمدان‌ها و مهبل برای تعیین جنسیت زن، اهمیت زیادی دارد؛ اگرچه برخورداری از احساس زنانه برای زن بودن اهمیت بیشتری دارد. همان‌گونه که وجود کروموزم‌های مردانه و آلت جنسی مردانه و بیضه‌ها برای تشخیص جنسیت مرد ضروری است؛ اما وجود این ویژگی‌ها به طور ضروری احساس مرد بودن را نشان نمی‌دهند. [11] داشتن ویژگی‌های روانی مردانه، احساس مردانگی را روشن می‌سازد و به تمایز احساس مردانه و زنانه منجر می‌شود.

ب- هویت جنسی [12]

مفهوم فوق، بیان‌کننده‌ی آن است که فرد خود را مذکر یا مؤنث بشناسد. هویت جنسی بر اساس زیست‌شناسی افراد بنا می‌شود و به تجربه‌های اجتماعی فرد بستگی دارد و برای این که ثبات و دوام یابد، به گذشت زمان نیاز دارد. [13] هر کودکی تا سن 2-3 سالگی، تقریباً با قاطعیت می‌تواند بگوید: «من یک پسر» یا «من یک دختر». به عقیده‌ی رابرت استولر [14]، هویت جنسی به طور ضمنی به جنبه‌های روانی مردانگی و زنانگی اشاره دارد و مفهوم جنس، جنبه‌ی اجتماعی و جنسیت، بُعد زیست‌شناختی هویت جنسی را نشان می‌دهد. غالباً بین این دو مفهوم هماهنگی وجود دارد؛ یعنی مردها مردانه و زن‌ها زنانه رفتار می‌کنند؛ اما گاهی ممکن است، بین جنس و جنسیت به صورت متضاد یا متعارض نیز رشد کنند. [15]

در زمینه‌ی عوامل تشکیل‌دهنده‌ی هویت جنسی، علاوه بر جنبه‌های زیست‌شناختی و ژنتیکی، می‌توان به نگرش‌های والدین و گرایش‌های فرهنگی نیز اشاره کرد؛ به عبارت دیگر، آموزش‌های خانوادگی و اجتماعی علاوه بر جنبه‌های زیست‌شناختی و ژنتیکی، هویت جنسی شخص را پی می‌ریزد.

ج- نقش جنسی [16]

«نقش جنسی» نوعی انتظار فرهنگی است که چگونگی ارتباط مردان و زنان را با یکدیگر تعیین نموده و هم‌چنین فعالیت افراد را بر اساس ارزش‌ها و علاقه‌آن‌ها مشخص می‌کند. [17] نقش جنسی با هویت جنسی ارتباط دارد. عامل عمده در کسب نقش مناسب جنسی، یادگیری‌های فرد است. گاهی نقش جنسی با هویت جنسی تضاد دارد. ممکن است شخصی با یک فرد هم‌جنس همانندسازی کند؛ اما با این وجود، لباس، آرایش مو، یا سایر ویژگی‌های غیر هم‌جنس را برگزیند. حتی ممکن است شخصی با جنس مخالف خود همانندسازی نموده و به اقتضای موقعیت، ویژگی‌های رفتاری فرد هم‌جنس را برگزیند.

نقش جنسی را جان مانی [18] چنین تعریف می‌کند: به هر آن چه فرد برای شناساندن خود به

عنوان يك پسر يا مرد يا يك دختر يا زن انجام می دهد و انتظارات اجتماعی را برآورده می سازد، نقش جنسی گفته می شود. نقش جنسی، به تدریج از طریق تجاربی که شخص در تعامل با محیط به دست می آورد و با این وجود، از طریق دستورها و تلقین های آشکار، شکل می گیرد [19]. [20]

پی نوشت ها:

Understanding human Sexuality, Hyde, J Mc. Grow, New York, 1986: 3 [1]

Anton Van Leeuwenhok [2]

John Ham [3]

Oscar Hertwing [4]

Understanding human Sexuality, Hyde, J Mc. Grow, New York, 1986: 3 [5]

Kinsey [6]

Human Sexuality and its Problems, Bancroft, J, Edinburgh, Churchill Living stone, [7] 1983: 108

Hunt [8]

Human Sexuality and its Problems, Bancroft, J, Edinburgh, Churchill Living stone, [9] 1983: 276

Sex or Sexuality [10]

Psychology, Lindzy & Thompson, New York, Worth Publishers , INC , 1988: 417 [11]

(Sexual Identity (Gender Identity [12]

Psychology, Lindzy & Thompson, New York, Worth Publishers , INC , 1988: 417 [13]

Robert Stoller [14]

[15] «خلاصه روانپزشکی»؛ کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین: ، نصرت الله پور افکاری، تبریز، انتشارات ذوقی، چ اول، 1368. ص80.

Sex role [16]

Lindzy & Thompson, 1988: 418 [17]

John Money [18]

[19] «خلاصه روانپزشکی»؛ کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین: ، نصرت الله پور افکاری، تبریز، انتشارات ذوقی، چ اول، 1368. ص14.

[20] برگرفته از مقاله رفتار شناسی جنسی در اندیشه دینی؛ کج باف، محمد باقر؛ نشریه مطالعات راهبردی زنان، بهار 1384 - شماره 27؛

اخلاق جنسی در غرب

مدعیان اصلاح اخلاق جنسی ادعا می کنند که اخلاق کهن جنسی علل و اسباب سرچشمه هائی داشته است که اکنون از میان رفته یا در حال از میان رفتن است، اکنون که آن علل در کار نیست، دلیل ندارد که ما باز هم این سیستم اخلاقی را که احیانا توأم با خشونت هم بوده است ادامه دهیم.

بعلاوه اموری که منشأ پیدایش این اخلاق شده جریاناتی جاهلانه و یا ظالمانه بوده است که با آزادی و عدالت و حیثیت ذاتی انسانی منافات دارد، علی هذا بخاطر انسانیت و عدالت هم که باشد باید با این اخلاق مبارزه کرد. می گویند اخلاق کهن جنسی را امور ذیل بوجود آورده است:

مالکیت مرد نسبت بزنان، حسادت مردان، کوشش مرد برای اطمینان به پدری خود، اعتقاد

مرتاضانه و راهبانه به پلیدی ذاتی رابطه جنسی، احساس پلیدی زن نسبت بخود بواسطه عادت ماهانه زنانه، و پرهیز مرد از او در این مدت، مجازاتهای شدیدی که زن در طول تاریخ از ناحیه مرد دیده است؛ و بالاخره عوامل اقتصادی که زن را همواره نیازمند به مرد می کرده است. این علل و اسباب چنانکه واضح است یا ریشه تعدی و ستمگری دارد و یا از خرافات ناشی شده است و یا شرائط محدود زندگی آن وقت چنین ایجاب می کرده است.

اکنون که مالکیت مرد نسبت بزن از میان رفته است، اطمینان پدری را از راه استفاده از داروهای ضد آبستنی که در اثر پیشرفت طب پیدا شده، بدون بکار بردن روشهای خشونت آمیز قدیم میتوان بدست آورد، عقاید مرتاضانه و راهبانه بسوی زوال و نیستی می رود، احساس پلیدی عادت زنانه را با بالا بردن سطح معلومات، و تفهیم اینکه يك عمل ساده وظائف الاعضائی بیش نیست می توان از بین برد، دوران آن مجازاتهای سخت و شدید هم دیگر سپری شده است، عوامل اقتصادی که زن را اسیر مرد می کرد دیگر وجود ندارد و زن امروز استقلال اقتصادی خود را بازیافته است، بعلاوه دولت تدریجا دستگاه های خود را بسط می دهد و زنها در ایام بارداری و زایمان و شیر دادن تحت حمایت خود قرار می دهد و او را از مرد بی نیاز میکند و در حقیقت دولت جانشین پدر می شود حسادتها را با تمرینهای اخلاقی باید از میان برد، با وجود اینها دیگر لزومی ندارد ما همچنان به این اخلاق کهن بچسبیم.

اینست انتقادات و خورده گیریهای که بر اخلاق کهن جنسی گرفته می شود و اینست دلائلی که ایجاب می کند حتما رفورمی در این بخش از اخلاق بشری صورت گیرد.

اکنون به بینیم چه موادی در این سیستم اخلاقی پیشنهاد می شود، البته از اول باید توجه داشته باشیم که همه این مواد اصلاحی، بر محور شکستن قیود کهن و رفع منعها و محدودیتهای قانونی گذشته می چرخد.

اولین موضوعی که مورد توجه قرار گرفته است کامیابی آزادانه زنان و مردان از معاشرت- های لذت بخش جنسی است و عبارت دیگر آزادی عشق است، می گویند زن و مرد نه تنها قبل از ازدواج باید از معاشرتهای لذت بخش آزادانه جنسی بهره مند باشند، بلکه ازدواج نیز نباید مانعی در این راه بشمار آید، زیرا فلسفه ازدواج و انتخاب همسر قانونی اطمینان پدر است به پدری خود نسبت بفرزندی که از زن معینی بدنیا می آید، این اطمینان را با بکار بستن داروهای ضد آبستنی که مخصوصا پیشرفت طب امروز آنها را به بشر ارزانی داشته است می توان به دست آورد.

بنابراین هر يك از زن و مرد می توانند علاوه بر همسر قانونی عشاق و معشوقه های فراوانی داشته باشند، زن مکلف است که در حین آمیزش با عشاق خود از داروهای ضد آبستنی استفاده کند و مانع پیدایش فرزند از او گردد، ولی هرگاه تصمیم گرفت که صاحب فرزند گردد الزاما باید از همسر قانونی خود استفاده کند.

«کمونیسم جنسی» تنها از آن نظر قابل عمل نیست که رابطه نسلی را میان پدران و فرزندان قطع می کند، بشر از اعتماد نسلی نمی تواند صرف نظر کند؛ هر پدری می خواهد فرزند خود را بشناسد و هر فرزندی می خواهد بداند از کدام پدر پیدا شده است.

فلسفه ازدواج و انتخاب همسر قانونی همین است و بس، اختصاص جنسی را به همین اندازه باید محدود کرد، و با تامین رابطه نسلی بوسیله فوق موجبی برای تحدید بیشتر وجود ندارد.

برتر اندراسل می گوید: «جلوگیری وسائل (وسائل ضد آبستنی) تولید نسل را ارادی کرده و آن را از صورت يك نتیجه اجتناب ناپذیر روابط بیولوژیک (تولید قهری فرزند در اثر آمیزش) بیرون آورده است. بدلائل متعدد اقتصادی که در فصول پیش شرح دادیم، محتملا پدر برای تربیت و اعاشه

اطفال کمتر اهمیت خواهد داشت، بنابراین دلیلی نیست که مادری برای پدری اطفال خود همان مردی را انتخاب کند که خاطرش را برای عاشقی و رفاقت می‌خواهد. «مادر» آینده ممکن است شانه از زیر این تعهد خالی کند بدون آنکه لطمه‌ای بسعادت او وارد شود. برای مردان، انتخاب مادر اطفال خود از اینهم آسان‌تر و ساده‌تر خواهد بود. کسانی که مانند من معتقدند که روابط جنسی فقط هنگامی مسئله اجتماعی (و قابل‌تجدید) محسوب می‌شود که طفلی بوجود آید باید مثل من این دو نتیجه را بگیرند: اولاً عشق بدون بچه آزاد است (و ثانیاً) ایجاد اطفال باید تحت مقرراتی شدیدتر از آنچه امروز هست قرار گیرد...» [1]

«راسل» بعداً به حل مشکل اجتماعی دیگر نیز می‌پردازد و آن مشکل بهبود نژاد بشر است. می‌گوید وقتی روابط جنسی بر این اساس قرار گرفت، اجتماع می‌تواند فقط بزنان و مردان معینی که از لحاظ شخصی و ارثی واجد شرایطی باشند اجازه تولید نسل بدهد، آن زنی که پروانه تولید نسل دارد از مردانی که، از لحاظ ارثی شناخته شوند برای تخم‌گیری و تولید نسل استفاده می‌کند، درحالی که مردان دیگری که عشاق خوبی خواهند بود از حق پدری محروم خواهند بود. [2]

راسل کم‌کم بگفته‌ها و پیشنهادهای خود جنبه اخلاقی نیز می‌دهد و به اندرز و موعظه می‌پردازد، چون معتقد است یکی از ریشه‌های اخلاق جنسی کهن حسادت است، مردان و زنان را به ترک حسادت توصیه می‌کند، می‌گوید: «در طریقی که من پیشنهاد میکنم راست است که زوجین را از وفاداری نسبت بیکدیگر مبری میدارم، اما در عوض تکلیف دشوار منکوب کردن حسادت را بعهده‌شان می‌گذارم، یک زندگی هشیارانه بدون تسلط بر نفس غیر ممکن است، در اینصورت بهتر است یک احساس شدید و مزاحم را چون حسادت تحت انتظام در آوریم، و نگذاریم مانع نمو عمومی احساسات عاشقانه بشود، اشتباه اخلاق قدیمی در آن نیست که کف نفس را توصیه می‌کند بلکه در آنست که در مورد استعمال آن اشتباه می‌نماید» (مقصود راسل اینست که قدما از لحاظ اخلاقی به کف نفس توصیه می‌کردند، من نیز به کف نفس توصیه می‌کنیم. اما نظر قدما در کف نفس به این بود که گزینه جنسی محدود گرد و نظر من باینست که جلو حسادت در امر جنسی که نامش را غیرت گذاشته اند گرفته شود مردان آنگاه که با عشقبازیهای همسران خود با دیگران مواجه میشوند و احساس ناراحتی می‌کنند باید کف نفس و اغماض کنند، مزاحم آنها نشوند بلکه از آن مردان بیگانه که همسر محبوب آنها را خوشحال و مسرور کرده اند شکرگزار باشند!).

هم‌او می‌گوید: «ایجاد فرزندان باید فقط در ازدواج صورت گیرد و روابط بیرون از ازدواج بوسائل مختلف خنثی گردد، و شوهران هم نسبت به عشاق همانقدر غمض عین داشته باشند که شرقیان به غلامان خنثی (مقصود غلامان اخته و خواجه سرایان است) داشتند، اشکال اساسی این طریق، اطمینان اندکی است که به وسائل ضد آبستنی از یک طرف و صمیمیت زنان از طرف دیگر (که از عشاق خود باردار نشوند و بریش شوهر نه بندند) می‌توان داشت. اما این اشکال با مرور زمان کاهش خواهد یافت».

رفورم و اصلاح! بهمین جا خاتمه پیدا نمی‌کند، موضوعات دیگری نظیر ستر عورت، ممنوعیت ازدواج با محارم، نشر صور قبیحه، استمناء، تمایل بهم جنس، سقط جنین، آمیزش در ایام عادت و امثال اینها نیز مورد بحث قرار می‌گیرد، بعضی از این موضوعات از قبیل لزوم ستر عورت و منع نشر صور باصطلاح قبیحه صریحاً مورد انتقاد قرار گرفته و بعضی دیگر از قبیل استمناء از حوزه اخلاق خارج دانسته شده است و در قلمرو طب بشمار آمده است، احیاناً از نظر طبی اگر غیر مجاز شناخته میشود کسی که بسلامت خود علاقه مند است آنرا ترک می‌کند، بهر حال نمی‌تواند ممنوعیت اخلاقی داشته باشد!

منبع: درس‌هایی از مکتب اسلام، اسفند 1344، سال هفتم - شماره 5؛ مطهری، مرتضی
پی نوشت‌ها:

[1] زناشوئی و اخلاق صفحه 122 و 123
[2] همان.

قوانین و اصول حاکم بر ارضای غرایز در اسلام

غرایز در وجود انسان طبیعی و غیر قابل انکار بوده، هدایت و ارضای صحیح آن، زمینه ساز اصلاح فرد و جامعه و انحراف از آن، سرچشمه بسیاری از مفسدات فردی و اجتماعی خواهد بود. بر این اساس، دین مبین اسلام با ترسیم برنامه‌ای کامل و دقیق، انسان را برای پیمودن مسیر تکامل و جلوگیری از سقوط یاری کرده و با ارائه راهکارهایی مناسب، ضمن پاسخگویی به تمامی غرایز بشر، از افراط و تفریط در آن جلوگیری به عمل آورده است. این راهکارها عبارت‌اند از:

اول. سرکوب‌گریزه ممنوع

سرکوب به معنی خوار و زبون ساختن شخص یا چیزی است. [1] اولین اصل مهم که اسلام بر آن تأکید فرموده، اصل عدم سرکوب‌گریزه است. شهید مطهری رحمه الله ضمن اشاره به اینکه کاوشها و کشفیات در یک قرن اخیر، ثابت کرده است که سرکوب‌گریز و تمایلات بالاخص غریزه جنسی مضرات و خطرات فراوانی به بار می‌آورد، می‌فرماید: «غرایز سرکوب شده و ارضا نشده پنهان از شعور ظاهر، جریاناتی را طی می‌کنند که چه از نظر فردی و چه از نظر اجتماعی، فوق‌العاده برای بشرگران تمام می‌شود.» [2] در جای دیگر می‌فرماید: «روان‌شناسان ریشه بسیاری از عوارض ناراحت‌کننده عصبی و بیماریهای روانی و اجتماعی را احساس محرومیت، خصوصاً در زمینه امور جنسی تشخیص داده‌اند.

آنها ثابت کرده‌اند که محرومیتها مبدأ تشکیل عقده‌ها، و عقده‌ها احياناً به صورت صفات خطرناک مانند: میل به ظلم و جنایت، کبر و حسادت، انزوا و گوشه‌گیری، بدبینی و غیره تجلی می‌کند. اصل بالا در موضوع زیانهای سرکوب‌گریز از نوع کشفیات فوق‌العاده با ارزش روانی است و در ردیف ارزنده‌ترین موفقیت‌های بشر است.» [3] اسلام عزیز نه تنها با سرکوب‌گریز مخالف است و آن را موجب به تعطیل کشیده شدن غرایز و عیب بودن خلقت آنها می‌داند، بلکه بر ارضای غرایز به طور کامل و بر اساس دستورات دین پا فشاری می‌کند.

در مقابل، برخی عدم سرکوب را به معنی آزادی مطلق تفسیر کرده‌اند. اشتباه این افراد که برای جلوگیری از سرکوب‌گریز و رشد استعدادها، رژیم اخلاق آزاد را پیشنهاد کرده‌اند، ناشی از نادیده گرفتن تفاوت شگرف انسان و حیوان است. آنها به این جهت توجه نکرده‌اند که میل به بی‌نهایت در سرشت انسان نهفته است و با آزاد گذاشتن آن در هیچ نقطه‌ای متوقف نخواهد شد.

دوم. تعادل بین غرایز

یکی دیگر از اصول حاکم بر ارضای غریزه، اصل تعادل در غرایز است. اساس اسلام بر تعادل و میانه روی در امور است. افراط و تند روی و تفریط و کند روی در طول تاریخ، آثار ناپسندی از خود بر جای گذاشته و منشأ گرفتاری‌های فراوانی شده است. بر اساس همین نگرش، دین اسلام آزادی مطلق در غرایز و نیز سرکوب آن را به شدت منع کرده و از رشد یک‌گریزه به گونه‌ای که

به دیگر غرایز لطمه وارد کند، نهی فرموده است؛ چراکه غرایز همانند رودخانه ای است که اگر کانالیزه شود، قابل استفاده و آرامش بخش خواهد بود؛ اما اگر غرایز رها شوند و تعادل آنها به هم بخورد، همانند سیل تخریب کننده خواهند بود.

شاید بتوان علت بسیاری از افراط و تفریطها را عدم شناخت نیازهای واقعی دانست؛ چرا که اگر انسان نیازهای واقعی خویش را بشناسد و به اندازه نیاز به هر غریزه پاسخ گوید، هیچ گاه بی بند و باری در غریزه شهوت، شکم پرستی در غریزه گرسنگی، انباشت ثروت و علاقه به پست و مقام در غریزه تفوق طلبی، و تکبر و خود پسندی در غریزه حب نفس به وجود نخواهد آمد. شعار اسلام در همه نیازمندی های انسان، اصل تعدیل است. «نه تعطیل، نه تحریک، بلکه تعدیل.»

کنترل غرایز

حال که اصل تعادل و لزوم آن در غرایز بیان شد، لازم است به این نکته اشاره شود که در جامعه اسلامی بحث کنترل، به معنی محدود کردن نمی باشد. وضع راهکارهای مناسب گویای این مطلب است که اسلام درصدد مبارزه با افراط و تفریط و مقابله با اثرات ناشی از آن است. به عنوان نمونه، اگر اسلام با تمام مظاهر بی بند و باری و روابط نامشروع مبارزه می کند، در مقابل بر سنت ازدواج به صورت های مختلف تأکید می کند و عدم ازدواج را سنت شکنی می داند. مؤید این مطلب، روایت زنی است که خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: «إِنِّي امْرَأَةٌ مُتَبَتِّلَةٌ فَقَالَ وَ مَا التَّبْتُلُ عِنْدَكَ قَالَتْ لَا أَتَزَوَّجُ قَالَ وَ لِمَ قَالَتْ أَلْتَمِسُ يَدْلِكَ الْقَضَلَ فَقَالَ انصرفي فلو كان يذلك قاضلاً لكأنت قاطمة عليها السلام أحقَّ به منك إنَّه ليسَ أحدٌ يسيئها إلى القَضَل؛ [4] من زنی «متبتله» هستم. حضرت فرمود: مقصودت از تبتل چیست؟ جواب داد: تصمیم دارم هرگز ازدواج نکنم. فرمود: برای چه؟ گفت: برای نیل به فضیلت و کمال. حضرت فرمود: از این تصمیم منصرف شو! اگر خود داری از ازدواج فضیلتی در بر می داشت، حضرت زهرا علیها السلام به درك این فضیلت از تو شایسته تر بود و احدی در فضیلت براو پیشی نگرفته است.»

سوم: طغیان يك غریزه عامل شکستن تعادل غرایز

چنان که اشاره شد، تعادل بین غرایز و عدم سرکوب آنها، دو اصل مهم و اساسی است که اسلام تأکید فراوانی بر آن دارد. در این میان، آنچه حایز اهمیت است اینکه عدم توجه به این دو اصل، می تواند تعادل سایر غرایز و امیال را نیز با مشکل مواجه سازد. بنابراین، افراط و تفریط در مورد ارضای غرایز، خواه ناخواه تعادل روحی و روانی فرد را به هم می ریزد که یقیناً زود یا دیر در جایی دیگر بروز خواهد کرد؛ چنان که تکرار استمناء، دربلند مدت عقیم شدن انسان و سلب لذت جماع حلال را به دنبال دارد و نیز پرخوری که لذت عبادت را از انسان سلب می کند. به همین دلیل است که اسلام به غرایز همانند رودخانه ای است که اگر کانالیزه شود، قابل استفاده و آرامش بخش خواهد بود؛ اما اگر رهاشوند و تعادل آنها به هم بخورد، همانند سیل تخریب کننده خواهند بود

سنت ازدواج تأکید فراوان دارد و حتی در صورت لزوم، ازدواج موقت و تعدد زوجات را جایز دانسته است تا غریزه شهوت به خوبی پاسخ داده شود...

چهارم: تدریج در ارضاء

اصل بسیار مهم دیگر، تدریج در ارضاء می باشد. آنچه مسلم است توجه زودتر از موعد به يك غریزه، عواقب ناگواری را متوجه فرد و اطرافیان می کند. به عنوان نمونه، اسلام والدین را از عواملی که منجر به ارضای زود هنگام غریزه شهوت در کودکان و نوجوانان شود، به شدت بر حذر

داشته و بر آن تأکید فراوانی کرده است.

نهی از به رو خوابیدن، جدا بودن محل استراحت والدین و فرزندان، عدم خوابیدن بچه‌ها حتی از یک جنس در زیر یک رو انداز، عدم پوشیدن شلوارهای تنگ، و پوشش زنان نامحرم در مقابل نوجوانان ممیز، از جمله دستوراتی است که در جهت عدم تحریک قوه شهوانی و بیداری زود هنگام آن صادر شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الصَّيِّ وَ الصَّيِّ وَ الصَّيِّ وَ الصَّيِّ وَ الصَّيِّ وَ الصَّيِّ وَ الصَّيِّ يَفَرِّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ»؛ [5] بستر خواب پسر بچه با پسر بچه و دختر بچه با دختر بچه در سن ده سالگی باید از هم جدا شود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى وَجْهِهِ وَ مَنْ رَأَيْتُمُوهُ تَائِمًا عَلَى وَجْهِهِ فَأُثِيمُهُ وَ لَا تَدْعُوهُ»؛ [6] مرد نباید به‌رو بخوابد و هر کس را دیدید که به رو خوابیده، بیدارش کنید و رهایش نکنید.»

بر اساس همین اصل مهم تربیتیست که اسلام وارد شدن به محل استراحت والدین را در سه وقت مشروط به اجازه می‌داند. قرآن مجید می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْتَغُوا الْخُلْمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَصْعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ»؛ [7] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید [برای ورود به محل استراحت شما] از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و در نیمروز هنگامی که لباسهای [معمولی] خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا. این سه وقت خصوصی برای شماست.»

پنجم: تأخیر در ارضاء ممنوع

همان‌گونه که تحریک زود هنگام غرایز، عواقب سوئی را به همراه دارد، تأخیر در ارضاء و عدم پاسخ‌گویی به موقع نیز تأثیرات منفی بسیاری را به بار می‌آورد. این اصل یکی از اصول مهم تربیتی است که شارع مقدس تأکید فراوانی بر آن نموده است. سفارش به ازدواج و تسریع در آن از سفارشهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ما بِنِي فِي الْإِسْلَامِ يَتَاءُ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ»؛ [8] هیچ بنایی در اسلام پایه‌گذاری نشده است که در پیشگاه خداوند محبوب‌تر و عزیزتر از امر ازدواج باشد.»

و نیز می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُّ لِلْبَصَرِ وَ أَحْصَنُ لِلْفَرْجِ»؛ [9] ای گروه جوانان! هر يك از شما که قدرت ازدواج دارد، حتما اقدام کند؛ چرا که این خود بهترین وسیله‌ای است که چشم را [از نگاه‌های آلوده] و عورت را [از بی‌عفتی و گناه] محافظت می‌کند.»

و نیز می‌فرماید: «شِرَارُ أُمَّتِي عَزَّابُهَا»؛ [10] جوانان بی‌همسر بدترین افراد امت من هستند.» آنچه می‌توان دلیل عمده ممنوعیت تأخیر در ارضاء عنوان کرد، آن است که میل جنسی همانند سایر امیال بدون ارضاء از بین نمی‌رود و انسان به آرامش نمی‌رسد.

از نگاه روان‌شناسان اگر چه میل جنسی از سوپی به جسم مرتبط است، اما از سوی دیگر عطش روحی همراه آن به سادگی و بدون ارضاء از بین نمی‌رود و تأخیر، ضررهای بسیاری را متوجه جسم و روح انسان خواهد کرد. همین امر در سایر غرایز نیز مشاهده می‌شود؛ چنان‌که اگر به‌گریزه تشنگی و گرسنگی دیر پاسخ داده شود، علاوه بر زیانهایی که متوجه جسم انسان می‌شود، به سیستم روانی نیز آسیب می‌رساند.

از این رو، حضرت علی علیه السلام به عده‌ای که در کناری نشسته بودند و به زن زیبایی که از

کنار آنها می‌گذشت، نگاه می‌کردند، فرمود:

«إِنَّ أَبْصَارَ هَذِهِ الْفُحُولِ طَوَامِيحٌ وَإِنَّ ذَلِكَ سَبَبٌ هَبَّايَهَا فَإِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى امْرَأَةٍ تُعْجِبُهُ فَلْيَلَامِسْ أَهْلَهُ فَإِنَّهَا هِيَ امْرَأَةٌ كَامِرَاتِيهٍ»؛ [11] همانا دیدگان این مردان به منظره شهوت‌آمیز دوخته شده است و به هیجان آمده‌اند. هر گاه کسی از شما با نگاه به زنی به شگفتی آید، با همسرش بیامیزد که او نیز زنی چون زن وی می‌باشد.»

ششم: توجه به سازگاری احکام غرایز با قوانین طبیعت

اصل مهم دیگری که توجه به آن حایز اهمیت است، انطباق تمامی دستورات اسلام در مورد غرایز با قوانین طبیعت و تطابق آن با یافته‌های امروزی است.

اگر اسلام عزیز پر خوری را مضر به حال جسم می‌داند، استمنا را نیز مسیر غیر طبیعی ارضاء می‌داند، از تحریک بدون ارضاء جلوگیری می‌کند، ارضاء از راه حرام را منع می‌کند، افراط و تفریط در مورد یک‌غریزه را مضر به حال جسم و روح می‌داند، تمامی مظاهر محرک را حرام می‌شمارد و والدین را از نتایج بلوغ زودرس بر حذر می‌دارد و اگر صدها شعار اسلام در همه نیازمندیهای انسان، اصل تعدیل است. «نه تعطیل، نه تحریک، بلکه تعدیل.»

مورد دیگری را که مورد تأکید قرار داده است، با قوانین طبیعی و نتایج تحقیقات علمی دانشمندان بسنجیم، به دقت نظر اسلام و سازگاری احکام غرایز با قوانین طبیعی پی خواهیم برد.

البته علوم تجربی و معرفت بشری هیچ‌گاه به‌کنه دستورات اسلامی و آسمانی پی نخواهد برد و تنها در برخی موارد می‌توانند از جزئیات و لطایف آن پرده بردارند.

خلاصه آنکه مخفی‌نگاه داشتن روابط جنسی والدین در خانه، کنترل نامحسوس فرزندان در بیرون از خانه، یافتن نیازهای جوان و نوجوان و شناسایی راههای صحیح ارضای آنها و پاسخ مناسب به آن نیازها، از جمله وظایف والدین است. اگر والدین به خصوص مادر در خانه به وظایف خویش به شایستگی عمل کنند و بتوانند فضای روحی مطلوبی فراهم نمایند و اگر حکومت اسلامی با توجه به در اختیار داشتن امکانات وسیع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و انتظامی، تمام توان خویش را به کار گیرند، خواهند توانست نقش عمده‌ای در کاستن انحرافات جنسی و ارضای صحیح غرایز ایفا کنند. اینکه چه فیلم، موسیقی، کتاب و مجله‌ای مجاز می‌باشد و اینکه برای کم کردن فاصله بین بلوغ و ازدواج چه سیاستهایی باید به اجرا در آید و موارد بسیار دیگر، از جمله مسائلی است که به عهده حاکمان می‌باشد.

و آخر آنکه شناساندن غرایز و راه‌های صحیح ارضای آنها به والدین و همچنین جوانان و نوجوانان وظیفه‌ای است که بر عهده مبلغان گرامی نهاده شده است.

منبع: برگرفته از مجله مبلغان، اردیبهشت 1386 - شماره 90؛ فجر، محمد مهدی

پی‌نوشت‌ها:

[1] فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، 1376، ج 2، ص 1197.

[2] مجموعه آثار شهید مطهری، ج 19، ص 656.

[3] همان

[4] الفروع من الکافی، ج 5، ص 509.

[5] وسایل الشیعة، ج 20، ص 231.

[6] الخصال، شیخ صدوق، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1410 ق، ج 2، ص 613.

[7] نور / 58.

[8] بحار الانوار، محمدتقی مجلسی، دار احیاء التراث، بیروت، ج 100، ص 222.

[9] مکارم الاخلاق، علامه طبرسی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت، 1392 ق، ص 197.

[10] بحار الانوار، ج 100، ص 222.

[11] نهج البلاغة، حکمت 420.

آسیب‌ها و انحرافات جنسی

یکی از تحولات قابل توجه در دوره نوجوانی، بروز و ظهور تمایلات جنسی و شهوانی است که گاهی نوجوانان را با مشکل مواجه می‌سازد و این مشکلات به دلیل ناآشنایی با این پدیده و عدم آمادگی برای هدایت این استعداد در مسیری منطقی، موجب گرفتاری‌هایی برای نوجوان می‌شود.

نوجوانان باید توجه داشته باشند که هر استعداد و قوایی که در وجود آنان خلق شده در جهت رشد و شکوفایی آنان است و اگر بر اساس معیارهای منطقی و درست، از این استعدادها بهره برداری شود موجب کمال و بالندگی انسان می‌شود. قوای جنسی و نیروی شهوانی از استعدادهایی است که بر اساس آن می‌توان تشکیل کانون خانواده و ادامه نسل انسان را پی ریزی کرد تا لذتی ارزشمند از این طریق نصیب انسان شود. اما اگر این استعداد و توانایی در مسیر انحرافی و خارج از چارچوب دستور عقل و وحی قرار گیرد، انسان را به سوی هلاکت معنوی و مادی می‌کشاند و از ارزش‌های انسانی دور می‌کند و در دام بیماری‌های جنسی گرفتار می‌سازد.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من اتبع هواه ضل»، [1] هر کس از هواهای نفس خود پیروی کند گم راه می‌گردد.

به عنوان نمونه، اگر انسان از استعداد و قوای جنسی و نعمت خدادادی خود در مسیر درست و راهی که خداوند برای آن معین کرده است استفاده نکند، در هلاکت و گم راهی وارد شده است.

بیداری غریزه جنسی

بی‌تردید، یکی از نیرومندترین غرایز، غریزه جنسی است که در وجود انسان قرار داده شده. این نیرو، که از ابتدای تولد به صورت نهفته و غیرفعال در انسان وجود دارد، تا زمان بلوغ و نوجوانی، از محرک‌چندانی برخوردار نیست. اما به محض شروع نوجوانی، آرام آرام زمان بیداری و شکفتگی آن فرامی‌رسد و به تدریج، وجود نوجوان را فرا می‌گیرد و تأثیر بسیاری بر ابعاد عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و رفتاری او می‌گذارد، به گونه‌ای که گاهی نوجوانان خود را در چنگال این غریزه، تقریباً بی‌دفاع و ناتوان می‌بینند. نوجوان در این مقطع از زندگی، چند مرحله را به تدریج طی می‌کند:

مرحله اول: ابتدا توجه نوجوان به وضع بدن، به ویژه دستگاه تناسلی‌اش، معطوف می‌شود و این آغاز توجه و علاقه به امور جنسی است.

مرحله دوم: توجه به علاقه جنسی بیشتر می‌شود و با عاطفه و محبت به جنس مخالف همراه می‌گردد.

مرحله سوم: علاقه به جنس مخالف بیشتر می‌شود و در این مرحله، ممکن است عشق و علاقه نوجوان متوجه چندین نفر باشد و بخواهد با افراد متعددی ارتباط عاطفی همراه با عشق داشته باشد.

مرحله چهارم: علاقه معطوف به چند نفر، تغییر جهت داده، به جانب یک نفر از جنس مخالف هدایت می‌شود. این فرد ممکن است حتی از خود وی بزرگ‌تر باشد. نوجوان احتمالاً در این مقطع، می‌خواهد مورد پشتیبانی عاطفی یک فرد توانا قرار گیرد.

مرحله پنجم: نوجوان تغییر عقیده می‌دهد و توجه خود را معطوف به جنس مخالفی می‌کند که تناسب سنی با او داشته باشد. [2]

برای غریزه جنسی نیز همانند هر غریزه و نیروی دیگری شیوه‌های گوناگونی برای ارضا وجود دارد که برخی از آنها با طبیعت انسانی، اخلاقی، دینی و ارزش‌های بشری، موافقت و همسویی دارد و برخی دیگر، مغایر طبیعت بشر و ارزش‌های انسانی است و به آن «انحراف جنسی» گفته می‌شود.

غریزه جنسی مانند تشنگی و گرسنگی و سایر نیازها، برای تأمین و ارضا، انسان را به فعالیت وامی دارد و او را به طرف برآورده شدن نیازش برمی‌انگیزد. در این صورت، نوجوان در مقابل خود، با چندین راه مواجه می‌گردد و به برخی از آنها اقدام می‌کند. نوجوان با ایمان و جویای کمال به دنبال شیوه‌ای می‌رود که با عقل و دستورات دینی سازگار باشد. در ذیل، به چند نمونه از راه‌هایی که برای ارضای غریزه جنسی در مقابل نوجوان وجود دارد، اشاره می‌گردد:

1. بلوغ جنسی غالباً زودتر از بلوغ روانی و بلوغ اقتصادی برای نوجوان فرامی‌رسد؛ یعنی در نوجوانان، نیاز جنسی و توانایی ارضای آن ایجاد می‌شود، در حالی که بلوغ و توانایی اداره یک خانواده از نظر اقتصادی و مدیریتی وجود ندارد و او هنوز نمی‌تواند همسر، پدر یا مادر خوبی برای اداره خانواده بشود. به همین دلیل، نوجوان با شرایطی مواجه می‌شود که از یک سو، نیاز جنسی دارد و این نیاز، او را به طرف تأمین و ارضا برمی‌انگیزد و از سوی دیگر، توانایی اداره یک خانواده را از نظر اقتصادی و تدبیر امور ندارد تا بتواند به تشکیل خانواده و ازدواج اقدام کند و مشکل را با ازدواج برطرف کند. پس ناچار است تشکیل خانواده و ازدواج را به تأخیر بیندازد و برای ارضای نیاز جنسی اش چاره‌ای بکند. اما چگونه؟

عده زیادی از نوجوانان با خویشتن داری و پرهیز از عوامل تحریک‌کننده شهوت، ارضای این غریزه را به زمان مناسب و در شکل خدایسندانه‌ای که مطابق فطرت انسانی و سازگار با دستورات اخلاقی شرع مقدّس اسلام باشد، موکول می‌کنند. این انتخاب و روش گرچه دشواری و پیچیدگی زیادی دارد، ولی انتخابی پسندیده، عقلانی، موافق فطرت انسانی و رمز کمال و سعادت انسانی است و نوجوان با این انتخاب مبارک، به جهاد با نفس، که با ارزش‌ترین جهاد و مبارزه است، اقدام می‌کند و از این طریق، هم رضایت الهی و خشنودی او را کسب می‌نماید و هم سلامتی جسمی و روحی خود را تأمین می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: هر کس دوست دارد به درجات بلندی نایل آید، باید بر خواهش‌های شهوانی چیره شود. [3] و در روایتی دیگر فرمودند: با خواهش‌های نامشروع نفس مخالفت کن تا سالم بمانی. [4]

2. گرایش دیگر که در نوجوان به وجود می‌آید و برخی را به دام خود می‌کشد «خودارضایی» (استمناء) است. این روش با اهداف خلقت انسان و نیز فلسفه آفرینش غریزه جنسی، مغایرت دارد و کاری حرام و ناپسند است.

3. برخی از نوجوانان به سوی همجنس خود کشیده می‌شوند. این انحراف، که به «همجنس‌گرایی» معروف است، با اصول انسانی و اسلامی مغایر بوده، گناه بزرگی محسوب می‌شود. 4. بسیاری از نوجوانان به جنس مخالف متمایل می‌شوند که البته این تمایل به هر شکلی غیر از پیمان عقد و ازدواج صورت‌پذیرد، عملی ناشایست محسوب می‌شود و عواقب وخیمی در پی دارد.

در میان آسیب‌های جنسی دوران نوجوانی، «خودارضایی» (استمناء) از فراوانی بیشتری برخوردار است.

منبع: مجله معرفت، فروردین 1386 - شماره 112؛ احمد پناهی، علی

پی نوشت‌ها:

[1] ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی

- النجفی، 1404، ج 20، ص 263، ب 73.
- [2] موریس دبس، بلوغ، ترجمه حسن صفاری، تهران، علمی، 1335، ص 60.
- [3] عبدالواحد آمدی تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1407، ج 2، ص 222، ح 1254.
- [4] همان، ج 1، ص 356، ح 24.

انحرافات جنسی، زمینه‌ها، پیامدها

درمیان مشکلات و معضلات متعدّد این عصر، شکل روابط ناهنجار و فساد جنسی یکی از مسائلی است که آرامش روانی افراد را با چالش مواجه ساخته است. بسیاری از جوامع در قرن حاضر، دچار بحران جنسی شده‌اند؛ بحرانی که روز به روز بر عمق آن افزوده می‌شود و دورنمای تداوم نسل بشر و حیات جنسی سالم و از همه مهم‌تر آرامش روح و روان آنان را به مخاطره می‌اندازد.

اکنون با وجود پیشرفتهای بشری، وقتی جامعه در برابر موضوعاتی مانند مسائل جنسی قرار می‌گیرد، جوامع راه صحیح از ناصحیح را باز نمی‌شناسانند. جوامع، نیازمند به بازشناسی رفتار جنسی مناسب و صحیح از رفتار جنسی نامناسب و غیرصحیح از منظر خداوند و تعالیم آسمانی و دینی نیازمند است. مکتب‌ها و نظام‌های مختلف به تناسب وسعت یا محدودیت خود، تعالیم و دیدگاه‌هایی را نسبت به اخلاق و عادات جنسی عرضه می‌کنند. از آنجاکه دین اسلام را آخرین و کامل‌ترین ادیان می‌دانیم [1] توجه به تعالیم حیات بخش اسلام می‌تواند بشر را برای نجات از این منجلاب مدد رساند؛ زیرا اسلام برای حفاظت و کنترل یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های وجود آدمی، یعنی غریزه جنسی (Sexualinstinet) نیز برنامه‌هایی دارد.

1- مهمترین زمینه‌ها و بسترهای بروز انحراف جنسی:

انحرافات جنسی، زمینه‌ها و بسترهای بروز فراوانی دارند:

- ویژگیهای مزاجی- اخلاقی و رفتارهای ناصواب والدین در محیط خانواده:

همانطور که فرزندان در قبال والدین حقوقی دارند [2] والدین نیز از بدو تولد، نسبت به فرزندان حقوقی دارند. فرد از کودکی در کنار والدین خود به سر می‌برد و از این رو، رفتار آنها نقش به‌سزایی در شکل‌گیری شخصیت او دارد. اگر والدین در رفتار جنسی خصوصیات اخلاقی و مزاجی نامناسبی داشته باشند، بر فرزندان آنها اثر میگذارد و در آنها زمینه ناهنجاری به وجود می‌آورد، حتی کجرویهای جنسی از راه شیر دادن نیز منتقل می‌شود چراکه کودک دوست دارد کارهایی که بزرگترها به خصوص والدین انجام می‌دهند را تکرار نماید. از این جهت اگر والدین به جنبه آموزشی رفتار خود توجه نکنند و هر کاری را مقابل چشمان فرزندان خود انجام دهند راه خطا را پیموده‌اند. اسلام توجه خاصی به این مسئله نموده و توصیه‌های گوناگون و مفیدی ارائه کرده است.

- عوامل محیطی؛ معاشرت‌ها و مصاحبت‌ها:

عوامل انحرافات جنسی متعدّد و متنوّع است و نمی‌توان آنها را در يك یا دو عامل خلاصه کرد. براین اساس است که در بیشتر پژوهش‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، محیط فاسد و روش‌های غلط تربیتی را عامل مشترک انحراف جنسی دانسته‌اند؛ چراکه محیط فاسد و تربیت ناصحیح، در واقع دربردارنده شماری دیگر از عوامل دخیل در انحراف جنسی هستند که روی هم رفته فضای مناسبی برای فعلیت یافتن انحرافات جنسی در افراد فراهم می‌کنند.

معاشرت و همنشینی زن و مرد با هم زمینه لغزش و انحراف جنسی را فراهم می‌کند؛ چراکه این

گونه معاشرت‌ها زمینه هم سخن شدن را فراهم کرده و موجب از بین رفتن حیا و شرم می‌شود. حضرت علی علیه السلام اینگونه معاشرت‌ها را سرزنش نموده و فرموده اند: «مردان را چه شده است که پیوسته یکی از آنها نزد زنی که شوهرش به جنگ رفته مینشیند و با او حرف میزند؛ او هم با آن مرد حرف میزند. برشما باد به اینکه از پشت پرده با آنها صحبت کنید. همانا این کار عقت است» [3]

با توجه به اینگونه مسائل است که حضرت، به مردم درباره زن‌ها هشدار میدهند که: «از زنان شرور بپرهیزید و از خوبان آنها برحذر باشید و در خوبی‌ها از آنها اطاعت نکنید که درباره بدی‌ها نسبت به شما به طمع بیفتند» [4]

- نقش ادراکات حسّی در تحریک میل جنسی:

بخش وسیعی از نگرش‌ها و گرایش‌های انسان، تحت تأثیر ادراکات حسّی او شکل می‌گیرد و هر چه از عقل و فکر، کمتر بهره برداری شود، سهم حواس در این زمینه بیشتر خواهد شد. در واقع محسوسات، اعم از دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، بوییدنی‌ها، لمس کردنی‌ها و چشیدنی‌ها، مجرای ورود بیشتر ادراکات هستند. اگر قوه عاقله بر انسان حاکم باشد از تأثیرگذاری زیاد محسوسات جلوگیری می‌کند و اگر قوه عاقله ضعیف و بی‌جان باشد و قوه مخیله بر آنها اثر گذارد، نگرش‌ها و گرایش‌هایی که معمولاً سطحی اند و خیر و صلاح دائمی فرد در آنها لحاظ نشده شکل می‌گیرند.

2- مهمترین آثار و پیامدهای انحرافات جنسی در جامعه:

- گسترش همجنس‌گرایی و فرجام آن:

در جای جای قرآن کریم، این عمل ننگین مورد نکوهش قرار گرفته و همگان را از آن برحذر داشته و به ارضای غریزه جنسی از راه مشروع (ازدواج)، دعوت نموده است.

در قرآن مجید در سوره‌های اعراف، هود، حجر، انبیاء، نمل و عنکبوت اشاراتی به وضع قوم لوط و گناه شنیع آنها (همجنس‌گرایی) شده است، منتهی در هر کدام از این سوره‌ها تعبیر متفاوت است، در حقیقت هر کدام از این تعبیرات به یکی از ابعاد شوم این عمل ننگین اشاره می‌کند:

در اعراف می‌خوانیم که لوط به آنها می‌گوید: ﴿بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ﴾؛ شما جمعیتی اسرافکارید (اعراف: 81) در سوره انبیاء می‌خوانیم: ﴿وَ نَجِّنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ﴾ (انبیاء: 74)؛ ما لوط را از قریه‌ای که "خبائث" انجام می‌داد رهایی بخشیدیم، آنها قوم بد و فاسقی بودند و در آیه مورد بحث نیز خواندیم که لوط به آنها می‌گوید: ﴿بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ﴾؛ شما جمعیت تجاوزگری هستید و در سوره نمل آمده است: ﴿بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (نمل: 55)؛ شما قومی جاهل و نادانید و در سوره عنکبوت آیه 29 از زبان لوط چنین آمده است که به آنها می‌گوید:

﴿إِنكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ﴾ (عنکبوت: 29)؛ شما به سراغ مردان می‌روید و راه فطرت و نسل انسان را قطع می‌کنید به این ترتیب این عمل زشت تحت عنوان "اسراف"، "خبیث"، "فسق"، "تجاوز"، "جهل" و "قطع سبیل" مطرح شده است.

همانطور که در بحث قبل گذشت، همجنس‌گرایی نتایج و اثرات منفی در روح و روان افراد و جوامع می‌گذارد و این نکته در خور توجه است که قرآن و احادیث از دیر باز این معضل را پیش‌بینی نموده‌اند و فرجام شومی را برای چنین جوامعی رقم زده‌اند.

پیامبر گرامی اسلام صلی لله علیه و آله می‌فرماید: «لا یجد ریح الجنة زنوق، و هو المخنث!؛ "بوی بهشت به مشام کسی که مورد همجنس‌گرایی واقع می‌شود نخواهد رسید» [5] و در حدیث دیگری از حضرت علی می‌خوانیم که لوط را در سر حد کفر معرفی فرموده است. [6]

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره فلسفه تحریم همجنس‌گرایی فرمود: «علة تحریم الذکران للذکران، و الاناث للاناث، لما ركب فی الاناث و ما طبع علیه الذکران، و لما فی اتیان الذکران، الذکران و الاناث للاناث، من انقطاع النسل، و فساد التدبیر، و خراب الدنیا؛ فلسفه تحریم مردان بر مردان و زنان بر زنان این است که این امر بر خلاف طبیعتی است که خداوند برای زن و مرد قرار داده (و مخالفت با این ساختمان فطری و طبیعی، سبب انحراف روح و جسم انسان خواهد شد) و به خاطر این است که اگر مردان و زنان همجنس‌گرا شوند، نسل بشر قطع می‌گردد و تدبیر زندگی اجتماعی به فساد می‌گراید و دنیا به ویرانی می‌کشد» [7] این مساله تا به آنجا از دیدگاه اسلام زشت و ننگین است که این دسته از افراد را از غضب شدگان الهی می‌شمردند [8] و در ابواب حدود اسلامی حد آن بدون شك اعدام شمرده شده است و حتی برای کسانی که مراحل پائین‌تر همجنس‌گرایی را انجام می‌دهند مجازات‌های شدیدی ذکر شده، از جمله در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

«من قبل غلاما من شهوة أجمه الله يوم القيامة بلجام من نار؛ کسی که پسری را از روی شهوت بیوسد خداوند در روز قیامت لجامی از آتش بر دهان او می‌زند» [9] قرآن کریم سرانجام داستان لوط را که قومی همجنس‌گرا بودند، عاقبتی شوم معرفی می‌کند و چون عذاب باید تناسبی با نحوه گناه داشته باشد از آنجا که این قوم در طریق انحراف جنسی همه چیز را دگرگون ساختند، خداوند نیز شهرهای آنها را زیر و رو کرد و از آنجا که بارانی از سخنان رکیک به طور مداوم بر هم می‌ریختند، خداوند هم بارانی از سنگ بر سر آنان فرو ریخت.

- خود ارضایی (استمناء) و آسیب‌های جنسی در قشر نوجوانان: از جمله تحولات قابل توجه در دوره نوجوانی و بلوغ، [10] بیداری غریزه جنسی و ظهور تمایلات جنسی و شهوانی است که گاهی نوجوانان را با مشکل مواجه می‌سازد. [11] قوای جنسی از استعدادهای فطری بشر است که بر اساس آن میتوان تشکیل کانون خانواده و ادامه نسل انسان را پی‌ریزی کرد تا لذتی ارزشمند از این طریق نصیب انسان شود؛ اما اگر این استعداد و توانایی در مسیر انحرافی و خارج از چارچوب دستور عقل و وحی قرار گیرد، انسان را به سوی هلاکت معنوی و مادی میکشاند و از ارزشهای انسانی دور می‌کند و در دام بیماریهای روانی جنسی گرفتار می‌سازد.

افراد خود ارضا علاوه بر گرایش به بی‌بند و باری جنسی، به بی‌عفتی نیز تمایل پیدا می‌کنند؛ بی‌عاطفه و کم‌رو و خجل هستند؛ صفای دل و نورانیت معنوی کمتری دارند؛ به مجالس دعا و توسل علاقه‌های نشان نمیدهند و تاریکی و ظلمت آنها را احاطه کرده است و اوقات خود را بیشتر با کارهای بیهوده سپری می‌کنند. [12]

برخی از روانشناسان خود ارضایی را «مرض تنهایی» نام نهاده‌اند [13] «تنهایی» به مفهوم ضعیف شدن ارتباطات اجتماعی و محروم شدن از روابط گرم و عاطفی با دیگران است که اگر ادامه داشته باشد روح نوجوان را ضعیف و حساس می‌کند و نیروی اراده او را به تحلیل میبرد و علائق نوجوان و لذتهای او را از اجتماع زایل میگرداند. در نتیجه، نوجوان در تنهایی و خلوت خود، اقدام به کسب لذت از خویش می‌کند و به خود ارضایی روی می‌آورد و با توجه به اینکه مقبولیت و محبوبیت فرد در اجتماع برای او اهمیت فراوانی دارد؛ [14] اما او همیشه فردی منزوی و طرد شده از جامعه باقی میماند. چراکه او به خود تلقینات منفی می‌کند و با وجود این از همه چیز هراس دارد. [15]

در بعد دیگر، خود ارضا، احساس گریز از اجتماع پدید می‌آورد که در اثر افراط و تکرار این عمل ناپسند، این احساس ریشه دار خواهد شد.

خود ارضا در گوشه‌های منزوی، به افکار دور و دراز می‌پردازد. توجه به لذات شخصی و خیالی، سبب سستی روابط اجتماعی می‌گردد و حیات جمعی و با دیگران بودن را دچار مخاطره می‌سازد. در نتیجه، وقتی در عرصه اجتماعی وارد می‌شود وبا مردم جوشش کمتر دارد و از حضور در کنار دیگران لذت نمی‌برد. بدین روی، شخصیت اجتماعی و انسانی چنین افرادی به تدریج متزلزل می‌شود و جامعه نیز از وجود نیروی جوان و خلاق محروم می‌ماند و در دراز مدت، این ویژگیها موجب اختلال در ارتباط آنان با خانواده و اجتماع می‌گردد.

از سوی دیگر، خود ارضایی مکرر موجب تحریک بیش از حد دستگاه عصبی «پاراسمپاتیك» و افزایش تخلیه «استیل کولین» از انتهای این رشتهها در مغز می‌گردد و این خود موجب برخی عوارض جسمانی و روانی همچون حواس پرتی، کمی حافظه، سیاهی رفتن چشم و در نهایت تاری دید می‌شود. تمام این نشانهها ناشی از تغییر تعادل میزان مواد شیمیایی موجود در مغز است که بین سلولهای عصبی رد و بدل می‌شود و انتقال پیامهای گوناگون را بر عهده دارد. [16]

منبع: مجله حسنا، تابستان 1391 - شماره 13؛ رضایی اصفهانی، محمد علی؛ احمدی فر، مصطفی

پی نوشت ها:

- [1] نك؛ بقره: 106-107؛ انعام: 44؛ یونس: 14؛ حدید: 7؛ نور: 34.
- [2] نك؛ قپانچی، سید علی، رساله حقوق علی بن الحسین، ج1، ص457.
- [3] هاشمی الخویی، حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج20، ص273.
- [4] فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه 79.
- [5] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوارالجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج79، ص67
- [6] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوارالجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج79، ص67
- [7] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوارالجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج79، ص64.
- [8] نك؛ مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، ج10، ص60.
- [9] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوارالجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج79، ص72.
- [10] نك؛ شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، 204.
- [11] نك؛ دبس، موریس، بلوغ، 60؛ مصباح، علی ودیگران، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ص398؛ گروهی از نویسندگان، روانشناسی رشد، ص23-25؛ مالینووسکی، برانیسلاو، میل جنسی و فرونشانی آن در جوامع نامتمدن، مقدمه.
- [12] موسسه پژوهشی-فرهنگی اشراق، ص17-18.
- [13] دبس، موریس، بلوغ، ص62.
- [14] نك؛ بیابانگرد، اسماعیل، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان ونوجوانان، ص121.
- [15] ژاگو، پل، قدرت اراده، ص80-81.
- [16] شاکرین، حمیدرضا وهمکاران، پرسشها و پاسخهای برگزیده، ص228.

اقسام انحرافات جنسی

در دوره بلوغ، هویت جنسی از طریق تمایل به جنس مخالف شکل می‌گیرد و آمادگی برای ازدواج به وجود می‌آید؛ در صورتی که از طریق ازدواج تمایلات جنسی ارضا شود، سلامت روانی پدید می‌آید؛ در غیر این صورت ممکن است به اختلال جنسی- روانی و در نهایت به انحراف جنسی بیانجامد.

روش های مختلفی در بررسی معیارها و تعریف «انحراف» یا «غیرعادی بودن» رفتار جنسی وجود دارد:

روش آماری: بر اساس این معیار، رفتاری را که اکثریت جامعه انجام می‌دهند و مورد قبول آن‌ها است، رفتار عادی تلقی می‌شود و هر رفتار جنسی که کمیاب و نادر تحقق می‌پذیرد، انحراف جنسی محسوب می‌شود. [1] روشن است که این معیار از انحراف نمی‌تواند صحیح و درست باشد؛ زیرا از يك طرف، برخی رفتارهای جنسی سالم در میان افراد به ندرت انجام می‌گیرد و نمی‌توان به آن انحراف گفت؛ از طرف دیگر چه بسا جامعه‌ای به يك انحراف جنسی مبتلا شود و همه گیر بودن آن رفتار، نمی‌تواند معیار سلامت باشد. متأسفانه این معیار، درباره‌ی کنش‌های روانی و اجتماعی انحراف‌های جنسی اشخاص، هیچ‌گونه اطلاعی را به انسان ارائه نمی‌دهد.

روش جامعه‌شناختی: در این روش، مشکل وابستگی فرهنگی آشکارا روشن است. يك جامعه‌شناس، انحراف جنسی را شکستن قوانین اجتماعی می‌داند. بر اساس این معیار، تفاوت‌های فرهنگی باعث می‌شود که در هر جامعه‌ای نوع خاصی از رفتارهای جنسی انحراف شمرده شود که دست کم مخصوص همان جامعه است. چه بسا در فرهنگ خاصی، يك رفتار جنسی انحراف شمرده شود، ولی همان رفتار در جامعه‌ی دیگر عادی و طبیعی باشد.

روش روان‌شناختی جدید: بر اساس این روش، یکسری معیارهای کلی وجود دارد که بر اساس آن‌ها می‌توان انحراف جنسی را تشخیص داد. آرنولد باس [2] در کتاب آسیب‌شناسی روانی خود سه معیار برای تشخیص انحراف جنسی ارائه کرده است:

1 فرد از انجام آن ناراحت و در رنج است.

2 عدم کفایت

3 عجیب و غریب بودن

وی معیار سوم را چنین توضیح می‌دهد که عجیب و غریب بودن يك رفتار جنسی در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است؛ اما دو معیار دیگر به طور تقریبی در هر فرهنگی می‌تواند مطرح باشد. آرنولد باس معیار چهارمی را اضافه نموده و آن آسیب‌بدنی یا روانی به خود شخص یا دیگران است. رفتارهای جنسی که موجب صدمه‌ی بدنی یا روانی به خود فرد یا آزار دادن دیگری باشد، نیز انحراف و غیرطبیعی خوانده می‌شوند. [3]

کاپلان [4] و سادوک [5] معتقدند که با توجه به پیچیده بودن رفتارهای جنسی بشر نمی‌توان دقیقاً رفتار جنسی طبیعی را ترسیم کرد. آن‌ها عقیده دارند که حتی در برخی شرایط که مورد قبول دیگران نیست، رفتار جنسی می‌تواند طبیعی باشد؛ از جمله این‌ها که: «روابط جنسی فرد با همسر خود به تنهایی صورت نگیرد، یا روش‌های تحریک جنسی به اعضای جنسی اولیه منحصر نباشد یا حتی رفتار جنسی به اوج لذت متقابل رضایت بخشی منجر نگردد؛ در چنین شرایطی باز هم رفتار جنسی طبیعی و بهنجار است.» [6]

کاپلان و سادوک معیارهای رفتار جنسی غیرطبیعی را چنین تبیین می‌کنند: «در شرایط فوق و معیارهای محدود بالا، اگر رفتارها وسواس‌گونه، انحصاری، مخرب یا همراه با اضطراب و احساس گناه شدید باشند، می‌توان آن‌ها را انحراف نامید» [7]

انحراف جنسی از دیدگاه اسلام، به رفتارهای جنسی گفته می‌شود که خارج از حدود فطرت و توأم با نگرانی و اضطراب است. برخی از این انحرافات در متون اسلامی و دینی عبارتند از:

1- زنا (آمیزش جنسی با غیر همسر مشروع خود)

2- لواط (هم‌جنس‌گرایی مرد با مرد)

3- سحاق (هم‌جنس‌گرایی زن با زن)

4- آمیزش با محارم (مثل مادر، خواهر،...)

- 5- خودارضایی و خودتحریکی (استمنا)
- 6- آمیزش با چهارپایان، حیوان خانگی (وطی بهایم)
- 7- آمیزش با کودکان (کودک خواهی)
- 8- دیاثه (بی تفاوتی مرد هنگامی که همسرش با دیگری آمیزش می‌کند)
- 9- قیاده و دلالی (واسطه‌گری نامشروع)
- 10- مبدل پوشی (پوشیدن لباس‌های زنانه توسط مردان و برعکس)
- 11- عریان‌گرایی (خودنمایی جنسی)
- 12- چشم‌چرانی (نظربازی)

آثار هر يك از انحرافات جنسی در زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی انسان چنان آسیب‌رسان است که موجب اختلالات روحی و روانی خواهد شد. با بررسی آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) اثرات هر يك از موارد فوق را می‌توان شناخت. در این رابطه به بعضی از انواع انحرافات اشاره می‌شود:

الف- زنا

خداوند متعال در سوره اسری آیه 32 می‌فرماید: «و لاتقربوا الزنی اّنه کان فاحشه و ساء سبیلا»، «به زنا نزدیک نشوید، زیرا کاری زشت و بد راهی است.» خداوند زنا را حرام کرده است و حرمت آن را در آیات بسیاری از سوره‌های مکی مانند فرقان و اسراء و سوره‌های مدنی مانند نور و ممتحنه تأکید کرده است.

به طور طبیعی، زنا آثار روانی خاصی را بر مرد و زن ایجاد خواهد کرد؛ از نظر روانی در هنگام عمل جنسی نامشروع میان مرد و زن، ترس و اضطراب وجود دارد؛ ترس از رسوایی در آینده و اضطراب نسبت به این که مرد پس از ارضای جنسی، زن را رها کند و همانند کالایی معیوب در جامعه باقی‌گذارد. ترس از این که هر دو مرتکب قانون شکنی شده‌اند و قانون آنان را مجازات خواهد کرد و به خصوص اگر اعتقاد دینی داشته باشند، علاوه بر ترس و اضطراب قانون شکنی، احساس گناه هم می‌کنند و دلیل آن پشیمانی مکرری است که در زمان گذشته و حال میان چنین افرادی دیده شده است. آثار زنا در فرزندان زنا نیز ایجاد می‌شود. امام صادق (ع) درباره زنازادگان می‌فرماید: «این فرزندان به حرام تمایل دارند و قوانین دین را سبک می‌شمارند و در معاشرت بد اخلاق هستند.» [8]

امام رضا (ع) در حدیث دیگری درخصوص علت حرمت زنا این‌گونه می‌فرماید: «علت حرمت زنا، فساد اجتماعی و فردی و از بین رفتن پیوند ارث و قطع ریشه و نسب ارتباط‌های خانوادگی و رابطه پدر فرزندی است. زن زناکار نمی‌داند از نطفه کدام مرد باردار شده و فرزندش متعلق به کیست؟ زنازاده نمی‌داند پدرش کیست؟ پیوند خویشاوندی از بین می‌رود و قرابت شناخته شده‌ای نمی‌ماند.»

پیامبر گرامی اسلام (ص)، مسلمانان را از زنا برحذر داشته و آن را با شش ویژگی توصیف کرده است: «ای مسلمانان، از زنا بپرهیزید؛ به درستی که در آن شش ویژگی وجود دارد؛ سه خصوصیت در دنیا و سه خصوصیت در آخرت؛ اما آثار دنیوی آن عبارتند از: 1- نور و روشنایی چشم را از بین می‌برد 2- فقر را به دنبال دارد 3- عمر را کوتاه می‌کند و آثار آخرتی آن عبارتند از: 1- سخت‌گیری در حساب اعمال در آخرت 2- موجب غضب خدا می‌شود 3- موجب جاوید ماندن در آتش جهنم خواهد شد.»

از پیامبر اسلام (ص) روایت شده که فرمود: «وقتی که کسی زنا می‌کند، روح ایمان از او جدا می‌شود.» امام محمد باقر (ع) در تفسیر این سخن پیامبر فرمود: «قول خدای تعالی که فرمود: و آنان را به روحی از جانب خود تأیید نموده، همین روح است که (در اثر زنا) از او مفارقت خواهد

کرد» (حر عاملی، 1403 ق: ج14، ص235).

یکی از آثار زنا، به عنوان کیفر اجتماعی زناکار این است که اسلام از ازدواج مؤمنان پاک با مرد یا زن زناکار منع فرموده است: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (نور، 3)

علامه طباطبایی ذیل آیه فوق می‌فرماید: «زناکار وقتی زنا یا او شهرت پیدا کرد و حد بر او جاری شد، ولی توبه نکرد، حرام است که با زن مسلمان و پاک ازدواج کند؛ بلکه باید با زن زناکار یا مشرک ازدواج کند و هم چنین است زن زناکار.» [9] این کیفر در واقع یک نوع طرد و اخراج از جامعه اسلامی است. در این زمینه احادیث فراوانی وجود دارد؛ امام صادق (ع) فرمود: «با مرد و زنی که به زنا مشهور است، ازدواج نکنید؛ مگر این که بدانید توبه کرده اند.» [10]

ب- هم جنس خواهی

یکی دیگر از انحرافات جنسی، آمیزش با هم جنس است. چنین آمیزشی برخلاف فطرت انسانی است. در خلقت و آفرینش طبیعی و فطری، مرد برای زن و زن برای مرد آفریده شده است. همان طور که قرآن کریم می‌فرماید: «هِنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ»، (بقره، 187) زنان برای مردان، مایه تقوی و مردان هم برای زنان، لباس تقوی هستند که با ازدواج یکدیگر را از گناه باز می‌دارند و به کمال می‌رسانند.

خداوند در قرآن کریم خطاب به مردان قوم لوط که گرایش هم جنس خواهی داشتند می‌فرماید: «آیا از مردم جهان، با مردان آمیزش می‌کنید و همسرانتان را که خدا برای شما آفریده است، رها می‌کنید؟ بلکه شما گروهی تجاوزکار هستید.» (شعرا، 165-166) قرآن هم جنس خواهی را تجاوز از فطرت و خلقت طبیعی معرفی کرده است: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ»، یعنی شما مردمی هستید که از حد و مرزی که فطرت و خلقت برایتان ترسیم کرده است، تجاوز می‌کنید. علت تحریم رابطه جنسی مردان با یکدیگر و زنان با هم، در سخن حضرت امام رضا (ع) چنین آمده است: «علت تحریم لواط و سحاق، به خاطر آن چیزی است که در زنان ترکیب شده و آن چه در طبیعت مردان وجود دارد و به خاطر آثاری که در آمیزش مردان با هم و زنان با یکدیگر وجود دارد و آن‌ها عبارتند از: 1- انقطاع نسل 2- به هم خوردن تدبیر و نظم زندگی اجتماعی 3- ویرانی دنیا» [11]

با عمل هم جنس گرایی که نظام طبیعی زوجیت را خدشه دار کرده است، بقای نوع بشر به خطر می‌افتد، تدبیر و برنامه ریزی نظام اجتماعی مختل شده و نابسامانی دنیا را فرا می‌گیرد.

ج- استمنا

استمنا به این معنی است که فرد در رابطه جنسی با خود، کاری کند که منی از وی خارج شود. خودارضایی هنگامی رخ می‌دهد که فرد به قصد انزال منی و لذت جنسی خود را تحریک می‌کند تا به اوج لذت برسد. از امام صادق (ع) سؤال شد: «استمنا و گناه آن چیست؟» فرمود: «گناهی بزرگ است و خداوند در کتاب خود از این عمل انسان‌ها را نهی فرموده است. کسی که به چنین عملی دست می‌زند، گویی با خود ازدواج کرده است؛ اگر از کار وی آگاه می‌شدم با وی غذا نمی‌خوردم.» سؤال کننده گفت: «ای فرزند رسول خدا، مأخذ این سخن را که فرمودید از کتاب خداست، برای من بیان کن.» امام فرمود: «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَاولئك هم العادون» (مؤمنون، 7؛ معارج، 31)، «کسانی که بیرون از آن چه گفته شد، طلب کنند از حد تجاوز کرده اند.» سپس چنین ادامه دادند: «و استمنا خارج از این محدوده است.»

آثار جسمی و روانی استمنا زیانبار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

1- تحریک زیاد هیپوتالاموس و در نتیجه تحریک افراطی غدد جنسی که سبب پرکاری نامتناسب آن‌ها می‌شود و بلوغ زودرس را به دنبال دارد.

- 2- کاهش و تخلیه مکرر قوای جسمی و روحی که به ضعف عمومی بدن و بالاخره پیری زودرس می‌انجامد.
- 3- به علت افزایش جریان خون در اعضای تناسلی، مغز و مراکز حساس دیگر، پیوسته دچار کاهش نسبی جریان خون می‌شود.
- 4- رکود فکری، اختلال و ضعف حافظه و کاهش اراده در کسانی که استمنا می‌کنند، دیده می‌شود.
- 5- ضعف بینایی و بی‌اشتهایی و در صورت افراط، ضعف استخوانی و ناراحتی‌های مفصلی در این افراد شایع است.
- 6- فرد از نظر فکری نوعی توجه نسبتاً مداوم به موضوع‌های جنسی پیدا می‌کند که این امر مانع تفکر آزاد وی می‌شود.
- 7- در مراحل افراطی به ضعف جنسی و انزال زودرس منجر می‌شود.
- 8- به علت ارضای ناقص و غیرطبیعی، بعد از ازدواج غالباً در امور زناشویی با مشکل مواجه می‌شوند.
- 9- گوشه‌گیری، یأس و بی‌تفاوتی نسبت به مسایل مهم و حیاتی، غم و کدورت روانی از عوارض دیگر آن است.
- 10- در موارد شدید خود آزاری ایجاد شده و فرد از آزار رساندن به خود لذت می‌برد. [12]
- د- مبدل پوشی
- یکی دیگر از انحرافات جنسی این است که مردان پوششی زنانه و زنان پوششی مردانه داشته باشند. چنین انحرافی با اختلال هویت جنسی ارتباط دارد؛ یعنی مرد احساس مردانه ندارد و زن در واقع خود را زن نمی‌شناسد یا حداقل احساس خوشایندی از جنسیت خود ندارد و از این جهت لباس جنس مخالف را می‌پوشد. امام علی (ع) می‌فرماید: «از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: خدا لعنت کند مردانی را که خود را شبیه زنان می‌سازند و زنانی که خود را به مردان همانند می‌کنند.»
- با تأمل در روایت فوق روشن می‌شود که مردان و زنان باید متناسب با عرف، سنت و محیط اجتماعی، لباس متناسب خود را بپوشند و اگر کسی لباس جنس مخالف را می‌پوشد، ناشی از نقص‌ها و کمبودهایی است که در جنسیت خود می‌یابد. نگرش او به خودش نادرست است و باید اصلاح شود.
- ه- عریان‌گرایی
- اسلام به حجاب زن و مرد توجه خاصی نموده و مردان و زنان را موظف نموده است که عورت خود را از نامحرم بپوشانند و تنها مورد استثنا، زن و شوهر است که می‌توانند اندام جنسی یکدیگر را ببینند. هیچ مرد و زن نامحرمی از نظر اسلام مجاز نیستند که اندام جنسی یا حتی زیبایی‌های ظاهری خود را در معرض تماشای دیگری بگذارند؛ مگر در موارد خاصی که به سبب رابطه خویشاوندی به میزان معینی مجاز می‌شوند. با توجه به ضرورت حجاب در اسلام، نه تنها عریان‌گرایی، بلکه هر گونه بی‌حجابی هم نهی شده است.
- و- چشم‌چرانی
- همان‌طور که پیش از این مطرح شد، اسلام به منظور پیشگیری از انحراف جنسی، به مردان و زنان مؤمن دستور می‌دهد که نگاه خود را از نامحرم فرو بپوشند. کسانی که از امر خدا تجاوز کرده و به‌طور مکرر نگاه شهوت‌آلود به زنان می‌نمایند، مرتکب حرام شده و منحرف جنسی شناخته می‌شوند. خداوند متعال می‌فرماید: «ای پیامبر به مؤمنان بگو چشم‌هایشان را فروپوشانند و دامن خویش را محافظت کنند. این برای آنان به پاکی نزدیکتر است. خدا به آن چه

مؤمنان انجام می‌دهند، آگاه است و به زنان مؤمن نیز بگو که چشمان خویش را از مردان نامحرم بپوشانند.» (نور، 30-31)

منظور از کنترل نگاه، همان طور که از معنی واژه «غض نظر» در آیه برمی‌آید، فرو پوشاندن چشم و ادامه ندادن نگاه است. در حدیثی که از امام محمد باقر (ع) نقل شده، چنین آمده است: «نخستین نگاه اشکال ندارد؛ اما نگاه دوم به زیان توست و نه به نفع تو و در نگاه سوم هلاکت است.» [13]

از سوی دیگر، در پاداش کسی که نگاه خود را از حرام باز دارد، امام صادق (ع) می‌فرماید: «هرگاه کسی به زنی نگاه کند، سپس سر به سوی آسمان بلند کند یا چشم بپوشاند، پیش از آن که نگاهش باز گردد، خداوند از زنان بهشتی او را تزویج خواهد کرد.» [14] در این حدیث، کنترل نگاه با برگرداندن آن به سوی چیزی است که انسان را به یاد خدا بیندازد یا دست کم از موضوع مورد توجه بکاهد. در عروة الوثقی، راجع به نگاه مرد و زن نامحرم به یکدیگر آمده است که جایز نیست مرد به زن بیگانه (نامحرم) نگاه کند و هم چنین نگاه زن به مرد اجنبی نیز جایز نیست؛ مگر برای ضرورت (از قبیل تشخیص بیماری و درمان) آن هم با شرایط خاصی که در عروة الوثقی ذکر شده است. [15] امام خمینی (ره) می‌فرماید: «نگاه مرد به صورت و دو دست زن تا مچ، بدون قصد لذت برای بار اول جایز است؛ ولی تکرار آن جایز نیست.» [16]

از آن جا که انحرافات جنسی دیگر، از قبیل حیوان‌خواهی (وطی بهایم)، کودک‌خواهی، دیاتة، قیادة و زنا با محارم نسبت به دیگر انحرافات از فراوانی کمتری در جامعه برخوردار است، از توضیح آن‌ها صرف نظر می‌شود.

منبع: برگرفته از مقاله: رفتار شناسی جنسی در اندیشه دینی؛ کج باف، محمد باقر؛ مجله مطالعات راهبردی زنان، بهار 1384 - شماره 27

پی‌نوشت‌ها:

- [1] Understanding human Sexuality, Hyde, J, Mc. Grow, New York, 1986: 458
- [2] Arnold Buss
- [3] Understanding human Sexuality, Hyde, J, Mc. Grow, New York, 1986: 460
- [4] Kaplan, H
- [5] Sadock's, B
- [6] «خلاصه روانپزشکی»، کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین، نصرت‌الله پور افکاری، تبریز، انتشارات ذوقی، چ اول، 1368: ص 11
- [7] همان.
- [8] رك. «كودك»، فلسفی، محمد تقی، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، چ پانزدهم، 1342. ص 145.
- [9] «المیزان»، طباطبایی، سید محمدحسین؛ سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات محمدی، 1397 ق: ص 80.
- [10] «جوان»، فلسفی، محمد تقی؛ تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، چ پانزدهم، 1348: ص 151.
- [11] «وسایل الشیعه»، حرعاملی، محمدبن الحسن؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ پنجم، 1403 ق: ج 14، ص 251.
- [12] «نگاه پاک زن و نگاه‌های آلوده به او»، صبور اردوبادی، احمد؛ تهران، انتشارات امیرکبیر، 1367: ص 124.
- [13] «وسایل الشیعه»، حرعاملی، محمدبن الحسن؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ پنجم، 1403 ق: ج 14، باب 104، ح 8.
- [14] همان.

- [15] رك. «العروة الوثقى»، یزدی، سید محمد كاظم: بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چ دوم، 1409ق: ص805.
- [16] «تحریر الوسیله»، خمینی، سید روح الله؛ قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ دوم، 1390ق.، ص243.

خودارضایی

خودارضایی یا استمناء به مشکلی اطلاق می‌شود که برخی از کودکان و نوجوانان برای رسیدن به لذت جنسی به آن مبادرت می‌ورزند. در دوران کودکی این عمل گاه به صورت آشکار و غیرپنهان به وسیلهٔ کودک انجام می‌پذیرد. خودارضایی در سنین نوجوانی شکل دیگری پیدا کرده، نامناسب بودن آن مشخص تر می‌شود و نوجوان مشکل دار معمولاً در شب‌ها یا در خلوت و پنهانی مبادرت به این کار می‌کند. آن چه مسلم است این عمل زشت از نظر شرعی گناه محسوب شده و فعلی حرام است. هنگامی که در نوجوان این عادت شدت پیدا کند، عوارض جانبی، نظیر رنگ پریدگی، احساس گناه، احساس حقارت، بریدن از دیگران و گرایش به تنهایی و انزوا نمود بیشتری پیدا می‌کند.

این مشکل در اکثر طبقه بندی‌های جدید مشکلات، به صورت جداگانه و جزو مشکلات جنسی قرار نگرفته است، زیرا این امر، مسئله‌ای شایع و متداول بین کودکان و به خصوص نوجوانان گزارش شده است. آمار کیفی در بعضی از زمینه‌های پژوهشی نشان می‌دهد که خودارضایی در برخی از طبقه بندی‌ها به عنوان یک واکنش رفتار جنسی نامناسب طبقه بندی شده است. به هر حال پژوهش‌ها و تحقیقات مختلف و متعدد در طول سال‌های متمادی، بحث‌هایی را در خصوص این مسئله به خود اختصاص داده است که در چه زمانی و با چه شدتی می‌توان ابعاد مختلف فردی، بهداشتی و اجتماعی مشکل خودارضایی را مورد بررسی قرار داد.

نکته قابل توجه آن که در دوران کودکی هدف کودک از خودارضایی لذت جنسی نیست، ولی در دوران نوجوانی و جوانی فرد با تصویری ذهنی در تخیل خود از جنس مخالف، به خودارضایی و رسیدن به لذت جنسی دست می‌یابد. در حقیقت کودک به شکلی تصادفی یا از روی خود کنجکاوی این عمل برایش لذت بخش جلوه می‌کند. طبیعی است که کودک در این دوران این کار را بدون احساس شرم و گناه انجام می‌دهد و لذا این عمل ممکن است در حضور دیگران هم انجام بپذیرد.

علت استمناء در کودکان ممکن است پوشیدن لباس زیر تنگ باشد که باعث تحریک او می‌شود. گاه نیز به علت وجود انگل یا خارش دستگاه تناسلی یا بعضاً مشاهدهٔ صحنه‌هایی در محیط خانواده (والدینی که حدود شرعی را رعایت نمی‌کنند)، صورت بپذیرد. همچنین کودکان طرد شده یا کودکانی که به شکلی به وسیلهٔ بزرگترها مورد سوء استفادهٔ جنسی قرار می‌گیرند، ممکن است دست به عمل زشت خودارضایی بزنند.

اما در نوجوانان، تغییرات هورمونی و رشد و نیز ویژگی‌های جنسی ثانویه همراه با افزایش کنجکاوی جنسی باعث این عمل می‌گردد. نوجوانانی که در خانواده و مدرسه بیش از حد روی رفتار آن‌ها کنترل انجام می‌شود، یا آن‌ها را نسبت به وظایف و حالات دوران بلوغ آشنا نمی‌کنند و به صورت بسته و مستقیم آنان را نسبت به مسایل جنسی دچار نگرانی می‌کنند، برای فرار از فشارهای محیطی به عمل استمناء مبادرت می‌ورزند.

یکی از علت‌هایی که در دوران کاوی مطرح شده است، «عدم رشد مراحل شخصیتی» است که به تعبیری توقف در مرحلهٔ ابتدایی رشد فردی می‌باشد. در واقع تحریک جنسی فرد بدون دخالت و شراکت فرد دیگری انجام می‌گیرد که غیرطبیعی به شمار می‌آید. این تحریک جنسی یک نفری را اصطلاحاً «اتواروتیسم» می‌گویند.

روان رنجوری، علت دیگری برای خودارضایی است. فردی که دچار مشکلات نوروتیک یا بعضاً «سایکوز» می‌باشد ممکن است به استمناء روی بیاورد. بعضی از روان‌شناسان این علت را

یک باور علمی نمی‌دانند و خود ارضایی را نوعی تشفی جنسی طبیعی می‌دانند که فرد به علت دوربودن از جنس مخالف انجام می‌دهد. اگر این عمل با احساس گناه شدید و اضطراب و ترس از لو رفتن انجام گیرد، فرد نوجوان را دچار مشکلات جنسی خواهد کرد. ارائه آموزش و آگاهی‌های درست به نوجوان که به وسیله والدین و مربیان دلسوز و آگاه انجام می‌گیرد، می‌تواند بدون آن که هوشیاری‌های جنسی را در نوجوان ایجاد کند، اطلاعات لازم را در حد تفاوت‌های فردی نوجوان به او انتقال دهد. کنترل و توجه بجا و به اندازه، همراه با محبت و امنیت در محیط خانواده و محیط‌های آموزشی، در پیشگیری، کاهش و مداخله مؤثر می‌تواند سازنده و اثربخش باشد. [1]

انحراف جنسی خودارضایی آثار سوء فراوانی دارد که نجات پیدا کردن از آنها به سادگی ممکن نیست. در این مقام، به برخی از آثار سوء و ناپسند این عمل اشاره می‌شود:

الف. ضررها و آسیب‌های جسمانی:

1. ضعف و تحلیل قوای جسمانی: کاهش انرژی جسمانی از مضرات مهم خودارضایی است. احساس خستگی عارضه طبیعی انزال است و اگر خودارضایی ادامه پیدا کند، خستگی و ناتوانی جسمانی بر انسان عارض شده، قوای بدنی او را تباه می‌کند و به پیری زودرس و ضعف بدنی می‌انجامد.

2. ضعف بینایی: خودارضایی به تدریج، بر نور چشم و بینایی انسان اثر سوء می‌گذارد و چشم را به شدت ناتوان و کم نور می‌کند. جوانی که مدتی به این انحراف مبتلا بود، در جلسه مشاوره می‌گفت: با اینکه ورزش کار هستم، چشمانم خسته می‌شود و نمی‌توانم به خوبی کتاب مطالعه کنم و جلوی چشمم احساس تاری می‌کنم، به حدی که سرگیجه می‌گیرم و در قعر چشم‌هایم، درد شدیدی احساس می‌کنم.

3. آسیب‌پذیری در برابر بیماری‌ها: ضعف قدرت بدنی و قوای جسمانی بستر مناسبی برای پذیرش انواع بیماری‌هاست؛ زیرا بدنی که با خودارضایی ضعیف و ناتوان شده، نمی‌تواند در مقابل ویروس‌های بیماری‌زا از خود دفاع کند و آمادگی زیادی برای آسیب‌پذیری دارد. اگر به اطراف خود در محیط اجتماع توجه داشته باشید، در خواهید یافت ورزشکاران و افرادی که توان جسمی خوبی دارند، کمتر به بیماری مبتلا می‌شوند و این به خاطر آن است که مقاومت بیشتری در مقابل ویروس‌های بیماری‌زا دارند و آسیب‌پذیری‌شان کمتر است.

4. آسیب‌دستگاه تناسلی و ناتوانی جنسی: خودارضایی آثار تخریبی زیادی در دستگاه تناسلی به جای می‌گذارد که بعضی از آنها عبارتند از:

الف. ابتلا به بیماری «سرعت انزال»: در این بیماری، نوجوان با کوچک‌ترین تحریک جنسی، احتلام پیدا می‌کند؛ یعنی منی از او خارج می‌شود. این افراد پس از ازدواج هم با مشکلاتی مواجه می‌شوند.

ب. ناتوانی جنسی و ایجاد اختلال در دستگاه تولید مثل بدن و هورمون‌های جنسی؛

ج. بیماری‌های مقاربتی و احتمال عقیم شدن (بچه دار نشدن)؛

د. ارضای جنسی ناقص و از دست دادن لذت جنسی پس از ازدواج.

ب. ضررها و آسیب‌های روحی روانی:

1. ضعف حافظه و حواس پرتی: همان‌گونه که گذشت، یکی از پیامدهای خودارضایی ضعف و تحلیل قوای جسمانی است و این به نوبه خود، ناشی از اختلال در عملکرد دستگاه مغز و اعصاب است. اختلال در این دستگاه (مغز) موجب می‌شود بخش حافظه کارایی لازم را نداشته باشد. علاوه بر این، بیمار مبتلا به خودارضایی به خاطر تمرکز به این عمل زشت و توجه نسبتاً مداوم به موضوعات جنسی، حواس پرت و ناتوان در تمرکز فکری است که این خود عامل

دیگری برای کاهش توانایی ذهنی و ایجاد ضعف در حافظه است. خودارضایی مکرر موجب تحریک بیش از حد دستگاه عصبی «پاراسمپاتیک» و افزایش تخلیه «استیل کولین» (Acetyl Choline) از انتهای این رشته‌ها در مغز می‌گردد و این خود موجب برخی عوارض جسمانی و روانی همچون حواس پرتی، کمی حافظه، عدم تمرکز حواس، سیاهی رفتن چشم و در نهایت تاری دید می‌شود. تمام این نشانه‌ها ناشی از تغییر تعادل میزان مواد شیمیایی موجود در مغز است که بین سلول‌های عصبی رد و بدل می‌شود و انتقال پیام‌های گوناگون را بر عهده دارد. [2]

2. اضطراب و افسردگی: دلهره و نگرانی از ویژگی‌هایی است که دائم فرد خودارضا را رها نمی‌کند. او مرتب با خود درگیر است و نگرانی و تشویش خاطر او را رها نمی‌کند؛ افکار آشفته و بی‌ثباتی فکری، دامنگیر اوست. او نسبت به آینده امیدوار نیست و آینده را تاریک می‌بیند و افکار پریشان‌رهایش نمی‌کند. [3] بیشتر به گوشه‌گیری می‌پردازد و از خودش هم تنفر دارد و خود را بدبخت و بدشانس می‌داند و تصور می‌کند کسی او را دوست ندارد و کم‌لیاقت و بی‌ارزش است.

3. پرخاشگری و بداخلاقی: خودارضا نسبت به کوچک‌ترین محرک محیطی و اجتماعی حساس است؛ کمتر حوصله گفتگو با دیگران دارد؛ زود رنج است و به سرعت از کوره به در می‌رود؛ با والدین خود بدرفتاری می‌کند؛ گاهی فریاد می‌زند و تحمل حرف منطقی ندارد؛ از نصیحت دیگران به شدت بیزار است و بر سر مسائل کوچک، پرخاشگری می‌کند.

4. انحراف اخلاقی: افراد خودارضا به بی‌بند و باری جنسی گرایش پیدا کرده، به بی‌عفتی تمایل پیدا می‌کنند؛ بی‌عاطفه و کم‌رو و خجل هستند؛ صفای دل و نورانیت معنوی کمتری دارند؛ به مجالس دعا و توسل علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و تاریکی و ظلمت آنها را احاطه کرده است و اوقات خود را بیشتر با کارهای بیهوده سپری می‌کنند. [4]

ج. آسیب‌ها و ضررهای اجتماعی: خودارضایی احساس‌گریز از اجتماع پدید می‌آورد که در اثر افراط و تکرار این عمل ناپسند، این احساس ریشه‌دار خواهد شد. خودارضا، در گوشه‌ای منزوی، به افکار دور و دراز می‌پردازد. توجه به لذات شخصی و خیالی، سبب سستی روابط اجتماعی می‌گردد و حیات جمعی و با دیگران بودن را دچار مخاطره می‌سازد. در نتیجه، در عرصه اجتماعی کمتر وارد می‌شود و با مردم جوشش کمتر دارد و از حضور در کنار دیگران لذت نمی‌برد. بدین روی، شخصیت اجتماعی و انسانی چنین افرادی به تدریج متزلزل می‌شود و جامعه نیز از وجود نیروی جوان و خلاق محروم می‌ماند و در دراز مدت، این ویژگی‌ها موجب اختلال در ارتباط آنان با خانواده و اجتماع می‌گردد. [5]

پی‌نوشت‌ها:

[1] مجله پیوند، اسفند 1383 - شماره 305؛ مرادحاصل، مهدی.

[2] حمیدرضا شاکرین و همکاران، پرسش‌ها و پاسخ‌های برگزیده، قم، دفتر نشر معارف، 1384، ص 228.

[3] مؤسسه پژوهشی فرهنگی اشراق، خودارضایی یا ارضای انحراف جنسی، بابل، بعثت، 1379، ص 15-16.

[4] همان، ص 17-18.

[5] برگرفته از مقاله مهم‌ترین آسیب جنسی دوران نوجوانی و راه‌کارهای پیش‌گیری و درمان؛ احمد پناهی، علی؛ معرفت، فروردین 1386 - شماره 112.

خودارضایی، مفهوم و نشانه‌ها

«استمناء» یا «خودارضایی»، یکی از راه‌های انحرافی در ارضای میل جنسی است که امروزه نسل جوان را به خصوص در وضعیت فعلی جامعه و دشوار بودن امر ازدواج، در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد؛ از اینرو، می‌توان آن را نوعی انحراف جنسی یا بیماری نامید که نیاز ضروری به درمان دارد.

اگر چه درمان واقعی این عادت ناپسند، تنها از راه ازدواج ممکن است، اما ارائه اطلاعاتی در باب حرمت، و پیامدهای این عمل، همچنین روش‌های کنترل و درمان آن، می‌تواند تا حدودی در ترك یا کاهش ابتلاء به این عمل ناشایست، مؤثر باشد.

مقاله پیش روی شما، گردآوری مطالب کاربردی است که شما را در ارائه مشاوره به افراد مبتلا و خانواده آنها، یاری می‌نماید.

تعریف

استمناء [1]، نوعی تحریک میکانیکی در دستگاه تناسلی است؛ به نحوی که فرد عمداً با خود کاری می‌کند که به تخلیه هیجان منجر شود. [2]

روش‌های استمناء

استمناء با روش‌های زیر انجام می‌شود:

- 1- استمنای انفرادی از طریق دست که بیش تر در بین پسرها رایج است.
- 2- استمنای انفرادی از طریق اسباب که بیش تر در بین دخترها رایج است.
- 3- استمنای متقابل که گاه این روش در بین بچه‌های پرورشگاهی به صورت مسابقه دیده می‌شود.

- 4- استمنای روحی روانی یا رؤیایی که در آن، فرد از طریق تجسم و یا دیدن تصاویر محرک (بدون تحریک مکانیکی اندام آمیزشی) خود را به اوج لذت جنسی می‌رساند.

نشانه‌های ابتلا به استمناء

ممکن است بعضی از مواردی که در ذیل می‌آید به صورت مادرزادی یا در اثر بیماری‌های عفونی برای افراد به وجود آمده باشد که در آن حالت، نمی‌تواند از علائم و نشانه‌های استمناء محسوب گردد، نشانه‌ها عبارت‌اند از:

- حلقه سیاه، زیر چشمان؛
- اشك آلودگی و نا آرامی چشم؛
- عرق کردن کف دستها؛
- بی حالی و بی رمقی؛
- خواب آلودگی و اضطراب؛
- رنگ پریدگی در چهره؛
- ضعف و سستی عمومی؛
- غمگین بودن و افسردگی؛
- سستی در بدن؛
- تبلی و بی حالی؛
- تندخویی و زود خشمگین شدن؛
- در خود فرو رفتن؛
- عدم تعادل عصبی؛
- خارش دستگاه تناسلی؛

- بی‌نشاطی برای بازی و دویدن؛
- خودخواه، متکبر، عبوس و کمر و شدن؛
- بدبینی نسبت به اجتماع و تقلیل قدرت‌سازش با دیگران؛
- لرزش دست و ضعف چشم در افراد کم‌سن و سال و ضعیف؛
- ترشح چیزی چرک مانند در دختران، در برخی موارد. [3]

سن ابتلا

استمنا، يك عمل انحرافی و يك عكس‌العمل از نوع جانشین ساختن رفتاری به جای رفتاری دیگر است. این امر بیش‌تر در نوجوانان و جوانان مصداق دارد. برخی از صاحب‌نظران سعی بر این دارند که این امر را به کودکان نیز تسری دهند، و به گونه‌ای وانمود کنند که آنها هم می‌توانند گرفتار این عمل شوند. برای این امر نیز شواهد و قرائینی می‌آورند. [4]

بازی با اندام تناسلی خود در کودکان معمولاً نفهمیده، بدون اراده و بی‌حساب و حتی ممکن است بدون شرم در حضور دیگران صورت گیرد. این عمل به غیر از استمنا نوجوانان و جوانان است که اساس آن، ارادی و با توجه به قبح عمل و زیان احتمالی و مبتنی بر تحریکات روانی است.

تفاوت خودارضایی با ارضای طبیعی

باید گفت که، «خود تحریکی» افزون بر ضررهای متعددی که دارد، تفاوت عمده‌ای با ارضای غریزه جنسی از راه طبیعی و ازدواج دارد. هنگامی که ارضای غریزه جنسی از راه طبیعی و ازدواج صورت می‌گیرد، فرد از طریق مشاهده، لمس و سایر حواس، مرکز تحریکات جنسی را در مغز، بر می‌انگیزاند و از جهت فیزیولوژی، تأثیراتی از چشم، لمس و . . . به مراکز مغزی منتقل می‌شود و سپس انعکاسات جنسی پدید می‌آید و در نهایت، عمل جنسی به صورت طبیعی انجام می‌گیرد.

اما در «خود تحریکی» قضیه کاملاً بر عکس است و این راه دگرگون می‌شود و تخیل و تصور مناظر خاص و لمس موضعی، جانشین عوامل و تحریک طبیعی می‌شود و به این طریق، يك سیستم انعکاسی انحرافی بر مدار جنسی ایجاد می‌شود.

به تعبیر دیگر در «خود تحریکی» با هر بار دفع منی، انسان از دو جهت جسمی و روانی در معرض تخلیه و کاهش نیرو قرار می‌گیرد که در جریان روابط زناشویی، این تخلیه و کاهش قوای روحی با توجه و القائات روانی فرد مقابل، جبران می‌شود.

هنگامی که عمل «خود تحریکی» تکرار شود و «انعکاس انحرافی» در وجود جوان تثبیت شود، سبب می‌شود که هنگام لزوم نتواند عمل جنسی را به طور طبیعی انجام دهد؛ زیرا سیستم طبیعی راه ارضای غریزه جنسی در او مختل می‌شود و به همین دلیل، خود را در کامیابی هنگام ازدواج، ناتوان می‌بیند. [5]

گونه شناسی مبتلایان

بررسیها نشان می‌دهد که این ابتلا نزد عده‌ای با شرایط زیر به مراتب بیش‌تر از دیگران است: [6]

- در آنها که ابتلاءات جسمی معدی، چون کرمک و انگل دارند؛
- در سنین بلوغ و نوجوانی که در این باره بیداری پیدا و تحریک پذیرها بیش‌تر می‌شود؛
- آنها که اختلاط روانی دارند و مضطرب و پریشان‌اند و یا به بیماری روانی خاصی مبتلا هستند؛
- کسانی که فوق‌العاده خجول و شرم‌منده‌اند و از شدت خجلت همیشه سرد و منزوی هستند؛
- آنها که ارتباط صمیمانه با دیگران را مخل آسایش فرض می‌کنند و از دیگران فاصله می‌گیرند؛

- کودکان و نوجوانانی که خود را در خانه و یا مدرسه فراموش شده و ناخشنود می‌یابند؛
 - آنها که فوق‌العاده رؤیایی، خیال‌باف و منزوی اند؛
 - آنها که به این امر عادت کرده‌اند و تحریکی، مختصر آنان را از خود بیخود می‌کند؛
 - افراد متأهلی که به ضعف قوای جنسی دچارند و از این طریق خود را آرامش می‌بخشند؛
 - متأهلانی که از مقاربت، احساس ارضا نمی‌کنند.
- پی‌نوشت‌ها:**

- [1] خودارضایی، ماسترباسیون masterurbation، انانیسم Onanism.
- [2] برگرفته از: خانواده و مسائل جنسی کودکان، دکتر علی قائمی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چ یازدهم، ص 124.
- [3] خانواده و مسایل جنسی کودکان، دکتر علی قائمی، ص 129.
- [4] همان، ص 124.
- [5] ر. ک: پرسشها و پاسخهای مذهبی، آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله جعفر سبحانی، انتشارات نسل جوان، ج 3، ص 154 و روان‌شناسی رفتار جنسی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)، دکتر محمدباقر کجباف، نشر روان، ص 184.
- [6] خانواده و مسائل جنسی کودکان، دکتر علی قائمی، ص 127.

ریشه‌ها و عوامل خودارضایی

عوامل ابتلا در کودکی

در این قسمت عوامل ابتلا به خودارضایی که ریشه در کودکی دارند را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اگرچه نظر آن دسته از روان‌شناسان که سعی می‌کنند دامنه استمناء را به کودکان نیز گسترش دهند، تأیید نمی‌کنیم؛ ولی باید دانست که دوران کودکی می‌تواند پیش‌زمینه خوبی برای پدید آمدن این انحراف در سنین بزرگسالی باشد؛ از جمله عوامل تأثیرگذار در این دوران می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

عوامل جسمانی

عوامل تأثیرگذار جسمانی در دوران کودکی عبارتند از:

تنگی لباس: تنگی لباس می‌تواند باعث مالشهای خوشایند برای کودکان باشد. این امر در سنین بزرگسالی به یکی از ریشه‌های ابتلا تبدیل می‌شود. در پوشش و لباس کودک و به ویژه دربارۀ زیرجامه باید مراقبت داشت که زیر و درشت و یا بسیار نرم نباشد. این زمینه برای پسران، زیاده‌تر از دختران است. همچنین نباید از نوع پارچه‌های آهاردار باشد و نباید از جنسی باشد که اگر کودک عرق کرد، خیس و زبر شود.

حبس ادرار و مدفوع: عادت به تخلیه در کودکان باید از حدود سنین 1/5 سالگی پایه‌گذاری شود و طفل در این باره خاطره بدی نداشته باشد.

آمونیاک ادرار: آمونیاک ادرار باعث ایجاد خارش در کودکان است. توجه نکردن به این مسئله، باعث عادت پیدا کردن کودکان به این مالشها می‌شود. نخستین اقدام در کنترل این رفتار، آن است که پدر و مادر، کودک را از طبیعی بودن و بی‌زیانی این خارشها آگاه سازند و دخالت نکردن او را در این امر خواستار شوند.

در صورتی که کودک از خارش (کرمک) رنج می‌برد باید با داروی مناسبی در تسکین او کوشید، و کهنه آلوده به ادرار او را زود به زود و سریعاً عوض کرد و خود، کودک را شستشو داد تا آماس

پوست که حاصل اثر آمونیاک است مرتفع شود. برای این کار، بچه را با آب ولرم بشویید و نگذارید آلودگی در او بماند که این خود، سبب پدید آمدن خارش و التهاب و سرانجام دستکاریها خواهد شد. در ضمن ضروری است وسایل خواب، استراحت، کیسه، لیف، اسفنج و حوله کودک جدا باشد.

مالش سهوی: مالش سهوی اندام آمیزشی، هنگام تاب یا سر خوردن، به طور ناگهانی، لذت خوشایندی را برای کودک پیش می‌آورد و او می‌کوشد به شیوه‌ای سر بخورد که همان لذت قبلی، دوباره عایدش شود.

نوع تغذیه: سعی کنید شکم فرزند هنگام خواب بیش از حد معمول پر نباشد. از خوردن مواد غذایی محرک، مانند: خرما، پیاز، فلفل، تخم مرغ، گوشت قرمز، غذاهای پرچرب، حتی المقدور اجتناب و به میزان ضرورت اکتفا کنید. از نوشیدن افراط گونه آب و مایعات پرهیز کنید؛ (به ویژه شبها و پیش از خوابیدن).

عوامل محیطی - اجتماعی

عواملی که از ناحیه محیط بر کودک اثر می‌گذارد به شرح زیر هستند:

تکنولوژیهای اطلاع رسانی: رشد هوشی کودکان و رشد فناوری و در اختیار قرار گرفتن فیلم و کتاب و مجلات غیرمجاز، باعث آگاهی زودهنگام کودکان می‌شود. این امر، باعث انحراف فکری و عملی در مسائل جنسی است.

بازی: میل به اشتغال و بازی، از ویژگیهای دوران کودکی است. اگر زمینه برای سرگرمی سالم برای او وجود داشت به آن سرگرم می‌شود و اگر مسأله خلاف آن بود، به خود می‌پردازد. در همه حال برای آنها مهم است که دست و اعضای شان به چیزی مشغول باشد.

ممکن است این حالت در آنها در قالب مالیدن خودشان به تشک یا نرده و پله بروز کند. بنا به احتمال این امر در ابتدای کار، صورت بازی و سرگرمی دارد؛ ولی به تدریج، پایه غلطی در این رابطه گذارده می‌شود و کودک، سر از ابتلا در می‌آورد؛ به همین سبب والدین و مربیان باید کودک را از این گونه بازیها دور نگه دارند. از جمله بازیهای تحریک آمیز و لغزش آور برای کودکان، کول بازی است که در آن کودکان بر دوش یکدیگر سوار می‌شوند، همچنین دوچرخه سواری برای دختران و ...

نکته دیگر درباره بازی، این است که کودکان مکان خلوتی را برای بازی جستجو می‌کنند و می‌خواهند در آنجا دور از چشم دیگران به بازی خود مشغول باشند. این مسئله امری ناروا نیست؛ ولی مکان خلوت، باید به گونه‌ای باشد که از چشم والدین دور نماند و آنها گاه گاهی باید سرکشی داشته باشند. والدین باید به بهانه‌هایی خلوت آنها را در هم بشکنند، البته به صورتی که رنگ مداخله به خود نگیرد تا ببینند کودک در تنهایی چه می‌کند؟

این روش، گاهی نتیجه مثبت می‌دهد؛ اما هیچ‌گاه، پدر و مادر نباید جاسوس وار پسر یا دخترشان را تعقیب کنند و او را در حین ارتکاب عمل، گیر بیندازند. محیط خانواده نباید هیجان‌زا و اضطراب آور باشد؛ چرا که گفتگوی والدین با کودک در یک جلسه رسمی و دادگاه مانند، به هیچ وجه، صلاح نیست.

توصیه روانشناسان آن است که دست او را مشغول نگه دارید. تشویقش کنید که بیکار نماند؛ حتی مجاز باشد اسباب بازی خود را وارد رختخواب کند و در حین خواب هم بدان سرگرم باشد تا دستش به جاهای دیگر نرود. او را در خانه به کار بگیرید و از او بخواهید با شما همکاری کند. پا به پای او گام بردارید و با او بازی و همدلی کنید، به گردش بروید، ورزشش بدهید، خسته اش کنید، او را شاداب نگه دارید و ...

گاه در هنگام پرداختن کودک به بازی با خود، عروسک و وسایل سرگرمی دیگری به دست او

بدهید تا شاید دفعات انجام این عمل کاهش یابد. همچنین به صله رحم و ارتباطات اجتماعی بیش‌تر بپردازید تا در فرد مبتلا، اشتغال فکری ایجاد شود.

همسالان: تماس کودک با بچه‌های بزرگ‌تر، سبب آموختن مطالب تازه‌ای از آنها می‌شود. از زمانی که کودک به کوچه راه می‌یابد و به ویژه از آن زمانی که شروع به مدرسه رفتن می‌کند، به سرعت آگاهی‌اش افزون‌تر می‌شود. آمد و شد او در محیط، صرف نظر از اینکه او را در تماس با کودکان قرار می‌دهد، گاه باعث می‌شود که مثلاً جفتگیری دو حیوان را در کوچه و بازار ببیند و یا مثلاً مشاجره و جدال دو جوان را درباره‌ی مسائل «عشقی» بشنود و تماشا کند.

بازیهای جنسی از حدود سه سالگی به بعد در بین برخی از کودکان مشاهده می‌شود. تقریباً در تمامی موارد، با آنکه نعوذ و ارگاسم در دوران کودکی به سهولت برقرار می‌شود؛ اما بازیهای جنسی با وقوع این دو پدیده همراه نیست و این حکایت از جنسی نبودن انگیزه اصلی این بازی است. تنها انگیزه این بازیها کنجکاوی است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان هیچ‌یک از این رفتارها را از دیگری خطرناک‌تر دانست؛ از جمله این بازیها به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

نشان دادن آلتها به یکدیگر، دکتر و مریض بازی، مسابقه ادرار، زن و شوهر بازی و استعمال وسایل یا انگشت در مقعد یکدیگر یا در مهبل دختر بچه‌ها. همه اینها جنبه کنجکاوی دارد و از نظر انگیزه یکسان است.

البته این بازیها با وجود نبود انگیزه جنسی باز هم نابهنجاری و غیر عادی پنداشته می‌شود؛ چراکه می‌توانند عامل پدید آمدن انحراف در سنین بزرگسالی باشند. این نوع بازی کودکان به شرایط محیطی نیز بستگی دارد؛ مثلاً کودک شهری که احتمالاً با ماهواره سر و کار دارد، بوسه لبها را بین بزرگ‌ترها دیده و یقیناً آن را با همسالان خود تکرار و تقلید کرده است.

غالباً این رفتارها در اکثر کودکان مبتلا پس از یک یا دو سال به پایان می‌رسد. معمولاً اگر خطایی از جانب پدر و مادر در نحوه کنترل روابط دختر یا پسر سر نزند، این دوره بدون عواقب ناگوار طی می‌شود. گاه این رفتار تا چند سال دوام می‌یابد که باز چندان جای نگرانی نیست، مگر اینکه کودک بیش از حد به این امور علاقه نشان دهد و رفتارش پرخاشگرانه و فریبکارانه باشد و پیوسته کودکان دیگر را به مکانهای خلوت بکشاند که در این صورت باید پیوسته تحت نظر باشد.

عوامل خانوادگی

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنْ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ وَالْأَدَبَ يَبْقَى؛ بهترین ارثی که پدران برای فرزندان خود باقی می‌گذارند ادب [و تربیت صحیح] است، نه ثروت و مال؛ چرا که مال، رفتنی و ادب، ماندنی است.»

اگر خانواده با رفتارهای صحیح، حساب شده و اسلامی، کودک را ادب کنند، این امور، در به وجود آمدن نظام متعادل جنسی او در زندگی آینده، بسیار مؤثر خواهد بود.

بوسیدن، در آغوش گرفتن، روی زانو نشاندن، و.. می‌توانند عواملی برای تهییج تمایل جنسی باشند. اسلام در برنامه‌های تربیتی خود اولیاء اطفال را به تعدیل در این امور سفارش می‌کند. در ادامه به توضیح برخی از این رفتارها اشاره می‌کنیم.

بوسیدن: مکتب اسلام بر ابراز محبت پدر و مادر به فرزندان بسیار تأکید کرده است؛ چنان که پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَكْثَرُوا مِنْ قِبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ يَكُلُّ قِبْلَةَ دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ؛ فرزندانان را بسیار ببوسید که برای شما در قبال هر بوسه درجه‌ای در بهشت است که اندازه آن پانصد سال راه است.» و یا روایات بسیار دیگری که بر جنبه‌های مختلف محبت کردن و نیکی به فرزندان تأکید می‌کند.

در مقابل این تأکیدات، مسئله‌ای که بر رعایت آن از جانب پدر و مادر تأکید شده و احادیث بسیاری درباره آن مطرح شده است، توجه به این مسئله است که بوسیدن بچه‌ها، بغل کردن آنها و نوازششان حد و مرزی دارد؛ یعنی در عین حال که بر ابراز محبت و آنهم در شکل گسترده بسیار تأکید می‌شود، از طرف دیگر برای آن حدی تعیین می‌شود تا افراط و تفریطی صورت نگیرد؛ بلکه حد اعتدال رعایت شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام متوجه این نکته مهم بوده‌اند که ابراز محبت، نوازش و بوسیدن طفل اگر به وسیله افراد غریبه صورت گیرد، ممکن است باعث تحریک جنسی کودک شود؛ از اینرو از آن منع شده است؛ زیرا کودک، سالها قبل از رسیدن به بلوغ جنسی قابلیت تحریک شدن دارد؛ از اینرو شارع مقدس، حد و مرزی را برای بوسیدن و نوازش کردن اطفال مشخص کرده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتَّ سَيْنِينَ فَلَا يُقِيلُهَا الْغُلَامُ وَالْغُلَامُ لَا يُقِيلُ الْمَرْأَةَ إِذَا جَازَ سَبْعَ سِنِينَ؛ هنگامی که دختر بچه به شش سالگی می‌رسد، پسر او را نبوسد، همچنین پسربچه هنگامی که از هفت سال گذشت نباید زن را ببوسد.»
 امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا أَتَتْ عَلَى الْجَارِيَةِ سِتُّ سِنِينَ لَمْ يَجُزْ أَنْ يُقِيلَهَا رَجُلٌ لَيْسَتْ هِيَ بِمَحْرَمٍ لَهُ وَ لَا يَضْمَمُهَا إِلَيْهِ؛ وقتی دختر بچه ای شش ساله شد، نامحرم حق ندارد او را ببوسد، و همچنین نمی‌تواند وی را در آغوش بگیرد.»

اسلام با روان‌شناسی دقیق خود درباره کودک به مسئله مهمی اشاره کرده است که علم امروز بر آن تأکید می‌کند و آن اینکه با رفتار نابجای بزرگسالان، زمینه انحراف در کودکان خردسال به وجود می‌آید.

نوازش: گاهی پرستارهای اطفال برای آرام کردن آنان با آلت آنها بازی می‌کنند و چه بسا که این کار را برای ارضای تمایلات جنسی خویش انجام دهند. کودک که از این رفتار لذت می‌برد، آرام می‌شود و خاموش می‌ماند و بعدها مایل است که این عمل با او تکرار شود؛ ولی اگر کسی با وی چنین نکرد، خودش به انجام آن اقدام می‌کند. این عمل گاه به دست مادر، خواهر و یا دیگران انجام می‌شود. امام علی علیه السلام فرمود: «مُبَاشَرَةُ الْمَرْأَةِ ابْتِهَاطًا إِذَا بَلَغَتْ سِتَّ سِنِينَ شَعْبَةٌ مِنَ الزَّوْجَاتِ؛ دست‌مالی کردن مادر به [آلت دختر] بچه شش ساله خود، يك قسم از زنا است.»

بازیها و نوازشهای مادران با کودکان خردسال باید تحت ضابطه‌ای باشد. بازی و نوازش در اطراف دستگاه تناسلی کودک اگر چه بسیار خردسال باشد برای کودک، مسئله آفرین است. او امروز از آن لذت می‌برد؛ ولی فردا گرفتار و اسیر آن خواهد شد، و به هنگامی که این لذت در او تثبیت شود، ترك آن بسیار دشوار است.

شستشوی افراطی: شستشوی افراطی همراه دستکاری کودک در حمام یا در مستراح درپدید آمدن استمناء موثر است. درست است که باید کودک را پس از دفع بشوئیم؛ ولی باید مراقبت کنیم که بین شستشو و دستکاری تفاوتی باشد. در موقع استحمام، مراقب صابون زدن و خشک کردن بدن او باشید. شك نیست که مادر طفل، چنین قصد و نظری ندارد؛ ولی روش او سبب پدید آمدن این حالت در طفل می‌شود و ممکن است عمری او را مبتلا کند.

عکس العمل در مقابل نعوظ: قبلا درباره چگونگی پدید آمدن نعوظ در کودکان حرف زدیم. گاهی رفتاری که اعضای خانواده در برابر این حالت کودک از خود نشان می‌دهند، زمینه ساز انحرافهای بعدی است؛ مانند: خندیدن، نشان دادن آن به یکدیگر، کشیدن آن و ..
 مشاهده همبستر شدن والدین: مشاهده همبستر شدن والدین به وسیله کودکاندر دستوره‌های اسلامی مسئله‌ای قابل توجه است. باید محیط خانواده را برای پاک ماندن کودک، از

تحریکات نابجا پیراسته سازیم. اگر محیط خانه از آرامش روانی برخوردار باشد، می‌تواند آثار مطلوب و مؤثری در باروری استعدادها و کودکان و نیز در فراگیری فضایل اخلاقی داشته باشد. مهم‌ترین دستورها در آیه 58 از سوره نور آمده است: «یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکتم ایمانکم و الذین لم یبئثوا الخلم منکم ثلاث مراتب من قبل صلاة الفجر و حین تصعون ثيابکم من الظهيرة و من بعد صلاة العشاء ثلاث عورات لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهن طوافون علیکم بغضکم علی بعض ذلك یبین الله لکم الآيات و الله علیم حکیم»؛

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار [در شبانه روز] از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد، و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید، و پس از نماز شامگاهان. [این، سه، هنگام برهنگی شماست، نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید] و با هم معاشرت کنید. خداوند، آیات [خود] را این‌گونه برای شما بیان می‌کند، و خدا دانای حکیم است.»

قرآن این دستورها را درباره کودکان نابالغ می‌دهد و به دنبال آن، برای کودکان بالغ در آیه بعد می‌فرماید: «وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ «و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند؛ همان‌گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند. خدا آیات خود را این‌گونه برای شما بیان می‌دارد، و خدا دانای حکیم است.»

ارزش و اهمیت این دستور تربیتی بر هیچکس پوشیده نیست، و این دستور در مبارزه با آلودگی‌های جنسی و بی‌عفتی از اهمیت بسیاری برخوردار است. اگر خانواده با رفتارهای صحیح، حساب شده و اسلامی، کودک را ادب کنند، این امور، در به وجود آمدن نظام متعادل جنسی او در زندگی آینده، بسیار مؤثر خواهد بود. از آیه فوق چنین استفاده می‌شود که حکم بالغان با اطفال نابالغ متفاوت است؛ زیرا کودکان نابالغ طبق آیه اول، تنها در سه وقت، موظف به اجازه گرفتن هستند؛ چون زندگی آنها با زندگی پدران و مادران؛ آنقدر آمیخته است که اگر بخواهند در همه حال اجازه بگیرند، مشکل خواهد بود. از این گذشته، احساسات جنسی آنها هنوز بیدار نشده است؛ ولی برای افراد بالغ، اجازه گرفتن به طور مطلق واجب شده است و آنها، موظف‌اند در همه حال، هنگام ورود بر پدر و مادر اذن بطلبند.

در صورت بی‌توجهی به این مسئله مهم، باید والدین، انتظار بروز هر وضعیت نامطلوبی را داشته باشند؛ چرا که بر فرض، اگر این مسئله از خاطر کودک هم محو شود، مسلماً آثار نامطلوب آن، چنان در روح او باقی می‌ماند که در آینده دور یا نزدیک، نتیجه آن ظاهر خواهد شد. جالب اینجاست که اگر ما به نظریات روان‌شناسان و مربیان غیر اسلامی هم توجه کنیم در خواهیم یافت که اینها هم به این نکته مهم پی برده‌اند. این، دلیل بر آن است که عقل هر انسانی حکم می‌کند که متوجه قبح این مسئله باشد.

«هانری مورای» روان‌شناس معروف در تحلیل رفتار انسان بر نیازها و فشارهای محیطی تأکید می‌کند. وی فهرست مفصلی از نیازها را ارائه می‌دهد که این نیازها می‌توانند به وسیله شرایط بیولوژیک درونی با فرایندهای هیجانی برانگیخته شوند؛ برای مثال، فشار مخالف محروم کننده، ممکن است نیاز به پرخشگری را فعال کند یا حضور فیزیکی یک شخص جذاب می‌تواند نیاز جنسی را برانگیزد.

هانری مورای، فشارهای جنسی را به چند بخش تقسیم می‌کند که یکی از آنها عبارت است از: مشاهده آمیزش پدر و مادر. وی در این باره چنین می‌نویسد: «بعضی از کودکان به طور

اتفاقی از فعالیت جنسی والدینشان آگاه می‌شوند، یا صدای آنها را در حین این فعالیتها می‌شنوند؛ ولی به نظر می‌رسد که بسیاری از آنها این واقعه را فراموش می‌کنند. به هر حال، وقتی بدانیم که کودک در اتاق خواب پدر و مادر می‌خوابیده است، وقوع این مسئله ممکن است مورد حدس و گمان واقع بشود.»

معنای گفته مورای این است که اگر والدین می‌خواهند فرزندانشان دچار این فشارها نشوند، باید اتاق خواب خودشان را جدا کنند و اگر به هر دلیل، والدین با آنها در يك اتاق می‌خوابند، باید سعی کنند هنگام غیبت آنان و یا هنگامی که از خواب بودن آنها اطمینان دارند، به عمل جنسی مبادرت نکنند.

در جهان غرب با آنکه بی بند و باری بی حد و حصر جنسی همه جا را فرا گرفته است؛ اما باز، بسیاری از متفکران دور اندیش مانند مورای به این مسائل توجه دارند که روح آرام کودک و نوجوان نباید با این تحریکهای نابجای جنسی متلاطم شود. متأسفانه در جامعه ما بعضی از خانواده‌های به اصطلاح متجدد، این نکات اساسی را رعایت نمی‌کنند و بعضی دیگر از خانواده‌ها نیز به سبب بی توجهی و ناآگاهی از این مسائل، ناخودآگاه، انحراف فرزندانشان را دامن می‌زنند.

همچنین ما از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در می‌یابیم که به هیچ وجه نباید اطفال، نظاره گر روابط جنسی والدین باشند؛ زیرا آثار نامطلوب این مسئله، بسیار حاد و حتمی است:

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ الْجِمَاعَ حَيْثُ يَرَاكَ صَيٌّ يُحْسِنُ أَنْ يَصِفَ خَالِكَ؛ بپرهیز از همبستری و آمیزش جنسی در جایی که کودکی تو را می‌بیند که می‌تواند حالت را برای دیگران توصیف کند.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا يُجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ لَا جَارِيَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَيٌّ قَانَ ذَلِكَ مِمَّا يورثُ الرِّثَا؛ موقعی که در اتاق، کودکی حضور دارد، نباید مرد با زن یا کنیزش نزدیکی کند؛ زیرا این عمل، طفل را به زناکاری متمایل می‌کند.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَ الَّذِي تَفْسِي يَبْدُو لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَشِيَ امْرَأَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَيٌّ مُسْتَقِظٌ يَرَاهُمَا وَ يَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَ تَفْسُهُمَا مَا أَفْلَحَ أَبَدًا إِذَا كَانَ غَلَامًا كَانَ زَانِيًا أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً؛ قسم به آن خدایی که جانم در دست اوست، اگر مردی با همسر خود بیامیزد و در اتاق، کودک بیداری، آن دو را [در حال آمیزش] ببیند و سخنان آنها و همچنین صدای تنفسشان را بشنود، آن طفل هرگز رستگار نخواهد شد. اگر دختر باشد یا پسر، سرانجام به زناکاری آلوده می‌شود.»

چنانچه از این روایات بر می‌آید اثر عمده و انکارناپذیر این بی توجهی، کشانده شدن کودک به بی عفتی و در نهایت زناکاری است.

وقتی کودک در معرض مشاهده این ارتباطات قرار گیرد، این مسئله بدون شك در ذهن و روان او اثر خواهد گذاشت و به احتمال بسیار زیاد، این عمل، کم و بیش برای او لذت بخش خواهد بود. همچنان که کودک بزرگ و بزرگ تر می‌شود به این عمل راغب تر می‌شود تا اینکه در زمان بلوغ به سوی انحرافات از جمله استمناء، لواط، زنا و .. کشیده می‌شود.

تحقیقات اخیر درباره حافظه نیز این نکته را به اثبات رسانده است که فراموشی به معنای از بین رفتن محفوظات ذهنی، هرگز اتفاق نمی‌افتد. آنچه تصور می‌شود فراموش شده است، ممکن است در زمان مناسب و با پیدا شدن سر نخ مناسب به یاد فرد بیاید. این اصل، به ویژه درباره مشاهده صحنه‌های جنسی که اغلب با ایجاد هیجان نیز همراه می‌باشد، صادق است. پوشش اطرافیان؛ گاهی نوع پوشش اعضای خانواده، کودکان را متوجه تفاوت‌های بین زن و مرد

می‌کند. مثلاً اگر مادر یا دختر در جمع خانواده با لباسی که تمام بدن او را نمی‌پوشد و ممکن است مقداری از پاهای، سینه و یا بازوی او نمایان گردد، حضور یابد، در این صورت احتمال بروز زمینه تحریک و انحراف برای پسر بچه به وجود می‌آید.

شوخی‌های خاص اطرافیان: صراحت و بی‌پردگی والدین در شوخی‌های زناشویی در حضور کودک، زمینه ساز انحراف کودک است.

مشاهده انحراف در اطرافیان: ممکن است کودک، روش استمناء را از کودکان بزرگ‌تر بیاموزد و یا فرد بالغی را هنگام انجام آن ببیند و سپس خود نیز به انجام آن بپردازد.

سؤال‌های جنسی: با رشد کودکان و افزایش آگاهی آنها کم‌کم سؤال‌هایی در ذهن آنها به وجود می‌آید که نحوه مواجهه والدین با این پرسش‌ها نیز ممکن است زمینه ابتلا را در آینده به وجود آورد. این سؤالات در محورهای زیر مطرح می‌شود:

1. بچه از کجا می‌آید؟
2. زایمان برادر یا خواهر کوچک‌تر از خود؛
3. تفاوت اندام آمیزشی دو جنس؛
4. اندام‌های بدن و کار آنها؛
5. چگونگی زایمان؛
6. نقش پدر در تولد کودک؛
7. رشد نوزاد در شکم؛
8. ازدواج.

عوامل ارثی

برخی کودکان به طور ارثی یا سرشتی از نیروی جنسی فوق‌العاده‌ای برخوردارند؛ به گونه‌ای که به استمناء خو گرفته و آن را فراوان انجام می‌دهند. این عمل ممکن است به سبب فعالیت بیش از اندازه برخی غدد باشد.

عوامل روانی

در ادامه، به عوامل روحی و روانی که در فراهم آمدن زمینه برای استمناء مؤثرند، اشاره می‌کنیم:

اسلام با روان‌شناسی دقیق خود درباره کودک به مسئله مهمی اشاره کرده است که علم امروز بر آن تأکید می‌کند و آن اینکه با رفتار نابجای بزرگسالان، زمینه انحراف در کودکان خردسال به وجود می‌آید.

کمبود محبت: احساس محرومیت در کودکان و نوجوانان، بخشی از علل تن دادن به استمناء و لغزش است. این امر به ویژه در کسانی وجود دارد که از مهر و محبت، به ویژه مهر مادری محرومیت دارند.

اساس حیات کودک را بر محبت به او استوار کنید. کودک باید احساس کند مشمول محبت و علاقه والدین است، آنها او را دوست دارند و به هیچ صورتی از او دست بر نمی‌دارند. طفل باید این محبت را از راه غذا و لباس و دیگر توجهات والدین دریابد و احساس کند قلب او از احساس و دریافت محبت از والدین باید شاد و لبریز باشد.

اضطراب: فرزندان شما در برخی موارد برای کاهش اضطراب خود به استمناء رو می‌کنند. بنابر این محیط زندگی را برای کودک، سالم و دور از هرگونه دغدغه، اضطراب و تشویش نگه دارید. آنگاه که آنها مضطرب شوند در خود فرو می‌روند و با خود سرگرم می‌شوند و از خود راه نجات می‌طلبند. شما دیده‌اید برخی کودکان، به هنگامی که مضطرب می‌شوند با دست خود و یا با

دیگر اعضای خود بازی می‌کنند که این خود می‌تواند عامل و زمینه‌ای برای لغزشها باشد. کودک در سایه استفاده از مهر و عنایت والدین باید به درجه‌ای برسد که احساس کند حامی و یآوری دارد، اگر در دامی بیفتد پدر و مادر از وی حمایت می‌کنند و زیر بازویش را می‌گیرند و اگر دوستش به او ستم کرد، آنها از وی طرفداری می‌کنند. این اطمینان قلب، سبب قرار و سکون اوست و در نتیجه، کم‌تر به دنبال عوامل تسکین، دستکاری و بازی با خود خواهدرفت. هرگز نگذارید فرزند شما اندوهگین بخواهد. اگر او را تنبیه کرده‌اید بکشید که پس از آن، وی را شاد و با آرامش نگه دارید. اگر به او وعده تنبیه داده‌اید یا آن را اجرا کنید و یا از وی درگذرید. بگذارید خاطرش از این جهات آسوده باشد و راحت بخواهد. فقدان امنیت فکری و روانی، عوارضی را برای فرزندان شما ایجاد می‌کند که جلوه‌ای از آن در قالب خودارضایی نمودار می‌شود. واکنشهای تند و شدید، هنگام بازی کودک با خود: منعهای غلط و شدید، تهدیدها و پرهیز دادنهای مکرر از یک امر سبب می‌شود کودک به آن امر بیش‌تر توجه کند تا درباب در قبال آن، چه واقعه و مسئله‌ای نهفته است؛ به ویژه آنگاه که منعهای والدین با شور، اضطراب و نگرانی همراه باشد.

کنجکاوی: کنجکاوی و کشف در کودکان هم سبب می‌شود که آنها برای شناخت تفاوت دنیای خود با جنس مخالف اقدام کنند و یا به اعضای خود حساس شوند و پس از دستکاری به کشفی در این باره نائل آیند. گاهی دست را در جیب شلوار کرده، با خود بازی می‌کنند. گاهی نیز در مستراح و در حین دفع و یا در حمام با خود مشغول اند. این امر به تدریج، عادت به استمناء را در آنان ایجاد می‌کند.

بسیار دیده می‌شود که بدون مقدمه (مانند آنچه در بالا گفته شد) کودک خود به کشف این پدیده موفق می‌شود و آن را تا حد رسیدن به اوج انجام می‌دهد. کودکانی که هنگام عصر به رختخواب گسیل می‌شوند و زمانی دراز بیدار می‌مانند، بیش‌تر به دستکاری اندام آمیزشی خود می‌پردازند و ممکن است در آینده استمناء را کشف کنند. بررسیهای انجام شده، نشان می‌دهد که اصولاً این کشف در کودکان بیش‌تر در شب، پیش از خواب، صبح زود و پیش از برخاستن از بستر رخ می‌دهد.

توضیح بیش‌تر اینکه کودک از حدود سه سالگی، .. آلت یا فرج خود را کشف می‌کند و از لمس و دستکاری آن، حس خوبی پیدا می‌کند. در این مرحله است که رفتارهایی شبیه استمناء در کودکان، بسیار دیده می‌شود. در آغاز این مرحله، توجه کودک، بیش‌تر به نقاط مختلف بدن خودش معطوف می‌شود و از اینرو، این دوره یک دوره «خویش‌انگیزی» است.

کودک در ادامه، پیوسته بدن خود و دیگران را جستجو می‌کند تا ببیند آیا کسان دیگر هم آلت دارند یا نه؟ در سه سالگی تقریباً همه بچه‌ها، جنس خود را تشخیص می‌دهند. این مسئله از اصول آزمون تعیین ضریب هوش است. هر گاه به پسر بچه‌ای بگوییم: «تو دختری!» فوراً انکار می‌کند و چه بسا که برای اثبات پسر بودن خود «اقدامی» نیز انجام دهد.

عوامل اصلی که سبب این «کشف» است، یکی تفاوت شکل اندام آمیزشی بچه‌ها و تفاوت وضع ادرار کردن آنهاست، و عامل دیگر، نحوه آرایش مو و لباس پوشیدن است. بی‌گمان اگر کودکی با همسن و سال خود از جنس مخالف در تماس باشد، تفاوت اندامهای جنسی را زودتر کشف می‌کند و آنگاه تفاوت وضع مو و لباس را نیز متوجه می‌شود.

طفل، مسائلی را درباره مردان یا زنان می‌بیند و یا می‌شنود و برای کسب اطمینان درباره خود به آزمایش می‌پردازد.

منبع: مبلغان، آبان و آذر 1388 - شماره 122 و مبلغان «خرداد و تیر 1389 - شماره 129؛ نقی زاده، حسین

آسیب‌های خودارضایی

آیین مقدس اسلام که از جانب خداوند و آفریدگار و صانع بشر است، استمناء را امری حرام و ناپسند ذکر کرده و در برابر آن موضع مخالف گرفته است. [1] استمناء در تعبیرات اسلامی به عنوان نکاح با خود ذکر شده که مورد نهی است. قرآن می‌گوید: «قَمَن ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»؛ [2] «هر کس با غیر از همسرش شهوتش را دفع کند از تجاوزکاران است.» رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده است: «تَاكِحُ الْكُفِّ مَلْعُونٌ»؛ [3] ازدواج کننده با کف دست، از رحمت خدا به دور است.»

در بعضی از روایات تعبیرات تکان دهنده تری آمده است. امام علیه السلام صادق می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ التَّائِفُ شَيْبَةً وَ التَّاكِيحُ نَفْسَةً وَ الْمَنْكُوخُ فِي ذُبْرِهِ»؛ [4] سه گروه اند که خدا در روز رستاخیز با آنان سخن نمی‌گوید و به آنان نظر رحمت نمی‌فرماید و برای ایشان عذابی دردناک است: آن که ریش خود را بکند، آنکه با خودش ازدواج کند (استمناء کننده) و آن کس که با او لواط شده باشد.» در ادامه بحث، آسیب‌هایی که از جهات مختلف متوجه عمل ناشایست خودارضایی است را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. جنبه زیستی- فیزیولوژیک [5]

- پیامدهای فیزیولوژیکی و بدنی علمی خودارضایی از قرار زیری است:
- پدید آمدن کم خونی به ویژه بر اثر تحریک مصنوعی و مداوم آلت تناسلی؛
- پدید آمدن و گسترش تورم غدد و ذی در انسان؛
- تورم کانال نطفه؛
- تورم قسمت پایانی و عقب کانال ادرار؛
- فرسودگی بسیار مراکز تیره پشت در سایه تداوم این عمل و آمادگی فرد برای ناتوانی جنسی؛
- تحلیل رفتن قوای جسمانی و ضعف انرژی جسمانی افراد؛
- گرفتگی عضلانی برای رسیدن به حالت اوج لذت جنسی یا ارگاسم: عضلات بدن و دستگاه تناسلی چه در مردان برای تخلیه اسپرم و چه در زنان برای پمپاژ خون به ناحیه تناسلی منقبض می‌شوند. عضلات در استمنای اعتیاد گونه و زیاده از حد، همیشه در حال انقباض و گرفتگی هستند؛
- خستگی و کوفتگی مفرط: ایجاد زمینه برای احساس خستگی در افراد و رخوت بی حاصل پس از ارتکاب، از دیگر مسائل قابل توجه است. این حالت به دلیل صرف انرژی زیاد در اعمال جنسی که خودارضایی را نیز شامل می‌شود، باعث کمبود انرژی و تخلیه ذخایر (گلیکوژن) نوعی قند می‌شود که برای تأمین انرژی سلولهای عضلانی لازم است. در نتیجه، خستگی و کوفتگی مفرط روی می‌دهد؛
- شل شدن عضلات تناسلی و از دست دادن قدرت نگهداری منی یا ادرار؛
- پزمردگی، زردی رنگ و بی رمق به نظر آمدن؛
- پیدایش تغییرات در مراکز ستون فقرات و اعضائی که هنوز کامل نشده اند.
- پدید آمدن سردرد، سرگیجه، سوت کشیدن گوشها و . . . ؛
- خستگی عصبی و فرسودگی دستگاه اعصاب؛ [6]

- ضعف عمومی بدن، به ویژه بینایی؛
- عقیم شدن و ناتوانی در تولید مثل؛
- پیری زودرس؛
- ضعف مفاصل و لرزش دست؛
- ایجاد قاعدگی نامنظم برای دختران در سنین بعدی و بلوغ؛
- احساس درد برای دختران در سنین بلوغ در حین خونریزی و قاعدگی؛
- پدید آمدن ترشحات چرکی از دستگاه تناسلی دختران؛
- پیدایش فراوانی خون در آب تناسلی در سایه تحریکات بیش از اندازه و بی‌اعتنایی به بهداشت جنسی؛
- خطر از بین رفتن پرده بکارت برای دختران بر اثر دستکاری زیاد؛
- زشتی چهره و از بین رفتن طراوت صورت؛
- زرد و لاغر شدن؛
- درشت شدن چشمها؛
- عجز در فهم مطالب؛
- فلج شدن برخی اعضا و یا تمامی اعضا در بعضی وقتها؛ [7]
- از دست دادن قوای تناسلی به صورت تدریجی؛ [8]

ب. جنبه روانی - شخصیتی

- هیجان‌ناشی از استمناء بلای کوچکی نیست و آثاری ناگوار بر اعصاب می‌گذارد.
- برخی از آسیب‌های روانی و شخصیتی استمناء عبارتند از: احساس محرومیت جسمی و روحی در صورت عدم انزال؛
- آشفتگی‌های خلقی مانند: افسردگی، غمگینی، بی‌خوابی، بی‌اشتهایی، ناتوانی در انجام وظایف روزانه.
- پدید آمدن احساس ناراضی و به دنبال آن بدبینی به دیگران؛
- ضعف اراده و گرفتاری در اخذ تصمیم‌های لازم تا حدی که فرد را چون غلامی حلقه به گوش و دچار جنگ و جدال می‌سازد؛
- کم‌حوصلگی، سستی، خمودی، حساسیت فراوان در برابر نور، صدا و امثال آن؛
- بی‌مبالاتی، کمرویی، ترسو و خواهان تنهایی و انزوا بودن در افرادی که در سنین پایین گرفتار استمناء می‌شوند؛

- زودرنجی و حساسیت و ناراحتی از برخوردی کوچک؛
- پدید آمدن عکس‌العمل‌های مالیخولیایی و وسواسی؛
- کاستی در اعتماد به نفس به خاطر دلهره و وحشت فرد در حین ارتکاب از بیم رسوایی؛
- درهم‌کوبیده شدن شخصیت فرد به خاطر سرزنش و تحقیر خود، به علت ارتکاب گناه؛
- فراهم شدن زمینه بی‌مبالاتی به خاطر احساس دائمی گناه از عمل؛
- اضطراب دختران به خاطر وحشت آنها از، از دست دادن بکارت خود؛ [9]

ج. جنبه فرهنگی - اجتماعی

- هدف واقعی جنسیت و غریزه که ازدواج است به تدریج از افراد مبتلا به استمناء دور می‌شود و این افراد از مشغول شدن با خود رضایت دارند و این امر، علاوه بر عوارض جسمانی و روانی، سبب پیدایش اختلال‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شود. برخی از اختلال‌ها عبارتند از:
- استمناء در فرد، یک حس گریز از اجتماع را پدید می‌آورد که بر اثر افراط و تکرار در او ریشه

دارترخواهد شد. در گوشه‌ای خود را منزوی می‌کند و به افکاری دور و دراز سرگرم می‌شود و به آینده و جهانی نامعلوم می‌اندیشد.

- توجه به لذات شخصی، سبب سستی روابط اجتماعی می‌شود و حیات جمعی را دچار مخاطره می‌سازد. فرد به غیر از میل به انزواجویی، در عرصه اجتماعی نیز با مردم جوششی ندارد و از زندگی در جمع، احساس لذت نمی‌کند.

- احساس بی‌کفایتی در حیات اجتماعی و بدبینی نسبت به دیگرانی که دارای حیاتی با نشاط اند، از دیگر عوارض استمنا است. احساس حسادت در این بین از مسائل ناگواری است که عواقب بدی برای فرد پدید می‌آورد.

- شخصیت اجتماعی و انسانی چنین افرادی به تدریج متزلزل تر شده، روز به روز بدتر می‌شود و بدان نظر، زیان آن از این دید نیز انکار ناپذیر است.

- انزالهای زودرس، حتی در کنار همسر و در مقاربت، از عوارضی است که روابط صحیح را به خطر می‌اندازد. مبتلایان به استمنا پس از ازدواج، تنها به فکر خویش اند نه ارضای همسر.

- ناسازگاری خانوادگی و سردی در روابط بعد از ازدواج از عوارض دیگری است که منشأ بسیاری از اختلافات زوجین است؛ به ویژه در دختران، ابتلا به این کار، سبب می‌شود که تحریکات جنسی در آنها بی‌اثر باشد و از شوهر دلسرد شوند. این حالت برای کسانی بیش تر است که قبل از ازدواج چنین وضع و حالتی را داشته‌اند [10]. [11]

پی‌نوشت‌ها:

[1] معارج /31.

[2] منهاج الصالحین، سیدابوالقاسم موسوی خوئی، مدرسه الامام باقرالعلوم علیه السلام، ج1، ص112، س 408.

[3] مستدرک الوسائل، محدث نوری، 18 جلدی، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام قم، 1408، ج14، ص356.

[4] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، 29 جلد، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام قم، 1409، ج2، ص131.

[5] بسیاری افراد گمان می‌کنند که «منی» تنها برای «آمیزش جنسی» به کار می‌رود و فقط برای این کار لازم است و بس! «منی» در بدن انسان و ساختن و نیرومند کردن بدن و اندامهای انسان نقش بسیار داد که در مقایسه با نقش «عمل جنسی» آن بسیار بالاتر و با اهمیت تر است. در اینجا این پرسش به میان می‌آید که کم بودن «منی» چه ربطی به کارهای مغزی و روانی دارد؟ در پاسخ آن باید بگوییم که مقداری از «منی»، جذب خون انسان می‌شود و در ساختن سلولهای مغزی و استخوانی و دیگر لوازم بدن انسان کمک بسیار خوبی می‌کند. اکنون اگر کسی بر اثر «خودارضایی» در نوجوانی یا جوانی مقدار زیادی از «منی» خود را هدر دهد، نتیجه آن، این است که مغز و اعصاب، به ویژه اعصاب چشمها و شنوایی انسان- از آن مقدار «منی» که در نیرو بخشیدن به مغز و اعصاب لازم است بی‌بهره و محروم می‌شود. و رفته رفته آن نوجوان یا جوان مبتلا به بلا را از نظر قوای مغزی و عصبی ناتوان می‌سازد. در نتیجه چنین فردی از نظر «ضریب هوشی» و کنترل اعصاب و بینایی چشم و محکمی مهره‌های کمر دچار ناتوانی و ضعف می‌شود و کم‌کم خود را با آن عمل ناپسند (خودارضایی) به ورطه زیانهای جبران‌ناشدنی می‌اندازد. از سوی دیگر، مقداری از «منی» صرف رشد خود «بیضه‌ها» می‌شود؛ ولی نوجوان یا جوانی که عادت به «خودارضایی» پیدا می‌کند با هدر دادن «منی» خود جلوی رشد طبیعی و لازم بیضه‌های خود را می‌گیرد و با این کار نکوهیده، باعث می‌شود که بیضه‌هایش رشد لازم را نکنند و کوچک بمانند. بیضه‌هایی هم که از اندازه لازم کوچک تر باشند روشن است که نمی‌توانند به اندازه کافی «منی» بسازند. در نتیجه آن جوان مبتلا به «خودارضایی» با بیضه‌های کوچک و «منی» ناکافی، هم به مغز و استخوان و اعصاب خود

زیان می‌رساند و هم اگر ازدواج کند نخواهد توانست از نظر «لذت جنسی» همسر خود را خشنود سازد و در انجام این عمل- یعنی «آمیزش جنسی» که از نظر شرعی و اجتماعی و بقای نسل انسانی، کاری لازم و پسندیده است کامیاب و روسپید نخواهد بود. (پایگاه اطلاع رسانی تنظیم خانواده)

[6] خانواده و مسایل جنسی کودکان، دکتر علی قانمی، ص 138.

[7] علوم روز و قرآن، محسن عباس نژاد، محمدکاظم شریعتی اندراتی و نعمت الله تقوی، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ص 112.

[8] همان، ص 141.

[9] همان، ص 139.

[10] علوم روز و قرآن، ص 140 و 141.

[11] برای نمونه به این سؤال توجه فرمایید که از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها پرسیده شده است: دختری 24 ساله هستم که حدود 5 سال است به مرض استمناء مبتلایم و صحنه‌ها و تصورات شهوانی هر چند کوچک هم باعث تحریک من می‌شود و مرا مجبور به خودارضایی می‌کند که ریشه اش بر می‌گردد به دوستان دوران دبیرستان که با همدیگر صحبت می‌کردیم که کنجکاوی من باعث کشف این حس شد که تا آن زمان از وجود چنین حسی در وجودم اطلاع نداشتم و خوشم آمد و نمی‌دانستم چیست؟ ولی وجدانم می‌گفت که این کار درستی نیست. در کتابی خواندم که این گناه کبیره است و چاره اش ازدواج است. من توبه کرده بودم و سعی می‌کردم این خاطرات را از یاد ببرم. پس ازدواج کردم؛ اما متاسفانه ازدواج باعث تحریک بیشتر من می‌شود و مرا مجبور به خودارضایی بیشتر می‌کند یعنی با همسر بودن مرا راضی نمی‌کند. البته به او می‌گویم که ارضا نشدم و او کمک می‌کند اما نمی‌توانم ارضا شوم و حالا نمی‌دانم چه کار کنم و از نظر روحی خیلی عذابم می‌دهد. حال بگویید من چه کنم آیا گناهان من بخشوده می‌شود؟ بعضی وقتها تصمیم به طلاق می‌گیرم و با خود می‌گویم این ازدواج چه سودی دارد و باعث دور شدن من از خدا می‌شود شوهرم هم می‌گوید که در تو اشکالی است که ارضا نمی‌شوی.

پیشگیری و درمان خودارضایی

توفیق در امر پیشگیری نیاز به آموزشها و مراقبتهایی نسبت به فرزندان در خانواده دارد که متذکر می‌شویم.

الف. لزوم آگاهی کودکان و نوجوانان از مسائل جنسی

گرچه هیچ کس در لزوم آگاهی دادن شك ندارد؛ اما درباره اینکه چه کسی باید این مسئولیت را داشته باشد و اینکه این آموزشها باید از چه سنی شروع شود، اختلاف است.

آموزش و پرورش جنسی مانند هر آموزش دیگر، بایستی بجا و در موقع خود انجام گیرد. خوب است این نکته را روشن بیان کنیم که نباید کودک خردسال به جزئیات روابط جنسی زن و مرد آگاهی داشته باشد؛ ولی مایه تاسف خواهد بود اگر دختری که آماده ازدواج می‌شود آنقدر از مسائل جنسی ناآگاه باشد که بدترین خاطرات زندگی او را هیجان و التهابهایی تشکیل دهد که

هنگام عروسی و شب زفاف در خود احساس می‌کند. [1]

مقصود از آموزش جنسی، ارائه يك سلسله اطلاعات ضروری اعم از روان شناختی، جسمانی و دینی درباره مسائل جنسی هر فرد به خود او و همچنین اطلاعاتی درباره جنس مقابل است.

البته به نحوی که این آموزش جنسی، تداعی کننده رفتار جنسی نباشد. مثلا توجه دادن به تلقی هر يك از دو جنس نسبت به هم یا تعدیل احساس تمایل به جنس مخالف و عشق افراطی و یا تبیین تغییرات جسمی، روانی دوران بلوغ؛ از جمله احتلام، قاعدگی و . . .

در گذشته به سبب پایین بودن سن ازدواج، اغلب نوجوانان به محض ورود به مرحله بلوغ، ازدواج می‌کردند و اگر هم از مسائل جنسی بی‌اطلاع بودند در همان موقعی که آماده ازدواج می‌شدند از طریق نزدیکان، اطلاعات لازم را دربارهٔ مسائل ازدواج کسب می‌کردند. کودکی که مراحل خردسالی را پشت سر گذاشته است و به دوره پر از تغییر و تحول نوجوانی رسیده است، نمی‌شود یکباره از مسائل مختلف این دوره آگاه شود؛ بلکه آموزشهای مداومی را می‌طلبد که مهم‌ترین آنها در محیط خانه و خانواده باید انجام شود. اغلب، علت این امر، آن است که واقعا خانواده‌ها توانایی لازم را برای چنین امر مهمی ندارند. گروه کثیری از والدین نمی‌خواهند دربارهٔ مسائل جنسی با کودکانشان صحبت کنند؛ زیرا خودشان از بحث دربارهٔ مسائل جنسی احساس ناراحتی می‌کنند.

فرزند، خواه ناخواه دربارهٔ مسائل جنسی کنجکاو می‌شود و در پی یافتن اطلاعاتی در این باره بر می‌آید. اکنون اگر دادن این اطلاعات از جانب والدین و مربیان آنها به نحو صحیح، به موقع و در حد لازم صورت نگیرد، مسلماً کنجکاوی طفل، او را بر آن می‌دارد که به هر نحو شده از طریق دوستان و همسالان و یا با استفاده از کتابهایی که در این زمینه‌ها نوشته شده اند-و اغلب غرض آلود هستند-این اطلاعات را کسب کند؛ از اینرو نوجوانان، خواسته و ناخواسته به راههای نامطلوب و پر مخاطره کشانده می‌شوند.

برای آشناسازی بهتر آنها، می‌توان از بازی یا داستان استفاده کرد و به طور مستقیم به مسائل جنسی اشاره نمود. به این داستان کوتاه توجه کنید:

احمد يك زیرشلوار نو زیبا پوشیده بود و می‌خواست آن را به دوستانش نشان دهد. آیا او اجازه این کار را دارد؟ و می‌تواند برای این کار، شلوارش را پایین بیاورد؟ معمولا کودکان که با نقاط خصوصی خود آشنا هستند جواب منفی می‌دهند. و اگر هم این گونه نباشند، این داستان کوتاه بهانه خوبی برای آموزش است.

این در حالی است که اگر نوجوانان در بیرون از خانه از طریق دوستان و رفقا با موضوعات جنسی به طور نامناسب آشنا شوند، کار و تلاش والدین در زمینه آموزشی دو برابر خواهد شد؛ زیرا در درجه اول باید افکار نادرست و نامناسب آموخته شده را در زمینه مسائل جنسی تغییر داد و تصحیح کرد و سپس به آموزش مناسب مسائل جنسی اقدام کرد.

باید توجه داشت که بخشی از انحرافات جنسی و ایجاد مشکلات در نتیجه همین بی‌اطلاعی و یا داشتن اطلاعات غلط، بی‌موقع و بی‌حد و حصر در این باره بوده است. متأسفانه اغلب والدین در پاسخ به این سؤالات کودکان، جوابهایی گنگ و نادرست و بی‌سر و ته می‌دهند که به کلی از حقیقت به دور است و گذشته از اینکه طفل را قانع نمی‌سازد، کنجکاوی او را هم دو چندان می‌کند.

كودك تصور نمی‌کند که والدین به علت احساس شرم و حیا از دادن اطلاعات خودداری کرده اند، بلکه احساس می‌کند سکس بد است و حتی بحث درباره آن مجاز نیست و اصولاً هر موضوعی که با مسائل جنسی مرتبط باشد کثیف و ناپجاست. این امری طبیعی است که کودکان در هر زمینه پرسشهایی دارند و مسائل جنسی هم، بخشی از سؤالات کودکان را تشکیل می‌دهد.

اتفاقاً مناسب‌ترین زمان برای آموزش مسائل جنسی به كودك، زمانی است که خود كودك سؤال می‌کند و موضوعی را مطرح می‌سازد. حس کنجکاوی كودك در این باره برانگیخته شده است و باید از آن استفاده شود.

چه بهتر خواهد بود که جواب سؤال از خود كودك پرسیده شود و سپس والدین با دقت درباره پاسخ كودك و جواب مناسب، به بحث و بررسی اقدام کنند.

به ندرت سؤالات جنسی کودکان قبل از بلوغ، شامل مسائل پیچیده و غیر قابل جواب است. اغلب، سؤالات نسبتاً ساده‌تر است که به راحتی می‌توان بدانها پاسخ گفت. البته در پاسخگویی به پرسشهای کودکان باید شرایط خاصی را در نظر گرفت؛ از جمله:

اول: برخورد ما نسبت به طرح این سؤالات عادی باشد. اگر کودک، هنگام طرح سؤال احساس کند که این مسئله نیز مانند سایر مسائل است و به راحتی پاسخ را از جانب والدین دریافت می‌دارد، آرامش خاطر پیدا می‌کند و وقتی پاسخ خود را دریافت کرد، راضی و قانع می‌شود و در ضمن برای طرح سؤالات بعدی خود هم نگران نخواهد بود.

دوم: پاسخ باید در بر دارنده حقیقت باشد. اگر پاسخ در قبال سؤالات کودکان دور از کذب و خطا باشد، از آنجا که به راحتی قابل قبول است، کودک را اقناع خواهد ساخت.

سوم: جوابها باید قانع کننده باشد.

چهارم: جوابها مبهم و گیج کننده نباشد.

پنجم: پاسخ، سادگی و روانی لازم را داشته باشد.

هفتم: در پاسخگویی از توضیحات اضافی و غیر ضروری خودداری شود. (چراکه گاه توضیحات غیر ضروری باعث تحریک نابجای فرد خواهد شد.)

هشتم: پاسخها تحریک کننده نباشد.

نهم: در پاسخگویی، رعایت ادب و نزاکت توأم با حفظ شرم و حیا ضرورت دارد.

دهم: پاسخگویی همراه دلسوزی باشد.

یازدهم: به تفاوت‌های فردی کودکان توجه داشته باشیم.

دوازدهم: موقعیت را بسنجیم و در بهترین وضعیت به پاسخگویی بپردازیم.

سیزدهم: به گونه ای نباشد که باعث کنجکاوی بیش تر کودک شود. [2]

به طور کلی اطلاعاتی که باید در مسائل جنسی در اختیار هر فرزندی از سنین خردسالی تا نوجوانی قرار گیرد، از این قرار است:

اول: اطلاعات لازم بهداشتی. این اطلاعات در چند جهت باید داده شود. رعایت بهداشت عضو جنسی، پرهیز از دستکاریهای بی مورد، شستشوی در حد لازم و به موقع، اجتناب از تحریک بی جا و حفاظت از دید و نظر دیگران. اینها مواردی هستند که از همان ابتدای طفولیت باید به آنها توجه شود.

دوم: هشدارهای لازم برای پیشگیری از آزارهای جنسی و رفتارهای نابهنجار و خلاف دین و اخلاق توسط افراد بوالهوس، زیرا علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد.

سوم: آمادگی لازم برای شروع تحولات ناشی از بلوغ، بدین نحو که آنها را پیشاپیش از این تحولات آگاه کنیم. همچنین بیان اینکه این مسائل یکی از جنبه های طبیعی و عادی تغییرات دوران زندگی همه افراد است و آنها را برای رسیدن به مرحله بزرگسالی و پدر و مادر شدن آماده می سازد.

چهارم: در این مرحله بر رعایت نکات بهداشتی درباره مسائل خاص بلوغ تأکید می شود. باید رعایت نکات بهداشتی برای دختران، قبل، حین و بعد از عادت ماهانه مطرح شود. همچنین باید نکات لازم درباره احتلام برای پسران گفته شود.

پنجم: باید دستورهای خاص دینی درباره این مسائل آموزش داده شود مانند: غسلهای واجبی که افراد باید انجام بدهند.

در این باره بهتر است که از کودکی، چگونگی انجام غسل را به بچه ها بیاموزیم و هر بار که به حمام می روند از آنها بخواهیم این کار را انجام دهند. غسل جمعه می تواند بهانه خوبی برای آموزش باشد تا هنگام بلوغ به راحتی غسل واجب را انجام دهند و ترك نکنند.

خلاصه اینکه کودک را آگاه کنید که با چه کسی معاشرت داشته باشد. و در معاشرت چگونه باشد. او باید بداند که نباید با خود دستکاری کند، دیگران هم حق ندارند با او بازی ناروایی کنند و... باید از قبح بسیاری از رفتارها دور و برکنار باشد و در خود احساس شخصیت کند. او باید بداند که گاهی دیگران در معاشرت با او قصر فریب دارند. پس باید آگاه باشد که قصد ناروای دیگران را نقش بر آب کند و جریان را به پدر و مادرش بگوید.

ب. تعلیم حفظ شرف

به کودک درس شرافت دهید. او را با شخصیت و عزت نفس بار آورید؛ به گونه ای که خود را عزیز و مهم بداند، به پستیها تن ندهد، حافظ و مدافع دین و شرف خود باشد، بتواند از خود دفاع کند، آبروی خود و خانواده اش را حفظ کند، در برابر هر امری تسلیم نشود و دعوت هر فرومایه ای را نپذیرد.

ج. کنترل خواب و استراحت

درباره خواب باید مراقبت داشت که به موقع باشد و وقتی خسته و آماده خواب شد به رختخواب برود. هنگام خواب باید سر را زیر لحاف نکند، دستهای او از پتو و لحاف بیرون باشد، پشت بر زمین بخوابد، پس از بیداری، از رختخواب بیرون آید و در آن نغلطد و یا لم ندهد.

د. چگونگی بستر خواب کودکان

یک مسئله دیگر که شرع مقدس بدان پرداخته است، جداسازی بستر خواب کودکان از یکدیگر است؛ بدین معنا که بستر خواب اطفال را از سن معینی باید جدا کرد. احادیثی که در این باره آورده شده است، سنین مختلفی را مطرح می کنند. مسلم این است که فهم و درک کودکان در این زمینه ها با هم متفاوت است؛ از اینرو تشخیص این مسئله به عهده خود والدین است. البته برای اطمینان بیش تر می توانند سن پایین تر را منظور کنند تا آرامش خاطر بیش تری داشته باشند. حدود سنی مشخص شده در روایات از 6 تا 10 سال ذکر شده است؛ اما همچنان که گفته شد تشخیص سن مطلوب به نظر والدین واگذار شده است و چه بهتر که سن پایین تر منظور شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «**فَرَّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ**» [3] موقعی که فرزندان شما هفت ساله شدند، بستر خوابشان را از یکدیگر جدا کنید.»

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «**الصَّبِيُّ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيُّ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيَّةُ**» [4] در سنین ده سالگی، پسر بچه با پسر بچه،

پسر بچه با دختر بچه، و دختر بچه با دختر بچه در یک بستر نباید استراحت کنند.»

از آنچه گفته شد نباید این تصور پیش بیاید که پس کودکان می توانند با والدینشان در یک بستر بخوابند؛ زیرا خوابیدن کودکان در رختخواب ایشان به علت آنکه ممکن است شاهد اعمال جنسی والدین باشند، به هیچ وجه، کار درستی نیست.

کوچتکف، نویسنده روسی، این مسئله را به عنوان عامل بلوغ زودرس قلمداد می کند و می گوید: «وقتی کودکان با پدر و مادر در یک رختخواب می خوابند، در چنین کودکانی بلوغ جنسی زودرس مشاهده می شود که نتیجه آن تمایل جنسی فوق العاده زیاد است.» [5]

ه. کنترل، دفع و تخلیه

کودک باید یاد بگیرد ادرار و مدفوع خود را نگه ندارد. حبس ادرار به ویژه در دختران، علاوه بر ایجاد عارضه تحریک، سبب انحنای لوله رحمی خواهد شد. او باید عادت کند که در موقع نیاز، به دستشویی برود، و در مستراح، توقف بسیار نداشته باشد. اگر پدر و یا مادر، نیمه های شب بیدار شدند او را هم به دستشویی ببرند؛ به ویژه هنگامی که بیش تر در شب، غذای مایع خورده است. [6]

منبع: مبلغان، خرداد و تیر 1389 - شماره 129؛ تقی زاده، حسین

پی‌نوشت‌ها:

- [1] مجله آموزش و پرورش، سال 41، ش 1، «مسائل جنسی کودکان و نوجوانان»، نوشته ابراهیم هاشمی، ص 51.
- [2] تربیت جنسی کودکان، علی اسلامی نسب بجنوردی، ص 154.
- [3] بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 101، ص 96.
- [4] وسائل الشیعة، محدث عاملی، ج 20، ص 231.
- [5] روانشناسی و تربیت جنسی، کوچتکف، ترجمه: محمد تقی زاد، رشیدی، تهران، چاپ پنجم، 1362 ش، ص 37.
- [6] خانواده و مسائل جنسی کودکان، دکتر علی قائمی، ص 45.

راه‌های پیشگیری از خودارضایی

1. ورزش:

نوجوانی دوره نشاط و بالندگی و پیشرفت است. در این دوره، نوجوان از روحیه ای لطیف، خلاق و کمال طلب برخوردار است. نوجوانی دوره جنب و جوش و فعالیت است و این به خاطر وجود پتانسیل زیاد و آماده در نوجوان است. اگر این نیروها در مسیر درست و منطقی قرار گیرند و راهبردی شوند، او را به آینده ای روشن و موفق، نوید خواهند داد، و اگر این انرژی‌ها و نیروهای نوجوانی در راه ناصحیح صرف گردند، موجب شکست و درماندگی نوجوان می‌گردند. یکی از راه‌های تعدیل و مهار انرژی پر قدرت نوجوانی، ورزش است. این عمل فواید و آثار فراوان و ارزشمندی دارد. آثار ورزش در سلامت و پیش‌گیری از بیماری‌ها و انحرافات، به ویژه ورزش در هوای آزاد مثل ورزش‌های: پیاده روی، دو، شنا، دوچرخه سواری، والیبال، کشتی و کوه نوردی که مصرف اکسیژن را افزایش می‌دهد عبارتند از: کاهش فشار خون، کنترل وزن، تقویت دستگاه عروقی، جلوگیری از پوکی استخوان، به تأخیر افتادن ناتوانی جسمی ناشی از سال خردگی، افزایش امید به زندگی، ارتقای عزت نفس و از همه مهم تر، تعدیل غرایز جنسی و جلوگیری از انحرافات اخلاقی. [1]

اهمیت تأکید بر ورزش و تقویت قوای جسمانی از دو جهت است:

اول. در بعد نظامی و دفاع از کیان اسلام و مملکت اسلامی؛

دوم. تأمین سلامت جسمانی و روانی و مصون ماندن از انحرافات جنسی و قرار گرفتن در مسیر استکمال و بندگی خداوند.

ورزش موجب دفع نیروهای متراکم بدن می‌شود. در این صورت، قوای جنسی تعدیل می‌گردند و زمینه انحرافات جنسی، بخصوص خودارضایی، تا حد زیادی از بین می‌رود. علاوه بر آن، وقتی انحرافات جنسی از بین رفت، زمینه معنویات در انسان ایجاد می‌شود و او به طرف کمالات قدم برمی‌دارد.

ورزش باعث نشاط و شادابی بدن است و انسان را از نظر روحی و روانی هم سرزنده و شاداب می‌کند و موجب تقویت اراده انسان و پویایی او می‌گردد. کسی که از اراده قوی و روانی شادابی برخوردار باشد، به انحراف جنسی تمایل پیدا نمی‌کند.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: نشاط و شادابی به خاطر ده چیز است:

پیاده روی، سوارکاری، شنا در آب، تفریح در سبزه زار، مسواک زدن و... [2]

خلاصه آنکه ورزش هم برای سلامتی بدن مفید است و هم برای سلامتی روح و روان انسان و

یکی از مهم‌ترین راه‌های پیش‌گیری از بیماری جسم و اختلال روانی به شمار می‌آید. ورزش به خاطر ایجاد تعادل روحی و کاهش اضطراب، نقش مهمی در جلوگیری از انحراف جنسی، به ویژه خودارضایی، دارد؛ زیرا یکی از علل ابتلا به خودارضایی، عدم آرامش روانی و وجود اضطراب در روان نوجوان است. ورزش در کاهش اضطراب و ایجاد نشاط روانی نقش بسزایی دارد. ورزش کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و به زندگی آرامش و نشاط می‌دهد. [3] بسیاری از مردم می‌گویند: هنگامی که به طور منظم ورزش می‌کنند خواب آرامش‌بخشی دارند. ورزش کاران، به ویژه دوندگان به همان قدری که از مزایای فیزیکی ورزش سخن می‌گویند، از فواید روانی آن نیز صحبت به میان می‌آورند. [4] ورزش کاران معمولاً نسبت به افراد کم‌تحرک، اضطراب و افسردگی کمتری احساس می‌کنند و آرامش بیشتری دارند. [5] می‌گویند: به نظر می‌رسد که ورزش با افزایش احساس عزت‌رابطه دارد و موجب آرامش روانی می‌گردد. نوجوانی که از عزت‌نفس بالا و آرامش بیشتری برخوردار است، به طرف انحرافات اخلاقی گرایش پیدا نمی‌کند و عزت‌نفس خود را با این مسائل ضایع نمی‌سازد.

2. تنظیم برنامه خواب:

خواب و استراحت کافی و نظام‌مند علاوه بر جهات درمانی اش، دارای ابعاد پیش‌گیرانه‌ای نیز هست و در سلامت انسان نقش مهمی ایفا می‌کند. نظام‌مند بودن خواب نوجوان تأثیر خوبی در پیش‌گیری از انحرافات دارد. اگر بتوان ترتیبی اتخاذ نمود که نوجوان اوایل شب به رخت خواب برود و صبح زود از جای خود بلند شود، بسیار مفید است؛ بخصوص اگر پس از خستگی و تلاش روزانه به رخت خواب برود. طبیعی است که اگر نوجوان با خستگی به رخت خواب نرود، به ناچار مدت زمانی را در بستر بیدار خواهد ماند تا به تدریج، به خواب رود و چون افکار و اندیشه‌های شهوانی و تحریک‌آمیز معمولاً در این مواقع به سراغ نوجوان می‌آیند، نوعی تنظیم خواب و استراحت منظم برای نوجوان، ضرورت دارد.

بدین روی، بهتر است نوجوانان در میانه روز و یا بعد از ظهرها، حتی المقدور نخواستند تا در اثر تلاش‌ها و فعالیت‌های روزانه، شب را زودتر و بهتر به استراحت بپردازند. دمای اتاق خواب آنان نباید زیاد گرم باشد و بهتر است با باز کردن پنجره‌ای، ضمن استفاده از هوای آزاد و مناسب، تهویه اتاق صورت گیرد.

برخی از نوجوانان به دلیل بی‌خوابی، زمانی طولانی را در بستر بیدار می‌مانند و با مشغول شدن به افکار و تصورات خود، زمانی را سپری می‌کنند تا لحظه خوابشان فرا رسد. ضرورت دارد این نوجوانان برای رفع بی‌خوابی خود، تلاش کنند و نیز در اولین فرصت، به پزشک مراجعه نمایند و با مشورت پزشک، تدابیر درمانی را به کار بندند. برخی بی‌خوابی‌ها به دلیل غم و اندوه پیش می‌آید و یا اضطراب‌های خاص دوران بلوغ، بیش از حد آنان را آزار می‌دهد. در این مواقع، قدری قدم زدن پیش از خواب، تنفس عمیق و دوش با آب ولرم، می‌تواند به تنظیم خواب نوجوان کمک کند.

در دستورات حیات بخش اسلام، به خواب و فواید آن توجه ویژه شده و مورد تأکید قرار گرفته است. در روایتی امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: خواب موجب استراحت و آرامش بدن است. [6]

در روایتی دیگر حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: خواب سبب تسلط قوای ذهنی و استواری و قوت بدن می‌گردد. [7]

بدنی که سالم و قوی است و روانی که پویا و با نشاط است کمتر گرفتار انحرافات جنسی و مسائل ضد اخلاقی می‌گردد و خواب و استراحت منظم نقشی بسیار حیاتی در ایجاد تعادل

روحي و تقويت قواي ذهني و رواني دارد. اگر خواب در زمان مناسب آن يعني در شب و بخصوص ابتدای شب انجام شود، علاوه بر اینکه نقش زیادی در رفع خستگی روزانه دارد، موجب آرامش روان و کاهش تنش و اضطراب می‌گردد، و کسانی که از آرامش بیشتری برخوردارند کمتر به انحرافات جنسی و به ویژه خودارضایی گرفتار می‌شوند. قرآن کریم می‌فرماید: «اوست کسی که شب را برای شما قرار داد تا در آن بیارامید و استراحت کنید.» (یونس: 67) «و اوست که شب را برای شما پوشش و خواب را مایه آرامش شما قرار داد.» (فرقان: 47)

امام صادق(علیه السلام) در توصیه به خواب اول شب، می‌فرماید: پیروان ما اول شب می‌خوابند.[8]

هدف از آفرینش شب آرامش و سکون است و آرام بخشی شب و خواب در آن يك واقعیت علمی است که دانش جدید هم آن را ثابت کرده است. خواب شبان گاهان اثر مستقیمی بر سلسله اعصاب دارد و روان انسان و عضلات او را به آرامش و استراحت می‌رساند.[9]

در آزمایش‌های ویلیام ونت (William Wundt) و محققان دیگر ثابت شده است که نیاز انسان به خواب، بخصوص مرحله چهارم خواب (خواب عمیق)، حیاتی و مهم است و این مرحله از خواب در نیمه اول شب بیشتر رخ می‌دهد. خواب در این مرحله، از عمق طولانی تری نسبت به دیگر زمان‌ها برخوردار است.[10]

خلاصه اینکه طبق معیارها و دستورات دینی و روان‌شناسی، خواب و بخصوص خواب منظم و ضابطه مند، نقش زیادی در آرامش روح و روان و تقویت قوای جسمانی دارد و انسانی که از آرامش روحی و روانی برخوردار است، کمتر گرفتار انحرافات اخلاقی و جنسی می‌گردد.

3. کیفیت خواب:

کیفیت خواب و بستر خواب می‌تواند در تحریکات بدنی و جنسی تأثیر داشته باشد و سفارش شده است: سعی کنید به پشت بخوابید و از دمر و (به صورت) خوابیدن اجتناب نمایید. این مسئله درباره نوجوانان از اهمیت بیشتری برخوردار است. نوجوانان باید عادت کنند به پشت بخوابند؛ در رخت خواب بسیار گرم و نرم نخوابند (در جای معمولی بخوابند)؛ زیرا رخت خواب گرم و نرم و به رو خوابیدن از جمله عوامل تحریک و انحراف جنسی است.

سیلوانس استال (Sylvanus Stall)، که در مسائل تربیتی و روان‌شناسی تخصص دارد، می‌گوید: جوانان و نوجوانان نباید روی پره‌های نرم بخوابند و از لحاف بسیار نرم اجتناب کنند و اگر می‌خواهند بدنی نیرومند و ورزیده داشته باشند و کمتر تحریک جنسی بشوند حتماً این کار را انجام دهند.[11]

دکتر محمدرضا شرفی که در رشته روان‌شناسی و بخصوص مباحث جوانان تخصص دارد درباره کیفیت خواب می‌گوید: اگر بتوان نوجوانان را عادت داد که پس از اقامه نماز صبح، با قرآن و دعا مأنوس شوند، این کار در ایجاد حیات معنوی و روحیه اخلاقی شان بسیار مؤثر است و آنان روزی با نشاط و متعالی خواهند داشت.[12]

در دستورات اخلاقی و بهداشتی اسلام، به کیفیت خواب و آداب آن توجه شده و توصیه‌هایی بیان گردیده که هر کدام از آنها در سلامتی و راحتی بدن و آرامش روان مؤثر است و هر کدام از آنها طبق دستور اسلام عملی گردد، در خودسازی و توجه به معنویات و مصون ماندن از انحرافات اخلاقی، تأثیرگذار است. در این بحث، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. با وضو بودن: مؤمن همیشه پاکیزه و با وضو است. وضوی مداوم در تربیت روحی و روانی انسان مؤثر است و سفارش شده که انسان در موقع خوابیدن، وضو بگیرد. این کار ثواب زیادی

دارد و در کمال انسان بسیار مؤثر است.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هر کس هنگام خوابیدن، با وضو باشد گویا در حال عبادت و سجده است. [13]

ب. محاسبه: عاقل و آینده‌نگر در کارهای خود حسابگری می‌کند و در هنگام خوابیدن هم به اعمال روزانه خود توجه نموده، آنها را مطابق معیارهای ارزشی و اخلاقی ارزیابی می‌کند و در جهت اصلاح خود تلاش می‌نماید. این کار پیش از خواب، می‌تواند درمانی برای مسائل پریشانی و فشارهای روانی روزانه باشد؛ چون عاقل وقتی محاسبه کرد و مشاهده نمود خطایی از او سر زده است استغفار می‌کند و اگر اعمال صالحی انجام داده بود شکرگزاری می‌کند و این هر دو در آرامش انسان نقش دارد.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: وقتی به رخت خواب رفتی و خواستی بخوابی، به اعمال روزانه ات بنگر و و به آنچه خورده ای و کسب کرده ای توجه کن و روز قیامت و هنگام مرگت را به یادآور. [14]

ج. دعا و تلاوت قرآن: خواندن قرآن (سوره های کوچک) و دعاهای مخصوصی که هنگام خوابیدن سفارش شده، برای ایجاد آرامش در حال خواب، تنظیم رؤیاهای انسان و تمرکز ادراکی و ذهنی بسیار مؤثر است و آرامش خاصی به انسان می‌دهد.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) خطاب به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: یا علی! وقتی خواستی به رخت خواب بروی استغفار کن و بر من صلوات بفرست و بگو: **سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العظیم**، و سوره توحید را زیاد بخوان؛ به درستی که این سوره نور قرآن است، و آیه الکرسی را بخوان؛ زیرا در هر حرف و کلمه آن هزار برکت و هزار رحمت است. [15]

د. به سمت قبله خوابیدن: یکی از دستورات اخلاقی و تربیتی اسلام درباره خوابیدن این است که انسان به طرف قبله بخوابد و این دستور به دو صورت توصیه شده است: یکی آنکه شخص به پشت بخوابد و کف پاهایش به طرف قبله باشد؛ یعنی اگر خواست بلند شود، صورتش به طرف قبله باشد. دوم آنکه بر پهلو راست بخوابد و صورتش به طرف قبله باشد (البته مطابق روایات، صورت دوم بهتر است).

همچنین خوابیدن بر پهلو چپ و بر صورت، ناپسند و مذموم است. دلیل آن نیز این است که به صورت خوابیدن (دمرو)، وضعیت نامناسبی بر دستگاه تنفس و همچنین معده و قلب تحمیل می‌کند. به پهلو چپ خوابیدن همچنین با توجه به آنکه کبد در سمت راست بدن قرار دارد و طرف راست بدن سنگین تر است، بر سمت چپ بدن فشار وارد می‌کند، ولی هنگامی که فرد به سمت راست بدن می‌خوابد، قسمت سنگین بدن در پایین قرار می‌گیرد قلب و ریه‌ها نیز عمل خود را بهتر انجام می‌دهند.

البته در مورد جهت خوابیدن، علاوه بر ابعاد معنوی و بهداشت روانی آن، ممکن است حکمت‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که اکنون برای ما مجهول است. [16] این دستورات دینی، که در آموزه‌های شرعی مورد تأکید است، انسان را در فضایی معنوی و اخلاقی وارد می‌سازد و دل را از انحراف باز می‌دارد و از طریق جهت دادن افکار انسان به سمت مسائل اخروی، او را از وسواس شیطانی مصون می‌دارد.

4. اصلاح برنامه غذایی:

کیفیت تغذیه در دوران بلوغ، می‌تواند در شکل‌گیری مسائل انحرافی، مؤثر باشد. تغذیه به دو دلیل حایز اهمیت است: یکی از لحاظ محتوا و مواد غذایی مورد نیاز نوجوان، و دیگری از نظر زمان

استفاده آن.

به طور طبیعی، غذای مناسب نوجوان غذایی است که انرژی لازم و مورد نیاز بدن او را تأمین کند، بخصوص که نوجوان در حال رشدی سریع و چشم‌گیر است؛ ولی مواد غذایی او نباید محرک شهوت باشد. به همین دلیل، باید از خوردن بیش از حد غذاهایی مانند خرما، تخم مرغ، دارچین، پیاز و مانند آن اجتناب کند. دیگر آنکه باید برای صرف غذا، زمان مناسبی را انتخاب کند؛ زیرا یکی از علل بی‌خوابی شب‌ها و عدم آرامش روحی، تغذیه نامناسب و زمان نامناسب آن است.

یکی از صاحب‌نظران در این زمینه می‌نویسد: برخی خوراکی‌ها اگر در شب استفاده شود، معده را ناراحت و ناآرام می‌کند، و موجب خواب‌های آشفتگی می‌شود. مثلاً، بعضی افراد اگر شب‌ها شیر بخورند با معده‌شان ناسازگار است، و معده بعضی دیگر با میوه و بعضی با ماهی و مانند آن سازگاری ندارد. به همین دلیل، باید در انتخاب تغذیه شبانه دقت داشته باشند. [17] وی همچنین یکی از علت‌های احتلام پیاپی نوجوانان را تغذیه نامناسب می‌داند و در این باره می‌نویسد: احتلام بیشتر، نزد کسانی دیده می‌شود که با معده سنگین می‌خوابند. بهترین روش برای جلوگیری از این امر و خواب سنگین، آن است که شب‌ها، معده را از خوراکی‌های دیر هضم‌پر نکنید و به همان اندازه که به کیفیت غذا اهمیت می‌دهید، در کمیّت آن نیز دقت کنید. [18]

5. اجتناب از مشاهده فیلم‌های مبتذل:

یکی از ابزارهای محرک شهوات و انحراف نوجوانان و جوانان، دیدن فیلم‌های مبتذل و جنسی است. این فیلم‌ها فکر و اندیشه نوجوانان را تخریب می‌کند و آنان را به سمت مسائل اخلاقی سوق می‌دهد. اگر نوجوان یا جوان به فیلم غیراخلاقی و جنسی نگاه کند، آن صحنه‌ها همیشه در مقابل چشمانش مجسم می‌شوند و در ذهنش تداعی شده، باعث تحریک جنسی و اعمال ناپسند می‌شوند.

به دلیل آنکه نوجوان و جوان در اوج قدرت شهوانی است، کوچک‌ترین تحریک و تصویر جنسی موجب انحراف و کجروی او می‌شود. از این رو، نوجوانان باید سعی کنند حتی یکبار هم به فیلم‌های مبتذل نگاه نکنند؛ زیرا این فیلم‌ها اعتیادآورند و نوجوانان را به خود جذب می‌کنند و هویت دینی و انسانی‌شان را نابود می‌سازند و در منجلاّب فساد و شهوات غوطه‌ور می‌کنند. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: اگر هوس‌ها و شهوات بر شما چیره شوند، شما را به جایگاه‌های هلاکت وارد خواهند کرد. [19] وقتی شهوات در نوجوانان تحریک شود، آنان را به سمت ارضا سوق می‌دهند و چون هیچ راه ارضای عقلانی و شرعی برای آنان وجود ندارد، به سمت خودارضایی کشیده می‌شوند.

6. حاضر نشدن در محیط‌های آلوده:

محیط‌های آلوده و غیر اخلاقی می‌توانند از جمله زمینه‌های انحراف نوجوانان و جوانان باشند. یکی از مصادیق انحراف همین مجالس لهو و خوش‌گذرانی ممنوع و حرام است. این مجالس اثرات تخریبی و سوئی بر افراد جامعه، بخصوص نوجوانان دارند. نوجوانانی که از یک سو، به مرحله پختگی و تقوای کامل نرسیده‌اند و از سوی دیگر، در عنفوان جوانی و شهوت قرار دارند، در این مجالس به فساد و بی‌بندوباری کشیده می‌شوند و به انحراف جنسی روی خواهند آورد.

اگر نوجوانی در مجلسی عروسی حاضر شود که در آن موسیقی نواخته می‌شود و یا زنان بدحجاب حضور دارند یا اگر به ویدئوکلوپی برود که صحنه‌های جنسی و ضد اخلاقی در آنجا

مشاهده می‌شود و یا در مهمانی حاضر شود که مردان و زنان به صورت مختلط و با وضعی ناپسند و بی‌حجاب حضور دارند، به یقین بر افکار و تمایلات او اثر بد گذاشته و علاوه بر اینکه به خاطر حضور در چنین مکان‌هایی کار حرامی کرده است، به انحراف جنسی کشیده می‌شود. این‌گونه مکان‌ها گرایش به انحراف و بی‌بندوباری را تسهیل کرده، بستر را برای روی آوردن نوجوان به سمت ناهنجاری‌های اخلاقی آماده می‌سازند؛ زیرا نقش محیط بر انسان مورد اتفاق بیشتر اندیشمندان است و حتی در مباحث جامعه‌شناختی و روان‌شناسی شخصیت، محیط اجتماعی به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری شخصیت انسان معرفی شده و تأثیرگذاری محیط زندگی بر رفتار، خلق و خوی، اندیشه و ویژگی‌های اخلاقی بر کسی پوشیده نیست. از این رو، اگر نوجوانان احتمال می‌دهند در جلسه‌ای یا مکانی، کارهای غیر اخلاقی انجام می‌شود، باید از آن بپرهیزند تا جلوی تحریکات جنسی را بگیرند.

حضرت علی (علیه السلام) درباره دوری از محیط ناپاک، در نامه‌ای به حارث همدانی چنین می‌فرماید: از مکان‌هایی که مردم آن از یاد خدا غافلند و به یکدیگر ستم روا می‌دارند و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی‌کنند، بپرهیز. [20] در این حدیث شریف، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از مؤمنان و دوستان خواسته‌اند تا از محیط‌های آلوده به گناه و جاهایی که در آنها معصیت الهی می‌شود، پرهیز کنند و خود را در معرض گناه و نافرمانی قرار ندهند.

7. برنامه ریزی برای اوقات فراغت:

مسئله «اوقات فراغت» از مسائلی است که بارها در سخنرانی‌های مسئولان فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته، ولی همچنان مشکل‌آفرین است به ویژه در رابطه با نوجوانانی که از اوقات فراغت بیشتری برخوردارند، و این به خاطر تعطیلات زیاد نظام آموزش و پرورش و نداشتن برنامه کافی برای تعطیلات نوجوانان است.

تعطیلات زیاد و بی‌برنامه در عین حال که موجب احساس سرگردانی و بلاتکلیفی برای نوجوانان می‌شود؛ به تدریج موجب سرخوردگی و یأس آنان می‌گردد و موجب می‌شود آنان به کنج خلوت و انزوا پناه ببرند و راهی برای مشغولیت خود بجویند. این مشغولیت در بسیاری از موارد، به انحرافات جنسی و از جمله خودارضایی منجر می‌شود.

با برنامه ریزی و پرکردن اوقات فراغت، همچون کلاس خطاطی، شنا، کوه‌نوردی، آموزش رایانه، و حتی کارهای کارگاهی در محیط‌های مناسب، می‌توان جلوی انحراف اخلاقی را سد کرد و از دام آن رست. نوجوانی که برای اوقات فراغت و حتی تمام ایام زندگی خود برنامه ریزی دارد، از عزت نفس و حرمت والایی برخوردار است. حرمت خود را دانستن (عزت نفس) در سنین نوجوانی از اهمیت بالایی برخوردار است و نوجوان را از انحراف نگه می‌دارد؛ زیرا کسی که خود را ارزشمند و دارای موقعیت اجتماعی می‌داند و احساس می‌کند که برای جامعه مفید است، هرگز این عظمت را با کارهای ضد اخلاقی تباه نمی‌سازد.

موریس روزنبرگ (Maurice Rosenberg)، یکی از روان‌شناسان، خاطرنشان می‌کند که یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در رشد حرمت خود و شخصیت نوجوان، این است که تا چه حدی با دیگران و محیط اجتماعی سازگاری دارد، و تا چه حد از مقبولیت و محبوبیت برخوردار است. [21] نوجوانی که دارای شغل و حرفه است، از مقبولیت و محبوبیت بیشتری برخوردار است و حرمت خود بالایی دارد.

بندورا (Bondura) می‌گوید: آن دسته از افرادی که به خاطر موفقیت، به تحسین و تمجید از خود می‌پردازند، به احتمال بیشتر، به حرمت خود بالا و پایدار دست می‌یابند و از انحرافات مصون هستند. [22]

در روایات رسیده از معصومان (علیهم السلام) توجه ویژه‌ای به غنیمت شمردن لحظات عمر و فرصت جوانی شده است: حضرت علی (علیه السلام) در روایتی می‌فرمایند: شدیدترین و سخت‌ترین غصه‌ها به خاطر از دست دادن فرصت‌های عمر خواهد بود. [23]

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: بر استفاده از مدت عمر و جوانی ات، حریص‌تر از نگه داری پول و سرمایه مادی باش. [24]

در این دو حدیث شریف، به قدردانی از جوانی و اوقات گران‌بهای عمر سفارش شده و هشدار داده شده است که جوانی و فرصت ارزشمند زندگانی به سرعت در حال گذر است و باید از آن به نحو مطلوب استفاده کرد و با ایجاد اشتغال و برنامه‌ریزی در زندگی و غنیمت شمردن فرصت‌ها، خود را از آفات بیکاری رها ساخت؛ زیرا بیکاری و نداشتن برنامه در زندگی، آفات بسیاری دارد و علاوه بر اینکه انسان را به انحراف می‌کشاند، از رشد اقتصادی و معنوی هم باز می‌دارد. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) در این زمینه می‌فرماید: کسی که برای صلاح و راحتی دنیا و آخرت خود تلاش نکند مورد غضب پروردگار است، و کسی که بیکار و بدون برنامه است انسان شایسته‌ای نیست. [25]

حضرت علی (علیه السلام) درباره آفات بیکاری و نداشتن برنامه برای اوقات فراغت می‌فرمایند: ذهن و قلب انسان اگر رها و بدون برنامه باشد به وسوسه‌های بد و شیطانی گرفتار می‌شود، و اگر فعالیت‌های جسمانی و بدنی در انسان دچار رکود و تنبلی شود، راه برای ارتکاب گناهان باز خواهد شد. در این حدیث، حضرت علی (علیه السلام) توصیه می‌کنند: اگر می‌خواهید به دام گناه و انحراف دچار نشوید، اوقات فراغت و بیکاری خود را پر کنید و ذهن و جسم را به فعالیت مفید و ارزشمند مشغول سازید. [26]

8. قطع رابطه با دوستان مشکل‌آفرین:

معاشرت و همنشینی با دوستان سالم و با ایمان موجب رشد شخصیت انسان و تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی در نوجوانان می‌گردد. انتخاب دوستانی که از لحاظ درسی، اخلاقی، خانوادگی و ادب، شایسته‌اند، خود می‌تواند بهترین بازوی موفقیت انسان و قرار گرفتن در مسیر پاک و بدون انحراف باشد. از سوی دیگر، دوستی با افراد پست و فرومایه که معمولاً به انحراف‌های اخلاقی آلوده‌اند یکی از زمینه‌های انحراف نوجوان است. دوستان منحرف و بی‌بند و بار سعی دارند احساس‌ها و تجربه‌های راست یا دروغ خود یا دیگران را درباره مسائل جنسی و انحراف اخلاقی با حرص و ولع و با حالتی غرورآمیز، برای نوجوانان پاک و نورانی تعریف کنند و آنان را به سمت این ناهنجاری‌ها سوق دهند.

دوست ناباب سرنوشت انسان را به طور کلی، از مسیر اصلی خود خارج می‌کند و او را به ورطه هلاک و فساد و انحرافات اخلاقی می‌اندازد و سعی می‌کند انحرافات جنسی و تجربه‌های جنسی را به دوست خود انتقال کند و از این طریق نوجوان را وسوسه می‌کند. او از طریق ایجاد کنجکاوی و قهرمان‌بازی، دیگران را هم به سمت انحرافات جنسی سوق می‌دهد، و کافی است که نوجوان یکبار صحنه‌های جنسی یا فیلم‌های جنسی یا تجربیات جنسی و انحرافی را مشاهده کند و به سمت خودارضایی یا مسائل دیگر ضداخلاقی کشیده شود!

قرآن کریم در سوره فرقان، عاقبت کسانی را که با دوستان فاسد همنشین گردیده و به نابودی کشیده شده‌اند و اظهار ندامت و حسرت می‌کنند، بیان می‌نماید: آنان می‌گویند: «وای بر من! کاش فلان شخص را به عنوان دوست بر نمی‌گزیدم.» (فرقان: 28) در این آیه، خداوند متعال سرنوشت مصاحبت با افراد فاسد را به عنوان هشدار بیان نموده، مؤمنان را متوجه می‌سازد که از دوستی با افراد فاسد پرهیز کنند و خود را به حسرت دنیا و آخرت گرفتار نسازند.

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می‌فرمایند: از همنشینی و دوستی با افراد شرور و آلوده بپرهیز؛ زیرا طبیعت و شخصیت تو به طور ناخواسته تحت تأثیر بدی و ناپاکی طبع ایشان قرار می‌گیرد و صفات آلوده شان بر تو اثر می‌گذارد. [27] صفات ناپسند رفیق به طور ناخودآگاه بر انسان اثر می‌گذارد و انسان یکباره چشم باز کرده، خود را در انحراف و ظلمت می‌بیند. هیچ نوجوانی نمی‌تواند ادعا کند که من حواسم جمع است و نمی‌تواند مرا منحرف کنند. دوست فاسد سرانجام، تأثیر خود را ناخودآگاهانه می‌گذارد.

امام صادق(علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: کسی که با رفیق بد و ناپاک همنشین شود سالم نمی‌ماند و سرانجام، به ناپاکی آلوده می‌شود. [28]

با بدان کم نشین که صحبت بد

گرچه پاکی تو را پلید کند

آفتابی بدین بزرگی را

لکه ای ابر ناپدید کند [29]

9. پرورش معنویات در خود:

ایمان به خدا و تقویت معنویت نقش مهمی در جهت دادن به افکار و اندیشه و گفتار و و کردار انسان دارد. باورهای اعتقادی و اعمال عبادی و معنوی، تفکر و اندیشه انسان را به سمت کمالات اخلاقی سوق داده، از خیال پردازی در افکار شیطانی باز می‌دارد. انسان مؤمن هرگاه خطرات یا تحریکات شیطانی او را تهدید کنند، به خدا پناه می‌برد و از او استمداد می‌طلبد تا از شرور شیاطین و وسوسه‌های آلوده کننده آنان، در امان باشد، اگر بنده خدا برای فرار از گناه و آلوده نشدن به معاصی، از او کمک بخواهد و به وسیله دعا و مناجات، در ظل توجهات حضرت حق قرار گیرد، قطعاً خداوند او را یاری می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید: «خدا ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند و خداوند بدین وسیله، آنان را از ظلمات (گناه) بیرون می‌آورد و به وادی نور می‌برد.» (بقره: 256) این آیه دالّ بر آن است که هر کسی به خدا پناه ببرد و از طریق انجام واجبات و دعا و نیایش، از او کمک بطلبد، خدا او را یاری نموده، از شرور هواهای نفس و خواهش‌های شهوانی محافظت می‌کند. خداوند در قرآن کریم به یک نمونه جالب اشاره می‌کند که در آن، نوجوانی که در قله تحریکات جنسی و شهوانی قرار دارد، با یاد خدا و استمداد گرفتن از او در مقابل خواسته‌های شیطانی همسر عزیز مصر مقاومت می‌کند و خود را به گناه آلوده نمی‌سازد. حضرت یوسف(علیه السلام) در این امتحان پیروز می‌شود و این پیروزی مرهون ارتباط معنوی با خالق متعال و نورانی کردن درون خود با مناجات حضرت حق است. [30]

کسی که با معنویت و دعا ارتباط دارد از سلامت برخوردار است و تشویش خاطر ندارد، و کسانی که تشویش خاطر ندارند کمتر به انحرافات اخلاقی و جنسی روی می‌آورند. درباره ارتباط معنویت و سلامت روان، تحقیقات زیادی به صورت تجربی توسط دانشمندان و روان‌شناسان انجام گرفته که نتایج همگی آنها دالّ بر ارتباط مذهب و معنویات با آرامش خاطر و عدم سقوط در انحرافات است. ویتنر (Witter) و همکاران او در پژوهشی نشان دادند که 20 تا 60 درصد متغیّرهای سلامت افراد بالغ به وسیله باورهای مذهبی آنان تبیین می‌شود. [31]

کیت و همکاران او تأکید دارند که مذهب و مسائل معنوی جایگزین خوبی برای مؤلفه‌های تأثیرگذار همچون عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی می‌شوند و به رضایت و تعادل و سلامت روانی افراد کمک می‌کنند.

یونگ، روان‌شناس بزرگ غربی، در جریان فعالیت‌های روانی خود، دریافت که باورهای مذهبی

می‌توانند سبب بالا بردن یکپارچگی و معنادادن به شخصیت فرد شوند. در همه این تحقیقات، به ارتباط معنویت و آرامش اشاره شده است و کسی که از آرامش و سکون برخوردار باشد کمتر به انحرافات جنسی و بخصوص خودارضایی، گرفتار می‌گردد؛ زیرا یکی از علل روی آوردن به خودارضایی، «اضطراب و عدم آرامش روانی» است. [32]

دیل کارنگی (Deal Carnegie) می‌گوید: هنگامی که کارهای سنگین، قوای ما را از بین می‌برند و اندوه‌ها و وسوسه‌ها هر نوع اراده‌ای را از ما سلب می‌کنند و بیشتر اوقات که درهای امید به روی ما بسته می‌شوند، به خدا روی می‌آوریم؛ ولی اصلاً چرا بگذاریم روح یأس و ناامیدی بر ما چیره شود؟ چرا همه روزه به وسیله خواندن نماز و دعا و بجای آوردن حمد و ثنای خداوند، قوای خود را تجدید نکنیم و چرا با ذکر الهی بر شرور غالب نگردیم؟ [33]

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: پروردگارا! تو از هر مونس‌ی برای دوستان مونس‌تری و از همه آنها برای کسانی که به تو اعتماد کنند، برای کارگزاری آماده‌تری. پروردگارا! آنان را در باطن دلشان مشاهده می‌کنی و در اعمال ضمیرشان بر حال آنان آگاهی و میزان معرفت و بصیرتشان را می‌دانی، رازهای آنان نزد تو آشکار است و دل‌هایشان در فراق تو بی‌تاب. اگر تنهایی و هجمه‌های شیطانی، سبب وحشت آنان گردد یاد تو مونس آنهاست و اگر سختی‌ها بر آنان فرو ریزند به تو پناه می‌برند. [34]

10. اجتناب از تنهایی:

نوجوان باید سعی کند تا مدتی طولانی، در مکان‌های خلوت و تنها سپری نکند؛ زیرا تنهایی، خود عامل مهمی برای تحریک خودارضایی و زمینه‌ساز ارتکاب این عمل است. نوجوانان مبتلا به انحرافات اخلاقی معمولاً از بعد ارتباطی و عاطفی، آسیب دیده‌اند و روابطشان با اطرافیان و دیگران به حداقل رسیده و همه اینها موجب گردیده است تا نوجوانان به تنهایی و انزوا روی آورند و تنهایی، خود از عوامل و زمینه‌های انحراف جنسی است. از این رو، نوجوانان باید تلاش کنند تا ارتباط عاطفی و اجتماعی خود را با خانواده و دوستان مناسب تقویت کنند؛ سعی نمایند در جمع صمیمی خانواده بیشتر حضور یابند و جلسات گروهی و تفریحات گروهی بیشتری داشته باشند، به دیگران محبت کنند و آنان را به خودشان جذب کنند، و در رفت و آمدهای فامیلی و خانوادگی بیشتر حضور داشته باشند.

در میان دستورات اخلاقی اسلام، به صله رحم و ارتباط با خویشاوندان سفارش زیادی شده است. صله رحم علاوه بر اینکه موجب زیادی عمر و برکت زندگی می‌گردد، آرامش روحی و رفع نگرانی و اضطراب را به دنبال دارد و انسان را به آرامش و سکون می‌رساند. کسی که از آرامش روحی و روانی کافی برخوردار باشد به انحراف جنسی روی نمی‌آورد؛ چراکه یکی از عوامل انحراف جنسی، اضطراب و تشویش است.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: محبت و نیکی کنید و صله رحم نمایید. به درستی که این کارها موجب سلامتی و آسایش در تمام امور زندگی می‌شوند. [35]

اسلام برای مقابله با تنیدگی و افزایش سطح سازش یافتگی، علاوه بر بهره‌جستن از روش‌های شناختی مانند ایمان به خدا و اعتقاد به مقدرات الهی و نیز روش‌های معنوی مانند دعا و توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام)، از روش‌های رفتاری، اجتماعی و ارتباطی مانند تشویق به داشتن ارتباط با خانواده و خویشاوندان، برای کاهش تنیدگی فرد بهره می‌گیرد؛ زیرا کسی که از حمایت خانوادگی و اجتماعی برخوردار نباشد خود را از نظر روانی بدون پشتوانه می‌بیند و احساس تنهایی می‌کند و خود را فردی بی‌ارزش تلقی می‌کند و از این رو، گرایش او به طرف انحراف بیشتر شده با این کارها خودش را مشغول می‌سازد. بنابراین، صله رحم و

پیوندهای خانوادگی می‌تواند با احساس تنهایی، که یکی از نشانه‌های افراد نایمن است، به مقابله برخیزد و آنان را در آرامش و سکون وارد کند.

11. تعدیل انرژی بدن با روزه:

یکی از شیوه‌های درمان خودارضایی تغییر جهت دادن انرژی روانی و جسمانی نوجوان و تخفیف این انرژی است. در این شیوه، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌کارها «روزه داری» است که این روش و راه‌کار موجب تخفیف انرژی روانی و جنسی نوجوان می‌گردد و او را از انحراف جنسی و بخصوص خودارضایی مصون می‌دارد. قبلاً توضیح داده شد که یکی از علل عمده خودارضایی، انرژی فراوان در نوجوان است و باید این انرژی، تصعید (والایش) [36] شود. روزه داری نقش قابل توجهی در این امر دارد؛ زیرا روزه علاوه بر اینکه نیروی روانی و انرژی جنسی نوجوان را به طرف معنویت و ارزش‌های والا جهت می‌دهد، همچنین موجب می‌شود تا انرژی ذخیره شده در بدن و انرژی حاصل از مواد غذایی در بدن، کاهش یابد و این کار به نوبه خود، در کاهش میل جنسی مؤثر است. آنگاه که انسان از نظر جسمی پرتوان شود و از نظر تغذیه به اندازه کافی و یا بیشتر اشباع گردد، مواد زیادی برای سوخت و ساز بدن تولید می‌شود و قسمتی از این مواد و انرژی هم صرف غریزه جنسی می‌شود. تراکم مواد غذایی در بدن، زمینه تشدید میل جنسی را در انسان فراهم می‌کند و روزه می‌تواند نقش زیادی در کاهش انرژی و نیروی جنسی در بدن ایفا کند و نوجوان را از خودارضایی باز دارد.

در رابطه با نقش روزه در کم کردن فشار شهوت، بخصوص شهوت جنسی، روایات متعددی از ائمه اطهار (علیهم السلام) وارد شده است که در این بحث، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. روزی شخصی نزد پیامبر گرامی حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) آمد و گفت: ای رسول خدا! من وضع مالی خوبی ندارم و نمی‌توانم ازدواج کنم، برای کنترل شهوت و بی‌زن بودنم چه کنم؟ حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) فرمودند: برای کنترل شهوت جنسی خود، دو کار بکن: یکی اینکه موی بدن خود را زیاد کن و آنها را تراش؛ دیگر اینکه زیاد روزه بگیر. آن شخص رفت و فرمایش پیامبر را عمل نمود و در نتیجه، شهوتش تعدیل شد. [37]

2. پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) روزی خطاب به جوانان فرمودند: ای جوانان! به شما توصیه می‌کنم ازدواج کنید و همسری برای خود انتخاب نمایید و اگر توانایی ازدواج و شرایط آن را ندارید، لازم است روزه بگیرید و شما را به روزه زیاد توصیه می‌کنم؛ زیرا روزه توان جنسی را تعدیل می‌کند. [38]

از این روایات، استفاده می‌شود که در صورت امکان، باید غریزه جنسی را مانند سایر غرایز، از راه حلال و شرعی ارضا نمود و در صورتی که چنین امکانی نباشد باید به وسیله روزه و کارهای دیگر به تعدیل و کنترل آن پرداخت و برای نوجوانی که زمینه ارضا وجود ندارد، باید به وسیله روزه بر شهوات خود غلبه کند تا در دام انحراف خودارضایی نیفتد.

12. استحمام با آب سرد:

همان‌گونه که اتاق خواب گرم و بستر گرم می‌تواند در تحریکات جنسی مؤثر باشد، استفاده از آب سرد، بخصوص دوش گرفتن با آب سرد و شستوشوی اعضای جنسی با آن، در جلوگیری از تحریکات جنسی و کاهش آن، نقش قابل توجهی دارد. البته باید توجه داشت که این روش برای همه افراد توصیه نمی‌شود؛ زیرا آب سرد برای برخی افراد ضرر جسمانی دارد و نمی‌تواند با آب سرد دوش بگیرند. از این رو، در استفاده از این روش، باید دقت کافی نمود.

بعضی از پزشکان و روان‌شناسان برای تعدیل شهوت، به استفاده از آب سرد و بخصوص حمام کردن با آب سرد و یا شنا کردن در آب سرد توصیه نموده‌اند. سیلوانس استال، که یکی از

پزشکان صاحب نظر در این زمینه است، می‌گویند: اگر به واسطه تخیل جنسی با محرکات دیگر، خون زیاد به اعضای تناسلی جریان پیدا کند و باعث تحریکات شهوانی و جنسی گردد، نباید نگران شد و به دکتر مراجعه نمود، بلکه راه درمان آن این است که برنامه زندگی خود را دگرگون نمایید و کاری کنید که خون در اعضای بدن جریان پیدا کند و در يك جا متمرکز نشود و کاری کنید که همه دستگاه‌های بدن بتوانند تعادل طبیعی خود را داشته باشند. برای این منظور، می‌توانید اعضای تناسلی و جنسی خود را در هر روز چند بار با آب سرد شستوشو داده، از این طریق، قوه خیال و فکر خود را از توجه به شهوات باز گردانید و موجب آرامش اعضای بدن خود شوید. [39]

13. کوتاه کردن مدت حمام:

قرار گرفتن در هوای گرم و مرطوب یکی از عوامل تحریکات جنسی است، بخصوص اگر بدن انسان لخت و برهنه باشد. از سوی دیگر، مالش دادن آلت تناسلی و نگاه کردن به آن و بازی کردن با آن هم می‌تواند در تحریکات جنسی و میل به خودارضایی نقش داشته باشد. بدین روی، به نوجوانان توصیه شده است تا در هنگام استحمام به نکاتی که در پی می‌آید، توجه لازم مبذول دارند:

1. سعی کنند مدت حمام کردن آنها کوتاه بوده، زمان زیادی در حمام نمانند.
 2. به آلت تناسلی خود در آینه و یا به طور مستقیم توجه نکنند.
 3. از بازی با آلت خود و مالیدن آن اجتناب نمایند.
 4. برای نظافت موهای بدن خود، از داروهای نظافت بهداشتی مثل «موبر» استفاده کنند.
 5. در حمام، هیچ‌گاه کاملاً عریان نشوند، بلکه از شورت یا لنگ استفاده نمایند.
 6. حتی الامکان موهای زاید بدن خود را با فاصله بیشتری ازاله کنند؛ یعنی سعی نمایند موی بدن خود را بیشتر نگه دارند.
- حضرت علی(علیه السلام) فرمودند: موی بدن هیچ مردی زیاد نشد، مگر اینکه شهوتش کم شد؛ [40] یعنی موی زیاد موجب کاهش شهوت جنسی است.
- نکته ای که در رابطه با کوتاه نکردن موی زاید بدن، باید مورد توجه زیاد قرار گیرد این است که آنچه در روایات درباره کوتاه نکردن موی زاید آمده، نباید نوجوان و جوان را از نظافت آن غافل کند؛ زیرا عدم پاکیزگی محل موها (بخصوص اطراف عورت) باعث خارش زیاد می‌شود و خاراندن آن زمینه ای برای خودارضایی است.

14. یاد مرگ و قیامت:

از جمله عوامل مهمی که نقش زیادی در کنترل غریزه جنسی دارد، یاد مرگ و قیامت است. انسانی که معتقد به مرگ و جهان آخرت است و اعتقاد دارد که روزی باید در پای میزان دادگاه الهی قرار بگیرد و جوابگوی اعمال و کردار خود باشد، هرگز به خود اجازه نمی‌دهد نافرمانی و معصیت کند و همیشه خود را در محضر الهی احساس می‌کند و با تقویت ایمان، وسوسه‌های شیطان را سرکوب می‌کند.

عملکرد هر انسانی ناشی از جهان بینی و طرز اندیشه و تفکر اوست و اندیشه‌های انسانی پشتوانه اعمال او و رفتارش. از این رو، کسی که ایمان و یقین دارد که مثلاً سم‌کشنده است، هرگز سراغ آن نمی‌رود. اگر نوجوانی که در موقعیت گناه و انحراف جنسی قرار می‌گیرد، موقع جان‌کندن و مرگ خود را به خاطر آورد و عذاب سخت الهی را، که برای مجرمان در نظر گرفته شده است، به خاطر آورد، جرئت نمی‌کند نافرمانی کرده، به گناه و شهوت رانی آلوده شود؛ زیرا می‌داند عذاب الهی سخت و جانکاه است و خودارضایی هم یکی از گناهانی

است که انجام دهنده آن مورد غضب و لعن خدا و رسول اوست. پس یکی از راه کارهای غلبه بر شهوات و تحریکات جنسی حرام، یاد مرگ و قیامت است و در این زمینه، فرمایش‌های ارزشمندی از معصومان (علیهم السلام) وارد شده است.

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: مرگ و قیامت را زیاد به خاطر آورید؛ چراکه یاد آنها بازدارنده شهوت است. [41] در قسمت دیگری از این روایت فرمودند: وقتی نفس شما خواست شما را درباره شهوت و مسائل جنسی به تباهی بکشانند، زیاد به یاد مرگ باشید؛ زیرا یاد مرگ برای موعظه و بیداری، کافی است. [42]

15. تقویت اراده:

تقویت اراده و تلاش برای توانایی از گام‌های مهم در امر غلبه بر انحرافات جنسی و اخلاقی است. اگر نوجوان به تمام فنون درمان خودارضایی و انحرافات جنسی آشنایی داشته باشد، ولی اراده استفاده از آنها و اراده ترك خودارضایی را نداشته باشد، نتیجه‌ای حاصل نمی‌کند. از این رو، تقویت اراده و داشتن تصمیم جدی بر ترك انحراف اخلاقی یکی از مسائل مهم برای درمان و غلبه بر ناهنجاری مزبور است.

از شایع‌ترین و عمومی‌ترین حالاتی که نوجوانان مبتلا به خودارضایی در خود می‌یابند، این است که اراده ندارند و یا اراده شان آن قدر ضعیف شده است که نمی‌توانند تصمیم جدی بر ترك کاری بگیرند و یا تصمیم می‌گیرند، ولی نمی‌توانند تا آخر مقاومت کنند. روان‌شناسان و متخصصان مسائل تربیتی راه کارهایی برای تقویت بیان کرده‌اند که به چند نمونه اشاره می‌گردد:

الف. تمرکز بخشیدن به فعالیت‌های گوناگون: یکی از چیزهایی که در تقویت اراده مؤثر است، تمرکز بخشیدن به فعالیت‌های گوناگون و پراکنده زندگی است. معمولا اوقات ما صرف مسائل و اموری می‌شود که نظام ویژه‌ای ندارند و بیشتر پراکنده کاری است و آنچنان در کارهای متنوع هستیم که از لذت تمرکز فکر، بهره‌چندانی نمی‌بریم. از این رو، باید سعی کنیم در کارهای خود تمرکز داشته باشیم و روی یک کار سرمایه‌گذاری کنیم و نتیجه بگیریم؛ مثلا، در انتخاب رشته ورزشی، سعی کنیم در یک نوع ورزش متمرکز شویم تا به موفقیت نایل شویم و قوای خود را در آن متمرکز سازیم.

ب. به پایان بردن کارهای نیمه تمام: سعی کنیم هر کاری را شروع می‌کنیم، به اتمام برسانیم و از کارهای نیمه تمام بپرهیزیم. سعی کنیم پیش از شروع هر کاری درباره آن اندیشه کنیم و اگر توانایی انجام آن را در خود می‌بینیم به آن اقدام نماییم. اگر کاری نیمه تمام رها شود موجب می‌گردد اعتماد به نفس انسان متزلزل شود، و کسی که از اعتماد به نفس کافی برخوردار نباشد نمی‌تواند اراده جدی و قوی داشته باشد؛ مثلا، اگر مطالعه کتابی را شروع کردیم، سعی کنیم آن را به هر طریق ممکن، به آخر برسانیم و یک تجربه موفق به دست آوریم.

ج. تلقین به خود: شیوه دیگری که در تقویت روحی نوجوانان و استحکام اراده آنان مؤثر است، «تلقین به نفس» است. نوجوان باید به خودش این گونه تلقین نماید که «اراده این کار را دارم و می‌توانم از عهده اش برآیم؛ باید موفق شوم.» او باید سعی کند موفقیت‌های گذشته‌اش را تداعی کند و با توجه به نقاط مثبت زندگی خود، فکر و اندیشه نماید و به خودش بباوراند که می‌تواند، و این ایده را تکرار کند.

پل کلمنت ژاگو (Paul-Celement Jagot)، یکی از صاحب‌نظران در زمینه اراده و راه‌های تقویت آن، می‌نویسد: وقتی بخواهیم با عادت زشتی مبارزه کنیم، نخست باید نتایج نامطلوب آن را در

نظرمان مجسم کنیم و سپس منافع و فواید ترك آن عمل زشت را در روح خود تصور نماییم و مواقعی را که گرفتار آن عادت زشت شده ایم به خاطر آوریم. در نتیجه، هر بار که چنین نمایشی در روح خود می‌دهیم بر آن تحریک یا وسوسه (عادت زشت) چیرگی یافته، لذت ترك آن را در خود احساس می‌کنیم. اگر تلقین به نفس را بلافاصله پیش از خواب اجرا کنیم، مؤثرتر از مواقع دیگر خواهد بود. باید مرتب به خودمان تلقین کنیم که می‌توانیم و عرضه این کار را داریم، و از چیزی هراس نداشته باشیم. [43]

د. سحرخیزی و انجام وظایف دینی: اگر نوجوان، خود را عادت دهد که هر روز صبح گاهان و پیش از طلوع آفتاب از خواب بیدار شود و نماز صبح خود را بجای آورد و قدری دعا و مناجات داشته باشد و سعی کند آیاتی از قرآن کریم را تلاوت کند، در اراده او و تقویت آن مؤثر است و این لذت مناجات صبح گاهی موجب تحریک و تشویق او به سحرخیزی می‌شود و این موفقیت اراده او را مستحکم می‌گرداند.

ه. عدم مقایسه خود با دیگران: مقیاس قرار دادن کسانی که به جاه و مقامی رسیده‌اند و مقایسه خود با آنان، کار شایسته‌ای نیست؛ زیرا شرایط رشد و محیط خانوادگی افراد متفاوت است و هر کس شرایط خاص خود را دارد. به همین دلیل، نباید خود را با دیگران مقایسه کرد، بلکه باید بیشتر به توانایی خود و نقاط مثبت خود توجه نمود؛ زیرا مقایسه خود با دیگران موجب می‌شود به موفقیت‌های ظاهری آنان توجه کنیم و خود را نالایق و غیرموفق تصور کنیم و این تصویر موجب ضعف اراده و کاهش حرمت خود می‌شود.

و. تجربه اندوزی از شکست‌ها: یکی از رموز کام‌یابی و تقویت اراده این است که از شکست‌ها نهراسیم، بلکه از شکست‌های تلخ، میوه شیرین تجربه بچینیم؛ شکست در زندگی هر کس، آینه تمام‌نمای نواقص و اشتباهات اوست. باید پس از هر شکستی، نقص را دریافت و در رفع آن کوشید و توجه داشت که مردان بزرگ تاریخ همواره از شکست به عنوان پل پیروزی خود سود جسته‌اند. ناپلئون بناپارت می‌گوید: آنقدر شکست خوردم که راه شکست دادن را یاد گرفتم. [44]

ز. مبارزه با خواسته‌های نفسانی: مبارزه با خواسته‌های نفسانی و «نه» گفتن به آنها در تقویت اراده مؤثر است، و مبارزه با خواسته‌های شهوانی موجب قوّت و استحکام قوای عقلانی انسان می‌گردد.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: قوی و با اراده کسی است که بر هوای نفس خود چیره شود. [45]

ویلیام جیمز (William James) روان‌شناس معروف و فیلسوف اندیشمند، در این باره می‌گوید: يك بار «نه» گفتن به يك عادت بد موجب می‌شود شخص برای مدتی تجدید قوا کند و بدین وسیله، ضعف اراده خود را به تدریج، برطرف سازد. [46]

جمع بندی

نوجوان برای مصون ماندن از انحراف «خودارضایی»، باید به نکات ذیل توجه جدی نماید:

1. سعی کند همیشه پیش از خواب، مثانه خود را تخلیه کرده، شب‌ها غذای سبک میل نماید.
2. هرگز شکم خود را بیش از حد معمول پر نکند، بلکه تا چند لقمه دیگر جا هست، دست از غذا بردارد.
3. از پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان اجتناب ورزد.
4. هرگز فکر گناه را به ذهن خود راه ندهد و از تصور و تخیل امور جنسی و شهوانی، سخت پرهیزد.
5. از خواندن، شنیدن و نگاه کردن به مناظر و تصاویر شهوت‌آفرین دوری کند.

6. از خوردن مواد غذایی محرک مانند خرما، پیاز، فلفل، تخم مرغ، و غذاهای چرب اجتناب کند و یا به حداقل اکتفا نماید.
 7. از نگاه کردن و دست کاری اندام جنسی خود پرهیز کند.
 8. هرگز به رو ن خوابد.
 9. هیچ گاه در جایی تنها نباشد، تا فرصت و زمینه گناه از بین برود.
 10. برای تخلیه انرژی زاید بدن، به طور منظم و زیاد ورزش کند.
 11. هیچ گاه بیکار نماند و همیشه برای مشغول ساختن خود، به فعالیتی مطلوب و مثبت برنامه داشته باشد.
 12. روزه مستحبی بگیرد و اگر توانایی دارد، روزه تربیتی بگیرد؛ یعنی به کمترین مقدار غذا و کم حجم ترین نوع غذاها اکتفا کند و وعده غذایی خود را کم گرداند.
 13. هرگز به نامحرم نگاه نکند، حتی اگر به ارتباط کلامی با او مجبور باشد.
 14. با جنس مخالف رفتار متکبرانه داشته باشد؛ هرگز با روی باز و نرمی با او برخورد نکند.
 15. هرگاه افکار جنسی به ذهن او وارد می شود خود را تنبیه کند؛ مثلاً، با بستن يك كمش به مچ دست خود و کشیدن و رها کردن آن به خود هشدار دهد.
 16. به بدی گناه و عواقب آن بیندیشد و تا زمانی که به گناه آلوده نشده است، بیشتر در فکر زیان‌ها، خطرات، آبروریزی و عقاب آن باشد.
 17. هرگز از رحمت خدا مأیوس نشود.
 18. به محض لغزش، فوراً توبه کند و سعی کند دیگر تکرار نشود.
 19. قرآن زیاد بخواند و در معانی آیات آن تفکر کند.
 20. در مجالس مذهبی، دعا و توسل و موعظه، زیاد شرکت کند.
 21. از کتبی که جنبه موعظه و بیدارگری قلبی دارند بهره گیرد و مقید باشد که در روز چند ساعت به مطالعه این گونه کتب بپردازد. برای مثال، مجموعه کتاب‌های شهید دستغیب توصیه می شود، بخصوص کتاب گناهان کبیره، قلب قرآن، ایمان، قلب سلیم و معاد.
 22. اوقات فراغت خود را با مطالعه، ورزش، زیارت، عبادت، و عیادت از نزدیکان پر کند.
 23. به معاد و قیامت فکر کند.
 24. ذکر «لا حول ولا قوة الا بالله» را زیاد بر زبان جاری سازد.
 25. عبادت‌های خود مانند نماز و روزه، را صحیح و دقیق و در اول وقت انجام دهد و در انجام هرچه کامل تر و بهتر نماز خود بکوشد و در این زمینه از کتاب آرامش در پرتو نیایش آقای پناهی بهره بگیرد.
 26. از محیط‌های آلوده و سخت دوری کند و بیشتر وقت خود را در کتاب‌خانه بگذراند و بی دلیل در خیابان‌های آلوده حضور پیدا نکند.
 27. اراده خود را تقویت نماید.
- منبع:** برگرفته از مقاله: مهم ترین آسیب جنسی دوران نوجوانی و راه کارهای پیش گیری و درمان؛ احمد پناهی، علی؛ معرفت، فروردین 1386 - شماره 112؛
- پی نوشت‌ها:**

[1] ام. رابین دیماتو، روان شناسی سلامت، ترجمه محمد کایوانی و همکاران، تهران، سمت،

1378، ج 1، ص 392.

[2] شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج 1، ص 350، ح 24.

T. Stephens, "Physical Activity and Mental Health in the United States and Canada: Evidence from four Population Surveys", Preventive Medicines, 1988, vol. 17, pp. 35-

.47

- [4] M.B. Harris, "Runners Perceptions of the Benefits of Running", *Perceptual and Motor Skills*, 1981, vol. 52, pp. 153-154
- [5] J. R. Hughes, "Psychological Effects of Habitual Aerobics Exercise: A Critical Review", *Preventive Medicine*, 1948, vol. 13, pp. 66-78
- [6] R.J. Sonstroem, *Exercise and Self Esteem*, *Exercis and Sports Science Review*, 1984, vol. 12. pp. 123-155
- [6] محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 68، ص 276، ب 78، ح 6.
- [7] همان، ج 59، ص 316، باب آخر.
- [8] «اِنَّ شِيعَتَنَا يَنَامُونَ اَوَّلَ اللَّيْلِ» (شيخ حرّ عاملی، پیشین، ج 5، ص 274، ب 39، ح 26).
- [9] ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، (40 جلدی)، تهران، اسلامیه، 1371، ج 7، ص 343.
- [10] رضا پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، اسلامیه، 1349، ج 12، ص 152.
- [11] سیلوانس استال، آنچه يك جوان باید بداند، ترجمه نصرت الله کاسمی، تهران، انتشارات تهران، ص 38.
- [12] محمدرضا شرفی، پیشین، ص 233.
- [13] محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 73، ب 39، ح 6.
- [14] محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، قم، دارالحدیث، ج 2، ص 407.
- [15] محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 73، ص 220، ب 44، ح 31.
- [16] ام. رابین دیماتو، پیشین، ج 1، ص 45.
- [17] سیلوانس استال، پیشین، ص 38 / ص 59.
- [18] سیلوانس استال، پیشین، ص 38 / ص 59.
- [19] عبدالواحد آمدی تمیمی، پیشین، ص 277، ح 48.
- [20] نهج البلاغه، ترجمه محمدتقی جعفری، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، 1379، ن 69، ص 1014، ش 7.
- [21] اسماعیل بیابانگرد، روش های افزایش عزّت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، 1378، ص 121.
- [22] A. Bandura, *Social Foundations of Thought and Action: A Social Cognitive Theory*, Englewood Cliffs, N. J. Prentice Hall, 1986, p. 66
- [23] محمد محمدی ری شهری، پیشین، ج 7، ص 444، ح 15503.
- [24] همان، ج 6، ص 539، ح 13890.
- [25] ابن ابی الحدید، پیشین، ج 17، ص 146.
- [26] همان، ج 20، ص 302.
- [27] همان، ص 272، ح 147.
- [28] محدث نوری، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث العربی، 1408، ج 8، ب 18، ص 339، ح 1.
- [29] سنایی غزنوی.
- [30] سوره یوسف.
- [31] J. Neelman, & R. Persud, "Why do Psychiatrists Neglect religion", *British Journal of Medical Psychology*, 1995, vol. 68, pp. 78-169
- [32] محمدصادق شجاعی، توکل به خدا (راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان)، قم، مؤسسه امام خمینی، 1383، ص 192.
- [33] دیل کارنگی، آیین زندگی، ترجمه ریحانه سیف، تهران، پیمان، 1380، ص 203.
- [34] نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، ص 225.
- [35] محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 71، ص 277، ب 17، ح 10.
- [36] «جاء رجل الى النبي(صلى الله عليه وآله) فقال: يا رسول الله ليس عندي طول فأنكح

- النساء فاليك اشكو العزوبية، فقال: وقر شعر جسدك، و ادم الصيام، ففعل فذهب ما به من الشبق.» (شيخ حرّ عاملی، پیشین، ج 14، ص 178، ب 139).
- [37] شيخ حرّ عاملی، پیشین، ج 14، ص 178، ب 139.
- [38] همان، ج 7، ص 300، ب 4، ح 1.
- [39] سيلوانس استال، پیشین، ص 54.
- [40] محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 101، ص 87، ب 1، ح 52.
- [41] همان، ص 69، ب 67.
- [42] همان، ص 69، ب 67.
- [43] پل ژاگو، قدرت اراده، ترجمه کاظم عمادی، تهران، معرفت، ص 80 - 81.
- [44] دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ره توشه راهیان نور، ویژه جوانان طرح هجرت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1375، ص 362.
- [45] شيخ حرّ عاملی، پیشین، ج 11، ص 123، ب 1، ح 5.
- [46] دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ره توشه راهیان نور، ویژه بوستان ولایت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1378، ص 152.

درمان خودارضایی

در مسئله درمان خودارضایی، آنچه مهم است مسئله شناخت علل و انگیزه هاست. باید معلوم باشد که چه علل و عواملی سبب ایجاد این روحیه و عادت شده است. آیا این انحراف دارای منشاء زیستی است یا ناشی از اختلال روانی؟ آیا علت آن، کشف بوده است یا بدآموزی دیگران در این امر دخالت داشته است؟ پدید آمدن آن در رابطه با احساس لذت بوده است یا به صورت واکنش ناشی از سوءاستفاده قرار گرفتن به وسیله دیگران؟ باید به محیط فرد توجه کرد. عواملی که باعث نگرانی او هستند باید به حساب آیند. باید دید او چه محرومیتی در جنبه عاطفی دارد؟ دچار چه کمبودهایی است؟ چه نابسامانی‌هایی در خانواده وجود دارد و چه عوارضی او را رنج می‌دهد؟

انتخاب صحیح درمانگر

بهتر است در سنین پایین برای درمان بیمار از والد همجنس او خواسته شود که با فرزندش صمیمی تر باشد و در تشویق او و دوستان مؤدب و فعالش بکوشد و هنگامی که صمیمیت کامل برقرار شد، شروع به درمان کند.

درمان پزشکی

در مواردی برای درمان مبتلا، ضروری است به پزشک مراجعه شود؛ به ویژه در موارد ظهور سرخی در دستگاه تناسلی دختر، ترشح مهبل هنگامی که ابتلا به استمناء به علت کرمک و انگل باشد، زمانی که آثار و عوارض جسمانی و روانی به صورت آشکاری در فرد مبتلا بروز کرده باشد و . .

درمان روانی

درمان روانی، خود عاملی مهم برای اصلاح نوجوانان مبتلا است. در این باره ضروری است به تقویت اراده، دادن روحیه، اعاده شخصیت، ایجاد اتکا و زمینه برای رشد و داشتن عزت نفس در افراد اقدام کنیم.

او باید دریابد که فردی مهم و ارزشمند است و این کارها پست و رذیلانه است و این امر، از راه القائات به ویژه از سوی افرادی محترم، امکان پذیر است.

همچنان باید او را تحریک جسمی و روحی دور داشت، از فشارهای روانی بر وی باید کاسته شود، فعل و انفعالات درباره او نباید شدید باشد و در همه حال به وی تفهیم شود که این مداوا برای آن است که او از سلامت جسمی و روانی برخوردار باشد و زندگی اش مسموم و فلج نشود.

همچنین ضروری است بیمار را از عواملی که او مجبور می‌سازد که دنبال تسکین برود دور داریم و احساس گناهِش را از طریق توبه زائل‌سازیم تا به محض گناه و ارتکاب آن، از رحمت الهی مأیوس نشود و دوباره با توبه، راه پاکی را فراگیرد و سعی کند دیگر تکرار نشود. بخشی از ابتلائات به مسائل جنسی در سنین بزرگسالی بدان سبب است که او مدیر خوبی برای اداره خود و شرف خویش نیست. وی اراده قوی ندارد که بتواند به وعده گاه بدیها نزدیک نشود و به آنجا نرود. والدین باید سعی کنند از همان کودک، نیروی اراده را در کودک تقویت کنند. یکی از نیروهای شگرف وجود آدمی، اراده است. هیچ مانعی نمی‌تواند در برابر اراده انسان مقاومت کند.

نصیحت عمومی

اگر درمانگر بخواهد به طور تلویحی، ناپسندی انجام این عمل را به فرد مبتلا گوشزد کند، باز هم با احساس شرم و گناه در بیمار همراه خواهد بود و او همیشه، خود را گناه‌آلود و حقیر خواهد پنداشت. غرض از نصیحت عمومی، تذکراتی است که به صورت کلی و عمومی مطرح می‌شود و هدف، این است که هرکس، وظیفه، راه و روش عادی خود را دریابد و از عادت ناروا-هرچند که برای او لذت بخش باشد -دست بردارد.

بیماران کم سن و سال به سادگی می‌توانند در معرض پند اندرز قرار گیرند. افرادی که آنان برایشان احترام قائل اند می‌توانند به آنها بگویند این کار را دوست نداریم و از انجام دادن آن راضی نیستیم و نیز بگویند که این عمل را جامعه نمی‌پسندد و مردم، همان گونه که انگشت کردن در بینی، دست کردن در شلوار و تحریک آلت را زشت می‌دانند، استمناء را نیز پسندیده نمی‌دانند البته در سنین بالاتر می‌توان گفت که خدا از این امر بیزار است و جزای بدکاران، عذاب دوزخ است.

در ضمن پند دادن، منعها هم باید مطرح شود و هیچ اشکالی ندارد که در ضمن این منعها بیمار با شرم و حیا مواجه، و از عمل خود شرم‌منده شود. سعی ما بر این است که آن را به رخس نکشیم؛ ولی اگر او فهمید که طرف حساب صحبت ما شخص خودش است و شرم‌منده شد اشکالی ندارد.

تفریحات سالم

این هم توصیه‌های قابل توجه است که برای فرزندان مبتلای به این رفتار برنامه بریزید. برایشان عوامل تنوع را پدید آورید. زندگی با جمع و معاشرتهای سالم خانوادگی را برایشان فراهم کنید. برنامه تفریحی برای آنها تهیه کنید. گاهگاهی به گردشگاه و یا شهر و روستایی دیگر مسافرت کنید و آنها را هم با خود ببرید.

تنوع در زندگی، برخورداری از آب و هوایی دیگر، سرگرمیهای متناسب، اشباع عاطفی و گفت و شنوهای دوستانه، فرد را در وضع دیگری قرار می‌دهد و هوای لغزشی را که در اوست از سرش دور می‌سازد. از این امر غافل نباشیم که تغییر محیط، خود عامل سازنده ای است.

توصیه‌های دینی

اسلام برای مقابله با انحرافات جنسی عموماً و خودارضایی خصوصاً در دو بخش پیشگیری و درمان، راهکارهای مناسبی را ارائه کرده است؛ اما روشهای کاربردی در بخش نخست عبارت

اند از:

گرایش به دین، پیش از بلوغ

نوجوانی تنها شامل تغییرات بدنی، روانی و عاطفی نیست و این موارد تنها بعدی از ابعاد این دوره از حیات هر انسانی محسوب می‌شود. پروردگار هستی در کنار این جنبه از زندگی مادی افراد، بعد معنوی آنها را در بهترین صورت پرداخته است و حتی پیش از بروز و ظهور تغییرات همه جانبه بلوغ، این بعد، رخ می‌نماید.

به طور کلی سه مایه فطری و سه تمایل روحانی در نهاد نوجوانان وجود دارد:

اول: معرفت الهی و علاقه به ما وراء الطبیعه؛

دوم: وجدان اخلاقی و نیروی درك فضایل و رذایل؛

درمان روانی، خود عاملی مهم برای اصلاح نوجوانان مبتلا است. در این باره ضروری است که به تقویت اراده، دادن روحیه، اعاده شخصیت، ایجاد اتکا و زمینه برای رشد و داشتن عزت نفس در افراد اقدام کنیم

سوم: علاقه به مذهب.

می‌توان گفت که دو تمایل اول، در تمایل به مذهب نهفته است و با ارضای کامل گرایش به مذهب، تمایل به معرفت و وجدان اخلاقی نیز خود به خود ارضا می‌شود.

جالب آنکه تمایل به مذهب در سن 12 سالگی، یعنی پیش از آغاز فعالیت بلوغ، آشکار می‌شود. گرایش در آن موقع، هنوز به خوبی شکفته نشده - اند و مزاج کودک، اسیر طغیان شهوات نیست. گویی خداوند حکیم به صورت پیشگیری قبل از بروز طوفان و طغیان گرایش، وسیله مهار کردنشان را آماده کرده است و دوران چندساله بلوغ را مهلت خودسازی و پرورش احساس مذهبی قرار داده است. [1]

خداوند حکیم، قبل از سنین بلوغ، انگیزه جنسی را در حالت نهفتگی قرار داده است تا مایه تحریک فرد نشود. در زمان بلوغ، تغییرات بدنی، عاطفی و روانی در نوجوانان ایجاد می‌شود. تغییرات فیزیولوژیکی از اولین رویدادهای دوران بلوغ محسوب می‌شود. سلول جنسی فرد تا بلوغ جنسی در بیضه‌ها و تخمدانها راکد است و بعد به نوعی تقسیم سلولی می‌پردازد. [2] همه ما کم و بیش با نوجوانانی مواجه شده ایم که به مسائل دینی گرایش دارند و تبلور فطرت الهی را در رفتار و کردار آنها ملاحظه کرده ایم. هم اکنون نیز وقتی در مراسم مذهبی شرکت می‌کنیم کودکان بسیاری را می‌یابیم که با شور و عشق بسیاری در این مراسم شرکت می‌کنند. به این ترتیب به راحتی می‌توانیم ادعا کنیم که گرایش از کودکی وجود دارد و این خود، حجتی از جانب پروردگار برای انسانها است؛ چون هم خود و فرد، این مراحل را طی کرده است و هم در کودکان امروز می‌تواند شاهد این مسائل باشد.

والدین دلسوز و آگاه، آن پدر و مادری هستند که از این فرصت طلایی به نحو مطلوب استفاده کنند و کودک را در این گرایش طبیعی اش هدایت کامل کنند، و از موقعیت مطلوبی که در اختیار دارند به نحو احسن، فایده ببرند. باید تا آنجا که برای والدین امکان پذیر است، برنامه‌های سازنده برای فرزندشان تدارک ببینند. شکوفایی و باروری این گرایش دینی در کودک، منوط به این مسئله است که خانواده از قبل، زمینه‌های لازم و وضعیت مطلوب را ایجاد کرده باشد.

مسئله قابل توجه این است که نوجوان در این سنین خاص به آنچه الفت گیرد و دل دهد باعث می‌شود که در قلب و جاننش بنشیند و یاد بگیرد. علی علیه السلام ضمن نامه خود به حضرت مجتبی علیه السلام فرموده است: **و إنما قلب الحدث كالأرض الخالية ما ألقى فيها من شيء** قبلته فبادرتك بالأدب قبل أن يقسو قلبك؛ [3] دل جوان نوحاسته، مانند زمین خالی [از گیاه و

درخت] است. هر چیزی (بذری) که در آن انداخته شود، می‌پذیرد [و در خود می‌پرورد]. [فرزند عزیز!] من [در آغاز جوانی ات] به ادب و تربیت تو مبادرت کردم، پیش از آنکه دلت سخت شود. «یکی از آثار شرکت در مراسم مذهبی این است که وجود همسالان، اثر روحی عمیقی بر کودک یا نوجوان دارد. آنها از بین همین جمعها، دوستان خود را انتخاب می‌کنند و با آنان انس می‌گیرند و نشست و برخاست می‌کنند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «احذر صحابه من یقبل رأیه و ینکر عمله فإنّ الصّاحب معتبر بصاحبه» [4] بپرهیز از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمالشان ناپسند است؛ اعتبار انسان با مصاحب و رفیقش سنجیده می‌شود.»

از نمونه این برنامه ای گروهی، اردوهای يك روزه، چندروزه، کوهنوردی، دیدار از نمایشگاه و یا بازدیدهای دیگر، دیدن فیلم و تئاتر،

تنوع در زندگی، برخورداری از آب و هوایی دیگر، سرگرمیهای متناسب، اشباع عاطفی و گفت و شنودهای دوستانه، فرد را در وضع دیگری قرار می‌دهد و هوای لغزشی را که در اوست از سرش دور می‌سازد. از این امر غافل نباشیم که تغییر محیط، خود عامل سازنده ای است مسابقه ورزشی و یا برنامه های مذهبی، چون: نماز جمعه، سخنرانی، عزاداریها، زیارت بقاع متبرکه و غیره است.

در هنگامه بحران بلوغ، با استمداد از احساسات مذهبی و رعایت تقوا می‌توان شهوت را کنترل کرد. احساس مذهبی، بزرگ ترین قدرت برای مهار غرایز از نظر اسلام است. قرآن مجید، نماز را عامل بازدارنده از گناه می‌داند و می‌فریاید: «نماز، آدمی را از کارهای زشت باز می‌دارد.» [5] جوانی از انصار، نماز را با پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله ادا می‌کرد؛ ولی به گناهان زشتی آلوده بود. حضرت فرمود: «سرانجام، نمازش او را از این اعمال پاک می‌کند.» [6] البته نماز با رعایت شرایط، این اثر را دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و اله به جوانان توصیه می‌کند برای کنترل غریزه جنسی، از روزه استفاده کنند. [7]

خردورزی

خودارضایی، نتیجه متعادل نبودن غریزه جنسی است. بدیهی است که با مهار احساسات و تعدیل غریزه جنسی می‌توان از خودارضایی پیشگیری کرد. یکی از راههای مهار غریزه جنسی، استفاده از نیروی عقل است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: **إِنَّ لِلْقُلُوبِ خَوَاطِرَ سَوْءٍ وَ الْعُقُولِ تَزْحَرُ مِنْهَا**؛ [8] برای دلها، خاطرات بد [و خواهشهای زشت] پدید می‌آید و عقل از [اعمال] آن خاطرات جلوگیری می‌کند. «البته این چراغ هدایت، به دلیل نیرومندی غریزه جنسی و نارسایی عقل در ایام بحرانی بلوغ، کم فروغ می‌شود. در این شرایط باید از احساسات مذهبی نیز بهره گرفت.

دوری از گناه و ایجاد باور

اگر می‌خواهیم فرزندانمان از گناه دور بمانند و این دوری از گناه به صورت ایمانی واقعی در دل آنان بنشیند و بر این امر واقف شوند که گناه نباید از انسان سربرزد و در این باره باور قلبی برایشان حاصل شود، باید به چند مسئله توجه داشته باشیم:

خود، گناه نکنیم: عمده ترین مسئله، این است که خود گناه نکنیم و از راه گفتار و کردار، تمایل نداشتن به گناه را به صورتی عملی نمایان سازیم. امام باقر علیه السلام فرموده است: «**یَحْفَظُ الْأَطْفَالَ بِصَلَاةِ آبَائِهِمْ**» [9] فرزندان با صلاحیت [اخلاقی] پدران خود [از انحراف] مصون می‌مانند.»

توجه کنیم که محال است غلط زندگی کنیم و بتوانیم صحیح تربیت کنیم. دیگر اینکه کودک به جنبه های عملی رفتار اطرافیان بیش تر از نصیحتهای کلامی توجه دارد و نقش پذیری و تقلید را

به ویژه در این رابطه به صورتی قوی ایفا می‌کند. والدین و سپس دیگر اعضای خانواده در این باره نقش عمده ای دارند. اگر کودکان موارد خلاف و گناه را از پدر و مادر و افراد نزدیک نبینند و شاهد مخالفت‌های زبانی با این موارد هم باشند، مسلماً از ارتکاب گناه و خلاف منجز خواهند شد. همین انزجار در عمل، باور قلبی را در دل کودک می‌نشانند.

اگر والدین نتوانند این باور را در دل کودک بنشانند، مسلماً باید انتظار داشته باشند که فرزندانشان دچار دوگانگی رفتار شوند؛ بدین معنا که در حضور آنها به يك صورت و در واقعی که آنها حضور ندارند، به نحو دیگری عمل کنند و این، شروع انحراف در کودک خواهد بود. رعایت نکات اخلاقی، هنگام نصیحت:

مسئله مهم دیگری که باید بدان توجه شود، این است که وقتی می‌خواهیم حسن یا قبح مسئله ای را با کودک در میان گذاریم باید شرایط گفتار را طوری فراهم کنیم که آثار مطلوب خود را ایجاد کند؛ به طور مثال اگر کلام ما همراه محبت و لطف و صفا نباشد و یا با تحکم یا تندخویی باشد، باز مقبول نمی‌افتد و حتی ممکن است به طور ناخودآگاه از جانب فرزند، خلاف آن صورت گیرد یا در نهان و حتی در آشکار، مخالفت با آن صورت پذیرد.

باید مراقب باشیم و او را در مقابل جمع نصیحت نکنیم. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «التَّصَحُّبُ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ تَقْرِيعٌ»؛ [10] نصیحت [فرد] در حضور مردم، کوبیدن شخصیت [آن فرد] است. اصلاح محیط: دیگر نکته ای که در اینجا کمال اهمیت را دارد این است که باید به طور کلی، زندگی فرزند و محیط او دور از گناه و آلودگیها باشد؛ به زبان دیگر اینکه کودک از افرادی که آشکارا گناه می‌کنند و عمل خلاف، برایشان عادی است و از ارتکاب آن بیمی ندارند، دوری گزیند و نباید با آن افراد نشست و برخاست کند؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: «مَنْ يَصْحَبُ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمُ وَ مَنْ يَدْخُلُ مَدَاخِلَ السُّوءِ يَتَّهَمُ»؛ [11] هرکه با همنشین بد نشیند سالم نماند و هرکس در رهگذر بد قدم بردارد بدنام شود.»

این مهم به عهده والدین است که با افرادی رفت و آمد کنند که دارای چنین شرایطی باشند و به قول معروف:

همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید.

این مسئله برای همه ملموس و پذیرفته شده است؛ چرا که حس تقلید و پیروی از دیگران در کودکان بسیار قوی است و حتی در بزرگسالان هم اثر همنشین مهم و اساسی است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «ما نحل والد ولدنا نحلاً أفضل من أدب»؛ [12] هیچ پدری به فرزندش تفضل و بخشش نکرده است که برتر از ادب باشد. «

پس وقتی کودک را از ابتدای خردسالی از گناه دور بداریم و به او مفسد و مضرات آلوده شدن به گناه را گوشزد کنیم، او خود به مرور که بزرگ تر می‌شود در درون خود از گناه بیزاری می‌جوید و در عمل نیز گرد گناه نمی‌گردد. همین بیزاری درونی، فرد را به باور حقیقی می‌رساند که باید از گناه دوری کند. همین باعث می‌شود که نفرت از عمل بد برایش حاصل شود و این نفرت او در نهان، وی را در آشکار از انجام عمل خلاف باز می‌دارد.

باید توجه کنیم که سنین بلوغ، مقدمه ای مطلوب و نیک را می‌طلبد تا نوجوانان با پایه ایمانی محکم و قوی وارد آن شوند و از نشیب و فرازهای آن به راحتی گذر کنند؛ زیرا همان گونه که بلوغ، صفات پسندیده و سجایای اخلاقی را در اطفال خوب تربیت شده، تشدید می‌کند و با جلوه و فروغ بیش تری نمایان می‌سازد، همچنین صفات ناپسند را در کودکان بد تربیت شده تشدید می‌کند و آنان را به فعالیت بیش تری وامی‌دارد.

تعلیم حیا

مهم‌ترین و اساسی‌ترین برنامه‌های تربیتی در این باره، پرورش حجب و حیا یا شرم و عفاف در فرد است و روایات بسیار زیادی موجود است که این مضمون از آنها برآمده است: «**من قلّ حیاؤه قلّ ورعه**»؛ [13] هرکس شرم و حیاء کم باشد اجتنابش کم می‌شود.»

برای رشد حیا و عفت در فرزندان، باید خانواده دارای این صفات باشد و اهمیت داشتن این صفات برای مادر، بیش از پدر است. اهمیت عقیف بودن مادر را در کلمات گهربار امام جعفر صادق علیه السلام چنین می‌یابیم: «**طوبی لمن کانت امه عقیفة**»؛ [14] خوش به حال کسی که مادرش دارای عفت است.»

ما باید کودکانمان را از همان اوایل کودکی بدین مسئله عادت دهیم و بکوشیم حیا و عفاف در وجود آنها رشد کند. این، بدان منظور است که وقتی آنها سنین خردسالی را پشت سر می‌گذارند جلوه این صفت در وجود آنها متجلی شود. این مهم دست نمی‌دهد؛ مگر آنکه برای رسیدن به آن کوشش کنیم.

اولین تلاش ما این خواهد بود که خودمان سرمشق مناسبی برای رفتار کودکانمان باشیم. کودکان، خیلی بیش‌تر از آنکه به اندرزهای کلامی ما اهمیت بدهند و دل بسپارند در پی تقلید از کردار ما برمی‌آیند. هر رفتار و عملی را از ما مشاهده کنند، یاد می‌گیرند و در وقت مناسب، آن را بروز می‌دهند.

در صورت موفقیت در مرحله قبل، در ادامه می‌توانیم به صورت کلامی نیز برای کودکان، صحبت‌هایی داشته باشیم. در این باره نیز همچون سایر موارد تربیتی، والدین و سپس همنشینان و خویشان نزدیک کودک، مهم‌ترین افراد هستند. اگر رفتار و کردار مطلوب تأیید نشود و خدای ناکرده به صورت مسخره از آنها یاد شود، مسلماً نگرش کودکان را تحت تأثیر قرار خواهد داد و ذهن آنان را به سوی انجام ندادن آن رفتارها سوق خواهد داد.

بنابراین اول از همه، خود ما باید بدین موارد عمل، و سپس اعمال و رفتار مطلوب دیگران را تأیید، و از آنها به عنوان اموری مثبت یاد، و کودک را برای انجام موارد دیگر و یادگیری مراتب بالاتر تشویق و ترغیب و تقویت کنیم. به این ترتیب است که در بزرگسالی می‌توانیم توقع گرایش به سوی این مقصد را از جانب کودک داشته باشیم.

یاد مرگ

یکی دیگر از عواملی که در غلبه بر شهوت، نقش مهمی دارد، یاد مرگ است. رسول اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «**اکثروا ذکر الموت فإِنَّه هادم اللذات حائل بینکم و بین الشهوات**»؛ [15] زیاد مرگ را یاد کنید که یاد مرگ، شکننده لذات نفسانی و حایل میان شما و شهوات است.»

ازدواج

راه صحیح ارضای غریزه جنسی، ازدواج است. رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرماید: «ای جوانان! هر یک از شما که قدرت ازدواج دارد، حتماً اقدام کند؛ زیرا بهترین وسیله است که چشم را از نگاه‌های آلوده و عورت را از بی‌عفتی محافظت می‌کند.» [16] از اینرو اسلام، در جایی که ترك گناه منوط به ازدواج باشد، آن را واجب کرده است. فقهای عظام فرموده‌اند: «کسی که به دلیل نداشتن زن به حرام می‌افتد واجب است زن بگیرد.» [17] این مسئله درباره زنان نیز مؤثر است.

خویشتن داری

قرآن مجید راه مقابله با طغیان غریزه جنسی را در صورت فراهم نبودن زمینه ازدواج، خویشتن داری می‌داند و می‌فرماید:

و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحا حتّٰی یغنیهم اللّٰه من فضله. .؛ [18] «آنها که وسیله ازدواج ندارند، باید عفت پیشه کنند تا خداوند، آنان را از فضلش بی نیاز کند. البته تسلط بر نفس و تعدیل غریزه جنسی، کار بسیار دشواری است که به مقاومت سرسختانه نیاز دارد. امام علی علیه السلام می فرماید: «شهوتها و خواسته های نفسانی، بیماریهای کشنده ای هستند و بهترین دواى آنها، صبر و پایداری در برابر آنهاست.» [19]

تقویت اراده

اگر زیاده خواهی جنسی به صورت عادت ناپسند خودارضایی درآمده باشد، از آنجا که عادت، به منزله طبیعت دوم آدمی به شمار می رود، رهایی از آن، احتیاج به عزمی راسخ دارد. آنچه در شروع کار مهم است، خواستن و انگیزه داشتن است. در این جهت، تلقین مثبت بسیار کارساز است. افراد مبتلا به خودارضایی باید مرتب به خود تلقین کنند که به خوبی قادرند این عادت را ترک کنند؛ ضمن اینکه به دنبال آن، جایگزین کردن يك عادت پسندیده ضروری است. روانشناسان می گویند: برای ترک يك عادت بد، حتما باید به سراغ عادت خوب رفت و آنرا جانشین عادت بد کرد. درباره عادات بد جنسی باید درست در همان ساعاتی که انگیزه آن در مبتلایان تولید می شود، به سراغ برنامه خاصی بروند؛ مانند: ورزش، تفریح، رفتن پیش دوستان و به طور کلی باید از خلوت و تنهایی بیرون بیایند. [20]

کم خوری

هفته ای یکی دو روز، روزه مستحبی بگیرید و اگر توان آن را ندارید روزه اخلاقی بگیرید؛ یعنی، میزان صرف غذا را کاهش و فاصله هر وعده غذا را افزایش و تعداد دفعات غذا را کاهش دهید به حداقل خوراک اکتفا کنید.

در روایات اسلامی از روزه داری به عنوان يك عامل غلبه بر شهوت یاد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «یا معشر الشّباب من استطاع منکم الباه فلیتزوج فإِنَّه اغضّ للبصر و أحسن للفرج و من لم یستطع فلیصم فإِنَّ الصّوم له و جاء؛ [21] ای گروه جوانان! هرکس از شما که از وضعیت زندگانی خوبی برخوردار باشد باید ازدواج کند؛ چون که آن، چشم را فروپوشاننده تر و شرمگاه را نگاهدارنده تر است و هرکه از این توانایی برخوردار نیست، بر اوست که روزه گیرد؛ چون که آن فروکاهنده شهوت اوست.»

نکات قابل توجه در پیشگیری و درمان

رفتارهای ناشایست والیدن، اکثرا سبب می شود اثر نامطلوب و غیر مستقیم استمناء، یعنی احساس تقصیر و گناه بر فرزندان بماند و چون آنها خواه ناخواه به این رفتار ادامه می دهند، پیوسته در کشش دو نیروی مخالف قرار می گیرند و تزلزل اراده و شخصیت پیدا می کنند. گاه شدت عمل والدین سبب ترك این رفتار می شود، ولی چنان ضربه روحی به فرزندان وارد می شود که امور جنسی به طورکلی برای آنان زشت و حیوانی جلوه می کند و زمینه انحراف و بی کفایتی جنسی در آنها پیدا می شود؛ سرزنش فرزندان و ترساندن آنان از فرجام ناگوار این عمل، مانند دیوانگی، کوری و غیره، بدترین و نابخردانه ترین روشی است که والدین در برابر این رفتار آنها می توانند اتخاذ کنند.

بازیهای جنبی کودکان

شاید پدر و مادری دختر خود را مشغول بازی جنسی با کودک فریبکاری ببینند(البته این بازیها از نظر بزرگ ترها جنسی است ولی برای آنها صرفا يك عمل خوشایند است)، هرگز صلاح نیست که فریاد سردهد و احیانا از پزشك نیز برای معاینه اندام آمیزشی دخترش کمک بخواهد و آزمایش بی مورد و نابجا انجام دهد؛ زیرا کم ترین اثر نامطلوب آن در دختر يك چیز است: «ترس

از مرد و قبول اینکه مرد به زن آسیب می‌رساند. «
 گاه پدر با گفتن «مادر به خاطر تو بیمار شد»، کودک را به ژرفای وحشت و اندوه می‌کشاند و با ذکر «تو پسر یا دختر ما نیستی» و امثال آن، رفتار عاطفی کودک را نیز آشفته می‌سازد.
 از قیافه‌ات همه متوجه می‌شوند که پسر کثیفی هستی! تو رشد نخواهی کرد! نمی‌توانی ازدواج کنی و بچه دار شوی! دیوانه خواهی شد! اینها همه تهدیدهای احمقانه‌ای است که کودک را دیوانه می‌کند.

نکات دیگری که می‌توان برای پیشگیری و درمان توصیه کرد از این قرار است:

1- پرهیز از تنبیه‌های شدید برای کودکان خردسال و آنها که در سن تمیز نیستند؛ زیرا این امر، اثر منفی بر جای می‌گذارد.

2- پرهیز از اقدام برای حل و رفع مشکل بدون درمان عقده‌ها و علل و انگیزه‌های پدیدآورنده آن.

3- پرهیز از نصیحت برای ترک، بدون به وجود آوردن زمینه و اسباب آن.

4- تهدیدهای خطرناک ممکن است در مواردی، این عادت را در آنها افزایش دهد.

5- بستن دست کودک ممکن است طفل را در این باره کنجکاوتر و حریص‌تر سازد و یا وادارش کند که راهی دیگر برای ارضای خود کشف کند.

6- ملامت افراطی مستقیم، رابطه کودک را با والدین و مربیان تیره می‌کند و وضع او را بدتر می‌سازد.

7- در نوع موضعگیری والدین باید به سن هم توجه کرد. با کودکان خردسال به یک گونه، با اطفال ممیز به گونه‌ای دیگر باید برخورد کرد.

8- درباره آنها که به تازگی لغزشی مرتکب شده و به قبح و زیان آن جاهل‌اند، برنامه اصلاح را با کمک کاری شروع نکنیم. باید نخست آگاهی‌های لازم را بدهیم و آن را با پند و خیرخواهی توأم سازیم و در صورتی که اثر نبخشد اقدام خشن‌تر معمول شود.

9- در اوایل، کار، اگر کودکی خردسال دچار لغزش بود و با آلت تناسلی خود بازی کرد، مادر باید تذکر

اگر زیاده‌خواهی جنسی به صورت عادت ناپسند خود ارضایی درآمده باشد، از آنجا که عادت، به منزله طبیعت دوم آدمی به شمار می‌رود، رهایی از آن، احتیاج به عزمی راسخ دارد. آنچه در شروع کار مهم است، خواستن و انگیزه داشتن است. در این جهت، تلقین مثبت بسیار کارساز است

دهد و در صورتی که آن تذکر سودمند نیفتد می‌تواند به پشت دست او بزند و او را بدین طریق، هشدار دهد.

01- تدابیر غیرمستقیم، چون: ورزش، شرکت در بازیها و استفاده از هوای آزاد در این باره سازنده‌اند و نیز شرکت دادن فرزندان در فعالیتهای اجتماعی، فعالیتهای درسی و گروهی و... مؤثر است.

11- آنچه مهم است رعایت خونسردی شماست. جدا باید مانند پزشکی حاذق و مسلط بر خود با کودک برخورد کنید؛ زیرا دستپاچگی، جوش زدن و سروصدا به راه انداختن مسئله‌ای را حل نخواهد کرد.

نتیجه‌گیری

استمناء یکی از انحرافات جنسی است که امروزه برخی روان‌شناسان داخل کشور نیز به تبعیت از روان‌شناسان خارجی سعی کرده‌اند آن را امری عادی و بی‌ضرر بنمایانند و فقط تکرار

بیش از حد آن را زیان آور بدانند. این در حالی است که نظر این روان‌شناسان فقط به تأثیرات زیستی و فیزیولوژیکی استمنا است. هرچند به اعتقاد ما در این حیطة نیز آسیب‌هایی وجود دارد؛ اما آنان تأثیرات روانی، شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی آن را نادیده گرفته‌اند. ریشه این انحراف در اکثر موارد به دوران کودکی برمی‌گردد که با دقت بیش‌تر خانواده‌ها در تربیت فرزند، این مشکل برطرف می‌شود؛ «مانند: پوشاندن لباس تنگ، شوخی‌های غیراخلاقی، رعایت نکردن بهداشت که ممکن است تولید خارش در بدن کودک کند، فراهم آوردن اسباب اضطراب و افسردگی کودکان، کنترل نکردن دوستان فرزندشان، رعایت نکردن حریم روابط خصوصی به وسیله پدر و مادر.

در برخی از موارد نیز ممکن است ریشه این انحراف به عامل جسمانی برگردد که لازم است برای درمان آن به پزشک مراجعه شود؛ مانند: ابتلا به بلوغ زودرس، وجود بی‌نظمی پوستی در محل ختنه، حل عقده‌ها به ویژه عقده حقارت، نظر کردن به روابط دیگران حتی به حیوانات و... دین‌مبین اسلام در این باره دستورالعمل‌هایی دارد که برگرفته از نگاه جامع‌نگر آن به زندگی انسان است. برخی از این دستورها مانع از پدید آمدن این انحراف است؛ مانند: خردورزی، خدامحوری، تعلیم حیا و یاد مرگ و برخی دیگر برای درمان این انحراف است؛ مانند: تقویت اراده، روزه گرفتن و خویش‌داری.

منبع: مبلغان، تیر و مرداد 1389 - شماره 130؛ نقی زاده، حسین

پی‌نوشت‌ها:

- [1] جوان، فلسفی، امیر کبیر، ج 1، ص 375.
- [2] روان‌شناسی رشد، گروه نویسندگان، ترجمه: رحمانیان نور الدین، آگاه، تهران، 1468 ق، ص 84.
- [3] وسائل الشیعه، ج 21، ص 478.
- [4] همان، ج 33، ص 508.
- [5] عنکبوت/45.
- [6] تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دار الکتب الإسلامیة، ج 16، ص 287.
- [7] بحار الأنوار، ج 100، ص 220.
- [8] تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، 1366 ش، ص 66.
- [9] همان، ج 68، ص 236.
- [10] شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید معتزلی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم، 1404 ق، ج 20، ص 341.
- [11] بحار الأنوار، ج 68، ص 278.
- [12] مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل‌البیت، قم، ج 15، ص 165.
- [13] وسائل الشیعة، ج 12، ص 187.
- [14] علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 2، ص 564.
- [15] بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 68، ص 264.
- [16] مکارم الاخلاق، حسن بن طبرسی، شریف رضی، ص 100.
- [17] توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2443.
- [18] نور/33.
- [19] غرر الحکم، عبد الواحد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات، ج 1، ص 72.
- [20] مشکلات جنسی جوانان، ناصر مکارم شیرازی، ص 169.
- [21] مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل‌البیت للاحیاء التراث، قم، چاپ اول، 1408 ق، ج 14، ص 53؛ پیام پیامبر، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی-مسعود انصاری، منفرد، ص 173.

وظیفه مربیان

گریزه جنسی و بیداری آن در دوران بلوغ، مشکلاتی را برای نوجوانان پدید می‌آورد؛ بنابراین، وظیفه مربی است که با احتیاط، ذهن نوجوان را در این زمینه روشن سازد و به او کمک کند تا این مرحله را با آگاهی و آرامش از سر بگذراند. نوجوان مشکلات جنسی و روانی خود را با هر کسی در میان نمی‌گذارد؛ به همین دلیل، وجود مشاوران و معلمانی که آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده باشند، ضروری است. وظیفه اولیای مدرسه این است که با تدارک برنامه‌های مناسب، احتمال بروز بعضی زمینه‌های انحرافی را در نوجوانان به حداقل برسانند. یکی از مشکلات جنسی مبتلا به نوجوانان خودارضایی است در زیر راهکارهایی برای درمان خودارضایی در سنین مختلف پیشنهاد می‌شود.

دوره پیش دبستانی و اوایل دبستان

شناسایی عامل و حذف آن: عواملی مثل عوامل فیزیولوژیکی، تحریکات جلدی، کنجکاوی جنسی کودکان یا بازی‌های جنسی کودکان را باید شناسایی و حذف کنید. برای حذف بازی‌های جنسی کودکان باید دقت کنید که کودک با چه کودکانی بازی می‌کند. لازم است که بازی‌های آن‌ها تحت کنترل و زیر نظر بزرگ‌ترها باشد و تا حد امکان فضای خصوصی نداشته باشند؛ یعنی، بزرگ‌ترها در آن فضا رفت و آمد داشته باشند. به کودک هشدار مراقبتی ندهید که «این کار زشت است» یا او را از بازی کردن منع کنید بلکه هنگامی که صحنه را دیدید، در مورد آن به طور مستقیم با کودک صحبت کنید؛ بدون این که در او احساس گناه ایجاد کنید، به او اطلاعات بدهید تا مطلع شود که قسمت‌هایی از بدنش خصوصی است. خصوصی بودن و سری بودن را برای کودک توضیح دهید؛ بدین ترتیب که همان‌طور که راز نباید به هر کسی گفته شود و همه کس اجازه ندارد از آن باخبر شود، موضوع خصوصی نیز موضوعی است که دسترسی به آن محدود است؛ مثلاً هر خانواده‌ای مسائل خصوصی دارد که آن را با خانواده دیگر در میان نمی‌گذارد. اعضای خصوصی بدن ما نیز چنین وضعی دارند؛ یعنی همه آدم‌ها در بدن خود اعضای خصوصی دارند ولی هرکس فقط می‌تواند به اعضای خصوصی بدن خودش دسترسی داشته باشد نه دیگران. سپس، او را وارد بازی دیگری کنید یا خود با او وارد بازی شوید.

اگر عامل جنبه محیطی داشته باشد (کودک آزاری و سوء رفتار جنسی) و باعث ایجاد فشار و اضطراب در کودک شود، باید آن را شناسایی و کنترل کنید و کودک را تحت روان‌درمانی به صورت بازی‌درمانی و هنر‌درمانی قرار دهید. در کودکان ۵ و ۶ ساله که مکرراً خودارضایی دارند و خود را در جایی مخفی می‌کنند و این کار را انجام می‌دهند، این مورد جنبه اضطرابی دارد و باید عامل اضطراب بررسی و کنترل شود. اگر کودک تنبیه شده است (چه در مدرسه چه در منزل)، بکوشید که پس از آن او را آرام نگه دارید یا اگر به او وعده تنبیه داده‌اید، یا آن را اجرا کنید یا بر او ببخشید (در این زمینه بهتر است به معلم و والدین توضیحات لازم داده شود).

اگر می‌بینید که خودارضایی در کودک عادت شده است، باید تا حد امکان اجازه ندهید که او در فضای خلوت قرار گیرد. همچنین ترتیبی دهید که مراقبت‌های محیط، مراقبت‌های موقع خواب، نحوه پوشش، کنترل وضع پوشش و شیوه‌های پوشش خانواده کنترل شود.

بررسی رابطه تربیتی والدین و کودک؛ والدین بیش از حد سخت‌گیر، والدین بی‌توجه، بی‌محبت و سهل‌گیر، والدین مداخله‌جو، والدین بیش از حد نوازش‌کننده و به خصوص والدینی که می‌خواهند بازی فیزیکی کنند و کودک را به خودشان بچسبانند. در همه سنین این شیوه

تربیتی باید تنظیم شود.

در مورد کودکان ۶ و ۷ ساله لازم است مسئله را به طور مستقیم با او در میان بگذاریم؛ هم از بعد اجتماعی و هم از بعد سلامتی. او را تهدید نکنید که اگر این کار را انجام دهد دچار بیماری خاصی می‌شود؛ چون این گفته بر اضطراب او می‌افزاید و خودارضایی او را افزایش می‌دهد. باید به کودک آموزش دهیم که وقتی این حالت به او دست می‌دهد، فضای خصوصی را ترک کند و به جمع بیاید. لازم است تنفس شکمی را به کودک آموزش دهیم و از او بخواهیم که در طول روز این کار را چند بار انجام دهد. یک فعالیت ورزشی سبک برایش در نظر بگیریم و از او بخواهیم که آن را انجام دهد.

در مورد کودکان بزرگ‌تر (سوم تا پنجم ابتدایی) علاوه بر موارد بالا، گفت‌وگوهای شناختی بیشتری با او انجام دهیم و کمک کنیم تا بتواند افکار و احساس قبل و حین و بعد از این کار را شناسایی کند. مثال: چه موقع این احساس بیشتر به سراغت می‌آید؟ در آن زمان‌ها چه فکری داری؟ وقتی این کار را می‌کنی، چه حس‌هایی داری و... به این ترتیب، او را نسبت به احساس و افکاری که بعد از این کار دارد، هوشیار می‌کنیم.

از او می‌خواهیم در مورد کارش قضاوت کند. البته او را مورد قضاوت قرار نمی‌دهیم و به او نمی‌گوییم که این کارش درست یا غلط است بلکه با روش‌های شناختی و گفت‌وگوهای درمانی او را در این مسیر سوق می‌دهیم که خود در مورد کارش قضاوت کند. مثلاً ممکن است کودک بگوید زمانی که ناراحت می‌شود یا زمانی که هیجان و استرس دارد این کار را انجام می‌دهد. با او در این زمینه گفت‌وگو می‌کنیم. مثلاً می‌پرسیم: با این ناراحتی چه می‌کنی؟ آن را در خودت نگه می‌داری یا به کسی می‌گویی؟ وقتی در خودت نگه می‌داری، چه اتفاقی می‌افتد؟ ترجیح می‌دهی این کار را انجام دهی یا ناراحتی خودت را طور دیگری مطرح کنی؟ مثلاً به مامان بگویی. به والدین نیز آموزش دهید که هنگامی که کودک ناراحتی خود را بیان می‌کند، با او برخورد منطقی داشته باشند. به این ترتیب، کودک به تدریج با حسش روبه‌رو می‌شود و خودارضایی، که بر اثر اضطراب و ترس در کودک ایجاد شده است، کاهش می‌یابد.

برای رفع تحریکات حسی تمریناتی را به او آموزش می‌دهیم تا در طول روز انجام دهد؛ برای مثال، از او می‌خواهیم در طول روز چند بار دست خود را ماساژ دهد. بدین ترتیب که هر بند انگشت خود را در آرام آرام با دست دیگر فشار بدهد. سپس، کف دست و در انتها همه انگشتان خود را ماساژ بدهد.

دوره نوجوانی

اگر در این دوره، خودارضایی جنبه لذت‌جویی داشته باشد، در این زمینه به او اطلاعات می‌دهیم؛ بدون این که بخواهیم او را بتراسانیم، عوارض آن را توضیح می‌دهیم و کارهایی را که می‌تواند در این زمینه انجام دهد تا آن را کنترل کند، به او آموزش می‌دهیم؛ مثل: انجام دادن فعالیت‌های فردی، ورزشی، اجتماعی (قرار گرفتن در گروه‌های اجتماعی سن خود) و حذف تحریکات محیطی.

اگر جنبه عادت‌ی و اضطرابی داشته باشد، لازم است در طول جلسات درمان او را با حس‌های خودش مواجه کنیم. دانش آموز باید بتواند حس‌های خود را در این مورد در جلسه مطرح کند. گاهی لازم است در مورد تصویرهای ذهنی که از این موضوع در ذهن او ایجاد می‌شوند نیز صحبت کند. بدون این که در مورد کودک قضاوت و او را سرزنش کنیم، به او فرصت می‌دهیم تا بتواند حس‌هایش و تصاویر ایجاد شده را بیان کند. بیان این موارد در جلسات درمان به فرد کمک می‌کند تا با تنش‌ها و استرس‌هایی که در این مورد دارد، روبه‌رو شود. در واقع، فرد وجود این

حس‌ها و نیازها را در خود انکار می‌کند و با انکار آن‌ها این احساس بیشتر به ذهن او فشار می‌آورد. اما وقتی در جلسات درمانی با احساساتش روبه‌رو می‌شود و آن‌ها را می‌بیند، آزاد می‌شود و در دنیای واقعی راحت‌تر می‌تواند با نیاز جنسی خود مقابله کند. به عبارتی، می‌پذیرد که این نیاز یک نیاز طبیعی و بخشی از اوست و در همه انسان‌ها وجود دارد. مهارت‌های ابراز وجود و جرئت‌ورزی را به او آموزش دهید تا بتواند احساسات خود را بیان کند و در خودش نگه ندارد.

به او آموزش دهید که به فیزیکی خود توجه کند و خوب لباس بپوشد. نه این که برای دیگری مرتب باشد بلکه برای خودش، آن‌طور که دوست دارد، لباس بپوشد. در مقابل آینه از خود تعریف کند، توانایی‌های خودش را ببیند و در مورد آن‌ها حرف بزند.

به او آموزش دهید که در مورد احساساتش (چه جنسی و غیر جنسی) با افراد مطمئن و قابل اعتماد، به‌طور مستقیم صحبت کند. این باعث آرامش او می‌شود؛ مثل این که به او بگوییم وقتی این حس‌ها تو را اذیت می‌کند، می‌توانی با فرد قابل اعتمادی صحبت کنی و بگویی من این حس‌ها را دارم، زمانی که تو این احساسات را داری، چه می‌کنی؟ و در مورد آن کمی گپ بزنید.

به کودک یاد بدهید زمانی که تصویرسازی ذهنی در مورد مسائل جنسی دارد، به خودش برچسب منفی نزند؛ چون این برچسب‌گذاری و قضاوت خود باعث ایجاد احساس گناه بیشتری در او می‌شود. در نتیجه، می‌خواهد که آن‌ها را سرکوب کند و این سرکوبی باعث می‌شود که تصویرهای ذهنی‌اش با شدت بیشتری به او فشار آورند و بخواهند خودنمایی کنند. پس ذهن او بیشتر درگیر این موضوع می‌شود.

همچنین، مهارت‌های ارتباطی او را تقویت کنید (مهارت‌های ارتباطی با جنس مخالف و هم‌جنس خود). این موارد باعث افزایش اعتماد به نفس او می‌شود.

اضطراب اجتماعی دانش‌آموز را درمان کنید. اضطراب اجتماعی ممکن است به شکل ترس از عمل کردن در جمع، ترس از تعارض و برخورد، و طرد شدن یا ترس از عدم تأیید، ترس از مورد قضاوت قرار گرفتن، ترس از صمیمیت و ترس از دیدار افراد ناآشنا ظاهر شود. این ترس‌ها باعث می‌شود که نوجوان از فعالیت‌های معمول کنار بکشد، بیش از پیش خود را مهار کند و در ذهن خویش به خیال‌بافی بپردازد. این گوشه‌گیری، در خود رفتن و کلنجار رفتن با خود به ایجاد تنش‌ها و فشارهایی در نوجوان منجر می‌شود که گاهی جهت آرامش و دور شدن از این تنش‌ها به خودارضایی پناه می‌آورد. جهت مداخله، راهبردهای مهارت‌های مقابله‌ای رفتاری و شناختی شامل آموزش تنش‌زدایی، شناسایی افکار ناکارآمد و اضطراب‌زا، تکنیک توجه‌گردانی، و مواجهه با موقعیت اضطراب‌آور را به او آموزش دهید.

به او آموزش دهید که روش برخورد خود را در موقعیت‌ها شناسایی کند. به عبارتی، هنگام مواجهه با مشکل چه کاری انجام می‌دهد. اگر روش‌های مقابله‌ای او غیرمؤثر و منفعلانه بود، روش‌های مقابله‌ای مؤثر و کارآمد را به او آموزش دهید. از جمله:

راهبرد رویارویی فعال که شامل، تصمیم‌گیری شناختی (تفکر در مورد کاری که فرد می‌تواند جهت حل مسئله انجام دهد)، حل مسئله به‌طور مستقیم (تمرکز بر حل مسئله و تغییر رویداد که به بهبود موقعیت فشارزا منجر می‌شود)، در پی درک مسئله بودن (جهت پیدا کردن معنایی برای یک موقعیت فشارزا تلاش کند یا برای درک بهتر آن مسئله بکوشد)، و بازسازی شناختی مثبت (در مورد موقعیت فشارزا به شیوه مثبت و خوش‌بینانه فکر کند) است.

راهبردهای رویارویی حمایتی: فعالیت‌هایی هستند که فرد را برای حل مسئله یا بازگو کردن احساسات به سمت دیگران سوق می‌دهد. گاهی فرد برای حل مشکلتش از دیگران کمک می‌

گیرد (حمایت مسئله محور) یا برای کاهش احساسات دردناک خود، احساساتش را با آن‌ها درمیان می‌گذارد (حمایت هیجان محور).

راهبردهای رویارویی حواس پرتی: برخی فعالیت‌های مناسب ذهن فرد را از فشارزها دور می‌کند. این فعالیت‌ها شامل اجتناب از تفکر در مورد موضوع فشارزا با پرداختن به محرک‌هایی سرگرم‌کننده (اعمال حواس پرتی)، و بیرون راندن فکر از ذهن با پرداختن به فعالیت جسمانی (تخلیه هیجانی با فعالیت جسمانی) است.

درك جنسی دانش آموز را افزایش دهید؛ از جمله درك چگونگی کارکرد بدن انسان به ویژه چگونگی تولیدمثل، مهارت‌های زندگی فردی، هویت جنسی، مسائل بهداشتی، و آگاهی از بدن خود.

نقش جنسیتی دانش آموز را افزایش دهید؛ همهٔ اعمال و رفتاری را که به مرد بودن یا زن بودن فرد مربوط می‌شود، به آن‌ها آموزش دهید تا حس زنانگی در دانش‌آموزان دختر و حس مردانگی در دانش‌آموزان پسر افزایش یابد.

والدین را آگاه کنید تا با فرزندان نوجوان خود ارتباط مؤثری داشته باشند. از جمله به آن‌ها یادآور شوید که با فرزندان نوجوان خود، روابط صمیمانه و ثمربخش عاطفی برقرار کنند و در موقعیت‌ها با او همدلی کنند. در اثر این برخورد سازنده، روابط عاطفی بین آنان برقرار می‌شود و اعتماد و اطمینان بر این روابط حاکم می‌گردد. همچنین، والدین باید به خوبی از روابط جنسی خود با یکدیگر و چگونگی برقراری آن، آگاه باشند و به خصوص در زمینهٔ حفاظت از مسائل خاصی که فقط بین آنان برقرار می‌شود، دقت و رعایت کامل را لحاظ کنند. برخی از نوجوانان به دلیل بی‌بندوباری جنسی والدین در برقراری روابط زناشویی به استمنا دست می‌زنند؛ از این رو، ضروری است والدین با آگاهی کامل نسبت به این‌گونه مسائل و روابط، از امور زناشویی خود حفاظت بیشتری به عمل آورند. بیشتر نوجوانان، به دلیل ناآگاهی از تغییرات دوران بلوغ، این دوران را در ابهام و اضطراب سپری می‌کنند. پدر و مادر نسبت به فرزندان همجنس خود وظایف مشابهی دارند. در این زمینه، آن‌ها می‌توانند در فضایی دوستانه و آکنده از اعتماد متقابل، پیرامون برخی علائم بلوغ، اهمیت دوستان در سلامت یا انحراف اخلاقی، پیامدهای معاشرت‌های آلوده و مسائلی از این دست، با فرزندان نوجوان خویش به گفت و شنود بپردازند.

منابع

۱. جزوات درس آقای دکتر مجید یوسفی لویه، پیرامون اختلالات جنسی کودکان، ۱۳۸۴.
 ۲. در دوف. ساندرین فان (۲۰۱۰)؛ تمایلات جنسی کودکان و نوجوانان، مترجم گیل آوا - برگرفته از اینترنت.
 ۳. دوفریناس، کریستال؛ کلیدهای آموزش و مراقبت از سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان. مترجم: سارا رئیسی طوسی، مؤسسهٔ انتشارات صابرین.
 ۴. ژانت. م. زارب؛ ارزیابی و شناخت رفتاردرمانی نوجوانان، مترجمان: خدایاری فرد، و عابدینی، انتشارات رشد، ۱۳۸۶.
- برای حذف بازی‌های جنسی کودکانه باید دقت کنید که کودک با چه کودکانی بازی می‌کند. لازم است که بازی‌های آن‌ها تحت کنترل و زیر نظر بزرگ‌ترها باشد و تا حد امکان فضای خصوصی نداشته باشند؛ یعنی، بزرگ‌ترها در آن فضا رفت و آمد داشته باشند به کودک هشدار مراقبتی ندهید که «این کار زشت است» یا او را از بازی کردن منع کنید بلکه هنگامی که صحنه را دیدید، در مورد آن به طور مستقیم با کودک صحبت کنید؛ بدون این که در او احساس گناه ایجاد کنید، به او اطلاعات بدهید که قسمت‌هایی از بدنش خصوصی است. خصوصی بودن و سری بودن را برای کودک توضیح دهید.

منبع: مجله رشد آموزش مشاور مدرسه، پاییز 1390 - شماره 25؛ درویش محمدی، مژگان

همجنس‌گرایی

همجنس‌گرایی (homosexuality) یعنی ارضای غریزه جنسی از طریق همجنس (مانند لواط در مردان و مساحقه در زنان) به هر شکل که باشد حرام و گناه کبیره محسوب می‌شود. همجنس‌گرایی در اسلام و همه ادیان الهی حرام است و علاوه بر عقوبت شدید دنیوی و اخروی اثرات و پیامدهای شدید و غیر قابل جبران در پی دارد. چون همجنس‌گرایی نوعی انحراف جنسی به حساب می‌آید و مانند هر انحرافی پیامد خاص خود را در به دنبال دارد؛ مانند اینکه موجب تنفر از جنس مخالف و علاقه به جنس موافق می‌شود. همجنس‌بازی علاوه بر مضرات بهداشتی و روانی که دارد با فطرت انسانی مغایرت دارد و این امر باعث تعطیل شدن توالد و تناسل و گرایش افراد به جنس موافق و در نتیجه موجب تعطیلی توالد و تناسل خواهد شد. بدیهی است این امر با هدف آفرینش منافات خواهد داشت. پس همجنس‌بازی حرام بوده و از گناهان کبیره به حساب می‌آید.

اصولا طبیعت زن و مرد آن‌چنان آفریده شده است که آرامش و اشباع غرایز خود را در علاقه به جنس مخالف (از طریق ازدواج سالم) می‌جوید، و هر گونه رفتار جنسی غیر این صورت، انحراف از طبع سالم انسانی و یک نوع بیماری روانی است که اگر به آن ادامه داده شود روز به روز تشدید می‌گردد و نتیجه اش بی‌میلی به «جنس مخالف» و اشباع ناسالم از طریق «جنس موافق» است.

این گونه روابط نامشروع در ارگانیزم و بدن انسان و حتی در سلسله اعصاب و روح اثرات ویرانگری دارد. در نگاه کلی آدمی را از پدر و مادر خوب بودن باز می‌دارد و گاه قدرت بر تولید فرزندان را به کلی از انسان سلب می‌کند، افراد همجنس‌گرا تدریجا به انزوا و بیگانگی از اجتماع و سپس بیگانگی از خویشتن رو می‌آورند، و گرفتار تضاد پیچیده روانی می‌شوند و اگر به اصلاح خویش نپردازند ممکن است به بیماری‌های جسمی و روانی مختلفی گرفتار می‌شوند.

به همین دلیل و به دلایل اخلاقی و اجتماعی دیگر، اسلام شدیداً همجنس‌گرایی، را در هر شکل و صورت تحریم کرده و برای آن مجازاتی شدید که گاه به سر حد اعدام می‌رسد قرار داده است. [1]

دلیل تحریم همجنس‌گرایی:

همجنس‌گرایی چه در میان مردان باشد و یا زنان، در اسلام از گناهان بسیار بزرگ است و هر دو دارای حد شرعی است. حد همجنس‌گرایی در زنان پس از چهار بار اقرار و یا ثبوت بوسیله چهار شاهد عادل (به شرایطی که در فقه گفته شده) صد تازیانه است و بعضی از فقها گفته‌اند اگر زن شوهر داری این عمل را انجام بدهد حد او اعدام است. [2] روایاتی که در مذمت همجنس‌گرایی از پیشوایان اسلام نقل شده آن قدر زیاد و تکان‌دهنده است که با مطالعه آن هر کس احساس می‌کند که زشتی این گناه به اندازه‌ای است که کمتر گناهی در پایه آن قرار دارد.

از جمله در روایتی از پیامبر (ص) می‌خوانیم: «هنگامی که قوم لوط آن عمل ننگین را انجام دادن (مردها به مرد و زنها هم به زنان اکتفا کردند) زمین آنچنان ناله و گریه سر داد که اشک هایش به آسمان رسید و آسمان چنان گریه کرد که اشک هایش به عرش رسید در این هنگام خداوند به آسمان وحی فرستاد که آنها را سنگ باران کن و به زمین وحی فرستاد که آنها را فرو بر.» [3]

در روایت دیگری از امام علی (ع) می‌خوانیم که فرمود: از پیامبر (ص) شنیدم چنین می‌گفت: «لَعْنُ اللَّهِ الْمُشْتَبِهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُشْتَبِهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ؛ لعنت خدا بر آن مردانی باد که خود را شبیه زنان می‌سازند، (یا مردان آمیزش جنسی می‌کنند) و لعنت خداوند بر زنانی باد که خود را شبیه مردان می‌کنند (با هم مساحقه می‌نمایند)» [4] صاحب جواهر یکی از فقهای بزرگ شیعه می‌فرماید: «از بعضی از ائمه (ع) روایت شده مساحقه در زنان مثل لواط در مردان می‌باشد لکن مجازات مساحقه صد تازیانه می‌باشد زیرا در مساحقه آلتی داخل آلت دیگر نمی‌شود. در روایت دیگر است که مساحقه، زنا یا اکبر است که دختر ابلیس در زنان ایجاد کرده همان طور که ابلیس لواط را ایجاد کرده است.» [5]

و نیز در روایت آمده است: «زنی از امام صادق (ع) درباره مساحقه سؤال نمود حضرت فرمود: حد زناکار را دارد زن گفت: چگونه؟ در حالی که در قرآن ذکر نشده است، امام فرمود: چرا در قرآن ذکر شده است زیرا آنان با این کارشان جز اصحاب «رس» هستند.» [6]

در دنیای غرب که آلودگی‌های جنسی فوق‌العاده زیاد است برای توجیه عملشان می‌گویند هیچ‌گونه منعی طبیعی برای آن سراغ نداریم، ولی آنها فراموش کرده‌اند که اصولاً هر گونه انحراف جنسی در تمام روحيات و ساختمان وجود انسان اثر می‌گذارد و تعادل او را بر هم می‌زند، زیرا مرد و یا زنی که تمایل به جنس موافق دارند هیچ‌کدام یک مرد و زن کامل نیستند، در کتاب‌های امور جنسی «هموسکچوآلیسم» (همجنس‌گرایی) به عنوان یکی از مهم‌ترین انحرافات ذکر شده است. ادامه این کار تمایلات جنسی را نسبت به جنس مخالف در انسان تدریجاً می‌کشد و احساسات طبیعی را از بین برده و موجب سرگردانی روانی و روآوری به مواد مخدر و مشروبات الکلی و انحرافات اخلاقی دیگر خواهد شد.

بنابراین مساحقه، مخالف با فطرت سالم و الهی انسان است و طبق روایات فراوان مرتکب آن مستوجب لعن خداوند متعال و فرشتگان می‌گردد، و حتی در برخی از روایات همان‌گونه که ملاحظه شد از این عمل به زنا یا اکبر یعنی بزرگترین زنا تعبیر شده است.

منبع: لوح فشرده پرسمان دانشجویی.

پی‌نوشت‌ها:

- [1] مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1363، ج 16، ص 2.
- [2] همان، ج 8، ص 3.
- [3] همان، ص 193، به نقل از تفسیر برهان، ج 2، ص 4.
- [4] حر عاملی، وسائل الشیعه، تهران: مطبعه الاسلامیه، 1384، ص 255، ج 5.
- [5] جواهر الکلام، ج 41، ص 6.
- [6] وسائل الشیعه، ج 14، پیشین، ص 262، ج 8، باب 24.

علل همجنس‌گرایی

یکی از مهمترین نیازهای انسان، نیازهای عاطفی است. انسان از بدو تولد تا پایان عمر باید عواطف او ارضا شود و الا دچار مشکل می‌شود. نیاز به محبت ورزیدن به دیگران و مورد محبت دیگران واقع شدن دقیقاً يك نیاز عاطفی است. این نیاز در طی مراحل مختلف رشد و در مراحل گوناگون زندگی شکل‌های مختلفی پیدا می‌کند و در هر دوره‌ای به گونه‌ای متناسب با آن زمان باید ارضا شود. در دوره نوزادی از طریق والدین به خصوص مادر با بوسیدن نوزاد، در آغوش گرفتن او و نگاه‌های محبت‌آمیز مادر به او و با چسباندن او به خود نیاز کودک ارضا می‌شود. در این دوره تأمین نیازهای عاطفی کودک به اندازه نیازهای فیزیولوژیکی مانند آب و غذا و پوشاک

برای رشد نوزاد ضرورت دارد. در دوره کودکی تأمین این نیاز توسط اعضای خانواده و همه کسانی که به نحوی با کودک ارتباط دارند تأمین می‌شود. در دوره نوجوانی از طریق دوستان و گروه همسالان و در دوره جوانی از طریق دوستان، خویشاوندان و همسر به این نیاز پاسخ داده می‌شود. روان‌شناسان علت وابستگی انسانها را به یکدیگر همین نیازهای عاطفی می‌دانند. اگر این نیازها از همان اول به طور صحیح و به موقع تأمین شود نوزاد، کودک و نوجوان وابستگی ایمن پیدا می‌کند و الا وابستگی نایمن و مرضی در او شکل می‌گیرد یعنی در عین حال که به دیگران وابسته است ولی احساس امنیت کافی نیز نمی‌کند و مستعد انواع اختلالات روانی مانند بیماری‌های اضطرابی، افسردگی و... می‌شود و دیر یا زود به دامن یکی از این بیماری‌های روانی فرو می‌غلطند.

گفتنی است اساس و پایه دوستی‌ها در سن نوجوانی و جوانی که با جذب و شور زیادی همراه است، غالباً بر مبنای عواطف و احساسات شکل می‌گیرد و نه بر اساس منطق و عقل. مقدمه این دوستی‌ها ممکن است جاذبیت یک فرد از نظر ظاهری یا شخصیتی یا پاره‌ای از صفات اخلاقی باشد که او را برای فرد دیگر دوست داشتنی می‌سازد که توانسته در روح و روان او تأثیر عمیقی بگذارد و خلأ عاطفی‌اش را به وسیله آن پر کند. ماهیت این دوستی‌گرچه در ابتدا دوستانه، پاک و بی‌شائبه است، ولی امکان آلوده شدن آن به مسایل دیگر وجود دارد. زمانی که این علاقه به اوج خود می‌رسد، آنها را دچار سرگردانی می‌کند که اکنون چه باید بکنند. این سرگردانی ممکن است با بعضی آثار مخرب دیگری همراه شود.

در مورد علل روی آوردن به همجنس‌گرایی هنوز توضیحی که مورد قبول همه‌ی پزشکان و روانشناسان باشد وجود ندارد و برخی متخصصان به علل روانی اجتماعی و برخی به دیگر عوامل (زیستی) اشاره داشته‌اند.

علل هم‌جنس‌بازی از دیدگاه روانی اجتماعی آشفته بودن روابط میان والدین و فرزندان، یادگیری‌های نادرست و محیط اجتماعی ناسالم می‌باشد و به طور خلاصه می‌توان به کنترل نداشتن بر غریزه جنسی اشاره داشت.

اما آنچه مسلم است این که چنین رفتاری حتی از جانب افراد مبتلا به این عمل نابهنجار تلقی می‌شود.

منبع: لوح فشرده پرسمان دانشجویی

راهکارهایی برای درمان همجنس‌گرایی

1- عدم توجه به ذهنیت‌ها و افکار مبتنی بر عدم تمایل به جنس مخالف.
2- گاهی اوقات شیطان برای وادار کردن آدمی به گناه از این کانال بهره می‌گیرد یعنی مسیر هر گناهی را به شکلی هموار می‌سازد در اینجا نیز مسیر آلوده شدن به برخی گناهان از کانال پشت کردن به جنس مخالف و ازدواج میگذرد و این نوع افکار و ذهنیت مقدمه‌ی ورود به آن وادی است باید با این گونه افکار که جز افکار شیطانی نام دیگری بر آن نمی‌توان نهاد باید به مقابله پرداخت یعنی ذره‌ای در شیطانی بودن این افکار تردید نداشته باشید.

3- صحنه‌هایی از زندگی که در آن شخص همجنس‌گرا نقش یک مرد، پدر، همسر را بر عهده دارد تصور کند و به آن بال و پر دهد و نقش خود را پررنگ و کاملاً مردانه بیان کند. لازم است این تصویرگری را در قالب ذهن پروری و نوشته‌ها و رفتار روزانه و تمام حالات واقعی و خیالی و... استمرار دهید.

در يك كلام به مرد بودن خود فكر كند، و همانگونه عمل كند، زندگی مردی و اجتماعی خود را تعقیب کند اگر شش ماه با این طرز تفکر زندگی کند برای همیشه از آن افکار رهایی خواهد یافت.

4- کنترل نگاه نسبت به جنس موافق که برانگیزنده حالت تمایل خواهی است.

5- اجتناب از تمام ارتباطها، مکانها و موقعیت هائی که انجام اندیشه همجنس گرایی را تداعی می کند.

6- در روزها و موقعیت های نخستین، عمل کردن به این راهکارها و دل بریدن از این حالت سخت و چه بسا ناممکن جلوه کند اما باید توجه داشته باشید که به گفته ی علی (ع) با ارزش ترین کارها دشوارترین آنهاست پس این حالت نشان از ارزشمندی و اهمیت تصمیم شخص دارد و باید در مسیر عمل کردن به این تصمیم بجا و ارزشمند گامهای بهتر و بلندتر بردارد.

7- قطع ارتباط با دوستانی که انسان را به سمت این گونه رفتارها و افکار دعوت می کنند و همچنین دوری از موقعیت هایی که وقتی در کنار آنها قرار می گیرد این افکار را برایش تداعی می کنند.

نکات مهم وقابل توجه

1- حساس ترین دوره ی زندگی جوانی است می توان گفت سعادت و شقاوت انسان در این دوره رقم می خورد بنابراین درك این مطلب در پیدا کردن مسیرها و همچنین کنترل گرایز نقش مهمی دارد.

2- آنچه اهمیت دارد تعدیل و کنترل غریزه جنسی است و این مهم میسر نمی شود مگر با دور کردن نفس از محرکات و محرك هایی که خود شخص آن ها را بیشتر از همه می شناسد.

3- موارد تحريك کننده اعم از شنیدنی ها، خواندنی ها، افکارو... همانند جرقه ای است که کنار مواد محترقه قرار گرفته در این صورت نتیجه ای جز اشتعال و آتش سوزی مورد انتظار نخواهد بود.

4- اگر چه لذت حرام و نامشروع در ابتدا، قدری خوشایند بوده اما اگر دقت کنیم خواهیم دید بعد از مدتی پشیمانی، ندامت و کدورت رابرای انسان به ارمغان می آورد.

5- دستورقران برای کنترل غریزه جنسی را هگشا است.

قرآن می فرماید: جوانان مجرد باید ازدواج کنند و اگر نمی توانند عفت به خرج دهند. در واقع راه سومی وجود ندارد و اگر باشد به ضرر انسان می باشد.

6- به دستورات شرعی اعتماد کرده و یقین داشته باشید سعادت شما در گرو اطاعت از دستورات دینی می باشد.

7- رسیدگی به خواهش ها نفس را قوی تر کرده و تداوم این کار باعث ضعیف شدن انسان در مقابل نفس خواهد شد.

8- معنویات به ویژه نماز نیروهای خارق العاده ای هستند که خداوند آن ها را قرارداده تا او در دام شیاطین گرفتار نشود.

9- اوقات خالی خود را با برنامه های مفید پر کرده واز تنهایی و بیکاری پرهیز کنید.

10- به خودامیدوار بوده و مصمم باشید که می توانید همه ی گناهان را ترك کنید.

11- از خداوند وائمه ی اطهار (علیهم السلام) کمک بگیرید و بدانید اقدام شما برای حل مسایل نفسانی نشان از پاک بودن طینت و توجه خداوند به شما است در این صورت طرد شدن کاملاً بی معنی خواهد بود.

13- توبه یعنی تولد دوباره و باز کردن فصل جدید در زندگی.

14- برای ترك گناه روحیه ای شاد و همراه با نشاط لازم است و با نا راحتی و نا امیدی به جنگ

- گناهان نمی روند.
- 15- در خانه خدا همیشه به روی بندگانش باز بوده و خداوند از بازگشت بنده اش بسیار خوشحال می گردد.
- 16- فراموش نکنید بهترین کار کنترل افکار مخربی است که سراغ انسان می آید پس باید برای زندگی برنامه ریزی داشت و از تنهایی و بیکاری پرهیز نمود.
- 17- باز هم تکرار می کنم ازدواج بهترین گزینه است.
- 18- شکست در این اقدام امری طبیعی است ولی مهم این است که شکست باعث پیمودن راه باشد نه توقف در مسیر.
- 19- تلقین در جهت منفی و مثبت اثر خود را به همراه دارد و سیگنال های منفی را باید کنار گذاشت.
- 20- هر کاری که عادت انسان شده باشد يك شبه قابل تغییر نیست.
- منبع: لوح فشرده پرسمان دانشجویی

پیشگیری و درمان

قرآن کریم و روایات، برای درمان انحرافات جنسی به عنوان مهمترین بیماری روانی اخلاقی، راهکارهایی را بیان می‌نماید. اینک به مهمترین راهکارها اشاره می‌نمایم:

1- تربیت جنسی:

یکی از مهمترین راههای تامین بهداشت روان در برابر انحرافات جنسی در جامعه، تربیت جنسی است چرا که انسان دارای ابعاد جسمی و روحی است و به لحاظ تاثیر و تاثر متقابل این ابعاد از یکدیگر، تربیت او نیز باید همه جانبه و در عین حال هماهنگ باشد. دوران کودکی، پایه های اساسی ساختمان شخصیت انسان شکل می‌گیرد و دوره نوجوانی به بعد زمان تثبیت شخصیت انسان است. متولیان امر تربیت در جامعه بخصوص والدین باید برای تربیت فرزند خویش از کودکی سرمایه گذاری نمایند امام علی علیه السلام با توجه به این مهم، در وصیت خویش به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: همانا قلب نوجوان مانند زمین خالی از کشت و زرع است که هر آنچه در آن بریزی قبول می‌کند. از این روبه تربیت و تادیب تو اقدام کردم قبل از اینکه قلب توست شود (و شخصیت تو شکل بگیرد) و فکر و اندیشه ات به چیزی غیر از آنچه به خیر و صلاح توست مشغول گردد. با توجه به این قسمت از وصیتنامه امام علی علیه السلام، تربیت پذیری انسان و شکل‌گیری شخصیت انسان در سنین کودکی و نوجوانی روشن می‌شود.

اگر تربیت بخواهد به صورت جامع و کامل پیاده شود، باید تربیت جنسی را به عنوان حلقه ای از حلقه های آن به حساب آورد و حتی با توجه به اینکه مسائل جنسی به صورت چشمگیری سایر ابعاد را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند، توجه به امر تربیت در این زمینه، ضروری تر به نظر می‌رسد.

2- نقش ازدواج در تامین بهداشت روانی:

ازدواج، یکی از مهمترین راهکارهای قرآن در موضوع بهداشت روانی اخلاقی است. با وجود ازدواج، بیماری انحرافات جنسی تا حد قابل ملاحظه ای کاهش می‌یابد و آشفتگی روحی حاصل از آن در اجتماع از بین می‌رود.

فطرت و طبیعت انسان، احساس نیاز به آسایش، آرامش جسمی و روحی و انس و مودت دارد و یکی از مهمترین راهکارهای نیل به آرامش و آسایش، امر ازدواج است.

ازدواج نه تنها موجب آرامش و امنیت خاطر فرد می‌گردد، بلکه پوچ‌گرایی، بیهودگی و احساس تنهایی را در افراد از بین برده و پناهگاه عاطفی و روانی خاصی را برای ایشان فراهم می‌آورد.

این نیاز که در سرشت انسان ریشه دارد، چنان قابل توجه است که آیات و روایات متعددی را به خود اختصاص داده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّيْهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبُّهَا

لِئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ (اعراف: 189)؛ او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حمله سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود» و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَ مِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (روم: 21)؛ و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان

مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! مصونیت از گناه؛ تقویت و تثبیت صفای جنسی:

در اثر ازدواج غریزه جنسی که یکی از قویترین غرائز انسانی است در مسیر طبیعی خود قرار می‌گیرد [1] و این پدیده موجب می‌گردد تا انسان از گناهایی که به خاطر میل جنسی انجام می‌دهد تا حد زیادی مصون بماند و هیچ‌گاه دامن خود را به روابط نامشروع جنسی، آلوده نسازد و نسل انسان در جهت انجام وظیفه خلافت بر روی زمین، تداوم و استمرار داشته باشد [2] و همچنین موجب می‌گردد انسان در مسیر کمال و خودسازی معنوی بیشتر قدم بگذارد. البته واضح است که مسیر طبیعی و فطری غریزه جنسی جز با برقرار شدن ارتباط جنسی با جنس مخالف ارضاء نمی‌شود؛ لکن مسلم است که غریزه جنسی خود به خود راه صحیح ارضاء را به انسان نشان نمی‌دهند؛ مثل گرسنگی که انسان آن را احساس می‌کند و با خوردن برطرف می‌شود، آن را نیز درک می‌کند؛ اما اینکه چه چیز بخورد، دیگر آن را طبیعت گرسنگی بیان نمی‌کند.

قرآن کریم، راه‌های انحرافی را گوشزد نموده [3] و اینگونه روش‌ها را باطل شمرده و راهکارهای صحیح را معرفی می‌کند: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ يُعْرَضُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ (مومنون: 5-6)؛ و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند.

رشد و شکوفایی عوامل معنوی:

گرچه برخی ادیان، ملل و قبائل، ازدواج را محدود نموده‌اند؛ ولی ازدواج در فرهنگ اسلامی، نسبت به دیگر ادیان، ملل و قبائل، از انعطاف بیشتری برخوردار است. [4] ازدواج در اسلام پیوندی مقدس است که موجب حفظ و اکمال دین، [5] افزایش ثواب عبادت [6] و به وجود آورنده مودت، رحمت و محبت است. ازدواج، همچنین عاملی مؤثر در حفظ پاکدامنی و طهارت دلهاست و آدمی را از حسیض حیوانیت به کمالات برتر معنوی، سوق می‌دهد. چونان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «من احب ان یلقى الله طاهرا مطهرا فلیتعفف بزوجه؛ هر کس می‌خواهد خدا را در حال پاکیزگی و طهارت ملاقات کند به وسیله ازدواج عفت پیشه سازد» [7]

تأمین سلامت روانی و امنیت اجتماع:

ازدواج و تاسیس کانون خانواده، زمینه جرم و بزهکاری را در جامعه کاهش می‌دهد. آماری که توسط محققان علوم اجتماعی ارائه می‌گردد، مؤید این مطلب است. در تحقیق میدانی که بر 500 تن از جوانان انگلستان انجام گرفت، این نتیجه به دست آمد که جوانان پس از ازدواج و تشکیل خانواده، کمتر به انجام اعمال مجرمانه روی می‌آورند و خلافاکاری و جرم در آنان کاهش می‌یابد و در مقابل، افرادی که مبادرت به ازدواج نورزیده‌اند، به اعمال خلاف و بزهکاری اجتماعی، بیشتر روی می‌آورند و زمینه کارهای ناهنجار در آنان بیشتر است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «واکثروا اهل النار العزاب؛ بیشتر اهل جهنم، مجردین هستند.» [8] این حدیث شریف به روشنی دلالت می‌کند بر اینکه گناه و ناهنجاری در میان افرادی که ازدواج ننموده‌اند، بیشتر است.

3- نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف:

سیمای حقیقی حجاب، حضور در لباسی است که زن با مدد آن بتواند بدون آسیب‌های اجتماعی و روحی به انجام وظایف دینی و اجتماعی خود همت گمارد. دلایل عقلی برای فوائد و آثار حجاب و عفاف فراوان است و در متون دینی نیز نقل‌ها و روایات معتبر بسیاری برای بیان کم

و کیف این آثار و فواید حجاب و عفاف موجود است که از آن جمله می‌توان امنیت اجتماعی، تعالی معنوی، سلامت روحی و بهداشت جنسی، آرامش و استحکام خانواده را برشمرد. حجاب ضمن تاثیر بر سلامت اخلاقی جامعه، پاکي و طهارت و ارتقای شخصیت زن، نه تنها مانع آزادی او نمی‌شود، بلکه به او نقش دفاعی در برابر آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌بخشد. هرچه گرایش جامعه به حجاب شدت یابد، از مفسد اخلاقی و اجتماعی [9] و بسیاری از ناهنجاریهای روحی - رفتاری [10] کاسته می‌شود. حجاب زن، به نص قرآن کریم، عفاف اوست و عفاف او، خدمتی است به سلامت جامعه. [11]

منبع: برگرفته از مقاله بهداشت روانی اخلاقی در اجتماع از منظر قرآن و حدیث؛ رضایی اصفهانی، محمد علی؛ احمدی فر، مصطفی؛ مجله حسنا؛ تابستان 1391 - شماره 13.

پی‌نوشت‌ها:

- [1] نک؛ فرجاد، محمد حسین، آسیب‌شناسی اجتماعی، 20؛ سیاسی، علی اکبر، نظریه‌های مربوط به شخصیت، ج1، ص386.
- [2] نک؛ هویشم، محمود، اسلام و روانشناسی، ص331.
- [3] ر. ک: اعراف: 80-81.
- [4] نک؛ متز، آدام، تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم، ج1، ص74؛ بدران، ابوالعینین، العلاقات الاجتماعیه بین المسلمین و غیر المسلمین، ص52.
- [5] نک؛ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، 1403: ج 20، ص17؛ تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج2، ص190.
- [6] نک؛ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج18، ص20.
- [7] نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج 14، ص150.
- [8] حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج 20، ص20.
- [9] نک؛ مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، ص168.
- [10] نک؛ محلوجی، محمد، نهاد خانواده در اسلام، ص13.
- [11] نک؛ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ص45.

روشهای برخورد با انحرافات جنسی

یکی از موضوعات بسیار حساس زندگی انسان، مسئله غریز انسانی است. زیرا بقای نسل انسان، حیات انسان، آرامش روحی انسان به این غریزه بستگی دارد. اگر این غریزه در موقع خودش بیدار شود و در مسیری که خدا می‌خواهد قرار بگیرد، سعادت دنیا و آخرت انسان تأمین می‌گردد. ولی اگر بی‌موقع، تحریک شده و یا اینکه به انحراف کشیده شود، صدها مشکل روانی، اخلاقی و اجتماعی برای انسان بوجود می‌آورد. زندگیهای زیادی در اثر انحراف این غریزه بر باد رفته‌اند و به شکست انجامیده‌اند.

بنابراین مربیان، پدران، مادران، دبیران و آموزگاران و کلیه کسانی که مسئول تربیت هستند باید عنایت زیادی به این مسئله داشته باشند. ولی متأسفانه نه همه پدر و مادرها به فکر این هستند که با غرایز جوانانشان کاری کنند که رهبری و هدایت صحیح بیابند و نه همه مربیان آموزش و پرورش و نه رادیو و تلویزیون. سعی همه بر کتمان، سرپوش‌گذاشتن و نگفتن است. بدین ترتیب يك موضوع حساس سرنوشت ساز، مکتوم می‌ماند و جز اینکه بچه‌ها بطور سرگوشی مسئله را برای همدیگر مطرح نمایند و نتیجه اش همین انحرافات جنسی و اخلاقی باشد، چیز دیگری نیست.

در برخورد با مسئله انحراف جنسی باید آن را از دو بعد مورد بررسی قرار دهیم:

1- پیشگیری

2- درمان یا معالجه

1- پیشگیری در خانواده، دبستان و دبیرستان... قبلاً بحث گردیده و اینک به مسئله درمان می‌پردازیم، ولی باید توجه داشت که پیشگیری در این مسئله، از اهم امور است. و اساس کار پیشگیری است و پدر، مادر، مربی و معلمین، باید کاری کنند که فکر انحراف به ذهن بچه نیاید، زیرا نود درصد مسئله برخورد با انحراف، به پیشگیری مربوط می‌شود و تنها ده درصد آن به مرحله معالجه واگذار می‌گردد.

در امر معالجه باید دقت داشت که بسیاری از انحرافات در خانواده رشد می‌کند و اگر ما معلول را برطرف کنیم، ولی خانواده در رفتارشان تغییر و اصلاح ایجاد نکنند، مسئله درمان، موفقیت چندانی نخواهد داشت. برای برخورد با انحراف جنسی، راه‌های گوناگونی مطرح شده که به ذکر آنها می‌پردازیم:

1- نسبت به مسئله، بی‌تفاوت باشیم و اعتنائی ننمائیم و بگوئیم که انشاء الله خودش خوب می‌شود، مهم نیست، گزینه جنسی است و يك امر طبیعی می‌باشد. البته شما تصدیق می‌فرمائید که اسلام به ما اجازه نمی‌دهد که چنین برخوردی داشته باشیم و نسبت به انحراف يك انسان، بی‌تفاوت باشیم. روایات و آیاتی که در مورد نهی از منکر است، هیچگاه به ما اجازه نمی‌دهد بی‌تفاوت باشیم.

2- راه دیگری که بنظر عده‌ای رسیده این است که برخورد سخت و تنبیهی با فرد بنمائیم که خود به انواع و اقسام گوناگونی از قبیل توبیخ، سرزنش، کم کردن نمره انضباط، کتک زدن و اخراج از مدرسه، صورت می‌گیرد. ولی این روش، چه مقدار می‌تواند مفید باشد؟ البته در اسلام، مسئله تنبیه، مجازات تعزیر و امثال اینها وجود دارد و نمیتوان انکار کرد که اسلام به این جنبه مسئله، عنایتی دارد، اما صحبت اینست که این مجازاتها تا چه مقدار مفید است؟ چه وقتی باید بکار گرفته شود؟ آیا در وهله اول باید بسراغ تنبیه و مجازات برویم؟ یا اینکه آن را به مرحله‌ای واگذار نمائیم که چاره‌ای جز آن نیست؟

بطور کلی مسئله تنبیه، دارای اشکالاتی است که عمومترین اشکالات آن اینست که ما را به هدف اصلی مان نمی‌رساند. هدف ما ساختن، تقویت و ارشاد فرد است، یعنی باید کاری کنیم که دیگر خودش بدنبال انحراف نرود، زیرا زور و جبر، ممکن است موقتا جلوی انحراف را بگیرد ولی يك برنامه مفید و سازنده تربیتی نیست.

3- راه سوم آن است که اصلاحات را از درون افراد شروع کنیم. باید از باطن افراد آغاز کنیم. باید باطن افراد را اصلاح نمود، و این روش تربیتی اسلام است و اسلام روی این مطلب، عنایت خاص دارد. روایتی از امام صادق(ع) هست که مضمون آن این است که من لم يجعل له من نفسه واعظا فان مواعظ الناس لن تعنی عنه شیئا

هر کسی در نفس خود واعظی نداشته باشد، یعنی نفس خودش برای او بصورت واعظی درنیامده باشد که پند و اندرزش دهد، مواعظ دیگران و حتی تنبیهات آنها نمیتواند واقعا جنبه سازندگی کافی داشته باشد.

روایت دیگری هست که درباره امام سجاد(ع) می‌باشد: «کان علی ابن حسین(ع) یقول ابن آدم لا تزال بخیر ما کان لك واعظ من نفسك.

یعنی امام سجاد همواره می‌فرمود مادامی که واعظی از نفس خود داشته باشی، به تو خیر خواهد رسید، در غیر اینصورت دیگر خیری خواهی، زیرا دیگر چوب، تنبیه و پند و اندرز دیگران نمیتواند ترا کاملا اصلاح نماید.

ما هدفمان در تربیت، پرورش نفس است. اگر ما بخواهیم در مورد انحرافات به تنبیه متوسل شویم، با توجه به اینکه تنبیه يك حالت بیرونی دارد، ممکن است شخص بترسد و کار خطای خود را ترك کند، اما اصلاح درونی نشود. اگر شخص از باطن نفس خود، تصمیم به اصلاح خود بگیرد، در مقابل تنبیه سعی می‌کند کار خطای خود را بصورت مخفی انجام دهد و کار نامشروع خود را آنگونه انجام دهد که اولیاء و مربیان متوجه نشوند. همچنین تنبیه سبب خرد شدن شخصیت افراد می‌شود و وقتی فردی، شخصیتش له شد، در برابر مربی به یکی از این دو حالت، عکس العمل نشان می‌دهد: یا اینکه واقعا مقاومت مینماید و لجبازی می‌کند و مثلا از مدرسه، خانه، پدر و مادر قهر می‌کند و بطرف دیگری می‌رود، و یا اینکه وقتی غریزه اش تحريك شد، از ترس تنبیه، خود را از ارضاء آن محروم می‌کند و از این طریق نیز عقده ای بیار می‌آید. و در آینده، معلوم نیست سر از کجا دربیآورد. می‌بینیم که در نتیجه این حالت‌ها، احتمال بروز صدها مشکل اخلاقی وجود دارد. این چنین شیوه‌هایی نتیجه ندارد. به عنوان مثال اگر شما بچه ای را از مدرسه بیرون کنید، آیا مسئله او حل می‌شود؟ مگر وظیفه شما فقط منحصر به همین مدرسه است؟ مگر شما فقط مسئولیت دارید که بچه‌های مدرسه خودتان را اصلاح کنید؟! اگر این بچه را به مدرسه دیگری بفرستید آیا او در آنجا عیبی نخواهد داشت، آنجا هر کاری بکند بی اشکال است؟ آیا مسئله، اصلاح مدرسه خودتان است؟! دین اسلام می‌گوید، بچه توی کوچه با بچه ای که در مدرسه است، تفاوتی نمی‌کند. من که مسلمان هستم موظفم برای اصلاح بچه منحرف تلاش کنم، حالا می‌خواهد در مدرسه من باشد یا نباشد. بیرون کردن بچه منحرف از مدرسه وظیفه ما را تمام نمی‌کند، درحالی‌که اگر این بچه در مدرسه باشد شما می‌توانید بر او نظارت داشته باشید ولی اگر به مدرسه دیگری برود تا مسئولین آن مدرسه بخواهند بفهمند، او باز خلافهایی را مرتکب گردیده است. خواهید گفت خوب به آنها اطلاع می‌دهیم، ولی این اشاعة فحشا است و اسلام اشاعة فحشا را نهی می‌کند، زیرا آن سبب تشویق به فحشا می‌گردد.

البته گاهی ضرورت، چنین اقدامی را ایجاب می‌کند، ولی باید توجه داشت که این نخستین مرحله نیست و باید به راه دیگری فکر کرد. بجای اینکارها باید دورن اینها را اصلاح کرد و سعی نمود تا خود اینها تصمیم به خوب بودن بگیرند و اخلاق زشت خود را ترك کنند. جوانی که به سن بلوغ میرسد، طغیان شهوت غریزه جنسی، مثل آتش در درون او شعله می‌زند و در پی ارضاء است، خداوند متعال، این غریزه را در وجود او نهاده است. غریزه جنسی از تمام غرایز مهمتر است و وقتی تحريك شود، دیگر چشم آدم نمی‌بیند و عقلش درك نمی‌کند. گاهی انسان در این حالت، کارهایی را انجام می‌دهد که بعدا شرمسار می‌شود که آیا من بودم که چنین کاری کردم؟

تمامی افراد، تحت تأثیر این غریزه هستند مگر کسی که خدا حفظش کند. هر کسی بتواند خود را از انحراف این غریزه نجات بدهد، واقعا پهلوان است. غریزه جنسی آنقدر آدم‌ها را بدام کشیده و آنقدر بزرگان را ساقط کرده است که حد ندارد. برای تقویت نفس دو راه وجود دارد: 1- یکی اینکه شخصیت جوان را تقویت کنیم، به او روحیه بدهیم و برایش ارزش و قدر قائل شویم و عبارتی، اراده او را تقویت نمائیم، زیرا انسان، موجود قدرتمندی است، اگر نفس او تصمیم بگیرد، قدرتمند است و او میتواند جلوی شهوات را بگیرد. در روایتی از امام علی(ع) در نهج البلاغه نقل شده که «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته» یعنی اگر نفس، گرامی و بزرگ شد و شخصیت یافت، شهوات را کنترل می‌کند.

بنابراین اگر خواستید به جنگ شهوات بروید، بهترین وسیله، تقویت نفس است. برای تقویت نفس، توجه به چند نکته لازم است:

اولاً: فردی را که مرتکب گناه شده نباید بعنوان يك مجرم، و کسی که اصلاً قابل اصلاح نیست، شرور است، خدا از او بدش می‌آید و... نگاه کنیم، بلکه باید اینطور فکر کنیم که او در اثر طغیان این غریزه، انحرافی پیدا کرده است که خلاف اسلام هم هست، اما این بچه طبعاً بد نیست، بلکه پاک و خوب است.

ثانیاً: باید این واقیعت را پذیرفت که قدرت غریزه بسیار زیاد است. ثالثاً باید توجه داشت که گناه در اثر عناد، صورت نگرفته، بلکه در نتیجه ناآگاهی، خامی و بی‌تجربگی بوده است. حتی ممکن است که جوان از حرمت این کار، اطلاع نداشته باشد. چه کسی به این جوان گفته است؟ کدام منبری سر منبر، چه وقت رادیو و تلویزیون، کی دبیر و آموزگار و چه وقت پدر و مادر گفته اند این کار حرام است؟ ما او را در ناآگاهی مطلق و در دریای بی‌اطلاعی رهاش ساخته ایم و توقع هم داریم نکند و باید متوجه بود که تقویت روحیه جوان به این سادگیها نیست که مثلاً جوانی که مرتکب خلافی شد همان وقت، فوری صدایش کنیم و در کلاس، در حضور دیگران و یا حتی به تنهایی روحیه اش را تقویت نمائیم. معلمی که با بچه‌ها آشنا نیست، فاصله دارد و مورد اعتماد نمی‌باشد، چگونه می‌تواند تقویت روحیه کند؟ بنابراین وظیفه اول مربی جلب اعتماد بچه‌هاست، زیرا مادامی که انسان به کسی اعتماد نکند به حرفش گوش نمی‌دهد. در موعظه هم همینطور است، اگر انسان به حرف فرد مورد اعتمادی گوش بدهد حرفش را می‌شنود، قبول می‌کند و در او تأثیر هم می‌گذارد. اما اگر فردی باشد که خیلی هم خوب حرف می‌زند ولی مورد اعتماد نباشد، تأثیری در شنونده نمی‌گذارد. شما می‌بینید که گاهی سخنان امام با کلمات عادی، شوری ایجاد می‌کند، برای اینکه مردم اعتماد به امام دارند و امام توانسته اعتماد جوانها را جلب کند، و آنها را هدایت نماید که اینگونه به جبهه‌ها بروند. بنابراین قدم اول در تقویت شخصیت، جلب اعتماد است. مرحله دوم اینست که جوان باید این مربی را بعنوان يك دلسوز واقعی بپذیرد و او را غمخوار و محرم راز خود بداند و مرحله سوم اینست که مربی باید کاری کند که این جوان بفهمد که مربی نیازهای او را درک کرده است، اگر جوان این را بفهمد، رابطه میتواند مؤثر باشد. و الا جوان می‌گوید ای بابا او چه می‌گوید، من چه می‌گویم. مثلاً کسی که شکمش گرسنه و ناراحت است، موعظه در او تأثیری ندارد، مربی باید بفهمد که او شکمش گرسنه است. جوانی که در بحران طغیان جنسی است، مربی باید این مطلب را بفهمد ولی متأسفانه معمولاً مربی موقعیت جوان را درک نمی‌کند، هرچند او خودش این دوران را طی کرده باشد. زیرا او حالا ازدواج کرده، راحت است و این مشکلات را ندارد. در این موقعیت، مربی باید وضعیت او را درک کرده و می‌فهمد که مشککش چیست و هدفش هم حل مشکل اوست.

در اصلاح و هدایت، رعایت نکاتی نیز بسیار ضروری است: اولاً اینکه مربی اگر مسئله را بفهمد نباید بگذارد این مسئله از حد او تجاوز نماید. مثلاً تا مطلبی را فهمید برود به مدیر مدرسه به فلان مسئول یا... بگوید و یا اینکه برای مسئله، شورائی تشکیل دهد، رسوائی بوجود آورد و آبروی بچه را ببرد. درحالیکه او باید برود با بچه گرم بگیرد. انس گرفتن، این نیست که به او دستور دهد و امر و نهی کند، گرم گرفتن باید همانطور باشد که دو تا بچه با هم گرم می‌گیرند و دوست می‌شوند و اخلاقشان در یکدیگر تأثیر می‌گذارد. مربی باید به همین صورت، با آن بچه دوست شود و عجله هم نکند که همان جلسه اول او را اصلاح نماید، زیرا مادامی که اعتماد جلب نشود، کاری نمیشود کرد. باید يك یا دو جلسه در زنگ تفریح، مراقب او باشد، با او در مدرسه تماس بگیرد به منزلشان برود، و خلاصه با او گرم بگیرد. وقتی اعتماد او را جلب کرد و فهماند که دوست واقعی او است آنوقت تدریجاً این مسائل را مطرح نماید که خوب شما ماشا الله بزرگ شده اید الان پانزده شانزده سال، سن داری، ما هم وقتی که جوان بودیم چنین

حالاتی داشتیم و برای او بگویند که چیز مهمی نیست و این مقدمهٔ مرد شدن یا زن شدن است و جریانی طبیعی و عادی است. مربی بدینوسیله او را تقویت روحی بنماید. برای تقویت روحی یکفرد باید توجه داشت هر کسی خوبی‌هایی دارد، اگر ما خوبیهای او را بگوئیم که مثلا تو ماشا الله بچهٔ خوب و منظمی هستی و خانوادهٔ محترم و آبرومندی داری، تو باید مواظب باشی که آبروی آنها را حفظ نمائی، آبروی خودت را حفظ نمائی و...

اگر چنین کردی او می‌گوید من بزرگم، این کار را نمی‌کنم. «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته» هر کسی که نفسش گرامی شد، دنبال شهوات نمی‌رود. شما این را مسلم بدانید که اگر کسانی مرتکب بزهکاری می‌شوند، نوعا برای ذلتی است که در نفس خود احساس می‌کنند، و نفس خودشان را شکست خورده می‌دانند و در نتیجه دست به دزدی و جنایت می‌زنند و هزار کار دیگر می‌کنند. بر طبق آمارهای موجود، اکثر انحرافات، ناشی از چنین کمبودهایی است، حتی بسیاری از انحرافات جنسی در اثر رفتار پدر و مادر در خانه است که فرزندشان را تحقیر و سرزنش می‌نمایند.

2- راه دومی که بوسیله آن میتوان نفس جوان را بیدار ساخت، استفاده از احساسات مذهبی، دینی و ایمانی است، و این ایمان بود که انقلاب ما را به پیروزی رساند و جوانهای ما را به جبهه می‌کشد و جوانها را به شهادت متمایل می‌کند، آیا این ایمان نمیتواند جلوی شهوت را بگیرد؟ ایمان میتواند، ولی عقل نمیتواند،

* شما این را مسلم بدانید که اگر کسانی مرتکب بزهکاری می‌شوند، نوعا برای ذلتی است که در نفس خود احساس می‌کنند، و نفس خودشان را شکست خورده می‌دانند.

عقل در این زمینه کور و کر است. این مطلب در روانشناسی نیز هست که با احساسات میتوان جنگید یعنی میتوان جوانی را که در باطنش تنوری از غریزه جنسی در التهاب است، به توسط احساسات تحت کنترل درآورد و الا با عقل، موفقیت خیلی کم خواهد بود.

دانشمندان می‌گویند در سنین نوجوانی، احساسات مذهبی بیدار می‌شود و همهٔ جوانها احساسات مذهبی پیدا می‌کنند. بعضی از دانشمندان معتقدند که در درون انسان، غریزه خداجوئی و مذهبی وجود دارد، لذا باید از این غریزه برای مبارزه با انحرافات و این مسائل استفاده کرد.

غریزه جنسی در سنین 14 و 15 سالگی و غریزه مذهبی هم در همین وقت بیدار می‌شود. بنابراین مربی بعد از اینکه اعتماد او را جلب کرد، باید صحبت از خدا و دین بنماید و در تقویت ایمانی او تلاش کند. البته در این مورد خدا را دوجور می‌توان معرفی کرد، یکی اینکه خداوند قهار است، هر کسی را که گناه کند به جهنم میبرد و اینکه آتش دوزخ چه جوری است و اگر کسی مرتکب چنین کار زشتی بشود، فلان می‌شود و برایش در این باره آیات و روایات را نقل نمائیم. دیگر اینکه خداوند را بعنوان دوستدار بندگان و وجودی مهربان معرفی کنیم و از این طریق، دین را معرفی نمائیم.

شما ببینید که در قرآن چقدر

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ،

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ...

داریم

ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحبكم الله

و اساسا صحبت سر محبت است و اینکه

«من سبقت رحمته غضبه»

یعنی رحمت خداوند بر غضبش همیشه تقدم دارد. روایاتی داریم که خداوند متعال جوانانی را که توبه می‌کنند از همه چیز بیشتر دوست دارد. این محبت خداست که احساسات مذهبی را بیدار می‌کند و وقتی به جوان می‌گوئی که خدا تو را دوست دارد پر درمی‌آورد.

البته آن چیزهایی که راجع به گناهان می‌باشد، آنها را هم بگوئید که اگر کسی نافرمانی خدا کند، عذاب می‌بیند. این دو جهت، جوان را نیروئی می‌دهد تا بتواند در برابر طغیان شهوت، مقاومت نماید و خودداری کند، شما مطمئن باشید که اگر درست برنامه ریزی شود و کوشش صورت بگیرد، موفقیت حاصل خواهد شد. ولی این کارها حوصله، عنایت و فداکاری می‌خواهد، اصلاح انسان، ساده نیست. بی جهت نیست که پیغمبر اکرم(ص) به علی ابن طالب(ع) میفرماید: «یا علی لمن یهدی الله بك رجلا واحدا خیر لك من دنیا و ما فیها»

يك مرد را شما هدایت كنید از دنیا بهتر است، می‌دانید اینکار چقدر ارزش دارد؟ نقش مربی تربیتی در مدارس این است و آنچه در مدارس ما خلاء دارد، همین مسئله است. اگر سر صف، قرآن نخوانید، اگر نماز جماعت برپا نشود هیچ طوری نمی‌شود؛ البته اینها بسیار ضروری و لازم و خوب است و منظور، منع کردن نیست، ولی می‌گویم این مسئله جایش خالی است، این جای خالی را پر کنید.

مربیان محترم باید توجه داشته باشند که کار اصلاح و درمان، تداوم و استمرار می‌خواهد و اینکه شما توفیق یافته‌اید به درون او راه پیدا کنید، نباید آنها را بسادگی رها کنید، باید همراه باشید، همیشه با آنها صحبت کنید، چون غریزه، مسئله نیرومندی است و طی چند روز او را رها نمی‌کند. تو مایوس نشو، برو تا موفق شوی و حتما هم موفق می‌شوی. آرزوی من این است که مربیان تربیتی در مدارس طوری باشند که وقتی بچه‌ها به مدرسه می‌آیند، شیفته دیدار با مربی باشند. مربیان باید مثل پدر شاگردان و حتی نزدیکتر از پدر آنها باشند.

مسائل مختلفی که درباره انحرافات جنسی مطرح گردیده، بیشتر نسبت به فاعل بوده ولی بچه‌ای که مورد تجاوز واقع می‌شود و انحراف جنسی در او به شکل مفعولیت نمود می‌یابد، مسائل خاص خود را دارد، زیرا دیگر نمی‌شود گفت که غریزه جنسی او را تحریک به اینکار کرده است. البته در اصلاح او هم، دوستی و رفاقت، خیلی مؤثر است. اول باید مربی، اعتماد او را به خود جلب نماید و با او دوست شود و احتمال دهد که آن فرد اصلا اطلاع ندارد که این کار حرام است و سایر کارهایی که بطور کلی بحث گردید ولی در اینجا باید به عواملی که سبب این انحراف می‌شود توجه و دقت نمود:

1- فقر و نیاز یکی از عوامل این انحراف می‌باشد، مثلا بچه چیزی می‌خواهد، به مادرش می‌گوید ولی در برابر، سهل انگاری یا لجاجت می‌شود، یا اینکه واقعا ندارند که تهیه کنند و همین نیاز گاهی سبب انحراف می‌گردد. متأسفانه در تحقیقاتی که بعمل آمده، معلوم شده که این انحراف در میان مردم فقیر شایعتر می‌باشد.

مربی در برخورد با چنین مواردی باید با پدر و مادر بچه صحبت کند و بگوید که چنین نکنند و این مالی را که میخواهند بگذارند برای بچه‌ها و از دنیا بروند، خوب الان برای بچه خود خرج کنند تا دچار انحراف نگردد. البته مربی نباید موضوع انحراف را مطرح نماید، بلکه به این عنوان که بچه شما چون درسش خوب است و زمینه پیشرفت دارد، جهت تشویق، فلان چیز را برایش بخرید. اگر هم به این صورت نمیشود، مربیان بروند با خیریه‌ها صحبت نمایند که بطریقی نیاز این بچه را برآورده نمایند.

2- کمبود محبت از عوامل دیگر انحراف می‌باشد. گاهی بچه‌ها از اول صبح که بیدار می‌شوند، مورد سرزنش، تحقیر، فحش و... قرار می‌گیرند. بچه‌ای که از هیچ جا و هیچ کسی محبت

ندیده، وقتی که مورد محبت فرد نااهلی قرار بگیرد، فریب می‌خورد. در این باره با پدر و مادر بچه تماس گرفت و به آنها گفت که برای رضای خدا از برنامه‌های غلط خود دست بردارند. قدری بیشتر به بچه‌ها برسند. سفارش کنید که بچه‌ها نیاز به محبت دارد و مربیان و معلمان هم باید اینکار را بکنند و نسبت به بچه‌ها بیشتر اظهار محبت نمایند. البته باید مواظب بود که گاهی زیادی محبت هم عامل انحراف می‌گردد. گاهی پدر و مادر بیش از حد به بچه محبت می‌کنند، و او با مشاهده چنین محبتی، فوری تسلیم می‌شود.

البته در برخورد با این امر در مدارس، مسئله حساسی برای مربیان مطرح است که باید متوجه بود. زیرا اگر مربی بخواهد با اینگونه بچه‌ها دوست بشود با آنها اینطرف و آنطرف برود تا آنها را هدایت نماید، ممکن است متهم شود، ولی باید این جو خطرناک را در مدرسه و جامعه شکست و مربی در مدارس، مانند یک پدر آنهم پدر اسلامی جلوه‌گر شود. اگر مربی بتواند اینطور خود را جلوه دهد شاید این مشکل هم حل بشود. در خاتمه باید گفت بهترین راه علاج این است که پسران را زودتر متاهل نمود و دختران را زودتر شوهر داد.

روشهای برخورد، با انحرافات جنسی

همانطور که عرض کردم گزینه جنسی خیلی ارزشمند است و در عین حال خیلی هم خطرناک، متأسفانه ما فرصت نداریم در این باره بحث کنیم که سرنوشت زندگی انسان چگونه با این گزینه تغییر می‌کند و چگونه رفتار با این گزینه در آینده انسان مؤثر است.

هرکسی دورانی را گذرانده باشد می‌داند که مسئله چقدر مهم است و همین قدر هم خطرناک. یکی از انحرافات جنسی رابطه نامشروع پسر با پسر و یا پسر با دختر می‌باشد که بطور اجمال در جلسه قبل صحبت شد.

البته مسائل به این سادگی تمام نمی‌شود مسئله بیش از این اهمیت دارد و با یکی دو جلسه حق مطلب ادا نمی‌شود.

در این جلسه که برادران امور تربیتی یزد هم هستند آماری را تهیه کرده بودند که این آمار خیلی کمک می‌کند به امور تربیتی و راهنمای ما هم در تألیف نوشته‌ها و در سخنرانیها می‌باشد. در هر حال، انشاء الله با همت و کوشش شما و مسئولان، تربیت جای خودش را در مدارس باز کند همان تربیت اسلامی که اساس تزکیه است.

این را هم عرض کنم که این جلسه ما امتیازی هم که دارد این است که یکی از خواسته‌هایی که من همیشه اظهار می‌کردم عمل شده و آن حضور مسئولین ورزش می‌باشد من در جلساتی که با مسئولین امور تربیتی داشتم عرض کردم یکی از موارد حساس درباره تربیت ورزش است و مربیان ورزش از شما جدا نیستند و عین شما هستند اگر آنها بخواهند کار شما را خراب کنند خیلی ساده است آنها وقتی که آماده شدند و دارند ورزش می‌کنند با یک کلمه خود می‌توانند این بچه‌ها را دگرگون کنند و اگر هم بخواهند خوب کار کنند با یک اشاره می‌شود. این از خواص روحیه جوان و نوجوانان می‌باشد. مسئله ورزش در اسلام مهم است و می‌شود خیلی از آن استفاده کرد و خوشبختانه حالا هم ورزش افتاده در مسیر اصلی خودش. امسال من در پاکستان بودم و آنجا هشت نفر از کشتی‌گیران ایرانی برای مسابقه آمده بودند که خوشبختانه موفق هم شدند. من وقتی تلویزیون را تماشا می‌کردم می‌دیدم که این پرچم ایران که آرم جمهوری اسلامی بر آن نقش بسته بود در دست تماشاچیان ایرانی تکان می‌خورد و تشویق می‌کردند کشتی‌گیران را... ایران- ایران- اسلام- اسلام - یک شور و هیجانی در جمعیت بوجود آورده بودند بدون اینکه منبری باشد و قرآنی شور اسلام در بین آنها بوجود آمده بود.

بهر حال ورزش خیلی مهم است و خیلی هم ارزشمند. مسئله دومی که می‌خواهم طرح کنم و شاید نتوانیم بقدر کافی در مورد آن صحبت کنیم انحراف دیگری است که در بین جوانها چه پسر و چه دختر هست و متأسفانه رواج زیادی نیز دارد يك انحراف کور و بی صدا ولی خطرناک، استمنا و یا استشهائ عرض کردم خیلی کور و بی صدا برای اینکه هم جنس بازی بهر حال يك سروصدائی ایجاد می‌کند اما این تنها در يك جای خلوت و هیچ کس هم نمی‌فهمد و با کمال تأسف در بین دختران هم هست که این عمل را در بین پسران استمنا و بین دختران استشهائ یعنی طلب م3نی می‌گویند و این يك چیز بسیار خطرناک می‌باشد و آثار بد و زشت دارد. چگونه باید با این فرد رفتار کرد؟ حالا. من درباره آثار این عمل برایتان می‌گویم حال از آثار این عمل که در فرد ظاهر می‌شود ضعف اراده است اراده آنها ضعیف می‌شود و نمی‌توانند تصمیم بگیرند در هر کاری ضعیف و ترسو هستند. ترس و اضطراب و پریدگی رنگ آنطور که رنگ آنها را که نگاه می‌کنی پریده و زرد رنگ است. نقصان قوه حافظه، ضعف اعصاب، عصبانیت و بی‌حوصلگی و بدبینی و تنفر از همه و حتی از خودشان که منجر به خودکشی هم می‌شود.

گوشه‌گیری و انزوا، دوران و سرگیجه، خستگی و بیحالی، خسته و بی‌حالت نه حال درس خواندن دارند و نه حال نشاط دارند و نه حال ورزش دارند، بیشتر آنها مبتلا می‌شوند به سرعت انزال یعنی دیگر نمی‌توانند منی خود را کنترل کنند حتی بعد از ازدواج هم جوری می‌باشد که نمی‌توانند عمل خود را فراموش کنند یکی از بیماریها که در برخی از آنها الان در خیلی‌ها است شاید همین سیلان منی است بعضی از وقتها اینها مبتلا می‌شوند بيك حالتی که منی خودبه‌خود دیگر می‌آید.

اختلال هاضمه، هاضمه آنها خوب نمی‌تواند غذا را هضم کند و حتی جنون و خودکشی از عوارض این بیماری می‌باشد.

حتی تعداد کثیری از جوانها که معتاد می‌شوند در اثر همین می‌باشد در نتیجه آمارگیری که کرده بودند از جوانهای معتاد از هر 10 نفر 9 نفرشان مبتلا به این بیماری بودند. این يك واقعیت است البته این عوارض که گفته شد اینطور نیست که فردی اگر يك مرتبه مرتکب شد بلافاصله این آثار در او ظاهر می‌شود اینها مجموعاً آثارش می‌باشد يك فردی ممکن است یکی یا چند تا از این اثرها را داشته باشد و تفاوت می‌کند و اینهم از يك مرتبه، دو مرتبه نیست وقتی تکرار شد و با کمال تأسف این مرض خانمانسوز بصورت اعتیاد درمی‌آید، اعتیادی که نمی‌تواند دیگر جلویش را بگیرد نامه‌هایی بدست من رسیده که جوانها عجز و ناله می‌کنند که می‌دانیم این عمل بد می‌باشد و گناه محسوب می‌شود ولی نمی‌توانیم جلویش را بگیریم و ترك کنیم. خلاصه پدران و مادران و اولیاء باید مسئله را جدی بگیرند. اما چه باید کرد؟ فردی را آوردند نزد امیر المؤمنین (ع) که استمنا کرده بودند حضرت علی دستور داد آنقدر بدست او زدند تا قرمز شد و بعد از آن از پول بیت المال برای او زن گرفت.

دو نکته جالب اینجا وجود دارد که یکی خیلی مهم است که حضرت علی او را زده و تنبیه کرده و نکته دوم اینکه از پول بیت المال به او زن داده است.

حضرت صادق نیز می‌فرمایند.

مردی که با حیوان نزدیکی کرده یا خودش را بوسیله بازی کردن با آلت جنسی اش انزال کرده حضرت فرمود که هر کاری که انسان بکند که منی اش انزال شود از هرچه که باشد حکم زنا را دارد یعنی حرمت آن مانند حرمت زنا می‌باشد همانطور که زنا حرام و گناه است این هم حرام و گناه است

قال ابو عبد الله(ع) :

سه دسته هستند که خداوند متعال در روز قیامت به آنها سخن نمی‌گوید و به آنها نگاه نمی‌کند و آنها را تزکیه نمی‌کند و عذاب دردناکی هم برایشان هست

«ثلاثة لا یكلمهم الله یوم القیامة و لا ینزل علیهم و لا یزگیهم و عذاب لهم...»

آنکس که موهای سفید خودش را بکند. آن اوایلی که موهای آدم سفید می‌شود و می‌خواهد که موهای سفید ظاهر نشود یکی یکی آنها را می‌کند که کسی نفهمد که پیر شده تا موقعی که می‌فهمد که اگر بخواند بکند باید همه موهای سرش را بکند و دست بر می‌دارد. دوم فرمودند آنکس که بوسیله خودش انزال بکند خود را نه بوسیله دیگری این را هم فرمودند که خدا با او تکلم نمی‌کند.

حتی جوانی یا مردی که آلت خود را در اختیار مرد دیگری قرار بدهد این سه دسته را فرمودند البته در صورتی که توبه ای نباشد.

روایات بیشتر از این می‌باشد موضوع حساس است آثار بدی هم دارد و هم يك کار حرامی است که اسلام آن را نهی کرده بطور اشاره عواملی که در این رابطه مؤثر می‌باشد بررسی خواهیم کرد بینیم چه پیش می‌آید که جوان به این طریق می‌افتد و مبتلا می‌شود این عمل در بین بچه‌های ده ساله و دوازده ساله که هنوز بالغ نشده‌اند هم وجود دارد حتی قبل از ده سال هم مبتلا هستند منتها پدر و مادر نمی‌فهمند یکی از عواملی که بسیار مهم است این است که اگر پدر و مادر دستشان را به آلت جنسی بچه بزنند چه پسر و چه دختر در زمان بچگی، خواه ناخواه بچه از این عمل خوشش می‌آید یا برای شستن یا برای کارهای دیگر تدریجاً این بچه لذت می‌برد وقتی بزرگ شد و به سن بلوغ رسید می‌بیند که غریزه جنسی اش تحریک شده و راه ارضاء ندارد همان عملی که والدین انجام می‌دادند و خوشش می‌آمد خودش با خودش این عمل را انجام می‌دهد و متوسل به این کار می‌شود پدر و مادر باید متوجه باشند اگر خود بچه هم گاهی آلت خود را دستمالی کرد جلوگیری کنند البته بصورتی که بیدار نشود مثلاً بگویند آلوده است بیمار می‌شوی آنجا کثیف است ممکنه کور بشوی اگر بهمین صورت گفته شود متوجه نمی‌شود که در آینده چه خبر است و در مغزش می‌ماند وقتی که بزرگ شد و غریزه شهوت او را تحریک کرد همان حرفها در مغزش است و يك حالت ترس در رابطه با این عمل دارد ولی اگر از همان اول بگویی که استمناء حرام است تازه بدآموزی به او آموخته‌ای چرا که او تازه می‌خواهد بفهمد که استمناء چه هست.

در اسلام روایتی هست که می‌گوید وقتی که بچه يك مقداری بزرگ شد پدر و مادر نباید زیاد با کودک معاشرت نزدیک داشته باشند مخصوصاً جنس مخالف پدر با دخترش و پسر با مادرش نباید بدنشان را زیاد به بدن کودک بمالند علی (ع) می‌فرماید که مباشرت و مالش زن به دخترش وقتی که به سن شش سالگی می‌رسد خودش يك نوع زنا می‌باشد. مادرهای محترم باید کاملاً توجه داشته باشند و مراقب باشند که بچه‌های آنها مبتلا به این حالت پیدا نکنند. موضوع دومی که مهم است شوخی‌های بچه‌ها با یکدیگر می‌باشد پسرها با پسرها و دخترها با دخترها و لو اینکه بچه باشند مثلاً قلقلک دادن و این جور چیزها اینها يك حالتی در آنها بوجود می‌آورد که وقتی که مقداری بزرگتر شدند و به سن بلوغ رسیدند سبب می‌شود که غریزه شهوتشان تحریک شود چون آنموقع استفاده کردند و لذت بردند مثلاً وقتی که بچه ای را قلقلک می‌دهند لذت می‌برد و می‌گوید باز هم ادامه بدهید تدریجاً يك وقت می‌بینیم که حالا قوه شهوتش تحریک شده می‌خواهد يك کاری بکند که لذت ببرد و چون دستش به دیگری نمی‌رسد در نتیجه سبب استمناء می‌شود این هم از مسائل است که باید مراقبت و چاره کرد مخصوصاً پدر و مادرها باید مراقب باشند و آموزگاران و دبیران مراقب شوخی‌های دانش‌آموزان و حرکات آنها باشند و لو چیزی جز شوخی نباشد اما گاهی به چیزهایی می‌رسد. البته باید

بازی بکنند ولی اگر ممکن است که تحریک آمیز باشد باید به صورتی جلوگیری کرد نه بصورت زشت و زننده که بدتر بشود و بدآموزی داشته باشد.

تماشای فیلم‌های تحریک آمیز یا بطور کلی هر چیزی که تحریک آمیز باشد بچه‌ای که ده یا دوازده سال دارد و در تلویزیون زن برهنه‌ای را می‌بیند چه دقیق نگاه می‌کند اما می‌داند که آن جوان در چه حالتی است اینها همه سبب می‌شود که ابتدا به این مرض پیدا کند. نگاه کردن فیلمها، عکسهای برهنه‌ای که متأسفانه کم و بیش هنوز هست البته مجلات خیلی بهتر شده است و تلویزیون هم الحمد لله خوب شده و انشاء الله بهتر می‌شود دو روایت هست که روزی حضرت علی (ع) از يك جایی عبور می‌کردند دیده شد که حضرت علی رویشان را برگرداندند و ناراحت شدند. بعضی از اصحاب عرض کردند که یا علی اینها حیوان هستند آیا این کار بد است حضرت فرمودند خیر بد نیست ولی نه در معرض عام و در حضور دیگران آنهایی که از اینجا عبور می‌کنند زن هستند مرد هستند جوان و بچه هستند خوب نیست صد تا مصیبت بوجود می‌آورد ما هستیم که می‌گوئیم چیزی نیست ولی نمی‌دانیم که بچه چه عکس‌العملی نشان می‌دهد بما که نمی‌گویند آنها خیلی زرنگ و با هوش هستند وقتی با هم هستند بچه‌ها برای یکدیگر تعریف می‌کنند اینها کارهایی است که باید پیشگیری شود مثلاً مادر می‌خواهد دختر و پسر را ببرد حمام می‌گوید این بچه پنج ساله است طوری نیست نمی‌دانیم که اینها می‌فهمند يك چیزهایی می‌دانند و این سبب می‌شود که غریزه جنسی زود بیدار بشود و به انحراف کشیده شود. مرد که می‌خواهد استحمام کند نباید دخترش را حمام ببرد و لو کوچک باشد و زن که می‌خواهد استحمام کند نباید پسرش را ببرد و لو اینکه سه ساله باشد این مسائل را باید رعایت کرد.

از مسائل دیگری که مؤثر است مطالعه کتابهای عشقی است که در عین اینکه برای بچه‌ها جالب می‌باشد خواندن این گونه مجلات و کتابها بدآموزی دارد.

رابطه آمیزشی زن و شوهر از عوامل مهم دیگر است زن و شوهر باید رابطه جنسی با یکدیگر داشته باشند اما آزاد نیستند قبلاً راجع به این مسئله صحبت کرده‌ام لذا تکرار نمی‌کنم اما بدانید که این بچه‌ها بیش از آن مقدار که ما فکر می‌کنیم باهوش هستند نگوئید که انشاء الله نمی‌فهمند اگر می‌خواهید فرزندان‌تان خوب تربیت شوند باید به فکر آنها باشید.

مسئله بعدی چشم‌چرانی بچه‌ها و کردن پسرها به دخترها و دخترها پسرها این موضوع دو طرفه می‌باشد حال غریزه جنسی است و در باطن است و آماده است برای ظهور و است که يك راهی پیدا کند و همین اسلام نهی کرده در تکرار (چشم‌چرانی)

پیغمبر (ص) فرمودند نگاه کردن تیری از تیرهای شیطان است سهم من سهام ابلیس) و بعد هرکس که این نظر را از روی از گناه ترك کند خدا يك به او می‌دهد که شیرینی این را درك می‌کند. ایمانهایی که است برای مؤمن مؤمنی که را ببندد برای خوف از خدای فراوان است حضرت علی (ع) فرماید

چشم آدم کور باشد و اصلاً چشم باشد بهتر از این است که انسان بکند به يك چیزی که آنرا به فتنه گرفتاری بیاندازد.

اینها عواملی است که مؤثر است و چیزهایی دیگری هم هست اگر قبل از اینکه خوابشان بیاید به بروند بسیاری از مواقع سبب می‌شود که با خودشان بازی کنند و خوششان بیاید و بصورت يك بشود. باید مراقبت کرد بچه خوابش می‌آید برختخواب برود رختخواب نخوابد و بیدار باشد وقتی که بیدار می‌شود فوری از رختخواب خارج شود.

از همه بدتر دوست بد می‌باشد دوست بد مقدار زیادی از بچه‌ها در يك کلاس یا مدرسه آلوده می‌کند چون آنها حرفهایشان را بهم می‌زنند غریزه بیدار شده راه ارضاءش بهم یاد می‌دهند

طبق يك آماری خودم بدست آوردم اكثر کسانی که مبتلا به استمناء هستند اولین مرحله بوسیله یکی از بچه‌های همسال خویش با آن آشنا شده‌اند و اما عوامل پیشگیری اگر مبتلا شدند چه بکنیم عده کثیری این اطلاع را دارند خودشان نامه می‌نویسند با ناله و گریه که چه بکنیم این اعتیاد چنان بدبختی ببار می‌آورد که در ابتدا حرف مؤثر نیست معالجه کردن يك معتاد حالا چه به این عمل معتاد باشد یا به هروئین کاری دشوار است بهترین راهش تقویت روحیه او است و محترم شماردنش، گفته شود تو قدرت داری تو بزرگی تو عزیزی تو باید آینده‌ای چنان داشته باشی. گاهی نامه نوشته‌اند که من در جواب آنها را تقویت کردم و جواب آمده بود که مؤثر بود و ترك کردم و توبه کردم ولی بعد متأسفانه آلوده شده‌ام بدی این عمل این است که بحدی می‌رسد که می‌گویند نمی‌توانم ترك کنم این نمی‌توانم را باید از مغز آنها خارج کرد باید به آنها بگوئیم که می‌توانید و واقعا هم می‌توانید اگر چند بار هم توبه خود را شکست اگر هم عجز و ناله کرد که نمی‌توانم باید گفت که باز هم توبه کن خداوند می‌پذیرد اراده آنها را تقویت کرد و البته آثار بد این عمل را برایشان روشن کرد روایات را گفت حرمتش را گفت خیلی ارزش دارد که به کار این گونه بچه‌ها رسیدگی کرد واقعا خیلی آدم متأسف می‌شود برای آنها که می‌گویند اینطور هستم حتی می‌خواهم خودکشی کنم اجازه هست. این شخص ایمان دارد ایمان در باطن ذات او هست شرمنده است اما مایوس است باید او را امیدوار کرد پس بنابراین تقویت شخصیت و روحیه دادن به آنها مؤثر است راه دیگر تقویت ایمان می‌باشد خوشبختانه خداوند متعال نیری مذهبی را در این سنین قرار داده که بوسیله آن می‌توان بطور جدی جلوی عمل بد آنها را گرفت حتی بچه‌هایی که تقید دینی هم ندارند اما روح مذهب در آنها هست که اگر تحریک شود به این وسیله می‌توان کاری کرد که جلوگیری شود از عمل آنها. تذکر دادن در رابطه با اثرات بد نگاه کردن به پسرها و دخترها، تنها نگذاشتن بچه‌ها در اتاقها و کلاسها يك مربی باید در مدرسه بچرخد و از دور نگاه بکند و ببیند که رابطه آنها به چه نحو است البته نه مثل پلیس اگر کنجکاوی کردید و مسئله بصورت کنجکاوی در آمد حتی بعضی از مواقع عکس العمل بد دارد اگر مبتلا هم نیست مبتلا می‌شود باید مربی عاقلانه برخورد کند.

از مسائل بسیار مهم اوقات فراغت بچه‌ها است و برنامه ریزی کردن این اوقات بدترین گرفتاری انسان وقتی است که اوقات فراغت داشته باشد وسوسه‌ها می‌آید افکار مختلف می‌آید اوقات فراغت بچه‌ها را باید پر کرد البته نه به کارهای خسته کننده باید فکر کرد که او بچه است همیشه نگوئید روایت از بهر کن نماز جماعت شرکت کن و غیره البته آنها باید باشد اما کارهای مطبوع برای بچه‌ها پیدا بکنیم ورزش خیلی مهم است بچه‌ها به معلمین ورزش يك عشق دیگری دارند و آنها می‌توانند خیلی خدمت بکنند هم مراقب بچه‌ها باشند و هم ورزشهای خوبی برای بچه‌ها تهیه کنند و اوقات فراغت بچه‌ها را پر کنند.

و در نهایت بهترین علاج ازدواج است. امیدوارم که پدر و مادرها تا اندازه‌ای دست از لجبازیهای خود بردارند. مهریه‌های سنگین، جهیزه‌های سنگین را پایان دهند ازدواج را سهل نمایند و این قضیه خاتمه پیدا نماید.

منبع: مجله تربیت، اسفند 1364 فروردین 1365- شماره 6 و 7؛ امینی، ابراهیم

راه کارهای کنترل مثبت (پیش گیری) و درمانی

گریزه جنسی يك خواسته طبیعی و جزئی از سرشت و نیاز جسمی روانی انسان است که باید آن را از راه صحیح و درست برآورده کرد. چنانچه شرایط ازدواج مهیا نباشد، مطلوب ترین و

بهترین راه و روش تسلط بر آن، کنترل مثبت (پیش‌گیری) می‌باشد. در ذیل، به شاخص‌ترین راهبردهای درمانی و پیش‌گیری اشاره می‌شود:

1. آگاهی‌دادن

انقلاب و انفجار اطلاعات، نامی است که بر دهه آخر قرن بیستم نهاده شده است. امروزه با پیشرفت فناوری، اطلاع‌رسانی اساسی‌ترین و مهم‌ترین نقش خود را در جوامع بشری ایفا می‌کند. پدیده اینترنت به عنوان اصلی‌ترین ابزار اطلاع‌رسانی در عصر نوین مطرح است. رسانه‌های ارتباط جمعی در اشکال مختلف آن، با یکدیگر بر توجه و تمایلات مخاطبان خود در رقابت به سر می‌برند.

دنایای اینترنت جذاب‌ترین دنیای مجازی برای قشر جوان است که بزرگ‌ترین طیف مخاطبان و فعالان دنیای اینترنت را تشکیل می‌دهند. نبود محدودیت سنی در اینترنت، به جوانان اجازه دیدن هرگونه فیلم و عکس مستهجنی را می‌دهد که خود، یکی از عوامل زمینه‌ساز انحرافات جنسی است. [1]

یکی از راه‌کارهای مهم تربیتی در این میان، آگاهی‌بخشی به نوجوانان و جوانان است. آگاهی از زمینه‌های مختلف مسائل جنسی، برای پی‌بردن به عواقب جبران‌ناپذیر آن لازم است. در بسیاری از امور زندگی، عدم آگاهی و شناخت نسبت به بسیاری از امور باعث می‌شود که فرد ناآگاهانه بدون دانستن پیامدها و ضررهای آن به سوی آن کشیده شود. انحرافات جنسی از همین امور است. از این رو، دانستن پیامدهای روحی روانی و جسمی این هرزگی‌ها، چه از دیدگاه دین و چه از نظر روان‌شناسی، ضروری است و همانا روشی در جهت کنترل مثبت این انحرافات می‌باشد.

1-1. همجنس‌بازی و پیامدهای آن: افسارگسیختگی غریزه جنسی و افراط در ارضای آن، انسان را از مسیر انسانیت خارج کرده و در مسیر حیوانی قرار می‌دهد. هوس‌رانی و شهوت‌رانی اراده انسان را سلب نموده و به صورت خفت‌باری انسان را به هلاکت می‌کشد. همجنس‌گرایی یکی از پلیدترین نوع انحرافات جنسی می‌باشد که عامل و ریشه بسیاری از عفونت‌های روده‌ای، ایدز، سوزاک، سفلیس و... می‌باشد. این عمل زشت و غیرطبیعی که گسترده‌ترین انحرافات را در پی دارد، امروزه مورد حمایت کشورهای غربی قرار گرفته است؛ جامعه را به سوی تزلزل و خانواده‌ها را به سوی فروپاشی می‌کشاند. [2]

خداوند متعال در آیات 5 و 6 سوره مبارکه «مؤمنون» چنین می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ اِلَّا عَلَىٰ اَزْوَاجِهِمْ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَاِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ»؛ و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند؛ تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند. از جمله صفات فاضله اهل ایمان و تقوا آن است که فروج خود را حفظ و حراست نمایند. کنایه از اینکه از عمل منافی عفت و عصمت، از قبیل هر نوع زنا و لواط، استمنا و... برکنار خواهند بود. [3]

در آیه 81 سوره «اعراف» نیز به همین مسئله پرداخته شده است. این آیه، همجنس‌بازی را یکی از بدترین انحرافات جنسی می‌داند که وسیله تولید نسل را از بین می‌برد و برخلاف فطرت و ساختمان طبیعی جسم و روح می‌باشد. در قرآن، داستان قوم لوط که دارای نکات اخلاقی و اجتماعی بسیاری است، در آیات متعددی از سوره‌ها آمده است. قوم لوط به رذائل اخلاق آلوده بودند و یکی از اعمال ناستوده آن قوم، همجنس‌بازی و انحراف از سنت تناسل بود. این بیماری اخلاقی و انحراف جنسی در میان قوم لوط شایع بود و عاقبت هم باعث هلاک و عذاب آنها گردید و به همین مناسبت، نام این مرض از اسم همان قوم اشتقاق یافت و «لواط» نامیده شد. نام علمی این انحراف جنسی «هموسکسچوال» است. [4] در دیدگاه اسلام و قرآن، لواط

از زشت‌ترین و مبعوض‌ترین اعمال می‌باشد و از لحاظ پلیدی و زشتی قابل مقایسه با زنا نیست. سختی عذاب دنیا و آخرت نسبت به فعلی، دلالت بر پلیدی و قباحیت بسیار آن فعل دارد. بر این اساس، اگر مقایسه‌ای میان معصیت‌ها و جرایم از لحاظ مجازات اسلامی و وعده عذاب در آخرت به عمل آید، دردناک‌ترین عذاب‌ها برای همجنس‌بازی مقرر گردیده که علامت منفور بودن این فعل در دیدگاه اسلام است. [5]

خداوند در سوره «عنکبوت» می‌فرماید: «لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ‌یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است! آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در مجلس‌تان اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟! اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی، عذاب الهی را برای ما بیاور!» (عنکبوت: 28 و 29)

همجنس‌گرایی در ارگانیسم بدن انسان و حتی در سلسله اعصاب و روح اثرات ویرانگری دارد؛ مرد را از یک مرد کامل بودن، و زن را از یک زن کامل بودن ساقط می‌کند. زنان و مردان همجنس‌باز، گرفتار ضعف جنسی شدید می‌شوند و قادر نیستند پدر و مادر خوبی برای فرزندان آینده خود باشند و گاه قدرت بر تولید فرزند را بکلی از دست می‌دهند. افراد همجنس‌گرا به سردمزاجی و انواع و اقسام بیماری‌های مهلک و مقاربتی و انزوا و بیگانگی از اجتماع و سپس بیگانگی از خویش‌نمیتلا می‌گردند، و همچنین گرفتار تضاد پیچیده روانی می‌شوند. [6] به همین دلیل و به دلایل اخلاقی و اجتماعی دیگر، اسلام شدیداً همجنس‌گرایی را در هر شکل و صورت تحریم کرده، و برای آن مجازاتی شدید که گاه به سرحد اعدام می‌رسد قرار داده است. و چون حرمت و فساد لواط بیشتر از زناست، حدش شدیدتر است. [7]

1-2. خودارضایی و پیامدهای آن: در دیدگاه اسلام و قرآن، خودارضایی (استمناء) یکی از پلیدترین انحرافات جنسی (پنهانی) می‌باشد. در متون اسلامی، عمل خودارضایی در مردان «استمناء» و در زنان «استنشاه» تعبیر می‌شود. عذاب و کیفر الهی این عمل پنهانی از زنا هم بیشتر می‌باشد. فاصله گرفتن از انسانیت و غلبه روح حیوانی بر انسان، موجب می‌شود که به عمل پلید خودمشتغولی جنسی بپردازد که باعث آشفتگی جنسی، درهم ریختن روان، ضعف‌های جسمی، تزلزل شخصیت، عبادت‌گریزی، سستی اراده، بدبینی، خودفراموشی و سرانجام مطرودشدن از رحمت الهی می‌گردد. [8]

خودارضایی، هم در میان مردان و هم در میان زنان شایع می‌باشد و روی آوردن به آن، با پیامدهای بسیار ناگوار و جبران‌ناپذیری همراه است. فروید معتقد است: رابطه جنسی محصول گردهمایی دو جنس مخالف می‌باشد که به یکدیگر محبت بورزند و مکمل یکدیگر باشند؛ به همین دلیل است که خودارضایی را یک نقص فردی نام‌گذاری می‌کند (به این دلیل که طرف دوم در این ارتباط وجود ندارد، مگر در خیال). پس در این حال، خستگی چند برابر می‌شود؛ چراکه فرد هم از نظر جنسی از خود کار می‌کشد و هم از نظر ذهنی. تصویر شریک جنسی خیالی، مانند یک لوح در ضمیر ناخودآگاه فرد حک می‌گردد و سبب بروز انزال‌های شبانه ناخواسته می‌شود؛ به این ترتیب که فرد هر قدر بیشتر خودارضایی کند، میزان این انزال‌های شبانه افزایش می‌یابد. [9]

زمانی که یک فرد جوان دست به خودارضایی می‌زند، ترجیح می‌دهد هر چه سریع‌تر خود را تخلیه کند. در علم روان‌شناسی این امر در نهایت، منجر به بروز اختلال انزال زودرس در فرد می‌شود. علاوه بر این، خودارضایی سبب انقباض عضلات اسفنکتر می‌شود که این عامل به نوبه خود موجبات انزال زودرس را بیش از پیش فراهم خواهد آورد. اسپرم‌ها حاوی رمز ژنتیکی DNA (Deoxyribonucleic Acid)، RNA (Ribonucleic Acid)، آنزیم‌ها، کلسیم، فسفر، نمک‌های

بیولوژیک، و تستوسترون می‌باشند. زمانی که خودارضایی صورت می‌پذیرد، کلیه این اجزای حیاتی از بدن فرد بیرون کشیده می‌شوند و اگر فرد در دوران بلوغ قرار داشته باشد، امکان رشد کافی را پیدا نمی‌کند و نیرویی که در این مواد وجود دارد، جذب نشده و از بدن او خارج می‌شوند. [10] در زنان هم خودارضایی تأثیرات مخرب خود را می‌گذارد. اختلال در رشد دستگاه عصبی و مغز، خستگی، از دست دادن انرژی و سرزندگی، کاهش قدرت حافظه و عدم تمایل به جنس مخالف، از جمله تأثیرات خودارضایی در زنان است. بدترین پیامدی که در زنان می‌توان مشاهده کرد رفتارهای متعارض روانی اجتماعی است که به مرور زمان نمی‌تواند با هیچ مردی ارتباط جنسی برقرار کنند؛ چراکه به تدریج توانایی‌های اولیه جنسی خود را از دست می‌دهند. [11]

3-1. زنا و پیامدهای آن: زنا که زشت‌ترین آلودگی جنسی است، پیامدهای بسیار شوم و ویرانگری از نظر جسمی و روحی دارد و عامل بسیاری از بیماری‌های مقاربتی و ایدز و... می‌باشد. بر همین اساس، قرآن حتی از نزدیک شدن به این کار زشت نیز نهی کرده و با صراحت می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهَا كَانَتْ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»؛ (اسراء: 32) و نزدیک زنا نشوید [چرا] که آن، زشت کاری است، و بد راهی است. زنا بدترین راهی است که انسان برای سیر کردن احساسی غریزی در خود روانه آن می‌شود. خداوند در این آیه نمی‌گوید زنا نکنید، بلکه می‌فرماید: حتی به این عمل شرم آور و زشت نزدیک نشوید. این تعبیر بیانگر آن است که آلودگی به زنا، غالباً از مقدماتی نشئت می‌گیرد که انسان را به طور تدریجی به سوی آن سوق می‌دهد، از این رو، باید از مقدماتی مانند افکار و تخیلات، چشم‌چرانی، برهنگی و یا بدحجابی، شنیدن موسیقی و ترانه‌های اغواگر که هر کدام ممکن است موجب انحراف و آلودگی جنسی شده و انسان را به بی‌بند و باری بکشاند دوری کرد. [12] در اسلام برای زنا حد بسیار شدیدی وضع شده است که این شدت مجازات دنیوی حاکی از بزرگی گناه زنا و پیامدهای زشت و خانمان‌سوز آن است. اسلام که آیین پاکی، و خواهان جامعه سالم و خانواده سعادت‌مند است، می‌خواهد با این برنامه شدید، ضمن جلوگیری از هرگونه آلودگی و انحراف جنسی، عفت جامعه را از گزند آلودگان و دزدان عفت حفظ نماید.

رابطه نامشروع جنسی (زنا)، مفاسد و زیان‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی فراوانی را به دنبال دارد. از این رو، این عمل در اسلام حرام شده است و در قرآن کریم، در کنار شرك و قتل آمده است: «وَلَا يَغْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا» (فرقان: 68) همچنین قرآن کریم آن را در کنار سرقت آورده است: «وَلَا يَسْرِقُونَ وَلَا يَظُنُّونَ وَلَا يَكُونُوا مِنَ الْمُجْرِمِينَ» (ممتحنه: 12) زنا سرچشمه بسیاری از خودکشی‌ها، فرزندان نامشروع، عدم تمایل به تشکیل خانواده می‌باشد و زنان کاران چون برای شهوت رانی سراغ یکدیگر می‌روند، میان‌شان انس و الفت عمیق و آرامش نیست. زنان کار، طرف مقابل را شریک زندگی نمی‌داند، بلکه او را وسیله اطفای شهوت می‌داند. (قرائتی، 1383، ج 7، ص 53-54) جاذبه بعضی گناهان به حدی است که نزدیک شدن به آن هم خطر دارد. زنا، در طول تاریخ عملی زشت و ناپسند، و در ادیان دیگر نیز حرام بوده است. زنا هم گناه است، هم راهی برای گناهان دیگر و هم سبب بدعاقبتی است. [13]

2. خدامحوری

خدامحوری یکی دیگر از راه‌کارهای کنترل مثبت می‌باشد. فروید محرومیت‌ها و ناکامی‌های جنسی را علت اساسی بیماری‌های روانی می‌داند. در واقع، اثر تخریبی محرومیت‌های جنسی بر روان شدید می‌باشد. هنگامی که تمایلات و حالات جنسی برانگیخته و افروخته و تحریک گردد، ولی ارضای آن باناکامی مواجه شود، به سلامت روان فرد لطمه شدید می‌زند. به

همین دلیل، افرادی که با رعایت اصول اخلاقی و اعتقاد به آداب و دستورات مذهبی از تحریک امیال جنسی جلوگیری می‌نمایند، از این نظر از سلامت بیشتر روحی و جسمی برخوردار هستند. [14]

یاد خدا بهترین راه رسیدن به آرامش و دست‌یابی انسان به اطمینان خاطر می‌باشد: «و تَطْمَئِن قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا يَذُكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد:28)؛ آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. در بحران‌هایی، مانند شعله‌ور شدن شهوات طبیعی، گاه تنها راه‌هایی از دغدغه‌ها و اضطراب‌ها همانا یاد خداوند رئوف است که این غرایز را برای رسیدن به اهدافی در وجود انسان سرشته است. انسان، با ایمان به خدا و دین‌باوری، نه تنها باعث تخلیه هیجانات می‌شود، بلکه باعث هویت‌یابی فرد و اجتماع می‌شود. نیز ظرفیت پذیرش تغییرات را افزایش می‌دهد و این، هم منجر به سلامت روانی می‌شود و هم ضریب امنیت فرد و جامعه را بالا می‌برد و همین دین است که فلسفه زندگی را معنی‌دار می‌کند و زندگی را از حالت تهی بودن خارج می‌نماید. [15]

در آموزه‌های روح‌بخش قرآن کریم موضوع تقوا و پارسایی هم مورد توجه ویژه قرار گرفته است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات:13)؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است. همچنین خداوند در آیه‌ای دیگر، تقوا را برترین زاد و توشه (برای سرای آخرت) می‌داند و می‌فرماید: «و تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ...» (بقره:197)؛ و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزگاری است... تقوا يك نیروی کنترل‌درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می‌کند. [16] به طور طبیعی در هنگام بحران بلوغ و فشار غریزه جنسی، عقل به تنهایی قادر به کنترل شهوت نمی‌باشد و در این شرایط، به سلاحی برنده‌تر نیاز است و آن تقوا، عشق به پروردگار و در يك کلمه، خدامحوری می‌باشد. با رعایت تقوا، نه تنها انسان از محیط‌گناه‌آلود و شهوت‌انگیز دوری می‌گزیند، بلکه برای او چنان مصونیتی ایجاد می‌شود که حتی با ورود به ورطه گناه هم می‌تواند خود را حفظ نماید. [17] خدای بزرگ پرهیزگاران را کسانی می‌داند که بعد از قرارگرفتن در معرض حملات شیطان، با سلاح تقوا از خود دفاع می‌نمایند. (اعراف:201) چنان‌که حضرت یوسف(ع) با استفاده از سلاح قدرت معنوی و تقوا خود را از آلوده شدن به گناه حفظ نمود.

خدای متعال با وضع مقرراتی دینی، انسان‌ها را در حیطة شرع محدود می‌نماید و از طغیان غریزه باز می‌دارد که مهم‌ترین آنها ارتباط خلق و خالق یعنی نماز و عبادت می‌باشد. قرآن نماز را يك عامل بازدارنده از گناه می‌خواند و می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ» (عنکبوت:45)؛ و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد، و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید. نماز علاوه بر آنکه یکی از راهبردهای کنترل مثبت به شمار می‌رود، به عنوان يك روش درمانی هم به کارگرفته می‌شود.

دیل کارنگی (Deal Carnegie) می‌گوید: هنگامی که کارهای سنگین، قوای ما را از بین می‌برند و اندوه‌ها و وسوسه‌ها هر نوع اراده‌ای را از ما سلب می‌کنند و بیشتر اوقات که درهای امید به روی ما بسته می‌شوند، به خدا روی می‌آوریم؛ اصلاً چرا بگذاریم روح یأس و ناامیدی بر ما چیره شود؟ چرا همه روزه به وسیله خواندن نماز و دعا و به جای آوردن حمد و ثنای خداوند، قوای خود را تجدید نکنیم و چرا با ذکر الهی بر شرور غالب نگردیم؟ [18]

3. توجه به قیامت و یاد مرگ

یادآوری آخرت و توجه به قیامت و یاد مرگ یکی از عوامل مهم و بازدارنده در جهت پرهیز از

گاهان و میل به بی‌عفتی می‌باشد. با یاد مرگ، انسان به تهذیب اخلاق و کاهش شهوات می‌پردازد و با توجه به اینکه خدای متعال در آخرت مزد کار را به انسان برمی‌گرداند، می‌تواند در پرتو عفاف و عمل به آموزه‌های دینی به این مهم دست‌یافت و این امر می‌تواند از بهترین راه‌کارهای مقابله با انحرافات جنسی باشد.

خدای بزرگ در سوره «عنکبوت» می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (عنکبوت: 57)؛ هر انسانی مرگ را می‌چشد، سپس شما را به سوی ما باز می‌گردانند. و مرگ سرنوشت حتمی همه است، ولی پایان کار نیست. مرگ امری وجودی است، نه عدمی و مرگ بازگشت به مبدأ است. [19] قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: 64)؛ این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند. مرگ شهوات نفسانی را می‌میراند و اساس غفلت را از بین می‌برد و دل را به وعده‌های خداوند قوی می‌کند و باعث رقت قلب می‌شود. [20]

4. تقویت اراده

تقویت اراده، هم راهبردی درمانی و هم کنترل مثبت در انحرافات جنسی می‌باشد و در هر بعدی انسان را به رشد و کمال می‌رساند. این ابزار، به ویژه در کنترل غرایز، آدمی را مسلح می‌نماید. روان‌شناسان بر این باورند که بی‌اراده بودن، انسان را از سیر طبیعی زندگی منحرف می‌سازد. همچنین گزاره‌های بی‌شماری در قرآن کریم به چشم می‌خورد که افراد بردبار را مستحق پاداش دنیوی و اخروی می‌داند. روایات تفسیری که از اهل بیت (ع) نقل شده است صبر را به سه گونه تقسیم کرده است: 1. صبر در مصیبت؛ 2. صبر در عبادت؛ 3. صبر از معصیت؛ که گونه‌های اخیر، بزرگ‌ترین پاداش‌ها را در پی دارد.

در واقع، وعده رستگاری به کسانی داده شده که خویشتن را تربیت می‌کنند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْنَاهَا» (شمس: 9)؛ که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده است. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ تَهَيَّأَ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» (نازعات: 40)؛ و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوا باز دارد. اینها همه حاکی از پیامدهای مثبت عزم و اراده محکم است. تقویت اراده و تلاش برای توانایی، از گام‌های مهم در امر غلبه بر انحرافات جنسی و اخلاقی است. اگر فرد تمام فنون درمان انحرافات جنسی را بداند، ولی اراده ترک آنها را نداشته باشد، نتیجه‌ای حاصل نمی‌کند. از این رو، تقویت اراده و داشتن تصمیم جدی بر ترک انحراف اخلاقی یکی از مسائل مهم برای درمان و غلبه بر ناهنجاری مزبور است.

ویلیام جیمز (William James) روان‌شناس معروف و فیلسوف اندیشمند، در این باره می‌گوید: يك بار «نه» گفتن به يك عادت بد، موجب می‌شود شخص برای مدتی تجدید قوا کند و بدین وسیله، ضعف اراده خود را به تدریج، برطرف سازد. [21]

راه‌های بسیاری برای تقویت اراده وجود دارد که در ذیل، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1-4. تلقین مثبت: شیوه دیگری که در تقویت روحی استحکام اراده آنان مؤثر است، «تلقین به نفس» است. فرد باید به خودش این گونه تلقین نماید که «اراده این کار را دارم و می‌توانم از عهده اش برآیم» و با توجه به نقاط مثبت زندگی خود، فکر و اندیشه نماید و به خودش بیاوراند که می‌تواند، و این ایده را تکرار کند.

پل کلمنت ژاگو (Paul-Clement Jagot)، یکی از صاحب‌نظران در زمینه اراده و راه‌های تقویت آن، می‌نویسد: وقتی بخواهیم با عادت زشتی مبارزه کنیم، نخست باید نتایج نامطلوب آن را در نظرمان مجسم کنیم و سپس منافع و فواید ترک آن عمل زشت را در روح خود تصور نماییم و مواقعی را که گرفتار آن عادت زشت شده‌ایم به خاطر آوریم. در نتیجه، هر بار که چنین

نمایشی در روح خود می‌دهیم، بر آن تحریک یا وسوسه عادت زشت چیرگی یافته، لذت ترك آن را در خود احساس می‌کنیم. .. باید مرتب به خودمان تلقین کنیم که می‌توانیم و از چیزی هراس نداشته باشیم. [22]

2-4. ورزش: یکی از راه‌های تعدیل و مهار انرژی پر قدرت غریزه جنسی، ورزش است. این عمل فواید و آثار فراوان و ارزشمندی دارد، آنچنان که در آموزه‌های دینی و روایات اسلامی توجه بسیاری به آن شده است. پیامبر اکرم (ص) تأکید ویژه و خاصی به آموزش اسب‌دوانی و شنا و تیراندازی در بین مسلمانان و به ویژه جوانان داشتند. آثار ورزش در سلامت و پیش‌گیری از بیماری‌ها و انحرافات، فراوان است؛ به ویژه ورزش در هوای آزاد، همانند ورزش‌های پیاده‌روی، دو، شنا، کوه‌نوردی که مصرف اکسیژن را افزایش می‌دهد و باعث کاهش فشار خون، تقویت دستگاه عروقی، جلوگیری از پوکی استخوان، به تأخیر افتادن ناتوانی جسمی ناشی از سالخوردگی، افزایش امید به زندگی، ارتقای عزت نفس و از همه مهم‌تر، تعدیل غرایز جنسی و جلوگیری از انحرافات اخلاقی می‌شود. ورزش موجب دفع نیروهای متراکم بدن می‌شود. در این صورت، قوای جنسی تعدیل می‌گردند و زمینه انحرافات جنسی، بخصوص خودارضایی، تا حد زیادی از بین می‌رود. علاوه بر آن، وقتی انحرافات جنسی از بین رفت، زمینه معنویات در انسان ایجاد می‌شود و او به طرف کمال قدم برمی‌دارد. [23]

ورزش باعث نشاط و شادابی بدن است و انسان را از نظر روحی و روانی سرزنده و شاداب می‌کند و موجب تقویت اراده انسان و پویایی او می‌گردد. کسی که از اراده قوی و روانی شاداب برخوردار باشد، به انحراف جنسی تمایل پیدا نمی‌کند. [24] به نظر می‌رسد که ورزش با افزایش احساس عزت نفس هم رابطه دارد و موجب آرامش روانی می‌گردد. فردی که از عزت نفس بالا و آرامش بیشتری برخوردار است، به طرف انحرافات اخلاقی گرایش پیدا نمی‌کند و عزت نفس خود را با این مسائل ضایع نمی‌سازد. ورزش کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و به زندگی آرامش و نشاط می‌دهد. [25]

ورزشکاران معمولاً نسبت به افراد کم‌تحرک، اضطراب و افسردگی کمتری احساس می‌کنند و آرامش بیشتری دارند. ورزش در کاهش اضطراب و ایجاد نشاط روانی نقش بسزایی دارد. بدین سان، آرامش روانی احساس ارزشمندی ایجاد می‌کند و چنین فردی گرایش بسیار کمتری به انحرافات دارد.

3-4. روزه: یکی از شیوه‌های درمان انحرافات جنسی، تغییر جهت دادن انرژی روانی و جسمانی فرد و تخفیف انرژی است. در این شیوه، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌کارها «روزه داری» است که این روش موجب تخفیف انرژی روانی و جنسی می‌گردد و فرد را از انحراف جنسی و بخصوص خودارضایی مصون می‌دارد. در واقع، یکی از علل عمده انحرافات جنسی، انرژی فراوان در فرد است و باید این انرژی، تصعید شود.

روزه داری نقش قابل توجهی در این امر دارد؛ زیرا علاوه بر اینکه نیروی روانی و انرژی جنسی را به طرف معنویت و ارزش‌های والا جهت می‌دهد، موجب می‌شود تا انرژی ذخیره شده در بدن و انرژی حاصل از مواد غذایی در بدن، کاهش یابد و این کار به نوبه خود، در کاهش میل جنسی مؤثر است. آنگاه که انسان از نظر جسمی پرتوان شود و از نظر تغذیه به اندازه کافی و یا بیشتر اشباع گردد، مواد زیادی برای سوخت و ساز بدن تولید می‌شود و قسمتی از این مواد و انرژی هم صرف غریزه جنسی می‌شود. تراکم مواد غذایی در بدن، زمینه تشدید میل جنسی را در انسان فراهم می‌کند و روزه می‌تواند نقش زیادی در کاهش انرژی و نیروی جنسی در بدن ایفا کند. [26]

روزه هم یکی از برنامه‌های عبادی اسلام است. روزه گرفتن علاوه بر آنکه يك عبادت و امر

واجب است، برای حفظ سلامت جسمی و روانی انسان بسیار مفید است. در حقیقت، روزه طبّ پیش‌گیری اسلامی است. از این رو، خداوند در سوره «بقره» آیه 184 می‌فرماید: «و ان تصوموا خیرٌ لكم ان کنتم تعلمون»؛ روزه بدارید برایتان بهتر است اگر درک کرده باشید. دکتر آلکسیس کارل، فیزیولوژیست و محقق فرانسوی، درباره اهمیت و نقش روزه بر سلامت جسمی و روانی انسان می‌گوید: «در روزه داری با تلاش معنوی، تعقل و تملک نفس می‌توان تعادل اعمال بدن را حفظ کرد. همه به طور طبیعی تمایل به اطفای غرایز نفسانی دارند، ولی وقتی این تمایلات کاملاً برآورده شد به انحطاط می‌گراید. بنابراین، باید به گرسنگی و کاهش در خواب و غرایز جنسی و غیره عادت کرد و بر نفس مسلط شد. مسلماً افراط در خواب و خوراک از کمبود آن زیان بخش‌تر است و با امساک و روزه داری می‌توان هماهنگی بین اعمال بدنی و روانی ایجاد نمود. [27] در واقع، روزه نیز همانند نماز می‌تواند هم نقش پیش‌گیری و هم نقش درمانی داشته باشد؛ چنان‌که محدوده اثرگذاری آنها جنبه‌های جسمی و روانی هر دو را شامل می‌شود.

5. بهداشت اخلاقی

تأکید مکرر و چند بُعدی خداوند متعال بر موضوع بهداشت اخلاقی حاکی از اهمیت این امر و بالطبع پیامدهای ویژه آن است؛ رعایت بهداشت اخلاقی در ابعاد فراوانی همچون عفت، نداشتن دوستی پنهانی با جنس مخالف، کنترل نگاه، رعایت عفت در سخن با نامحرم، روش راه رفتن.

1-5. عفت: در واقع، نقطه مقابل شهوت پرستی، عفت و خودداری است. عفت یعنی: حفظ و کنترل نفس از شهوات نفسانی. عفت حد اعتدال سستی و شهوت رانی است. [28] چنان‌که سوره «نور» در کلام نورانی وحی، سوره عفت و پاک‌دامنی و پاک‌سازی از انحرافات جنسی نامیده شده است و بحث‌های مختلف آن از این نظر انسجام روشنی دارد. همچنین در آیه 31 پس از تحریم چشم‌چرانی برای زنان همانند مردان، به مسئله حجاب که از ویژگی زنان است می‌پردازد. در واقع، تجسم بیرونی عفاف، حجاب است. فرد عقیف، محجوب است و حجاب حریم ارزش زن و مرد است. در سوره «احزاب» آیه 59 هم مسئله حجاب و پوشش مطرح شده است. برهنگی زنان، مردان و بخصوص جوانان را در یک حالت تحریک دایم قرار می‌دهد؛ تحریکی که باعث ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می‌گردد؛ چراکه روان‌شناسان عقیده دارند هیجان مستمر عامل بیماری می‌باشد. چشم انسان دریچه حساسی است که لذت جنسی حاصل از نگاه در آن متوقف شده؛ وقتی نگاه تکرار می‌شود، چندی نمی‌گذرد که انسان در برابر مناظر جنسی حالت تحریک و حساسیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. [29]

2-5. نداشتن دوستی پنهانی با جنس مخالف: دوره نوجوانی و جوانی مهم‌ترین بخش در زندگی هر فردی می‌باشد و یکی از رفتارهایی که در این سنین به وفور به چشم می‌خورد، علاقه و شوق و اشتیاق به برقراری رابطه با جنس مخالف می‌باشد که در مواردی همراه با عواطف و احساسات تند و آتشین آغاز می‌گردد و یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند زمینه روابط نامشروع و شروع انحرافات جنسی در فرد را ایجاد نماید و سلامت روح و جسم او را به مخاطره اندازد.

اریکسون سن 12-20 سالگی را مرحله احساس هویت در مقابل سردرگمی هویت می‌داند و می‌گوید: مشکل این دوره، خطر آشفتگی نقش به ویژه هویت جنسی و شغلی نوجوان است. در بعضی موارد، جوانانی که قادر به رودرویی با سردرگمی نقش جنسی و شغلی خود نیستند، هویتی منفی را انتخاب می‌کنند و به هویت‌ها و نقش‌هایی متکی می‌شوند که به

صورت نامطلوب‌ترین و خطرناک‌ترین اعمال به آنها عرضه شده است. یکی از این رفتارهای جایگزین، برقراری ارتباط‌های ناسالم همراه با ناآگاهی است. [30]

در دو آیه ذیل، خداوند بزرگسالان را از طرح دوستی با جنس مخالف نهی فرموده است: «مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (نساء: 25)؛ پس آنها (زنان پاکدامن از بردگان) را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید و مهرشان را به خودشان بدهید، به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه به طور آشکار مرتکب زنا شوند و نه دوست پنهانی بگیرند.

«مُحْصَنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» (مائده: 5)؛ و زنان پاکدامن از مسلمانان و زنان پاکدامن از اهل کتاب حلال اند، هنگامی که مهر آنان را بپردازید و پاکدامن باشید، نه زناکار و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید.

در آیه اول، سخن از ترك دوستی دختران با پسران است و در آیه دوم، ممنوع بودن دوستی پسران با دختران مطرح شده است.

در مورد این دو آیه 3 نکته قابل دقت است:

1. «أخذان» جمع خدن، به معنای دوست است؛ اما دوستی‌هایی که دو ویژگی دارند: یکی اینکه پنهانی هستند و دیگری اینکه منشأ این نوع دوستی‌ها شهوت و هوای نفس است.
2. علت جمع آمدن کلمه «أخذان» در آیه این است که وقتی کسی برای فحشا و از روی شهوت دوست برمی‌گزیند، به یکی یا دو تا قانع نخواهد بود؛ چراکه نفس انسانی وقتی به دنبال شهوات و خواسته‌های خود برود، حد توقف ندارد.

3. در این گونه دوستی‌ها صداقت نیست؛ چراکه قرآن دوستی‌هایی را که بر اساس صداقت باشد، «صدیق» می‌نامد و تعبیر به «خدن» فقط در این دو آیه آمده است. [31]

در این نوع دوستی‌ها، فرد در ابتدا با غرقه شدن در عواطف و یا جذب شدن به زیبایی‌ها و محرکات جنسی جنس مخالف، ارتباط را شروع و سپس با توجه به غریزه و التهاب جنسی که قدرتمندترین غریزه در وجود انسان است، روابط نامشروع را آغاز می‌کند و غرق در منجلاب اطاعت از قوه سرکش جنسی می‌شود.

3-5. کنترل نگاه در مردان و زنان: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...» (نور: 30 و 31)

خداوند در آیه 30 سوره «نور» به مردان مؤمن دستور می‌دهد از چشم‌چرانی بپرهیزند و نگاه‌های خویش را کوتاه نمایند و اعضای بدن خود را (از دید غیر همسر) حفظ کنند. اهمیت کنترل نگاه به حدی است که در آیه 31 نیز همین دستور را جداگانه به زنان می‌دهد. مراد از حفظ فروج در این آیه، پوشانیدن آن از نظر نامحرمان است، نه حفظ از زنا. تمامی آیاتی که در قرآن درباره حفظ فروج آمده، به معنای حفظ از زناست به غیر این آیه که منظور در آن حفظ نظر است، و لازمه ایمان، حفظ نگاه از حرام است. چشم پاك مقدمه پاك دامنی است و چشم‌چرانی و بی‌عفتی مانع رشد معنوی انسان می‌شود. چشم‌چرانی و هوس بازی يك بیماری روحی است. نگاه از چشم شروع می‌شود و تقوا را هم باید از چشم شروع کنیم. کنترل جاذبه‌های غریزی و شهوت جنسی از طریق کنترل نگاه است. نگاه حرام، شهوت انسان را برمی‌انگیزد و کسی که خود را مطیع تمایلات نفسانی نموده است، در تحت فشارهای روانی شهوت و نبودن وسیله ارضای آن به طور متعادل، در مرحله عشق به جنس مخالف یا در بعضی موارد نیز عشق قرار خواهد گرفت. [32]

در روان‌شناسی جنسی ثابت شده است که تمامی سطح بدن زن برای مرد محرك است، اما در زنان چنین نیست. مردان نسبت به محرك‌های چشمی حساس‌تر از زنان می‌باشند.

خداوند هم برای حفاظت مردان از مفسد ناشی از حساسیت بیشتر آنان نسبت به محرک‌های چشمی شهوت‌انگیز، آنها را به مراقبت و کنترل بیشتر چشم در مواجهه با نامحرم مأمور کرده است. [33]

4-5. رعایت عفت در سخن با نامحرم: از جمله راه‌کارهای عفت‌پیشگی و پیش‌گیری از برقراری روابط نامشروع، پرهیز از اختلاط زن و مرد، نگاه حرام و دوستی با نامحرم است؛ چراکه نقطه آغاز روابط نامشروع، اختلاط زن و مرد در محیط کار، تحصیل و... است که خود زمینه‌ساز نگاه‌های دلربا و شهوت‌انگیزی است که به دوستی‌ها و روابط ناروا منجر می‌گردد. البته از آن رو که وضع کنونی جامعه به گونه‌ای است که در موارد بسیاری اختلاط زن و مرد اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، باید تلاش نمود تا از اختلاط‌های افراطی و غیر ضروری جلوگیری شود، هرچند این نهی و تحذیر بدان معنا نیست که اختلاط، سراسر شر و منکر است و برخوردها به تمامی ناروا. اسلام برای پاس‌داری از حریم زن و مرد و حفظ پاکی روابط آنان، تمهیداتی مقرر فرموده است.

یکی از شروطی را که خداوند برای حضور زن در اجتماع بیان می‌کند، وقار در سخن گفتن و پرهیز از هرگونه طنز در برابر نامحرم می‌باشد: «...إِنَّ أَقْبَيْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ قَيْطَمَعِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ...» (احزاب: 32)؛ با کرشمه سخن گفتن زن، سرچشمه بی‌تقوایی است. نباید گفتار و رفتار زن تحریک‌کننده باشد تا مردانی که ایمان ندارند به طمع بیفتند. [34]

5-5. روش راه رفتن: مسلماً در تربیت دختران باید لطف و عنایت ویژه‌ای لحاظ شود و آموزه‌های لطیف‌تر و دقیق‌تری به آنان القا گردد. مثلاً، ارزش پرورش حیا در دختران به انحای گوناگون در احکام اسلام به چشم می‌خورد. قرآن کریم در توصیف شیوه راه رفتن دختر حضرت شعیب می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص: 25)؛ ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت.

مردان به سرعت از زیبایی‌های زنان تأثیر می‌پذیرند؛ به همین جهت، این دستورات ویژه خطاب به زنان است تا زمینه‌ساز تحریک مردان نشوند. [35]

همچنین در ادامه آیه 31 «نور» تأکید خداوند بر طریقه راه رفتن زنان برای رعایت عفت و دوری از شعله‌ورکردن آتش شهوت در مردان هم آمده است: «وَلَا يَضْرِبْنَ يَأْرُجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد).

6. تغذیه

یکی از راه‌کارهای کنترل مثبت، که خداوند متعال به آن سفارش فراوان نموده، تأکید بر مسئله خوردن و آشامیدن غذای حلال و منع از حرام می‌باشد که آثار سوء آن می‌تواند منجر به هزاران جنایت و عمل منافی عفت و انحرافات جنسی شود. غذای حرام، قلب انسان را تاریک می‌کند و موجب قساوت می‌شود و اعضا میل و رغبت به معصیت پیدا می‌کنند. اگر بخواهیم به طور جزئی‌تر بیان کنیم، چشم نظر به نامحرم می‌کند و گوش میل به استماع صدای ساز و آواز و غنا و اصوات لهوی می‌کند. [36] از آیات 33-37 سوره مبارکه «آل عمران» و آیه 28 سوره مبارکه «مریم» استفاده می‌شود که رشد و کمال انسان بستگی به ارتباط او با چهار واقعیت دارد: پدر باایمان، مادر مؤمنه، معلم پاک و دلسوز، و غذای حلال. پدر در درجه اول باید به تربیت دینی و اخلاقی توجه نماید و در مرحله بعد، با تمام وجود مواظب باشد که لقمه‌ای از حرام سر سفره خانواده و فرزندانش نبرد. این آیات نشان می‌دهد که نطفه باید از مال حلال به وجود آمده باشد؛ چراکه در نطفه ماده‌ای به نام ژن می‌باشد که تمام خصوصیات فرد را به نسل آینده او منتقل می‌کند. [37] این امر نشان می‌دهد که گناه تا عمق انسانیت، اثر می‌کند و رفتار نسل

های بعد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و خوردن غذا و لقمه حرام باعث شریک شدن شیطان در نطفه می‌شود. [38] اما پس از انعقاد نطفه نیز مرحله حساس جنینی و تأثیر غذای حلال و حرام بر جنین پیش می‌آید که این دوران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ چراکه ناف طفل متصل به ناف مادر است که اگر پاک باشد، آثاری مثبت، و اگر پلید و حرام باشد، آثاری زشت خواهد داشت. سخنی که اسلام در 14 قرن پیش مطرح کرده، در دنیای امروز از نظر علمی ثابت شده است و آن اینکه تغذیه سالم مادران پس از انعقاد نطفه، در دوره بارداری، در تکامل جسمانی و روحانی کودک تأثیر فراوانی دارد. [39] همچنین علاوه بر تغذیه حلال، باید از پرخوری هم، به عنوان عاملی که بر روی اعضای بدن انسان تأثیرات مخرب خود را دارد و می‌تواند زمینه طغیان غریزه جنسی را فراهم نماید، جلوگیری نمود؛ همچنان که خدای متعال فرمودند: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تَسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: 31)؛ بخورید و بیاشامید، ولی اسراف ننمایید.

7. ازدواج

در مکتب حیات بخش اسلام و قرآن، اولین و اساسی‌ترین راه برای سامان دادن به غریزه جنسی، ازدواج می‌باشد. ازدواج یکی از بهترین راه‌کارهای درمانی در جهت طغیان غریزه جنسی است که ضمن آرامش بخشی، غریزه جنسی را در مسیر صحیح و شرعی هدایت می‌کند. با شروع دوران بلوغ و شروع جوانی، در ذهن و روح جوان احساساتی نسبت به جنس مخالف پیدا می‌شود که به تدریج قوی‌تر می‌شود و در نهایت، به صورت میل و غریزه جنسی ظهور پیدا می‌کند. خداوند متعال برای تأمین خواسته‌های واقعی و طبیعی انسان و به ویژه غریزه جنسی و نیز رعایت مصالح فردی و اجتماعی، ازدواج و پیوند زناشویی را بهترین و مناسب‌ترین شیوه می‌داند. [40] و در تعبیری بسیار جالب توجه و آموزنده می‌فرماید: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً...» (روم: 21) به هر حال، این آرامش و سکونت، هم از نظر جسمی است، و هم از نظر روحی؛ هم از جنبه فردی و هم اجتماعی. [41] امام صادق (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: منظور، تسکین و آرامش به دست آمده پس از ارتباط زناشویی است. در واقع، یکی از راه‌های تأمین سلامت روانی برای انسان‌ها، تأمین محیطی گرم و عاطفی برای ارضای نیازهای گوناگون روانی می‌باشد که تنها با ازدواج میسر است. [42] مطالعات دقیق جامعه‌شناسی نیز نشان می‌دهد که ازدواج تأثیر فراوانی در کاهش مفاسد اخلاقی، اضطراب، نگرانی‌ها و تضمین سلامت روحی و روانی افراد جامعه دارد. همچنین از دیدگاه اندیشمندان، زناشویی در ردیف نظم‌هایی قرار دارد که آفریدگار جهان، اساس آن را بنا نهاده است. در جهان برای هیچ چیز دیگری به اندازه ازدواج لازم نیست که انسان روح و قلب خود را آماده سازد. [43]

8. آموزش خانواده

آموزه‌های قرآن کریم باید‌ها و نیاید‌هایی را طرح نموده که اخیراً روان‌شناسان نیز به اهمیت آنها پی برده‌اند. آنان بر این باورند که «توصیه‌های وحیانی قرآن مبنی بر تمکین جنسی زوجین نسبت به یکدیگر، زمینه‌ساز امنیت عاطفی و ارضای غرایز شده و احتمال آسیب‌پذیری در بعد انحرافات جنسی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد و همین امر، خود راه‌کاری در درمان و یا پیش‌گیری از کشش به سوی انحرافات جنسی خواهد شد. (ر.ک: نساء: 34)

یکی از اهداف ازدواج، تأمین عواطف غریزی زن و مرد می‌باشد و اگر این غریزه به نحو احسن در محیط خانه پاسخ داده شود، هم در پایداری و تعادل و سلامت کارکرد دارد و هم زمینه انحرافات جنسی را از سر راه برمی‌دارد.

یکی از دشواری‌های رابطه جنسی زوجین که در بسیاری موارد منجر به کشیده شدن فرد به

سوی انحرافات جنسی خواهد شد، ناکنش‌وری‌های اوج لذت جنسی (ارگاسمی) در بین زوجین و بخصوص زنان می‌باشد که به دلایلی همچون دیر ارضا شدن زنان نسبت به مردان و یا عدم تحریکات جنسی قبل از شروع عمل جنسی می‌باشد و باعث ناکامی از لذت بردن جنسی و میل به سوی انحرافات جنسی خواهد شد. [44]

منبع: برگرفته از مقاله راه کارهای مقابله با انحرافات جنسی در قرآن کریم؛ آجدانی، نسرین؛ طباطبایی امین، طاهره سادات؛ مجله بانوان شیعه، پاییز و زمستان 1390 - شماره 27

پی‌نوشت‌ها:

- [1] روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اینترنت؛ سعیدی، علی و ابوالقاسم شکیبا؛ مشهد، سنبله. 1384، ص 54
- [2] گفتار رفیع، رفیعی، ناصر؛ قم: معروف، 1388، ج 2، ص 137
- [3] تفسیر هدایت؛ مدرسی، محمدتقی؛ ترجمه احمد آرام، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1377، ج 8، ص 15
- [4] قصص القرآن؛ بلاغی، صدرالدین؛ تهران: سپهر، 1380، ص 405
- [5] حقوق جزای اختصاصی اسلام؛ مؤمنی، عابدین؛ تهران: نشر خط سوم، 1382، ص 159
- [6] تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1374، ج 16، ص 258
- [7] ازدواج اسلامی؛ دستغیب، عبدالحسین؛ قم: انتشارات اسلامی، 1383، ص 229
- [8] گفتار رفیع، رفیعی، ناصر؛ قم: معروف، 1388، ج 2، ص 138
- [9] آداب زناشویی، اکبری، علی؛ تهران: دکتر باهر، [بی‌تا]، ص 225
- [10] همان، ص 226
- [11] همان، ص 226
- [12] تفسیر هدایت؛ مدرسی، محمدتقی؛ ترجمه احمد آرام، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1377، ج 6، ص 223
- [13] همان.
- [14] طوفان جوانی؛ زمانی، مصطفی؛ قم: پیام اسلامی، 1357، ج 2، ص 166
- [15] عباسی اول، کریم؛ «اثر دین و باورهای دینی بر تربیت فرزندان»؛ ماهنامه پیوند، ش 376، ص 12
- [16] تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1374، ج 1، ص 79
- [17] مظاهری، 1375، ج 1، ص 58
- [18] «مهم‌ترین آسیب جنسی دوران نوجوانی و راه کارهای پیش‌گیری»؛ پناهی، علی احمد، مجله معرفت، ش 112، 1386، ص 30
- [19] موسوی همدانی، 1374، ج 16، ص 217/ قرائتی، 1383، ج 9، ص 163
- [20] ازدواج اسلامی؛ دستغیب، عبدالحسین؛ قم: انتشارات اسلامی، 1370، ص 344
- [21] عباسی اول، کریم؛ «اثر دین و باورهای دینی بر تربیت فرزندان»؛ ماهنامه پیوند، ش 376، ص 11
- [22] «مهم‌ترین آسیب جنسی دوران نوجوانی و راه کارهای پیش‌گیری»؛ پناهی، علی احمد، مجله معرفت، ش 112، 1386، ص 36
- [23] شادی در اسلام؛ سماک‌امانی، محمدرضا؛ نشرآموزش کشاورزی، 1385، ص 125
- [24] همان، ص 126
- [25] «مهم‌ترین آسیب جنسی دوران نوجوانی و راه کارهای پیش‌گیری»؛ پناهی، علی احمد، مجله معرفت، ش 112، 1386، ص 34
- [26] همان، ص 37
- [27] «بهره‌گیری از برخی رهنمودهای اسلامی در پیش‌گیری و رویایی با پیامدهای استرس»؛ اصفهانی، محمدمهدی؛ فصلنامه اندیشه و رفتار، سال اول، ش 4، 1374، ص 13-17.
- [28] گفتار رفیع، رفیعی، ناصر؛ قم: معروف، 1388، ج 2، ص 141

- [29] بلاهای اجتماعی قرن ما؛ حقانی، حسین، و همکاران؛ چ سوم، قم: کتاب فروشی طباطبایی، 1384، ص 122
- [30] دختران چه می‌پرسند؛ پاک نژاد، سیدرضا؛ قم: سنابل، 1376، ج 1، ص 103
- [31] تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1374، ج 3، ص 349
- [32] از نگاه تا نگاه؛ حسینی، ابوالقاسم؛ قم: طویای حجت، 1384، ص 25
- [33] آداب زناشویی، اکبری، علی؛ تهران: دکتر باهر، [بی تا]، ص 33
- [34] تفسیر نور؛ قرائتی، محسن؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، 1383، ج 9، ص 359
- [35] همان، ج 9، ص 39
- [36] ثمرات الحیاه؛ امامی اصفهانی، سید محمود؛ قم: قائم آل محمد، [بی تا]، ج 2، ص 443
- [37] نظام خانواده در اسلام؛ انصاریان، حسین؛ قم: هجرت، 1376، ص 451
- [38] ثمرات الحیاه؛ امامی اصفهانی، سید محمود؛ قم: قائم آل محمد، [بی تا]، ج 2، ص 327
- [39] ستاره‌های فضیلت، بستان آبادی، محمدباقر؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1380، ج 1، ص 33
- [40] آداب زناشویی، اکبری، علی؛ تهران: دکتر باهر، [بی تا]، ص 16
- [41] تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1374، ج 16، ص 392
- [42] روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی؛ احمدی، علی اصغر؛ تهران: امیرکبیر، 1374، ص 227
- [43] آداب زناشویی، اکبری، علی؛ تهران: دکتر باهر، [بی تا]، ص 35
- [44] «آسیب زدایی و روان‌درمانی جنسی (مشکلات جنسی: طبقه بندی، علت‌شناسی، سنجش و درمان)» بشارت، محمدعلی؛ مجله تازه‌های روان‌درمانی، سال سوم، ش 9 و 10.

تربیت جنسی

مسئله تربیت مسئله‌ای مهم است که از دیرباز توجه بسیاری از متفکران را در شرق و غرب به خود معطوف داشته است و هر قدر بر پیچیدگی جوامع افزوده می‌شود به موازات آن نیز عمل تربیت پیچیده‌تر می‌شود؛ زیرا با گذشت زمان عوامل تأثیرگذار بر تربیت گسترش می‌یابد. تربیت جنبه‌های گوناگونی دارد؛ مانند تربیت دینی، اجتماعی، جنسی و... در این بین، هر قدر که تربیت جنسی از اهمیت برخوردار است، به همان میزان هم مورد فراموشی و غفلت واقع شده است و این در حالی است که تربیت جنسی از جنبه‌های ظریف و پرلغزش تربیت است؛ زیرا شکست یا موفقیت در این جنبه از تربیت می‌تواند سرنوشت فرد را بکلی دگرگون سازد. پیچیدگی تربیت جنسی به این دلیل است که باید بین امور احساسی، عقلانی، عرفی، شرعی و غریزی آن هم بین اعضای خانواده‌ای که از نظر جنس، سن و... نامتوازن هستند ارتباط متعادل و متوازن برقرار گردد. در دین اسلام نیز، هم برای ارضای این غریزه و هم برای ایجاد بستری مناسب برای تربیت همه جانبه فرزندان، از تشکیل خانواده به عنوان اصلی‌ترین پایه دین نام برده شده است تا جایی که امام صادق علیه السلام در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «هر کس ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ نموده است.» [1] این حدیث کوتاه به خوبی اهمیت این جنبه از تربیت را بیان می‌کند. همچنین در حدیثی دیگر از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «خداوند به چیزی برتر از عفت شکم و شرمگاه عبادت نشده است.» [2]

اهمیت تربیت جنسی مورد توجه متفکران متعدد قرار گرفته، به گونه‌ای که به نظر امینی، «پدران و مادران مسئول نمی‌توانند نسبت به غریزه جنسی فرزندان بی تفاوت باشند و در این باره برنامه‌ای نداشته باشند؛ زیرا تربیت جنسی یکی از دشوارترین و حساس‌ترین انواع تربیت هاست. اندک اشتباه و غفلتی در این باره ممکن است کودکان را به وادی‌های فساد و تباهی بکشاند.» [3]

اولین چیزی که با شنیدن واژه «تربیت جنسی» به ذهن خطور می‌کند دوره نوجوانی و مشکلات ظهور غریزه جنسی در این دوره است؛ اما به واقع، تربیت جنسی امری مداوم است که در تمام عمر جریان دارد و در هر سن و جنسی شرایط مربوط به خود را داراست. چه بسا سازگاری و ناسازگاری نوجوان با این موضوع ناشی از رفتارها و واکنش‌های او و اطرافیانش در گذشته در رابطه با این غریزه سرکش باشد. حتی گاهی افراد در دوره نوجوانی و جوانی مشکلی از خود بروز نمی‌دهند، اما در دوره‌های بعدی دچار مشکلاتی می‌شوند. [4]

نکاتی در تربیت جنسی فرزندان

1- مراقبت صحیح والدین در معاشرت

گاهی یک ارتباط ناصحیح پدر و مادر، زحمات آنان را در فرایند تربیت جنسی فرزندان به هدر می‌دهد. از آنجا که چشم و گوش کودکان بسیار تیز و زیرکانه است، والدین باید عفت کلام را مراعات نمایند و از شوخی‌ها و حرف‌های جنسی در حضور فرزندان بپرهیزند و از هر گونه عمل تحریک‌کننده دوری کنند.

جوان 27 ساله‌ای که پس از سرقت جواهرات و ربودن چندین دختر خردسال و تجاوز به برخی از آنان دستگیر شده بود، پس از محاکمه در دادگاه، در مورد علت انحرافات اخلاقی خود می‌گوید: در خانواده من مسایل خلاف زیادی وجود داشته طوری که من مخفیانه ارتباط‌های آمیزشی و روابط جنسی پدر و مادرم را مشاهده می‌کردم و آنان از این موضوع ابایی نداشتند. پدر و مادرم

بعضی وقت‌ها بدون لباس در برابر من ظاهر می‌شدند و این مسائل مرا تحریک می‌کرد و... . [5]

پدر و مادر باید در نوع روابط و معاشرت با یکدیگر بسیار دقت کنند تا مبادا فرزندان به چنین عواقبی دچار شوند. خوابیدن والدین در کنار یکدیگر از دیگر مشکلات خانوادگی است. از دیدگاه دینی و روان‌شناسی، روابط جنسی والدین در حضور فرزندان موجب گمراهی و فساد آنان در آینده خواهد شد، بنابراین خوابیدن همسران در کنار یکدیگر باید به دور از چشم فرزندان باشد. این مسأله در رفتار پیشوایان معصوم رعایت می‌شده است. امام سجاد(ع) وقتی می‌خواست با همسرش تنها باشد درها را می‌بست؛ پرده‌ها را می‌انداخت و خدمتکاران را بیرون می‌کرد. [6]

امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: در برابر دیدگان کودکان با زنان خود نزدیکی نکنید، زیرا این کار موجب انحرافات جنسی آنان می‌شود. [7] طبق این روایت، هم‌بستر شدن مرد با زن در حالی که کودکی در اتاق هست، زمینه فساد اخلاقی را برای طفل فراهم می‌کند، زیرا کودک با مشاهده این رفتار والدین تحریک می‌شود و سپس سعی می‌کند با دوستانش همین رفتار را تقلید کند. خانواده‌هایی که رفتارهای جنسی مانند بوسیدن، در آغوش گرفتن، انجام عمل جنسی و... را در برابر فرزندان خویش انجام می‌دهند، باید بدانند که پیامدهای وخیمی در انتظار فرزندانشان است که کسی جز خود آنان مقصر نیست و تنها راه آن، ترک رفتارهای جنسی در مقابل چشمان فرزندانشان است.

2- بوسیدن و در آغوش گرفتن صحیح

یکی از راه‌های اظهار محبت به فرزندان، در آغوش کشیدن آن‌ها است. برای انجام این کار، باید تماس بدنی والدین با بچه‌ها از روی لباس باشد؛ زیرا در غیر این صورت فرزندان احساس لذت خاصی می‌کنند و دوست دارند این کار را با همسالان خود تجربه کنند. همچنین از دیگر راه‌های اظهار محبت به فرزندان بوسیدن آنان است. انجام این عمل باید از افراط و تفریط به دور باشد و به گونه‌ای رفتار شود که کودک را تحریک نکند. به همین دلیل توصیه شده است که مردان نامحرم از بوسیدن دختر شش سال به بالا و زنان نامحرم از بوسیدن پسران هفت سال به بالا خودداری کنند. [8]

اگر آموزه‌های دینی این دستورات را به ما می‌دهد، نباید آن‌ها را به عنوان سختگیری و بی‌مهری نسبت به فرزندان قلمداد کرد، بلکه این احکام به خاطر شرایط جسمی و روحی کودکان و عوارض آن است. اسلام نمی‌خواهد زمینه سقوط اخلاقی خانواده و فرد مهیا شود. در واقع پیش‌گیری بر درمان مقدم بوده و از اهمیت بیشتری برخوردار است.

3- خودداری از دست زدن به آلت کودک

از دیگر راه‌های پیش‌گیری از تحریکات و انحرافات جنسی کودکان، خودداری کردن از دست زدن به عورت آن‌ها است. امام علی(ع) با اشاره به این که تحریک پذیری جنسی بچه از شش سالگی به بعد بیشتر است و دستمالی کردن عورت کودک زمینه انحراف جنسی را فراهم می‌سازد می‌فرماید: لمس کردن آلت کودک وقتی به سن شش سالگی رسید نوعی زنا است. [9] منظور از نوع زنا در این حدیث، انواع انحرافات جنسی همچون استمناء، هم‌جنس بازی و زناست. گاهی والدین برای آرام کردن کودکان با آلت آنان بازی می‌کنند. کودک با این کار آرام و خاموش می‌شود و لذت زیاد می‌برد، اما بعدها مایل است که این عمل برای او تکرار شود، ولی اگر کسی با او چنین نکرد، خودش به انجام دادن آن اقدام می‌کند و کم‌کم در نوجوانی و جوانی گرفتار انحراف جنسی می‌شود.

4- جلوگیری از دست کاری‌های کودکان

بعضی از کودکان، آگاهانه یا ناآگاهانه با اعضای تناسلی خود بازی می‌کنند. در صورتی که جلوی این عمل گرفته نشود، زمینه خطرناکی برای مبتلا شدن به بیماری جنسی به وجود خواهد آمد. والدین باید با زبان نرم و آرام او را از این کار بازدارند و از راه‌های گوناگون، فرزند خود را به ترک این عمل تشویق نمایند؛ مثلاً به او بگویند اگر این کار را تکرار کنی دیگر دوست ندارم و... [10]

پی‌نوشت‌ها:

- [1] نظام خانواده در اسلام؛ شریف قریشی، باقر؛ ترجمه لطیف راشدی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی؛ 1374 ص 45.
- [2] اصول الکافی؛ کلینی، محمد بن یعقوب؛ تهران: دارالکتاب اسلامی؛ ج 2، ص 79.
- [3] آیین تربیت؛ امینی، ابراهیم؛ تهران: اسلامی؛ 1368، ص 377.
- [4] برگرفته از مقاله: ابعاد و مراحل تربیت جنسی دختران و زنان از نظر اسلام؛ زنداویان، احمد؛ شمشادی، صادق؛ مجله بانوان شیعه، پاییز و زمستان 1389 - شماره 25.
- [5] محمدعلی کریمی، الگوهای تربیتی، صص 131-132.
- [6] شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج 20، ص 133.
- [7] کلینی، اصول کافی، ج 5، ص 499.
- [8] همان، ص 230.
- [9] مجلسی، بحارالانوار، ج 104، ص 96.
- [10] درس‌هایی از مکتب اسلام، مرداد 1397 - شماره 687؛ نساجی، اسماعیل.

اثربرداری در مسائل جنسی

شخصیت انسان مجموعه‌ای از سه بُعد «شناخت»، «گرایش» و «رفتار» است؛ چنان‌که انسان را با این ابعاد سه‌گانه می‌شناسند. از این سه بُعد، دو ساحت شناختی و گرایشی سهم بیش‌تری در تأثیرگذاری بر رفتار انسان دارند. گرچه خود رفتارها نیز زمینه‌ساز بروز رفتارهای دیگری در انسان می‌شوند. در حوزه رفتارهای جنسی انسان، که بخش مهمی از رفتار وی را تشکیل می‌دهند، نیز این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری جریان دارد و از این رو، رفتارهای جنسی، تحت تأثیر عوامل سه‌گانه شخصیت‌ساز انسان قرار دارند.

اثربرداری در مسائل جنسی

رشد جنسی انسان در طول زندگی، از راه‌های گوناگون و تحت تأثیر عوامل چندی دگرگون می‌شود. این تأثیرپذیری در دوره‌های زندگی متفاوت می‌باشد. تأثیرپذیری کودک مانند تأثیرپذیری نوجوان نیست. به همین صورت، بین جوان و میان‌سال نیز تفاوت است. از این رو، لازم است تأثیرپذیری جنسی انسان در دوره‌های گوناگون به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرند.

1- تأثیرپذیری کودک در مسائل جنسی

رفتار انسان متأثر از افکار، اندیشه‌ها، امیال و آرزوهایی است که در دوران کودکی داشته است. اگر کودک در رابطه با مسائل جنسی دارای اندیشه‌ها و آرزوهای صحیح باشد، قطعاً در دوره‌های بعد زندگی نیز دارای رفتارهایی خواهد بود که با اهداف متعالی انسانی سازگار و هماهنگ می‌باشد. انسان وقتی پا به عرصه وجود می‌گذارد، از لحاظ دانش و معلومات، اندوخته‌ای ندارد و فقیر و محروم است؛ همان‌گونه که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالی که هیچ نمی‌دانستید و او گوش، چشم‌ها و قلب را برای (درک و علم) شما قرار داد، شاید شکرگزار باشید.» [1] دانشی که در این آیه

از انسان نفی شده، دانش کسبی و حصولی است، نه علم حضوری که هر انسانی نسبت به بعضی امور علم حضوری دارد. با این حال، کسانی که این نوع علم حضوری را قبول دارند، اشاره ای به دانسته های جنسی انسان از نوع حضوری نکرده اند. نتیجه این که دست بشر هنگامی که به دنیا می آید از دانش جنسی خالی است و ذهن و حافظه کودکان مانند صفحه سفیدی است که هنوز چیزی در آن نوشته نشده و هرچه در آن ریخته شود به راحتی ثبت می شود و به آسانی از بین نمی رود؛ چه این که گفته اند: «**العَلْمُ فِي الصِّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ**»؛ دانش آموزی در کودکی مانند نقش بستن چیزی بر روی سنگ است. هر قدر از عمر کودک می گذرد، بر دانسته هایش، از جمله درباره مسائل جنسی افزوده می شود. گرچه گفته می شود که کودک درک و فهمی نسبت به مسائل جنسی ندارد، اما این را هم نمی توان منکر شد که کودک به مرور زمان، اطلاعاتی درباره این مسائل پیدا می کند.

شاید یکی از دلایل منع عمل زناشویی در مقابل دیدگان کودکان همین نکته باشد که نباید ذهن جست و جوگر و فعال کودکان را به مسائل جنسی آلوده کرد تا مبدا زمانی که به بلوغ جنسی نزدیک شدند و نسبت به امور جنسی درک و فهمی پیدا نمودند، به لغزش های جنسی گرفتار گردند. هر چه بر سن کودک افزوده می شود، بر توانایی او نسبت به درک مفاهیم و نمادها افزوده می شود. کودکی که در دوران کودکی اش با مسائل جنسی روبه روست، (چه دیگران پای او را به مسائل جنسی بکشانند و یا بر اثر تربیت ناسالم خود به این سو رویگردان شود) اگر به وسیله مرتبان از انحراف او جلوگیری نشود، زمینه لغزش هرچه بیش ترش در مسائل جنسی زیاده تر است. آیا پدر و یا مادری که با پوشش نامناسب جسمی، یا گفتار و رفتار برانگیزاننده در برابر دیدگان کودک و یا نوجوان ظاهر می شوند و سلامت و امنیت روانی او را دست خوش طوفان قرار می دهند، با والدینی که مواظب همه حرکات و سکنات خویش هستند و به اندیشه ها و رفتارهای فرزندان خود جهت می دهند، یکسانند؟ آیا کودکی که به هر دلیل صحنه هایی از روابط جنسی را مشاهده کرده است (از هر نوع رابطه جنسی که باشد) این کودک چه دختر و چه پسر در آینده احتمال لغزش های جنسی اش زیاده تر نیست؟ و یا کودکی که با آلت تناسلی خود بازی می کرده و هیچ کس برخورد صحیحی با او نداشته است، گرچه در آن زمان لذت جنسی برای او وجود نداشته، ولی بر اثر عادت به این کار و استمرار آن تا زمان بلوغ و بیدار شدن غریزه جنسی، لذت جنسی برایش حاصل می شود و به انحراف «خود ارضایی» مبتلا می گردد؛ پسران گرفتار استمنا و دختران در دام استتوها می افتند.

هر کدام از رفتارهای انسان، چه مثبت و چه منفی، به نوبه خود می تواند بر شخصیت فرد تأثیر بگذارد. انحرافات و کج روی های رفتار جنسی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در نتیجه، شخصیت انسان را متحول می سازند. حال اگر به این مطلب، وسعت و عمق تأثیرپذیری کودک را اضافه نماییم، بهتر به نقش رشد جنسی در تربیت کودک پی می بریم.

والدین و معلمان مسؤلیت مهمی در قبال تشکیل تصورات صحیح و کسب عادات بجا به عهده دارند. مهم ترین آن مسؤلیت ها مربوط به فراهم ساختن محیط سالم و روابط صحیح در خانواده است. در این که رعایت چه نکاتی اساس اخلاقی خانواده را تأمین می کند، باید گفت: داشتن رابطه درست بین پدر و مادر نقش مهمی ایفا می کند. پدر و مادر باید دوستی، عشق و احترام متقابل به یکدیگر داشته باشند؛ زیرا رفتار و کردار والدین برای کودکان نمونه تقلید است.

امام صادق علیه السلام ارتباط سعادت فرزندان را به والدین تا آن جا توسعه می دهند که نوه های انسان را هم در برمی گیرد؛ حضرت می فرماید: «به درستی که خداوند به وسیله رستگاری مرد مؤمن، فرزند و فرزند فرزندش را رستگار می کند.» [2]

روایت دیگری امام باقر علیه السلام می فرماید: «فرزندان با صلاح و درستی پدران خود (از بدی

ها و آفات) حفظ می‌شوند.» [3]

خانواده اگر زندگی خود را بر پایه دوستی بنا نهد، می‌توان امیدوار بود که اجتماع آینده نسلی شایسته خواهد بود. برای حفظ کودک و نوجوان از آینده ناگوار، باید مربیان، بخصوص والدین، آنان را از تأثیرات پیچیده‌ای که مربوط به معاشرت غلط و تربیت نادرست جنسی است، دور نگه دارند.

2- تأثیرپذیری نوجوان و جوان در مسائل جنسی

نوجوانی ادامه زندگی انسان پس از دوره کودکی است. کودک با رشد سریع و مستمر خود و با فعالیت پیدا کردن بعضی از توانایی‌هایش که تا آن زمان در او به صورت بالقوه بوده است، به دوره پر فراز و نشیب نوجوانی قدم گذاشته و آن را تجربه می‌کند. در این دوره، انسان با مسائل خاصی روبه‌رو می‌شود که در دوره‌های پیش از این وجود نداشته‌اند. از جمله مسائلی که نوجوان را از کودک متمایز می‌کند، مسأله رشد جنسی است. نوجوان با رسیدن به بلوغ جنسی، چیزهایی را درک می‌کند که یک کودک از درک آن عاجز است و آن لذت‌هایی است که یک نوجوان و یا جوان از دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها و لمس کردنی‌ها می‌برد و با لذتی که یک کودک از آن‌ها می‌برد، متفاوت است. با بلوغ جنسی، نیاز جنسی در انسان شکل می‌گیرد و انسان به دنبال چیزی می‌گردد که این نیاز به وجود آمده را تأمین گرداند. نیاز جنسی از جمله نیازهای تنکردی (فیزیولوژیک) و اولیه [4] برای انسان به شمار می‌رود و تا وقتی ارضا نگردد، نیازهای سطح بالاتر و عالی‌تر در او شکل نمی‌گیرند و اگر هم شکل بگیرند، چندان تأثیرگذار نیستند که بتوانند نیاز جنسی را تحت الشعاع خود قرار دهند. از این رو، ابعاد شناختی و گرایشی نوجوان و جوان تحت تأثیر مسائل جنسی قرار می‌گیرد و به دنبال شناخت و گرایش، رفتار او هم، که ناشی از بُعد شناختی و گرایشی اوست، تحت تأثیر امور جنسی قرار می‌گیرد.

با توجه به این همبستگی، از یک سو، درمی‌یابیم که نگاه فرد بالغ به چیزهایی که در ارتباط با مسائل جنسی است با نگاه یک فرد نابالغ متفاوت است؛ و از سوی دیگر نیز با نگاه او به چیزهایی که مربوط به مسائل جنسی نیست، یکسان نمی‌باشد. به همین صورت، سایر ابعاد ادراکی فرد بالغ، اعم از محسوسات مانند شنیدنی‌ها، گفتنی‌ها، و لمس کردنی‌ها و غیر آن و غیر محسوسات مانند خیال و خواب دیدن او تحت الشعاع غریزه جنسی قرار دارند. همه این‌ها حکایت از آن دارند که بلوغ جنسی، ابعاد گوناگون شخصیت انسان را تحت تأثیر خویش قرار داده است؛ از این رو، هم نوجوان و جوان و هم سایر کسانی که با آنان در ارتباط هستند، باید به این مسأله توجه کافی داشته باشند.

نوجوان در دوره نوجوانی خود، با تغییر و تحولات متعدد و پیچیده فیزیکی و روانی روبه‌رو می‌شود. او می‌داند که دیگر کودک نیست که همچنان به والدین خود وابسته باشد. از سوی دیگر، هنوز به دوره جوانی نرسیده است که به حد استقلال و خودکفایی در اداره خویش رسیده باشد. از این رو، نسبت به هویت خود، دچار سردرگمی و نوعی شک و تردید می‌شود و گویا گم شده‌ای دارد و به دنبال آن می‌گردد. آنچه می‌خواهد شناخت هویت خویش است. او می‌خواهد بداند که کیست و چیست. «نوجوانی» مرحله بریدگی و انقطاع از کودکی با تمام خصوصیات آن و ناپیوستگی به دوره جوانی با امتیازات خاص آن است. از این رو، برخی از نوجوانان به انزوا و گوشه‌گیری روی می‌آورند و در افکار، آرزوها و تمایلات خود فرو می‌روند. نوجوان از نظر جسمی رشد کرده و از کودکی خویش در این زمینه فاصله گرفته است. بزرگ‌ترها وقتی به او نگاه می‌کنند، نسبت به گذشته توقعات زیادتری از او دارند، در حالی که از نظر

روحي و روانی هنوز به حدّی نرسیده است که بتواند خواسته‌های بزرگ‌ترها را به تمام و کمال جامه عمل بپوشاند. از این رو، بزرگ‌ترها تصور می‌کنند که نوجوان از روی لجبازی و غرور، در حد انتظارات آنان ظاهر نمی‌شود و از این رو، رابطه بین والدین و فرزندان سست می‌شود و کم‌کم حاضر نمی‌شوند به سخن یکدیگر گوش دهند و زمینه ناسازگاری و برخورد فراهم می‌شود.

این جاست که نقش والدین در کمک به نوجوان برای گذر از این مرحله آشکار می‌گردد. پدر و مادرهایی که بتوانند موقعیت و شرایط خاص نوجوان خود را درک کنند و بفهمند، بهتر می‌توانند با فرزند خود همراهی و همدلی نموده و با راهنمایی لازم، نوجوان را به سرمنزل مقصود برسانند. با تغییراتی که در درون و برون برای نوجوان رخ داده و او را از کودکی جدا کرده است، نمی‌توان با او همچون يك کودک خردسال برخورد کرد؛ مثلاً، نوجوانی که در زمان کودکی اش به راحتی متقاعد می‌شد و حتی به او پرخاش می‌گردید، حسّاس و زودرنج شده، خیلی زود عصبانی می‌شود و کوچک‌ترین برخوردی با او موجب طغیان او می‌گردد. ریشه این مسائل، تحولات گسترده و پیچیده دوره بلوغ جنسی است؛ زیرا نوجوان با قرار گرفتن در مرحله بلوغ جنسی و تحمّل تغییرات تمام اعضا، زود خسته، اندوهگین، پژمرده و حساس می‌شود. نوجوانان تعادل حیاتی دوره کودکی را از دست می‌دهند و با پافشاری کردن بر خواسته‌های خود، کم‌تر از والدین خود اطاعت می‌کنند. پدر و مادرها باید با تحمّل زیاد، ادب و نزاکت فراوان، با نوجوان برخورد کنند و با دقت، در حالی که سعی می‌کنند مسائل لازم دوره نوجوانی را به او بیاموزند، به او کمک کنند.

باید به نوجوان لزوم خودداری از لذایذ جنسی و روش عالی ارتباط با دیگران را یادآور شد. باید آن‌ها را از تأثرات باطنی دور کرد و با ورزش و مشغولیت فکری مناسب، تمرکز حواس آن‌ها را از تمایلات جنسی از بین برد. نوجوانان به اطلاعات علمی علاقه فراوان دارند و با پشت کار زیاد، آثار علمی را می‌خوانند و به وسیله‌های گوناگون، نیرو و استعداد خود را امتحان می‌کنند. باید والدین و معلمان این علاقه‌ها را شناسایی کرده، نوجوانان را هدایت نمایند. این علاقه‌ها، که مناسب با نیازمندی‌های جسمی و روحی نوجوانان هستند، آن‌ها را بیش‌تر آرام و خوددار می‌سازند.

بی‌تفاوتی، بی‌انضباطی فکری و علاقه به نزدیکی جنسی در نوجوان به راحتی می‌تواند سبب لجام‌گسیختگی و فسق و فجور شود. احساس جنسی پیش از موقع و لجام‌گسیختگی آن ممکن است نه تنها سبب سرایت بیماری‌های مقاربتی گردد، بلکه موجب شکست روحی نوجوانان شود. اگر انسان پیش از نوجوانی به گونه‌ای با امور جنسی سر و کار داشته و به قول معروف چشم و گوشش باز شده و بلکه تجربه عمل جنسی داشته باشد، در دوره نوجوانی با تفکر و تمایلات خود، فقط در آرزوی معاشرت با يك پسر یا يك دختر است. در این صورت، رشد نامتساوی روحی و جسمی در اندام او به وجود می‌آید و نوجوان با گرفتار آمدن به تأثرات جدید، پریشان‌خاطر و پژمرده می‌شود. اگر دانش آموز است و به تحصیل اشتغال دارد، دچار عقب‌ماندگی می‌شود و چنان‌که کارگر است، برای رفتن سر کار تنبلی می‌کند؛ خیلی زود کتاب یا دوست خود را کنار می‌گذارد و رها می‌کند و سراغ کتاب یا دوستی می‌رود که درباره مسائل جنسی به او اطلاعات بدهد. نوجوان هنوز نمی‌تواند خود را اداره کند و به خود سر و سامان دهد و تمایلات جنسی را سرکوب نماید. در نتیجه، با پی‌روی از آرزوها و تمایلات، خود را بیش‌از پیش ضعیف می‌سازد؛ هم تسلیم خواسته‌های نفسانی خود می‌شود و هم در مقابل خواسته‌های افراد دیگر از خود مقاومت نشان نمی‌دهد. دل‌بستگی جنسی جلوی استعداد نوجوان را می‌گیرد و اجازه فعالیت لازم را به وی نمی‌دهد. تأثیرات نیرومند احساسات مربوط به

تمایلات جنسی گویی جای تصورات و مفاهیم ذهنی را می‌گیرند. در صورتی که نوجوان از قبل با وضع جنسی آشنایی داشته باشد، پس از بیدار شدن میل جنسی در وی، با افکار و تمایلات خود، آرزوی معاشرت را در ذهن خود می‌پروراند. گاهی شرایط خانه هم طوری است که یا راهنمایی نمی‌شود و یا می‌ترسد بپرسد. نوجوان با گرفتار آمدن به تأثرات جدید، پریشان خاطر و پژمرده می‌شود، از درس عقب می‌افتد، دنبال خواندن کتاب‌های مربوط به امیال جنسی می‌افتد و بیش‌تر با دوستانی که بتوانند نیازهای او را برطرف کنند، ارتباط پیدا می‌کند. او نمی‌تواند خود را مهار کند و تمایلات جنسی سرکش را سرکوب نماید. از این رو، با پی‌روی از آرزوها، سست اراده می‌شود و نمی‌تواند در مقابل اراده دیگران مقاومت کند.

از این رو، از اهمیت پرداختن به مسأله بلوغ نباید غفلت کرد و به سادگی از کنار آن گذشت. نمی‌توان نوجوان را در این زمینه به حال خود رها کرد، بلکه باید او را در جریان دگرگونی‌ها و تحولات جنسی، جسمی و روحی این دوره قرار داد. اگر مربیان و والدین از این مسأله غفلت ورزند و باری به هر جهت از کنار آن بگذرند، آفات و آسیب‌هایی نوجوان را تهدید می‌نماید.

نتیجه

یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش آن است که حوزه‌های گوناگون شخصیت انسان نسبت به هم اثرپذیر و اثرگذارند. ساحت شناختی بر ساحت گرایش و امیال و رفتار انسان اثر می‌گذارد و آن دو نیز بر شناخت. به قدری این سه حوزه با هم تعامل دارند که جداسازی آن‌ها از یکدیگر کاری دشوار است. از این رو، به جاست که متولیان امر تربیت، اعم از والدین، مربیان و استادان با توجه به رابطه اثرپذیری و اثرگذاری ابعاد شخصیت انسان بر یکدیگر با دقت و توجه بیش‌تری به تعلیم و تربیت مترتبان اقدام کنند. اثرگذاری و اثرپذیری غریزه جنسی بر رفتار نیز بخش مهم دیگری از حوزه گسترده شخصیت انسان است که نقش بسیاری در سعادت و بدبختی انسان دارد.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، این است که این تعامل ابعاد گوناگون انسان در همه انسان‌ها یکسان نیست، بلکه در دوره‌های گوناگون سنی متفاوت می‌باشد. کودکان در عین این که از نظر جنسی تحت تأثیر قرار می‌گیرند، ولی با سایر افراد غیر همسن در این مسأله یکسان نمی‌باشند. از این رو، باید در بررسی رفتارهای انسانی، سطوح سنی را مورد توجه قرار داد. دیگر این که اگر قرار شد رفتار جنسی خاصی در انسان ایجاد شود و یا تغییر نماید، باید به عواملی که بر رفتار جنسی انسان تأثیرگذارند، توجه شود.

منبع: برگرفته از معرفت، شهریور 1382 - شماره 69؛ ثابت، حافظ

پی‌نوشت‌ها:

[1] «وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُوْنِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ

تَشْكُرُوْنَ.» (نحل: 78)

[2] اسحاق بن عمار قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: «اِنَّ اللّهَ ليفلح بفلح الرجل المؤمن وُلْدَه و ولد ولده.» مرتضی فرید، الحدیث، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1366، ج 2، ص 347.

[3] «یحفظ الاطفال بصلاح آبائهم» مرتضی فرید، پیشین، ج 1، ص 296.

[4] «مزلو همچون بسیاری از روان‌شناسان دیگر، ارضای میل جنسی را برای نسل بشر اساسی می‌داند. او نیازهای انسانی را در يك سلسله مراتب قرار می‌دهد. نیازهای جنسی بشر جزو نیازهای جسمانی محسوب می‌شود، همچون نیاز به غذا، آب، هوا و خواب.» محمدباقر کجیاف، روان‌شناسی رفتار جنسی، تهران، نشر روان، 1378، ص 65.

تربیت جنسی کودکان و نوجوانان

باید بدانیم تربیت جنسی با آموزش جنسی تفاوت دارد. آموزش جنسی شرح جزئیات روابط و مراحل جنسی است اما آنچه در تربیت جنسی مطرح است، ارائه مجموعه اطلاعات جسمانی، روانی، اجتماعی و دینی در مورد مسائل جنسی یا در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم در مورد مسائلی است که با گزینه جنسی کودک و نوجوان مرتبط است و آموزش آن از سال‌های اول زندگی کودک و نوجوان شروع می‌شود. در این سال‌ها باید مسائلی به کودک و نوجوان آموزش داده شود که ممکن است ارتباطی با آموزش جنسی نداشته باشد، اما بعدها همین موارد در روابط و تعاملات جنسی به او کمک خواهد کرد. کرکندال اعتقاد دارد که تربیت جنسی موضوعی فراتر از آگاه کردن کودکان پیرامون تولید مثل و رابطه جنسی زن و مرد است.

طرز رفتار کودک، الگو بودن بزرگسالان و رفتاری که در زندگی خانوادگی مرسوم است، نقش عمده‌ای در تربیت جنسی ایفا می‌کند. [1] تربیت جنسی احساسات جنسی و خصوصیات مربوط به رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی را در بر می‌گیرد [2] شهید مطهری معتقد است که تربیت جنسی قسمتی از اخلاق به معنای عام است و شامل عده‌ای از عادات، ملکات و روش‌های بشری است که به گزینه جنسی بستگی دارد [3] در تعریف دیگری بهشتی تربیت جنسی را اینگونه بیان می‌کند "مقصود از تربیت جنسی این است که طفل را به گونه‌ای پرورانیم که هنگامیکه به سن بلوغ رسید حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص داده و به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد و از لاپالیگری بپرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی خلق و خوی او باشد و در وادی شهوت سرگردان نشود [4] تربیت جنسی همواره با موضع‌گیری‌های متفاوتی در طول تاریخ مواجه شده است:

سه دیدگاه در رابطه با تربیت جنسی

دیدگاه اول: مبتنی بر ممانعت از هرگونه ارضای جنسی و این عقیده که ارضای جنسی، آدمی را از رسیدن به کمال انسانی باز می‌دارد. قدمت این نحوه نگرش بویژه به دوران حاکمیت قانون کلسیا در اروپا برمیگردد. اما عقاید مخالف با میل جنسی، در روزگاران گذشته نیز وجود داشته است. مثل رهبانیت و تجردطلبی در هند، چین، ایران باستان، یونان، یهودیت.

دیدگاه دوم: نقطه عکس دیدگاه اول است و بر خلاف آن بر ارضای کامل امیال جنسی تاکید دارد. و شاید واکنشی علیه دیدگاه تفریطی اول است. عوامل زمینه‌ساز این دیدگاه در عقاید فروید و راسل جستجو می‌شود. عقایدی که علل مشکلات، خشونت‌ها و ناهنجاریها و اضطراب‌های فردی و اجتماعی را ناشی از قید و بندهای جنسی و غرایز سرکوب شده میدانستند.

دیدگاه سوم: رویکرد دینی اسلام نسبت به تربیت جنسی، مبتنی بر پذیرفتن گزینه جنسی بعنوان يك حقیقت مسلم و پیشنهاد راه‌های امن برای ارضای آن یکی از کارکردهای اساسی دین اسلام در گزینه جنسی، بقای نسل بشر و حفظ عفت است.

توصیه‌های مکرر دین اسلام به والدین در رابطه با آموزش فرزندان در مسائل احتلام، حیض، بلوغ، جدا خوابیدن فرزندان از والدین، تمکین و شرایط زمانی و مکانی آمیزش ناشی از دیدگاه مثبت اسلام به تربیت جنسی است. [5] هر يك از دانشمندان مسلمان نیز با توجه به جهت‌گیری‌های خاص خود، مباحثی پیرامون تربیت جنسی ارائه کرده‌اند.

ابن سینا از دیدگاه يك پزشك و گاه از دیدگاه يك فیلسوف به تشکیل و سلامت خانواده اهمیت می‌دهد، ابن سینا، امام محمد غزالی، خواجه نصیر الدین طوسی، ابن مسکویه، ملا احمد نراقی، مرتضی مطهری و محمد تقی فلسفی یا به طور مستقیم مباحث قرآن و سنت در رابطه

با تربیت جنسی و چگونگی برخورد با مشکلات ناشی از رفتارهای غیر اخلاقی را بیان کرده‌اند و یا به طور غیرمستقیم تأثیرپذیری خود را از دین اسلام در این رابطه نشان داده‌اند. در زیر زویکردهای برخی از اندیشمندان مسلمان در تفسیر یا تحلیل مفاهیم قرآنی و احادیث تربیتی در حوزه تربیت جنسی طی جدول ۱ [6] نشان داده شده است:

جدول ۱: مبانی نظری اندیشمندان مسلمان ایرانی در رابطه با تربیت جنسی

تربیت جنسی در اسلام

اهداف تعلیم و تربیت ناگزیر از نظریه‌ای درباره «انسان در جهان» و غایت زندگی و ارزش‌نهایی است که انسان باید در تمام زندگی خویش پی‌گیرد. چون انسان آفریده خداست پس غایت زیست انسانی می‌تواند فارغ از غایت آفرینش باشد و غایت آفرینش انسان لزوماً با غایت آفرینش جهان اختلاف و تعارضی ندارد بلکه مربوط و شاید یکسان باشد. قرآن نیز مقصد حرکت را صیوروت عالم و آدم بسوی خداوند معرفی می‌کند «إلیه المصیر» و «إلی الله المصیر». [7] تربیت اسلامی جهت الهی دارد و به تمام عوامل موثر در اندیشه، رفتار، جسم و روح انسان توجه دارد. تربیت از دیدگاه اسلام عبارت است از: "فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل رشد و تکامل همه جانبه انسان و هدایت مسیر تکاملی او به سوی وجود کامل مطلق با برنامه‌ای منظم و سنجیده مبتنی بر اصول و محتوای از پیش تعیین شده. بنابراین تربیت فرآیندی مداوم و پیوسته است که در تمام مراحل زندگی انسان موثر می‌باشد [8] از منظر قرآن کریم انسان موجودی ارزشمند و کرامت‌یافته است "لقد کرّمنا بنی آدم" "ما آدمیادگان را گرامی داشتیم" [9] که در بهترین و زیباترین اندازه‌گیریها و قالب‌ها آفریده شده است "لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم" [10] "براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم" این انسان باید با برخورداری از توانمندیهای شگرف و ظرفیت بیکرانه‌ای که در وجود او نهاده شده و با استفاده از هدایت الهی سیر تکاملی خود را رقم زند و متخلق به اخلاق الهی شود تا غایت خلقت او که رسیدن به اوج خلیفه الهی و خداگونگی است، تحقق یابد.

بدون تردید، بخشی از موفقیت‌ها و کامیابیهای بشر در گرو تربیت جنسی است؛ چرا که تکامل و تعالی انسان، بسته به تربیت و خودسازی در همه ابعاد وجود اوست و گزینه جنسی یکی از این ابعاد است. لذا هر مکتبی که ادعای تأمین سعادت بشر را دارد، باید برای گزینه جنسی، برنامه داشته باشد و پاسخ روشنی به آن دهد. هدف تربیت جنسی در اسلام، شرح اعمال جنسی نیست، بلکه راهنمایی افراد در برخورد با این نیاز و گاهی حتی جنس مخالف و در مراحل بعد با همسر، ایجاد عشق و علاقه و محبت در زندگی زناشویی، برخورداری از سلامت جنسی، دوری از فسق و فجور، حفظ عفت و پاکدامنی، حفظ کرامت انسانی و التذاذ مفید و موثر سالم که نمودی از لذت‌های معنوی آخرت است می‌باشد. [11]

فقیهی اهداف کلی تربیت جنسی را چنین بر می‌شمارد:

- فراهم کردن بستر مناسب برای رشد سالم جنسی

نخستین هدف تربیت جنسی که از دوران کودکی یا بهتر بگوییم پیش از تولد آغاز می‌شود، - این است که رشد جنسی کودکان، به طور طبیعی و سالم پیش برود و از بروز ناهنجاری، بلوغ زودرس و ابتلا به انواع انحرافات جنسی، پیشگیری شود؛ بلکه کودک، در محیطی آرام و بدون فشار جنسی و التهاب‌گریزی، رشد کند و در سنین نوجوانی بتواند بدون تحمل استرس‌ها، با ظهور امیال جنسی خود که بروز آن‌ها در این مرحله رشدی، طبیعی و به‌هنگار است به شکلی مطلوب مقابله کند و در سن جوانی، به حدی از رشد برسد که بتواند همسری مناسب و پدر یا مادری شایسته برای فرزندانش باشد. البته بسترسازی مناسب، در هر کدام از مراحل

زندگی، شیوه‌های خاص خود را دارد که در بحث شیوه‌های تربیت جنسی، به تفصیل، در مورد آن‌ها بحث خواهد شد. [12]

- شناخت و انتظار درست از هویت جنسی خود

از جمله اهداف تربیت جنسی، پیدا کردن شناخت درست از «هویت جنسی»

خویش است. تربیت، باعث می‌شود که فرد، شناخت و انتظار درستی از هویت جنسی خود پیدا کند که مطابق با تواناییهای جنسیتی اش باشد. اگر این هدف، در مرحله کودکی و نوجوانی برآورده شود، چنین فردی در دوره جوانی و بزرگسالی، به خوبی، وظایف خود را مناسب با جنسیتش برآورده می‌سازد، از تمایلات انحرافی، به دور میماند و غرایز طبیعیاش به روشی سالم، ارضا خواهند شد.

- ارضای صحیح و بهنجار غریزه جنسی

از جمله اهداف مهم تربیت جنسی، این است که زن و مرد بتوانند نیاز جنسی خود را که يك نیاز طبیعی است به شیوه صحیح و به‌هنجار ارضا کنند. در دین اسلام (برخلاف برخی از ادیان)، میل جنسی و لزوم ارضای آن، نه تنها پست و رذالت آمیز معرفی نشده، بلکه امری پسندیده و مطلوب است؛ اما به شرطی که در چارچوب ازدواج زن و مرد (چه به صورت دائم و چه موقت) انجام شود و از شیوه‌های نابهنجار ارضای این نیاز، پرهیز گردد.

- پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاک دامنی در جامعه

از دیگر اهداف مهم تربیت جنسی از دیدگاه اسلام، حفظ افراد جامعه از انحراف و فساد و تباهی است که برای رسیدن به این مهم، اهداف دیگر تربیت جنسی، به نحوی سهیم هستند. جمله معروف «پیشگیری، بهتر از درمان است»، اگرچه معمولاً در مورد بیماریهای جسمی گفته می‌شود، ولی در امور روانی نیز جریان دارد و شاید در امور جنسی، بیشترین تأثیر را داشته باشد؛ زیرا درمان افراد مبتلا به انحراف جنسی و برگرداندن آن‌ها به حالت طبیعی، کاری بسیار دشوار است؛ چون برگرداندن هر معتادی از عادتش مشکل است.

- آماده‌سازی دختر و پسر برای زندگی سالم خانوادگی

آموزش مسائل مختلف مربوط به غریزه جنسی و مسائل خانوادگی، زمینه ازدواج سالم همراه پیوند عمیق زوجین را فراهم می‌نماید. جوانی که قصد ازدواج دارد، باید بداند که چگونه محبت خود را ابراز کند و چگونه تمایل طرف مقابل را به خود جلب کند و در مواقع سخت و پیچیده، چگونه عمل کند. همچنین باید بداند چه مسائلی سلامت زندگی خانوادگی را تضمین می‌کند و چه مسائلی، آن را متزلزل می‌سازد. [13]

رفتارهای نابهنجار جنسی:

باید بدانیم انحراف جنسی در اصطلاح به معنای ارضای نیاز جنسی از راه‌های غیرطبیعی و خلاف ارزش‌های جامعه می‌باشد. [14] میتوان انحراف‌های جنسی را از جمله اعمال و افعالی نام برد که مخالف طبیعت و فطرت انسان است و ضربه و جنایتی بر روح و جسم است. به همین دلیل، اسلام که دین فطرت است با این ناهنجاریها مبارزه کرده، انسان مومن را به عوامل پیدایش این انحراف‌ها و ناهنجاریها آگاه می‌نماید و نسبت به بروز آن هشدار میدهد. البته ریشه بسیاری از چنین انحراف‌هایی (خودارضایی، همجنس‌گرایی، ارتباط نامشروع و التذاذ جنسی و...) به محیط نامناسب و خانواده بر می‌گردد و تدبیر مناسب در تربیت فرزند و ایجاد شرایط مناسب میتواند نقش بسزایی در جلوگیری از انحرافات داشته باشد. بهترین زمان برای تربیت جنسی، دوره کودکی و بهترین مکان، محیط خانه است و اولین و مهمترین مسئولان تربیت جنسی والدین هستند، بنابراین از دشوارترین مسائل تربیتی، برخورد با مسائل جنسی کودکان

و نوجوانان است. میل جنسی غریزه‌ای نیرومند است که دست‌آفرینش آن را در نهاد آدمینهاده تا ضامن بقای نسل باشد. این میل در دوره‌ی کودکی حالت نهفته دارد و به تدریج سر از وجود انسان بر می‌آورد و در دوره‌ی نوجوانی به اوج شدت و قدرت خود می‌رسد. این گمان که کودکان به کلی عاری از انگیزه جنسی هستند و در این زمینه نیاز به تربیت یا مراقبت جدی ندارند، گمانی باطل است. کودکان از سال‌های اولیه زندگی به صورت مبهم با این انگیزه درونی رو به رو هستند به طوری که میتوان جلوه‌های گوناگون آن‌ها را در رفتار آن‌ها مشاهده کرد. این انگیزه رفته رفته وضوح و شدت بیشتری می‌یابد و در آستانه بلوغ، به مرحله ظهور کامل می‌رسد. نکته اساسی در این مورد این است که: چون کودک از نظر جسمی روانی و رشد عقلی از آمادگی کافی برخوردار نیست، بیداری پیش از موقع این میل می‌تواند عوارض و خطرات جدی به دنبال داشته باشد و او را در معرض انحرافات گوناگون قرار دهد. کودکانی که زمینه‌ی انحرافات جنسی در آن‌ها فراهم می‌شود در دوران بلوغ با مشکلات بیشتری رو به رو میشوند و چه بسا در سرراشایی سقوط و تباهی قرار گیرند بنابراین از مهمترین شیوه‌های پیشگیری از رفتارهای نابهنجار جنسی، تربیت صحیح جنسی در دوره‌های مختلف کودکی و، نوجوانی است، که در زیر به اهم آن‌ها پرداخته شده است.

شیوه‌های تربیت جنسی کودک و نوجوان

۱- آموزش جنسیت و نقش جنسی و پرورش هویت جنسی

هویت جنسی کودک شامل، شناخت او از اعضاء مختلف بدنش، ادراک احساسات، هیجانات، ارزش‌ها و خواسته‌های مرتبط با جنسیتش است. کودکان ۴-۳ ساله، اغلب از مقایسه‌ای بین پدر و مادرشان و خودشان با آن‌ها انجام می‌دهند، درمی‌یابند که همه مثل هم نیستند و از جنبه‌های مختلفی با یکدیگر تفاوت دارند. برداشت‌هایی که کودکان از هویت جنسی خود دارند، متأثر از دیدگاه‌ها و نگرش‌های پدر و مادر، اعضاء خانواده، مربیان و سایر افراد جامعه‌شان است. در شکل دهی به هویت جنسی کودکان، بر والدین لازم است که بینش و عملکردشان، از این امر حکایت کند که هیچ جنسیتی بر دیگری برتری ندارد و هر دوی آن‌ها ارزشمندند و هر یک برای تکامل و پیشرفت به دیگری نیازمند است، آن‌ها باید از تبعیض جنسیتی بین دختر و پسر خودداری کنند، باید احساس ارزشمندی جنسیتی را به آن‌ها منتقل کنند تا کودکان بتوانند به راحتی و بدون آرزوی داشتن جنسیتی مخالف، به هویت جنسی خودشان دست یابند و بتوانند در آینده زنان و مردان کامل و با اعتماد به نفس باشند و نقش پدری و مادری خود را به خوبی ایفا کنند. والدین باید نقش جنسیتی هر یک از فرزندان دختر یا پسر خود را به آن‌ها آموزش دهند تا هویت جنسی‌شان تقویت گردد تا بدانجامه از هر یک از آن‌ها چه انتظاری دارد و هر کدام چه نقشی را باید ایفا کند و از اجرای نقش‌های جنس دیگر خودداری نماید. در غیر اینصورت فرزند با مشکل هویت جنسی (که از کودکی با او بوده)، مشکل تغییر جنسیت و تشبه به جنس مخالف (که یکی از ناهنجاریهای جنسی [15] است و از سوی دین نهی شده است) و مشکل خانوادگی در آینده روبرو میشود پس برای یادگیری نقش جنسیتی و تحقق یافتن هویت مطلوب جنسی، لازم است که والدین، به عوامل و زمینه‌های مؤثر در ایجاد این نقش و هویت، توجه کنند و در پدیدآوردن آن‌ها تلاش مناسب داشته باشند. منظور از هویت جنسی، پذیرش ویژگی‌های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی هر یک از دختر و پسر است که به صورت متفاوت، در دو جنس، پدیدار میگردد.

۲- پیشگیری از زمینه‌های تحریک جنسی

اگر غریزه جنسی در حد طبیعی باشد، غالباً عواقب بدی هم به همراه نخواهد داشت. لیکن اگر

از حد طبیعی تجاوز کرد و کودک احساس لذت نمود به تکرار آن علاقمند می‌شود و به تدریج عادت میکند و خاطراتی از این لذت‌ها در ذهن او باقی میماند، همین امر ممکن است موجب بیداری و تحریک زودرس غریزه جنسی گردد.

برخلاف این تصور که کودک تا زمان بلوغ، از میل جنسی، بی‌بهره است و هر رفتاری که در برابر او داشته باشند، تأثیری در او نخواهد داشت، غریزه جنسی از ابتدای تولد، در وجود انسان وجود دارد. کودکان هم تحریک میشوند و حتی طبق نظر دانشمندان، به "ارگاسم" (اوج لذت جنسی) هم میرسند. ارگاسم، در بچه‌ها هم رخ میدهد و ممکن است کاملاً لذت بخش باشد. البته این لذت بخشی در کودکان، با انزال، همراه نیست. مکانیسم نعوظ و ارگاسم در کودکان، با آنچه در افراد بالغ وجود دارد، یکسان است. نزدیکی برای بچه‌ها امکانپذیر است؛ ولی غالباً مهارتی در این کار ندارند و نعوظ‌هایشان چندان پایدار نیست. گرچه میل جنسی از ابتدای تولد، در کودکان وجود دارد، اما هدف و مقصد آن، نزد آن‌ها مشخص نیست و تا زمان بلوغ (اگر مسیر رشد، بدون تحریکات پیموده شود)، آشکار و سازمان‌یافته میشود. اگرچه غریزه جنسی کودک در آغاز، متوجه عمل جنسی یا لذت جنسی نیست و باید یک سیر رشدی و تحولی را بپیماید تا در زمان بلوغ، رشد آن کامل شود و فرد، به یک رشد جنسی قابل قبول برسد، اما روانشناسان، نظر دارند که تحریک پیش از موعد این غریزه، کودک را زودتر از وقت مناسب، نسبت به آن، هشیار میکند و آن‌گاه ضربات جبران‌ناپذیری به او وارد میشود. نتیجه بلوغ جنسی پیش‌رس، تمایل جنسی فوق‌العاده زیاد است که تغییرات تکامل روحی، بدان مربوط میشود؛ یعنی سبب تفوق تأثیرات جنسی و فقدان توجه لازم به کارهای تحصیلی و تمایل به بازی و سرگرمی و عدم تعادل جریان‌ات عصبی و سستی اراده میشود. این مسئله، مورد تأیید اسلام است و روایاتی که در این زمینه وارد شد، مؤید این مطلب است که کودکان هم میل جنسی دارند، لذا باید از تحریک کردن آن‌ها خودداری کرد. با توجه به پیامدهای نامناسب تحریک جنسی کودکان و بلوغ زودرس آن‌ها، والدین باید از روش‌های پیشگیری از انحراف کودکان، آگاهی یابند. این روش‌ها عبارتند از:

الف- خودداری از انجام دادن عمل جنسی در برابر فرزندان

تردیدی نیست ارتباط جنسی در حضور فرد ثالث یک انحراف جنسی است و موجب بروز ناهنجاریهای روانی و لغزش‌ها و انحرافات جنسی در آن فرد میشود. بنابراین یکی از شیوه‌های پیشگیری از تحریک جنسی، خودداری والدین از انجام دادن عمل جنسی در برابر دیدگان فرزندان است که از دوران نوزادی تا سنین نوجوانی و بعد از آن را شامل میشود. پیامبر صلی الله علیه و آله میفرماید:

"و الذی نفسی بیده لو أن رجلاً غشی امرأته و فی البیت صبی مستیقظ یراهما و یسمع کلامهما و نفسهما ما أفلح أبداً إذا کان غلاماً کان زانیا أو جاریةً کانت زانیةً."

"اگر مردی با همسرش هم آغوش شود و در خانه، کودکی بیدار باشد و آن‌ها را ببیند و صدا و نفس آن‌ها را بشنود، هیچگاه رستگار نمیشود. اگر پسر یا دختر باشد، زنا کار میشود" [16]

در این روایت، هم بستری مرد با همسرش در حالی که کودکی در اتاق هست، به عنوان یکی از عواملی که ممکن است در کودک، انحراف جنسی ایجاد کند، مطرح شده است. دلیل این امر، آن است که کنجکاوی کودک، با مشاهده این رفتار والدین، تحریک میشود، سپس سعی میکند با دوستش هم همین رفتار را تقلید کند.

روایتی از امام صادق (ع) در کتاب الکافی نقل شده است که میفرماید: **"لا یجامع الرجل امرأته ولا جاریته و فی البیت صبی؛ فإن ذلك مما یورث الزنا"** [17] در حالی که کودکی در اتاق باشد، مرد نباید با زن و کنیزش آمیزش کند؛ چرا که این، از آن چیزهایی است که زنا را در پی می‌آورد.

ب- اجازه گرفتن فرزندان برای ورود به اتاق والدین از آداب اخلاقی و تربیتی اسلام این است که افراد نباید سرزده به خانه و محل زندگی و استراحت دیگران وارد شوند و این حکم شامل فرزندان خانواده نیز میشود، آن‌ها نیز نباید سرزده وارد محل استراحت پدر و مادر شوند. چرا که ممکن است آن‌ها در حال غیر عادی باشند و آماده دیدار آن‌ها نباشند... که بنظر میرسد منظور از این امر همان ارشاد به آداب و اصول اخلاقی است تا عفت عمومی خانوادگی آسیب نبیند و موالی و والدین اذیت نشوند و بردگان و اطفال با صحنه‌های خلاف اخلاق، روبه‌رو نگردند. [18]

از آنجا که توجه فرزندان به لباس خواب و یا وضعیت خاص والدین در رختخواب، ذهن او را درگیر میکند و زمینه تحریکات جنسی را فراهم میسازد، خداوند، دستور داده که کودکان باید هنگام ورود به اتاق پدر و مادر، از آن‌ها اجازه بگیرند: "یاایهاالذین ءامنوا لیستئذنکم الذین ملکتم ائیمنکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرات من قبل صلوة الفجر و حین تضعون ثیابکم من الظهیرة و من بعد صلوة العشاء ثلاث عورت لکم لیس علیکم ولا علیهم جناح بعدهن طوافون علیکم بعضکم علی بعض كذلك یبین الله لکم الایت و الله علیم حکیم * و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فلیستئذنوا کما استئذن الذین من قبلهم كذلك یبین الله لکم ءایته و الله علیم حکیم. [19] «ای کسانی که ایمان آوردید! هر آینه، باید کسانی که مالکشان هستید و کسانی از شما که به بلوغ نرسیده اند، در سه هنگام از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز بامداد و هنگامی که [در نیم روز] لباستان را از تن بر میگیرید، و پس از نماز شامگاه، که سه هنگام برهنگی شماست. پس از اینها، نه بر شما و نه بر آنان، گناهی نیست؛ [چرا که] پیرامون شما در حرکت اند و با یکدیگر، در رفت و آمد هستید. خداوند، این چنین، آیات را برای شما روشن میکند، و خداوند، دانا و حکیم است.» * «و آن‌گاه که کودکانتان به بلوغ رسیدند، باید از شما اجازه بگیرند همانگونه که کسانی که پیش از آنان بوده اند اجازه میگرفتند. این چنین خداوند آیات خود را برای شما روشن میکند و خداوند دانا و حکیم است.» این آداب در سه وقت است:

وقت اول: قبل از اذان صبح؛ چون در این هنگام مردم معمولاً در لباس خواب به سر میبرند و چه بسا پدر و مادر در این موقع در ظاهری غیرمعمول باشند یا لباسی غیر از لباس خواب به تن دارند و یا ممکن است بعضی از اعضای بدن آشکار باشد یا در حالتی غیرمتعارف برای کودکان، همچون امور مربوط به زوجین، به سر برند. [20] قرآن کریم این وقت را زمان ممنوعیت ورود فرزندان به حریم استراحت شبانه تعیین کرده است، مگر با اجازه گرفتن از آنان باشد.

وقت دوم: هنگام ظهر، که به تعبیر قرآن: "لباس‌های معمولی را از تن بیرون می‌آورید" این هنگام وقت خواب نیمروز است، هنگامیکه پدر و مادر در حال خواب یا استراحت نیمروز به سر میبرند و احتمالاً به دلیل استراحت یا گرمای هوا و... لباس‌های معمولی و عرفی را از تن بیرون می‌آورند یا اصلاً لباس به تن ندارند [21] (چنین وقتی نیز فرزندان جز با هماهنگی، ممنوع ورود بر والدین هستند، تا زمانی که به حالت عادی برسند).

وقت سوم: بعد از نماز عشاء، هنگامیکه والدین لباس رارا از تن بیرون می‌آورند و برای استراحت شبانه آماده میشوند. پس لباس‌های خواب یا نازک هستند یا قابلیت پوشاندن همه اعضای بدن را ندارند، در نتیجه قسمتی از اعضای بدن والدین آشکار است یا به گونه‌ای است که شایسته نیست کسی آنان را در چنین حالتی ببیند [22] زیرا این زمان مختص والدین و هنگام خلوت کردن آن‌ها با یکدیگر است و فرزندان حق ندارند که وارد شوند یا از آن‌ها خبر یابند. گفتار مفسران درباره آیه کریمه این است که مشاهده برخی صحنه‌های زمان خلوت کردن والدین، موجب آثار زشتی در ذهن پسر یا دختر میشود و در هنگام رسیدن به سن بلوغ به صورت ترس و افسردگی شکننده ظاهر میشود و با نفوذ در اعماق ذهنشان، فکر آن‌ها را مشغول کند [23] همچنین

ممکن است به صورت مشکلات ناشناخته اخلاقی یا روانی در آنان بروز کند و خود یا دیگران در مقام ارزیابی، علت آن را تشخیص ندهند. روند قرآنی، این اوقات را "عورات: شرمگاه‌ها" نامیده است، بدان جهت که معمولا شرمگاه‌های بدن انسان در آن‌ها پیدا می‌شود [24] در این اوقات سه گانه باید کودکان تشخیص دهنده‌ای که بالغ نگردیده‌اند، اجازه بگیرند تا چشمانشان به شرمگاه‌های اهالی خانواده نیفتد.

در کنار این آیه روایتی دیگر مطرح است که شخصی خدمت امام صادق (ع) رسید و از ایشان پرسید: آیا مرد برای وارد شدن بر پدرش باید از او اجازه بگیرد؟ امام جواب دادند: بله، من هم برای ورود بر پدرم اجازه می‌گرفتم، در حالی که مادرم فوت کرده بود و پدرم همسری اختیار کرده بود و من نوجوان بودم. شاید آن‌ها در خلوتشان رفتاری داشته باشند که دوست ندارند آن‌ها را در آن‌ها غافلگیر کنیم و آن‌ها هرگز [25] این رفتار من را دوست ندارند، راه درست اجازه گرفتن و سلام کردن است.

ج- خودداری از لخت شدن در برابر کودکان یا لخت کردن آن‌ها

کودکان از خود سنین چهار سالگی به بعد، به تماشای بدن خود دیگران می‌پردازند، از حدود پنج تا هفت سالگی این حالت در آن‌ها شدیدتر می‌شود. در حین تعویض لباس توسط والدین یا دیگران، با دقت بیشتر و کنجکاوی به تماشای بدن آن‌ها می‌پردازند و از این طریق می‌خواهند از دنیای دیگران سر درآورند و هم در برخی موارد برای سئوالات خویش پاسخی بیابند. اگر این تماشای آن‌ها تداوم یابد به صورت عادی نظریازی در آن‌ها در می‌آید که ممکن است بعدها خود سبب بروز انحراف اخلاقی گردد. لذا لخت شدن در برابر کودکان، از دو جهت، تأثیر نامطلوبی بر آن‌ها دارد: از یک طرف، حیای آن‌ها را از بین می‌برد و از طرف دیگر باعث تحریک جنسی کودکان می‌شود. این مسئله، در مورد لخت کردن کودکان و دیدن عورت آن‌ها نیز مطرح است امام صادق (ع) می‌فرماید "تسالبیت بیت الحمام یهتك الستر و یبدي العورة و نعم البیت بیت الحمام یذكر حر جهنم و من الأدب أن لا یدخل الرجل ولده معه الحمام فینظر إلی عورته"

بدترین جای خانه حمام است؛ چرا که باعث پرده‌داری و آشکار شدن عورت است.

و از طرف دیگر، حمام جای خوبی است؛ چرا که آتش جهنم را به یاد انسان می‌آورد و ادب حکم میکند که مرد، پسرش را با خود حمام نبرد تا چشم فرزندش به عورت پدر نیفتد. [26]

در بیان دیگری امام صادق (ع) به نقل از پیامبر گرامی اسلام فرمود: "لا یدخل الرجل مع ابنه الحمام فینظر إلی عورته و قال لیس للوالدین أن ینظرا إلی عورة الولد و لیس للولد أن ینظر إلی عورة الوالد و قال لعن رسول الله ص الناظر و المنظور إلیه فی الحمام بلا مئزر؛" مرد نباید پسرش را با خود به حمام ببرد تا به عورت او نگاه کند. و فرمود: والدین باید به عورت فرزندشان نگاه کنند و فرزندان حق ندارند به عورت والدین خود نگاه کنند. همچنین فرمود: پیامبر لعنت کرده، فردی را که به عورت کسی نگاه میکند و کسی را که بدون پوششش به حمام میرود و دیگران عورت او را می‌بینند. [27] همچنین رسول اکرم (ص) فرمود: "غطوا حرمة عورته، فإن حرمة عورة الصغیر کحرمة عورة الکبیر، ولا ینظر الله إلی کاشف عورة" عورت کودک را بیوشانید چرا که حرمت عورت کودک مانند حرمت عورت بزرگسال است و خداوند به کسی که عورتش را برای دیگران کشف میکند نگاه نمی‌کند. والدین باید از خردسالی کودک خود را عادت دهند که برای تعویض لباس در اتاق دیگر یا پشت پرده‌ای یا دیواری خود را پنهان کند.

رعایت این امر نیز برای والدین نیز بویژه در حضور کودک لازم است و در این راه نباید این اندیشه باشد که فرزندشان کودک است، نمی‌فهمد و یا فرزند به پدر و مادر محرم است، چرا که در اسلام برای محارم نیز رعایت برنامه‌های اخلاقی ضروری است.

کنجکاوی جنسی در کودکان طبیعی و صرفاً جنبه شناختی و کشف دارد، باید در مواجهه با آن

خونسردی خود را حفظ کرد. خشونت و سرکوب کودک ممکن است آن را به مساله ای جنسی و اخلاقی تبدیل کند و زمینه های انحراف اخلاقی را در او پدید آورد. [28]

د- خودداری از دست زدن به عورت کودک

از جمله روش های پیشگیری از انحراف جنسی کودکان، خودداری از دست زدن به عورت آن هاست. امام علی علیه السلام با اشاره به این که تحریک پذیری جنسی بچه، از شش سالگی به بعد بیشتر است و دستمالی کردن عورت کودک، زمینه انحراف جنسی را فراهم میسازد، میفرماید: «مباشرة المرأة ابنتها إذا بلغت ست سنين شعبه من " وقتی زن آلت فرزند پسرش را دستمالی کند در حالیکه او شش ساله شده است نوعی زنا انجام شده. منظور از شعبه ای از زنا در روایاتی از این دست، «عام» است و شامل انواع انحرافات جنسی مانند: استمنا، همجنس بازی و زنا میشود؛ یعنی چنانچه مادر، عورت دخترش را دستمالی کند، احتمال رو آوردن آن دختر در نوجوانی، یا جوانی به استمنا و روابط نامشروع وجود دارد. لذا این عمل مادر در کودکی، زمینه انحراف او را در بزرگسالی فراهم میکند. به همین دلیل، امام علیه السلام شدت قبح این عمل را مانند زنا معرفی کرده است.

ه- خودداری از بوسیدن و در آغوش کشیدن کودکان نامحرم

علیرغم اینکه در اسلام به محبت کردن، نوازش کردن و بوسیدن بچه ها سفارش شده، اما این رفتار، پس از سن معین، از سوی افراد نامحرم منع میشود. با اینکه در هیچ روایتی ندیده ایم که دختر بچه ها پیش از سن بلوغ، به حجاب و پوشش مخصوص وادار شده باشند، یا روایتی که حضور دختر بچه ها را در برابر مردان یا پسران، منع کرده باشد، اما روابطی مثل: بوسیدن و در آغوش گرفتن آن ها از سوی نامحرم، منع شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إذا بلغت الجارية ست سنين فلا تقبلها و الغلام لا تقبله المرأة إذا جاوز سبع سنين» چون دختر به شش سالگی رسد، دیگر او را نبوسید، و زن پسر را پس از هفت سالگی نبوسد» [29] والدین و همه بزرگسالان محرم و نامحرم باید در ابراز محبت خود نسبت به کودکان هشیار باشند و به هیچ طریقی آن ها را تحریک نکنند. مفاهیم محرم و نامحرم را معمولاً از سنین شش سالگی به بعد میتوان به کودک آموخت و او را آماده موضع داری در این زمینه نمود.

در ارائه مصداق های محرم و نامحرم و موضع داری در قبال آن ها والدین بهترین سرمشق هستند. آن ها در روابط و برخوردهای خویش با افراد مختلف باید در این زمینه به فرزندان درس عملی دهند، آن ها باید تدریجاً دریابند که دو فرد نامحرم نمیتوانند در برابر هم از نظر پوشش و برخی اعمال آزاد باشند. نکته قابل توجه اینکه باید مراقب حضور کودک در مکان های خلوت و زمان های خلوت بود زیرا ممکن است توسط افراد منحرف مورد سوءاستفاده جنسی قرار بگیرد. در حد سن کودک برخی خطرات جنسی که او را تهدید میکند برای او باید توضیح داد: تو نباید افراد غریبه را بوسی یا بغل آن ها بری، نباید اجازه بدی کسی به بدنت دست بزند، اگر این کار را کرد به پدر و مادر بگو، اگر کسی که او را نمیشناسی به تو چیزی داد و گفت بیا جایی بریم نباید با او بروی و چیزی را از او بگیری البته نباید مطالب را بیش از حد باز کرد.

و- جداسازی بستر کودکان

با توجه به دستوری که در سوره نور، مبنی بر لزوم اجازه گرفتن کودکان برای ورود به اتاق والدین آمده، طبیعتاً خوابیدن کودکان، در بستر والدین نیز روا نیست؛ زیرا اگر اجازه گرفتن برای نهی از دیدن صحنه های خاص از سوی کودکان، یا دیدن والدین در حالی که لباس آن ها پس رفته یا لباس مناسبی در بر ندارند، واجب باشد، قاعدتاً خوابیدن آن ها در کنار والدین که زمینه مساعدتری برای انحراف جنسی ایجاد میکند جایز نخواهد بود. از این رو، والدین باید به این امر، توجه داشته باشند که بستر کودکانشان را از سنی که قادر به اجازه گرفتن برای ورود به اتاق

هستند (تقریباً از سن سه سالگی) جدا کنند و کودکان را در اتاق جداگانه ای بخوابانند. همچنین در سنین خاصی، بستر کودکان دختر و پسر باید از یکدیگر جدا باشد و زیر یک پتو خوابند. در این زمینه در حدیثی امام علی علیه السلام میفرماید: "أنه یفرق بین الصبیان فی المضاجع لست سنین" رختخواب بچه های شش ساله را از هم جدا کنید [30] لازم به توجه است که لزوم جدا سازی بستر خواب کودکان، به جدا سازی بستر آنان از یکدیگر اختصاص ندارد، بلکه باید بستر خواب آن‌ها از زنان و مردان و حتی از بستر پدر و مادر نیز جدا باشد. امام صادق (ع) میفرماید: «یفرق بین الصبیان و النساء فی المضاجع اذا بلغوا عشر سنین» خوابگاه کودکان ده ساله را از زنان جدا کنید. [31]

اینکه در چه سن و سالی برای عفاف و پاکدامنی کودکان خوابیدن در یک بستر زیان بخش است برعهده والدین است. آنان باید توجه داشته باشند که حتی هم خوابگی دو پسر یا دو دختر هم از نظر اسلام ممنوع است و عواقب وخیم دارد. این جداسازی از تحریک پذیری کودکان و بلوغ زودرس آنان که زمینه ساز انحراف جنسی ایشان است جلوگیری میکند.

در حدیثی از رسول اکرم (ص) میخوانیم که فرمود: «إیاکم و أن یجامع الرجل امرأته و الصبی فی المهد ینظر الیهما» مبدا از شما، مردی با همسر خویش در حالی که کودک در گهواره به آن دو مینگرد آمیزش جنسی کند. [32] در رهنمودی دیگر از پیامبر (ص) میفرمایند " مروا أولادکم بالصلاة وهم أبناء سبع سنین واضربوهم علیہا وهم أبناء عشر و فرقوا بینہم فی المضاجع " [33] فرزندان تا رادر سن هفت سالگی به نماز خواندن امر کنید، اگر به سن ده سالگی رسیدند و از انجام نماز سرباز زدند آنان را به دلیل این سرپیچی بزنید و بسترهایشان را از همدیگر جدا کنید.

بر این اساس والدین مأمور شده اند که وقتی فرزندان شان به سن ده سالگی رسیدند آنان را در یک رختخواب خوابانند؛ زیرا امکان تماس جسمی و رویت عورت یکدیگر در حالتی که یکی خواب و دیگری بیدار است یا هر دو بیدارند موجب تحریک جنسی و فساد اخلاقی شود.

ه - جلوگیری از بازی کردن کودکان با آلت تناسلی خود

کودکان، بیشتر پس از رهایی از پوشک با آلت تناسلی خود بازی میکنند. این رفتار گاهی به جهت مشکلات جسمی (خشکی پوست آلت یا خارش و سوزش آن) است .

در مواردی اضطراب باعث این رفتار میشود و از این راه کسب آرامش میکنند. باید کودک را از این کار منع کرد زیرا اگر دستکاریها ادامه داشته باشد به طور طبیعی احساس لذت میکند و این احساس لذت ممکن است در آینده کودک را دچار انحراف جنسی کند، در این حالت باید کوشید با استفاده از روش حواس پرت کردن یا مشغول ساختن دست های کودک او را از این کار بازداشت. [34]

پس در مورد کودکی که با آلت تناسلیش بازی میکند، مهمترین نکته این است که پدر و مادرها در زمان برخورد با آن به هیچ وجه رفتار خشن از خود نشان ندهند. چون بیشتر دچار مشکل میشوند. بروز این رفتار در بچه ها طبیعی است. به هیچ عنوان با حالت دعوا کردن جلوی بچه را نگیرند و اگر اینطور برخورد کنند ممکن است بچه در آینده در ارتباط با دیگران دچار مشکل شود. برای حل این مساله دو راه پرت کردن حواس و جایگزین کردن را پیشنهاد میشود. به هیچ عنوان مادر اجازه ندهد فرزندش بیکار باشد و تنها باشد. او را به پارک ببرد و در بازی کردن با او سهیم شود. اگر مادر این مساله را میبیند به او بگوید که برویم بازی اما اصلاً رفتار خشنی از خود نشان ندهد و بچه فکر نکند پدر و مادر روی رفتار او حساس شده اند. چون بچه ها به سرعت متوجه این موضوع میشوند. اگر بچه در اتاق است و تنها است به اتاق او برود و بگوید من آمدم مهمانی. به نحوی نگذارد بچه تنها باشد و حواس او را پرت کند.

ن - دفع به موقع ادرار و مدفوع و رعایت بهداشت

کودکان را باید عادت داد که از همان خردسالی هرگاه نیاز به دفع ادرار و مدفوع پیدا کردند آن را در خود حبس نکنند حتی زمانی که مشغول بازی یا کاری هستند. آن‌ها را عادت دهیم که هر شب پیش از خواب به دستشویی بروند و خود را راحت کنند در نیمه شب‌های دراز زمستان اگر برای والدین میسر و از خواب کودک حدود چهار ساعت گذشته بود او را از خواب بیدار کنند و به دستشویی هدایت کنند. حبس ادرار علاوه بر ضرر و زیان برای سلامت تن در مواردی سبب تحریک آلت تناسلی، بیداری، احساس لذت جنسی و در نتیجه کشف منبع لذت می‌شود که برای کودک صدمه آفرین است. همچنین از توقف بسیار کودک در دستشویی باید جلوگیری کرد. کودک نباید ادرار خود را نگهدارد زیرا در این حالت عضلات اطراف آلت تناسلی را منقبض نموده موجب لذت او می‌شود. کودکان را از خردسالی پس از عمل دفع باید به خوبی شستشو داد، اگر این کار به خوبی صورت نگیرد سبب بروز خارش می‌شود و این امر سبب کشف منبع لذت جنسی و برای کودکان پایه گذار برخی از انحرافات مثل خودارضایی است. والدین از سنین حدود چهار سالگی باید تدریجاً به کودک خود شستشو را بیاموزند. توصیه شده کودک هر شب یا لاقلاً هر دو شب یکبار قبل از خواب با آب ولرم استحمام کند، این اقدام برای تحقق بهداشت و سلامت اعصاب و آرامش روان او موثر و اثر آن در مرحله بلوغ و نوجوانی آشکارتر می‌شود.

۳- پاسخ دادن به پرسش‌های جنسی کودکان

برای کودک درباره مسائل جنسی، سؤالاتی مطرح است که می‌خواهد جواب درست همه آن‌ها را پیدا کند. با توجه به مسائلی چون: رشد سنی کودکان، آگاهی از تولدهای پیاپی و اطلاع از رفت و آمدهای مادران به بیمارستان، مشاهده نوزادها و جلب توجه همه به آنان و به مادرانشان در دوره پس از زایمان و میزان شکوفایی حس کنجکاوی کودکان، سؤالاتشان در زمینه مسائل جنسی، متفاوت و متنوع است. نمونه‌هایی از این سؤالات، عبارت‌اند از: بچه از کجا آمده است؟ چطور خداوند، این نوزاد را به ما داد؟ چگونه بچه از شکم مادر بیرون می‌آید؟ چرا بچه با من تفاوت دارد؟ آلت تناسلی دختر و پسر، چرا شبیه هم نیستند؟

بعضی از پدران و مادران، از پاسخ دادن به این سؤالات، طفره می‌روند و پرده پوشی می‌کنند و با تعبیری چون: این پرسش‌ها به تو نیامده! بزرگ می‌شوی، خودت می‌فهمی! بعداً برایت می‌گویم، بچه‌ها را ساکت می‌کنند و بعضی‌ها هم جواب‌های نادرست و خلاف واقع می‌دهند، مثل اینکه گفته می‌شود: خدا این بچه را از آسمان برای ما فرستاده یا از بیمارستان خریدیم! کودک، معمولاً می‌فهمد که این پاسخ‌ها، جواب درست سؤالات او نیستند و پدر و مادر، دارند او را فریب می‌دهند. به نظر می‌رسد که باید در سطح فهم کودکان، سؤالات آن‌ها در مسائل جنسی، پاسخ داده شود و از پرده پوشی و پاسخ‌های خلاف واقع پرهیز گردد؛ زیرا عوارض فراوانی دارد، از جمله، ممکن است آن‌ها به دوستان و یا منابعی غیرمطمئن روی آورند که چه بسا زمینه انحرافات جنسی را در آنان موجب می‌گردد. [35] نکات قابل توجه در اصول پاسخگویی به پرسش‌های کودکان عبارت‌اند از:

الف- در پاسخگویی به پرسش‌های جنسی کودکان، صراحت و شفافیت، تا حدی باید باشد که ابهام‌های ذهنی آن‌ها رفع شود.

ب- پاسخ‌ها نباید به هیچ وجه، تحریک‌کننده باشند.

ج- در مواردی که یکی از والدین، توانایی پاسخگویی بهتری دارد، کودک به او ارجاع داده شود.

د- حجب و حیا باید رعایت شود و در پاسخگویی، از پرده‌دری اجتناب گردد.

ه- از برخورد هیجانی یا نفرت‌انگیز با کودک، دوری شود. بعضی از والدین، به دلیل حجب و حیا یا موانع فرهنگی، هنگامی که کودکانشان چنین سؤال‌هایی را از آن‌ها می‌پرسند، دستپاچه و

شرمگین میشوند، می‌خندند و یا عصبانی میشوند. این برخوردها کنجکاوی کودک را بیشتر تحریک میکند؛ زیرا احساس میکند که وارد منطقه ممنوعه شده و حالا تا دیگر پرسش‌هایش تفاوتی ندارد و از کنجکاوی بیش از حد، اجتناب میکند.

و- جواب‌ها باید به قدر کفایت و قانع‌کننده باشند و با اینکه بهتر است در پاسخ دادن به این سؤالات، از بیان اضافی و شرح و تفصیل بی‌مورد، خودداری کرد، اما باید در نظر داشت که پاسخ باید قانع‌کننده نیز باشد؛ زیرا اگر کودک، قانع نشود و پاسخ پرسش خود را به دست نیاورد، باز هم این سؤال را در ذهن می‌پروراند و ناچار است به منابع نامطمئن مراجعه کند تا پاسخ خود را بیابد.

ز- در پاسخ دادن به رشد سنی و سطح فهم کودک، باید توجه شود. کودک، در هر سنی، توانایی محدودی برای درک مفاهیم دارد که با گذران دوران رشد، این تواناییها هم بیشتر میشوند. لذا والدین باید توجه داشته باشند که پاسخی مناسب، با سن و درک کودک ارائه دهند. مسلماً پاسخی که به يك کودک سه ساله داده میشود، باید با پاسخی که به کودک ده ساله داده میشود، متفاوت باشد.

لازم به توجه است که لزوم آموزش جنسی کودکان و پاسخ دادن درست به آنان، به این معنا نیست که والدین یا دیگر بزرگسالان، مجاز هستند که هر نوع سخنی را در حضور کودکان بیان کنند؛ بلکه باید سعی کنند تا حد ممکن، از برانگیختن حس کنجکاوی آن‌ها یا ایجاد سؤال در ذهنشان خودداری کنند؛ اما اگر کودکان، خود، سؤالی پرسیدند، باید به سؤالات آن‌ها بر اساس اصولی که بیان شد، پاسخ داد.

۴. پرورش فضایل اخلاقی

یکی از بهترین راه‌های غیر مستقیم تربیت جنسی، آموزش فضایل اخلاقی و پرورش آن در روح و روان اوست تا از این طریق، این فضایل، با شخصیت او عجین شود؛ زیرا انسانی که از نوجوانی، با فضایل اخلاقی رشد کند، در برابر رذایل اخلاقی، به خوبی مقاومت میکند. فضایی که با بحث تربیت جنسی، در ارتباط اند و پرورش آن‌ها در حفظ نوجوان از انحرافات و بی‌بندوباری اهمیت دارد، عبارت‌اند از: حیا، عفت و غیرت.

۱. حیا

یکی از فضایل اخلاقی بسیار مهمی که در بعضی روایات، هم ردیف با دین معرفی شده، «حیا» است. حیا عبارت است از خودداری نفس از زشتیها و این از خصلت‌های انسان است و در بچه‌ها اولین چیزی که از قوه فهم آن‌ها آشکار میشود حیا است و خداوند آن را در انسان قرار داده تا کناره‌گیری کند از زشتیهای که نفس انسان را به سوی آن میکشاند تا مانند حیوان نشود. حیا مرکب از ترس و عفت است از این رو نه با حیا فاسق است و نه فاسق با حیا، زیرا حیا و فسق با هم جمع نمیشوند [36] روانشناسان تربیت جنسی، ضمن تأکید بر تربیت جنسی در محیط خانواده، از طریق ایجاد حیا در دختران و پسران، در مورد اهمیت پرورش این خصلت در فرزندان مینویسند: حیا، ویژگی مهمی از سیمای اخلاقی انسان و مهارت نگهداری خویشتن در اجتماع، به صورت شایسته و تواضع و خودداری و تحمل است. حیا، پایه عفت و پاکدامنی است. حیا در گفتار و رفتار و کردار و در طرز لباس پوشیدن انسان ظاهر میشود. پرورش این ویژگی مهم را باید خیلی پیشتر شروع کرد. برای این منظور، لازم است که شرایط مساعدی را در خانواده به وجود آورد. با تشکیل صفت حیا، احساس عمیق احترام و عفت در برخورد با جنس مخالف، آغاز میگردد. حیا، باقی مانده بربریت نیست؛ بلکه پر از ارزش و تمدن است.

در برخی از احادیث حیا را تمام دین یا کلید هر نیکی معرفی کرده‌اند زیرا حیا محدوده وسیعی

را در برمیگیرد و انسان را از ارتکاب هر عمل زشت و ناپسندی باز میدارد که یکی از آن‌ها روابط شهوانی خارج از محدوده شرع است. امام علی (ع) حیا را کنترل کننده و بازدارنده انسان از ارتکاب زشتیها دانسته و میفرماید: من کساه الحیاء ثوبه لم یر الناس عیبه هر کس لباس حیا بپوشید مردم عیب او را نمیبینند. [37] در برنامه تربیت کودک پدران و مادران عاقل موظفند اطفال خود را طوری پرورش دهند که از طرفی دارای شرم و حیای عاقلانه باشند، یعنی پررو و بی حیا تربیت نشوند. قبح گناه و تنفر مردم را از گناهکار به آنان بفهمانند و بوسیله این خوی پسندیده آن‌ها را از گناهکاری و قانون شکنی بازدارند و از طرف دیگر مراقبت کنند که فرزندان آن‌ها دچار بیماری ضعف نفس و حیای احمقانه نگردند و در نتیجه کم رو و خجالتی با نیایند. [38]

۲. عفت

دومین فضیلت اخلاقیای که با تربیت جنسی ارتباط دارد و والدین باید آن را در نوجوان خود پرورش دهند، «عفت» است. عفت (پاکدامنی) حالت نفسانی است که انسان را از غلبه شهوت باز میدارد و عقیف، یعنی خود نگهدار و با مناعت. [39] در بسیاری از روایات عفت به معنای "ترك محرمت جنسی" آمده است و به کسی عقیف میگویند که پاکدامن باشد [40] امام علی (ع) فرمود «**اهل العفاف اشرف الاشراف؛** خویشتن‌داران جنسی با شرافت‌ترین افراد شریف هستند. [41] بنابراین والدین موظف هستند عفت را در کودکان خود پرورش دهند. امام باقر (ع) هم میفرماید: «**ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن و فرج؛** خداوند به چیزی برتر از خویشتن داری شکم و دامن، پرستش نشده است.» [42]

برای ایجاد پاکدامنی در مقطع نوجوانی باید به راه کارهای زیر توجه شود:

۱- نمایش عفت در عمل: به عنوان یکی از مهمترین روش‌های پرورش عفت در نوجوان، بدین صورت است که والدین، اقوام و بزرگترها، عفت را در عمل خودشان آشکار سازند و نوجوان، از خودکنترلی و خویشتنداری آنان در برابر امور شهوی و جنسی، "الگوگیری" نماید. امام صادق (ع) فرمود: «**عفوا عن نساء الناس تعف نساؤکم؛** در برخورد با زنان مردم عقیف باشید، زنان و دختران شما هم پاکدامن میشوند.» [43]

۲- آشنا ساختن نوجوان، با آثار ارزشمند عفت که با ویژگیهای دوره نوجوانی، هماهنگ است، انگیزه او را برای خویشتنداری از شهوات، (بویژه شهوت جنسی) افزایش میدهد. در «آموزش» های معصومان علیهم السلام از این شیوه تربیتی برای پرورش عفت استفاده شده است.

۳- یکی دیگر از راه‌های پرورش عفاف، «تقویت حیا» در فرد دانسته شده است. با رشد حیا در فرد و باور به زشتی فعالیت‌های انحرافی و گناه و حساس شدن نسبت به رفتارهای قبیح، زمینه برای کنترل رفتارهای نابهنجار جنسی، فراهم میگردد. از این روست که امام علی علیه السلام میفرماید: «**علی قدر الحیاء تکون العفه؛** به میزان رشد حیا در فرد پاکدامنی در او افزایش مییابد» [44]

۳. غیرت

سومین فضیلت اخلاقیای که در امر تربیت جنسی در دوره نوجوانی، اهمیت ویژه ای دارد، «غیرت» است. پرورش غیرت در نوجوان، باعث میشود که پسر، نسبت به دختران، با نگاهی شهوی نگاه نکند و با افرادی که به دختران (بویژه نزدیکان او) نگاه شهوتی دارند، برخورد کند. دختر نیز نسبت به پسرانی که نامزد او نیستند و با او ازدواج نکرده اند، نگاه و میل شهوتی نداشته باشد و بدینگونه، غیرت، میتواند دختران و پسران نوجوان را از بسیاری رفتارهای نابهنجار جنسی باز دارد. برای پرورش غیرت در نوجوان باید از همان روش‌های پرورش حیا و عفت، بهره جست و ضمن الگوی غیرتمند بودن والدین و بزرگترها و تقویت حیا و عفت و فضایل اخلاقی دیگر، پیامدهای صفت غیرت و غیرتمندی، از بازدارندگی آن از بروز فحشا و منکرات و

اینکه فرد غیرتمند، علاوه بر عدل، به وظیفه و بهره‌مندیش از رحمت بی‌پایان الهی در آخرت، محبوب خدا می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها:

- [1] کرکندال، لستر، آموزش جنسی اطفال . ترجمه محمد جلالی، تهران: انتشارات فرانکلین، ص ۳.
- [2] کوچتکف، ودولاپیک، و، م، روانشناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ترجمه ی محمد تقی زاد، تهران: بنیاد، ص ۶.
- [3] مطهری، مرتضی (بی تا). اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران: صدرا، ص ۱۹.
- [4] بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان. بی جا: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱، ۳۷۰ ص ۳۶۵.
- [5] کدخدا، حسین، ابراهیم پور، مهسا، بررسی نقش آموزش و پرورش و لزوم آماده سازی معلمان در تربیت جنسی کودکان دبستانی، مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، ۱۳۹۴، ص. 260
- [6] مزیدی، محمد، خدمتیان، محمد، ارائه الگوی تربیت جنسی با تکیه بر دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان، تربیت اسلامی، شماره ۲۵، ص ۱۷۰.
- [7] علم الهدی، جمیله، اهداف تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹.
- [8] ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳، ص ۲۵.
- [9] اسراء/۷۰.
- [10] تین /۴.
- [11] غزالی، ابوحامد، کیمیای سعادت. به کوشش حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، بی تا، جلد یکم، ص ۳۰۷.
- [12] فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی، مبانی اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث. قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۸، ص ۲۶.
- [13] همان، ص ۲۹.
- [14] علی، قائمی، خانواده و مسائل جنسی کودکان، تهران، انتشارات انجمن و اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷.
- [15] سلحشور، ماندانا، خانواده و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، جلد اول، تهران: انتشارات آثاربرتر، ۱۳۸۷، ص ۳۷.
- [16] کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، جلد پنجم، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۹۴.
- [17] کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷. ق، جلد پنجم، ص ۵۰۰.
- [18] فخررازی، محمدبن عمر، تفسیرکبیر، مصر: میدان جامع الازهر، ۳۵۷۵۱. ق، جلد ۲۴، ص ۲۹.
- [19] نور/۵۸-۵۹.
- [20] شادی، احمد، انحرافات جنسی جوانان . بی جا، ۱۳۸۲، ص ۸.
- [21] ماوردی، علی بن محمد، النکتوالعیون، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا، ج ۱۹، ص ۲۱۴.
- [22] همان، ص ۱۲۰.
- [23] زمخشری، محمودبن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاویل. مصرشرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البالی الحلی و اولاده، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۵۳.
- [24] ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب . بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۵۱۴۰۸. ق، ج ۹، ص ۴۷۰.
- [25] کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، جلد پنجم، تهران: انتشارات دارالحدیث، ۵۱۴۲۹. ق، ص ۵۲۸.
- [26] مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، تهران: المکتبه‌الاسلامیه، ۰۳۵۴۱. ق، ج ۷۶، ص ۷۷.

- [27] حرعاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعة، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت، ۵۱۴۰۹. ق، ج ۲، ص ۵۶.
- [28] دهنوی، حسین، نسیم مهر ۲. جلد دوم، قم: انتشارات خادم‌الرضا (ع)، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸.
- [29] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۵۱۴۰۳. ق، ج ۱۰۴، ص ۹۶، ح ۵۱.
- [30] حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه. بیروت: مؤسسه آل‌البیت (ع)، بی تا، ج ۲۰، ص ۲۳۱.
- [31] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد پنجم، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۴۷.
- [32] مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۵۱۴۰۳. ق، جلد ۱۰۰، ص ۲۹۵.
- [33] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۵۱۴۱۴. ق، ص ۳۱۱.
- [34] دهنوی، حسین، نسیم مهر ۲. جلد دوم، قم: انتشارات خادم‌الرضا (ع)، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷.
- [35] فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی، مبانی اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث. قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۸، ص ۱۲۸.
- [36] ثابت، حافظ، تربیت جنسی در اسلام، جلد هفتم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۱، ص ۶۱۰.
- [37] آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم. قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۴.
- [38] فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت. قم: دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۵.
- [39] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بیتا، ج ۵، ص ۱۸، ۱۹.
- [40] گیلانی نیا، رقیه، شیوه‌شناسی تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی. جلد هیجدهم، ۱۳۹۴، ص ۴۱.
- [41] محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ هشتم، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۷، ص ۲۸۲.
- [42] حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، بیروت: مؤسسه آل‌البیت (ع)، بیتا، ج ۱۵، ص ۲۴۹.
- [43] کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، جلد پنجم، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۵۵۳.
- [44] محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ هشتم، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۲۸۲۲، ح ۱۳۱۲۳.

تربیت جنسی دختران و زنان

اگر تفاوت جنسیتی را در نوع تربیت جنسی مورد توجه قرار دهیم، تربیت جنسی زنان به دلایل مختلف از اهمیت بیشتری برخوردار است:

اول اینکه زنان، هم به دلیل خصوصیات مادرانه و هم به دلیل وسعت وقتی که با فرزندان سپری می‌کنند نفوذ تربیتی بیشتری بر روی فرزندان دارند.

دوم اینکه قدرت بیشتری در تنظیم رفتار جنسی مردان دارند و این موهبتی است که خداوند در آنان قرار داده است.

سوم اینکه در جهان کنونی از وجود گزینه جنیس در زنان بیشتر بهره‌رسانی و اقتصادی برده شده است (در حالی که خود زنان متضرر شده‌اند) و از زنان به عنوان اهرمی برای فروش و

تبلیغ کالاهای مختلف استفاده می‌شود. همچنین در حوزه سیاست از وجود زنان، هم در نفوذ سیاسی و هم در فشار سیاسی استفاده شده است. مسائلی همچون آزادی زنان، حقوق زنان و... از این دست هستند.

چهارم اینکه به دلیل آنکه بلوغ در دختران زودتر از پسران اتفاق می‌افتد و از نظر جسمانی و عاطفی ظریف‌تر از پسران هستند، از این رو، نیاز بیشتری به این جنبه از تربیت دارند تا دچار لطمه و انحراف نشوند.

انوشه و همکاران (1383)، در تحقیق خود نشان داده‌اند عواملی مانند: وجود شرم و خجالت در بین دختران، مادران و مربیان، کوتاهی مادران و مربیان، فقدان برنامه مناسب آموزش بلوغ در مدارس، کم‌اطلاعی و شناخت ناکافی دختران، مادران و مربیان بهداشت مدارس از پدیده بلوغ، سبب شده است تا والدین و مربیان به تربیت جنسی کودکان (بخصوص دختران) توجه کافی نداشته باشند...

«زن» تعریفی به ظاهر مشخص و معین دارد، اما لازم است با توجه به منابع موجود اسلامی تصویری از زن ارائه شود که به تحقق اهداف این نوشتار کمک کند.

قرآن تعابیر جالب، کوتاه و پرمعنایی را در مورد زنان به کار برده است؛ از جمله در آیه 189 سوره مبارکه «اعراف» و آیه 21 سوره مبارکه «روم»، خداوند از زن به عنوان مایه آرامش یاد کرده است. در آیه 187 سوره مبارکه «بقره» از زنان به عنوان پوشش و لباس برای مردان و بعکس یاد شده است. در آیه 223 همین سوره از زنان به عنوان کشتزار یاد شده است که تعبیر بسیار زیبا و پرمعنایی است.

در حدیثی، امام صادق علیه السلام درباره زنان می‌فرماید: «زنان آفریده شدند تا برای مردان آرامش بخش و مایه انس گردند.» (حر عاملی، 1393 ق، ج 20، ص 350) و در حدیثی دیگر، می‌فرماید: «زن اعم از اینکه بد باشد یا خوب، قابل قیمت گذاری نیست. زنان خوب را با طلا و نقره نمی‌توان سنجید؛ چون ارزش آنها بسیار بیش از طلا و نقره است و زنان بد را با مشتی از خاک هم نمی‌توان مقایسه کرد؛ زیرا خاک از آنها بسیار بهتر است.» (همان، ج 14، ص 28) همچنین، امام صادق علیه السلام دختران را این‌گونه توصیف کرده‌اند: «دخترها نیکی هستند و پسرها نعمت. پس به درستی که خداوند بر نیکی‌ها پاداش می‌دهد و از نعمت‌ها سؤال می‌کند.» (کلینی، ج 6، ص 6) حضرت امام خمینی نیز در اهمیت زنان این‌طور فرموده‌اند: «صلاح و فساد يك جامعه از صلاح و فساد زنان سرچشمه می‌گیرد. زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی را به جامعه تحویل دهد که از برکاتش نه يك جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند و می‌تواند برعکس آن باشد.» (هاشمی رکاوندی، 1372)

حال به نظر نگارندگان این مقاله، دوره‌های اصلی تربیت جنسی عبارتند از:

- 1- دوران پیش از بلوغ (تولد تا 9-12 سالگی)؛
- 2- دوران بلوغ 12 سالگی تا پیش از ازدواج؛
- 3- دوران متأهلی (ازدواج، بارداری، همسررداری و فرزندپروری)؛
- 4- دوران یائسگی و پیری.

1- دوران پیش از بلوغ (تولد تا 9-12 سالگی)

گرچه امر تربیت از پیش از تولد آغاز می‌شود و اختصاص به وجود عینی کودک در کنار والدین ندارد (و اموری مانند غذایی که پدر و مادر استفاده می‌کنند، شرایط در زمان انعقاد نطفه، و نوع نگرش به بارداری و رفتار مادران در زمان بارداری و... در این مقوله تأثیر گذارند)، اما به واسطه

اینکه هنوز جنسیتی مطرح نیست، به تربیت جنسی در بعد از تولد پرداخته می‌شود. الف. دوران نوزادی و طفولیت (تولد تا دو سالگی)

گام اول در تربیت جنسی با انتخاب اسم آغاز می‌شود. انتخاب اسم گرچه باید در زمان قبل از تولد انجام گرفته باشد، اما پس از تولد معمولاً قطعی می‌شود. به دلیل آنکه اسم در طول زندگی ثابت می‌ماند، در انتخاب آن باید نهایت دقت را انجام داد؛ زیرا به واقع، اسم در انسان تأثیر زیادی می‌گذارد و چه بسا سبب تغییر هویت و الگوی رفتاری کودک در بزرگسالی شود که مقوله هویت جنسی نیز از این امر مستثنا نیست. «نام نیکو می‌تواند مؤید و کمکی برای سعادت‌مندی باشد.» (کاظمی، 1382، ص 58) در این دوران نمی‌توان گفت که کودکان از نظر جنسی تحریک می‌شوند، اما در صورت ناآرامی و گریه با تحریک ناحیه تناسلی آرام می‌شوند. (بخشایش، 1379، ص 82) کودک در این سنین آگاهی چندانی نسبت به جنسیت خود ندارد. آنچه برای دختران در این سنین از اهمیت زیادی دارد نظافت ناحیه تناسلی است؛ زیرا مکانیسم دفع کودک در این دوران غیر ارادی است. همچنین آموزش صحیح استفاده از توالت باید در این زمان شروع شود.

ب. دوران پیش دبستانی

این دوره، سنین 3 تا 6 سالگی را در برمی‌گیرد. در این دوره، کودک بسیاری از باید‌ها و نبایدها را از طریق امر و نهی والدین یاد می‌گیرد و خود را به ارزش‌ها مقید می‌کند؛ زیرا کودک در این سن با والد هم‌جنس خود همانندسازی می‌کند و گفته می‌شود که مهربانی و محبت والدین این عمل را تشدید می‌کند. (همان، ص 84-85) پرورش حیا در این سن با توجه به خصوصیت گفته شده بسیار حیاتی است. کودک در این سن باید با ناحیه خصوصی بدن خود آشنا شود و یاد بگیرد که در مقابل درخواست دیگران مبنی بر نشان دادن این نقاط مقاومت کند. بهترین زمان پرورش حیا همین سنین است و نقش پدر و مادر در این باره اساسی است. این کار با پوشیدگی والدین بخصوص مادر، و گفت‌وگوی کودکانه در این رابطه به خوبی قابل انجام است. باید دانست که سهل‌انگاری در این مورد تبعات بدی را در آینده بخصوص زمان بلوغ برای دختران دارد. «اغلب بزرگ‌ترها در این باره نمی‌اندیشند که چرا دختر جوان آنها فاقد کم‌رویی و حیا است؟» (کوچتکوف و لاپیک، 1373، ص 34) کار پرورش حیا امری مداوم است و باید متناسب با سن دختران تکامل یابد. خداوند در آیه 25 سوره «قصص»، بیان می‌دارد که دختر شعیب علیه السلام در هنگام راه رفتن بسیار باحیا در برابر دیگران و در خارج از منزل رفتار می‌کرد. تحقیقات نشان می‌دهد که تمایز جنسی کودکان در سن سه سالگی شروع می‌شود. (فقیهی، 1387، ص 109) پس نباید در این سنین در نزد کودکان اعمالی مانند نزدیکی کردن با همسر، برهنگی تن والدین و کودکان و... که پرورش حیا را متأثر می‌سازد انجام داد. امری مانند اجازه گرفتن برای وارد شدن به اتاق والدین در زمان‌های مشخص، که در آیه‌های 58 و 59 سوره مبارکه «نور» آمده است، بر این امر مهم دلالت دارد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به (سن) بلوغ نرسیده‌اند سه بار (در شبانه روز) از شما کسب اجازه کنند؛ پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان.» همچنین احادیث فراوانی تأکید می‌کنند که اعمال منافی حیا در این سنین، بخصوص در سن شش سالگی، کار پرورش حیا را مختل می‌سازد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وقتی دختر بچه‌ای به شش سالگی رسید، جایز نیست که مرد نامحرمی او را بیوسد و یا او را فشار دهد.» (حر عاملی، 1393 ق، ج 20، ص 231) در این سن، دختران باید به بازی‌هایی مطابق با جنسیتشان، و همچنین بازی با هم‌جنس خود (دختران) تشویق شوند. به علاوه، کودک باید اموری را که والدین قبلاً برای بهداشت اندامش به ویژه

جوارح تناسلی انجام می‌دادند با کمک و تحت نظارت والدین انجام دهد. به بیان دیگر، بسیاری از رفتارها را فرد باید تقریباً در تمام طول عمر خود در ارتباط با تربیت جنسی انجام دهد؛ مانند بهداشت اعضای تناسلی و رعایت حیا. به عقیده نتینگ و بارنت [1] (2004)، در این سنین فعالیت جنسی هرگونه که باشد، می‌تواند موجب تضاد شود؛ زیرا از یک سو، این فعالیت موجب احساس لذت می‌شود و از سوی دیگر، ترس از تنبیه و سرزنش والدین، اضطراب را در کودک به وجود می‌آورد.

ج. دوران دبستان (هفت سالگی تا دوازده سالگی)

چون کودک در این دوران به مدرسه قدم می‌گذارد و محیط وسیع‌تر و افراد بیشتری را تجربه می‌کند. دوران مهمی است. کودکان، بخصوص دختران، در این دوران علاوه بر والدین، به معلمان و دوستان هم سن خود نیز وابستگی پیدا می‌کنند و از آنان نیز تأثیر می‌پذیرند. باتوجه به اینکه این دوران، معمولاً دوران پیش از بلوغ بسیاری از دختران است، تلاش مدرسه، معلمان و والدین باید هماهنگ و مرتبط باشد تا دختران آمادگی لازم برای ورود به دوران پرتلاطم بلوغ را پیدا کنند و اطلاعات لازم را در این زمینه کسب کنند. اطلاع از اموری مانند اطلاع از چرخه حیات و تولیدمثل در گیاهان و سپس جانوران، اطلاع از احکام وضو و غسل و تیمم و نماز، آشنایی ابتدایی با بلوغ و تغییرات آن، تشویق مدرسه به پرورش حیا، حجاب، پذیرش جنسیت و خشنودی جنسیتی، و پایبندی به احکام اسلامی در خانه و مدرسه و همچنین ایجاد ارتباط بین خانه و مدرسه در این زمینه ضروری است. اهمیت تربیت جنسی در مدارس بدین سبب است که مطالب مربوط در یک قالب کلی و بدون مخاطبی خاص بیان می‌شود که بسیاری از مشکلات طرح این‌گونه مسائل را حل می‌کند. یک روش مناسب برای اطلاع‌رسانی به کودکان در زمینه‌های فوق، تهیه کتاب‌های مناسب و در دسترس قرار دادن آنها به کودکان، بخصوص در اواخر این دوره است. هرچند که تربیت جنسی در مدرسه یک روند جمعی و عمومی دارد، اما در مورد کودکانی که دچار مشکلاتی از جمله بلوغ زودرس هستند باید مداخلات و کمک‌های انفرادی صورت پذیرد.

«در این دوران، همانندسازی کودک گسترش پیدا می‌کند و جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی راحت‌تر پذیرفته و درک می‌شود.» (بخشایش، 1379، ص 87) بنابر حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امور دختران باید بر عهدهٔ مادران سپرده شود؛ یعنی هر قدر بر دامنه سن و تفاوت‌های جنسیتی افزوده می‌شود، امور مربوط به دختران باید توسط مادران پیگیری و رفع و رجوع گردد و در صورت غیبت مادر به دلایل مختلف از جمله بیماری، طلاق و یا فوت، این وظیفه باید توسط زن نزدیک دیگری از جمله خواهر بزرگ‌تر، عمه، خاله و یا حتی مربی و معلم مدارس انجام پذیرد. در این دوران، باید بستر کودکان از والدین و کودکان پسر و دختر از یکدیگر جدا شود. پیامبر صلی الله علیه و آله در این رابطه می‌فرماید: «رختخواب کودکان را از هم جدا کنید هنگامی که سن آنها از هفت سالگی می‌گذرد.» (همان، ص 122) متأسفانه زندگی در آپارتمان‌های کوچک که اتاق کافی برای افراد خانواده ندارند از معضلاتی است که خطر جدی برای سلامت جنسی خانواده و کودکان ایجاد می‌کند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که ممکن است در خلال این مرحله (سه تا دوازده سالگی) سؤالاتی برای کودکان مطرح شود که در این مورد، دو نکته اساسی را باید رعایت کرد: اول اینکه زمینه طرح سؤال را برای کودکان نبندیم. به عبارت دیگر، در صورت بروز سؤال برای کودکان، آنها بتوانند به راحتی و بدون هیچ محدودیتی از والدین (بخصوص سؤال دختران از مادران)، به عنوان بهترین منبع پاسخ‌گویی به سؤالاتشان استفاده کنند. والدین باید با ایجاد یک رابطه معقول و منطقی بستر این امر را مهیا کنند. دوم اینکه پاسخ‌ها باید روشن و شفاف و در

سطح کودکان باشد و در عین حال، از پرده دری اجتناب شود. برای این مورد لازم است والدین، بخصوص مادران، خود را از قبل برای سؤالات احتمالی در زمینه جنسی آماده کنند و یک گام جلوتر از کودکان باشند تا در این زمینه موفق عمل کنند.

هکما [2] (2004) معتقد است: والدین به علت مسائل اخلاقی، به تربیت جنسی فرزندان خود توجه مطلوبی نداشته و فرزندان اطلاعات جنسی خود را از طریق تجربیات خود و یا دوستان کسب می‌کنند. برخی مربیان مدارس نیز، کنجکاوی در مسائل مذکور را حرکتی زشت به حساب آورده و حاضر به پاسخ‌گویی در این زمینه نیستند. از این رو، نوجوانان به سختی درگیر تفکرات شخصی خود شده و دچار احساس یأس و سردرگمی می‌شوند.

در پایان این مرحله، دختران باید اطلاعات کافی در مورد بلوغ را کسب کرده و آمادگی ورود به بلوغ را داشته باشند. مسئله مهم دیگر که تنها خاص این مرحله نیست، پیراستن محیط از ابزارهای تحریک‌کننده جنسی است؛ مانند سی‌دی‌های رقص و فیلم‌های مستهجن، عکس و پوسته‌های نیمه برهنه، و نیز پرهیز از حضور در محیط‌هایی که در آن گفتارها و رفتارها غیر دینی است؛ مانند مشروب‌فروشی، مهمانی‌های شبانه و مراکز فساد (که خوشبختانه در ایران وجود ندارد) تماشای محیط مختلط که در آن افراد، بسیاری از اعمال منافی عفت را بی‌محابا و با افتخار در ملأ عام انجام می‌دهند آرامش نوجوان را مختل کرده و او را به تباهی می‌کشاند. خطر دیگری که کودک و نوجوان را تهدید می‌کند این است که توسط دیگران مورد آزار و سوء استفاده جنسی قرار بگیرد که بحران حاصل از آن به سختی قابل جبران است. والدین، مسئولان مدرسه و جامعه باید فضای امنی را ایجاد کنند و برای متجاوزان اشد مجازات اعمال گردد.

مرحله بلوغ تا ازدواج (دوازده سالگی تا ازدواج)

مرحله دوم به سبب عواملی همچون میل به استقلال، سرکشی و طغیان افراد، شکنندگی سریع، تغییرات سریع در رشد بدن و عوامل دیگری که در بلوغ اتفاق می‌افتد، مرحله حساسی است. «نوجوانان در این سنین نه از مزایای کودکی برخوردارند و نه از امتیازات بزرگسالی. تصور می‌کنند که همه چیز را می‌دانند، اما چیز زیادی نمی‌دانند. در رؤیا و تخیل زندگی می‌کنند، اما با واقعیت روبه‌رو هستند و برای دست‌یابی به هویت و رسیدن به استقلال تلاش می‌کنند.» (حسینی، 1389، ص 92) موفقیت در تربیت جنسی تا حد زیادی بستگی به این دارد که فرد در چه شرایطی بلوغ را آغاز کرده باشد و میزان آمادگی و اطلاعات او در این زمینه چقدر کافی و درست باشد. واندرماسن (2004) بیان می‌کند که در سنین 13 تا 17 سالگی (نوجوانی) شور و اشتیاق نوجوانان برای کسب اطلاعات جنسی در اوج خود می‌باشد. بدین دلیل، چنانچه بتوان به نحو مؤثری با نوجوانان در این سنین برخورد کرد، درک بهتری از این غریزه و چگونگی کنترل و ارضای آن خواهند داشت. به نظر موریس دبس، «تغییرات بلوغ، به معنای اخص کلمه مستلزم تربیت جنسی است، ولی هنوز نه در خانواده و نه در مدرسه، به این جنبه از تربیت اهمیت کافی داده نمی‌شود. بنابراین، اگر مسئله جنسی را از لحاظ اهمیت در ردیف سایر فعالیت‌های انسانی قرار داده و آن را گناه‌نماشماریم، بسیاری از مشکلاتی که امروز وجود دارد از میان خواهد رفت.» (دبس، ترجمه کاردان، 1374، ص 100)

الف. اوایل بلوغ (شروع بلوغ تا دو سال بعد)

باتوجه به اینکه در زمان شروع بلوغ عوامل مختلفی از جمله ژنتیک، آب‌وهوا، عوامل تحریک‌آمیز محیطی و... دخالت دارند، نباید انتظار داشت که بلوغ در افراد و مناطق مختلف در یک زمان اتفاق بیفتد. «برای مثال، در زمانی که دختر حبشی توانسته اتس یکی دو فرزند بیاورد، دختر لاپونی در همان سن هنوز عادت ماهیانه ندیده است.» (فلسفی، 1342، ص 379) به نظر دبس،

«علل روحی از قبیل مطالعات یا تماشای مناظر شهوانی پیدایش اولین علامات قاعدگی را تسریع می‌نماید.» (به نقل از: فلسفی، 1342، ص 379) پس در گام اول، لازم است والدین محیط را از عواملی که باعث تحریک‌گریزه جنسی در فرزندان‌شان می‌شود پاک کنند تا رشد این‌گریزه بر اساس روال طبیعی و برنامه فطرت پیش‌رود. در اینجا باید دوباره تأکید شود که وقایع و خاطرات گذشته در بلوغ و نوع نگرش به آن تأثیرگذار است؛ پس تربیت جنسی یک عمل مداوم و زنجیروار است. «کودکی که از اول منحرف و بی‌عفت بار آمده است اصلاح اخلاق او در بزرگسالی بسی دشوار و مشکل است و چنین کودکی همواره در معرض پلیدی‌ها و فساد اخلاق است.» (همان، ص 383) در گام بعد، مادران باید در جوی مملو از صمیمیت و دوستی، پیش از شروع قاعدگی برای او، طبیعی بودن این امر را برای دخترشان توضیح دهند و به او تلقین نمایند که قاعدگی یک تحول در زندگی و توانایی است که به او امکان مادر شدن در آینده را می‌دهد و از حس مادری که در دختران از زمان کودکی وجود دارد در این باره کمک بگیرند. همچنین در چگونگی رعایت بهداشت و احکام مربوط به زمان قاعدگی باید اطلاعات مفیدی در اختیار آنان قرار دهند. نقش مدارس راهنمایی (دوره اول متوسطه) در این زمینه نیز پررنگ است و معلمان و مربیان می‌توانند با تهیه بروشورهای آموزشی و مطرح کردن مسائل مربوط به بلوغ، احکام و موارد مربوط به آن را بیان کنند. پرورش حیا و تشویق به رعایت حجاب نیز در این دوران باید ادامه پیدا کند و جنبه فریضی به خود گیرد. البته نوجوانان را باید با دلایل این امر آشنا کرد و تبعات ناشی از بی‌عفتی و بدحجابی را برای آنان تبیین نمود تا پذیرش آن به صورت آگاهانه و مشتاقانه باشد. آشنایی با جنبه‌های مختلف حجاب برای دختران ضروری است. دختران باید بدانند حضور در بعضی مجالس و مراوده نابجا با افراد نامحرم، حتی در صورت داشتن پوشش مناسب، نوعی بی‌حجابی است. از سوی دیگر، رعایت پوشش مناسب حتی در برابر محارم، ضروری است که عدم رعایت آن مشکلات عمیقی را در خانواده به وجود می‌آورد که حد نهایی آن زنا محارم است.

ب. اواسط بلوغ (دو تا چهار سال بعد از بلوغ)

بلوغ معمولا با ترس و نگرانی شروع می‌شود، با طغیان و سرکشی ادامه می‌یابد و با کسب ثبات و آرامش و آمادگی برای ازدواج پایان می‌پذیرد. در اواسط بلوغ، کسب هویت، از جمله هویت جنسی دغدغه اصلی نوجوانان است. «اریکسون این دوره (نوجوانی) را دوران کسب هویت نام‌گذاری کرده است. نوجوان در این سنین با سؤال اساسی «من کیستم؟» مواجه می‌شود. موفقیت فرد در این دوران در کسب هویت، سبب پیدایش تعهد (در پایان بلوغ) می‌گردد.» (بخشایش، 1379، ص 108-109) در این دوران، دختران می‌خواهند بفهمند که از لحاظ جنسیت و جنسی کیستند و چه وظایف، حقوق و محدودیت‌هایی دارند؟ آیا از نظر دیگران مطلوب ارزیابی می‌شوند؟ و چندین سؤال دیگر از این قبیل. «در این سنین، در مورد دختران که از پسران هم سن خود دو سال زودتر بالغ می‌شوند، پرورش فروتنی و لیاقت و سخت‌گیری عمیق نسبت به خود و جنس مخالف خیلی مهم است. در این زمان، طنازی و جذابیت و توجه به خود، در آنان تغییر می‌کند.» (فقیهی، 1387، ص 136) در این دوران، دختران ممکن است به دلیل آنکه کشتی در درون خود نسبت به جنس مخالف پیدا می‌کنند حالت مشابه کردن خود به جنس مخالف را پیش بگیرند که باید از این کار خودداری کنند و منع شوند حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «خدا لعنت کند مردانی را که خود را شبیه زنان می‌کنند و زنانی را که خود را شبیه مردان می‌سازند.» (حر عاملی، 1393، ق، ج 2، ص 221) همانندسازی با والدین در این دوران همچنان ادامه پیدا می‌کند و مطلوب ارزیابی کردن مادر و نقش آن توسط دختران، سهم بسزایی در موفقیت این امر دارد. مادران در این سنین نباید از هیچ کوششی در

برقراری رابطه صحیح و معقول دریغ کند. مشورت و درخواست نظر از دختران در امور مختلف می‌تواند در این زمینه مؤثر شود. مطابق با حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله کودکان در این سن (چهارده تا بیست و یک سالگی) حکم وزیر را برای پدر و مادر دارند و در امور مختلف باید نظر آنها را جویا شد که این امر، هم باعث رشد شخصیت آنها می‌شود و هم آنها را برای زندگی مستقل آماده می‌کند. آموزش فنون خانه‌داری به دختر ضروری است؛ زیرا شوهر آینده‌اش از او این انتظار را دارد.

نکته مهم دیگر، احترامی است که پدر برای همسر و دخترش قایل است و احترامی که مادر برای شوهرش، چه در زمان حضور او در خانه و چه در زمان عدم حضورش. وقتی دختر، رفتار مناسب پدر را با مادر و خودش ببیند، از دختر بودن خود لذت می‌برد و آن را عطیه‌ای الهی می‌بیند، برای زن شدن و مادر شدن ارزش قایل است و نسبت به آن اشتیاق دارد. در مقابل، وقتی رفتار مناسب مادر را با پدر می‌بیند یاد می‌گیرد که برای پسران هم احترام قایل باشد و از شوهرش اطاعت کند و بپذیرد که شوهر قیّم و سرپرست خانواده است (الرجال قوّامون علی النساء). در غیر صورت، از دختر بودنش متنفر می‌شود، نگاه خصمانه‌ای به پسران دارد، از زن شدن و مادر شدن می‌ترسد و از شوهرش به خوبی تمکین نمی‌کند. در این سنین، همچنین شیوه‌های کنترل‌گریزه جنسی باید به دختران آموزش داده شود که این امر از طریق کنترل نگاه، سوق دادن به امور معنوی، تشویق به کار و ورزش و موفقیت تحصیلی، پرهیز از مراوده‌های غیر ضروری با جنس مخالف و گوشزد کردن پیامدهای بی‌بندوباری جنسی میسر است. در آیه 31 سوره مبارکه «نور»، ضرورت حفظ نگاه اینچنین گوشزد شده است: «و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را (از هر نامحرمی) فرو بندند و پاک دامنی ورزند. . .» و در حدیثی، اما صادق علیه السلام می‌فرماید: «نگاه پی در پی، شهوت را در قلب می‌کارد و همین برای در فتنه افتادن بیننده کافی است» (حرّ عاملی، 1393 ق، ج 20، ص 192) همچنین در این سنین باید دختران را از تأثیر رفتار منافی حیا و عفت در برابر جنس مخالف آگاه کرد. خداوند در این زمینه، در قرآن کریم بیان می‌دارد: «ای پیامبر، به زنان مؤمنه بگو زینت خود را جز آنچه آشکارا و پیدا است در برابر مردان نامحرم ظاهر نکنند. . . و پاهای خود را به زمین نزنند طوری که زینتی که مخفی کرده‌اند معلوم شود.» (نور: 31) این نکته را باید به دختران یادآور شد که زیباپوشی با زیبانمایی و تن‌نمایی کاملاً متفاوت است. گاهی افراد با زیبانمایی و عشوهِ گری سعی در جذب دیگران دارند که نتیجه‌ای جز رسوایی خودشان ندارد. افراد بوالهوس در پی ارضای زودگذر و ناسالم‌گریزه جنسی خود هستند. دختران باید بیاموزند که دیگران باید به خاطر دانش، شخصیت، هنر، مهارت یا رفتاری که در دختران می‌بینند به آنها احترام بگذارند، نه به خاطر اینکه چون در رعایت حجابشان کاهلی می‌کنند.

در آغاز بلوغ و در ادامه آن، ممکن است مشکلات و بیماری‌هایی در ناحیه تناسلی دختران، به دلایل مختلف ایجاد شود که لازم است فوری پیگیری و درمان شود. مادر باید طوری با دخترش صمیمی باشد که دختر به محض نیاز به مشاوره، به او مراجعه کند. اگر فاصله سنی مادر و دختر خیلی زیاد باشد، خواهران بزرگ‌تر یا دختران فامیل باید نقش محرم را ایفا کنند. نکته مهم دیگر، فراهم کردن امکان گفت‌وگوی دختر با پسران فامیل در جمع‌هایی با حضور والدین و بزرگ‌ترهاست تا بدین صورت، دختر بتواند تصویر صحیحی از جنس مخالف بالغ کسب کند و کنجکاوی ذاتی خود را اطفأ نماید. در غیر این صورت، در خطر دوستی با پسران خیابانی و یا دوستی‌های اینترنتی قرار می‌گیرد. در دوران کودکی، بارها دختر با پسران فامیل هم بازی بوده و یا گفت‌وگو داشته است، اما در این زمان، احساس طرفین از گفت‌وگو و مراوده تحت الشعاع بلوغ قرار دارد. تحصیل، تهذیب و ورزش باید به ارکان برنامه دختران بالغ و به ویژه مجرد تبدیل شود.

(توصیه رهبر فرزانه انقلاب به جوانان)

ج. پایان بلوغ (چهار سال پس از بلوغ تا پایان بلوغ)

این دوران، بخصوص سال آخر آن، سالی است که افراد به ثبات می‌رسند و پدر و مادر می‌توانند ثبات را در فرزندان خود مشاهده کنند. دختران در این دوران باید از لحاظ روانی و مهارتی آمادگی لازم برای تشکیل زندگی را داشته باشند تا مصداق آیه شریفه قرآن «لتسکنوا الیها» مبنی بر آرامش یافتن مردان به وسیله آنان، قرار بگیرند. در این زمان، معمولاً رشد بدن و از جمله اندام‌های جنسی و تناسلی کند می‌شود و به اندازه بزرگسالی نزدیک می‌شود. «هورمون‌های استروژن و پروژسترون در زنان، باعث ایجاد ویژگی‌های جنسی ثانوی و آمادگی رحم برای بارداری می‌شود و دوره ماهیانه جنسی را تنظیم می‌کند.» (حائری روحانی، 1376، ص 180) در این سنین، دختران باید شروط اصلی برای ازدواج موفق (عافل بودن، بالغ بودن و رشید بودن) را کسب کرده باشند. خانواده، اطرافیان، مدرسه و دانشگاه و رسانه‌ها با تمهید فرصت‌هایی، دختران را به اندیشیدن درباره ازدواج و آماده شدن برای آن ترغیب نمایند. پایان بلوغ، مرحله است واسط بین نوجوانی و جوانی، و دغدغه اصلی فرد در این سنین، ازدواج و تشکیل خانواده است. در پایان این دوره لازم است از ظهور انحراف جنسی استشهائ جلوگیری نمود. «استشعاه دست مالی و رفتار مالشی زن با خود است که به انگیزه لذت جنسی صورت می‌گیرد.» (فقیهی، 1387، ص 303) البته انحرافات دیگری همچون همجنس‌گرایی، زنا و... نیز وجود دارد، اما شاید به اندازه استشهائ رواج نداشته باشد. قاعده کلی این است که هر رفتار جنسی خارج از ازدواج نادرست است و پیامدهای منفی برای فرد و اجتماع دارد. خداوند در این باره در قرآن کریم چنین می‌فرماید: «پس هر که فراتر از ازدواج مرد و زن، رفتار جنسی دیگری انجام دهد، پس اینان تجاوزگران حدود الهی اند.» (مؤمنون: 7)

بهترین کار و سفارش اسلام در رفع انحرافات جنسی، پیش‌گیری است نه ابتلا و سپس درمان. از حضرت سلیمان علیه السلام نقل شده است: غلبه کردن کسی که در هواهای نفسانی اش غرق شده، مشکل‌تر است از کسی که بخواهد به تنهایی شهری را فتح کند. (فقیهی، 1387، ص 387 به نقل از: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید) اموری مانند پرورش حیا، پرورش ایمان، دوری از انجام اعمال منافی عفت در نزد دختران، و تکرین فرزندان به منظور افزایش عزت نفس آنان، در زمینه پیش‌گیری بیان شده است. در این میان و در سنین بلوغ، پرورش عزت نفس دختران توسط والدین (بخصوص مادران) بسیار بااهمیت است. کسی که خودش را گرامی بدارد و جایگاه خودش را در آفرینش تشخیص دهد (خلیفة الهی) کمتر مرتکب گناه می‌شود. حضرت علی علیه السلام در حدیثی، اهمیت عزت نفس را این‌گونه بیان می‌کنند: «کسی که خودش را با کرامت و شریف بداند توجه به امیال و شهوات خارج از نیاز طبیعی را پستی و خواری تلقی می‌کند.» (نهج البلاغه، حکمت 449) باید در نظر داشت پرورش عزت نفس، و حس ارزشمندی در انسان‌ها (به ویژه نوجوانان) یک اصل اساسی است. در واقع، همان‌گونه که گلبول‌های سفید خون، انسان را در برابر ابتلا به انواع بیماری‌های جسمی، یاری می‌رساند، عزت نفس نیز به انسان در برابر بیماری‌های روحی مصونیت می‌بخشد و همان‌گونه که تخریب گلبول‌های سفید توسط بیماری‌های ایدز سبب می‌شود که جسم انسان مقاومت خود را در برابر بیماری‌های روحی-روانی می‌کند. بنابراین، پرورش عزت نفس و کمک به ایجاد حس ارزشمندی در نوجوانان بسیار بااهمیت است. گرچه گام اول و اساسی، پیش‌گیری است. اما در مواقعی که فرد به انحراف مبتلا شد، ابتدا باید زمینه انحراف را شناخت و سپس به درمان آن پرداخت. عوامل زیر می‌توانند در ایجاد انحراف دخیل باشند: رفتار ناشایست والدین و خانواده، وجود دوستان ناباب، وجود محرکات جنسی مانند فیلم‌های نامناسب که از ماهواره یا اینترنت قابل

رؤیت هستند. بلوتوث مستهجن، وجود بیماری‌ها در دستگاه تناسلی، و نداشتن تفریح و سرگرمی‌های سالم و . . .

گام بعدی، افزایش سطح ایمان و عزت نفس، و ایجاد زمینه‌های سالم برای فعالیت دختران نوجوان است. همچنین باید نوجوانان را با پیامدهای سوء رفتار جنسی آشنا ساخت و آنان را با توبه و مراحل آن به عنوان راهی برای برگشت و تبدیل سیئات به حسنات آشنا کرد. تمامی اقدامات برای رفع انحرافات جنسی می‌توانند جنبه اجتماعی، خانوادگی و فردی داشته باشند و همکاری فرد، خانواده و دولت در ایجاد بستر، چه برای پیش‌گیری و چه برای درمان، حیاتی است. چه بسا تلاش خانواده در بستر اجتماعی نامناسب بی نتیجه می‌ماند و چه بسا تلاش دولت در این زمینه با اهمال کاری فرد و خانواده بی ثمر می‌شود. البته عکس این موضوع نیز صادق است؛ یعنی ضعف يك عامل می‌تواند توسط عوامل دیگر پوشش داده شود. بر این اساس است که در هر شرایطی نباید از کوشش فردی، خانوادگی و حکومتی در این زمینه دست برداشت.

در پایان این مرحله، ذکر این نکته ضروری است که برخلاف آنچه عده‌ای با اهداف شوم و یا از روی نادانی در جامعه رواج می‌دهند، کنترل‌گریزه جنسی پیش از ازدواج سبب بیماری در جسم و روان نمی‌گردد و اگر تربیت جنسی، به صورت مداوم و منطقی صورت گیرد نگرشی مناسب نسبت به این‌گريزه و افزایش اعتماد به نفس را برای فرد به ارمغان می‌آورد.

دوران متأهلی (ازدواج، بارداری، همسررداری و فرزندپروری)

ازدواج يك مرحله حساس و تأثیرگذار در زندگی است که طی مقدماتی، انسان شريك زندگی خود را انتخاب می‌کند. گرچه بعضی جامعه‌شناسان، در تعریف خانواده گفته‌اند: «خانواده عبارت است از مجموعه‌ای که رابطه جنسی نیرومندی آن را پدید می‌آورد، و این رابطه از چنان نیرویی برخوردار است که زمینه پیدایش و تربیت کودکان را فراهم می‌سازد» (شريف قريشي، 1374، ص 23)، اما این تعریف ناقص است. آیا به واقع تنها کشش جنسی سبب ایجاد و دوام خانواده می‌شود؟ یا اینکه در هر جنس کمبودهای دیگری نیز وجود دارد که به بهترین نحو توسط جنس دیگر پوشش داده می‌شود؟ آیا پرورش کودکان تنها در سایه کشش جنسی دیگر می‌گیرد؟ به واقع، اگر این‌گونه بود، با کاهش و از بین رفتن میل جنسی در هر دو طرف یا یکی، به دلایل مختلف، باید نظام خانواده نیز از هم می‌گسست. آیات قرآن نیز وجود نقاط قوت دیگر توسط زن و مرد را اعلام می‌دارد. «لتسکنوا اليها» امری همه‌جانبه است، که در هر دو جنس با پیوستن به دیگری اضطراب را به آرامش تبدیل می‌کند. از این رو، به ازدواج و تشکیل خانواده نباید صرفاً از دریچه امور جنسی نگاه کرد و معیارهای دیگر برای ازدواج را نادیده گرفت. امام باقر علیه السلام به دختری که می‌خواست بدون ازدواج به کمال برسد فرمود: «این کار را نکن؛ اگر خودداری از ازدواج، فضیلت و کمالی را در پی داشت، فاطمه علیها السلام به درک این فضیلت شایسته تر از تو بود.» (مجلسی، 1374، ج 100، ص 219)

الف. آشنایی با ازدواج

گام اول در ازدواج و تشکیل خانواده، احراز شرایط ازدواج است. شرایط ازدواج در زمان و مکان‌های مختلف، متفاوت است، ولی شرایط آن در هر جامعه‌ای توسط شرع و عرف جامعه تعیین می‌گردد. از شروط اصلی در اسلام برای ازدواج، می‌توان به عاقل بودن، بالغ بودن (بلوغ جسمی) و رشید بودن (بلوغ روانی و عاطفی) اشاره کرد. (فاضل لنکرانی، 1380) البته شروط دیگری نیز وجود دارد. عدم احراز هر يك از این شرایط مانعی بر سر راه ازدواج است. لزوم ازدواج بعد از کسب شرایط لازم نیز امر مهمی است؛ زیرا خطمشی اسلام ارضای‌گريزه جنسی در اولین فرصت، از راه حلال است. سفارش جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله نشانگر قدرت

غریزه جنسی و لزوم ازدواج است. جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه در دوشیزگان احساس زنانه (میل جنسی) ایجاد شود، دوایی برای آنها جز همسر وجود ندارد؛ در غیر این صورت، آنها از فساد در امان نخواهند بود؛ زیرا آنها بشرند.» (کلینی، 1375، ج 5، ص 337) همچنین در مورد رشید بودن (بلوغ روانی و عاطفی)، در آیه 6 سوره مبارکه «نساء» آمده است: «شما (والدین) نوجوانانی را که به بلوغ نکاح رسیده اند مورد آزمایش قرار دهید، اگر آنها به رشد مناسب رسیده اند اموالشان را به آنها بدهید.» گرچه منظور از رشد در این آیه رشد مالی است، اما رشد و استقلال مالی در کسب آرامش روحی و آماده شدن برای ازدواج مؤثر است. به بیان دیگر، بلوغ جسمی (جنسی) و روانی-عاطفی و دوری از دیوانگی و ضعف عقل، هر سه شرط لازم برای ازدواج است نه یکی به تنهایی. همان گونه که بلوغ تحت شرایط مختلف، در زمان‌های مختلف حادث می‌شود، احراز شرایط ازدواج نیز تحت شرایط مختلف است نه تابع محض سن فرد. البته خداوند به کسانی که منابع لازم (مادی) را برای ازدواج ندارند، در آیه 33 سوره «نور» دستور می‌دهد: «و کسانی که (وسیله) زناشویی نمی‌یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز گرداند.» این آیه تأکید می‌کند که بهتر است زوجین، بخصوص مردان، قبل از ازدواج تا اندازه‌ای به استقلال مادی دست یافته باشند. باید تأکید شود که هیچ چیزی جایگزین ازدواج در ارضای نیاز جنسی نمی‌شود. گرچه ورزش، روزه داری، تحصیل، کار و فعالیت و... به انسان برای کنترل این غریزه کمک می‌کنند، اما ضرورت ارضای میل جنسی امری است که باید در چهارچوب زندگی زناشویی انجام شود.

مرحله بعدی، تعیین ملاک برای انتخاب همسر است. هرچه زمان پیش می‌رود از دایره اختیار خانواده در تعیین ملاک برای ازدواج کاسته می‌شود و به دایره اختیار دختران و پسران در شرف ازدواج افزوده می‌شود. سه دیدگاه در مورد انتخاب همسر وجود دارد که عبارتند از:

- 1- دیدگاه رمانتیکی: در این دیدگاه، ملاک‌های انتخاب بر پایه شهوت و عشق دوطرف بنا شده است.

- 2- دیدگاه دموکراتیک: در این دیدگاه، ملاک انتخاب براساس بلوغ بیولوژیک است و هر پسری که از لحاظ بیولوژیکی بالغ شده می‌تواند با هر دختر با همین شرایط ازدواج کند.

- 3- دیدگاه اسلام: در این دیدگاه، تلاش برای شناخت خصوصیات طرفین با استفاده از درایت و منطق و برقراری رابطه ازدواج براساس فکر یک اصل اجتناب ناپذیر است. (شریف قریشی، 1374، ص 49-50)

براین اساس، مرحله آشنایی با ازدواج، باید به گونه‌ای مدیریت شود که طرفین به شناخت، آن هم به دور از تحریفات احساسی برسند. پدر در این راه، به دلیل فارغ بودن از احساسات زنانه در دوره جوانی، می‌تواند نقش اساسی در مدیریت این دوره ایفا کند. همچنین پدران تجربه بیشتری در شناخت جنس موافق خود دارند و راحت‌تر می‌توانند امور مربوط به آنان را بررسی کنند. در اسلام، حضانت دختر از زمان انعقاد نطفه تا ازدواج برعهده پدر گذاشته شده است که البته در شرایطی این حق توسط حکومت (قانون) بازپس گرفته می‌شود. دختران باید این سرپرستی را بپذیرند و بدان‌تن دهند. این سرپرستی از جنس برتری مرد بر زن نیست، بلکه خداوند به این وسیله خواسته است از موجودی ظریف، ارزشمند و سرشار از احساس که لازمه نقش زنانگی و مادری است به وسیله دیگری مراقبت کند و در این میان، چه کسی بهتر از پدر وجود دارد؟ البته این بدان معنا نیست که نظر دختر مطرح نباشد؛ زیرا رضایت او شرط اساسی برای ازدواج است. کسانی که عرصه ازدواج را بر جوانان تنگ کنند در گناه آنان شریکند. یک شرط مهم که برای رضایت جنسی، در آینده زوجین مطرح می‌شود، رعایت فاصله سنی مناسب است. «آمار نشان می‌دهد که بهترین فاصله سنی بین دختر و پسر چهار تا هفت سال است

که گاهی این ارقام بین دو تا ده سال هم در نوسان است.» (فقیهی، 1387، ص 248) دختران باید مواظب باشند که ازدواج، بهانه‌ای برای ارتباط با پسران نامحرم نشود که در این صورت، دختران بیش از دیگران متضرر می‌شوند و از شانس ازدواج آنان با گزینه‌های مناسب کاسته می‌شود. منطقی این است که هرگونه مراوده و ارتباطی به صورت رسمی و با نظارت خانواده‌ها صورت پذیرد. در فرهنگ ایرانی-اسلامی، هیچ مردی حاضر نیست با دختری که مراوده نابجا با نامحرمان دارد ازدواج کند.

ب. زناشویی و بارداری، همسررداری و فرزندپروری

با آغاز زندگی زناشویی، به دلیل ایجاد روابط دو جانبه، شناخت جنسی زن و مرد از یکدیگر ضروری است. شب زفاف، در آغاز زندگی زناشویی، اهمیت زیادی به ویژه برای دختران دارد. «داماد باید متوجه باشد که عروس در شب زفاف با دو چیز روبه‌رو است و از هر دو وحشت دارد؛ مسئولیت مادر شدن و زودده شدن پرده بکارت، و نباید کاری کند که از سه چیز وحشت کند و سومین آن خود داماد باشد.» (پاک نژاد، 1364، ج 2، ص 27) این گفته از شهید پاک نژاد، به خوبی اهمیت آمادگی داماد در اولین ارتباط جنسی اشاره دارد. اولین ارتباط جنسی تأثیر زیادی در نگرش زنان درباره مسائل جنسی در آینده دارد. «در این شب مرد باید مراقب باشد که بیش از تصاحب جسم معشوق، روح او را به دست آورد و اقدام او برای عمل جنسی، پیش از تماس عاطفی و آمادگی روانی همه جانبه، نتیجه‌ای جز ناراضی‌ت‌های همسرش نخواهد داشت.» (فقیهی، 1387، ص 278) مرد باید متوجه باشد که شهوت جنسی در مرد کمتر وابسته به عاطفه است و زود تحریک و ارضا می‌شود، در صورتی که این امر در زنان وابسته به عاطفه است و به سرعت مردان برانگیخته نمی‌شود. (همان) ارتباط معنوی و خواندن نماز، به وسیله عروس و داماد در این شب به آرامش روحی هر دو طرف کمک زیادی می‌کند. مرحله بعد، تنظیم نیازهای جنسی و عاطفی زوجین در دفعات بعدی مقاربت است. دو طرف باید زمان و مکان مناسبی برای این کار در نظر بگیرند و با اعمال مستحب، مکروه، حرام و مباح هنگام آمیزش آشنا گردند. مضمون چند حدیث در این زمینه، توصیه به حرف نزدن هنگام آمیزش (سخن غیر عاشقانه)، خودداری از آمیزش هنگام جنابت، پرهیز از آمیزش در موقع نیاز به دفع، پرهیز از آمیزش در حالت ایستاده و پرهیز از افراط در عمل جنسی می‌باشد. (به نقل از: فقیهی، 1387، ص 281-284) همچنین اطلاع از بیماری‌های مقاربتی و لزوم معاینه پزشک پیش از ازدواج و پس از آن، بخصوص قبل و بعد از بارداری بسیار ضروری است. «گرچه بعضی از این بیماری‌ها خطرناک و مسری بوده، ولی غالباً قابل پیش‌گیری هستند؛ لذا، اطلاع‌رسانی در این زمینه به نوجوانان و جوانان بسیار ضروری و مفید است.» (حسینی، 1389، ص 93)

زمانی که زوجین تصمیم به بچه دار شدن می‌گیرند، ابتدا باید از سلامت جسمی و روحی خود (بخصوص زنان) اطمینان حاصل کنند و سپس در این زمینه اقدام نمایند. برای بارداری، بانوان باید از مواقعی که شانس بیشتری برای بارداری وجود دارد اطلاع حاصل نمایند (مرحله تخمک گذاری، روز چهاردهم) تا در این زمان اقدام به آمیزش کنند. در زمان آمیزش هم دعا و اذکار مختلفی هست که در جلوگیری از انحرافات کودکان مؤثر است. امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «هنگامی که آماده می‌شوید برای ارتباط جنسی، خدا را یاد کنید، به درستی که افرادی که در این هنگام از خدا غافل باشند اگر نطفه فرزندی منعقد شود این فرزند در آینده در رفتارهای شر و بدی، همانند شیطان عمل می‌کند و این افراد، از طریق دوستی و دشمنی با ما (اهل بیت) شناخته می‌شوند.» (مجلسی، 1374، ج 63، ص 201) «پس از بارداری، نزدیکی برای خانم‌های سالم بلامانع است و مشکلی را ایجاد نمی‌کند، اما در مواردی که خطر سقط، زایمان زودرس و پارگی کیسه آب وجود دارد، همچنین در ماه آخر

بارداری باید از مقاربت خودداری کرد.» (حسینی، 1389، ص 134) حاملگی حدود 38 هفته (266 روز) طول می‌کشد. پس از زایمان، تغذیه با شیر مادر علاوه بر مزایایی که برای کودک دارد، برای مادر نیز مفید است. برای نمونه، مکیدن پستان توسط کودک باعث ترشح اکسی‌توسین، انقباض رحم، کاهش خون‌ریزی و در نهایت، بازگشت رحم به حالت اولیه می‌شود. همچنین عادت ماهانه را به تعویق می‌اندازد و حاملگی‌های زودرس را کنترل می‌کند و احتمال بروز سرطان سینه را نیز کاهش می‌دهد. (همان، ص 139) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌درباره لزوم تغذیه با شیر مادر فرموده‌اند: «هیچ شیری برای طفل بهتر از شیر مادرش نیست.» (حرّ عاملی، 1393 ق، ج 21، ص 468) مادران باید بدانند که بارداری و به دنیا آوردن فرزند کار پر رنجی است که اجر فراوانی دارد. خداوند دربارهٔ بارداری و زایمان در آیه 15 سورهٔ مبارکهٔ «احقاف» می‌فرماید: «و انسان را (نسبت) به پدر و مادر به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است. . .»

در پایان این مرحله، ذکر این نکته ضروری است که زنان باید نقش جنسی خود را در برابر مردان بدانند؛ زیرا در اسلام به حسن ایفای این نقش سفارش فراوان شده است. البته این امر در مورد مردان نیز لازم است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌دراین باره فرموده‌اند: «بهترین زنان شما کسی است که خوش بو و خوش پخت باشد، هنگامی که با شوهر خود خلوت کنند، آنچه درخواست کنند اجابت کنند، و به تأخیر اندازنده نیستند.»

همچنین در حدیثی دیگر، زنان را از تکبرورزی در برابر مردانشان و خودآرایی در برابر دیگران بر حذر داشته‌اند و این‌گونه زنان را بدترین زنان و در زمره منافقان معرفی کرده‌اند. (حرّ عاملی، 1393 ق، ج 20، ص 30/کلینی، 1375، ج 5، صص 324 و 508) آخرین مضمون حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌از وجود آفتی در این دوره که روابط سالم زناشویی را از جانب زنان تهدید می‌کند خبر می‌دهد. هر چند میل به خودآرایی در بین زنان به طور فطری وجود دارد، اما این میل باید در راه صحیح به کار گرفته شود و تعدیل گردد. مدیریت مردان و برآورده کردن نیازهای عاطفی زنان توسط مردان، در پیش‌گیری و درمان این انحراف نقش اساسی دارد. «در بسیاری از مواقع، عشوه‌گری افراطی و بیمارگونه زن معلول بی‌توجهی مردان به آنان و سرخوردگی عاطفی است.» (هاشمی رکاوندی، 1372، ص 82) باید متذکر شد که وفاداری در زندگی مشترک، اصلی بنیادین است که باید در هر شرایطی پاس داشته شود. زهر خیانت تلخ‌ترین چیزی است که زندگی مشترک را به سرعت و به راحتی پایان می‌دهد. غیاب زن و شوهر نباید لغزشی در ستون پرارزش وفا ایجاد کند. باید توجه کرد که همه چیز در يك لحظه اتفاق می‌افتد. گاهی عدم ایفای صحیح نقش جنسی از طرف زن و شوهر سبب بروز این پدیده شوم می‌شود.

دوران یائسگی و پیری

آخرین مرحله از مرحلهٔ تربیت جنسی، دوران یائسگی و پیری است. متوسط سن یائسگی 50 سال است که با به حداقل رسیدن میزان هورمون‌های استروژن و پروژسترون و ظهور علائمی در بدن زنان همراه است. علائمی مانند گرگرفتگی، تغییرات مربوط به اعضای تناسلی (افتادگی مثانه و رحم و خشکی واژن که دردناک بودن مقاربت را در پی دارد و . . .)، ایجاد چین و چروک در صورت و . . . از این قبیل هستند. تغییرات روحی و روانی نیز در این دوران اتفاق می‌افتد؛ از جمله: بی‌خوابی، سردرد، اشکال در حافظه و تحریک‌پذیری و . . . (حسینی، 1389، ص 150-152) استفاده از هورمون‌های استروژن و پروژسترون، ویتامین D، ورزش منظم و . . . به کاهش عوارض یائسگی کمک می‌کند.

آنچه برای زنان در این دوران اهمیت دارد حفظ ثبات روحی خود و پذیرفتن این مرحله به عنوان

گامی در جهت کمال انسان (زنان) است. زنان در این مرحله نباید نسبت به وظایف جنسی خود کوتاهی کنند. خطری که در این مرحله روابط زناشویی و بخصوص روابط جنسی آنها را تهدید می‌کند، کاهش آراستگی زنان در برابر مردان است. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «خودآرایی و ظاهر ساختن زینت نزد زنان، امری لازم است، حتی اگر به بزرگسالی برسند.» (حرّ عاملی، 1393 ق، ج 14، ص 129) معمولاً زنانی که در برابر این پدیده (یائسگی) تسلیم می‌شوند یا نگرش منفی نسبت به آن دارند و آن را مترادف با پیری تلقی می‌کنند دچار مشکل می‌شوند. این در صورتی است که نیاز جنسی هنوز در دو طرف، بخصوص مردان، وجود دارد. متأسفانه بعضی از خانم‌ها پس از ازدواج فرزندان، بیشتر به مشایعت با داماد و عروس و نوه‌ها می‌پردازند و شوهر خود را فراموش می‌کنند. این مسئله ممکن است به انحراف جنسی در دهه 50 سالگی به بعد و یا اعتیاد شوهر منتهی شود. باید اذعان شود سلامت بشر در هر ساعت از عمر او با خطرانی روبه‌رو است و سلامت جنسی نیز از این مقوله مستثنا نیست. بر هر مسلمانی واجب است این خطرات را بشناسد. کمال انسان بدین است که هر لحظه خود را در معرض آزمایش خداوند ببیند.

چند نکته درباره وظایف مردان

در این نوشتار هر چند تربیت جنسی زنان مورد مذاقه قرار گرفت، اما مردان هم وظایفی مردان در این باره دارند که در ذیل، تنها به چند مورد از وظایف حساس مردان مطابق با احادیث اشاره می‌شود:

1- لزوم پرهیز از هرگونه تبعیض جنسیتی: پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «کسی که فرزند دختری داشته باشد و او را اذیت و توهین نکند و پسر را بر او ترجیح ندهد، خداوند او را وارد بهشت می‌کند.» (متقی، 1397 ق، ج 16، ص 447) در واقع، تبعیض جنسیتی سبب ایجاد مسائلی مانند ناخشنودی جنسیتی، تشویق غیر مستقیم دختر به تشبیه کردن خود به پسران، ظهور عقده نسبت به پسران و... می‌شود و تربیت جنسی را مختل می‌کند.

2- لزوم غیرت ورزی به جا: غیرت ورزی امری پسندیده و لازم برای مردان است که سبب می‌شود از برخی انحرافات جلوگیری شود. اما غیرت ورزی مانند شمشیری دولبه است که افراط در آن نتیجه عکس می‌دهد. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «از غیرت ورزی نابه جا پرهیز؛ زیرا این کار باعث می‌شود که زن سالم و پاک، به سمت نادرست کشیده شود.» (حرّ عاملی، 1393 ق، ج 20، ص 237) امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «غیرت ورزی در امر حلال وجود ندارد.» (کلینی، 1375، ج 5، ص 537)

3- لزوم آراستگی مردان: پیامبر صلی الله علیه و آله لزوم این کار را این گونه بیان می‌کنند: «لباس‌های تمیز بپوشید، موهای خود را کوتاه کنید، مسواک بزنید و خود را تمیز و زیبا کنید؛ زیرا مردان بنی اسرائیل از این کارها خودداری کردند، پس زنان آنها دچار روابط نامشروع شدند.» (متقی، 1397 ق، ج 6، ص 640)

4- لزوم اقتدار پدر در رعایت مسائل شرعی: گاهی پدران اقتدار لازم را برای تربیت فرزندان ندارند. این در صورتی است که پدران به واسطه اینکه کمتر نسبت به امور واکنش احساسی دارند باید با اقتدار انجام مسائل شرعی را توسط فرزندان پیگیری نمایند. در این زمینه، حدیثی طولانی از پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد که مضمون آن این است که کودکان را باید وادار به انجام امور شرعی، در سنین مختلف کرد. (کلینی، 1375، ج 3، ص 409)

5- لزوم عفت ورزی مردان در برخورد با زنان مردم: امام صادق علیه السلام در این باره بیان می‌کند: «اگر در برخورد با زنان مردم عقیف باشید، زنان و دختران شما هم پاک دامن می‌شوند.» (محمدی ری شهری، 1377، ج 8، ص 3822)

نتیجه

تربیت انسان امری مستمر و طولانی مدت است. موفقیت در تربیت يك نسل، سبب می شود زنجیره ای صحیح در نسل های بعدی پدید آید. تربیت جنسی که شاخه ای مهم از تربیت است نیز به همین گونه است و يك سیر از مفعول به فاعل (فرزندانی که خود والد می شوند) را طی می کند. تربیت صحیح زمینه تعالی انسان را فراهم می آورد. هر کجا پیوند موفقی بین زن و مرد برقرار شد، انسان، چه از نظر مادی و چه از لحاظ معنوی، رشد یافت. بدیهی است یکی از ارکان موفقیت در پیوند زناشویی تربیت صحیح جنسی بانوان است. آموزه های وحیانی در این باره می تواند بسیار راه گشا باشد. پایان بخش این نوشتار سخنی از شهید مطهری در این باره است؛ «اسلام محبت عمیق و صمیمی زوجین به یکدیگر را محترم شمرده و به آن توصیه کرده است و تدابیری به کار برده که این یگانگی و وحدت هر چه بیشتر و محکم تر باشد.» (مطهری، [بی تا]، ص 81)

بانوان شیعه» پاییز و زمستان 1389 - شماره 25 (صفحه 97)

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ قم: مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین علیه السلام، 1381.

- 1- امینی، ابراهیم؛ آیین تربیت، تهران: اسلامی، 1368.
- 2- انوشه، م؛ نیکنامی، ش؛ توکلی، فقیه زاده، س؛ «بررسی مقدماتی آموزش بلوغ در دختران نوجوان»؛ فصلنامه اندیشه و رفتار، سال نهم، شماره 2، پائیز 1382، ص 28-48.
- 3- بخشایش، علیرضا؛ روان شناسی عمومی؛ تهران: مؤسسه انتشارات یزد، 1379.
- 4- پاك نژاد، شهید سید رضا؛ ازدواج مکتب انسان سازی؛ ج 2، تهران: یاسر، 1364.
- 5- پیازه، ژان؛ پنج گفتار در روان شناسی؛ ترجمه نیکچهره محسنی؛ ج 3، تهران: رشد، 1360.
- 6- حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ تهران: مکتب اسلامی، 1393 ق.
- 7- حائری روحانی، علی؛ فیزیولوژی اعصاب و غدد؛ تهران: حکیم باشی، 1389.
- 8- حسینی، سید مجتبی؛ جمعیت و تنظیم خانواده؛ ج 15، تهران: حکیم باشی، 1389.
- 9- دبس، موریس؛ مراحل تربیت؛ ترجمه علی محمد کاردان؛ تهران: دانشگاه تهران، 1374.
- 10- شریف قریشی، باقر؛ نظام خانواده در اسلام؛ ترجمه لطیف راشدی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، 1374.
- 11- فاضل لنکرانی، محمد؛ رساله توضیح المسائل؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380.
- 12- فقیهی، علی نقی؛ تربیت جنسی، مبانی، اصول و روش ها، از منظر قرآن و حدیث؛ ج 3، قم: دار الحدیث، 1388.
- 13- فلسفی، محمد تقی؛ کودک از نظر وراثت و تربیت؛ ج 2، تهران: معارف اسلامی، 1342.
- 14- قائمی امیری، عباس؛ مجموعه بحث ها در زمینه خانواده و تربیت کودک؛ تهران: امیری، 1364.
- 15- قدیری ایبانه، محمد حسن؛ کتاب الکترونیکی زن در اسلام و غرب؛ خرداد 1390، برگرفته از سایت www.ghadiri.ir
- 16- --؛ کتاب الکترونیکی مسیحیت از واقعیت تا تحریف؛ اسفند 1389، برگرفته از سایت www.ghadiri.ir
- 17- کاظمی، محسن؛ چگونه فرزند نابغه داشته باشیم؟؛ قم: نشر میم، 1381.

- 18- کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول الکافی؛ تهران: دار الکتب اسلامی، 1375.
- 19- کوچتکوف، و. د؛ لاپیک، و. م؛ روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان؛ ترجمه محمد تقی زاده؛ چ 14، تهران: بنیاد، 1373.
- 20- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ تهران: مکتبه الاسلامیه، 1374.
- 21- متقی، علی؛ کنز العمال؛ بیروت: مکتبه التراث الاسلامی، 1397 ق.
- 22- محمد ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ ترجمه حمید رضا شیخی؛ قم: دار الحدیث، 1377.
- 23- مطهری، مرتضی؛ اخلاق جنسی؛ قم: صدرا، [بی تا].
- 24- هاشمی رکاوندی، سید مجتبی؛ مقدمه ای بر روان شناسی زن؛ چ 2، قم: شفق، 1372-
- 25- Vandermassen, G. (2004) Sexual Selection: A tale of male bias and feminist denial. *European journal of womensstudies*: 11(1), 2-26
- 26- Netting N. S&Burnett, M. L. (2004) Twenty Years of students sexual behavior: subcultural adaptations a changing healthenvironment. *Adolescence*: 39(153) , 19-38
- 27- Hekma, G. (2004) Sexualities. Free university Amsterdam
- 28- Crcler, G. (2000) Introduction to sexual education. New York: W. H
- منبع: برگرفته از مقاله ابعاد و مراحل تربیت جنسی دختران و زنان از نظر اسلام؛ زنداونیان، احمد؛ شمشادی، صادق؛ مجله بانوان شیعه، پاییز و زمستان 1389 - شماره 25
- پی نوشت ها:

Netting&Burnett [1]

Hekma [2]

آموزش و تربیت جنسی

آموزش و تربیت جنسی در مراحل مختلف رشد انسان، به منظور پیشگیری از بروز انحرافات جنسی و اخلاقی ضروری است. در اهمیت تربیت جنسی کافی است گفته شود که پایه و اساس بسیاری از انحرافات بعدی تا پایان دوران جوانی، بر آموزش و پرورش جنسی استوار است. بر اساس دیدگاه‌های آسیب شناسان جرم و جنایت، بخش زیادی از جرایم که تا سنین بیست و نه سالگی انجام می‌شود یا جنسی است یا دارای رنگ و هوای جنسی؛ مثل برخی موارد سرقت که جوانان برای تأمین خواسته‌های جنسی بدن دست می‌زنند (رک. کی نیا، 1362: مقدمه).

به دلیل اهمیت تربیت جنسی، دستورالعمل‌های دینی بسیاری در مراقبت از کودکان و نوجوانان، به جهت پیشگیری از لغزش‌ها و صیانت آنان از خطرات و عوارض ناشی از تمایلات جنسی ارائه شده است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد:

سفارش به تقویت مبانی مذهبی و اخلاقی، آموزش راه و رسم صیانت از خود و دفاع از شرافت انسانی خویش، رعایت ضوابط در معاشرت‌ها، ایجاد شرایط مناسب در خواب و استراحت، تفکیک بستر فرزندان، مراقبت در دفع و تخلیه ی کودک، مراعات لازم در نحوه ی پوشش، آموزش مقدمات لازم برای ورود به دنیای بلوغ و نوجوانی، آشنایی با تغییرات جسمانی و روانی دوره بلوغ، توجه دادن به خطرهای و عوارض آسیب زا، کنترل غیرمستقیم در عرصه ی حالات، مواضع و

آمد و شده‌ها، آموزش تکالیف شرعی و سعی در واداشتن به انجام وظیفه‌ی دینی بر اساس شناخت و باور.

والدین به این نکته باید توجه داشته باشند که فرزندان از ادراک و فهم لازم در زمینه‌های مختلف متناسب با سن خویش برخوردارند؛ بنابراین لازم است مراقب روابط خود با همسر خویش بوده و چه بسا شوخی‌ها، کنایات، اشارات و مطایباتی که والدین در حضور فرزندان با یکدیگر دارند، در شکل‌گیری رفتارهای نامناسب در آن‌ها مؤثر باشد. کودکان و نوجوانان در زمینه روابط جنسی و مقدمات آن، کنجکاوی زیادی از خود نشان می‌دهند. آن‌ها در نحوه‌ی روابط والدین، کیفیت پوشش آن‌ها و .. دقت کرده و می‌خواهند از آن آگاه شوند. دختران و پسران در دوره کودکی و حدود 6-7 سالگی و نوجوانان در حدود 13-14 سالگی از نقش خود به عنوان مادر و پدر اطلاع دارند؛ اگرچه از چگونگی نقش خود آگاهی ندارند و در برخی موارد نوعی تقلید و همانندسازی از زندگی یک زن و شوهر را نشان می‌دهند که مبنای اهمیت آموزش و تربیت جنسی است. لازم است پدران و مادران، فرزندان را در مورد مسایل جنسی به صورت تدریجی از حسن و قبح، منع و جوازها آگاه نمایند.

حدود و ثغور آموزش و تربیت جنسی

تربیت جنسی در دوره کودکی و نوجوانی، آمادگی لازم را برای آموزش‌های جنسی پیش از ازدواج فراهم می‌سازد. این نکته حائز اهمیت است که کیفیت آموزش و تربیت جنسی بر حسب مراحل سه‌گانه (پیش از ازدواج، حین ازدواج و پس از ازدواج) متغیر و متفاوت است. بر اساس گزارش «الدرمن» [1] رئیس انجمن دفاع از کودکان، از هر بیست نوجوان آمریکایی، ده نفر از لحاظ جنسی فعال هستند و چهار نفر از وسایل ضدبارداری استفاده می‌کنند؛ دو نفر حامله می‌شوند و یک نفر متولد می‌شود. در مطالعه‌ی ای که «جان هاپکینز» [2] انجام داد، دریافت که یک نفر از هر 5 نفر پانزده ساله‌ها و یک نفر از هر 3 نفر شانزده ساله‌ها و 43 درصد از هفده ساله‌ها، از لحاظ جنسی فعال هستند. «لوئیس هریس پل» [3] دریافت که 57 درصد از هفده ساله‌ها، 46 درصد از شانزده ساله‌ها و 29 درصد از پانزده ساله‌ها، از لحاظ جنسی فعال هستند و هشتاد درصد از دخترانی که وارد دانشگاه می‌شوند، حداقل یکبار رابطه جنسی داشته‌اند (Shahid Athar, 1990: 7).

با توجه به پژوهش‌های فوق، اهمیت تربیت جنسی پیش از ازدواج آشکار می‌شود؛ اگرچه این تحقیقات در امریکا صورت گرفته است، اما احتمال بروز چنین مسایلی در کشورهای دیگر از جمله ایران نیز وجود دارد؛ بنابراین لازم است ضمن تدارک آموزش‌های لازم و ضروری برای جوانان و نوجوانان، حفظ حریم‌ها و تناسب آموزش‌های مذکور را با سنین افراد در نظر داشت. یک دوره آموزش مسایل جنسی می‌تواند دربرگیرنده‌ی موضوعاتی از قبیل عناوین ذیل باشد:

1- آموزش جنسی پیش از ازدواج

1-1- رشد و تحول جنسی

1-1-1- الگوی زمانی مربوط به نوجوانی

2-1-1- تغییرات فیزیکی در نوجوانی

3-1-1- نیاز به زندگی خانوادگی

2-1-1- فیزیولوژی سیستم تولید مثل

1-2-1- اندام‌ها، قاعدگی، اختلالات جنسی برای دختران

2-2-1- اندام‌ها، احتلام، انحرافات جنسی برای پسران

3-1-1- مفاهیم مربوط به رشد جنین و تولد

- 4-1- بیماری‌های آمیزشی انتقالی (سرایت‌کننده و واگیردار)
- 5-1- جنبه‌های ذهنی، هیجانی و اجتماعی نوجوانان و جوانان
- 6-1- جنبه‌های اخلاقی، مذهبی و اجتماعی جوانان و میانسالان

2- آموزش جنسی حین ازدواج

3- آموزش جنسی پس از ازدواج

تربیت جنسی پیش از ازدواج

والدین و مربیان آموزشی، هم‌چنین رسانه‌های گروهی، عهده‌دار تربیت و آموزش‌های ضروری جنسی جوانان و نوجوانان اند. متولیان تربیتی جامعه باید با تمهیدات آموزشی و تربیتی لازم و پاسخ‌گویی‌های مناسب، از پیش‌رسی بلوغ جنسی قبل از بلوغ فکری جوانان جلوگیری کنند. آموزش و تربیت جنسی پیش از ازدواج باید به وسیله مربیان انجام شود که آموزش و تجربه‌ی لازم را کسب کرده باشند و در زمان و مکان مناسب و با بیان روشن در حد نیاز مخاطبین مسایل جنسی را تبیین کنند. مربیان، به خصوص والدین به عنوان الگوهای عملی، باید مراقب رفتارهایی که توجه فرزندان را به مسایل جنسی معطوف ساخته و باعث پیش‌رسی بلوغ جنسی در آن‌ها می‌شود، باشند. آرایش و نحوه‌ی پوشش مادران، تعویض لباس والدین دور از نگاه نوجوانان، روابط محرم و نامحرم و مسایلی از این قبیل باید مورد توجه قرار گیرد.

1- رشد و تحول میل جنسی

در آموزش پیش از ازدواج، توجه به رشد و تحول میل جنسی از دیدگاه اسلام، لازم و ضروری است. با بررسی آیات قرآن و احادیث معصومین (ع)، سیر تحول غریزه‌ی جنسی، طی سه مرحله قابل تبیین است:
تولد تا 6 سالگی

در اصطلاح قرآن، فرد از هنگام تولد تا بلوغ، طفل نامیده شده است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «و إذا بلغ الاطفال منكم الحلم فلیستأذنوا...» (نور، 59)، «هنگامی که اطفال شما بالغ شدند، (باید برای ورود به خانه نامحرم) اجازه بخواهند...». در برخی احادیث، از واژه صبی و صبیبه نیز استفاده شده و قرآن این اصطلاح را برای کودکی هم که در گهواره باشد، به کار می‌برد؛ چنان که می‌فرماید: «کیف نکلم من کان فی المهد صبیاً» (مریم، 29)، «ما چگونه با طفل در گهواره سخن گوئیم.»

با توجه به آیات فوق، طفولیت و صبی‌واژه‌هایی است که ماقبل بلوغ را نشان می‌دهد. بر این اساس دوره‌ی تولد تا بلوغ را می‌توان به دو مرحله‌ی تولد تا 6 سالگی و 6 سالگی تا بلوغ تقسیم کرد.

سفارش‌ها و توصیه‌های گرانقدر پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) در تربیت جنسی کودکان بیانگر آن است که مرحله‌ای از تمایلات جنسی در آغاز دوره‌ی کودکی وجود دارد؛ گرچه کودک هوشیارانه از آن آگاه نیست؛ اما عوامل بیرونی ناهوشیار بر رفتار جنسی تأثیرگذار است. پیامبر اسلام (ص) درباره‌ی رابطه جنسی والدین و چگونگی آن به دور از چشم و گوش کودک می‌فرماید: «قسم به آن که جانم در دست اوست، اگر مردی با زن خویش نزدیکی کند، در حالی که در آن خانه کودکی بیدار باشد که آن دو را ببیند و کلام یا صدای تنفس آن‌ها را بشنود، هرگز رستگار نخواهد شد؛ خواه پسر باشد و خواه دختر، زناکار خواهد شد.» (حر عاملی، 1403ق: ج14، باب 67، ح1، 7) امام محمد باقر (ع) نیز می‌فرماید: «زنهار از آمیزش در جایی که کودکی

تو را می‌بیند که قادر است به خوبی آن حال را برای دیگران توصیف کند.» (همان: ح8)

با توجه به احادیث فوق روشن است که کودک هر عمل یا سخنی را از والدین به عنوان الگو یاد می‌گیرد و آن را تکرار می‌کند. در این سن، کودکان بسیاری از اعمال و گفتار را تقلید می‌کنند و با والدین خود همانندسازی می‌نمایند. در این سن، کودکان با آلت جنسی خود بازی می‌کنند و می‌خواهند جنسیت خود را شناخته، از تفاوت‌های جنسی مذکر و مؤنث آگاه شوند. در این مرحله، هر پسر یا دختری از جنسیت خود آگاه می‌شود و در پایان این مرحله، نقش جنسی خود را به خوبی ایفا می‌نماید.
6 سالگی تا بلوغ

در این مرحله، پسران و دختران نقش جنسی خود را به خوبی دریافته، انتظاری را که دیگری از آن‌ها در اجرای نقش مردانه یا زنانه دارد، برآورده می‌سازند.

یکی از موارد مهم در آموزش و تربیت جنسی، جلوگیری از پیش‌رسی بلوغ است تا بدین وسیله از ایجاد فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ فکری جلوگیری شود. از این رو اولین گام، شناخت علل و عوامل پیش‌رسی بلوغ است. برخی از این عوامل عبارتند از:

1- عوامل ارثی یا ژنتیکی که از گذشتگان و نسل‌های قبل به فرزندان انتقال یافته و از کنترل انسان خارج است؛ چنان‌که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل تفسیر آیه «قل کلّ يعمل علی شاکلته»، «بگو هر کسی بر اساس شخصیت و شاکله خود عمل می‌کند»، معنای شاکله را به عوامل ارثی و محیطی خلق و خوی انسان نسبت داده و می‌فرماید: «بعضی مزاج‌ها زودتر فوران کرده و تمایل به جفت‌جنسی پیدا می‌کنند. ..» (طباطبایی، 1397ق: ج13، ص203)

2- عامل تغذیه؛ به ویژه غذاهای هورمون‌دار و مصرف زیاد مواد پروتئینی از قبیل گوشت، تخم مرغ و ...

3- عوامل اجتماعی و فرهنگی؛ مثل تماشای فیلم‌های مهیج و تحریک‌کننده، مشاهده صحنه‌های شهوانی، شنیدن برخی از داستان‌های جنسی یا ذکر مشاهدات برخی صحنه‌ها، تصویرها، طنزها، کنایات و استعارات.

4- عوامل حسی از قبیل لمس، اختلاط زیاد دوجنس مخالف و نوازش‌های بی‌مورد.

5- عوامل مؤثر پوستی؛ مثل وجود آگزما در اطراف دستگاه تناسلی، وجود و بروز انگل‌های معدی، وضع لباس از نظر چسبندگی به بدن، زبری و نرمی آن و ...

با توجه به موارد فوق، والدین و مربیان باید نوجوانان را راهنمایی و هدایت نمایند و به‌طور کلی در مورد انواع غذاها، نوع لباس پوشیدن، استحمام و شیوه نظافت، وضعیت خواب و بیداری، روابط و معاشرت‌ها، دیدن و شنیدن‌ها و .. مراقبت زیادی داشته باشند.

اسلام به منظور پیشگیری از بروز انحراف‌های جنسی، برنامه‌ها و توصیه‌های خاصی ارائه کرده است تا با بهره‌گیری از آن‌ها، تمایلات جنسی به‌طور طبیعی و فطری رشد نماید و از بروز اختلال‌ها، انحراف‌های جنسی و بلوغ زودرس جلوگیری کند. برخی از این توصیه‌ها عبارتند از:

عدم بوسیدن دختر و پسر 6 سال به بالا؛ بر طبق نظر اسلام بوسیدن پسر و دختر در چنین سنینی برای مرد و زن نامحرم جایز نیست. در حدیثی از امام علی (ع) روایت شده که فرمود: «إذا أتت علی الجارية ستّ سنین لم یجز ان یقبلها رجل لیست هی بمحرم له و لا یضمّها الیه»، «هنگامی که دختر بچه‌ای به سن 6 سالگی رسید، جایز نیست مرد نامحرم او را ببوسد یا او را در آغوش بگیرد و به خود بچسباند.» (همان: ص28)

عدم جواز بوسیدن دختران و پسران توسط یکدیگر؛ پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

«إذا بلغت الجارية ستّ سنین فلا یقبلها الغلام و الغلام لا تقبله المرأة إذا جاوز سبع سنین»،

«هنگامی که دختر بچه ای به سن 6 سالگی رسید، پسر بچه او را نبوسد و هنگامی که پسر بچه از سن 7 سالگی گذشت، زن او را نبوسد.» (همان)

جاریه و غلام دو واژه ای هستند که در قرآن و روایات به کودکانی گفته می‌شود که به حد بلوغ نرسیده‌اند (نک. مریم، 7؛ مریم، 20؛ صفات، 101؛ ذاریات، 28).

جدا کردن بستر خواب کودکان؛ در احادیث مختلف، جداسازی بستر خواب دختر و پسر از یکدیگر و از هم جنس خود و همچنین جدا کردن بستر آن‌ها از پدر و مادر خویش در سنین مختلف و حتی پیش از بلوغ توصیه شده است. این جداسازی را برخی در ده سالگی و برخی زودتر از آن توصیه نموده‌اند و در مجموع در دیدگاه‌های روان‌شناسی حتی در سنین 5-6 سالگی و گاهی زودتر از آن نیز مطرح شده است. پیامبر اسلام (ص) در این زمینه می‌فرماید: «در سن ده سالگی بستر خواب کودکان، اعم از پسر و پسر، دختر و دختر، را از یکدیگر جدا سازید.» (جرعاملی، 1403ق: ج14، ص28)

قرآن کریم نیز به مرحله قبل از بلوغ کودکان، توجه خاصی مبذول داشته و خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «ای مؤمنان باید کنیزان شما و کودکانی که به حد بلوغ نرسیده‌اند (در شبانه روز) سه بار از شما اجازه بخواهند: پیش از نماز صبح، هنگام ظهر که جامه‌ها از تن برمی‌گیرید و پس از نماز عشا، این سه وقت هنگام خلوت شماست.» (نک. نور، 58)

از آیه و روایت فوق چنین نتیجه می‌شود که اگر کودکان بدون اجازه وارد اتاق والدین شوند، چه بسا والدین را در حال آمیزش دیده و بر اثر آن رشد طبیعی جنسی آن‌ها آسیب ببیند و به بلوغ زودرس یا به اختلال‌های جنسی دیگر مبتلا شوند. به همین دلیل، روابط جنسی والدین باید به دور از نگاه کودک صورت گیرد و کودکان یاد بگیرند که هنگام ورود به اتاق خواب والدین با اجازه وارد شوند. بنابراین باید در مرحله اول و دوم عوامل بروز دهنده، تشدیدکننده و مخرب را از بین برد.

بلوغ

موریس دبس در کتاب مراحل تربیت، درباره بلوغ چنین می‌گوید: «اثر حیات جنسی در رفتارهای گوناگون نوجوان دیده می‌شود؛ وقتی این امر را از سایر جنبه‌های فعالیت او جدا می‌کنیم، خطر این است که افکار و سواسی و وحشت‌های دوره بلوغ در او پرورش یابد. حتی کودک هم نوعی فعالیت جنسی از خود نشان می‌دهد که هنوز رنگ تناسلی ندارد و نادیده انگاشتن آن با خطرات جدی همراه است.» (دبس، 1362: صص 163-162)

در این مرحله وظایف والدین و مربیان را می‌توان به صورت زیر برشمرد: اول این که باید نوجوان را از وقوع تغییرات غافلگیرکننده آگاه ساخت. دوم این که باید از ظهور برخی انحرافات‌های جنسی جلوگیری کرد و هرگاه با چنین انحرافات‌هایی روبه‌رو شد، آن‌ها را هدایت نمود. نادانی و شتاب زدگی در امور جنسی، در واقع دو خطر بزرگ در این مرحله از رشد آدمی است. در این دوران وظیفه‌ی آگاه کردن نوجوان در درجه‌ی اول به عهده‌ی والدین است و والدین می‌توانند در صورت لزوم شخص دیگری را به عنوان نماینده خود مأمور این کار کنند؛ به عنوان مثال دختران، باید پیش از وقوع عادت ماهانه از آن مطلع شوند تا وقتی چنین شد، بدون این که به وحشت بیافتند یا احساس شرم کنند، بدانند که این امر کاملاً طبیعی است و چه احتیاط‌هایی را باید انجام دهند (همان: ص164).

بلوغ جنسی در دختران

در دختران، تغییرات جسمی مربوط به بلوغ جنسی تقریباً با علایم و خصوصیات زیر آشکار می‌شوند:

1- بزرگ شدن سینه

2- روئیدن و رشد موهای زهاری صاف و کم رنگ

3- حداکثر رشد سریع بدن

4- ظهور موهای زهاری مجعد

5- شروع قاعدگی

6- رشد موهای زیر بغل

حدود سنی قاعدگی از ده تا هفده سالگی و متوسط آن در سن 13 سالگی است. اولین قاعدگی قبل از 9 سالگی و پس از 18 سالگی بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد؛ چنان که در هفتاد و پنج درصد از دختران، اولین قاعدگی در سنین 12 تا 14 سالگی روی می‌دهد. قاعدگی نشانه‌ی کاملی از بلوغ جنسی نیست؛ ممکن است پس از اولین قاعدگی در دوره‌های بعدی، بی‌نظمی‌هایی مشاهده شود و به نظر می‌رسد که قاعدگی بسیاری از دختران قبل از این که تخمدان‌ها قادر به تولید تخمک‌های قابل باروری باشد و نیز قبل از این که رحم آن‌ها آمادگی بارداری داشته باشد، شروع می‌شود. فورد [4] و بیچ [5] شواهدی به دست می‌دهند، مبنی بر این که تعداد بسیار کمی از دختران قبل از سن 15 سالگی قادر به تولید مثل هستند؛ حتی احتمال باروری آن‌ها در مقایسه با سال‌های بعد بسیار کمتر است (گروه نویسندگان، 1367: صص 442-443).

بلوغ جنسی در پسران

تغییرات ظاهری بلوغ جنسی پسران با خصوصیات زیر آشکار می‌شود:

1- رشد سریع و به حداکثر رسیدن اندازه‌ی بیضه و آلت جنسی

2- ظهور موهای بلند و نرم در قسمت زهاری

3- تیره‌تر و بلندتر شدن موهای نرم پشت لب به خصوص در دو طرف انتهایی

4- آشکار شدن و رشد موهای نرم در دو طرف صورت در جلوی گوش‌ها

5- بم شدن صدا

6- حداکثر رشد موهای کلیه‌ی قسمت‌های بدن

در مطالعه‌ی ای که توسط هدلی دیموک (1970) صورت گرفت، معلوم شد که 65 درصد پسران بین سنین 14 و 15 سالگی به مرحله بلوغ جنسی می‌رسند (همان: صص 443).

بانکرافت می‌گوید: «این فرضیه تقریباً به اثبات رسیده است که در سنین بلوغ به خصوص در پسران، پاسخ‌های جنسی افزایش می‌یابد. سرچشمه‌ی این تغییرات را به عوامل هورمونی نسبت می‌دهند. در پسرانی که تجربه‌های خودارضایی و رسیدن به اوج لذت جنسی را کسب کرده‌اند، تنها تغییر مشاهده شده در بلوغ، انزال است که رخ می‌دهد. تغییر عمده در مرحله‌ی بلوغ ممکن است واکنش هیجانی به محرک‌های جنسی باشد.» (Bancroft, 1983: 21)

همان‌طور که اشاره شد، ویژگی اصلی بلوغ در پسران، احتلام و انزال و در دختران، عادت ماهیانه است. دو نشانه‌ی دیگر نیز، در فتاوی‌ مشهور شیعه علامت بلوغ دانسته شده است که عبارت از: برآمدن موی اطراف عورت و رسیدن به پایان پانزده سالگی (سال قمری) برای پسران و پایان سن نه سالگی (سال قمری) برای دختران است.

بعضی از فقها مانند فیض کاشانی، بلوغ دختران را بنا بر پاره‌ای از روایات سیزده سالگی دانسته‌اند. بسیاری از فقهای اهل سنت، بلوغ پسران را در سن هجده سالگی و در دختران همین سن یا اندکی کمتر از آن دانسته‌اند.

با توجه به اختلاف آب و هوای مناطق مختلف، سن بلوغ متفاوت است. موریس دبس می‌گوید: «سنی که در آن اولین عادت ماهیانه ظهور می‌نماید، با شرایط مختلف تغییر می‌کند. عادت ماهیانه در ممالک گرمسیر زودتر از مناطق سردسیر شروع می‌شود. در لاپونی، هجده سالگی

و در حبشه، 9 تا 10 سالگی آغاز بلوغ شناخته شده است.» (دبس، 1362: ص30) قرآن کریم، احتلام را نشانه‌ی بلوغ جنسی می‌داند و از بلوغ جنسی به بلوغ نکاح یاد می‌کند؛ ولی بلوغ عقلی را، داشتن رشد و توان تدبیر امور اجتماعی و اقتصادی و تشخیص مصلحت از فساد معرفی کرده و می‌فرماید: «یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که به سن زناشویی برسند؛ در آن هنگام اگر از آن‌ها رشدی دیدید، اموالشان را به ایشان بدهید.» (نساء، 6)

2- کنترل و تسلط بر میل جنسی

یکی از مباحث مهم و ضروری در تربیت جنسی پیش از ازدواج، شیوه‌های کنترل و تسلط بر غریزه‌ی جنسی است؛ ضمن تأکید بر اهمیت موضوع فوق، به مهمترین روش‌های کنترل میل جنسی اشاره می‌شود:

روزه داری

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «ای گروه جوانان هر کدام از شما که قدرت ازدواج دارد، ازدواج کند و اگر برای وی مقدور نیست، روزه بگیرد؛ زیرا روزه شهوت جنسی را کنترل می‌کند» (صبور اردوبادی، 1367: ص108).

ورزش‌های بدنی

ورزش‌های بدنی نظیر کوهنوردی، شنا و... نیز می‌توانند انسان را در مراقبت و تسلط بر این غریزه کمک کنند.

رعایت حدود شرعی

رعایت قوانین شرعی، از جمله طریقه‌ی سخن گفتن زنان با مردان است که باید از جانب زنان مراعات شود؛ یعنی در تکلم و سخن‌گویی با مردان از خود نرمی و عشوه‌گری نشان ندهند و توجه مردان را به خود جلب نکنند؛ بلکه چنان با جدیت و قاطعیت سخن گویند که هیچ علامت دلربایی دیده نشود (کجیاف، 1381: ص160). امام خمینی در تحریرالوسیله می‌فرماید: مکالمه زنان با مردان در صورتی که تهییج‌کننده باشد (با نرمی گفتار و نیکویی صدا) حرام است (خمینی، 1360: ص236).

مسأله‌ی دیگر، توقف نکردن زن و مرد نامحرم در محل خلوت است. امام خمینی در رساله احکام می‌فرماید: اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی در آن جا نباشد و دیگری هم نتواند وارد شود، چنان چه بترسند که به حرام بیفتند، باید از آن جا بیرون بروند. از مجموع آن چه به طور مختصر در بررسی کنترل میل جنسی مطرح شد، این نتیجه به دست می‌آید که کنترل نگاه و چشم، کنترل خیال و فکر، روزه داری، ورزش و در نهایت حفظ حریم زن و مرد و رعایت حدود شرعی، انسان را بر طغیان میل جنسی مسلط خواهد ساخت (کجیاف، 1381: ص106).

فهرست منابع:

- قرآن کریم

- الحرائی، ابو محمد الحسن: «تحف العقول»، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ دوم، 1404 ق.
- حرعاملی، محمد بن الحسن: «وسائل الشیعه»، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ پنجم، 1403 ق.

- خمینی، سید روح الله: «تحریرالوسیله»، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ دوم، 1390 ق.

- خمینی، سید روح الله: «رساله احکام»، تهران، انتشارات اسماعیلیان، 1360.

- دُبس، موریس: «مراحل تربیت»، علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ هفتم، 1362.

- صبور اردوبادی، احمد: «نگاه پاك زن و نگاه های آلوده به او»، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1367.
- طباطبایی، سید محمدحسین: «المیزان»، سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات محمدی، 1397 ق.
- فلسفی، محمد تقی: «بزرگسالان و جوان»، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، چ دهم، 1352.
- فلسفی، محمد تقی: «جوان»، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، چ پانزدهم، 1348.
- فلسفی، محمد تقی: «کودک»، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، چ پانزدهم، 1342.
- کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین: «خلاصه روانپزشکی»، نصرت الله پور افکاری، تبریز، انتشارات ذوقی، چ اول، 1368.
- کجیاف، محمد باقر و همکاران: «بررسی رابطه رضایت زناشویی و بروز اختلالات روانی دختران»، مجله مطالعات زنان، پژوهشکده دانشگاه الزهراء، تهران، بهار 1383.
- کجیاف، محمد باقر: «روان شناسی رفتار جنسی»، تهران، نشر روان، چ دوم، 1381.
- کی نیا، مهدی: «مبانی جرم شناسی»، تهران، نشر دانشگاه تهران، 1362.
- گروهی از نویسندگان: «روان شناسی رشد»، رحمانیان، تهران، انتشارات آگاه، چ دوم، 1367.
- یزدی، سید محمد کاظم: «العروة الوثقی»، بیروت، مؤسسةالاعلمی للمطبوعات، چ دوم، 1409ق.
- Bancroft, J, "Human Sexuality and its Problems", Edinburgh, Churchill Living stone, - 1983.
- .Hyde, J, "Understanding human Sexuality", Mc. Grow, New York, 1986 -
- .Lindzy & Thompson, "Psychology", New York, Worth Publishers , INC , 1988 -
- Shahid Athar, "Sex Education, Teenage Pregnancy, Sex and marriage: Islamic - Perspective", Indiana University School of medicine, 1990
- منبع: برگرفته از مقاله رفتار شناسی جنسی در اندیشه دینی؛ کج باف، محمد باقر؛ نشریه مطالعات راهبردی زنان، بهار 1384 - شماره 27

پی نوشت ها:

- Elderman, M.W [1]
 Hopkins, J [2]
 Loeis Haris Poul [3]
 Ford [4]
 Beach [5]

آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان شناختی

بحث دربارهٔ غریزهٔ جنسی و عوامل رشد آن، انگیزه و نقش جنسی دختر و پسر و چگونگی برخورد با آن، در میان پیروان ادیان الهی که تاریخ شان در دست ماست همچون یهود و مسیحیت مطرح بوده است. با توجه به منابع موجود می توان گفت دیدگاه های متفاوتی دربارهٔ تربیت جنسی، به ویژه چگونگی آموزش نوجوانان، در دوران بلوغ ابراز شده است. انسان ها و در رأس آنها، انبیا و علما به تربیت و آموزش جنسی اهمیت داده، در مقاطع خاصی به آن همت

گماشته اند (اسماعیلی، 1381).

همچنین در قرآن و حدیث و به تبع آن، در کتاب‌های اخلاقی و فقهی، به ویژه در موضوع نکاح، به صورت مستقیم و غیر مستقیم به موضوعات جنسی، در دوره‌های مختلف پرداخته شده است. امروزه روان‌شناسان نیز از فروید تا یونگ، آدلر، هورنای، فورلر و فرانکل درباره موضوعات جنسی بحث و نظریات متفاوتی را مطرح کرده اند (فقیهی، 1384).

آموزش جنسی و اهمیت آن

هر نوجوانی با آموختن نکاتی درباره آناتومی و فیزیولوژی تولید مثل، نگرشی به آن پیدا می‌کند و این نگرش بر رفتار جنسی آینده او تأثیر خواهد گذاشت. هرگاه به دانش مربوط به تولید مثل و موضوعات جنسی، بر اساس برنامه‌های طراحی شده برای آموزش رفتار جنسی و نگرش به آن توجه شود، آموزش جنسی [1] نامیده می‌شود. از دیدگاه اسلامی، هدف از آموزش جنسی ایجاد نگرش‌های سالم و بیان اطلاعات مناسب درباره موضوعات جنسی است و باید شامل آموزش‌هایی باشد که به بهداشت روانی و سازگاری اجتماعی بینجامد و پیشامدهای ناشی از سازگاری اجتماعی و نابهنجاری‌های اخلاقی را به کمترین حد برساند (همان).

در حقیقت، مقصود از تربیت جنسی، از دیدگاه اسلامی این است که فرد را به گونه‌ای تربیت کنیم که وقتی به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد؛ به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد؛ از بی بند و باری بپرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی خلق و خوی او باشد.

انگیزه و رفتار جنسی غریزی است؛ ولی تحت تأثیر عوامل محیطی، کاملاً طبیعی باقی نمی‌ماند و جهت‌های خاصی می‌گیرد؛ از این رو، تکامل زندگی جنسی را نمی‌توان به طبیعت سپرد و از پرورش صحیح آن غفلت کرد؛ بلکه در جهت دستیابی به اهداف مطلوب و جهت دادن فعالیت‌های جنسی باید کوشش نمود. فعالیت‌های جنسی، بدون جهت‌دهی صحیح و برخورداری از برنامه‌ای معین، مشکلاتی را به وجود خواهد آورد که سلامت جسم و روان را به خطر می‌اندازد؛ از سوی دیگر، رها کردن کودک تا سنین نوجوانی و جوانی و عدم تربیت صحیح، او را از رسیدن به سعادت که هدف آفرینش انسان است، باز می‌دارد. امام علی (ع) نداشتن ادب و محروم بودن از تربیت صحیح را عامل تمامی بدی‌ها دانسته، فرمود: «بی ادبی و عدم تربیت صحیح باعث هر بدی می‌گردد» [2] (ابن ابی‌الحدید، بی تا، ص 258).

با این وصف، والدین و معلمان و مربیان موظف اند با آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم موقعیت را به گونه‌ای فراهم آورند که همراه با رشد طبیعی، آگاهی‌های جنسی و مهارت‌های کنترل در نوجوانان و کودکان افزایش یابد تا به میل و اختیار خود، از خطاهای جنسی اجتناب کنند. آموزش مسائل جنسی، به صورت صحیح و کامل در هر دوره، در کنار فراگیری ارزش‌ها و هنجارهای دینی و پرورش مهارت‌های کنترل، افراد را به سوی صلاح و پرهیز از فساد سوق می‌دهد و موجب سلامت روان نسل جوان و جامعه می‌شود.

فواید آموزش جنسی در تحقیقات روان‌شناختی

از نظر هوستون، مارتین و فلدز [3] (1990)، افرادی که در سمینارها و برنامه‌های آموزش جنسی شرکت می‌کنند، بسیار راحت‌تر می‌توانند راجع به مسائل جنسی با نوجوانانشان صحبت کنند؛ همچنین این والدین منابع مناسب خواندنی را درباره مسائل جنسی برای فرزندان خود فراهم می‌آورند (کارون و همکاران، 1993). در پژوهشی ادلوی [4] (1991) نشان داد بیشتر والدین با داشتن یک واحد درسی راجع به آموزش جنسی، در مدارس فرزندانشان موافق بودند. کینگ، پارسی و ادویر [5] (1993) اظهار کرده اند در پژوهش آنها، فقط 18 درصد از شرکت

کنندگان که هیچ دوره آموزش جنسی ای نگذرانده بودند، راجع به مسائل جنسی با کودکانشان گفت و گو کرده بودند؛ در صورتی که 86/5 درصد آنهایی که آموزش جنسی دیده بودند، راجع به مسائل جنسی با فرزندانشان گفت و گو داشت. یکی از پرسش‌های مورد توجه برخی از پژوهشگران این بوده است که آیا گذراندن يك دوره آموزش جنسی برای افراد جوان آثار دراز مدتی بر تمایل آنها برای بحث درباره مسائل جنسی با فرزندانشان، در آینده خواهد داشت یا خیر؟ مطالعات متعددی نشان داده است این دوره‌های آموزشی تأثیرات درازمدتی بر اعضای شرکت کننده داشته است.

به طور کلی، در دوره‌های آموزش جنسی، نوجوانان می‌توانند ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی خود را بیان و تبادل نظر کنند (رودریگوئز، 1989). در همین زمینه، پیلاوی و یتس [6] (1991) معتقدند اولین قدم برای جلوگیری از انحرافات جنسی و بارداری در نوجوانان، دوره‌های آموزش جنسی است و این گونه برنامه‌ها ممکن است نتایج مثبتی به بار آورد. آموزش جنسی صحیح در مدارس باعث می‌شود مسئولیت پذیری و درک نوجوانان از امور جنسی افزایش یابد (منیو و همکاران، 1998). به طور کلی، برنامه‌های آموزش جنسی، آگاهی درباره مسائل جنسی را همراه شکیبایی، در نوجوانان افزایش می‌دهد (ویسر و وان-بیل سن، 1994). برنامه‌های آموزش جنسی باعث می‌شود شروع آمیزش جنسی به تأخیر افتد (یورگنسن پتس و کمپ، 1993؛ کربای و بارت و لیگند و فترو، 1991؛ زابین و هیرش و اسمیت و استریت و هاردی، 1986) و بارداری و سقط جنین در آموزش دیدگان کاهش یابد (وینست و کلیری و اسچلوکتر، 1987؛ ویلیامز و آکلیم و نورتن، 1985).

پژوهشگران بسیاری که به بررسی تأثیر آموزش جنسی پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش جنسی باعث می‌شود فعالیت جنسی، بارداری ناخواسته و سقط جنین کاهش یابد (دارز، چایکس-دارند، مائورین و ویالا و جرمی، 1989؛ دایکاس و کاستنر، 1990؛ ادواردز و استین من و آرنولد و هاکانسون، 1980؛ هاوارد و مک کاب، 1990؛ نافستد، 1992؛ برد ملی سوئد، 1978؛ اشینگ و بلایت و گیلچرست و برت، 1981؛ ترنر و کورپیتا و مون و هیل، 1993). نتایج برخی از مطالعات نشان داده است افرادی که در برنامه‌های آموزش جنسی شرکت می‌کنند، هیچ افزایشی در رفتار جنسی یا تعداد شرکای جنسی آنها مشاهده نمی‌شود (اندرسون و همکاران، 1990؛ داوسون، 1986؛ فرستنبرگ و مور و پترسون، 1985؛ کو و سانستین و پلک، 1992؛ فیلیپر و تاتوم، 1982؛ پیکدی-ویز، دایز-لوینگ، اندراه، پالوس و دیوید، 1990؛ اسپانیر، 1978). مطالعات بسیاری نشان داده است که آموزش جنسی بر سطوح فعالیت جنسی تأثیر ندارد (بالدوین و وایتلی و بالدوین، 1990؛ برگر، 1987؛ برنارد و شوارتز، 1977؛ بلانچارد و نارینگ و میچاد و دوبویس-آربر، 1993؛ دیویدسون و دارلینگ، 1986؛ دی فاین الواریوس و وارم و پترسون و کرون و لاینگ، 1992؛ کیریای، 1985؛ ریز و زیمرمن، 1974؛ ساکوندهاوات و لانگ تونگگام و کاناتو و کاجایست، 1988؛ سیگال و دیکلمنت و دوباین و کراسووسکی و سالیبا، 1995؛ ویز و رانینوویتز و روکستال، 1992؛ ویلانت و جون، 1992؛ یاربر و آنو، 1981)؛ البته پژوهش‌های محدودی نشان می‌دهد که آموزش جنسی سبب می‌شود فعالیت جنسی در آموزش دیدگان افزایش یابد (مارسیگلیو و موت، 1986).

اهداف دوره‌های آموزش جنسی

بررسی پیشینه پژوهش درباره مسائل جنسی حاکی از آن است که بیشتر پژوهشگرانی که در این زمینه تحقیق کرده‌اند، یادآور شده‌اند که دوره‌های آموزش جنسی به دنبال اهدافی نظیر موارد زیر است:

- 1- جلوگیری از بارداری ناخواسته؛
- 2- کاهش بروز بیماری‌های واگیردار جنسی؛
- 3- کاهش میزان اطلاعات نادرست در این زمینه؛
- 4- کمک به نوجوانان و جوانان برای تصمیم‌گیری مناسب درباره مسائل جنسی؛
- 5- کمک به نوجوانان برای اینکه درباره نقش زنان و مردان در جامعه سؤال و تأل نمایند؛
- 6- فراهم آوردن چارچوب اخلاقی برای ابراز احساسات جنسی (ریسز، 1993).

روشن است که این هدف‌های جزئی بخشی از اهداف آموزش جنسی است. پرورش هویت جنسی مطلوب، سالم‌سازی روابط جنسی و پیشگیری از انحرافات جنسی از هدف‌های مهم آموزش جنسی، در جوامع مختلف است. تاریخچه آموزش جنسی، در غرب، نشان‌دهنده گسترده‌تر شدن اهداف آن است. امروزه برنامه‌های آموزشی اهداف متعدد و گسترده‌تری را دنبال می‌کند. برخی از پژوهشگران معتقدند که برای ثمربخشی آموزش‌های جنسی، مداخله دقیق و مناسب، با اهداف تعیین شده و روش‌شناسی مقبول لازم و ضروری است (ملانبی و فلیس و تریپ، 1992).

اصول آموزش جنسی

منظور از اصول آموزش جنسی، دستورالعمل‌های نسبتاً کلی‌ای است که در تربیت جنسی باید رعایت شود. این اصول غالباً، در همه مقاطع سنی وجود دارد (فقیهی، 1375). در اینجا، به بررسی بعضی از این دستورالعمل‌ها، از دیدگاه اسلام می‌پردازیم.

1- اصل توجه به طبیعی و طیب بودن غریزه جنسی: در متون حدیثی، بر طبیعی و طیب بودن این نیاز و نفی پستی از آن تأکید شده است؛ برای مثال هنگامی که به حضرت پیامبر اکرم (ص) خبر رسید که عده‌ای از مسلمانان از زنان خود کناره‌گیری کرده‌اند و به عبادت مشغول شده‌اند، حضرت، آنها را مذمت و نکوهش کرده، فرمود: «آیا از زنان روگردان شده‌اید؛ در حالی که من (که پیامبر شما هستم)، از این امر روگردان نشده‌ام و روز غذا می‌خورم (همه روزها را روزه نمی‌گیرم). و شب می‌خوابم (تمام شب را به عبادت نمی‌گذارم).؟ پس هر کسی از سنت من روگردان شود، از من نیست» و به این مناسب، خداوند متعال، این آیه را نازل فرمود:

یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طیبات ما احلّ الله لکم و لا تعتدوا إنّ الله لا یحبّ المعتدین (مائده، 87)؛ نعمت‌های پاکیزه و حلالی را که خداوند به شما ارزانی داشته، بر خود حرام نکنید، اما از چارچوب حلال نیز تجاوز نکنید که خداوند تجاوزگران را دوست ندارد.

(علامه طباطبایی، 1360).

این رفتار رسول اکرم (ص) و آیه مرتبط با آن حاکی از آن است که تمایل زن و مرد به یکدیگر، طبیعی و مطلوب است و مانند تمایل انسان به خوردن و خوابیدن، به خودی خود نکوهیده نیست؛ بلکه انسان همان طوری که از نعمت‌های خداوندی مانند خوراکی‌ها استفاده می‌کند و لذت می‌برد، به طور طبیعی، از غریزه جنسی لذت برده، از سرکوب آن خودداری می‌نماید.

2- توجه به هماهنگی نیاز جنسی با نیازهای عالی انسانی: از دیدگاه اسلامی، نیاز جنسی در آدمی با نیازهای دیگری مانند دوست داشتن، انس، الفت و رابطه عاطفی آمیخته است؛ از این رو، باید مجموعه این نیازها را ساختار واحدی دانست که همه آنها، هماهنگ با هم، در رفتار جنسی تبلور می‌یابد. امام رضا (ع) فرمود: «اگر درباره ازدواج آیتی محکم و سنتی پیروی شده از رسول خدا (ص) هم نبود، باز موضوع نیکی به خویشاوندان و مأنوس شدن با بیگانه که زمینه آن را خداوند، به صورت طبیعی، در انسان‌ها قرار داده است، انگیزه‌ای بود که خردمند صاحب دل به ازدواج رغبت کند و عاقل درست‌اندیش به آن بشتابد» [7] (محمدی ری شهری، 1376).

ص 2248-2249)؛ همچنین رسول اکرم(ص) فرمود: «بنایی در اسلام، نزد خدا، محبوب تر و عزیزتر از ازدواج نیست» [8] (مجلسی، 1413، ص 222). از این دو حدیث می‌توان دریافت که: رابطه جنسی، طبیعی است و عمل جنسی نه تنها مذمت نمی‌شود و عملی پست نیست، بلکه خردمندانه است.

3- اهمیت ازدواج: بنای روانی و عاطفی انسان با ازدواج و ارضای این غریزه طبیعی سامان می‌پذیرد و باعث خلق و خوی نیکو و روابط عاطفی و انسانی مطلوب می‌شود که محبوب خداوند متعال است. خردمندانه بودن ازدواج و محبوب بودن آن، نزد خداوند، به این علت است که ازدواج و ارتباط جنسی با احساسات عالی انسانی آمیخته و زمینه ساز آن است که انسان عملاً، به بسیاری از فضایل اخلاقی و روابط اجتماعی مناسب روی آورد.

4- تبعیت تربیت جنسی از نظام تربیتی: از منظر اسلام، تربیت جنسی تابع ضوابط کلی نظام تربیتی است و باید زمینه ساز اهداف کلی تعلیم و تربیت در راه تکامل انسان و هدف عالی قرب باشد؛ از این رو است که در متون حدیثی، بهترین وسیله یاری دهنده برای اطاعت پروردگار و دیانت مؤمنان عنوان شده است. رسول اکرم(ص)، پس از ازدواج حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س)، از حضرت علی(ع) پرسید: «برداشت تو از همسرت چیست؟»، حضرت علی(ع) فرمود: «بهترین کمک کننده بر اطاعت پروردگار است» [9] (همان، ص 117).

در باب توجه به ازدواج، پیامبر اکرم(ص) به یکی از اصحاب که جوانی مجرد بود، فرمود: «ای جوویر! ای کاش ازدواج می‌کردی تا عفت خود را حفظ کنی و این امر کمک تو در دین و دنیا باشد» [10] (همان، ص 118؛ حر عاملی، 1398، ص 14).

5- حفظ ارزشمندی متربی: توجه دادن نوجوان به کرامت و بزرگی خویش، از طریق تکریم وی، جلوگیری از توهین به شخصیت او و دوری شدید از خوار شمردن وی یکی از اصول مهمی است که می‌تواند به صورت یک کنترل درونی، مانع از ارتکاب اعمال پست و مبتنی بر امیال افراط‌گرایانه شهوانی شود. امیر المومنین فرمود: «کسی که کرامت نفس داشته باشد، امیال و شهوات افراطی پیش او پست جلوه می‌کند» [11] (مجلسی، 1413، ص 78)؛ منظور این است که اگر ارزشمندی و عزت کسی درونی شده باشد و احساس کرامت کند، امیال پست و ناشایست در او شکل نمی‌گیرد.

6- ارایه آموزش متناسب با سن و ویژگی‌های یادگیرنده: آگاه‌سازی باید با توجه به موقعیت سنی و روانی-عاطفی، به دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم باشد؛ برای مثال زمانی که فرزندان، در آستانه بلوغ هستند و انگیزه جنسی، در آنها، تا حدی بیدار می‌شود، باید از هر دو شیوه استفاده نمود و با راهنمایی‌های به موقع، آنان را از نشانه‌های بلوغ و عوارض آن آگاه ساخت تا از بروز نگرانی و اضطراب که معمولاً در این زمان به وجود می‌آید، جلوگیری شده، آن را امری طبیعی تلقی نمایند. ارایه راهنمایی‌های به موقع، نوجوان را از مراجعه به دوستان یا اخیانا، خواندن کتاب‌هایی که معمولاً، زیان‌های گوناگون دارد، بی‌نیاز می‌سازد. آگاهی دادن به کودکان، در آستانه بلوغ، درباره تحولات جسمی و روانی آنها و نشانه‌های جدید و ناشناخته‌ای که به وجود می‌آید، لازم و ضروری است و آنان را نباید در ابهام رها کرد. از طرفی، با توجه به اینکه دختران، حدود دو سال، زودتر از پسران به بلوغ می‌رسند، وظیفه مادران در مورد دختران حساس‌تر است. مادر باید با صمیمیت و دلسوزی، در کنار دختر تازه بالغ خود باشد و همواره، نقش راهنمایی آگاه و محرم اسرار را ایفا نماید؛ همین وظیفه را پدر در مورد پسر نوجوان خود دارد. در تمام این مراحل، باید آگاهی دادن توأم با عفت و مراعات ظرافت‌های لازم باشد تا پرده‌های حجب میان فرزندان و والدین از بین نرود (سادات، 1368).

7- درهم آمیختگی تقوا و تأمین نیاز: رعایت تقوا و ترس از عذاب الهی، نقش مهمی در کنترل

غریز از جمله غریزه جنسی دارد. کسی که هدایت و زمام حواس ظاهر و باطن خود را به عقل و شرع سپرده باشد، به راحتی می‌تواند هنگام انتخاب‌ها (برای تأمین نیاز و ارضای خود) راه شایسته را برگزیند و از لغزش‌ها مصون بماند. کسی که در زندگی روزمره، خدا را شاهد و ناظر گفتار و کردار خود ببیند، با تمام وجود تلاش می‌نماید که رضایت او را به دست آورد (ثابت، 1379).

8- آموزش تدریجی: آموزش جنسی همانند حوزه‌های دیگر تربیت، دفعی نیست و در طی زمان و به تدریج، در طول مراحل رشد باید انجام پذیرد. رعایت اصل تدریج به این صورت است که با توجه به مسائل عمده جنسی، در هر مرحله از رشد، آموزش‌های لازم ارایه گردد تا در سنین مختلف، مجموعه آموزش‌ها آموخته شود. نباید انتظار داشت که متربی همه مطالب را یکباره درک کند؛ بلکه به مقتضای هر مرحله، به تدریج، بخشی از مطالب یاد گرفته می‌شود. آموزش باید از مطالب ساده آغاز و در ادامه، مطالب پیچیده‌تر را دربر گیرد؛ به همین دلیل، در متون روایی، در هر مرحله سنی، آموزش‌های مختلفی با هدف تربیت جنسی مطرح گردیده است. در ادامه این مقاله، به برخی از روایات در این زمینه اشاره شده است.

به طور کلی، از دیدگاه اسلامی، در آموزش جنسی مانند تربیت‌های دیگر، باید ضوابطی را رعایت کرد. رعایت اعتدال، هدایت متناسب با دوره رشد، پرورش حیا، پیشگیری از انحرافات جنسی و اصلاح و تغییر رفتار از آن جمله محسوب می‌شود (فقیهی، 1385، ص 360-362).

محتوای برنامه‌های آموزش جنسی

در آموزش جنسی، باید به موضوعات پایه‌ای توجه شود. از نظر کامپتون (1989)، آموزش دهندگان می‌توانند از برخی از نظریه‌های روان‌شناسی بهره‌گیرند. که راهنمایی‌های کلیدی برای درک بهتر مسائل جنسی انسان در اختیار می‌گذارند. آموزش جنسی می‌تواند اطلاعاتی را درباره رشد بدن، رفتارهای جنسی و برقراری ارتباط سالم دربر گیرد. محتوای آموزش جنسی باید، متناسب با سن و سطح تحول مخاطبان (لندریو، 1994)؛ همچنین محتوای برنامه‌های آموزش مسائل جنسی باید به گونه‌ای باشد که برای تمامی شرکت‌کنندگان مناسب باشد (ویراکن، 1994).

همان‌طور که افراد درباری فیزیولوژی جنسی آموزش می‌بینند، باید با مسائل روان‌شناختی مرتبط با آن آشنا شوند (همان). آموزش مسائل جنسی باید دربردارنده مواردی از نظام و فرایند تولید مثل، آثار توارث، عملکرد بیوشیمیایی مربوط به جنس، تفاوت‌های آناتومی جنس‌ها، تغییرات روان‌شناختی، از کودکی تا بزرگسالی و آثار این تغییرات بر رفتار باشد؛ بنابراین، باید الگویی چندبعدی شامل ابعاد زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اخلاقی و فرهنگی برای آموزش مسائل جنسی در نظر گرفته شود تا رویکردی منسجم و همراه اطلاعات مناسب و کافی درباره مسائل جنسی فراهم آید (موگلیا، 1994).

الگوهای تعامل درون خانواده تأثیری مهم بر ارتباط احتمالی این الگوها با میزان آموزش جنسی برای نوجوانان دارد؛ به عبارت دیگر، والدینی که در تعامل با نوجوانانشان ارتباط نزدیک و دوستانه دارند، بسیار بهتر می‌توانند در منزل، به نوجوانان آموزش جنسی بدهند؛ همچنین والدینی که تعامل‌های خانوادگی سالم دارند، در آموزش جنسی فرزندان نوجوان خود بیشترین مداخله را دارند (بالدوین و بارانوسکی، 1990).

در دیدگاه اسلامی، علاوه بر این، بر آموزش ارزش‌های بهنجار و نابهنجار در تمایل و رفتار جنسی، آسیب‌های بهداشتی، جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی ناشی از انحرافات جنسی، شیوه‌های کنترل خود در مقابل انحرافات جنسی، احکام فقهی مربوط به حوزه روابط

دختر و پسر و راهبردهای آماده سازی همه جانبه برای ازدواج در دوره نوجوانی و جوانی تأکید شده است. بر اساس این دیدگاه توصیه می شود که از برنامه های آموزشی تحریک کننده پرهیز شود.

شیوه های آموزش جنسی

عمده ترین شیوه های آموزش جنسی که والدین برای آموزش به فرزندان نوجوانشان به کار می برند، عبارت است از:

1- روش آگاهی دهنده با آرایه اطلاعات کافی
 2- روش آگاهی دهنده با آرایه اطلاعات غیر کافی (مثلا توضیحات خیالی، محدودکننده یا نامفهوم)

3- روش غیر آگاهی دهنده (شامل نادیده گرفتن پرسش ها)

4- روشی که در آن، والدین آموزش را به عهده منابع دیگر (نظیر بستگان، دوستان، کتاب ها و رسانه های گروهی) می اندازند.

مطالعات نشان داده اند که بیشتر والدین، در کشورهای غربی، از روش آگاهی دهنده با اطلاعات کافی استفاده می کنند و بیشتر نوجوانان نیز این روش را ترجیح می دهند. به نظر می رسد که روش آموزشی باید، متناسب با سنین رشد، آگاهی دهنده، هدایتگر و پیشگیری کننده از انحرافات باشد؛ بنابراین، از نادیده گرفتن پرسش ها یا دادن اطلاعات نامفهوم و خیالی باید پرهیز شود و بهتر است والدین با یادگیری شیوه های آموزشی مطلوب، خود، عهده دار آموزش جنسی فرزندان شوند.

آموزش جنسی را چه کسانی باید آرایه دهند؟

آموزش مسائل جنسی می تواند در خانه و مدرسه صورت پذیرد و اگر با هماهنگی و همراهی خانه و مدرسه انجام شود، نتیجه بهتر و سریع تر حاصل می گردد. لازم است این آموزش ها به گونه ای القا شود که کمترین عوارض سوء را داشته باشد. با توجه به اینکه همه مسائل جنسی در يك سطح تحریک کنندگی نیستند، آنچه تحریک کنندگی بالایی دارد، باید به صورت غیر مستقیم آموزش داده شود. در آموزش باید، به سطح درک و فهم متربی متوجه کرد. به نظر می رسد مناسب تر است که دستورات و تعالیم شرعی، به صورت مستقیم، و آنچه ناشی از کنجکاوی و تحریکات است، غیر مستقیم آموزش داده شود.

به نظر کمین [12] (1995)، والدین باید بنابر دو فرض مسلم، مسائل جنسی را به فرزندان خود آموزش دهند:

1- والدین زمینه دانش کافی درباره مسائل جنسی را همانند يك مربی خوب و ماهر دارند.

2- گرفتن تصمیم مبنی بر آموزش مسائل جنسی به فرزندان، در حیطه اختیارات خود والدین است.

والدینی که تصمیم ندارند مربی آموزش جنسی به فرزندانشان باشند یا تمایل ندارند که در مدارس، فرزندانشان درباره مسائل جنسی آموزش ببینند، اصولا از این هراس دارند که این آموزش ها بی قیدی در امور جنسی را در فرزندانشان رواج دهد (ادلوی، 1991). ریس و سیدل [13] (1989) در همین زمینه اظهار می دارند که مدیران و معلمان، والدین را مانعی عمده در اجرای برنامه های رسمی آموزش جنسی در مدارس می دانند و احساس می کنند والدین عموما، هنگام صحبت راجع به مسائل جنسی با فرزندانشان احساس ناراحتی می کنند.

آموزش جنسی در دوران کودکی

آموزش جنسی و نقش جنسیتی، اصطلاحا به فرایندی گفته می شود که کودکان، از طریق آن،

با ارزش‌ها، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهایی آشنا شوند که در یک فرهنگ، مخصوص مردان یا زنان است و هدف از آن، پرورش کودکان برای ایفای نقش جنسیتی ویژه است. بر اساس چنین فرایندی، کودک به مفاهیمی چون نقش رفتار جنسی، الگوهای رفتاری طبقه بندی شده و پذیرش نقش جنسیت توجه می‌کند (حوزه و دانشگاه، 1372). تحقیقات نشان می‌دهد که قسمت عمده تجارب یادگیری جنسی، در دوران کودکی، بدون دخالت پدر و مادر است؛ ولی توجه آگاهانه به جنس کودک در رفتار و نوع برخورد والدین بسیار مؤثر است؛ مثلاً در خانواده‌ها، با پسر بچه‌ها با خشونت بیشتری نسبت به دختر بچه‌ها رفتار می‌شود (کاپلان و سادوک، 1379) یا به پوشاندن لباس‌های مناسب با جنسیت دختر به دختران و لباس‌های مناسب پسر به پسران و یادآوری رفتارهای مناسب برای دختران و پسران اهمیت داده می‌شود؛ به طوری که اغلب، از مهم‌ترین آداب تربیتی در خانواده به شمار می‌آید (احمدی، 1373).

گرچه بعضی از افراد عقیده دارند تربیت جنسی ویژه دوران بلوغ است، تحقیقات نشان می‌دهد توجه به امور جنسی و موضوعات مربوط به آن، از کودکی آغاز می‌شود. سربین [14] مطالعات وسیعی در زمینه عوامل شناختی کرده که نشان می‌دهد تربیت جنسی، از سنین اولیه کودکی لازم است. مسائل جنسی برای نوجوانان در سنین بلوغ مرموز نیست و آنان کمتر به اطلاعات مفید نیازمندند؛ چون نوجوان، در سال‌های قبل، از راه‌های مختلف، اطلاعات جنسی خود را به دست آورده است.

باید توجه داشت از نظر اسلام، دوران بلوغ، دوران افزایش هدایت و کنترل است؛ نه دوران آغاز تربیت جنسی؛ از این رو، به این امر، از سنین کودکی باید توجه شود و تعویق این نوع تربیت ممکن است انحراف از رشد طبیعی را به دنبال داشته باشد (معرفاوی، 1379).

راهبردهای آموزش جنسی در دوران کودکی

در زمینه آموزش‌های جنسی، در متون دینی و روان‌شناختی، راهبردهایی ارائه شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

1- آرایه اطلاعات متناسب با سن کودک: رفتار آدمی متأثر از اندیشه‌ها، امیال و آرزوهایی است که در دوران کودکی داشته است. اگر کودک در مورد مسائل جنسی اندیشه‌های درست داشته باشد، قطعاً در دوره‌های بعد زندگی، رفتارهایی سازگار و هماهنگ با اهداف متعالی انسانی خواهد داشت؛ از این رو، اطلاعات جنسیتی مربوط به دختر و پسر و انتظاراتی که از هر یک، در رفتارها، بازی‌ها، لباس پوشیدن‌ها و مانند آن وجود دارد، باید با روش‌های مناسب، به آنها منتقل شود. در سنین پایین، نباید به مسائل جنسی دامن زد و ذهن جست‌وجوگر و فعال کودک را با آرایه افکار و تحریکات مسائل جنسی آلوده کرد؛ بنابراین، باید زمانی که کودک به بلوغ جنسی نزدیک می‌شود و نسبت به امور جنسی درک و فهمی پیدا می‌نماید، به فراخور درک وی، به مسائل جنسی پرداخت (ثابت، 1381).

2- پاسخ مناسب به پرسش‌های جنسی کودک: کودکان معمولاً، در دوره پیش از بلوغ، مستقیم یا غیر مستقیم، پرسش‌هایی درباره امور جنسی دارند. بعضی از پدران و مادران به انگیزه پرده‌پوشی از پاسخ دادن به کودکان طفره می‌روند و با عباراتی نظیر «بزرگ می‌شوی، می‌فهمی» و امثال آن بچه‌ها را ساکت می‌کنند؛ بعضی والدین پاسخ می‌دهند؛ اما پاسخ‌های نادرست که خود کودک غالباً متوجه آنها می‌شود. این دو روش هیچ کدام درست نیست؛ زیرا کودکی که سؤال می‌کند و راهنمایی نمی‌شود، ممکن است به وسیله دیگران منحرف گردد. خوشبختانه این پرسش‌ها نسبتاً ساده است و می‌توان به راحتی، به آنها پاسخ مناسب داد.

پاسخ، باید در حد فهم کودک بوده، حاوی بدآموزی نباشد تا زمینه لغزش و انحراف او را فراهم نکند. پاسخ‌ها باید درست و خالی از اوهام، قانع‌کننده، بدون هتک حرمت و توأم با حیا بین فرزند و والدین باشد؛ همچنین نباید در سؤال‌کننده تنفر و بی‌میلی به پرسش جنسی ایجاد کند. عادی برخورد کردن با سؤال‌کننده مسائل جنسی نیز مهم است تا به مسئله جنسی حساس تر نشود. از دیگر نکات مهم در پاسخ به پرسش‌های کودکان، اکتفا و کمترین حد و قدر کفایت، کلی‌گویی، طرح موضوعات همراه با تقویت روحیه معنوی در مربی، زمینه‌سازی‌های مناسب برای پاسخ و در قالب مفاهیم دینی است (همان).

3- آموزش غیر مستقیم: در دوره کودکی، آموزش‌های غیر مستقیم مناسب‌تر و مؤثرتر از آموزش‌های مستقیم است که بن‌نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

الف. نگهداری حیوانات در خانه: کودکان با دیدن و شنیدن حاملگی حیوانات و نوزادان آنها برخی پاسخ‌های خود را می‌گیرند یا زمینه درک بهتری از آنها برایشان فراهم می‌گردد.

ب. تولید گل و گیاه: کشت بذر و تولید گل و گیاه و رشد آنها درس مناسب و مشابهی برای فرزندان است.

ج. ذکر داستان‌ها: داستان‌هایی از زندگی حیوانات و انسان می‌تواند حاوی نکات ارزنده‌ای باشد که پاسخگوی برخی از پرسش‌های کودکان باشد.

د. توجه دادن کودکان به تولد نوزادان که به صورت طبیعی مشاهده می‌شود، پاسخگوی بعضی از پرسش‌های آنان خواهد بود (همان).

4- آموزش حدود روابط دختر و پسر: لازم است روابط کودکان تحت نظارت غیر مستقیم والدین باشد؛ زیرا گاهی، در این روابط، تمایلات همجنس‌گرایانه شکل می‌گیرد و آنها، دور از کنترل والدین، به التذاذ جنسی از همدیگر می‌پردازند؛ از این رو، باید از دوستان و معاشران فرزندان شناخت کافی داشت و حتی روابط خواهران و برادران در خانواده کنترل کافی شود. محرم بودن هر چند از میزان محدودیت می‌کاهد، میل جنسی را از بین نمی‌برد؛ پس نمی‌توان مراقبت را نادیده گرفت (سادات، 1368). لازم است روابط کودکان با نوجوانان کنترل شود. تجربه نشان داده است چون کودکان، در این سنین، رشد عقلی لازم را ندارند، به سادگی ممکن است مورد سوء استفاده نوجوانانی که دستخوش تحولات دوران بلوغ اند، قرار گیرند یا با مطالبی آشنا شوند که در آن مرحله رشد برای آنها مضر است.

5- پیشگیری از بلوغ زودرس: از عوامل ایجادکننده بلوغ زودرس می‌توان هورمون‌ها، عامل محیط، مشکلات عصب‌شناختی، بیماری‌های مغزی و جنبه‌های سرشتی را نام برد (شمیل، 1371). تحریکات زودرس جنسی (مثل تماشای فیلم‌های مبتذل)، روابط بدون ضابطه دختر و پسر و مانند آن برای کودکان عواقب بدی دارد که ممکن است به اعمال انحرافی مانند زنا یا لواط کشیده شوند یا درصدد اغفال خواهر و برادر و دیگران برآیند یا به استمنای مبتلا شوند (امینی، 1368).

به طور کلی، محیط کودک باید زمینه پرورش عفت و پاکدامنی باشد. تمایلات جنسی کودکان باید طوری پرورش یابد که به موقع بیدار شود و زود تحریک نشود. اسلام برای پیشگیری از انحرافات که از طریق تحریک زودهنگام غریزه جنسی به وجود می‌آید، توصیه‌های زیادی کرده است؛ از جمله:

الف. نبود کودکان هنگام آمیزش پدر و مادر: در دستورات اسلامی، این موضوع مهم است که محیط خانوادگی برای دور ماندن از تحریکات نابجای کودکان باید پیراسته شود. اگر محیط خانه آرامش روانی داشته باشد، می‌تواند آثار مطلوب و مؤثری در باروری استعدادها و کودکان و فراگیری فضایل اخلاقی آنها داشته باشد. اسلام برای پیشگیری از بلوغ زودرس، به نبود کودکان

در کنار والدین، در مواقع خاص دستور داده است.

ب. حد بوسیدن بچه‌ها و نوازش آنها: در مکتب اسلام، دربارهٔ محبت کردن والدین به فرزندان تأکید فراوان شده است؛ چنان که پیامبر اسلام (ص) فرمود: «فرزندانتان را زیاد ببوسید و بدانید با هر بوسه، یک درجه در بهشت دارید» (مشکینی، 1377). اسلام این محبت را لازم می‌داند؛ ولی برای جلوگیری از بروز انحرافات، دستوراتی ارائه می‌کند؛ مثلاً تأکید شده است که بوسیدن بچه‌ها و بغل کردن و نوازش آنها حدی دارد و نباید افراط و تفریط شود؛ همچنین نباید افراد غریبه به طفل ابراز محبت کنند و او را نوازش کرده، ببوسند؛ زیرا ممکن است سال‌ها پیش از رسیدن به بلوغ باعث شود کودک تحریک جنسی گردد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «دختر بچهٔ شش‌ساله را پسر بچه نبوسد؛ همچنین زنان از بوسیدن پسر بچه‌ای که سنش از هفت تجاوز کرده است، خودداری کنند» [15] (طبرسی، 1376، ق، ص 115). امیر المؤمنین فرمود: «وقتی دختر بچه‌ای شش‌ساله شد، نامحرم حق ندارد او را ببوسد و همچنین نمی‌تواند او را در آغوش بگیرد» [16] (همان جا).

ج. چگونگی بستر خواب کودکان: راهبرد دیگری که شرع برای پیشگیری از تحریکات جنسی به آن تأکید دارد، جداسازی بستر خواب کودکان از یکدیگر است که برای سنین مختلفی مطرح شده است. حدود سنی مشخص شده، هفت تا ده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «موقعی که فرزندان شما هفت‌ساله شدند، بستر خوابشان را از یکدیگر جدا سازید» [17] (حر عاملی، 1389، ق، ص 28)، و در حدیث دیگر فرمود: «در سنین ده دختر بچه‌ها با دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها با پسر بچه‌ها ن خوابند» [18] (ابو عاشق، 2001، ص 112)؛ با این توصیف روشن است که جداسازی بستر کودک از بستر والدین و کودکان دیگر لازم است؛ زیرا باعث خواهد شد از تحریکات جنسی کودکان جلوگیری شود.

آموزش روابط سالم دختر و پسر در دوران نوجوانی

ارتباط دختر و پسر نوجوان و جوان یکی از موضوعات مهم فرهنگ و اجتماعی روز است که باید به آن پرداخت. ضرورت بحث در این زمینه از تحقیق زیر روشن می‌شود. طبق آمار یکی از پژوهشگران، در دبیرستان‌های منطقهٔ 5 تهران، 54/2 درصد از دختران و پسران بین سنین 16 تا 19 اظهار داشتند که تاکنون، دست کم، با یک جنس مخالف رابطهٔ دوستی برقرار نموده‌اند و این موضوع از این جهت مهم است که 95 درصد این جمعیت آماری، مسلمان و بیش از 86 درصد آنها اهل نماز بودند؛ گرچه مراتب پایبندی آنها به نماز متفاوت بود؛ به هر حال این آمار نشان می‌دهد که موضوع رابطهٔ بین دختر و پسر، در بیش از نیمی از جوانان آموزش داده شود.

1- جذب دختر و پسر به یکدیگر، از طبیعت انسانی نشئت می‌گیرد و تمایل به انس و انیس، غریزهٔ جنسی، زیبایی و محبت از جملهٔ زمینه‌های طبیعی این جذب است. در صورتی که این زمینه‌های طبیعی با سایر زمینه‌های طبیعی و سرشتی دیگر دختران و پسران از قبیل تمایل به خوشبختی، خوبی‌ها، فضایل و ارزش‌ها هماهنگ باشد، زمینهٔ رشد، تکامل و بالندگی را در آنان فراهم می‌سازد؛ به عبارت دیگر، پرورش مجموعهٔ تمایلات فطری و به فعلیت رساندن آنها باعث تعالی سلامت روانی می‌شود. در صورتی که این رشد، یک‌جانبه و فقط در محدودهٔ یکی از آن زمینه‌ها باشد، نابسامانی روانی، مفساد اخلاقی و مشکلات خانوادگی و اجتماعی از پیامدهای آن خواهد بود.

2- معیار اصلی در روابط سالم و ناسالم دختر و پسر، هماهنگی یا ناهماهنگی روابط آنها با تمایلات و گرایش‌های طبیعی و فطری است.

3- لازم است دختر و پسر با مبانی طبیعی و فطری روابط، تمایلات و رفتارهای خود آشنا شوند تا در مواردی که روابط آنها با آن مبانی هماهنگ نیست، با کنترل درونی خود، از آنچه باعث می‌شود شخصیت، عزت و خوشبختی آنها آسیب ببیند، پرهیز نمایند.

دیدگاه قرآنی در روابط دختر و پسر

الف. ارتباط کلامی

ارتباط دختر و پسر، به صورت کلامی، در آیه 23 سوره قصص، درباره حضرت موسی(ع) و دختران شعیب نقل شده است که می‌فرماید:

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ

. کلمه ی «استحیا» از ارتباط کلامی و چشمی همراه با حیا حکایت دارد؛ یعنی در روابط دختر و پسر حیا باید حفظ شود و حیا همان کنترل خود است که نمی‌گذارد فرد به کار زشت پردازد یا بدون ضابطه اقدام به رفتار بنماید.

ب. ارتباط چشمی

ارتباطهای چشمی نیز مشروط به غضّ و خیره نشدن و استمرار نبخشیدن به نگاه و در يك کلمه، نگاه شهوتی نداشتن است و به تعبیر مرحوم شهید مطهری(1353) منظور از غضّ، چشم چرانی است و نظر استقلال‌ی و برنداز کردن جنس مخالف است و نه نظر آلی و مقدمی، یعنی نگاه کردن مقدمه حرف زدن و روبه رو شدن باشد.

در آیه 30 سوره مبارکه نور، منظور از

قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ

و آیه ی

و قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

امر به ترك نگاه شهوانی است. در شأن نزول این آیات آمده است که روزی، جوانی از انصار، در کوچه های مدینه، به زنی برخورد کرد. زنان آن وقت مقنعه خود را پشت گوش می انداختند و قسمتی از گردن آنان دیده می شد. جوان مستمر به او نگاه می کرد تا آنچه وارد کوچه بنی فلان شدند. جوان که غرق در چشم چرانی بود، صورتش به استخوانی که از دیوار بیرون آمده بود، اصابت کرد و خون آمد. در مسیرش، به خدمت حضرت رسول اکرم(ص) رسید. حضرت از او پرسید چه شده است و او جریان را عرض کرد و جبرائیل این آیه را نازل کرد(علامه طباطبایی، 1360، ص 116).

ج. ارتباط تعاونی

همکاری و کمک جنس مخالف، بر اساس آیات مربوط به حضرت موسی(ع) و دختران شعیب جایز است؛ همچنین آیه ی

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى

(مائده، 2) که عام است و تعاون دختر و پسر را به یکدیگر نیز شامل می‌شود، دلیل جواز مساعدت جنس مخالف است.

د. ارتباط احساسی

تمایل به ازدواج که در ارتباط دختر و پسر، در آن دو یا یکی از آنها پدید می‌آید، مردود شناخته نشده است؛ البته تمایل مرضی یعنی تمایل به رفتار جنسی بدون ضابطه، جایز نیست؛ دلیل آن آیه ی

فِي طَمَعِ الْاِذَى فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ

است که در برابر محرك گفتاری زنان مطرح شده است(احزاب، 32).

ه. ارتباط تحریکی

در ارتباط‌های دختر و پسر و زن و مرد، ناپید محرك‌های شهوی از قبیل محرك‌های صوتی، احساسی و رفتاری وجود داشته باشد؛ قرآن در آیه 32 سوره احزاب می‌فرماید:
یا نساء النبی من یأت منکن بفاحشة مبینة یتعاف منها العذاب ضعیف و کان ذلک علی اللہ یسیرا.

فراهم ساختن آمادگی روانی برای تشکیل خانواده

برای تقویت نگرش مثبت به ازدواج در جوانان لازم است در آنان آمادگی‌های روانی ایجاد شود. اجرای این وظیفه به عهده خانواده و مدرسه است. گنجاندن درس‌هایی مانند خانه‌داری، فرزندپروری و احکام، در دوره‌های راهنمایی و متوسطه مفید خواهد بود (شریعت‌مداری، 1371). نوجوان باید برای اهدافی چون لذت، آرامش، حفظ عفت، تقویت ایمان، بقای نسل و پرورش نسل صالح، برای ازدواج ضابطه‌مند آماده شود. امام صادق (ع) فرمود: روزی پیامبر اکرم (ص) به منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «ای مردم! جبرئیل از پیشگاه الهی نزد من آمد و گفت دختران بکر مانند میوه اند؛ موقعی که می‌رسد، اگر چیده نشود، اشعه آفتاب، فاسد و ورزش باد پراکنده اش می‌کند. همچنین دختران وقتی به حد بلوغ رسیدند و مانند زنان، تمایل جنسی احساس نمودند، دارویی جز شوهر ندارند و اگر همسر نگیرند، از فساد ایمن نیستند؛ زیرا آنان بشرند و بشر از خطا مصون نیست» [19] (فرید تنکابنی، 1375، ص 182).

در دوره نوجوانی لازم است درباره شرایط ازدواج و ملاک‌های انتخاب همسر گفت‌وگو شود. چنانچه فرد به رشد جسمی، فکری، بلوغ و پختگی عاطفی و اجتماعی رسید، تشویق شود تا ازدواج کند. گرچه بلوغ جسمی و جنسی اشخاص زودتر از بلوغ اجتماعی و عقلانی شان است، پختگی عاطفی و اجتماعی برای ازدواج لازم است (سجادی، 1379)؛ به همین دلیل استون و استون معتقدند بهترین سن ازدواج زمانی است که بلوغ روحی و اجتماعی روی داده باشد. از بارزترین ملاک‌های انتخاب همسر، هم کفوی، تشابهات فرهنگی، مذهبی و عقیدتی و تجانس روانی عاطفی است که در احادیث، بر آن تأکید شده است. شایستگی روحی نیز، یکی از ملاک‌های انتخاب همسر است. منظور از شایستگی روحی، رشد و بلوغ روحی است. افرادی هستند که از لحاظ قوای عقلانی و خلق و خو به رشد و کمال رسیده‌اند و می‌توانند در دشوارترین موقعیت‌ها، هماهنگی خود را در ازدواج حفظ کنند و افرادی نیز هستند که به علت خلق و خوی مخصوص و فقدان رشد فکری، در بسیاری از موقعیت‌ها، قادر به حفظ هماهنگی نیستند (استون و استون، 1379).

جوانان باید در انتخاب همسر دقت کافی کرده، توانمندی‌ها، خواسته‌ها و نیازهای یکدیگر را بشناسند و از حقوق خود و همسر خود آگاهی کافی داشته باشند. آنها باید با مهارت‌های مطلوب ارتباطی در زندگی مشترک مانند گفت‌وگوی حسنه، خوب گوش کردن، ابراز محبت زبانی و عملی، احترام متقابل از طریق ابراز ارزشمندی همسر و تکریم وی، پرهیز از تحقیر و تمسخر، گذشته، خوش‌رویی و معاشرت نیکو آشنا باشند.

جوانان لازم است بدانند که در زندگی مشترک، باید معنویت و اخلاق حکومت کند و از غرق شدن در شهوات و هواهای نفسانی پرهیز کنند (شرفی، 1376). امام علی (ع) فرمود: «کسی که شهوات خویش را محدود نماید و افراط ننماید، از ارزش انسانی و شخصیت معنوی خود محافظت کرده است» [20] (فرید تنکابنی، 1375، ص 215).

اسلام برای پیشگیری از شهوت‌رانی، ارضای میل جنسی را محدود به همسر می‌کند و به کسانی که امکان ازدواج ندارند، پیشنهادهایی از قبیل روزه، ورزش و تقوا می‌کند.

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعاتی که پژوهشگران بسیاری به آن علاقه مند شده‌اند، مقایسه بین فرهنگی تأثیر آموزش جنسی روی فعالیت جنسی و پیامدهای ناشی از آن است. مقایسه مطالعات مختلف، در کشورهای غربی نشان می‌دهد فرهنگ‌هایی که در آموزش جنسی و خدمات مرتبط با آن (مانند تنظیم خانواده) سیاست بازتری دارند، در کاهش میزان بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین و بیماری‌های مقاربتی، در جوامع خود موفق بوده‌اند (ادلمن و پیتمن، 1986؛ جونز و همکاران، 1985؛ کروگر و ویسنر، 1981؛ سیدلکی، 1987؛ سینخ، 1986).

جونز و همکاران (1985) الگوهای 37 کشور را در زمینه آموزش‌های جنسی و پیامدهای آن مقایسه کردند. نتایج مطالعه آنان نشان می‌دهد، در کشورهای غربی که درباره آموزش‌های جنسی با آزادی بیشتری برخورد می‌شود، میزان بارداری نوجوانان و در نتیجه، سقط جنین کمتر است. مقایسه بین کشورهای آمریکا، کانادا، انگلیس، ولز، سوئد، هلند و فرانسه نشان می‌دهد که آمریکا بیشترین میزان بارداری نوجوانان و سقط جنین را داشته است. در سال 1980، میزان بارداری نوجوانان 15 تا 19 سال، در آمریکا 9/6 درصد، در انگلیس 4/5 درصد و در هلند 1/4 درصد بود.

با مرور پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش‌های جنسی، در غرب می‌توان دریافت که آموزش‌های جنسی، در کشورهای غربی، بیشتر بر پیامدهای آن نظیر بارداری‌های دوران نوجوانی، بیماری‌های مقاربتی و سقط جنین متمرکز است؛ چرا که در این کشورها، برقراری روابط جنسی قبل از ازدواج نسبتاً رایج است و امری نابهنجار تلقی نمی‌شود. دغدغه اصلی سیاست‌گذاران و مسئولان تعلیم و تربیت، در کشورهای غربی، کنترل روابط جنسی و نه پیشگیری از روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده است؛ از این رو، در اغلب برنامه‌های آموزشی جنسی غربی، بر آموزش چگونگی انتقال بیماری‌های مقاربتی، به ویژه ایدز، روش‌های جلوگیری از بارداری و رفتارهای جنسی پرخطر تأکید می‌شود؛ در حالی که از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، آموزش‌های جنسی با هدف حفظ سلامت روح و روان تک‌تک افراد و حفظ خانواده صورت می‌گیرد. از این دیدگاه، روابط جنسی ناسالم می‌تواند پیامدهای جسمانی، روانی و اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد.

از دیدگاه اسلامی، هدف از آموزش جنسی، ایجاد نگرش‌های سالم و بیان اطلاعات مناسب و کافی از موضوعات جنسی است و باید شامل آموزش‌هایی باشد که به بهداشت روانی و سازگاری اجتماعی بینجامد و پیامدهای ناشی از ناسازگاری اجتماعی و اختلالات رفتاری و نابهنجاری‌های اخلاقی را به کمترین حد برساند (فقیهی، 1384)؛ بنابراین، سالم‌سازی روابط جنسی و پیشگیری از انحرافات جنسی از هدف‌های مهم آموزش جنسی است. در محتوای آموزش‌های جنسی باید، ابعاد زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اخلاقی، و فرهنگی در نظر گرفته شود تا رویکردی منسجم و همراه اطلاعات کافی به مسائل جنسی فراهم آید (موگلیا، 1994).

در دیدگاه اسلامی، علاوه بر محتوای مذکور، بر آموزش ارزش‌های بهنجار و نابهنجار در تمایل و رفتار جنسی؛ آسیب‌های بهداشتی، جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی انحرافات جنسی؛ شیوه‌های پرهیز از انحرافات جنسی؛ احکام فقهی مربوط به حوزه روابط دختر و پسر و راهبردهای آماده‌سازی همه‌جانبه برای ازدواج در دوره نوجوانی تأکید می‌شود؛ همچنین توصیه شده است که از برنامه‌های آموزشی‌ای که دختران و پسران را از لحاظ جنسی تحریک می‌کند، پرهیز شود.

در آموزش جنسی بر اساس دیدگاه اسلامی، به اصولی با ویژگی‌های زیر توجه شده است:

الف. نیاز جنسی طبیعی و فطری دارد.

ب. به مجموعه‌ای از نیازهای طبیعی توجه شده است.

ج. با اصول نظام تربیتی هماهنگ است.

د. این اصول تسهیل‌کننده مسیر تربیتی برای دستیابی به اهداف عالی‌تر تربیتی و هدف غایی آفرینش است.

دیدگاه اسلامی به آگاه‌سازی نوجوانان و جوانان از آسیب‌های شخصیتی، معنوی، روانی و جسمی و عوارض اخروی روابط ناسالم توجه کرده است. ازدواج موضوع دیگری است که در فرهنگ غرب، کمتر به آن توجه می‌شود؛ در حالی که راهی مناسب برای رفع نیازهای جنسی و حفظ سلامت اخلاقی، روانی و جسمانی جوانان است که اسلام بر آن تأکید کرده است.

منابع

قرآن مجید.

ابن ابی الحدید. (بی تا)، شرح نهج البلاغه، ط مصر، ج 20-

ابو عاشق، عبد المنعم ابراهیم. (2001)، تربیت البنات فی الاسلام، مصر، مکتبه اولاد الشیخ للتراث.

احمدی، علی اصغر. (1373)، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، تهران، انتشارات اولیاء و مربیان.

استون، آبراهام و هانا استون. (1379)، پاسخ به مسائل جنسی و زناشویی، ترجمه طراز الله اخوان، تهران، نشر ارغوان.

استون، آبراهام و هانا استون. (1379)، دانستنی‌های جنسی و زناشویی، ترجمه محمد رضا دژکام، تهران، کلید طلایی.

استون، گلوریا و سوپر روحی آکوئیلس. (1379)، پاسخ به پرسش‌های جنسی، ترجمه ابو الفضل نظری، تهران، نشر ساحل.

اسماعیلی، اسماعیل. (بی تا)، امثال قرآن، تهران، اسوه.

اسماعیلی، علی. (1381)، جوان، انگیزه و رفتار جنسی، تهران، لقاء النور.

امینی، ابراهیم. (1368)، آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی.

انصاری، محمد علی. (1376 ق)، ترجمه غرر الحکم و در الحکم، قم، مؤسسه خلیج، ج 2-

ثابت، حافظ. (1381)، تربیت جنسی در اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ثابت، حافظ. (1379)، درآمدی بر تربیت جنسی در نهج البلاغه، تربیت اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

جمعی از مولفان. (1372)، روان‌شناسی رشد، تهران، سمت.

جمعی از نویسندگان. (1353)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج 14-

حر عاملی، محمد بن الحسن. (1398 ق)، وسائل الشیعه، تهران، المکتبه الاسلامیه، ج 5-

رضازاده، فاطمه بیگم. (1369)، نظام جنسی کودک و نوجوان در اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران دانشگاه تربیت مدرس.

تربیت اسلامی» پاییز و زمستان 1387 - شماره 7 (صفحه 74)

سادات، محمد علی. (1368)، رفتار پدران و فرزندان، تهران، انتشارات اولیاء و مربیان.

سجادی، محمد کاظم. (1379)، پاسخ به سؤالات جنسی کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات هانی.

شرفی، محمد رضا. (1376)، دنیای نوجوان، تهران، تربیت.
 شریعتمداری، علی. (1371)، روان‌شناسی تربیتی، تهران، نشر سپهر.
 شمیل، شبلی. (1371)، روان‌شناسی بلوغ و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ترجمه پروین قاسمی و فضل‌الله شاهلوئی پور، تهران، انتشارات حسام.
 طبرسی، حسن بن فضل. (1376 ق)، مکارم الاخلاق، تهران، دارالکتاب الاسلامی.
 عطاران، محمد. (1368)، آراء مربیان بزرگ مسلمان، تهران، وزارت آموزش و پرورش، سازمان برنامه ریزی آموزشی.
 علامه طباطبائی، سید محمد حسین. (1360)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، المکتبه الاسلامیه.

فرید تنکابنی، مرتضی. (1372)، الحدیث، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
 فقیهی، علی نقی. (1375)، «اصول تربیت اسلامی»، تعلیم و تربیت، ش 47، ص 21-44.
 کاپلان، هارولد و بنیامین سادوک. (1378)، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتار پروان پزشکی بالینی، ترجمه نصرت‌الله پور افکاری و محمد باقر کجیاف، روان‌شناسی رفتار جنسی، تهران، نشر روان.

کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا)، اصول کافی، تهران، المکتبه الاسلامیه.
 کوچنکف و لاپیک. (1369)، روان‌شناسی و تربیت جنسی، ترجمه محمد تقی زاده، تهران، بنیاد مجلسی، محمد باقر. (1413 ق)، بحار الانوار، بیروت، دار لایحیاء التراث العربی.
 مشکینی، علی. (1377)، ازدواج در اسلام، قم، انتشارات الهادی.
 مطهری، مرتضی. (1353)، مسئله حجاب، تهران، شرکت سهامی انتشار.
 معرفی، ابراهیم. (1379)، تربیت جنسی فراموش شده، تهران، نشریه بهمن.
 نوری طبرسی. (1987)، المستدرک الوسائل، بیروت، آل‌البتی لایحیاء التراث، ج 2-
 والد من، محمد. (1380)، چگونگی تنظیم روابط و رفتارهای جنسی، پایان‌نامه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

منبع: مجله تربیت اسلامی، پاییز و زمستان 1387 - شماره 7؛ فقیهی، علی نقی؛ شکوهی یکتا، محسن
 پی نوشت ها:

sex education [1]

[2] عدم الادب سبب کل شر.

Huston, Martin Foulds [3]

Adeloye [4]

King, Parisi Odwyer [5]

Pillai Yates [6]

[7] لو لم تکن فی المناکحه و المصاهره آیه محکمه و لا سنّه متبعه، لکان فیما جعل الله فیها من برّ القرب و تألف البعید، ما رغب فیہ العاقل اللّیب و سارع الیها لموفق المصیب.

[8] ما بنی بناء فی الإسلام بناء أحبّ إلى الله عزّ و جلّ و أعزّ من التزویج.

[9] سأل رسول الله (ص) علیاً (ع) : «کیف وجدت اهلك؟» قال: «نعم العون علی طاعة الله».

[10] یا جویر! لو تزوجت امرأة فعففت بها فرجك و أعانتك علی دنياک و آخرتک.

[11] من کرمت علیہ نفسه هانت علیہ شهواته.

Kyman [12]

Reis Seidl [13]

Serben [14]

[15] إذا بلغت الجارية ستّ سنين فلا يقبلها الغلام و الغلام لا تقبله و المرأة إذا جاوز سبع

سنين.

[16] إذ أنت على الجارية ستّ سنين لم يجز أن يقبلها رجلٌ ليست هي بمحرم له و لا يضمّها

اليه.

[17] فرقوا بين اولادكم فى المضاجع إذا بلغوا سبع سنين.

[18] الصّبي و الصّبي، الصّبي و الصّبية، و الصّبية و الصّبية. يفرّق بينهم فى المضاجع بعشر

سنين.

[19] ايها الناس انّ جبرئيل آتاني عن اللّطيف الخبير فقال: انّ الابكار بمنزلة الثّمرة على الشجر إذا

ادرك ثمره فلم يجتنى افسدته الشّمس و نثرته الرياح و كذلك الابكار اذا ما يدرك النساء فليس

لهنّ دواء الا البعولة و الا لم يؤمن عليهنّ الفساد لانهنّ بشر.

[20] من حصر شهوته فقد صان قدره.

کی و چگونه در مورد مسائل جنسی کودک خود گفتگو کنیم؟

امروزه کودکان از طریق مجله، اخبار، فیلم، کارتون و کتاب، مستقیم و غیر مستقیم با اطلاعاتی گوناگون و غالباً زیانبار در مورد روابط جنسی آشنا می‌شوند. از این روی والدین باید راهی بیابند تا بتوانند در برابر این تحریکات و آسیب‌های جسمی و روانی، حصار نفوذناپذیری در اطراف کودک خود بسازند تا رشد روانی و جسمی فرزند آنها سیر طبیعی خود را به سلامت طی کند. اما از آنجا که از این بمباران اطلاعاتی به هیچ وجه نمی‌توان جلوگیری کرد، بهترین راه حل این است که با صداقت و در عین صراحت، با کودک خود در مورد آن صحبت کنیم. این روش از آثار زیانبار اطلاعات نادرست جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود کودک در فضایی امن به تجربه‌هایی صحیح و ارزشمند دست یابد.

گرچه در شرایط کنونی جهان والدین برای انجام این امر مهم یعنی گفتگو با کودک خویش در مورد عشق و سکس بیش از گذشته دچار مشکل هستند، در عوض کوشش در این راه سبب پی‌ریزی آینده‌ای روشن برای کودکان می‌شود؛ زیرا به او می‌آموزد که مهار روح، جسم و زندگی خویش را به دست گیرد و برای خود ارزش قایل شود. وقتی کودک پرسشی از شما می‌کند، نخست از او بخواهید تا نظر خودش را در آن مورد بیان کند: «آیا تابه حال چیزی درباره این موضوع شنیده‌ای؟ قطعاً خودت هم در این باره چیزهایی می‌دونی!». سعی کنید بفهمید اطلاعات فرزند شما از آن موضوع تا چه اندازه است، سپس میزان اطلاعات مورد نیاز او را در نظر بگیرید، تا بتوانید آگاهی‌های نادرست او را تصحیح کرده و اطلاعات لازم را در اختیار او بگذارید. گفتگوی زیر، هوشیاری مادری رانشان می‌دهد که از فرصت به دست آمده، به بهترین وجه استفاده کرده است:

تیموتی: ماما! بچه چه طوری به دنیا می‌آد؟

مادر: شرط می‌بندم خودت به چیزایی می‌دونی! واقعا تو چی فکر می‌کنی؟

تیموتی: من فکر می‌کنم که مامانش اونو مثل اهی میندازه بیرون!

مادر: خوب، اینم به عقیدست! چون بچه بالاخره باید به جور از شکم مادرش بیاد بیرون؛ ولی نه اونجوری که تو فکر می‌کنی چون بچه از یه راه دیگه که توی تن مادره، مثل یه دسته گل بیرون می‌آد و به دنیا لبخند می‌زنه.

برای آن که بدانیم کی و چگونه با کودک در مورد مسائل جنسی گفتگو کنیم باید سه عامل زیر را در نظر بگیریم:

1- سن كودك: كودكان زیر پنج سال، برای درك این موضوع به زبانی بسیار ساده و توضیحات مختصر نیاز دارند. توجه آنها و زمانی که صرف درك مطلب می‌کنند اندك است و تنها از رابطه‌های علت و معلولی، بسیار ابتدایی و مختصر سردر می‌آورند.

2- شخصیت كودك: عده‌ای از كودكان، آمادگی پذیرش دانستن‌های بیشتری را دارند. آنهاراجع به هرچه می‌بینند و یا می‌شنوند کنجکاو نشان می‌دهند و معمولا ذخیره خوبی از اطلاعات و دانستن‌های در مغز خود دارند و هرچه بیشتر بدانند، احساس آرامش بیشتری می‌کنند. اگر فرزند شما از این گونه كودكان است، می‌توانید با خیال راحت به پرسش‌های او پاسخ بدهید و توضیحات مفصل و دقیقی از آنچه می‌خواهد در اختیارش بگذارید. اما همه كودكان چنین نیستند. بعضی از آنها در مقابل هر تحریکی بسیار حساس‌اند. با این كودكان باید محتاطانه رفتار کرد و درباره دادن اطلاعات و نتایج آنها بیشتر دقت کرد. والدین آگاه و هشیار می‌کوشند پاسخ‌های خود را متناسب با سن و شخصیت فرزند خود بیان کنند. به عبارت دیگر، كودکی که خواهان پاسخی کامل و با تمام جزئیات است، اگر پاسخی کوتاه و نارسا از شما دریافت کند، رنجیده خاطر می‌شود و برعکس، كودکی که هنوز به رشد روانی بیشتری برای دریافت و فهم پاسخ مفصل و دقیق نیاز دارد، اگر اطلاعات اضافی دریافت کند، ممکن است آشفته و نگران شود.

3- میزان اطلاعاتی که می‌خواهیم به او منتقل کنیم: هر يك از ما راجع به موضوعات جنسی دارای اعتقادات و باورهای مخصوص به خود هستیم. پس پیش از هرگونه گفتگو با فرزند خود و اینکه چگونه و چه وقت با او درمورد مسایل جنسی سخن بگوییم، باید بدانیم که چه می‌خواهیم، به او بگوییم و چه میزان اطلاعات باید در اختیار او بگذاریم. آموزش امور جنسی تنها در این خلاصه نمی‌شود که به او بگوییم كودك چگونه متولد می‌شود، بلکه شاید این ساده‌ترین بخش آموزش است!

آموزش جنسی بدین معناست که برای شناخت ویژگی‌های گوناگون آدم‌ها، احساس مسؤلیت، خویش‌داری در امور جنسی، چگونگی برقرار کردن رابطه با دیگران، شناخت بدن خویش، نقش‌ها و تفاوت‌های مربوط به امور جنسی، ارزش‌های معنوی، زیان‌های جسمی و روانی و از همه مهمتر درباره امکانات و حق انتخابی که در این زمینه دارند، آنها را یاری کنیم. حالاین پرسش پیش می‌آید که چگونه می‌توانیم مسایل مورد نیاز كودكان خود را بشناسیم، درحالی که نمی‌دانیم خودمان چگونه به این مسائل می‌اندیشیم.

بهترین نقطه شروع این است که به یاد آوریم نخستین بار، والدینمان در این مورد چه نکاتی را با ما در میان گذاشتند و واکنش ما در برابر حرف‌های آنان چگونه بود و اساسا درباره پاسخ‌های آنان چه احساسی داشتیم. آیا پاسخ آنان پرمعنا بود؟ تلخ و تأسف بار بود؟ خنده‌دار و بی‌محتوا بود؟ چندان آرو بود؟ آیا بیش از اندازه لازم اطلاعات دادند یا خیلی کم، خیلی زود و یا خیلی دیر؟ فکر کنید واقعا منتظر چه پاسخی از جانب آنها بودیم؟ چه مطالبی را می‌خواستیم بدانیم؟ آن‌گاه ببینیم که در نظر داریم در مورد امور جنسی تا چه اندازه به كودکمان اطلاعات بدهیم؟ اکنون، زمانی است که اگر لازم بدانید می‌توانید متفاوت با آنچه والدینتان عمل کرده‌اند، رفتار کنید. یا اگر رفتار و گفتار آنها را درست و شایسته می‌دانید، آنها را بهبود بخشید و هوشیارانه به فرزند خود منتقل کنید. زمان آن رسیده است که از خود بپرسید واقعا زندگی خصوصی و جنسی شما چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید درباره جسم خود و استعدادها و توانایی‌های آن: قاعدگی، انزال، استمناء، راز و نیاز عاشقانه، نوازش و آمیزش جنسی و نظایر آن تأمل کنید که مسلما آسان نیست! اکثر ما هنوز درگیری‌های بسیاری با جسم خود داریم که از دوران كودکی مان سرچشمه گرفته است و ممکن است به صورت افسوس یا حسرت و یا

تحقیق جسم بروز کند. این گونه ناهنجاری‌ها ابتدا نیاز به اقرار و باور و سپس تصحیح و رفع کردن دارند. زنان اغلب به شدت از مردها گله مندند، جالب اینکه مردان نیز از زنان شاکی هستند، اما از خود بپرسید این مردان و زنان را چه کسانی پرورش داده اند؟ بی شک پدرها! اگر پیکار بین مرد و زن را دوست ندارید، این بهترین موقعیت است که زمینه آشتی و آتش بس را فراهم کنید. برای این منظور شما می‌توانید دختری تربیت کنید که از جنسیت خود خشنود باشد و نسبت به مردها با احترام رفتار کند و یا پسری پرورش دهید که در عین بالیدن به جنسیت خود، به زن‌ها احترام بگذارد. والدینی که می‌خواهند از فرزندان خود حمایت کنند، باید آگاهانه به بازنگری در باورها و رفتارهای جنسی خود بپردازند. تا ناخودآگاه اطلاعات پراکنده و نادرست را به فرزندشان منتقل نکنند. درباره احساس خود نسبت به مسایل جنسی صادق باشید: آیا واقعا برایتان لذتبخش است؟ یا از این همه هیاهو درباره این موضوع حیرت زده می‌شوید؟ آیا از آن وحشت دارید؟ اگر بتوانید ترس‌های خود را بشناسید و بپذیرید، قادر خواهید بود برنامه‌ای دقیق و منسجم برای گفتگوی خود با فرزندتان طراحی کنید. والدین آگاه، حتی اگر خود از ارتفاع و پرواز می‌ترسند، برای حفظ آرامش فرزندشان، چنین ترسی را از او دور نگه می‌دارند. چنانچه ترس‌ها و باورهای منفی و مزاحم، مانع از بروز واکنش درست شود، بسیار بجا است که از همسر خود یا دوستان و نزدیکان خود بخواهید به شما کمک کنند و با فرزندتان به گفتگو بنشینند و اگر آن نیز مقدور نباشد، کتاب‌های گوناگونی وجود دارند که می‌توانند به شما کمک کنند. یکی از آنها را با در نظر گرفتن میزان اطلاعاتی که می‌خواهید به کودکان منتقل کنید، انتخاب کنید و در دسترس او قرار دهید. البته در صورت انتخاب چنین راه حلی بهتر است خودتان نیز نزد مشاور بروید و درباره احساسات و عواطف شخصی و جنسی‌تان با او مشاوره کنید تا دریابید که چرا از روابط جنسی خود لذت نمی‌برید؟ چه بر سر احساسات شما آمده است؟ واقعا از چه چیزی و چرا می‌ترسید؟ آیا واقعا از بدن خود لذت می‌برید یا از آن بدن خود ناراضی هستید؟ آیا استمنا را بخشی طبیعی از کنجکاوی جنسی می‌دانید یا آن را نفرت‌انگیز می‌پندارید؟ اگر بپذیرید که این عمل در کودکی بسیار طبیعی است، نسبت به خود و جسم خود احساس مطبوع‌تری پیدا می‌کنید. نظر شما راجع به همجنس‌گرایی چیست؟ پیش از طرح هرگونه گفتگو در مورد امور جنسی با فرزند خود، شما نیازمند آن هستید که راجع به مسایل مطرح شده با خود کمی خلوت کرده و خوب فکر کنید؛ مطمئن باشید که فرزند شما در مورد مسائلی که شرح آن‌چندان هم ساده نیست، روزی از شما سؤال خواهد کرد!

کودکان 2 تا 4 ساله در مورد تفاوت جسم خویش با جنس مخالف کنجکاوی بیشتری از خود نشان می‌دهند و درباره آن سؤال می‌کنند.

بچه‌های دبستانی معمولا درباره چگونگی به وجود آمدن بچه، کنجکاو هستند. بچه‌های 9 تا 12 ساله به علت روابط اجتماعی‌شان، بیشتر راجع به ایدز، چگونگی آشنایی والدین با یکدیگر و روابط آنها قبل از ازدواج، کنجکاو نشان می‌دهند.

چنانچه نتوانیم بی‌پرده به پرسش‌های فرزندمان باهوش خود پاسخ دهیم و شرم و حیا مانع از این کار شود، می‌توانیم کتاب‌های مناسبی در اختیارشان قرار بدهیم، به شرط آنکه قبلا آنها را مطالعه کرده باشیم!

منبع: روانشناسی جامعه، خرداد 1384 - شماره 23؛ آوا سیکلر؛ مترجم: کدخدایان، میترا

نقد آموزش جنسی در جهان غرب

امروزه دو نوع رویکرد بنیادی نسبت به آموزش جنسی وجود دارد که شاید بتوان گفت دغدغه اصلی در این رویکردها فراگیر شدن فساد جنسی است؛ یعنی در هر يك از این دو رویکرد، تلاش شده مفاصد این نحوه آموزش به حداقل کاهش یابد، اما برخی از آن‌ها هیچ توفیقی کسب نکرده‌اند. این دو رویکرد عبارتند از: «آموزش غیرمستقیم» و «آموزش مستقیم».

رویکرد آموزش غیرمستقیم، با شعار «خودنگهداری نه، اما...» درصدد است دو امر را به دانش آموزان تفهیم کند: اول، خویشتن داری تنها راه اجتناب از حاملگی، ایدز و سایر امراض مقاربتی است. دوم، اگر دانش آموزی از جهت جنسی فعال است و قادر به خویشتن داری نیست، می‌تواند با استفاده پیوسته و به جا از کاندوم این خطر را کاهش دهد. این الگوی مختلط که هم اکنون نیز در بسیاری از مدارس دولتی و خصوصی رایج است، برای بسیاری از مردم تبدیل به يك باور شده است. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد در این الگو، مشکلات بنیادی وجود دارد. مشکل اساسی این است که این الگو پیامی دوگانه ارسال می‌کند و مضمون آن چنین است که ارضای جنسی را ترك کن، اما برای ارضای آن راه نسبتاً امنی وجود دارد. این گونه آموزش در واقع آموزش غیرمستقیم جنسی است که تأثیر منفی آن کم‌تر از آموزش مستقیم نیست. تأکید این گونه آموزش نیز، بر خود تصمیم‌گیری است، نه بر تصمیم‌شایسته گرفتن. بنابراین، آموزش غیرمستقیم از جهت اخلاقی و بهداشت عمومی قابل توجیه نیست.

اما رویکرد آموزش مستقیم به معنای کمک به جوانان برای رسیدن به امنیت، سعادت و منش است. هدف این رویکرد، آموزش عفت است. این رویکرد سه امر را توصیه می‌کند:

- 1- خویشتن داری جنسی تنها راه سلامت بهداشتی بوده و از نظر اخلاقی گزینه‌ای مسئولانه برای جوانان مجرد است.
- 2- بر خلاف آنچه در بالا بیان شد، کاندوم نمی‌تواند ارضای جنسی قبل از ازدواج را تبدیل به ارضایی مسئولانه کند، زیرا نمی‌تواند سلامت جسمانی آدمی و سلامت عاطفی و اخلاقی او را تأمین کند.

3- تنها راه درست سلامت جنسی، ارضای آن از طریق برگزیدن همسر و شریک زندگی است؛ کسی که فقط با شما رابطه جنسی داشته باشد. اگر از مجامعت قبل از ازدواج پرهیز کنید، شانس زیادتری برای سلامت و توانایی فرزنددار شدن خواهید داشت. هر چند این دیدگاه با دیدگاه دینی بسیار نزدیک است، اما بزرگ‌ترین مشکل آن این است که این سؤال مهم را بدون پاسخ گذارده است که برای جوانانی که قادر به خویشتن داری نیستند، چه چاره‌ای باید اندیشید؟

برای اصلاح جامعه‌ای که لذت بخشی برای او تبدیل به فلسفه زندگی شده و تمام رسانه‌های گروهی و تبلیغات تجاری با آن همراه شده است، راهکارهایی و راه تغییر آموزش‌های جنسی رسمی نیاز است.

ضرورت آموزش جنسی

به نظر می‌رسد ضرورت‌های زمان، لزوم اطلاع‌رسانی صحیح و جلوگیری از اطلاعات انحرافی و ده‌ها دلیل دیگر، ضرورت طراحی يك برنامه درسی مناسب را توجیه می‌کند. برخی از این دلایل به شرح زیر است:

الف) در دوران پیش دبستانی: هر که با کودکان سر و کار داشته باشد، می‌داند کودک اصولاً کنجکاو و پیوسته درصدد طرح سؤال است. یکی از سؤال‌هایی که معمولاً کودکان در سنین پایین می‌پرسند، درباره نحوه پیدایش و تولدشان است. به طور طبیعی، کودک در پی یافتن

پاسخ‌های سؤالاتش است. چنین نیست که با پاسخ ندادن، از کنجکاوی او کاسته شود. او سؤالش را آن قدر تکرار خواهد کرد تا پاسخی بشنود.

ب) کودکان بسته به شرایط محیطی، با پدیده‌هایی روبه‌رو می‌شوند که برایشان سؤال برانگیز است و می‌خواهند جواب سؤالهایشان را بدانند.

ج) هر يك از دختران و پسران در دوران بلوغ، با تغییراتی اساسی در وضعیت جسمانی و روانی خود روبه‌رو می‌شوند. آیا برای آنان سؤال برانگیز نیست که چرا و چگونه این اتفاقات می‌افتد؟ چه کسی باید به این سؤالات پاسخ دهد؟ آیا نوجوان حق ندارد پاسخ سؤالات مربوط به خود را بداند؟ اگر نیاز به دانستن ضروری نبود، مطابق حکمت الهی اصلاً سؤالی به ذهن کسی نمی‌رسید.

د) مواردی دیده شده که دختران نسبت به پسران و به عکس، نگرش نادرستی دارند. گاهی آن‌ها را موجوداتی فرشته‌صفت و گاهی در زمره دیوان و ددان می‌دانند. به راستی، آیا لازم نیست این نگرش‌ها تعدیل شود و درک درست آن‌ها از یکدیگر به دست آید تا هر يك بدانند در جامعه، محیط کار و زندگی آینده با چه کسی مواجه است. عاملی که می‌تواند بسیاری از ناسازگاری‌ها را ایجاد کند، طلاق‌ها و کج خلقی‌های زیادی به وجود آورد و خانواده‌ها را تباہ کند و یا موجب سعادت و خوشبختی خانواده‌ها شود. آیا لازم نیست برای ایجاد خانواده و جامعه سالم، تلاش شود؟

ه) آیا گرایش پسران و دختران در دوران بلوغ به عشق‌های افراطی و سقوط در دره‌های خطرناک بی‌عفتی، اقتضا نمی‌کند که پیش از واقعه با آگاهی دادن چاره‌اندیشی کنیم؟ چه کسی به این سؤالات دختران و پسران پاسخ می‌دهد؛ آیا عاشقی جرم است؟ آیا دوستی بین پسر و دختر گناه است؟ اگر عاشق باشم چه باید بکنم؟ و... اگر مدیری بیندارد که با اجبار و تحمیل، می‌توان از طرح و بروز آنها جلوگیری کرد، سخت در اشتباه است. این مبارزه، افراد را در اندیشه خود پایدارتر خواهد کرد.

به راستی از چه راهی جز آموزش می‌توان خطرات خودارضایی یا همجنس‌بازی را به دختران و پسران یادآور شد و راه‌های خویشتن‌داری و تأخیر تا وقت مناسب را به آن‌ها آموخت؟ (و بعضاً دیده می‌شود دختر و پسری پس از ازدواج فهمیده‌اند که ازدواج آن‌ها به لحاظ پزشکی، قانونی یا شرعی نادرست بوده و نباید با یکدیگر ازدواج می‌کرده‌اند. به راستی، اگر نهاد تعلیم و تربیت، پاسخ‌گوی این مسایل نباشد، کدام نهاد باید به آنها پاسخ دهد؟ آموزش و پرورش با طراحی و اجرای برنامه‌درسی مناسب می‌تواند کمک زیادی به کاهش این مشکلات نماید، ولی باید از هرگونه افراط یا تفریط در طرح چنین مباحثی، خودداری شود. از این رو، توصیه می‌شود مربیان و معلمان‌ی که این مباحث را مطرح می‌کنند، اولاً خود آموزش دیده و ثانیاً، متعهد و دلسوز باشند.

ز) علاوه بر موارد مزبور، این موضوع در سطح بین‌المللی نیز مطرح است و طبیعتاً دیدگاه دینی می‌تواند در این جهت پاسخ مناسبی ارائه دهد. با رعایت دقت و احتیاط و روشن بینی در برنامه‌ریزی و توجه جدی به عفت عمومی، حفظ متانت و حیا می‌توان طرحی ارائه داد که پاسخگوی نیازهای جامعه امروز باشد؛ طرحی که با مشارکت گروهی از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، فقهای آگاه به شرایط زمان و افراد مجرب‌ی که سالیان دراز عمر خود را در راه تعلیم و تربیت صرف کرده‌اند، تهیه شده باشد. از این طریق است که می‌توان محتوا و همچنین شیوه‌های مناسب برای آموزش آن را بررسی کرد.

اکنون که دنیا به دهکده‌ای کوچک تبدیل شده، سزاوار است از واقعیاتی که در سایر کشورها می‌گذرد و ما از نزدیک شاهد آن هستیم عبرت بگیریم و از حوادث تلخ و غمبار آینده، که در

صورت سهل انگاری حتما رخ خواهد داد، جلوگیری کنیم.
 (ح) عطش رو به افزایش نوجوانان و جوانان نسبت به کسب اطلاعات جنسی، بلوغ و مسایل مربوط به آن.
 (ط) افزایش محرک‌های جنسی ناشی از محیط، تغذیه و بلوغ زودرس.

دیدگاه اسلام نسبت به آموزش جنسی

به دلیل اشتراك و وحدت نظر مکاتب و حیانی در مسایل اساسی، آنچه را در باب نظر اسلام بیان می‌شود، تا حدودی می‌توان به سایر مکاتب و حیانی نیز نسبت داد؛ هر چند نمی‌توان گفت تمام نظرات آن‌ها در این زمینه با اسلام کاملاً منطبق است. به عنوان مثال، «آنتونی کلارک»، که آموزش جنسی را با دیدگاه کاتولیک رومی می‌نگرد، معتقد است آموزش جنسی در مذهب کاتولیک با برترین آرمان‌ها و مبتنی بر تعالیم کلیسا در این باره محقق می‌شود که انسان حقیقی کیست؟ به عقیده او، آموزش جنسی را نباید از آموزش اخلاقی جدا دانست، بلکه باید آن را بخشی از آموزش اخلاقی پنداشت.

قرآن کریم نیز به عنوان کتاب هدایت، تربیت و آموزش، برخی موضوعات مربوط به مسایل جنسی را با صراحت یا کنایه بیان کرده است. تعبیری از قبیل: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نَسَائِكُمْ» [1]، «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» [2]، «و كَوَاعِبَ أُنْرَابًا» [3] و صدها آیه دیگر از این قبیل، گواه روشن این مدعاست.

یکی از اندیشمندان تعلیم و تربیت اسلامی، طی مقاله‌ای در فصلنامه «تعلیم و تربیت» می‌گوید: «خدای متعال در قرآن فرموده هر چیزی جفت آفریده شده و زن به عنوان همسر یا دوست مرد از گل او سرشته شده است. به همین دلیل، این دو جنس به صورت ذاتی به یکدیگر علاقه دارند.»

بی تردید، خدای حکیم در هنگام خلقت هر موجود، ابزار مورد نیاز برای زندگی و کمال را به صورت فطری، در آن به ودیعت نهاده است؛ مثلاً، در آدمی احساس نیاز ایجاد کرده و راه‌های تأمین آن نیازها را نیز تعیین کرده است: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛ پروردگار ما کسی است که همه موجودات را نعمت وجود بخشید و سپس به راه کمال هدایت کرد.» [4]
 در تعالیم اسلام گزینه جنسی و اهمیت آن به عنوان يك حقیقت مسلم پذیرفته شده و برای ارضای آن، راه‌هایی پیشنهاد شده است. اصلاً حکیمانه نیست که خدای متعال نیازی را در آدمی ایجاد کند، اما راه‌های اشباع آن را ببندد.

نگرش اسلام به گزینه جنسی

پذیرش اصل گزینه جنسی

گزینه جنسی به عنوان يك واقعیت پذیرفته شده و برخی کارکردهای آن عبارتند از:
 الف) بقای نسل بشر: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْوَابِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً؛ خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید و از راه همسرانتان، فرزندان و نوادگانی برای شما خلق نمود.» [5]

ب) تأمین آرامش: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ خدای شما کسی است که از خود شما برایتان همسرانی آفرید، تا در کنار آنان بیارامید.» [6]

ج) حفظ عفت: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مَطْهُرًا فَلْيَتَعَفَّفْ بِزَوْجَةٍ؛ کسی که دوست دارد پاک و طاهر به لقای الهی نایل گردد، باید با انتخاب همسر، موجبات عفت و پاکی خود را فراهم آورد.» [7]

نحوه ارضای گزینه جنسی

الف) توصیه به ازدواج و مذمت شیوه‌های رهبانی و انتخاب عزوبت: نقل شده است که روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله احوال قیامت را برای مردم توصیف نمودند. پس از آن، دو نفر از مسلمانان به منزل «عثمان بن مظعون» آمدند و با يك ديگر قرار گذاشتند روزها روزه بگیرند و شب‌ها عبادت کنند، در بستر ن خوابند، گوشت نخورند، با زنان نزدیکی نکنند، عطر استعمال نمایند و... وقتی این خبر به رسول الله صلی الله علیه و آله رسید، فرمودند: من به چنین روشی مأمور نیستم. آنگاه فرمودند: نفس شما به گردن شما حق دارد. .. من، هم عبادت می‌کنم، هم می‌خوابم، هم افطار می‌کنم، گوشت و چربی می‌خورم و سراغ زنان می‌روم. هر کس از سنت من اعراض کند از من نیست، [8]... ترك مرادده با همسر در دین من نیست. ایشان در روایت دیگری می‌فرمایند: «بدترین شما عیب‌های شما و پست‌ترین مردگان شما نیز عیب‌هایند.» [9]

ب) ارضای جنسی از طریق ازدواج و انتخاب همسر. تعیین وظیفه برای والدین

الف) توجه دادن والدین به این که تا اطمینان به خواب بودن فرزندان ندارند، از هر اقدام جنسی امتناع کنند.

ب) جلوگیری از بلوغ زودرس اطفال. برای این منظور، می‌توان اقداماتی از قبیل جدا کردن بستر فرزندان: «قَرِّقُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ اِذَا بَلَغُوا عَشْرًا؛ وقتی فرزندان شما ده ساله شدند، بستر خواب آن‌ها را از یکدیگر جدا کنید»، کسب اجازه هنگام ورود به اتاق خواب والدین، حرمت بوسیدن کودک ممیز توسط نامحرم و... را انجام داد. خویشن داری

در این راستا استفاده از شیوه‌های مهارکننده فردی مثل پوشیدن چشم از نامحرم، تضعیف قوه باه از طریق روزه گرفتن، در اختیار گرفتن اندیشه و قدرت خیال توصیه می‌شود. حضرت عیسی علیه السلام به حواریون فرمودند: «حضرت موسی علیه السلام شما را از زنا نهی کرده است، ولی من می‌گویم فکر آن را هم به دل راه ندهید؛ زیرا کسی که اندیشه آن را در دل پیروراند، مانند کسی است که در خانه نقش و نگار شده آتش بی‌فروزد؛ اگر آتش خانه را نسوزاند، نقش و نگار آن را از بین می‌برد.» [10] مهار اجتماعی

برای تحقق این امر اجرای راهکارهای ذیل توصیه می‌شود:

الف) استفاده از شیوه‌های مهار اجتماعی همانند امر به معروف و نهی از منکر.

ب) سالم نگه داشتن جامعه از عوامل محرک جنسی. حد و تعزیر

تعیین مجازات حد و تعزیر برای اعمال جنسی که از راه غیرشرعی محقق می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که حکومت اسلامی وظیفه دارد برای سالم سازی محیط اجتماعی، زمینه‌های ازدواج جوانان را همراه با ایجاد اشتغال و درآمد برای آنان مهیا نماید. به این ترتیب، درباب تبیین نظر اسلام درباره آموزش جنسی، می‌توان گفت، اسلام، فی الجمله با آموزش جنسی موافق است و حتی آن را لازم می‌داند و توصیه می‌کند، والدین در موقعی که با یکدیگر خلوت می‌کنند، ملاحظات اخلاقی را رعایت کنند و همواره به فرزندان خود استیذان (اجازه گرفتن هنگام ورود به اتاق خواب والدین)، مسایل احتلام، حیض، بلوغ، جداخواهی، حرمت بوسیدن کودکان ممیز توسط نامحرم و مانند آن را بیاموزند.

محتوای پیشنهادی درس آموزش جنسی

در باب تعیین محتوا، دو سؤال مهم مطرح است: نخست آن که محتوای مناسب با این موضوع

کدام است و دوم آن که نحوه آرایه آن چگونه باید باشد؟ یکی از مسایل بحث انگیز در میان برنامه ریزان آموزشی غرب، این بوده است که پس از پذیرش اصل آموزش جنسی، محتوای آن را چگونه باید تعیین کرد. به عنوان مثال، در سال 1992، انجمن برنامه ریزی خانواده با همکاری مسئولان آموزش بهداشت، نشست‌های ترتیب داد و از 24 مربی آموزش جنسی از ادیان متفاوت دعوت به عمل آورد و تلاش کرد مسایل جنسی را بررسی نماید. در آن جلسه، این نتیجه حاصل شد که این مطالب تحت عنوان «آموزش جنسی» مطرح شود؛ احترام گذاشتن به یکدیگر، پذیرش تفاوت‌ها، دین و تحولات اجتماعی، تساوی حقوق زن و مرد، رابطه و ازدواج، همجنس‌بازی، مجامعت و ناتوانی جنسی و عزوبت. در ضمن این بیانیه، حقوقی نیز برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شد. از جمله در آن آمده بود که یکی از حقوق شاگردان بر مربیان آموزش جنسی، این است که اطلاعات کامل، دقیق و عینی درباره رشد و تولید مثل، تحت عناوین رسش، والدین، جلوگیری از بارداری، نگه‌داری کودک و مسئولیت‌پذیری و مادران به دانش‌آموزان آرایه کنند. [11]

البته به درستی روشن نیست که برنامه درسی بالا، برای کدام گروه سنی و تحصیلی توصیه شده است. آنچه در زیر می‌آید محتوای درسی پیشنهادی است که تلاش شده منطبق با نیازهای اجتماعی و مبانی دینی باشد. نخست، لازم است دو نکته یادآوری شود:

- 1- برای آرایه طرح نهایی، باید از دیدگاه جمعی از صاحب‌نظران در زمینه‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فقه و تعلیم و تربیت استفاده کرد.
 - 2- طبیعی است که برای آرایه این طرح، باید متغیرهایی از قبیل جنسیت، سن، محیط زندگی (محل و منطقه سکونت)، مقطع تحصیلی و مانند آن مورد توجه باشد. مربیان و برنامه‌ریزان هر شهر یا استان، باید با توجه به عوامل مزبور و شرایط محیطی و جغرافیایی، سرعت یا کندی بلوغ و میزان وجود محرک‌های جنسی، برنامه آموزشی جداگانه‌ای متناسب با شرایط منطقه آرایه نمایند. بنابراین، آنچه در این جا بیان می‌شود، عام و کلی است.
- معیارهای پیشنهادی برای درس آموزش جنسی:

الف) توجه به تلقی هر يك از دو جنس نسبت به یکدیگر و تلاش در جهت تعدیل این تلقی. از آن جا که دختر و پسر دو عضو از يك پیکرند، نحوه تلقی آنها از یکدیگر تأثیر مهمی در نحوه رابطه آنها دارد، انتظارات آنها از یکدیگر را متعادل و متناسب می‌نماید و دور نمای زندگی آینده را برای هر يك روشن و ازدواج را تسهیل می‌کند.

ب) تعدیل احساس دگرخواهی و عشق افراطی. مطابق تجربه‌های جوانی و بیان روان‌شناسان، نوجوانان دختر و پسر در ایامی از عمر خود، به ویژه دوران بلوغ، به عشقی افراطی گرفتار می‌شوند؛ به این معنا که با صرف نظر از این که طرف مقابل او چه کسی است، نسبت به او عمیقاً عشق می‌ورزد و به مصداق ضرب‌المثل «عشق، آدمی را کر و کور می‌کند»، تمام بدی‌های او را خوبی و زیبایی می‌پندارد و از دیدن یا شنیدن حقایق ناخوشایند درباره معشوق طفره می‌رود. اگر این عشق افراطی تعدیل نشود، سرانجام آن روشن نیست. مربیان مجرب ضمن این درس، به دانش‌آموز می‌آموزند که چگونه مسیر این محبت را تعیین نماید و در جهت متعادل کردن و ارضای صحیح آن تلاش کند.

ج) بیان حالات روانی، عشق و خشم، توقع و انتظارات، توانایی‌ها و کاستی‌ها و خلاصه مجموعه ویژگی‌های يك جنس برای جنس دیگر، باید تبیین شود.

د) تبیین تغییرات و تحولات جسمی روانی دوران بلوغ. تغییر در غده‌های جنسی، گوناهای،

تغییر در حالات روانی، احتلام در پسران و قاعدگی در دختران و عوارض هر يك و آگاهانیدن آن‌ها از قاعدگی و احتلام و مانند آن باید بیان شود.

ه) آموزش وظایف شرعی و بهداشتی دختران در حین قاعدگی، که در دو بخش وظایف دختران پیش از ازدواج و وظایف آنان پس از ازدواج قابل بحث است.

و) تبیین صحیح خودارضایی و خطرهای آن، خویشتن‌داری و تأخیر ارضا تا زمان مناسب؛
 ز) پرهیز از تهییج و تحریک‌گریزه جنسی در اندیشه، ذهن یا از طریق چشم و گوش و نظر بازی و مانند آن؛

ح) تبیین شیوه‌های صحیح همسرگزینی، ویژگی‌های همسر مطلوب و نحوه شناختن او؛
 ط) تبیین مسئولیت هر يك از زن و شوهر نسبت به یکدیگر، تلاش در جهت تربیت کودک به صورت مشترک، حق آن‌ها نسبت به یکدیگر، و حق فرزندان بر والدین؛

ی) تشریح راه‌های جلوگیری از حاملگی ناخواسته، توجه به فاصله‌های لازم بین تولد کودکان، و تنظیم خانواده متناسب با سن و مقتضیات فراگیر؛

ک) بیان مراحل تبدیل نطفه به جنین، نحوه انتخاب تخمک توسط اسپرم، نحوه تغذیه کودک در دوران جنینی، تأثیر رفتارهای مادر بر جنین و همچنین تأثیر غذا و حالات روانی مادر بر او؛

ل) تبیین قبح همجنس‌بازی، امراض مقاربتی هم چون سفلیس، سوزاک، ایدز و راه‌های مقابله با آن‌ها؛

م) هشدار به دختران از اغفال و دستبرد گوهر عفت و یادآوری خطر روابط ممنوع؛

ن) تشریح شرایط زمانی و مکانی مقاربت، مقاربت در ایام حیض و کقاره آن؛

س) بیان عواقب سقط جنین و کقاره آن؛

ع) تبیین مسایل مربوط به تجاوز به عنف، زناى محصنه و....

باید توجه داشت که نظر به فراوانی عناصر دخیل و متغیرهای فراوان در تعیین محتوای آموزشی برای هر مقطع، جنس و گروه سنی خاص و لزوم دقت در آن، لازم است در اولین گام، طرح آموزشی از متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مربیان کارآموده و مجرب استفاده کرد.

در پایان تذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:

1 - لزومی ندارد این محتوا به صورت کتاب یا جزوه ای مستقل تهیه شود، بلکه می‌توان آن در میان مباحث سایر کتاب‌های درسی توزیع کرد؛ به گونه ای که هیچ حساسیتی را در پی نداشته باشد.

2 - طرح آموزش جنسی دست کم در سه مرحله قابل اجرا است: 1- در سطح خانواده‌های دانش‌آموزان و توجیه اعضای خانواده و اولیاء؛ 2- در سطح مربیان جهت پی بردن به ضرورت کار و عدم مقاومت در برابر آن 3- در سطح دانش‌آموزان.

منبع: مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، پاییز 1383 - شماره 8؛ متقی فر، غلام‌رضا

پی‌نوشت‌ها:

[1] بقره/187.

[2] روم/21.

[3] نبا/33.

[4] طه/5.

[5] نحل/72.

[6] روم/21.

[7] مستدرک الوسائل، ج14، ص149.

- [8] محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج5، ص494.
[9] محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج103، ص340.
[10] شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج14، ص340.
[11] Ibid , P. 9

زنا

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا». (اسراء: 32)

[و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است!]

این آیه از زنا نهی می‌کند و در حرمت آن مبالغه کرده است، چون نفرموده اینکار را نکنید، بلکه فرموده نزدیکش هم نشوید، و این نهی را چنین تعلیل کرده که این عمل فاحشه است، و زشتی و فحش آن صفت لا ینفک و جدایی ناپذیر آن است، به طوری که در هیچ فرضی از آن جدا نمی‌شود، و با تعلیل دیگر که فرمود: «و سَاءَ سَبِيلًا» فهماند که این روش روش زشتی است که به فساد جامعه، آن هم فساد همه شوون اجتماع منجر می‌شود، و به کلی نظام اجتماع را مختل ساخته و انسانیت را به نابودی تهدید می‌کند، و در آیه ای دیگر در عذاب مرتکبین آن مبالغه نموده و در ضمن صفات مؤمنین فرموده «وَلَا يَرْثُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يَضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا»^[1]. [و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که خداوند خورش را حرام شمرده، جز بحق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید!]

گفتاری پیرامون حرمت زنا

این بحثی که عنوان می‌کنیم هم بحثی است قرآنی و هم اجتماعی.

همه می‌دانیم که هر یک از جنس "نر" و "ماده" نوع بشر وقتی به حد رشد رسید- در صورتی که دارای بنیه ای سالم باشد- در خود میلی غریزی نسبت به طرف دیگر احساس می‌کند، البته این مساله غریزی منحصر در افراد انسان نیست، بلکه در تمامی حیوانات نیز این میل غریزی را مشاهده می‌کنیم.

علاوه بر این همچنین مشاهده می‌کنیم که هر یک از این دو طرف مجهز به جهاز و اعضاء و قوایی است که او را برای نزدیک شدن به طرف مقابلش وادار می‌کند.

اگر در نوع جهاز تناسلی این دو طرف به دقت مطالعه و بررسی کنیم جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که این شهوت غریزی بوده و وسیله ای است برای توالد و تناسل که خود مایه بقاء نوع است.

علاوه بر جهاز تناسلی، انواع حیوانات از آن جمله انسان به جهازهای دیگری نیز مجهز است که باز دلالت دارند بر اینکه غرض از خلقت جهاز تناسلی همان بقاء نوع است، یکی از آنها محبت و علاقه به فرزند است، و یکی دیگر مجهز بودن ماده هر حیوان پستاندار به جهاز شیرساز است تا طفل خود را برای مدتی که بتواند خودش غذا را بجود و فرو ببرد و هضم کند شیر بدهد و از گرسنگی حفظ نماید، همه اینها تسخیرهایی است الهی که به منظور بقاء نوع جنس نر را مسخر ماده و ماده را مسخر نر کرده جهاز تناسلی طرفین را مسخر و دل‌های آنان را و و همه را مسخر کرده تا این غرض تامین شود.

و به همین جهت می‌بینیم انواع حیوانات با اینکه مانند انسان مجبور به تشکیل اجتماع و مدنیت نیستند و به خاطر این که زندگیشان ساده و حوائجشان مختصر است، و هیچ احتیاجی به یکدیگر ندارند معذک گاه گاهی غریزه جنسی وادارشان می‌کند که نر و ماده با هم اجتماع کرده و عمل مقاربت را انجام دهند، و نه تنها انجام بدهند و هر یک دنبال زندگی خویش را بگیرند، بلکه به لوازم این عمل هم ملتزم شوند، و هر دو در تکفل طفل و یا جوجه خود و غذا دادن و تربیت آن پای بند باشند، تا طفل و یا جوجه شان به حد رشد برسد، و به اداره چرخ

زندگی خویش مستقل گردد.

و نیز به همین جهت است که می‌بینیم از روزی که تاریخ، زندگی بشریت و سیره و سنت او را سراغ می‌دهد سنت ازدواج را هم که خود یک نوع اختصاص و رابطه میان زن و شوهر است سراغ می‌دهد، همه اینها ادله مدعای ما است، زیرا اگر غریزه، تناسل بشر را به اینکار و نمی‌داشت باید تاریخ سراغ دهد که در فلان عصر نظامی در میان زن و شوهرها نبوده، آری مساله اختصاص یک زن به شوهر خود، اصلی طبیعی است که مایه انعقاد جامعه انسانی می‌گردد، و جای هیچ تردید نیست که ملت‌های گوناگون بشری در گذشته هر چند هم که دارای افراد فراوان بوده‌اند بالأخره به مجتمعات کوچکی به نام خانواده منتهی می‌شدند.

همین اختصاص باعث شده که مردان، زنان خود را مال خود بدانند، و عینا مانند اموال خود از آن دفاع کنند، و جلوگیری از تجاوز دیگران را فریضه خود بدانند همانطور که دفاع از جان خود را فریضه می‌دانند، بلکه دفاع از عرض را واجب‌تر دانسته گاهی جان خود را هم بر سر عرض و ناموس خود از دست بدهند.

و همین غریزه دفاع از اغیار است که در هنگام هیجان و فورانش غیرتش می‌نامند و به کسی که نمی‌گذارد به ناموسش تجاوز شود غیرتمند می‌گویند، و نمی‌گویند مردی است بخیل. باز به همین جهت است که می‌بینیم در همه اعصار نوع بشر نکاح و ازدواج را مدح کرده و آن را سنت حسنه دانسته، و زنا را نکوهش نموده فی الجمله آن را عملی شنیع معرفی کرده‌اند و گناهی اجتماعی و عملی زشت دانسته‌اند، بطوری که خود مرتکب نیز آن را علنی ارتکاب نمی‌کند، هر چند بطوری که در تاریخ امم و اقوام دیده می‌شود در بعضی از اقوام وحشی آنهم در پاره‌ای از اوقات و در تحت شرائطی خاص در میان دختران و پسران و یا بین کنیزان معمول بوده است.

پس اینکه می‌بینیم تمامی اقوام و ملل در همه اعصار این عمل را زشت و فاحشه خوانده‌اند برای این بوده که می‌فهمیدند این عمل باعث فساد انساب و شجره‌های خانوادگی و قطع نسل و ظهور و بروز مرضهای گوناگون تناسلی گشته و همچنین علاوه بر این باعث بسیاری از جنایات اجتماعی از قبیل آدم‌کشی و چاقوکشی و سرقت و جنایت و امثال آن می‌گردد، و نیز باعث می‌شود عفت و حیاء و غیرت و مودت و رحمت در میان افراد اجتماع جای خود را به بی‌عفتی و بی‌شرمی و بی‌غیرتی و دشمنی و شقاوت بدهد.

با همه اینها، تمدنی که ممالک غربی در این اعصار به وجود آورده‌اند، از آنجایی که صرفاً بر اساس لذت جویی و عیاشی کامل و برخورداری از مزایای زندگی مادی و نیز آزادی افراد در همه چیز بنا نهاده شده و آزادی را جز در آن اموری که مورد اعتنای قوانین مدنی است سلب نکرده و حتی کار را به جایی رسانده‌اند که تمامی آداب قومی و مرزهای دینی و اخلاقی و شرافت انسانی را کنار گذاشته افراد را در هر چیز که میل داشته باشند و در هر عملی - هر چه هم که شنیع باشد - آزاد گذاشته‌اند و گذشته از بعضی شرائط جزئی که در پاره‌ای موارد مخصوص، اعتبار کرده‌اند دیگر هیچ اعتنایی به آثار سوء این آزادی بی‌قید و شرط افراد ندارند، و قوانین اجتماعی را هم بر طبق خواسته اکثر مردم تدوین می‌کنند.

نتیجه چنین تمدنی اشاعه فحشاء میان مردان و زنان شده و حتی تا داخل خانه‌ها در میان مردان صاحب زن و زنان صاحب شوهر و حتی نسبت به محارم سرایت نموده و شاید دیگر کسی دیده نشود که از آثار شوم این تمدن، سالم مانده باشد، بلکه به سرعت اکثریت را با خود همراه کرده است، و یکی از آثار شومش این است که صفات کریمه‌ای که هر انسان طبیعی، متصف بدان است و آن را برای خود می‌پسندد و همه آنها از قبیل عفت و غیرت و حیاء آدمی را به سنت ازدواج سوق می‌دهد، رفته رفته ضعیف گشته است، تا آنجا که بعضی از

فضائل مسخره شده است، و اگر نقل پاره ای از کارهای زشت خودش شنیع و زشت نبود، و اگر بحث ما قرآنی و تفسیر نبود آماری را که پاره ای از جراید منتشر کرده اند اینجا نقل می کردیم تا مدعای ما ثابت گردد، که آثار شوم این تمدن تا چند درصد افراد بشر را آلوده کرده است. و اما شریعت های آسمانی بطوری که قرآن کریم بدان اشاره می کند و تفسیر آیات آن در سوره انعام آیه 151 تا آیه 153 گذشت، همه از عمل زشت زنا به شدیدترین وجه نهی می کرده اند، در میان یهود قدغن بوده، از انجیل ها هم برمی آید که در بین نصاری نیز حرام بوده است، در اسلام هم مورد نهی قرار گرفته و جزء گناهان کبیره شمرده شده است، و البته حرمتش در محارم چون مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله شدیدتر است، و همچنین در صورت احسان یعنی در مورد مردی که زن داشته و زنی که شوهر داشته باشد حرمتش بیشتر است و در غیر صورت احسان حدود سبک تری دارد مثلاً اگر بار اول باشد صد تازیانه است و در نوبت سوم و چهارم یعنی اگر دو یا سه بار حد خدایی بر او جاری شده باشد و باز هم مرتکب شود حدش اعدام است، و اما در صورت محصنه بودن در همان نوبت اول باید سنگسار شود. و در آیه مورد بحث، به حکمت حرمت آن اشاره نموده و در ضمن نهی از آن، فرموده «به زنا نزدیک نشوید که آن فاحشه و راه بدی است» اولاً آن را فاحشه خوانده، و در ثانی به راه بد توصیفش کرده که مراد از آن- و خدا داناتر است- سبیل بقاء است، هم چنان که از آیه «أَلَيْسَ لِكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ»^[2] نیز برمی آید که مقصود از راه همان راه بقاء نسل است، و معنایش این است که آیا شما در آمیختن با زنان را که راه بقای نسل می باشد و نظام جامعه خانوادگی را که محکم ترین وسیله است برای بقای مجتمع مدنی به وجود می آورد از هم می گسلید؟.

آری با باز شدن راه زنا روز به روز میل و رغبت افراد به ازدواج کمتر می شود، چون با اینکه می تواند از راه زنا حاجت جنسی خود را برآورد داعی ندارد اگر مرد است محنت و مشقت نفقه عیال و اگر زن است زحمت حمل جنین و تربیت او را تحمل نموده و با محافظت و قیام به واجبات زندگی، جاننش به لب برسد، با اینکه گزینه جنسی که محرک و باعث همه اینها است از راه دیگر هم اقیاع می شود، بدون اینکه کمترین مشکل و تعبی تحمل کند، هم چنان که می بینیم دختر و پسر جوان غربی همین کار را می کند، و حتی به بعضی از جوانهای غربی گفته اند که چرا ازدواج نمی کنی؟ در پاسخ گفته است: چکار به ازدواج دارم، تمام زنهای این شهر از آن من می باشد! دیگر ازدواج چه نتیجه ای دارد؟ تنها خاصیت آن مشارکت و همکاری در کارهای جزئی خانه است که آن هم مانند سایر شرکتها است که با اندک بهانه ای منجر به جدایی شریکها از همدیگر می شود و این مساله امروزه بخوبی در جوامع غربی مشهود است. و اینجاست که می بینیم ازدواج را به یک شرکت تشبیه کرده اند که بین زن و شوهر منعقد می شود و آن را تنها غرض و هدف ازدواج می شمارند، بدون اینکه حسابی برای تولید نسل و یا برآوردن خواسته های گزینه باز کنند، بلکه اینها را از آثار مترتبه و فرع بر شرکت در زندگی می دانند، در نتیجه اگر توافق در این شرکت ادامه یافت که هیچ و گرنه از اولاد و مساله گزینه طبیعی صرفنظر می کنند.

همه اینها انحرافهایی است از راه فطرت، و ما اگر در اوضاع و احوال حیوانات و انواع مختلف آنها دقت کنیم خواهیم دید که حیوانات غرض اصلی و بالذات از ازدواج را، ارضاء گزینه تحریک شده، و پدید آوردن نسل و ذریه می دانند.

هم چنان که دقت در وضع انسان در اولین باری که این تمایل را در خود احساس می کند ما را به این حقیقت می رساند که هدف اصلی و تقدیمی که او را به این عمل دعوت می کند همان ارضاء گزینه است، که مساله تولید نسل دنبال آن است.

و اگر محرک انسان به این سنت طبیعی، مساله شرکت در زندگی و تعاون در ضروریات حیات، از خوراک و پوشاک و آشیانه و امثال آن بود، ممکن بود مرد این شرکت را با مردی مثل خود، و زن با زنی مثل خود برقرار کند، و اگر چنین چیزی ممکن بود و دعوت غریزه را ارضاء می‌کرد باید در میان جوامع بشری گسترش می‌یافت و یا حد اقل برای نمونه هم که شده، در طول تاریخ در میان یکی از جوامع بشری صورت می‌گرفت و میان دو مرد و دو زن حتی احیاناً چنین شرکتی برقرار می‌شد و در تمام طول تاریخ و در همه جوامع مختلف بشری به یک و تیره (طریقه، راه و روش) جریان نمی‌یافت و اصلاً چنین رابطه‌ای میان دو طبقه اجتماع یعنی طبقه مردان از یک طرف و زنان از طرف دیگر برقرار نمی‌شد.

و از طرفی دیگر اگر این روش غربی‌ها ادامه پیدا نموده و روز به روز به عدد فرزندان نامشروع اضافه شود، مساله مودت و محبت و عواطفی که میان پدران و فرزندان است به تدریج از بین رفته و باعث می‌شود که این رابطه معنوی از میان پدران نسبت به فرزندان رخت بریندد، و وقتی چنین رابطه‌ای باقی نماند قهراً سنت ازدواج از میان جامعه بشر کنار رفته و بشر رو به انقراض خواهد نهاد، همه اینها که گفتیم نمونه‌هایش در جامعه‌های اروپایی خودنمایی می‌کند.

یکی از تصورات باطل این است که کسی تصور کند که کار بشر در اثر پیشرفتهای فنی به زودی به جایی برسد که چرخ زندگی اجتماعی خود را با اصول فنی و طرق علمی بچرخاند، بدون اینکه محتاج به کمک غریزه جنسی شود، یعنی فرزندان را به وجود آورد بدون اینکه اصلاً احتیاجی به رابطه به اصطلاح معنوی و محبت‌پدیری و مادری باشد، مثل اینکه جاذبه‌هایی مقرر کنند برای کسانی که تولید نسل کنند و پدران به خاطر رسیدن به آن جوایز فرزند تحویل دهند! هم چنان که در بعضی از ممالک امروز معمول شده است، غافل از اینکه جاذبه قرار دادن و یا هر قانون و سنت دیگری ما دام که در نفوس بشر ضامن اجراء نداشته باشد دوام پیدا نمی‌کند، قوانین در بقای خود از قوا و غرائز طبیعی انسان کمک می‌گیرند، نه به عکس که غرائز از قوانین استمداد نمایند و قوانین بتوانند غرائز را به کلی باطل کنند، آری اگر غرائز باطل شد نظام اجتماع باطل می‌شود.

هیات اجتماع قائم با افراد اجتماع است، و قوام قوانین جاری بر این است که افراد آن را بپذیرند و بدان رضایت دهند، و آن قوانین بتواند پاسخگوی جامعه باشد، با این حال چگونه ممکن است قوانینی در جامعه‌ای جریان یابد و دوام پیدا کند که قریحه جامعه خواستار آن نبوده و دلها بپذیرایش نباشد.

پس حاصل کلام این شد که باطل شدن غریزه طبیعی و غفلت اجتماع بشری از غایت و هدف اصلی آن، انسانیت را تهدید به نابودی می‌کند، و به زودی هم کارش را بدینجا خواهد کشانید، و اگر هنوز چنین خطری کاملاً محسوس نشده برای این است که هنوز عمومیت پیدا نکرده است.

علاوه بر مطالب مذکور این عمل زشت و پست اثر دیگری هم از نظر شریعت اسلامی دارد، و آن بر هم زدن انساب و رشته خانوادگی است، که با گسترش زنا، دیگر جایی برای احکام نکاح و ارث باقی نمی‌ماند.

منبع: ترجمه تفسیر المیزان، ج 13، ص: 118

پی نوشت‌ها:

[1] سوره فرقان، آیه 68.

[2] آیا با مردان جفت می‌شوید؟ و راه را قطع می‌کنید؟. سوره عنکبوت، آیه 29.

تحلیل جرم شناختی ازدواج سفید

یکی از عناوین مجرمانه‌ای که در کشور ایران، به واسطهٔ اسلامی بودنش، مورد جرم‌انگاری و کیفر گذاری قرار گرفته، مجموعه افعال جنسی حرام است. از جمله پدیده‌هایی که در چند سال اخیر در کشور ایران رایج گشته است و به طرز غیرمستقیم و در لایه‌های زیرین اجتماع می‌تواند امنیت روحی و روانی شهروندان را خدشه دار کند، ازدواج سفید است. تا چندین سال قبل مهم‌ترین آسیبی که خانواده‌های ایرانی را مورد تهدید قرار می‌داد، پدیدهٔ طلاق بود. گرچه افزایش سن ازدواج، بی‌رغبتی جوانان به ازدواج و عدم تمایل به فرزندآوری (و در نتیجه کاهش جمعیت) هم در مراحل بعدی قرار می‌گرفت. اما پدیده‌ای که در چندین سال اخیر، علی‌الخصوص از سال 1393، با ظهورش موجبات آسیب‌پذیرتر شدن خانواده‌ها را ایجاد کرده است، ازدواج سفید خصوصاً در بین افراد دارای تحصیلات است. در بررسی حقوقی ازدواج سفید به نکات فراوانی از جمله تدلیس، زنا، طفل نامشروع، جرائم منافی عفت بر می‌خوریم که در تمامی این موارد قانون مجازات اسلامی دارای قوانینی خاص می‌باشد لذا بررسی این موارد از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد.

مقدمه و بیان مساله

در تمام ادیان و مذاهب، ازدواج دارای اهمیت و آداب و ارکان خاص خود می‌باشد و دین اسلام نیز با تمام مذاهب و انشعابات خود از این قاعده مستثنا نیست و به نکاح و نتایج و ثمرات آن بی تفاوت نبوده است و نخواهد بود. در فقه امامیه ازدواج صحیح سه نوع می‌باشد؛ ازدواج دائم، موقت یا متعه و ملك یمین ولی اهل سنت ازدواجی را قبول دارند که به صورت دائم است و از تمام ارکان و شرایط نکاح صحیح برخوردار باشد؛ بنابراین، ایشان با استناد به اینکه ازدواج متعه تمام ارکان و شرایط نکاح صحیح را دارا نمی‌باشد، آن را فاسد یا باطل می‌دانند.

امروزه در کشورهای اسلامی، ازدواج‌های نوظهور و جدیدی پا به عرصه وجود نهاده‌اند که برخی تابع تمام ارکان و شرایط نکاح صحیح از دیدگاه فقه اسلامی نیستند؛ از جمله این ازدواج‌ها می‌توان به ازدواج مسیار، عرفی، سری، مدنی، نکاح جهادی، سفید و معاطاتی اشاره نمود. [1] ریشه عبارت "ازدواج سفید" نوعی حرمت زدایی از جامعه و عادی کردن نوعی رابطه نامتناسب با فرهنگ دینی ایرانی است که برای دورکردن افراد جامعه از سبک زندگی اسلامی ایرانی تلاش می‌کند و مشروعیت اجتماعی و حقوقی ندارد. بهترین اصطلاح برای معضل اجتماعی "ازدواج سفید" «هم‌باشی و هم‌خانگی» است. [2]

این اصطلاح در چند سال اخیر بسیار شیوع پیدا کرده بویژه در بین افرادی که تحصیل کرده می‌باشند و باید گفت که این امر نشأت گرفته از کلان‌شهرهاست. به بیان واضح‌تر باید گفت: زندگی مشترک میان زن و مرد بدون انشای صیغه عقد دائم یا موقت که طرفین فارغ از مراسم‌های شرعی و عرفی با رضایت یکدیگر زندگی را شروع می‌کنند، ازدواج سفید است. تعریفی که برای معاشرت زوجه یا ازدواج سفید، هم‌باشی یا هم‌خانه کرده‌اند به این گونه است که زندگی مشترک میان زن و مرد بدون انشای صیغه عقد دائم یا موقت که طرفین فاقد از مراسم‌های شرعی و عرفی با رضایت و توافق، زندگی خود را در مکان مشترک آغاز می‌کنند. در این ازدواج قطعاً قصد زندگی وجود دارد اما مدت آن مشخص نیست. موضوعیت در ازدواج سفید رابطه بین زن و مرد است، هرچند در غرب بین 2 مرد یا 2 زن (همجنسگرا) بحث ازدواج سفید هم مطرح می‌شود. اما در کل خواستگاه اولیه که در سال 1960 بین زن و مرد در اروپا مطرح شد، این نوع ازدواج را به زندگی در گناه بیان می‌کردند و این نشان می‌دهد که وقتی غربی

ها این اصطلاح را در دهه 60 بیان می‌کردند برای این نوع زندگی در حقیقت "عدم پذیرش در اجتماع" وجود دارد.

برخی معتقدند زندگی به صورت "هم باشی" مانند صیغه طولانی مدت است و لازم نیست در برابر آن نگرانی وجود داشته باشد. این دیدگاه قابل دفاع نیست، زیرا ازدواج يك عقد است و نیاز به دو اراده و دو قصد برای تحقق آن دارد. ازدواج بدون لفظ از نظر فقهی "نکاح معاطی" نام گرفته است که از نظر فقها، چنین ازدواجی باطل است و نمی‌توان توجیه شرعی برای آن توصیف کرد. نکاح معاطی، ازدواجی است که به منظور تشکیل خانواده، حق تمتع و رابطه زناشویی بین زن و مرد منعقد می‌شود اما فاقد ایجاب و قبول لفظی است. شرعی و قانونی بودن ازدواج سفید در این مفهوم بستگی به درستی عقد نکاح براساس معاطات دارد. امام خمینی در تعریف نکاح معاطاتی می‌فرماید: «فلو تقاول الزوجان و قصدا الازدواج ثم انشاته المراه بذهابها الی بیت المرء بجهیزتها مثلا و قبل المرء ذلك بتمکینها فی البیت لذلك تحققت الزوجیه المعاطاتی» اگر زن و مرد با هم گفت و گو و قصد ازدواج کردند و زن با رفتنش به خانه مرد، مثلا همراه جهیزیه، زوجیت ایجاد کند و مرد نیز زوجیت زن را با تمکین زن در خانه اش بپذیرد، در این صورت ازدواج معاطاتی صورت می‌گیرد. برخی در تعریف نکاح معاطاتی بیان می‌کنند: «نکاح معاطاتی یعنی نکاحی که صرفا به اعلام توافق و تراضی طرفین بسنده می‌شود و فاقد ایجاد و قبول لفظی باشد». از این رو در ازدواج، صرف رضایت قلبی دختر و پسر کفایت نمی‌کند، علاوه بر این در ماده 1062 قانون مدنی ایران آمده است: نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحا دلالت بر قصد ازدواج نماید. یعنی به لحاظ حقوقی باید صیغه عقد ازدواج بیان شود و ایجاب و قبول لفظی باشد، مگر در حالت عجز از تلفظ، البته این به معنای سخت‌گیری در امر ازدواج نیست. لفظ و سایر شرایط مثل مهریه، نفقه و... همگی نشان‌دهنده عظمت و اهمیت این پیمان مقدس است؛ پیمانی که نباید آلوده شود.

برخی دیگر نیز معتقدند "هم باشی" نباید با دیگر اشکال قانونی، شرعی و عرفی زندگی مشترك بدون ثبت رسمی از جمله ازدواج حقوق مشترك، نکاح معاطاتی، نکاح عرفی و اتحاد مدنی اشتباه شود. عوامل ایجاد پدیده "هم باشی و هم خانگی" عبارتند از: ضعف اقتصادی، تورم خارج از قاعده و ناتوانی بعضی از شهروندان در قبال تامین مخارج زندگی و تشکیل زندگی مشترك و تاخیر در سن ازدواج زمینه ساز ایجاد این پدیده اجتماعی هستند. عامل دیگر، وجود زنان مطلقه و به نوعی بیوه در جامعه است. وقتی آمار طلاق به حدی رسیده که تحمل آن برای جامعه بیش از توان و حاد است، آن وقت گرایش به "هم باشی" به خصوص نزد کسانی که باور و اعتقاد درونی و دینی لازم را ندارند، افزایش می‌یابد.

یکی از ویژگی‌های ازدواج سفید علاوه بر زندگی مشترك این است که در جایی ثبت نمی‌شود. زن و مرد وظیفه و تعهدی در قبال یکدیگر ندارند و هر زمان خواستند از یکدیگر جدا می‌شوند. بین این دسته افراد و افرادی که ازدواج رسمی می‌کنند، تفاوت زیادی وجود دارد. هیچ حمایت قانونی برای این افراد وجود ندارد ولی برای کسانی که به صورت رسمی ازدواج کرده‌اند، قوانین حمایتی بسیاری وجود دارد. در این سبک ازدواج‌ها که نوعی رابطه آزاد و بدون قید و شرط است، اگر فرزندی متولد شود، هیچ قانون حمایتی و حق و حقوقی برای حمایت و سرپرستی این نوع فرزندان و چنین مادرانی وجود ندارد. از طرفی در برخورد با ناهنجاری ازدواج سفید و پاسخ به این سوال که آیا می‌توانیم در این حوزه جرم‌انگاری کرد یا خیر، نظرات مختلفی وجود دارد. با توجه به يك نظر با جرم‌انگاری این ناهنجاری مخالف شده است و این گروه اصل حداقلی بودن حقوق جزا را مورد استناد قرار داده‌اند و معتقدند که در هر زمینه‌ای نباید ورود کیفری صورت گیرد بلکه جرم‌انگاری در برخورد با ناهنجاری‌های جامعه به عنوان

آخرین راه حل باید انتخاب شود.

ازدواج سفید یا باهم باشی یک پدیده نوظهور ضد فرهنگی است که اشاره به نوعی از زندگی فارغ از قواعد اخلاقی و شرعی دارد و در آن دختر و پسر بدون انجام ازدواج شرعی و رسمی با یکدیگر زندگی می‌کنند و حتی از انجام روابط جنسی نیز ابایی ندارند. این پدیده ضد خانواده که در طی دهه‌های گذشته در بین جوامع اروپایی و آمریکایی رواج یافته بنا بر آمارهای مراکز مطالعاتی غرب موجب بروز آسیب‌های شدید اجتماعی در این دست کشورها شده که از جمله آنها می‌توان به افزایش تصاعدی نرخ سقط جنین و تولد کودکان نامشروع و رها شده در خیابان اشاره کرد.[3]

در ادامه با اشاره به پیامدهای ازدواج سفید باید اظهار کرد که: رنگ باختن کلیشه‌های جنسیتی، آزادی انتخاب بر بدن و روابط جنسی، سرد شدن نسبت به ازدواج رسمی، طرد اجتماعی و ترس از پیگرد قانونی پیامدهایی بودند که از سوی افراد عنوان شده بودند. مهمترین دلیلی که این افراد در مورد روی آوردن به این ازدواج ذکر می‌کردند نیز عدم اعتقاد به ازدواج رسمی، آزادی انتخاب و حق بر بدن، عدم امنیت شغلی و درآمد کافی، آشنایی بیشتر و عدم اعتماد بوده است.

تاریخچه ازدواج سفید در جهان

یکی از علل گسترش هم‌خانگی، تضعیف بنیانهای فلسفی ازدواج در کشورهای غربی بوده است امروزه در نظر جوانان این کشورها، دو مفهوم تعهد به زندگی و تعهد به ازدواج با همدیگر تفاوت دارند. در حالی که در دهه 1960 در همه کشورها هم‌خانگی امری بسیار نادر و کمیاب بود، امروزه در سراسر اروپا و آمریکا، به خصوص در میان نسلهای جوان تر، به طور چشمگیری در حال افزایش است. به طور مثال، در آمریکای دهه 1970 نزدیک به 400 هزار زوج در قالب الگوهای هم‌خانگی زندگی میکردند؛ این در حالی است که برطبق آمارهای سال 2010، بیش از 7 میلیون زوج در آمریکا در قالب هم‌خانگی با یکدیگر زندگی می‌کنند.[4]

امروزه ازدواج در حال تضعیف شدن و الگوهای هم‌خانگی در حال تقویت شدن است. به طور مثال، شاخص‌ها در کانادا کاهش شدید میزان ازدواج در چند دهه اخیر را نشان میدهد. در این کشور، میزان ازدواج زنان تا 50 سالگی از بیشتر از 95 درصد در سال 1965 به کمتر از 60 درصد در سال 2003 رسیده است. در مقابل، میزان هم‌خانگی در کانادا رشدی 300 درصدی داشته است و از 15 درصد در اواخر دهه 1960 به نزدیک 50 درصد در سال 2000 رسیده است. هر چند هم‌خانگی در اروپا پدیده جدیدی نیست و پیش از انقلاب جنسی دهه 1960 نیز به علل گوناگون در برخی جوامع اروپایی یافت می‌شد. در آن زمان عملی غیرقانونی، مشمول مجازات و البته نادر بود. شواهد تحقیق کاپرنان، نشان میدهد که در دوره‌های اولیه پیدایش هم‌خانگی غالباً افراد فقیری که توانایی ازدواج نداشتند، وارد اینگونه روابط میشدند و مشکلات اقتصادی یکی از مهمترین علل شکل‌گیری آن بود. عده‌ای دیگر نیز به سبب مشکلات بعد از جدایی یا مرگ شریک زندگی خود وارد این روابط میشدند. به طور مثال، نیوهرتس از آلمان گزارش می‌دهد که پس از جنگ جهانی دوم در این کشور زنان میانسال بعد از طلاق یا مرگ شریک زندگی خود غالباً هم‌خانگی را به ازدواج مجدد ترجیح می‌دادند؛ چون نمی‌خواستند حقوق دوران بیوگی آنها که دولت پرداخت می‌کند، قطع شود. اما از دهه 1960 به بعد در اروپا، این بار نه صرفاً افرادی با شرایط خاص بلکه گروه‌های متفاوتی از مردم به سمت این شکل از رابطه‌ها رفتند و به تدریج هم‌خانگی در میان بیش تر طبقات و گروه‌های اجتماعی رواج یافت اما امروزه هم‌خانگی نه تنها در کشورهای توسعه یافته که حتی در کشورهای در حال توسعه نیز در حال

فراگیر شدن است. مثلاً در برزیل در سال 1970 فقط 7 درصد از جوانان رابطه هم‌خانگی داشتند اما در سال 2000 این رقم به نزدیک 40 رسیده است و هم‌خانگی در آرژانتین و ونزوئلا در سال 2000 به حدود 50 درصد رسیده است و در کشورهای کوبا و کلمبیا نیز امروزه بیش از 60 درصد جوانان رابطه هم‌خانگی دارند. در این بین، هم‌خانگی و تغییرات الگوی خانواده، هرچند دیر، به آسیا هم رسیده است. فرایند جهانی شدن، گسترش سرمایه‌داری و اشاعه فرهنگی ارزشهای مناطق دیگر هم‌خانگی را به آسیا نیز کشانده‌اند. هم‌خانگی در ژاپن در سالهای اخیر افزایش یافته است. ایواسا و تسویا در سال 2006 در تحقیقی از زنان 20 تا 34 ساله در ژاپن به این نتیجه رسیدند که نزدیک به 20 درصد پاسخگویان هم‌اکنون رابطه هم‌خانگی دارند. در کشور ترکیه در بخش‌های مدرن آن از جمله استانبول، هم‌خانگی به ویژه در میان جوانان رواج دارد. در قانون ترکیه مجازاتی برای زوج‌های هم‌خانه وجود ندارد. اما اردوغان بعد از قدرت گرفتن حدود 75 درصد از خوابگاه‌های مشترک دانشجویی را تعطیل یا جدا کرد که با اعتراضات گسترده از سوی منتقدان داخلی، مانند سکولارها و فمینیست‌ها روبه‌رو شد و در خارج از کشور از سوی اتحادیه اروپا متهم به دخالت در حریم خصوصی افراد بزرگسال شد. با وجود این، در ترکیه نیز این نوع روابط به دلیل نبود ممنوعیت قانونی رواج دارد؛ اما به دلیل فبح اجتماعی آن به ویژه در مناطق سنتی و مذهبی، پنهانی است و کمتر اظهار می‌شود. اما در بخش‌های مدرن سکولار محدودیتی نیست. در کشور مصر در صورت کشف چنین رابطه‌ای 2 سال زندان برای زنان وضع شده است ولی به گونه‌ای از سوی سیستم تحمل می‌شود. با حاکمیت ادیان ابراهیمی اسلام، مسیحیت و یهودیت در خاورمیانه، زندگی مشترک بدون ازدواج نوعی گناه محسوب می‌شود. اما با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی خاورمیانه، در کشورهایی مانند تونس و لبنان در بخش شهر نشین و مدرن بیروت، این نوع زندگی در میان جوانان رایج است. [5]

تاریخچه ازدواج سفید در ایران

کشور ایران نیز از تغییرات اجتماعی فرهنگی جهان مصون نمانده است. به گونه‌ای که خانواده‌های ایرانی نیز با قرار گرفتن در فرایند نوسازی در عرصه‌های گوناگون و از جمله مناسبات بین دو جنس، در فرایند کشمکش فرهنگی الگوهای سنتی و مدرن، وارد مرحله انتقالی شده‌اند و ضمن حفظ برخی از عناصر سنتی خود، برخی ویژگی‌های جامعه جدید را نیز دریافت کرده‌اند. تغییرات ارزشی در ایران در سالهای اخیر بر مناسبات اجتماعی تأثیرگذار بوده و تبعات متعددی برای جامعه به همراه داشته است. در سالهای اخیر، زندگی مشترک پنهانی بدون ازدواج دور از چشم قانون در ایران در شهرهای بزرگ رایج شده است. ازدواج سفید در ایران به زندگی مشترک یک زوج بدون هیچگونه قرارداد شرعی یا قانونی گفته می‌شود. طبق آمار غیررسمی، ازدواج سفید در شهرهای بزرگ ایران در حال گسترش است؛ ولی ماهیت پنهانی این نوع زندگی مشترک دسترسی به آمار در این باره را مشکل می‌کند. [6]

روزنامه جهان صنعت در تاریخ 25 مرداد 93 در گزارشی از "افزایش هم‌خانگی مجرد‌های غریبه و زندگی سفید" در تهران خبر داده و آن را یک "ضرورت اقتصادی موقتی برای گذراندن زندگی" توصیف کرده بود. سیاوش شهریور، مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران، در شهریور ماه سال 93 ضمن انتقاد از "بزرگنمایی" درباره "ازدواج سفید" گفته بود که در این باره آمار در اختیار ندارد. وی همچنین از نهای شدن طرح "اعتلای خانواده پایدار" برای مقابله با "ازدواج سفید" خبر داده و گفته بود که این طرح براساس سیاست‌های جمعیتی ابلاغ شده از سوی رهبر جمهوری اسلامی تهیه شده است. این در حالی است که مرتضی

میرباقری، قائم مقام سابق وزیر کشور در امور اجتماعی و فرهنگی، به تغییر سبک زندگی و عرفی شدن این نوع از ازدواج اشاره کرده بود. مرتضی میرباقری گفته بود: "رابطه ثبت نشده و بدون قاعده زن و مرد از گذشته به این شکل وجود داشته است؛ اما در حال حاضر این موضوع شکل عرفی به خود گرفته، هر چند هنوز در کشور ما فراگیر نشده است". روزنامه ابتکار نیز در تاریخ 16 اردیبهشت سال 93، در گزارشی، مشکلات مالی، محک زدن رابطه، نداشتن اعتقاد به ازدواج و هزینه بالای مسکن را از جمله دلایل ترجیح "ازدواج سفید" بر ازدواج رسمی ذکر کرده بود. [7]

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که اکثر زنانی که وارد این نوع روابط شده بودند، در دراز مدت تمایل داشتند ازدواج رسمی داشته باشند؛ یعنی ازدواج سفید را عاملی برای تسهیل ازدواج رسمی و درگاهی برای آشنایی قبل از ازدواج رسمی می‌دانستند و در در زمان حاضر به دلیل فراهم نبودن شرایط اقتصادی-اجتماعی و حقوقی تن به ازدواج سفید داده بودند. این در حالی بود که مردان تمایل کمتری به ازدواج رسمی داشتند یا اینکه قصد ازدواج با هم‌خانه‌شان را نداشتند. برقراری رابطه جنسی و از بین رفتن باکرگی با توجه به اهمیت این موضوع در عرف و عقاید دینی منجر می‌شود به اینکه زنان نتوانند با هر طیفی ازدواج کنند یا به مشکل بر خورده (و در مواردی مجبور به ترمیم باکرگی شوند) و دایره انتخاب هایشان تنگ تر و محدودتر شود و بار فرهنگی و مذهبی باکرگی سبب می‌شود که روابط هم‌خانگی ادامه یابد و درصد ازدواج رسمی برای افراد، به ویژه زنان، کاهش یابد. معمولاً در روابط هم‌خانگی اجاره یا رهن منزل یکی از مسائلی است که از سوی طرفین توافق می‌شود که هزینه‌های آن را مشترک بپردازند. با توجه به رکود بازار مسکن، مشکلات اقتصادی و وجود مسکن ارزان از قبیل مسکن مهر در این حوزه، بنگاه‌های معاملاتی و صاحبان خانه سکوت اختیار کرده، با وجود آگاهی از غیرقانونی و غیرشرعی بودن روابط هم‌خانگی، اقدام به اجاره یا رهن دادن مسکن به زوجین می‌کنند. از سوی دیگر، وجود آپارتمان نشینی به دلیل محدود بودن روابط همسایگی و عدم شناخت افراد در واحدهای یک ساختمان مسکونی بر خلاف محله‌گرایی حاکم بر گذشته نوعی گمانی به وجود می‌آورد که روابط رسمی یا غیر رسمی زوجین برای ساکنان ساختمان مهم و حتی قابل شناسایی نیست. [8]

در سال 96 ازدواج حدود یازده درصد کاهش یافته در حالی که میزان طلاق 6 درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است. یکی از دلایل کاهش ازدواج رسمی هم‌خانگی یا همباشی است. به دلایل متعدد اقتصادی و اجتماعی جوانان به دلیل آن یعنی ازدواج سفید را برمی‌گزینند. ترس از طلاق در میان جوانان به ویژه در میان زنان و عواقب مانند سرنوشت فرزندان، قضاوت‌های تنگ‌نظرانه افراد جامعه نسبت به طلاق و زنان مطلقه، احساس بیگانگی، نداشتن پشتوانه اقتصادی، مهریه و نامنی و ناراحتی سبب شده است که ازدواج سفید راهکاری منطقی برای برخی جوانان دیده شود. زنان به ویژه با قدم نهادن در عرصه ازدواج رسمی در ساختار قانونی مورد تبعیض‌های جنسیتی نداشتن (شروط ضمن عقد) حق برابر طلاق، حضانت فرزند و... واقع می‌شوند و این موضوع دلیل جدی‌گزینش ازدواج سفید به عنوان بدیلی برای ازدواج رسمی است. [9]

تسهیل رابطه جنسی در ازدواج سفید عامل جذابیت برای جوانانی است که به دلایل متعدد نتوانسته‌اند ازدواج رسمی داشته باشند. فرزندآوری در اینگونه روابط هدف نیست؛ اما مطابق شواهد حاصل از پژوهش به دلیل ناآگاهی جنسی و شیوه‌های ضد بارداری و دسترسی نداشتن به وسایل پیشگیری، بارداری‌های ناخواسته صورت می‌گیرد. همین موضوع شیوع سقط جنین غیر قانونی را افزایش می‌دهد و این امر به نوبه خود سلامت جسمی و روانی زنان

را به طور جدی تهدید میکند. در صورت تولد فرزند به ندرت از آنها نگهداری میشود و اتفاقات تلخی مانند رها کردن فرزندان به وقوع می‌پیوندد. از سوی دیگر، سقط جنین به دلیل محدودیت قانونی و شرایط سخت برای زنان بارداری که رابطه هم‌خانگی داشتند غیرقانونی انجام می‌شود که معمولاً در محیط‌های غیربهداشتی و به صورت مخفیانه صورت می‌گیرد و خطراتی برای زنان نیز به دنبال دارد و بالطبع هزینه‌های زیادی دارد که پرداخت آن برای هر شخصی امکان‌پذیر نیست. [10]

اما بیشترین لطمه را فرزندان چنین ازدواج‌هایی خواهند خورد؛ زیرا این نوع ازدواج در جایی ثبت نمی‌شود و سرنوشت آنان پس از تولد مشخص نیست و از حقوق اجتماعی مانند تحصیل و داشتن شناسنامه محروم‌اند و یا به مشکل برخورد و در صورت مشخص نبودن والدینشان از والدین طبیعی خود ارثی نخواهند برد. در کشورهای غربی، تغییر سبک زندگی و پیامدهای مالی ناشی از طلاق دلیل اصلی رواج زندگی‌های مشترک بدون ازدواج است؛ ولی این پدیده در ایران نوظهور است.

این پدیده در ایران عمری حدود ده سال دارد و در کلانشهرهایی مانند تهران، مشهد، اصفهان و شیراز بین جوانانی رواج دارد که اکثراً بومی این شهرها نیستند و شاغل یا دانشجو هستند. بالارفتن سن ازدواج، که استقلال فردی، فکری و آزادی بیشتری را در انتخاب نوع زندگی و استقلال مالی از خانواده‌ها به دنبال دارد، از عوامل گسترش ازدواج سفید است. تجددخواهی و دست‌وپاگیری بودن ازدواج‌های سنتی و نیمه‌سنتی برای برخی جوانان و همچنین رفع نیاز جنسی به صورت مستمر از دیگر عوامل استقبال از ازدواج سفید در میان جوانان است. به طور کلی در فرهنگ سنتی و مذهبی ایرانی، به ازدواج سفید به چشم پدیده‌ای وارداتی و ناپسند نگاه می‌شود. [11]

در ایران از سال 1391 مرتضی طلایی، رئیس وقت کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر تهران از شکل‌گیری خانه‌هایی در شمال شهر تهران خبر داد که در آن‌ها دختران و پسران بدون ازدواج رسمی با یکدیگر زندگی می‌کنند و شاید بتوان گفت که این مدل همزیستی احتمال دارد قبلاً هم وجود داشته اما کسی از آن اطلاعی نداشته است. [12]

در اواسط سال 1393 این پدیده در رسانه‌ها سروصداي زیادی به پا کرد و بسیاری از کارشناسان را مجاب کرده است که بحران پنهانی در مسائل جنسی وجود دارد. این ریشه‌های گرایش به ازدواج سفید در جوانان تحصیل‌کرده شکلی از زندگی در فرهنگ غرب است که با فرهنگ، شرع، قانون در جامعه ما هماهنگی ندارد و نوعی همزیستی با نامحرم است که بنیان زندگی خانوادگی را از بین برده و فقط تامین نیازهای جنسی را به خصوص برای مردان در پی دارد و هر چند که این نوع ازدواج در کشور ما آنقدر شایع نشده است اما به هر جهت نوعی زندگی بیگانه است که در فرهنگ و تمدن اسلامی چارچوب‌های شرعی، عرفی و قانونی را زیر پا گذاشته و زنان جامعه ما اصلی‌ترین قربانیان و بازندگان آن خواهند بود. [13]

نتیجه‌گیری

در شرایطی که ازدواج رسمی از نظر جوانان با توجه به هراس از آینده اقتصادی ناشدنی است، شاید ازدواج سفید که عنوانی زیبا و ذاتی نازیبا دارد به عنوان ترجیح این قشر انتخاب شود؛ پدیده‌ای که روالی آزمایشی و موقتی است و فاقد فواید ازدواج است و با بها دادن به بی‌بند و باری و رهایی از قید و بندها مسبب از هم‌پاشیدن بنیان خانواده می‌شود. در گذشته حتی در اروپا که همباشی مورد پذیرش جامعه نبود از آن با عنوان ازدواج وحشی یاد می‌شد و در ایران نیز از این نوع ازدواج با توجه به فرهنگ جامعه‌ی آن به عنوان آسیب اجتماعی نوپدید یاد می‌شود.

شود.

تجددگرایی و حتی رسیدن به مجرد قطعی به ویژه در دختران و هراس از بی‌خانمانی و همچنین استقلال طلبی نسبی آن‌ها می‌تواند از مهم‌ترین انگیزه‌های جوانان برای هم‌بالینی باشد ولی این پیوند تا زمانی برقرار خواهد بود که دوستی و عشق در بین طرفین وجود دارد و خاتمه یافتن آن به هر علتی بسیار محتمل است.

می‌توان گفت این پدیده محصول آشفتگی اجتماعی و نوعی سبک زندگی بیمارگونه است که علاوه بر ایجاد هویت دوگانه برای طرفین درگیر در آن و بروز انواع خشونت‌ها علیه زنان، آسیب‌های دیگری را به عنوان رهاورد به همراه خواهد داشت که عبارتند از: کاهش نرخ ازدواج در نتیجه از بین رفتن جذابیت ازدواج پس از تجربه همباشی، تنگ شدن حلقه انتخاب در صورت تصمیم به ازدواج، از دست رفتن فرصت فرزندآوری و در نتیجه بالا رفتن سن ازدواج و نیز شیوع انواع بیماری‌های مقاربتی که به دلیل ارتباط‌های جنسی ناسالم دیگر، گریبانگیر همباش‌ها خواهد شد؛ بیماری‌هایی از جمله ایدز که بیشترین احتمال را در این نوع از رابطه‌های غیررسمی به همراه داشته و قابل جبران نخواهد بود. اگرچه افزایش خانه‌های مجردی و ایجاد ارتباط آسان میان دختر و پسر باعث شده که خلأ ازدواج از بین رفته و جوانان احساس نیاز به این پیوند را نداشته باشند ولی نباید با تابوسازی امر همباشی این پدیده را انکار کرد که نتیجه این عمل انفجار ناگهانی رشد آمار این آسیب اجتماعی در آینده خواهد بود. البته که می‌توان با مهیا ساختن شرایط درست برای شناخت صحیح جوانان از یکدیگر و در عین حال مدیریت نیازهای جنسی از شیوع روابط نامتعارفی چون همباشی جلوگیری کرد و شیوه‌های منطقی هدفمند کردن رابطه جوانان و در نهایت ازدواج را در جامعه به کار بست.

منبع: دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، شهریور 1399، سال سوم - شماره 28؛ عبدی، رقیه؛ غزنوی، عصمت؛ غزنوی، نرجس

پی‌نوشت‌ها:

- [1] مهاجرانی، علی اصغر. (1389). تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنتی ازدواج، علوم اجتماعی، شماره 11 ص 41-53.
- [2] آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمد حسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر. (1391). هم‌خانگی پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران، جامعه پژوهشی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول صص 43-77.
- [3] احمدی، کامیل. (1397). خانه‌ای باز با در باز - پژوهشی جامع در باب ازدواج سفید در ایران، فصلنامه مطالعات حقوق، شماره 21 صص 159-176.
- [4] پور فرهادی، پریسا، علل گسترش پدیده خانواده سفید در کلان‌شهر تهران در سال‌های 93-1392، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا.
- [5] سلیمی، مهدی، سلطانی، عباسعلی. (1392). نکاح معاطاتی و تفاوت آن با زنا، پژوهشنامه حقوق اسلامی.
- [6] رضایی، حسن. (1394). ازدواج سفید یا هم‌باشی سیاه، دو ماهنامه فرهنگی - اجتماعی، شماره 1.
- [7] زراعت، عباس. (1392). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، ج 1، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس.
- [8] سماواتی پیروز، امیر، عدالت ترمیمی. (1385). تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، تهران، نگاه بینه.
- [9] سهراب زاده، مهران؛ پرنیان، لیلا. (1395). سنخ بندی گرایش به ازدواج در بین دختران: مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره نهم، شماره 1 صص 83-114.

- [10] اسدی، محمد و هاشمی، مجید. (1391). بررسی پدیده طلاق و چونگی حضانت فرزندان بعد از مفارقت، فصلنامه مطالعات پلیس زن، ش 16.
- [11] آزاد ارمکی، تقی. (1380). شکاف بین نسلی در ایران، انجمن جامعه شناسی ایران ف شماره 4 ص 40-55.
- [12] رضایی، حسن. (1394). ازدواج سفید یا هم باشی سیاه، دو ماهنامه فرهنگی - اجتماعی، شماره 1.
- [13] زراعت، عباس. (1392). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، ج 1، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس.

عفت و پاکدامنی

راغب در مفردات عفت را چنین معنا می‌کند:

«عفت پدید آمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن از افزون طلبی قوه شهوانیه جلوگیری می‌شود. استعفاف [1]: طلب عفت و پاکدامنی و باز ایستادن از حرام است». [2] در علم اخلاق، مرحوم ملا احمد نراقی در معراج السعاده می‌نویسد: «عفت عبارت است از: مطیع و منقاد شدن قوه شهوانیه از برای قوه عاقله که در اقدام به خوردن و نکاح، حدود اوامر الهی را به لحاظ کمی و کیفی، نگهدارد. [3] عفت همان اعتدال عقلی و شرعی است و افراط و تفریط در آن مذموم است.

امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «اساس عقل، عفاف است و ثمره آن دوری از زشتی است» [4] و همچنین می‌فرماید: «انسان عقل مدار عقیف است» [5]; زیرا منشأ هر دو حرکت به سوی تعادل و پرهیز از افراط و تفریط است. این همان مفهومی است که هم در معنای عفت و هم در معنای عقل نهفته است.

عقل به معنای کرامت نفس انسان هم به کار برده شده [6] که شاخصی در تفاوت انسان با دیگر موجودات است و امیرالمؤمنین (ع) توجه فرد به کرامت انسانی در خود را سبب خوار کردن تمایلات شهوانی می‌داند. [7]

اصلی‌تر مفهوم در یافتن معنای عفاف، شهوت و خصوصاً شهوت جنسی [8] است. راغب در مفردات شهوت را این‌گونه معنا می‌کند: «از ماده شهو که اصل آن الشهوه به معنای خواهش و دلبستگی نفس به چیزی است، که می‌خواهی و اراده کرده‌ای» [9] و این خواهش و تمایل در دنیا دو گونه است: یک، تمایل کاذب. دو، تمایل صادق. میل و خواهش صادق آن چیزی است که اگر برآورده نشود کار بدن بدون آن مختل می‌شود مثل تمایل به طعام در موقع گرسنگی. و اما تمایل و شهوت دروغ یا کاذب چیز است که بدون آن، کار بدن مختل نمی‌شود. [10] مثل میل به غذای بهتر بعد از سیر شدن و استراحت طلبی بیش از حد که نوعی هوس نفسانی است.

تقوا و عفاف

بین مفهوم تقوا و عفاف رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد. تقوا یعنی انسان نفس و جان خود را از آنچه که بیمناک از آن است نگه دارد، و در دین یعنی خود نگهداری از آنچه که به گناه می‌انجامد. [11] تقوا به معنی عمل نکردن نیست بلکه به معنی پرهیز از گناه در عمل کردن است. تقوا و عفاف یعنی برخورداری از مصونیت، برای همین خداوند متعال فرموده: «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الإثم و العدوان» (سوره مبارکه مائده / آیه ۲) یعنی باید به تقوا دست یافت. تقوا یک عنوان کلی است که عوامل زیادی همچون حلم، صبر، حیا، عفت و... سبب دستیابی به تقوا می‌شوند. [12] بنابراین تقوا شامل پرهیز از هرگناهی است اما منظور از عفاف پرهیز از برخی گناه‌هاست. وجود ملکه عفاف در فرد سبب مصونیت وی از گناه می‌شود به طوری که نه تنها از شرایط و موقعیت گناه پرهیز می‌کند بلکه به ایجاد یک زمینه ارتباطی عفاف گونه هم اقدام می‌نماید. شخص عقیف به ارتباطات گسترده انسانی بر مبنای کرامت انسانی [13] توجه دارد. وقتی بینش انسان‌ها در ارتباط با خود و دیگران بر اساس کرامت شکل گرفت آنگاه برای شهوت و نگاه حیوانی جایی نخواهد ماند. کرامت از ریشه کرم به معنی عزت و بلندمرتبتگی است. [14] بنابراین منظور ما از توجه به کرامت انسانی به معنای توجه به هویت انسان و وجود معنوی و غیرجسمانی انسان در زندگی مادی اوست. مفهوم کرامت انسانی محدود به افراد نیست بلکه به گونه بشر اشاره دارد. [15]

عفاف در سطوح ارتباطات انسانی

۱-۲- ارتباط درون فردی

ارتباط درون فردی [16] یک داد و ستد ارتباطی است که در درون فرد روی می‌دهد. این نوع از ارتباط در حقیقت حرف زدن با خود است. ارتباط درون فردی از آن روی امکان پذیر می‌شود که انسان می‌تواند با استفاده از نمادهایی که در ارتباط خویش به کار می‌گیرد، موضوع یا منظور خودش واقع شود. [17]

عفاف در ارتباط درون فردی به معنای غلبه عقل و خویشتنداری انسان بر تمایل به معصیت و شهوت جنسی است که این جز با در نظر گرفتن کرامت نفس از سوی خود شخص صورت نمی‌گیرد. انسان می‌تواند به قدری با خود مشغول شود که به خود ارضایی در تمایلات جنسی برسد؛ چنانکه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «هر کس زیاد به فکر گناه باشد، گناهان او را به خود فرا می‌خواند» [18]

خودارضایی و استمناء یک عمل انحرافی و یک عکس العمل از نوع جانشین ساختن رفتاری به جای رفتار دیگر است. [19] فرد عملاً با خود کاری می‌کند که به تخلیه هیجان منجر گردد. از آنجایی که خودارضایی و یا استمناء در تمام ادیان و بسیاری از سنت‌های فرهنگی مذموم خوانده شده با کرامت نفس انسان در تضاد است زیرا سبب افسردگی، انزوایگزینی و پشیمانی زودرس می‌شود. [20]

تفکر انسان از هویت جنسی خود و تمایلات جنسی اگر در پرتو عقل و خویشتنداری قرار گیرد عفاف درون فردی را تشکیل می‌دهد که همان حریم شخصی است. شاید بتوان ادعا کرد، هرگاه انسان بتواند به عفاف درون فردی خود دست یابد قاعدتاً می‌تواند در سطوح دیگر ارتباط نیز به عفاف دست پیدا کند.

قوه وهم و خیال پردازی [21] در ارتباطات درون فردی باعث گسترش تفکر شهوانی خواهد شد. [22] بنابراین منشأ اصلی در ارتباط شهوی انسان با خود، خطورات ذهنی است که در اشکال گوناگون ذهن را مشغول کرده و اگر به پاسخ مناسب خود دست نیابد سبب عقده‌های روانی خواهد شد. لذا یا باید از تهییج این خطورات جلوگیری کرد. [23] یا با پاسخ مناسبی همچون نکاح که دستور دین است، به آن جهت انسانی داد. امام صادق (ع) با تشبیه فکر گناه به روشن کردن آتش در یک قصر و دودی شدن دیوارهای زینتی آن شیعیان را از فکر گناه برحذر می‌دارند، زیرا فکر گناه خواه ناخواه در قلب انسان تیرگی ایجاد می‌کند و به صفا و پاکی دل ضربه می‌زند ولو عملاً مرتکب آن گناه نشود. [24]

۲-۲- ارتباط میان فردی

مفهوم ارتباط میان فردی [25] برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۵۰ مطرح شد. ارتباط میان فردی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ارتباط میان فردی را می‌توان به عنوان فرآیندی تعاملی که در جریان آن دو نفر پیام‌هایی را ارسال و دریافت می‌کنند، توصیف کرد.

بنابراین لازمه این ارتباط، دادن و گرفتن است و همچنین در فرآیند ارتباط، عنصر اطلاعات و رابطه همیشه باهم هستند» [26]

هاولند کنش متقابل در ارتباط میان فردی را تأثیر فرستنده بر گیرنده در یک ارتباط فیزیکی و رودررو می‌داند، اما بارنلاند سال‌ها پس از او با پنج ویژگی ارتباط میان فردی را توضیح می‌دهد:

یک. به وجود آمدن یک تعهد ادراکی دریافتی در طرفین ارتباط،

دو. این تعهد باعث وابستگی متقابل ارتباطی و کنش متقابل متمرکز می‌شود، سه. کنش

متقابل متمرکز از طریق مبادله پیام انجام می‌شود، چهار. تمامی حواس پنجگانه می‌توانند در کنش متقابل درگیر باشند، پنج. این ارتباط بی‌ساختار بوده و از قواعد اندکی بهره می‌برد. [27] هرچند بلیک و هارولدسن ارتباط تلفنی و بی‌سیم را خارج از دسته بندی ارتباط میان فردی دانسته و دسته جدیدی به نام ارتباط بینابین را پیشنهاد می‌کند. [28] اما ما هر دو دسته را در همین ارتباط میان فردی فرض می‌کنیم.

در این سطح از ارتباط، دو فرد در دو سوی ارتباط قرار دارند و به صورت کلامی و غیرکلامی با هم ارتباط برقرار می‌کنند. عفاف در این سطح از ارتباط به معنای ارسال و دریافت هرگونه پیامی است که معنایی را در دو طرف ارتباط در مورد شهوات جنسی برانگیخته نساخته و در کنش متقابل متمرکز ایشان موجب تحریک شهوت جنسی نشود مگر برای زوجین. بنابراین منظور از ارتباط عفاف گونه بین دو فرد لزوماً ارتباطی نیست که حاوی هیچ گونه از پیام‌های مسائل جنسی نباشد بلکه در آموزش فقه، معالجات پزشکی و مسائل زناشویی چنین پیام‌هایی وجود دارد، اما بر این نکته پافشاری می‌کنیم که حاکم شدن روح عفاف در همین ارتباط‌ها سبب عدم تحریک شهوت جنسی و بالتبع عدم ترس از افتادن در گناه برای فرد شده و این ارتباط صرفاً در دایره آموزش و درمان برخی مسائل می‌گنجد که مورد توجه دین هم بوده است. حال می‌توان به سه دسته از حیث جنس در مورد این سطح از ارتباط اشاره کرد: یک. هم جنس، دو. غیرهم جنس محرم و سه. غیرهم جنس نامحرم که عفاف در ارتباط این گروه‌ها در حوزه کلامی و غیرکلامی جاری است.

از آنجایی که بحث عفاف مربوط به جنس [29] (خصوصیات فیزیکی و بیولوژیکی) است نه جنسیت [30] (خصوصیات روان‌شناختی و اجتماعی) در این سه دسته به ارتباطاتی توجه می‌شود که برآمده از جنس باشد. در مورد ارتباط همجنسان باید دانست، هر چند بین ارتباط‌گران هم جنس به طور معمول تمایلات جنسی وجود ندارد اما دین مبین اسلام حدود شرعی و اخلاقی در ارتباط همجنسان نیز قائل شده است. از نظر شرع، زن در مقابل زن دیگر باید عورتین خود را بپوشاند. [31]

برای مردان هم پوشش عورت در برابر یکدیگر لازم است. [32] حتی بسیاری از مراجع رقص زن برای زن و مرد برای مرد را جایز نمی‌دانند زیرا به گونه‌ای، محرک شهوت خواهد بود. [33] در ارتباط عفاف گونه نباید احساسات زنانه و حساسیت‌های ایشان مورد سوءاستفاده مردان قرار گیرد. همچنین عشوه‌های زنانه و تمایل زنان به نمایان سازی خود برای جلب مردان نیز عقلانیت مرد را تحت الشعاع قرار داده و روابط عفاف گونه را برهم می‌زند. همه اینها موجب برهم خوردن تعادلات عقلانی و در پی آن عدم توجه به کرامت نفسانی در ارتباط دو فرد می‌شود.

۲-۱- ازدواج دائم و موقت: ازدواج بین دو جنس مرد و زن که در سطح ارتباط میان فردی در ارتباطات انسانی می‌گنجد تنها و بهترین راه برای ارضای نیاز جنسی و برخورداری از روح عفاف است. ازدواج یک عامل ایجابی در به وجود آمدن عفاف است از همین رو خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هن لباس لکم وأنتم لباس لهن» (سوره مبارکه بقره / آیه ۱۸۷) (زنان لباس شما و شما لباس ایشان هستید) زیرا رابطه جنسی و تعهد خانوادگی برآمده از ازدواج سبب چشم پوشی از گناه شده و مرد و زن به خاطر پایداری رابطه خود حاضر به ارتباط جنسی خارج از خانواده نیستند. همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «یا معشر الشباب من استطاع منکم الباه فلیتزوج فإنه أغض للبصر و أحسن للفرج...» [34] (ای گروه جوانان! کسی که از شما توانایی بر ازدواج داشته باشد، ازدواج کند، زیرا ازدواج سبب می‌شود که از نوامیس مردم چشم فرو

بندد و دامان خویش را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ کند). در مورد تقویت ایمان به وسیله عفاف ناشی از ازدواج نیز باید به این روایت اشاره کنیم که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من تزوج فقد استكمل نصف الإيمان فليتنق الله في النصف الباقي» [35] (کسی که ازدواج می‌کند نصف دینش کامل شده پس در باقی آن تقوا داشته باشد). زیرا چنانکه در معنای عفاف گفته شد، عفاف و ایمان رابطه‌ای مستقیم دارند که سبب تقویت هم می‌شوند.

رابطه جنسی در پرتو ازدواج در حد یک لذت جسمانی نیست بلکه طبق آموزه‌های اسلام سبب شکوفایی ایمان و بلندی روح انسان می‌شود چنانکه پیامبر اکرم (ص) ازدواج را سبب بازشدن درهای رحمت خداوند، آموزش گناهان و تحکیم عفت می‌داند. [36] از طرف دیگر در روایات شخص مجرد بسیار تقبیح شده و پیامبر گرامی اسلام (ص) مجردی که وسع مالی برای ازدواج دارد را برادر شیطان خوانده است. [37]

آنچه که بیشتر مورد تأکید دین اسلام است ازدواج دائم بوده اما اگر شرایط ازدواج دائم فراهم نبود، برای ارضای نیاز جنسی، ازدواج موقت با شرایط خاص آن به عنوان جواز و دستوری برای مراقبت از عفاف صادر شده است. چنانکه از امیرالمؤمنین (ع) درباره متعه سؤال شد که ایشان فرمودند: «این ازدواج حلال مطلق است برای کسی که ازدواج دائم نکرده است، البته چنین شخصی باید عفت خود را از راه ازدواج موقت به دست آورد» [38]

۳-۲- ارتباطات گروهی

وقتی ارتباط افراد از سه نفر بیشتر شود، روابط ایشان ارتباطات گروهی [39] را تشکیل می‌دهد، همین روابط در ساختار سازمان، ارتباطات سازمانی نام می‌گیرد و اگر میان افراد از چند فرهنگ رخ دهد ارتباطات میان فرهنگی خوانده می‌شود. [40] از آنجایی که گروه تنها مجموعه‌ای از افراد نیست بلکه نشان‌دهنده نوع و شکل روابط میان اعضای آن گروه نیز هست، ارنست بورمن گروه را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از افرادی که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا کارهای مشترکی را انجام دهند و به هدفی مهم دست یابند» [41]

در این سطح ارتباط، حداقل در یکی از دو طرف ارتباط یک گروه محدود و قابل شمارش وجود دارد. وجود عفاف در ارتباط گروهی موجب رعایت تمام موازینی است که شهوت جنسی در ارتباط گران تحریک نشده و هیچ ریه‌ای در این ارتباط وجود نداشته باشد. به طور مثال در میهمانی‌ها، جشن‌ها و عروسی‌ها امکان پوشیدن لباس‌های نامناسب و یا رقص و موسیقی تحریک‌کننده شهوت جنسی وجود دارد و البته مؤمنین در رعایت عفاف اسلامی باید از این امور خودداری کنند.

اختلاط زن و مرد نامحرم به خودی خود مکروه است و اگر در مجلسی زنان حجاب کامل نداشته باشند و یا زینت کرده باشند و یا تماس‌های جسمی بین زن و مرد واقع شود اختلاط حرام خواهد بود. [42] رفتن به میهمانی‌هایی که انسان می‌داند اگر برود ناچار است به نامحرم غیرمحبوبه نگاه کند جایز نیست. به طور کلی باید در مجالس و اختلاط‌هایی که در مظان گناه است دقت داشت همچون؛ برپا کردن مجالس میهمانی مختلط بخصوص اگر شرکت‌کنندگان آن جوان باشند، هنگام غذا خوردن نامحرمان با یکدیگر، رفتن با نامحرم به تفریح، همکاری یک گروه که از نامحرمان تشکیل شده. [43]

۴-۲- ارتباطات جمعی

ارتباطات جمعی [44] را می‌توان شکل توسعه یافته ارتباط رودررو یا مدل خطی ارتباط دانست که در یک طرف فرآیند ارتباط فرستنده پیام و در طرف دیگر گیرنده آن وجود دارد. ارتباط جمعی یک فرآیند است و با اینکه تکنولوژی مدرن در شکل رسانه‌های گروهی برای این فرآیند ضروری

است ولی حضور این آلات فنی را نباید با خود فرآیند ارتباط جمعی اشتباه گرفت. [45] ارتباط جمعی، بنا به تعریف رایج، با سه ویژگی مشخص می‌شود: یک. در ارتباط جمعی پیام به سوی گیرندگان نسبتاً نامتجانس هدایت می‌شود، دو. پیام‌ها، که ذاتاً گذرا و ناپایدارند، برای عموم در یک زمان بندی مشخص ارسال می‌شود، سه. ارتباط گر، یا یک سازمان پیچیده یا عاملی است که در محدوده سازمان به کار می‌پردازد. [46]

به هر حال در ارتباط جمعی فرستنده پیام، یک شخص یا یک گروه یا یک سازمان است و دریافت کنندگان پیام، بزرگ و ناشناخته و نامتجانس از جهت ادراکی و فرهنگی هستند. [47] عفاف در این سطح ارتباط، از یک طرف متوجه فرستندگان پیام است، ایشان باید به گونه‌ای پیام را رمزگذاری کنند که در رمزگشایی آن به وسیله مخاطبان گسترده موجب برانگیخته شدن معنا و به دنبال آن تحریک شهوت جنسی در ایشان نشود. از طرف دیگر عفاف در ارتباط جمعی متوجه مخاطبین است. همان طورکه در مورد ریه گفته شد، ریه امری نسبی در انسان هاست، شاید یک برنامه تلویزیونی همه جهات شرعی را در برنامه سازی خود رعایت کرده باشد اما مخاطب نباید به خاطر لذت جنسی به استفاده از رسانه بپردازد.

در این نوع ارتباط از وسایل ارتباط جمعی چاپی و الکترونیک، سمعی و بصری مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون، سینما و... استفاده می‌شود که تولیدگران یا فرستنده آن معلوم و مشخص است اما مخاطبان و گیرندگان پیام را به طور دقیق نمی‌توان شمارش کرد.

مطالعات نشان می‌دهد تلویزیون، از همه رسانه‌ها باور کردنی‌تر است و چنانچه مردم محدود به گزینش یک رسانه باشند از همه رسانه‌ها خواستنی‌تر است. و نیز اینکه، تلویزیون بهترین عملکرد و اجرای نقش را نسبت به دیگر رسانه‌ها، ارائه می‌دهد، و بالاخره، تلویزیون در فاصله سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۷، نقش رهبری خود را در این ابعاد، افزایش داده است. [48] ارزان بودن، جذاب بودن، برخورداری از برنامه‌های مختلف و فراهم کردن آسان آن شاید از دلایل حجم انبوه مخاطبان و اقبال عظیم مردم به آن باشد. این رسانه، کارکردهای اجتماعی عمده‌ای در جامعه دارد و در شکل‌گیری ارزش‌های فردی، اجتماعی و معنوی بسیار تأثیرگذار است.

از آنجایی که رسانه تلویزیون رسانه‌ای دیداری شنیداری است، واجد احکام عفاف برای مخاطب در حوزه نگاه و شنیدن، و برای فرستندگان پیام در تمامی احکام عفاف می‌شود. برنامه و فیلم تلویزیونی اگر به صورت زنده پخش شود حکم انسان زنده را دارد و اگر برنامه غیرمستقیم باشد حکم عکس را پیدا می‌کند. [49]

دیدن عکس زن نامحرم، در صورتی که حجاب خود را رعایت نکرده باشد و مرد او را بشناسد حرام است، اگر او را نشناسد اشکالی ندارد. [50] البته پوشش عورتین در عکس هم باید لحاظ شود. [51]

در نتیجه اگر تصویری به طور مستقیم پخش شود احکام نگاه به آن، همان احکام نگاه کردن به انسان زنده را دارد، لذا مردان نمی‌توانند به غیر از وجه و کفین زنان (مسلمان) نامحرم را نگاه کنند و همچنین خانم‌ها نمی‌توانند به بدن مردان که در فیلم‌های ورزشی یا غیر آن که به طور مستقیم پخش می‌شود، نگاه کنند. [52]

منبع: برگرفته از مقاله عفاف اسلامی در سطوح ارتباط انسان: کلامی و غیر کلامی؛ علم الهدی، سید عبدالرسول؛ نشریه نامه فرهنگ و ارتباطات، بهار و تابستان ۱۳۸۹- شماره ۲ **پی نوشت‌ها:**

[1] که در آیات: (و من کان غنیا فلیستعفف سوره مبارکه نساء/آیه ۶)، (و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحا سوره مبارکه نور/ آیه ۳۳) به آن اشاره شده است.

- [2] المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق، ج: ۱، ۵۷۳.
- [3] معراج السعادة، نراقی، احمد، تهران: انتشارات دهقان، ۱۳۷۷: ۲۰۵.
- [4] بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر، بیروت: مؤسسة الوفاء ۱۴۰۴ق: ج ۷: ۷۵.
- [5] تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶: ۵۳.
- [6] المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، محمدحسین، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۱۵۶-۱۵۸.
- [7] نهج البلاغه، قصارالحکم ۴۴۹.
- [8] Desire
- [9] المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق، ج: ۱، ۴۶۸.
- [10] همان، ج ۶: ۱۴۴.
- [11] همان، ج ۱: ۸۱.
- [12] پسندیده، ۱۳۸۳: ۳۴.
- [13] Human dignity
- [14] لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲: ۵۱۲.
- [15] رک: ۲۰۱۰، kateb,
- [16] Intrapersonal communication
- [17] طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات، بلیک، رید و اوین هارولدسن، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش، ۱۳۷۸: ۳۹.
- [18] تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶: ۱۸۶.
- [19] قائمی، ۱۳۸۶: ۱۲۴-۱۲۵.
- [20] همان: 141-138.
- [21] Fantasy
- [22] نراقی، محمدمهدی، علم اخلاق اسلامی، ترجمه: مجتبی، سید جلال الدین، تهران: انتشارات حکمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۵.
- [23] احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، معصومی، مسعود، قم: بوستان کتاب، چاپ سی هشتم، ویرایش هفتم، ۱۳۸۶: ۱۷۳.
- [24] الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۴۲.
- [25] Interpersonal communication
- [26] مدیریت ارتباطات، برکو، ری ام، آندرو دی. ولوین و دارلین آر. ولوین، ترجمه اعرابی، محمد و ایزدی، داود، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۶: ۱۵۸.
- [27] طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات، بلیک، رید و اوین هارولدسن، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش، ۱۳۷۸: ۴۰-۴۱.
- [28] همان: ۴۵-۴۸.
- [29] Sex
- [30] Gender
- [31] احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، معصومی، مسعود، قم: بوستان کتاب، چاپ سی هشتم، ویرایش هفتم، ۱۳۸۶: ۶۳.
- [32] همان: ۳۷.
- [33] همان: ۲۱۷-۲۲۱.
- [34] پیام پیامبر، خرمشاهی، بهاء الدین و انصاری، مسعود، تهران: منفرد، ۱۳۷۶: ۱۷۲.

- [35] نهج الفصاحة مجموعه كلمات قصار حضرت رسول(ص)، پاینده، ابوالقاسم، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲: ۷۵۴.
- [36] شعیری، تاج‌الدین، جامع الأخبار، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ق: ۱۰۱-۱۰۲.
- [37] همان: ۱۰۱.
- [38] الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵، ج ۵: ۲۳۷.
- [39] Group communication
- [40] "Communication as A Field and as A Discipline" in 21st Century ;quot
 Communication A Refrence Handbook ,William F, Eadie (Ed), San Diego State
 University (۱۹): ۲۰۰۹.
- [41] مدیریت ارتباطات، برکو، ری ام، آندرو دی. ولوین و دارلین آر. ولوین، ترجمه اعرابی، محمد و ایزدی، داود، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۶: ۲۶۷.
- [42] احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، معصومی، مسعود، قم: بوستان کتاب، چاپ سی هشتم، ویرایش هفتم، ۱۳۸۶: ۱۷۶.
- [43] همان: ۱۷۷.
- [44] Mass communication
- [45] طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات، بلیک، رید و اوین هارولدسن، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش، ۱۳۷۸: ۴۹.
- [46] همان: ۴۹.
- [47] Pearce, Kevin J. "Media and Mass Communication Theories& ;quot Encyclopedia -[47]
 .of Communication Theory. 2009. SAGE Publications 10Apr.2010
 .<reference. com/communicationtheory/Article_n231.html
- [48] رپر به نقل از بلیک، ۱۳۷۸: ۵۴.
- [49] احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، معصومی، مسعود، قم: بوستان کتاب، چاپ سی هشتم، ویرایش هفتم، ۱۳۸۶: ۸۳.
- [50] البته هر نگاهی که در آن برای بیننده ریه وجود داشته باشد حرام است
- [51] احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، معصومی، مسعود، قم: بوستان کتاب، چاپ سی هشتم، ویرایش هفتم، ۱۳۸۶: ۷۶-۸۲.
- [52] همان: ۸۴.

پاکدامنی و اهمیت آن از دیدگاه قرآن

پاکدامنی یکی از خلقیات پسندیده و صفات عالیه ی انسانی است. ملکه ی عفت، تمایلات جنسی آدمی را تعدیل می کند و انسان را از پلیدی های غریزه جنسی مصون نگاه می دارد. اثر این سنجیه ی اخلاقی، نظارت بر غریزه ی جنسی است، در مواردی که غریزه ی جنسی قصد سرکشی و طغیان دارد و آدمی را به تندروی و تجاوز از حدّ خویش امر می نماید، ملکه ی عفت، مانند سدّ محکمی، در برابرش ایستاده و از تجاوز و گناهکاری آن جلوگیری می نماید، و در نتیجه آدمی را از پلیدی اخلاقی و سقوط حتمی محافظت می کند. کسانی که از خوی پسندیده ی پاکدامنی بی بهره اند و از این سنجیه ی انسانی محرومند، همواره در معرض سقوط اخلاقی و خطرات ناشی از آن هستند، اگر پیش آمدهای زندگی، آنان را به پرتگاه غریزه ی جنسی و اعمال منافی با عفت سوق دهد، بعید است بتوانند خود را حفظ کنند و از عوارض شوم و بدبختی های آن مصون بمانند. از نظر دین اسلام نیز این صفت، از برترین فضایل اخلاقی می باشد. در حدیثی از امام علی علیه السلام، آمده است: «علیک بالعفاف فانه أفضل شیم

الأشراف» [1] «بر تو باد عفت و وزیدن که آن برترین شیوه‌های مردم با شرافت است». از سوی دیگر غریزه‌ی جنسی یکی از نیرومندترین غرایز انسان است. ناکامی‌ها و شکست‌هایی که از این راه، نصیب بشر می‌گردد، تمایلات سرکوفته و خواهش‌های واپس زده شده‌ی این غریزه که در ضمیر انسان پنهان می‌شود می‌تواند در روان آدمی عقده‌های عظیمی به وجود آورد و منشأ فسادها، بدبختی‌ها، خیانت‌ها، جنایت‌ها، قتل‌ها و غارت‌ها شده و گاهی باعث بیماری روحی یا دیوانگی گردد و با توجه به این که پاکدامنی عامل تعدیل این غریزه است، دین اسلام برای آن اهمّیت زیادی قائل است و به عنوان يك ارزش در جوامع اسلامی مطرح است.

اهمّیت پاکدامنی به اندازه‌ای است که امام علی علیه السلام معتقد است، پاداش کسی که در راه خدا شهید می‌شود از فرد پاکدامن بیشتر نیست. در حدیثی از ایشان آمده است: «ما المجاهد الشهيد فی سبیل اللّٰه بأعظم أجرًا ممن قدر فعف لکاد العفیف أن یکون ملکًا من الملائکة» [2] «پیکارگری که در راه خدا شهید می‌شود اجرش بیشتر از کسی که قدرت گناه دارد و چشم می‌پوشد نیست. عفیف (پاکدامن) نزدیک است فرشته‌ای باشد از فرشتگان». در این بخش قبل از بیان اهمّیت پاکدامنی، واژه‌ی عفت در قرآن کریم و سپس پاکدامنی از نظر علم اخلاق بررسی می‌شود و پس از آن به بیان اهمّیت پاکدامنی پرداخته می‌شود.

واژه‌ی عفت در قرآن کریم:

واژه‌ی عفت در قرآن به کار نرفته است. لکن مشتقات این واژه چهار بار در قرآن کریم آمده است. يك بار از مصدر «تعفّف» و سه بار از مصدر «استعفاف» [3]، البتّه در رابطه با موضوع پاکدامنی، علاوه بر این موارد، آیات دیگری نیز آمده است. [4]

«تعفّف» به معنای کوشش و مبالغه در نگهداری عفت نفس، پاکدامنی، پرهیزکاری، خودداری کردن و حفظ نفس از به جا آوردن اعمال بد و اموال حرام و اخلاق ناپسند است. [5]

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْضِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ» [6]. صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا ناتوان و بیچاره‌اند و توانایی آن که کاری پیش گیرند ندارند و از فرط عفاف چنان اموالشان به مردم مشتبه می‌شود که هر کس از حال آن‌ها آگاه نباشد پندارد او غنی است و بی‌نیاز...»

عفاف و تعفّف یعنی: خودداری از حرام و سؤال از مردم، [7] یعنی خودداری نفس از انجام محرّمات و خودداری کردن سؤال و تقاضای از مردم. [8] که در این آیه معنای دوم مراد است. از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است که این آیه درباره‌ی اصحاب «صقه» نازل شده است. اصحاب صقه در حدود چهارصد نفر از مسلمانان مکه و اطراف مدینه بودند که نه خانه‌ای در مدینه داشتند و نه خویشاوندانی که به منزل آن‌ها بروند و از این جهت در مسجد پیامبر مسکن گزیدند و آمادگی خود را برای شرکت در میدان‌های جهاد اعلام داشته بودند؛ ولی چون اقامت در مسجد با شئون مسجد سازگار نبود، دستور داده شد به صقه (سکوی بزرگ و وسیع) که در بیرون مسجد قرار داشت منتقل شوند، که آیه‌ی فوق نازل شد و به مردم دستور داد که از کمک‌های ممکن به این گروه از برادران خود مضایقه نکنند؛ آن‌ها هم چنین کردند. [9]

«ابن جریر طبری» درباره‌ی اصحاب صقه می‌گوید: [10]

«مردمانی بودند درویش و از دنیا چیزی نداشتند و نیز از مردمان به اصرار هیچ نخواستند. و اگر کسی در حقّ ایشان شفقتی بردی، و مراعاتی کردی، رد نکردندی، و بدان قانع و خرسند بودندی و روزگار به سر بردندی به طاعت و عبادت و سیمای خوب و روشن و نیکو داشتندی،

جماعتی بدین صفت و سیرت بودندی».

بعضی از مفسران تصریح کرده‌اند که آن‌ها پاسداران پیامبر صلی الله علیه و آله و محافظان ایشان بوده‌اند. [11]

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْمُخْلَفَ» «همانا کسی که با اصرار چیزی را از مردم بخواهد مورد غضب خداوند است.» [12]

واژه ی «استعفاف»، در اصل به معنای امتناع و ترك است و استعفاف طلب عفاف است که شخص خود را از حرام و کارهای ناروا و خواسته‌های پست دنیایی و آن‌چه ناپسند است، باز دارد.

گفته شده: استعفاف طلب عفاف است و آن خودداری از حرام و سؤال کردن (گدایی کردن) از مردم است. [13]

استعفاف، گاه موردش دست‌نگه داشتن و خودداری از تصرف در مال دیگران است. مانند این که دامن خود را از صرف مال یتیم‌نگه دارد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... وَمَنْ كَانَ عَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ يَالْمَعْرُوفِ...» [14]. «... و هر کسی از اولیای یتیم‌دار است از هر تصرف در مال یتیم به نفع خویش خودداری کند و هر که فقیر است در مقابل نگهبانی او از مال یتیم به مقدار متعارف ارتزاق کند...».

در اینجا خطاب به کسانی است که به عنوان ولی و قیم و سرپرست برای یتیم معین شده‌اند. از وظایف آنان است که در مال یتیم اسراف نکنند. یعنی بدون استحقاق و احتیاج دست‌تعدی به مال یتیم دراز نکنند. اما اگر طفل فقیر باشد و ناچار برای تأمین زندگی، یا باید دنبال کسب برود یا اینکه امر یتیم را سرپرستی نماید، در این صورت مانعی ندارد که به اندازه ی مخارج ضروری خود از مال یتیم برداشت کند. و این برداشت در واقع به عنوان کارمزد در مقابل عملش می‌باشد. و البته در این مورد رعایت عدالت لازم است و باید بر طبق معروف رفتار کرد. [15]

در «تفسیر عیاشی» در ذیل این آیه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرموده‌اند: «فقیر کسی است که ممرّ معاشی نداشته باشد، و چنین کسی می‌تواند به مقدار متعارف از اموال یتیم ارتزاق کند، و این در صورتی است که فعالیت خود را نیز در طریق مصالح آن یتیم به کار انداخته باشد، و در عین حال اگر بودجه ی مال یتیم ضعیف است، نباید از آن برداشت کند.» [16]

«استعفاف» گاه به معنای قدرت‌جلوگیری از شهوات نفسانی و غریزه جنسی است که به واسطه ی ریاضت، شهوت را سرکوب کند. [17] مانند:

«وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» «و آنان که وسیله ی نکاح نیابند، باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آن‌ها را به لطف خود بی‌نیاز گرداند...» [18].

در حدیثی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «یا معشر الشباب من استطاع الباءة فليتزوج، فإنه أغض للبصر، وأحصن للفرج...». «ای گروه جوانان! هر که از شما قدرت بر نکاح داشته باشد باید که ازدواج کند، چرا که ازدواج بهترین چیزی است که چشم را از نامحرم بیوشد و فرج را از آن‌نگه دارد. [19]

معنای دیگر «استعفاف» درباره ی زن یائسه است که اگر به پوشاندن خویش از نظر نامحرم طلب عفت و پاکدامنی کنند برای آنان بهتر است.

«وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لهنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». [20] و اگر باز هم عفت و تقوی بیشتر گزینند بر آنان بهتر است و خدا به سخنان خلق شنوا و آگاه است.

یعنی زنانی که یائسه باشند و امید ندارند که مردی طالب ازدواج با آن‌ها باشد و رغبت به

نزدیکی با ایشان کند، گناهی بر ایشان نیست که جامه‌ی ظاهری خود را که چادر است بپوشند، در صورتی که زینت خود را آشکار نکنند. و اگر باز هم عفت بورزند و چادر سر کنند بهتر است و خدا به گفتار آنان با مردان دانا به مقصود باطنی شان شنواست. [21]

از آن جا که این تحقیق در نظر دارد که موضوع پاکدامنی را از دیدگاه قرآن و روایت مورد بررسی قرار دهد، پس تنها دو معنای اخیر با موضوع مرتبط می‌باشند، که هر دو مورد نیز در سوره‌ی مبارکه‌ی «نور» آمده است. این سوره را می‌توان سوره‌ی پاکدامنی و عفت و مبارزه با آلودگی جنسی دانست. چرا که قسمت عمده‌ی دستوراتش بر محور پاکسازی اجتماع از طرق مختلف، از آلودگی‌های جنسی دور می‌زند. [22] در بخش‌های بعدی به تناسب موضوع، پیرامون آیات مربوطه مفصلاً بحث خواهد شد.

اهمیت پاکدامنی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد پاکدامنی از نظر قرآن و روایات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای روشن شدن این موضوع در این قسمت به برخی از آیات و روایاتی که در این زمینه آمده است، اشاره می‌گردد. این قسمت شامل مباحث زیر است:

پاکدامنی از صفات برجسته‌ی مؤمنین، پاکدامنی برترین عبادت‌ها، پاکدامنی شرطی مهم در انتخاب همسر، پاکدامنی عامل حفظ سلامت جامعه و فضیلت افراد پاکدامن. حال به شرح هر یک از موارد مذکور پرداخته خواهد شد:

1- پاکدامنی از صفات برجسته‌ی مؤمنین

آیات آغازین سوره‌ی مؤمنون ویژگی‌های مؤمنان را در عباراتی کوتاه، زنده و پرمحتوا تشریح می‌کند. خداوند متعال در این سوره یکی از ویژگی‌های مؤمنین را مسأله‌ی پاکدامنی و عفت به طور کامل، و پرهیز از هرگونه آلودگی جنسی قرار داده و چنین می‌گوید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْتَابِهِمْ حَافِظُونَ» [23] «و آن‌ها که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ می‌کنند.» «علامه طباطبائی» در تفسیر این آیه چنین فرموده‌اند:

«کلمه‌ی فروج جمع فرج است، به طوری که گفته‌اند؛ عورت زن و مرد است، که مردم از بردن نام آن‌ها شرم می‌کنند و حفظ فروج کنایه از اجتناب از مواقعه‌ی نامشروع است. از قبیل زنا و لواط و یا جمع شدن با حیوانات و امثال آن.» [24]

یکی دیگر از مفسران معتقد است که [25] این آیه پاک‌ی روح و خانواده و جامعه است و نگهدارنده‌ی نفس و خانواده و اجتماع از رواج بی‌حساب شهوات در آن و از فساد خانواده و انساب است. و اجتماعی که شهوات بی‌حساب در آن شایع شود، جامعه‌ای فاسد است. زیرا در آن امنیت برای خانه و حرمتی برای خانواده نیست. و چون خانواده اولین واحد در بنای جامعه است، باید در آن امنیت استقرار داشته و پاک‌ی برقرار باشد و زن و مرد هر دو با اطمینان از یکدیگر در آن زندگی کنند.

در آیه‌ی بعد می‌فرماید: «إِنَّمَا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» [26] تنها اجازه‌ی آمیزش جنسی با همسرانشان و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آن‌ها ملامت نمی‌شوند.»

این جمله استثناء از حفظ فروج است، و «علیٰ أَرْوَاحِهِمْ» به معنای زنان حلال، و «أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ» به معنای کنیزان مملوک است که مواقعه‌ی با زنان خود یا کنیزان مملوک ملامت ندارند. [27] آری مؤمنین کسانی هستند که فروج خود را در جمیع احوال حفظ می‌کنند، مگر در حال ازدواج یا در مورد کنیزان و آن‌ها در این حال مورد سرزنش قرار نمی‌گیرند.

در این جا تعبیر به همسران شامل همسران دائم و موقت هر دو می‌شود. در حدیثی آمده

است:

عن جعفر بن محمد عن ابیه عن آبائه علیهم السّلام قال: قال: امیرالمؤمنین علیه السلام «تحل الفروج بثلاثة وجوه: نکاح بمیراث، و نکاح بلامیراث، و نکاح بملك یمین». [28] جعفر بن محمد از پدرش از آباء گرامیش علیهم السّلام روایت کرده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «فروج‌ها به یکی از سه طریق حلال می‌شوند، یکی نکاح به میراث و یکی نکاح بدون میراث و نکاح به ملك یمین». و در کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که کسی از امام در مورد متعه پرسید، فرمودند: «حلال است ولی زنه‌ار که صیغه مکن مگر زن عفیف را که خدای عزوجل می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» «پس فروج خود را در جایی که ایمن نیستی مگذار». [29]

در این حدیث معنای حفظ به حدّی تعمیم داده شده است که شامل ترك ازدواج با غیر عفیفه هم شده است. و در این دو روایت متعه را نکاح و ازدواج خوانده است و از نظر روایات بی شماری مطلب، همین طور است و مبنای فقه امامان اهل بیت علیهم السلام هم بر این است. بعضی مفسران اهل سنت در اینجا گرفتار اشتباهی شده‌اند و خواسته‌اند از این آیه شاهی برای نفی ازدواج موقت بیاورند و بگویند آن هم در حکم زنا است! «سیوطی» می‌نویسد: عن القاسم بن محمد انه سئل عن المتعة فقال: انی لاری تحریمهما فی القرآن ثم تلا «وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ». [30]

از قاسم بن محمد درباره‌ی متعه سؤال شد و او گفت: همانا من تحریم آن را در قرآن می‌بینم و سپس این آیه را تلاوت کرد: «وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ». «فخر رازی» معتقد است که [31]، این آیه دلالت بر تحریم متعه می‌کند بر اساس آن چه که از قاسم بن محمد روایت شده، متعه زوجیت نیست؛ زیرا که زوجین در آن از یکدیگر ارث نمی‌برند.

اما با توجه به این حقیقت که «ازدواج موقت» (متعه) به طور مسلم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلال بوده است، احدی از مسلمانان آن را انکار نمی‌کند؛ اما بعضی می‌گویند در آغاز اسلام بوده و بسیاری از صحابه نیز به آن عمل کرده‌اند، سپس نسخ شده است و بعضی می‌گویند: عمر بن خطاب از آن جلوگیری به عمل آورد با توجه به این واقعیت‌ها مفهوم سخن این دست از دانشمندان اهل سنت این خواهد بود که پیامبر صلی الله علیه و آله -العیاذ بالله- زنا را حداقل برای مدّتی مجاز شمرده است، و این غیر ممکن است.

برخی از مفسرین اهل سنت با این نظر مخالف هستند، «زمخشری» معتقد است که [32]: این آیه دلیل بر تحریم ازدواج موقت نیست، زیرا ازدواج موقت هم یکی از انواع ازدواج است هنگامی که نکاح صحیح باشد.

از آن جا که غریزه‌ی جنسی سرکش‌ترین غرائز انسان است و خویشتن‌داری در برابر آن نیاز به تقوی و پرهیزکاری فراوان و ایمان قوی و نیرومند دارد. در آیه‌ی بعدی بار دیگر بر همین مسأله تأکید کرده و می‌گوید:

«فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذٰلِكَ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» «هر کس غیر این طریق را (جهت بهره‌گیری جنسی) طلب کند متجاوز است.»

«علامه طباطبائی» در ذیل این آیه می‌نویسند:

«این تفریع است بر مطلب قبل یعنی، مستثنا و مستثنا منه. و معنایش این است که وقتی مقتضای ایمان این شد که به کلّی فروج خود را حفظ کنند، مگر تنها از دو طایفه از زنان، پس هر کس با غیر این دو طایفه مساس و ارتباط پیدا کند، متجاوز از حدود خدا شناخته می‌شود، حدودی که خدای تعالی برای مؤمنین قرار داده است.» [33]

در سوره ی مبارکه ی «معارج» نیز به برخی از اوصاف مؤمنین اشاره شده است. در آیات بیست و نهم تا سی و یکم این سوره همین آیات آمده و از پاکدامنی به عنوان یکی از صفات برجسته ی مؤمنین یاد شده است.[34]

آری، اسلام طرح جامعه ای را می ریزد که هم به غرایز فطری در آن پاسخ داده می شود و هم آلوده ی فحشاء و فساد جنسی و مفاسد ناشی از آن نیست. در این جا ذکر يك نکته ضروری است و آن این که حلال بودن کنیزان (زنان برده) مشروط بر شرایط متعددی است که در کتب فقهی آمده است، و چنان نیست که هر کنیزی به صاحب آن حلال باشد و در واقع در بسیاری از جهات و شرایط، همان شرایط همسران را دارد، هر چند در عصر و زمان ما این موضوع منتفی است.

در آیه ی سی و پنجم سوره ی مبارکه ی «احزاب» که به اوصاف اعتقادی و اخلاقی و عملی مؤمنین اشاره می کند، پاکدامنی را یکی از این اوصاف می داند، آن جا که می فرماید: «وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ» «...و مردانی که دامن خود را از آلودگی به بی عفتی حفظ می کنند و زنانی که عقیف و پاکند...»

با توجه به آیات فوق و تفسیر آن‌ها، این موضوع روشن می شود که یکی از صفات برجسته ی مردان و زنان مؤمن، پاکدامنی و پرهیز از آلوده شدن به انحرافات جنسی در جمیع احوال می باشد.

2- پاکدامنی برترین عبادت‌ها

در احادیث نقل شده از معصومین علیهم السلام از پاکدامنی به عنوان برترین عبادت‌ها یاد شده است. این موضوع با بیانات گوناگون و در منابع متعددی آمده است که در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره می شود.

عن أبي عبد الله عليه السلام كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول: «أفضل العبادة العفاف» [35].

به روایت امام صادق علیه السلام امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند: «برترین عبادت پاکدامنی است». گفته شده [36] ممکن است حمل عفاف در اینجا شامل ترك جمیع محرّمات باشد.

در روایت دیگری آمده است: قال الباقر عليه السلام: «أفضل العبادة عفة البطن و الفرج» [37]. امام باقر علیه السلام فرمودند: «برترین عبادت‌ها عفت شکم و فرج است». عن أبي جعفر عليه السلام قال: «ما من عبادة أفضل عند الله من عفة بطن و فرج» [38]. امام باقر علیه السلام فرمودند: «هیچ عبادتی نزد خداوند بهتر از عفت در شکم و فرج نیست». عن أمير المؤمنين عليه السلام انه قال: «أفضل العبادة شىء واحد و هو العفاف» [39]

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «برترین عبادت يك چیز است و آن عفت و پاکدامنی می باشد».

3- پاکدامنی، شرطی مهم در انتخاب همسر

در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام از پاکدامنی به عنوان شرط مهم، در انتخاب همسر یاد شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «...وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...» [40] این آیه درباره ی ازدواج با زنان پاکدامن از مسلمانان و از اهل کتاب برای شما حلال هستند و می توانید با آن‌ها ازدواج کنید به شرط آن که مهر آن‌ها را بپردازید.»

مفسرین معتقدند که، [41] این آیه دلیل بر جواز ازدواج با زنان پاکدامن مؤمن و زنان پاکدامن اهل

کتاب می‌باشد، احسان (مصدر محصنه) به معنای عقیف بودن، آزاده بودن، همسر داشتن و مسلمانان بودن است. در آیه ی مورد بحث تنها معنای اوّل و دوم می‌تواند مراد باشد و برداشت فوق بر اساس معنای اوّل است. این برداشت را فرمایش منقول از امام صادق علیه السلام تأیید می‌کند، که درباره ی آیه فوق فرمودند: «هِنَّ الْعَفَائِفُ» (آنان پاک‌دامنانند) آری، ایمان به خدا اعتقاد به وحی و رسالت و عفت و پاکدامنی، از ارزش‌های والا در انتخاب همسر و تشکیل خانواده می‌باشد. در ادامه ی این آیه می‌فرماید: «مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» «پاکدامن باشید نه زناکار و نه دوست پنهانی گیرید...»

پاکدامنی و عفت مردان، از شرایط حلیّت ازدواج آنان با زن عقیف و پاکدامن می‌باشد. اخدان جمع خدن به معنای رفیقان است که به مناسبت مورد، مراد از آن رفاقت‌های جنسی نامشروع و مسافحین از سفاح به معنای زنا است. این آیه دلالت بر حرمت روابط آشکار و مخفیانه ی مردان و زنان دارد. و این نشانگر اهتمام اسلام به عفت و پاکدامنی جامعه است. فقها نیز بر این مسأله تأکید کرده و در بیان آداب نکاح، یکی از شرایط همسر را پاکدامن بودن او بیان می‌نمایند. یکی از فقها معتقد است که [42] مستحبّ است که مردان کسی را اختیار کنند که باکره و پاکدامن و دارای اصالت خانوادگی باشد، «امام خمینی (ره) در این باره می‌گوید: «سزاوار است که در انتخاب زن، تنها به جمال و مال او نگاه نشود، بلکه اختیار کند زنی را که دارای صفات شریف و شایسته باشد، که در اخبار مدح او آمده است و صفات بد را نداشته باشد، و احادیث به مذمت او ناطقند. [43] و جامع‌ترین خبر در این زمینه آن است که از پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شده است. که فرمودند:

«و ان خیر نسائکم الولود الودود العقیفة، العزیزه فی أهلها، الذلیلة مع بعلها، المتبرجه مع زوجها، الحصان علی غیره التی تسمع قوله و تطیع امره» [44]. «بهترین زنان شما زنی است که اولاد آور و دوستدار و عقیف باشد و در بین اهلش عزیز باشد و نسبت به شوهرش متواضع باشد و جمالش را به شوهر آشکار نماید و بر غیر شوهر، خود را حفظ کند. زنی که حرف او را می‌شنود و امر او را اطاعت می‌کند.»

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «الزّانی لا ینکحُ إلا زانیةً أو مُشْرِکةً وَ الزّانیةُ لا ینکحُها إلا زانیاً أو مُشْرِکاً وَ حَرَّمَ ذَکَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ» [45]

«مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به ازدواج خود در نمی‌آورد، و این کار بر مؤمنان تحریم شده است». ظاهر این آیه تحریم ازدواج با زانی و زانیه است، البتّه این حکم در روایات اسلامی مقید به زنان و مردانی شده است که مشهور به این عمل بوده‌اند و توبه نکرده‌اند، اگر مشهور به این عمل نباشند، یا از عمل گذشته ی خود کناره‌گیری کرده و تصمیم بر پاک‌ی و عفت گرفته، و اثر توبه ی خود را نیز عملاً نشان داده‌اند، ازدواج با آن‌ها شرعاً بلامانع است. [46]

بعضی از مفسّران در شأن نزول این آیه چنین نوشته‌اند:

«مردی از مسلمانان از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه خواست که با «ام مهزول» زنی که در عصر جاهلیّت به آلودگی معروف بود و حتّی پرچمی برای شناسایی بر در خانه ی خود نصب کرده بود! ازدواج کند، آیه ی فوق نازل شد و به آن‌ها پاسخ داد.» [47]

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: فی قوله الله عزّوجلّ: «الزّانی لا ینکحُ إلا زانیةً أو مُشْرِکةً». قال «هم رجال و نساء کانوا علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مشهورین بالزنا فنهی الله عن أولئک الرجال و النساء و النساء الیوم علی تلك المنزلة، من شهر شیئاً من ذلك أو أقیم علیه الحد فلا تزوجه حتی تعرف توبته» «این آیه اشاره به مردان و زنانی است که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مشهور به زنا بودند، و خداوند از ازدواج با این مردان و

زنان نهی می‌کرد، و امروز نیز چنین است، کسی که مشهور به این عمل شنیع گردد، یا حدّ زنا بر او واجب شود، با او ازدواج نکنید تا توبه ی او ظاهر و شناخته شود». آری، در امر ازدواج باید کاملاً مواظب بود که نکاح با زنان صالحه و عقیفه صورت گیرد، تا از رحم پاک آن‌ها اولاد نیکو و صالح به عمل آید. زنان پاکدامن و پوشیده، مانند جواهرات نفیسه‌ای هستند که کمتر در دسترس اشخاص قرار می‌گیرند. بر مؤمنان خواه زن و خواه مرد، لازم است که نفس خود را از ازدواج با افراد فاسد حفظ کنند. همسران انسان باید از افرادی پاکدامن و از خانواده‌های اصیل و تربیت شده و نجیب باشند تا بهتر بتوانند کودکان را تربیت کنند.

منبع: مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، بهار و تابستان 1382 - شماره 29 و 30؛ آشتیانی، محسن

پی‌نوشت‌ها:

- [1] احسانبخش، صادق، «آثار الصادقین»، جلد سیزدهم، گیلان: روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، چاپ اول، 1375، 295.
- [2] نهج البلاغه، سخن 482.
- [3] عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، مطبعة دارالکتب المصرية، طبعة الاولى، 1364، 466.
- [4] ر.ک. فانی، کامران و بهاء‌الدین خرمشاهی، «فرهنگ موضوعی قرآن مجید» تهران: انتشارات الهدی، چاپ دوم، 1369.
- [5] شعرانی، ابوالحسن، «نثر طوبی» یا «دائرة المعارف قرآن مجید»، جلد دوم، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، 1398 ه.ق. 169.
- [6] سوره ی بقره، آیه 273.
- [7] الجزری ابن الاثیر، محمد، «النهاية فى غريب الحديث الجزء الثالث»، قم: مؤسسة اسماعیلیان، چاپ چهارم، 1376، 264.
- [8] الطریحی، فخرالدین، «مجمع البحرین»، المجلد الخامس، بیروت: دار و مكتبة الهلال، الطبعة الاولى، 1985 م، 101.
- [9] مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، «تفسیر نمونه»، جلد دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ سی ام، 1377، 355.
- [10] طبری، ابن جریر، «جامع البیان فى تفسیر القرآن». جلد اول، ترجمه حبیب یغمایی، انتشارات توس، 1367، 175.
- [11] مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، پیشین، 356.
- [12] الحسینی البحرانی، السید هاشم، «البرهان فى تفسیر القرآن»، الجزء الاول، تهران: مرکز الطباعة و النشر فى مؤسسة البعثة، الطبعة الاولى، 1415 ه.ق. 550.
- [13] ابن منظور، «لسان العرب»، المجلد التاسع، بیروت، داراحیاء التراث العربی، طبعة الاولى، 1408 ه.ق. 290.
- [14] سوره ی نساء، آیه 6.
- [15] شعرانی، ابوالحسن، پیشین، 170.
- [16] عیاشی السلمی السمرقندی، مسعودبن محمد «تفسیر عیاشی»، جلد اول، تهران: مكتبة علمية الاسلامیة، چاپ اول، 221.
- [17] شعرانی، ابوالحسن، پیشین، 170.
- [18] سوره ی نور، آیه 33.
- [19] البخاری الجعفی، محمدبن اسماعیل، «صحیح البخاری»، الجزء السابع، بیروت: داراحیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، بی تا، 3.
- [20] سوره ی نور، آیه 60.
- [21] شعرانی، ابوالحسن، پیشین، 171.

- [22] اسرار، مصطفی، «دانستنیهای قرآن»، تهران: انتشارات فلق، چاپ چهارم، 1372، 51.
- [23] سوره ی مؤمنون، آیه 5.
- [24] طباطبائی، سیدمحمدحسین، «تفسیر المیزان» جلد پانزدهم، ترجمه ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، چاپ سوم، 1367، 12.
- [25] سید قطب، «تفسیر فی ظلال القرآن»، «المجلد الرابع»، القاهرة: دارالشروق، 1412 ه.ق. 24-55.
- [26] سوره ی مؤمنون، آیه 6.
- [27] طباطبائی، سیدمحمدحسین، پیشین، 13.
- [28] العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة، تفسیر نورالثقلین، الجزء الثالث، قم: دارالکتب العلمیة، الطبعة الاولى، 531.
- [29] پیشین، 531.
- [30] السیوطی، جلال الدین، «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، الجزء الخامس، تهران: المكتبة الاسلامیه و مكتبة الجعفری، الطبعة الاولى، بی تا، 5.
- [31] الرازی، فخرالدین، «مفاتیح الغیب المشتهر بالتفسیر الكبير»، الجزء السادس، الطبعة الاولى، 271.
- [32] الزمشخری، محمودبن عمر، «الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل»، الجزء الثالث، بی جا: الطبعة الاولى، ص 177.
- [33] طباطبائی، سیدمحمدحسین، پیشین، 13.
- [34] رك. قرآن کریم، سوره ی مبارکه ی معارج، آیات 31 - 29.
- [35] قمی، عباس، «سفینه البحار»، الجزء الثانی، بیروت: دارالمرتضی، الطبعة الاولى، 207.
- [36] المجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، الجزء الثامن و الستون، بیروت، مؤسسة الوفاء، الطبعة الثانية، 1403 ه.ق، 268.
- [37] الحرانی، حسن بن علی، «تحف العقول عن آل رسول»، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الخامسة، 1394 ه.ق، ص 217.
- [38] کلینی، محمدبن یعقوب، «اصول الکافی»، جلد چهارم، ترجمه ی محمدباقر کمره ای، انتشارات اسوره، چاپ دوم، 1372، 242.
- [39] احسانبخش، صادق، «آثارالصادقین»، جلد سیزدهم، گیلان: روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه ی گیلان، چاپ اول، 1370، ص 295.
- [40] سوره ی مائده، آیه 5.
- [41] هاشمی رفسنجانی، اکبر، «تفسیر راهنما» جلد چهارم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، 1376، 252، 250.
- [42] الحلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، «المختصر النافع» جلد اول، مؤسسة مطبوعات دینی، چاپ پنجم، 1374، 117.
- [43] موسوی خمینی، روح الله، «تحریرالوسیله»، جلد سوم، ترجمه ی علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم، 1374، 423.
- [44] پیشین، 423.
- [45] سوره ی نور، آیه 3.
- [46] مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، «تفسیر نمونه» جلد چهاردهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هیجدهم، 1378، 366.
- [47] طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، «تفسیر مجمع البیان»، جلد هفدهم، ترجمه ی احمد بهشتی، مؤسسه انتشاراتی فراهانی، چاپ اول، 1354.

عدم توجه به عفت جنسی در فرآیند گذار از زندگی سنتی به مدرن، موجب از بین رفتن نهاد خانواده، به دنیا آمدن فرزندان بی هویت، سلب حق حیات انسانی از طریق سقط جنین‌های نامشروع، انواع بیماری‌های مقاربتی، گسترش تجاوز به عنف و هتک حرمت زنان و حتی مردان و گسترش هم‌جنس‌گرایی و... شده، موجبات تخریب نفس، نسل و حتی عقل آدمی را در پی داشته است.

امروزه با توجه به رشد روزافزون آمار جرایم جنسی، بی‌بندوباری و شهوت‌رانی، بیماری‌های مقاربتی، تجارت سکس و توسعه پرنوگرافی، توجه اندیشمندان و دانشمندان غیرمسلمان نیز به مسأله عفت جنسی روزه روز در حال افزایش است. «وندی شلیت» در کتاب «فمنیسم در امریکا تا سال 2003» به این موضوع مهم می‌پردازد که تجاوز به عنف از هر سی و چهار دقیقه یک فقره به هر چهارده دقیقه یک فقره رسیده است و اشاره می‌کند که این آمار متعلق به دو دهه گذشته بوده و اکنون این آمار بطور وحشتناکی افزایش یافته است. وی با بیان این مطلب که اگر زنان برای اثبات آزادی، مثل مردان هرزگی کنند در نهایت صدمه می‌خورند، می‌افزاید: «بدیهی است وقتی اجازه دادیم هر کاری آزاد باشد، آزار جنسی، مزاحمت‌ها و تجاوز به عنف هم افزایش پیدا می‌کند، جامعه‌ای که علیه شرم و حیا اعلام جنگ کرده، دشمن زنان است» (شلیت و همکاران، 1384: 63).

این در حالی است که شریعت مبین اسلام در راستای سالم‌سازی جامعه و رشد انسان‌ها، توجه ویژه‌ای به موضوع عفت نموده است. زیرا عفت، فطری انسان، موجب طهارت درونی و نقطه‌مقابل شکم‌پرستی و شهوت‌رانی است و از مهم‌ترین فضائل اخلاقی به شمار می‌رود (پاک‌نیا، 1390: 13).

اهمیت این مسأله تا بدان جاست که اسلام میان حاصل عفت و حاصل شهوت نیز تمایز معناداری قائل شده است. حاصل عفت از طهارت نسب و نطفه برخوردار است؛ در حالی که حاصل شهوت مولود عدم رعایت عفت جنسی و موجودی ناقص در حقوق معنوی است و از همین حیث در اسلام تأکید شده است که مسؤولیت‌های کلیدی چون قضاوت و حکومت بر عهده افراد فاقد طهارت نطفه گذارده نشود.

در قانون اسلام و سیستم قانون‌گذاری اسلامی نیز، بالاترین جرایم، جرایم جنسی و نافی عفت بوده و سخت‌ترین مجازات‌ها نیز برای چنین جرایمی در نظر گرفته شده‌اند. چنان‌که خداوند در آیه 2 سوره مبارکه نور [1] می‌فرماید: «باید شما مؤمنان هر یک از زنان و مردان زناکار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند» معنانشناسی عفت جنسی:

«عفت» در زبان فارسی به معنای پارسایی، پرهیزگاری و پاکدامنی آمده است. (عمید، 1381: 828) راغب اصفهانی می‌گوید: «عفت» حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود و «متعفف» کسی است که چنان حالتی از عفت را در اثر تمرین و زحمت حاصل می‌کند و «استعفاف» به معنای درصدد عفت داشتن است (راغب اصفهانی، 1412ق: ج 1، 339).

ابن منظور نیز می‌گوید: «عفت» خودنگهداری از غیرحلال، کارهای حرام و طمع‌های پست است. «عفت پیشگی» یعنی خودنگهداری (ابن منظور، 1414ق: ج 9، 253).

عفت دو مفهوم دارد؛ یک مفهوم عام، که عبارت است از خویش‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص آن، که خودداری از تمایلات افراطی جنسی یا همان «عفت جنسی» است (احمدی سلمانی، 1384: 91). عفت در هر دو مفهوم عام و خاص آن اختصاص

به جنس زن ندارد، بلکه هم برای زن و هم برای مرد يك ضرورت محسوب می‌شود. عفت در مفهوم خاص آن (عفت جنسی) بیش از مفهوم عام آن مورد تأکید قرار گرفته است و علت آن این است که شهوت جنسی قوی تر از دیگر شهوات است و انسان در این امور بیشتر در معرض خطر و سقوط قرار می‌گیرد و اعتدال در این امور دشوارتر است (احمدی سلمانی، 1384: 92). چنان که امام محمد باقر (ع) فرموده اند: «مَا عَيْدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِقَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ؛ خدا به چیزی بهتر از عفت شکم و فرج عبادت نشده است» (کلینی رازی، 1388: ج3، 126).

«بنابراین، «عفت جنسی»، یکی از گرایش‌های فطری انسانی است که آثار آن نظارت بر غرایز و تمایلات جنسی است؛ در مواردی که شهوت قصد سرکشی، تعدی و طغیان دارد، ملکه عفت، مانند سدی محکم در برابرش ایستاده و از تجاوز و گناه کاری آن جلوگیری می‌کند» (فلسفی، 1342: ج2، 357-360).

جایگاه «عفت جنسی» در قرآن کریم:

در این بخش به بررسی نمونه‌هایی از مستندات قرآنی «عفت جنسی» پرداخته ایم. دستور رفتار عقیفانه به مردان:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «**قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَى لِهِمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ**؛ (ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است، و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است» (نور/30).

«معنای جمله «**قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ**» این است که به مؤمنین امر کن که چشم خود را بپوشند، و تقدیر آن این است که: «ایشان را امر به غض و چشم‌پوشی کن که اگر امر بکنی چشم خود را می‌پوشند»، و این آیه به جای این که نهی از چشم‌چرانی کند، امر به پوشیدن چشم کرده و فرقی ندارد، آن امر این نهی را هم افاده می‌کند و چون مطلق است نگاه به زن اجنبی را بر مردان، و نگاه به مرد اجنبی را بر زنان تحریم فرموده.» و جمله «**وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ**» نیز به معنای این است که به ایشان امر کن تا فرج خود را حفظ کنند و در قرآن کریم هم که سرشار از اخلاق و ادب است همیشه این کنایه را استعمال کرده؛ و مقابله‌ای که میان جمله «**يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ**» با جمله «**يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ**» افتاده، این معنا را می‌رساند که مراد از «حفظ فروج» پوشاندن آن از نظر نامحرمان است، نه حفظ آن از زنا و لواط که بعضی پنداشته اند، در روایت هم از امام صادق (ع) رسیده که فرمود: تمامی آیاتی که در قرآن درباره حفظ فروج هست به معنای حفظ از زنا است، به غیر این آیه که منظور در آن حفظ از نظر است» (طباطبایی، 1381: ج15، 111).

دستور رفتار عقیفانه به زنان:

در قرآن کریم آمده است: «**وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الثَّرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ يَأْرُجَلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**؛ و زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آن چه قهرا ظاهر می‌شود (بر بیگانه) آشکار نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار

نسانند جز برای شوهران خود یا پدران یا پدران شوهر یا پسران خود یا پسران شوهر یا برادران خود یا پسران برادران و پسران خواهران خود یا زنان خود (یعنی زنان مسلمة) یا کنیزان ملکی خویش یا مردان اتباع خانواده که رغبت به زنان ندارند یا اطفالی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند (و از غیر این اشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. و ای اهل ایمان، همه به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار شوید» (نور/31).

«بنابراین برای زنان هم نظر کردن به چیزی که برای مردان جایز نیست، جایز نمی‌باشد و بر ایشان هم واجب است که عورت خود را از اجنبی - چه مرد و چه زن- بپوشانند. و اما این که فرمود: «و لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» کلمه «ابداء» به معنای اظهار است و مراد از «زینت زنان»، مواضع زینت است، زیرا اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دست بند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آن‌ها است» (پیشین).
دستور رفتار عقیفانه برای مجردها:

خداوند در قرآن کریم به خود افراد مجرد و مسؤولان در امر ازدواج آنان مانند والدین، دولت و... دستور می‌دهد تا شرایط ازدواج مجردان را فراهم کرده و ایشان را سر و سامان دهند، و به ایشان وعده داده است تا اگر به خاطر فقر از ازدواج خودداری می‌کنند، آنان را مستغنی گرداند و چنان چه شرایط ازدواج فراهم نبود، خداوند دستور به خویشتن داری و پاك دامنی می‌دهد. ضمانت الهی برای اغنای کسانی که فقیر هستند: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به نکاح یکدیگر درآورید، اگر آن مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود و خدا رحمتش وسیع و نامتناهی و (به احوال بندگان) آگاه است» (نور/32).
بنابراین در این آیه به زن و مرد نمی‌گوید خود به فکر ازدواج باشید بلکه در جامعه و خانواده يك حس مسؤولیت پذیری نسبت به ازدواج ایجاد می‌نماید و همگان را به برنامه ریزی شایسته برای تسهیل در ازدواج فرا می‌خواند.

«لذا می‌فرماید «وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامِي» در تدارك نکاح هر زن و مرد مجردی باشید، قبل از آن که آنان سلامت دامن و صلاحیت خود را برای نکاح از دست بدهند، لذا قید «الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» قید توضیحی است و از طرفی تأکید بر این امر می‌نماید که در صدد ازدواج همه انسان‌های مجرد و حتی اقشار محرومی که امکان مالی ازدواج ندارند، برآید و ناداری و فقر آنان موجبات بی‌عفتی را در جامعه فراهم نسازد. بر همین اساس تأکید می‌کند که خداوند دریچه برکات و روزی را در ازدواج قرار داده و با «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» دفع فقر را تضمین نموده است» (میرخانی، 1390: 12).

دستور به استعفاف تا زمان فراهم شدن امکانات ازدواج: انسان عقیف از حرمت ویژه ای در دیدگاه الهی برخوردار است و نکاح به عنوان عنصر حفاظت، نوعی دین داری و عبادت محسوب می‌شود. از طرفی قرآن کریم هر نوع بی‌بند و باری خارج از کیان خانواده را مذموم می‌شمارد و رعایت پاکدامنی را به عنوان حفظ سنت الهی برای سلامت نسل واجب می‌شمارد و می‌فرماید: «وَلَيْسَتُغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ و آنان که وسیله نکاح نیابند باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آن‌ها را به لطف و فضل خود بی‌نیاز گرداند» (نور/33)...

جایگاه «عفت جنسی» در روایات:

عفت جنسی در روایات و کلام معصومین نیز مورد تأکید و تأیید بسیاری قرار گرفته است که در

این بخش به جهت جلوگیری از اطناب بحث تنها به چند روایت مختصر اشاره می‌نمایم. امام سجاد (ع) عفاف را بالاترین عبادت بعد از شناخت خدا می‌شمارند و می‌فرمایند: «ما من شیءٍ أحبَّ إلى الله بعدَ معرفتِهِ من عِفِّهِ بَطْنٌ وَقَرْحٌ؛ هیچ چیز نزد خداوند پس از شناخت او، محبوب‌تر از عفت در خوردن و عفت در مسائل جنسی نیست» (حرانی، 1404ق: 282).

امیرمؤمنان حضرت علی (ع) نیز در این خصوص فرمودند: «عفاف، برترین عبادت است» (مجلسی، 1403ق: ج78، 268). این حدیث بیان‌گر این مسئله است که عبادات مهمی چون نماز، روزه، حج، جهاد و... در درجه بعد از عفت قرار گرفته‌اند، زیرا اصل و ریشه عفت «طهارت» است و «اصل طهارت» خود زیربنا و اصل اولیة کلیة مسائل و احکام و قواعد شرعی است؛ که برای انجام تمام تکالیف، وظایف و عبادات دینی اصل اول داشتن «طهارت» است. از همین حیث «عفت»، که خود طهارتی درونی است برترین عبادت شناخته شده است.

رسول گرامی اسلام (ص) نیز فرمودند: «من ضَمِنَ لِي اثْنَتَيْنِ ضَمِنْتُ لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ مَنْ ضَمِنَ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ وَ مَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ ضَمِنْتُ لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ؛ هر که دو چیز را بر من ضمانت کند، من ضامن می‌شوم که خدا او را وارد بهشت کند؛ کسی که ضامن شود میان دو لب و دو پای خود را (از گناه) نگهدارد، من بهشت را برایش از جانب خدا ضامن می‌شوم» (الحرالعاملی، 1372: ج251، 15).

از امام رضا (ع) نیز در خصوص علت تحریم زنا و تأکید بر حفظ عفت جنسی آمده است: «حَرَمَ الزَّنا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ مِنَ قَتْلِ الْأَنْفُسِ وَ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَ تَرْكِ التَّرْبِيَةِ لِلْأَطْفَالِ وَ فِسَادِ الْمَوَارِيثِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنَ وَجْهِ الْفَسَادِ» (الصدوق، 1368: ج2، 637) در این عبارت کوتاه، امام (ع) بلندترین مفاهیم تربیتی، اخلاقی، اجتماعی و حقوقی را ضمن بیان مقاصد شریعت و فلسفه احکام بیان می‌نماید. در حرمت این عمل مذموم، امام (ع) مفاسد مختلفی را مترتب می‌داند، از قبیل قتل نفوس، از بین رفتن نسب و تخریب مسیر تربیت و بهم ریختگی سلامت نسل و موارث و مواردی از این قبیل که موجبات فساد را برای فرد و جامعه به بار می‌آورد. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز، مسلمانان را از زنا برحذر داشته و آن را با شش ویژگی توصیف کرده است: «ای مسلمانان، از زنا بپرهیزید؛ به درستی که در آن شش ویژگی وجود دارد: سه خصوصیت در دنیا و سه خصوصیت در آخرت؛ اما آثار دنیوی آن عبارتند از: 1- نور و روشنایی چشم را از بین می‌برد؛ 2- فقر را به دنبال دارد؛ 3- عمر را کوتاه می‌کند و آثار اخروی آن عبارتند از: 1- سخت‌گیری در حساب اعمال در آخرت؛ 2- موجب غضب خدا می‌شود؛ 3- موجب جاوید ماندن در آتش جهنم خواهد شد».

«عفت جنسی» از منظر عقل:

در حقیقت «عفت جنسی»، یکی از گرایش‌های فطری انسانی است که آثار آن نظارت بر غرایز و تمایلات جنسی است؛ در مواردی که شهوت قصد سرکشی، تعدی و طغیان دارد، ملکه عفت، مانند سدی محکم در برابرش ایستاده و از تجاوز و گناه کاری آن جلوگیری می‌کند (فلسفی، 1342: ج2، 357-360). بنابراین «عفت جنسی» کشتن شهوت نیست؛ بلکه کنترل آن و اعتدال بخشیدن به آن است. عفت ملکه و حاصل عقلانیت و اعتدال است.

هرچند غریزه تمایل جنسی مانند سایر غرائز باید ارضاء شود و انسان به حکم قانون اجتناب ناپذیر خلقت موظف است این خواهش طبیعی را اعمال نماید؛ ولی نکته قابل توجه این است که شهوت مسخر انسان باشد و نه انسان مسخر شهوت.

در تعارض میان امیال غریزی - حیوانی و مختصات حیات انسانی، حکمت متعالیه پروردگار برای به سامان رساندن قوا در انسان، معادل هر نیاز جسمی، طبیعی و غریزی یک خصیصه ذاتی-

انسانی برای مهارت در کنترل قرار داده است؛ لذا عقل در برابر نفس، عفت در برابر شهوت و حتی وجدان و محکمه اخلاقی درون برای تعادل بخشی به عملکرد بیرونی است. از همین جهت است که در روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است: «خداوند ملائکه را با عقل و بدون شهوت آفرید و حیوانات را با شهوت و بدون عقل آفرید، ولی انسان را با عقل و شهوت آفرید که اگر گوش به فرمان عقل کند، از ملائک بالاتر و اگر شهوت غلبه یابد از حیوانات پست تر می شود» [2] (الصدوق، 1385: ج 1، 4).

و این مطلب بدان معناست که قوه درون و بیرون دائماً در حال جنگ هستند و از همین روست که پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «**جَاهِدُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تُجَاهِدُونَ أَعْدَاءَكُمْ**؛ همان طور که با دشمن می جنگید، با نفس خود نیز در ستیز باشید» (مجلسی، 1403ه.ق: ج 65، 370). از همین رو است که در مقابل تمایلات حیوانی ای چون شهوت، تمایلاتی وجود دارند که توسط آن‌ها حریم مقدس انسان از حیوان جدا شده و در پرتو آن‌ها انسان به اوج اعلای انسانیت می رسد و تمایلات عالیة انسانی هستند. اثر سعادت بخش تمایلات عالیة انسانی، حفظ شرف و رفعت آدمی و نظارت بر تمایلات حیوانی اوست که هرکجا تمایلات حیوانی بخواهند سرکشی کرده، از مسیر مصلحت تجاوز نموده و شرف و حیثیت انسانیش را لکه دار کنند، تمایلات عالیة انسانی آن‌ها را تعدیل نموده و مانع می شوند.

بنابراین، با توجه به فطری بودن عفت جنسی و خصیصه ذاتی شریعت اسلامی که منطبق با فطرت الهی انسان و عقل سلیم است، [3] عقل نیز مؤید التزام به عفت جنسی است...

آثار و نتایج رعایت عفت جنسی

رعایت عفت جنسی که منشأ یافته از اصل اساسی طهارت است؛ هم در جنبه های فردی و خصوصی زندگی انسان و هم در جنبه های اجتماعی آن آثار و برکاتی به همراه داشته و مانع بسیاری از معضلات و انحرافات فردی و اجتماعی خواهد بود. از جمله آثار رعایت «عفت جنسی» عبارتند از:

مصونیت ناموس:

مصونیت ناموس از برکات عفت ورزی است. پیامبر اکرم (ص) درباره نگاه های هوس آلود، به نتیجه و عکس العمل تکوینی آن نیز اشاره کرده و فرموده است:

«**عَفُوا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفَّ نِسَاءُكُمْ**؛ درمورد زنان مردم عفت پیشه کنید تا دیگران نیز در مورد زنان شما عفت پیشه کنند» (کلینی رازی، 1388: ج 5، 554).

پاس داشتن ارزش های اخلاقی، نتیجه پارسایی و عفت پیشگی است. آن گاه که بنیادهای عفاف فروریخت، ارزش های اخلاقی دیگر نیز فرومی پاشد. کسی که به فرهنگ عفاف بی اعتنا باشد، هرگز نمی تواند از اخلاق و پاکی و فضائل معنوی دم بزند؛ چون مکمل همه نیکی ها و مکارم اخلاقی، خصلت والای عفاف است: «**لَا تَكْمُلُ الْمَكَارِمُ إِلَّا بِالْعَفَافِ وَالْإِيثارِ**؛ ارزش های اخلاقی، بدون عفاف و ایثار به کمال نخواهد رسید» (التمیمی الآمدی، 1366: 256).

امنیت اجتماعی:

عفاف از بنیادی ترین عوامل پاسداشت امنیت اجتماعی است. بی پروایی در نگاه، ناپارسایی در پوشش و پرده دری در ارتباط های جنسی، امنیت اجتماعی را درگیر چالش های بزرگ می کند؛ زیرا سبب افزایش تجاوزهای جنسی که بی شرمانه ترین نوع تجاوز به حقوق و شئون مردم است می گردد. عفت مداری از اصولی ترین پایه های حراست از امنیت اجتماعی است. قرآن کریم می فرماید:

«**يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌّ لِّأَزْوَاجِكِ وَ بَنَاتِكِ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يَذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيْبِهِنَّ ذَالِكِ أَذْنَى أَنْ**

يَعْرِفَنَّ قَلًا يُؤَدِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند، که این کار برای این که آن‌ها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند بسیار نزدیکتر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است» (احزاب /59).

«عبارت «ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرِفَنَّ قَلًا يُؤَدِّينَ»؛ یعنی پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به این که اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند نزدیک تر است، در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی شوند، یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی گردند» (طباطبایی، 1381: ج 339، 16).

بدون تردید عفت مندی با مصونیت از تعرض سوداگران شهوت همراه است و برهنگی و بی عفتی، در معرض آزار جنسی قرارگرفتن را در پی دارد. سلامت و استواری اجتماع:

حضور زنان و مردان در جامعه به صورتی که هیچ گونه تحریک و شائبه جنسی با آن همراه نباشد، آن جامعه را استوار و مستحکم می کند و عفت ورزی آنان در محیط تحصیل، کار، اداره، بازار و... زمینه ساز سلامت، پیشرفت و تعالی آن جامعه خواهد شد. لکن اگر این اصل (عفت جنسی) مورد توجه قرار نگیرد، حریم‌ها حفظ نشود و فساد در جامعه رواج یابد، عامل تباهی و سقوط آن جامعه نیز فراهم می شود.

دکتر گوستاولوبون دانشمند معروف فرانسوی درباره شکست مسلمانان در اندلس می نویسد: «مسلمانان حدود 800 سال در اسپانیا قدرت را در دست داشتند و اسپانیا در این مدت مهد علم و تمدن گردیده بود تا آن که دشمنان با انتشار فساد و رواج مشروبات الکلی و بی بندوباری و بالاخره در اثر اختلاف بین زمامداران حکومت بر مسلمانان چیره شدند و مسلمانان را به زور وادار به قبول دین مسیح کردند و سپس محکمه‌های تفتیش عقاید، دستور سوزاندن این تازه مسیحیان را به بهانه اینکه واقعاً به دین مسیح در نیامده اند، صادر کرد و بقیه را وادار به مهاجرت از آن سرزمین نمود» (لوبون، 1378: 333-335).

قرآن کریم سرگذشت امت‌های بسیاری را که به فساد دست زده و سرانجام هلاک و نابود گشته اند را نقل می کند. در سوره عنکبوت هلاکت قوم لوط، قوم عاد، ثمود، فرعون، سامان و قارون را بیان نموده، می فرماید: «فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَن أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن أَعْرَفْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَا كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ؛ ما هر طایفه ای را به کیفر گناهش مؤاخذه کردیم، بعضی را بر سرشان سنگ بلا فرو باریدیم و برخی را صیحه عذاب آسمانی در گرفت و برخی را به زلزله زمین و گروهی دیگر را به غرق دریا به هلاکت رسانیدیم، و خدا به آنان هیچ ستم نکرد لیکن آنها خود در حق خویش ستم می کردند» (عنکبوت/40).

سلامت و طهارت نسل و پشتوانه معنوی آن:

حفظ عفاف باعث می شود رحم‌ها پاک و نسل‌ها شناخته شده باشند. کودک باید احساس کند دارای سرپرست، پشتیبان، عزت و شخصیت است، نه موجودی وانهاده و بی صاحب که از عشقی آلوده و لحظه ای به وجود آمده است. در فرهنگ غنی اسلام مسأله پاک‌ی رحم و نقش آن در سلامت فرد، خانواده و جامعه بسیار مهم قلمداد شده به گونه ای که «اصلاب پاک و ارحام مطهر» عاملی اساسی برای مسیر هدایت انسان و اجتماع معرفی گردیده و ارزشمندترین انسان‌ها کسانی بوده اند که در دامن‌های عفیف رشد کرده اند.

به وجود آمدن نسل از طرق نامشروع مفسد زیادی را در بردارد که یکی از مهمترین آنها عدم پذیرش مسؤولیت در مقابل تربیت فرزند به وجود آمده است، و بر فرض پذیرش، احساس

طبیعی تعلق آن فرزند به خود را ندارد. به عبارت دیگر، حب ذات در انسان سبب می‌شود که او به متعلقات و مسائل مربوط به ذات خود علاقه بیشتری نشان دهد و چنانچه مشخص باشد که مثلاً این کودک، فرزند اوست، به صورت کاملاً طبیعی احساس، علاقه و عاطفه او بسوی آن فرزند برانگیخته می‌شود و پدر را در جهت حفظ و تربیت او مصمم و استوار می‌گرداند. اما چنان چه تولید از طرق نامشروع باشد، با عدم پذیرش احساس مسؤولیت، عشق، علاقه و عاطفه در قبال فرزند مواجه خواهیم بود، و این امر باعث ناهنجاری‌ها و مفسد اجتماعی بسیار خواهد شد.

از امام صادق (ع) سؤال شد: چرا خداوند متعال زنا را حرام کرد؟ آن حضرت فرمودند: «زیرا رهاوردی جز فساد و به هم خوردن موارث و قطع نسب ندارد. در آن، هیچ زنی نمی‌داند چه کسی او را باردار کرده، و نه فرزند می‌داند پدرش کیست و در نتیجه، نه قوم و خویشی و نه شخصیت و هویتی برای کسی خواهد بود» (طبرسی، 1403 ه.ق: ج 2، 347).

در خانواده‌هایی که به فرهنگ عفت پایبندند، به وجود آمدن نسل سالم و پاک و با هویت مشخص، امری تردیدناپذیر است. زیرا در چنین محیطی، فرزندان از عطوفت بی‌کران خانواده برخوردارند، دارای مشروعیت در پیدایش و انتساب خویش هستند و از این لحاظ، دچار ننگ و سرشکستگی نیستند، از تربیت والدین دلسوز و متعهد بهره‌مندند، از لحاظ نیازهای مادی تا حدودی تأمین می‌شوند و نیازهای فکری، روانی، اعتقادی و اجتماعی آنان برآورده می‌گردد. اما در محیط‌های دور از عفت، گسترش آزادی‌های جنسی، نسل بحران زده و نامشروع پدید می‌آورد؛ نسلی که از عطوفت مقدس خانواده محروم است و از انتساب خویش شرم‌منده و گرفتار عقده حقارت است (پاک‌نیا، 1390: 105).

به جز موارد ذکر شده فواید و ثمرات دیگری است که در سایه رعایت حق «عفت جنسی» برای انسان حاصل می‌شود. از قبیل: جلوگیری از استثماری زن، حفظ رشد عزت نفس، بالا رفتن کرامت و شخصیت زن، حفظ حریم‌ها، رشد و پیشرفت در کارها و... در نهایت تمام نتایج و آثار ذکر شده در خصوص حفظ و رعایت «عفت جنسی» به تحکیم بنیان خانواده منتج می‌شوند: استحکام پیوند خانوادگی:

خانواده اولین و بنیادی‌ترین تشکل اجتماعی یک جامعه به شمار می‌آید. خانواده‌ها که کوچکترین نهاد جامعه‌اند، به سلول‌های یک پیکر می‌مانند. اگر سلول‌ها آفت ببینند، تن آدمی بیمار می‌گردد. استحکام خانواده که مرکز عشق و امید و بستر شکفتن آرزوهای جوانان می‌باشد، توانایی‌های فردی را افزایش و جامعه را استوار و پویا خواهد ساخت. بی‌شک نهاد خانواده، تنها با پاسداری از عفاف و پاکدامنی، درخشش و بالندگی لازم را پیدا می‌کند، زیرا اگر در جامعه‌ای عفاف و پاکدامنی به صورت کامل رعایت گردد و تمتعات جنسی به محیط خانواده محدود شود جوانان به ازدواج روی آورده و خانواده‌های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری می‌یابند، ولی اگر بی‌بند و باری و بی‌عفتی در جامعه رواج یابد و بهره‌برداری‌های جنسی در خارج از محیط خانواده میسر گردد، جوانان زیر بار مسؤولیت‌های ازدواج نرفته و خانواده‌های تشکیل شده نیز متزلزل می‌شود. لذا سالم‌سازی و سامان بخشی خانواده، بنیاد بسیاری از خوش‌بختی‌های فردی و اجتماعی است؛ و یکی از مهم‌ترین اصول پایداری خانواده، عفت است (اسحاقی، 1387: 19-20). بنابراین، باید گفت رعایت «عفت جنسی»، خانواده را سالم، مستحکم و مصون نگه می‌دارد.

منابع:

ابن منظور، محمدبن مکرّم (1414ق)، لسان العرب، جلد 9، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
احمدی سلمانی، علی (1384)، عفاف در قرآن و حدیث، استاد راهنما: کاظم قاضی زاده،

- مقطع: کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- اسحاقی، سیدحسین (1387)، گوهر عفاف (پژوهشی درباره حجاب)، قم: انتشارات موسسه بوستان کتاب.
- انیس، ابراهیم، شوقی امین، محمد(1369)، المعجم الوسیط، بیروت: دارالامواج.
- پاک نیا، عبدالکریم(1390)، عفاف سرچشمهٔ زیبایی، چاپ اول، قم: نورالزهراء.
- التمیمی الآمدی، عبدالواحدبن محمد(1366)، غرر الحکم و دررالکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- الحر العاملی، محمدبن الحسن(1372)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث.
- حرانی، حسین بن شعبه (1404ه.ق)، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- حسینی، اکرم(1383)، تحکیم خانواده در آموزه های قرآنی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، تهران: شورای فرهنگی- اجتماعی زنان، سال هفتم، شماره 26.
- دهخدا، علی اکبر(1377)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد(1412ه.ق)، المفردات فی غریب القرآن، ج1، دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
- ساروخانی، باقر(1385)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ج1، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ یازدهم
- شلیت، وندی و همکاران(1384)، فمینیسم در امریکا تا سال 2003، ترجمه: معصومه محمدی و همکاران، چاپ سوم، قم: دفتر نشر معارف
- الصدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی(1368)، من لا یحضره الفقیه، چاپ اول، یزد: صدوق.
- الصدوق (ابن بابویه)، ابی جعفر محمدبن علی بن الحسین بن بابویه قمی(1385)، علل الشرایع، ج1، نجف: مکتبه الحیدریة.
- طباطبایی، محمدحسین(1381)، تفسیر المیزان، چاپ شانزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمدبن علی(1403ه.ق)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
- العاملی (شهید اول)، شمس الدین محمدبن جمال الدین مکی(1411ه.ق)، اللمعه دمشقیه، طبع الاول، قم: دارالفکر.
- عمید، حسن(1381)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ24، تهران: امیرکبیر.
- فلسفی، محمدتقی(1342)، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران: هیأت نشر معارف اسلامی.
- الفیروز آبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب، بی تا، قاموس المحيط، بیروت: دار الجیل.
- کاتوزیان، ناصر(1385)، دوره مقدماتی حقوق مدنی- خانواده، تهران: میزان
- کلینی رازی (شیخ کلینی)، ابوجعفر محمدبن یعقوب(1388)، اصول کافی، ج3، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیدنز، آنتونی (1384)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- لوبون، گوستاو(1378)، تمدن اسلام و عرب، مترجم: محمدتقی فخرداعی، تهران: بی نا
- مجلسی، محمدباقر(1403ه.ق)، بحارالانوار، ج78، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر(1374)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میرخانی، عزت السادات(1390)، جهانی سازی، حق عفت جنسی، چالش های معاصر، مقاله چاپ نشده.

نکونام، جواد(1386)، روش تحقیق با تأکید بر علوم اسلامی ویژه دوره های تحصیلات تکمیلی، چاپ چهارم، قم: دانشگاه قم.

منبع: برگرفته از مقاله جایگاه «عفت جنسی» در شریعت اسلامی و تأثیر آن بر تحکیم بنیان خانواده؛ میرخانی، عزت السادات؛ مجله زن و مطالعات خانواده، تابستان 1393 - شماره 24

پی نوشت ها:

- [1] «الرَّائِيَةُ وَالرَّائِي قَاجِلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةٌ جَلْدَةً وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ يَا اللَّهُ وَ الْيَوْمَ الْآخِرِ وَ لِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (نور، 2)
- [2] «قال أمير المؤمنين علي ابن أبي طالب (ع): ان الله عزوجل ركب في الملائكة عقلا بلا شهوة، و ركب في البهائم شهوة بلا عقل. و ركب في بنى آدم كليهما، فمن غلب عقله شهوته فهو خير من الملائكة، ومن غلبت شهوته عقله فهو شر من البهائم.»
- [3] «كلما حكم به الشرع حكم به العقل و كلما حكم به العقل حكم به الشرع»

عفت و پاکدامنی در مسیحیت و اسلام

مبانی تربیت جنسی در مسیحیت

مطالعه متون مقدس نشان می دهد که مسیحیت در مواجهه با غریزه جنسی، دیدگاه مبهمی دارد؛ چنان که گاهی این غریزه را منفی و مستحق سرکوب و زمانی مشروع می خواند. از سوی دیگر، از آنجاکه ارتباط با زنان در این رویکرد، تهدیدی برای معنویت قلمداد می شد و به نام دین، مقررات سختگیرانه ای بر زنان تحمیل گردید و آنان را در مرتبه پایین تر از مردان قرار داد، باب سوء استفاده از زنان، خشونت های جنسی و رفتارهای تبعیض آمیز نسبت به آنان گشوده شد (سوسان، 2009م؛ جوی، 2006م، ص19).

الف. دوره کتاب مقدس (70-100 م)

بررسی آثار مسیحیت سده های نخست میلادی، حاکی از این است که بیشتر بزرگان و متکلمان مسیحی، رویکرد مثبتی به شهوت جنسی نداشته و خواستار حذف آن شده اند. بدین ترتیب، رهبانیت و عزلت گزینی، به عنوان ویژگی غالب بر جهان بینی مسیحیت، تا مدت طولانی حاکم بود. به نظر می رسد، دلیل چنین رویکردی، تأثیرپذیری تعالیم مسیحیت از جریان های فکری و فرهنگی، مانند یهودیت، مذهب گنوسی، فلسفه یونان و آیین های روم باستان باشد. به عنوان نمونه، همان طور که نوافلاطونیان و رواقیون تأکید زیادی بر دوری از روابط جنسی داشتند و زهد جنسی را نشانه تکامل اخلاقی می دانستند، عیسی(ع) نیز می گوید: «در بهشت از رابطه جنسی و ازدواج خبری نخواهد بود و انسان ها در آن هنگام، مانند فرشتگان آسمانی خواهند بود» (مرقس، 12: 18-27؛ لوقا، 20: 27-40). اما این آموزه عیسوی، با تعالیم یهودیت سازگاری نداشت. چنان که طبق گفته تلمود در بهشت، طلوع خورشید، سبت و رابطه جنسی برقرار خواهد بود. حتی یهودیان سفاردی، چندهمسری را پذیرفته بودند، در صورتی که مسیحیت، علاوه بر طرد شهوت جنسی، چندهمسری را نقد می کند (لارنس، 2007م، ج 2 و 4، ص6 و 15).

پس از مصلوب شدن عیسی(ع) دیدگاه پولس نیز در برابر شهوت جنسی، چندان مشخص نبود. پولس در رساله اول قرنیتیان (فصل 7)، پیروان خود را به ازدواج ترغیب می کند و تأکید دارد که پس از ازدواج، زن و شوهر از هم جدا نشوند. در جایی دیگر می نویسد: «و از تو ای همکار صمیمی، تقاضا می کنم که این دو زن را کمک کنی؛ زیرا آنها با «کلیمانتوس» و سایر همکاران من که در انتشار انجیل تلاش کرده اند، نامشان در دفتر حیات ثبت شده است» (فیلیپیان، 4:

3). با تکیه بر بند مذکور، برخی محققان معتقدند، پولس، مجرد نبوده و احتمالاً دو زن داشته است. با این حال، او جسم را محلی نیکو نمی‌داند و معتقد است: اگرچه جسم مایه گمراهی است (رومیان، 7: 18)، اما چون بدن انسان، اعضای مسیح است، نباید به روابط نامشروع آلوده شود. در نتیجه، روابط نامشروع را به ویژه قبل از ازدواج مردود شمرده است (اول قرن‌تینان، 6: 20-13؛ اول تسالونیکیان، 4: 1-8). کلیسای کاتولیک نیز در طول قرون وسطا (500-1500 م) بر مجرد پولس بیشتر تأکید کرد؛ زیرا پولس در نهایت، مجرد را مناسب‌تر از ازدواج می‌دانست. او معتقد بود: مجرد فقط به خدا می‌اندیشد، اما متأهل گرفتار فعالیت‌های دنیوی است (لارنس، 2007 م، ص 17). از این رو، در انجیل لوقا مجردان به عنوان فرشتگان خداوند توصیف شده‌اند: «اما کسانی که شایسته رسیدن به جهان آینده و رستاخیز از مردگان بشوند، زن نمی‌گیرند و شوهر نمی‌کنند؛ زیرا آنها مانند فرشتگان هستند. . .» (لوقا 20: 35-36). همچنین، بر مبنای نجات بخش بودن مسیحیت، مجرد به عنوان يك آرمان انسان را به موجودی فراانسانی تبدیل می‌کند (گولد، 1987 م، ج 3، ص 1478).

ب. دوره پدران کلیسا (170-500 م)

پدران کلیسا پس از عیسی (ع) و پولس، به تبیین آموزه‌های مسیحیت پرداختند. آنان بر اساس تفسیر فریسیان از شریعت و تلمود، زنان را از معاشرت با مردان نامحرم، در ملأعام برحذر داشتند و توصیه کردند که زنان بدون مردان محرم مسافرت نکنند (لارنس، 2007 م، ص 20). درحالی که عیسی (ع) در ملأعام با زنان هم صحبت و هم سفر می‌شد (متی، 27: 55). حتی در رساله‌هایی که مورد پذیرش مسیحیت رسمی نبوده‌اند، نمونه‌های مشابهی به چشم می‌خورد. برای نمونه، شمعون پطرس، در انجیل توماس، به شاگردانش می‌گوید: «مریم باید ما را ترك کند؛ زیرا زنان شایسته زندگی نیستند». سپس از عیسی (ع) روایت می‌کند: من او را به مرد تبدیل خواهم کرد؛ زیرا زنان وقتی وارد ملکوت الهی خواهند شد که تبدیل به مرد شوند (رابینسون، 1984 م، ص 101). همچنین، ترتولیانوس (110-172 م)، هرگونه ارتباط جنسی را مردود می‌دانست (رابرتز، 2006 م، ص 217) و کلمنس اسکندرانی (150-215 م)، ضمن توصیه به عفت و پاکدامنی، بر این باور بود که مسیحیان هیچ میل و هوس را نباید تجربه کنند (شاف، 2004 م، کلمنت اسکندرانی، ج 3، ص 689). بدین ترتیب، بیشتر پدران کلیسا معتقد بودند که با امساک از روابط جنسی، جسم آماده پذیرش الطاف الهی و روحانی می‌شود. آنان جسم را همچون جنگل تاریکی پر از حیوانات وحشی تصور می‌کردند که تنها راه نجات از آن، دوری از رابطه جنسی است. به همین دلیل، از مسیحیان می‌خواستند که روابط جنسی خود را در چارچوب تعالیم کلیسا تنظیم کنند (رابرتز، 2006 م، ص 18؛ متیو، 2005 م، ص 10). آگوستینوس هم مدعی بود: میل جنسی طبیعی نیست، بلکه مجازاتی از سوی خداوند به خاطر گناه جلی آدم است. در نتیجه، مجرد بهترین راه برای آزادی روح از گناه است (یوان، 1987 م، ج 12، ص 8247). وی لذت جنسی را تا زمانی مجاز می‌دانست که منجر به تولید مثل نشود. به عبارت دیگر، او لذت رابطه زناشویی از روی میل را قبول نداشت و آن را گناه تلقی می‌کرد (شاف، 1886 م، آگوستین، درباره ازدواج، ص 533). به نظر می‌رسد، نگاه گرگوریوس (د. 390)، نسبت به شهوت از وی هم منفی‌تر است؛ چراکه وی اساساً لذت جنسی را در ازدواج ممنوع می‌شمرد (لارنس، 2007 م، ص 47).

بدین ترتیب پس از گرگوریوس، زهدگرایی جنسی در مسیحیت رواج یافت. هم‌زمان با گسترش چنین تفکری، مسیحیت با این چالش روبه‌رو شد که اگر همواره بر مجرد تأکید شود، نسلی باقی نمی‌ماند. بنابراین، در کنار تجردگرایی، تعدادی از مسیحیان به بازخوانی منابع و آرای خود

پرداختند. نتیجه این مطالعات، اتخاذ نگاهی جدید به میل جنسی و ازدواج بود. در این میان، مسیحیان گنوسی، که مسیحیت رسمی اینها را در زمره بدعت گذاران می‌دانستند، در توجیه رابطه زنان و مردان، به رابطه مریم مجدلیه و عیسی (ع) اشاره می‌کردند. برای نمونه در انجیل فیلیپ، که انجیلی گنوسی است، از رابطه بسیار نزدیک عیسی (ع) و مریم مجدلیه و علاقه عیسی به وی، سخن به میان آمده است (رابینسون، 1984 م، ص 105). به باور آنان، با اینکه عیسی ازدواج نکرد، اما در کتاب مقدس بر این امر تأکید شده است. مانند این گزاره که «مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود» (پیدایش، 2: 24). به عبارت دیگر، بسیاری از مسیحیان بر اساس کتاب مقدس، انسان را تصویر خدا می‌دانستند (پیدایش، 1: 26؛ 2: 23) که از یک سو، تکاملش جز در اجتماع نیست و از سوی دیگر، پیشرفت اجتماع فقط منوط به رابطه با جنس مخالف است (گرنز، 1998 م، ص 621). روشن است که در این میان، عشق به خداوند و هم‌نوع، از هر چیزی مهم‌تر است (اول یوحنا، 4: 16؛ 5: 12-13). چنان که پولس، عشق را بالاترین موهبت دانسته و می‌گوید: «سه چیز باقی است؛ یعنی ایمان و امید و محبت؛ اما بزرگ‌تر از اینها محبت است» (اول قرنتیان، 13: 13).

در مجموع، می‌توان گفت: در قرون اولیه چون پدران کلیسا نیل به معنویت بشری را در سرکوب‌گریزه جنسی جست‌وجو می‌کردند، حفظ پاکدامنی مشروط به رهبانیت بود، اما بعدها بزرگان مسیحی با استناد به کتاب مقدس و طرح مسئله عفت، غریزه جنسی را به رسمیت شناختند.

عفاف‌گرایی در تعالیم مسیحیت

مسیحیت در ادبیات اخلاقی قرون وسطایی خود، در مقابل هفت گناه، هفت فضیلت را مطرح کرد. در این میان، عفت به عنوان یک فضیلت از بین برنده گناه شهوت است. «عفت» واژه‌ای لاتینی است که در ادبیات یونان معادل «سوفروسین» به معنای هوشیاری و در عهد جدید (اعمال رسولان، 26: 25؛ اول تیماتئوس، 2: 9)، به معنای آبرو و حیا به کار رفته است. افلاطون (347 پ. م)، عفت را به مفهوم تطهیر و افلوطین (د. 269 م) و گرگوریوس نازیانوسی (- 329 م 390)، آن را راهی برای صعود روح تلقی کرده‌اند. یونانیان باستان، بر پاکدامنی تأکید کرده و معتقد بودند: اشخاص باید امیال خود را مطابق اهداف عقلانی کنترل کنند؛ زیرا پاکدامنی حاصل حاکمیت عقل بر آدمیان است. واژه «عفت»، در گذر تاریخی مسیحیت، از بُعد مفهوم و مصداق دستخوش تغییراتی شده است. بزرگان کلیسا، این فضیلت را در ابتدا فقط راجع به پاکدامنی زنان به کار می‌بردند، اما بعدها جروم (د. 420)، ادعا کرد که تنها زهاد، نماد عفت هستند و سایر اشخاص نمی‌توانند مصداق آن باشند. همچنین، باکرگی و تجرد پیش از شورای دوم واتیکان (1962-1965)، مظهر اصلی عفت بود؛ درحالی که پس از آن، ازدواج و رعایت اخلاق در مسائل جنسی، عفت قلمداد شد (کیت، 1987 م، ج 3، ص 1558).

اما در ارتباط با مقوله ازدواج نیز دیدگاه مسیحیت دستخوش تحولات بوده است. برای نمونه، به کارگیری واژه‌های «عفت» و «پاکدامنی»، در مورد دختران باکره و زنان متأهل، در متون مسیحی (دوم قرنتیان، 11: 2؛ تیطوس، 2: 5؛ اول پطرس، 3: 2)، تأکید عیسی بر ازدواج بیشتر از موسی نبی، حضور عیسی در مراسم عروسی (یوحنا، 2: 11) و باور او مبنی بر اتحاد زناشویی زن و مرد (متی، 19: 4)، نشان می‌دهد که در نگاه عیسی (ع) ازدواج دارای موقعیت ارزشی است. پس از عیسی، پولس ازدواج را در صورتی توصیه می‌کرد که شخص خود را در معرض انحراف جنسی زنا ببیند (اول قرنتیان 7: 7-9). همچنین، در رساله به عبرانیان امر شده: «همه باید ازدواج را محترم بشمارند و پیوند زناشویی را از آلودگی دور نگه دارند؛ زیرا خدا زناکاران را مجرد یا متأهل به کیفر خواهد رسانید» (13: 4). او به صراحت، ممنوعیت ازدواج را

مذمت و یکی از نشانه‌های آخرزمان قلمداد نمود؛ عصری که در آن حلال خدا، حرام و حرام او حلال گردیده و این حلال (ازدواج) نیز مطرود شده است (اول تیماتوس، 4: 2-5). بدین ترتیب، بر اساس آموزه‌های کتاب مقدس، تجربه زیست عقیفانه منوط به پیوند زناشویی است و با ازدواج، می‌توان عفت خود را حفظ کرد (مکلان، 1918م، ص 492).

همان‌طور که بیان شد، موضع متون مسیحی نسبت به این مسئله، گاهی مثبت و زمانی منفی است. چنان‌که در اناجیل روایت شده، «هر کس به خاطر ملکوت خداوند خانه و کاشانه و زن خود را رها کند در آخرت حیات جاویدان نصیب او خواهد شد» (لوقا، 18: 29-30؛ متی، 19: 12). یا سخن پولس که می‌گوید: «بهتر است مرد، مجرد بماند. ولی چون اطراف ما سرشار از وسوسه‌های جنسی است، بهتر است هر مرد، برای خود زنی و هر زن برای خود شوهری داشته باشد» (مکلان، 1918م، ص 493-492). در تفسیر این اقوال، می‌توان گفت: مخاطب این سخنان، مردم عادی نیستند و این‌گونه ملاحظات، مربوط به زندگی راهبان است. چنان‌که در مکاشفه یوحنا وارد شده است:

«اینان مردمانی هستند که خود را با زن‌ها نیالوده‌اند و از روابط زناشویی امتناع کرده‌اند» (14: 4). در تأیید این ادعا، باید گفت: اغلب محققان کتاب مقدس مدعی‌اند که چون رساله مکاشفه ماهیت رمزی و نمادین دارد، این‌آیه هم باید در همان ساختار تفسیر شود. به عبارت دیگر، آنان معنای آیه را به شکل تحت‌اللفظی در نظر نمی‌گیرند. با وجود چنین آیت‌ی، پژوهشگران تأکید می‌کنند که کتاب مقدس، هرگز ازدواج را بی‌ارزش نشمرده است.

در جمع‌بندی باید گفت: در دوره کتاب مقدس (70-100م) و پایان دوره رسولان (اواخر سده اول میلادی)، مهم‌ترین راه حفظ عفت، ازدواج بود. اما پس از فوت رسولان، ترك ازدواج از مهم‌ترین مصادیق عفت قلمداد شد. به طوری که پدران کلیسا، در دفاع از عفت مسیحیان در مقابل اتهامات مشرکان نیز بر مجرد آنان تأکید می‌کردند. به نظر می‌رسد، مسیحیان در این دوره تحت تأثیر آراء اِسِنیان قرار گرفته‌اند. به گفته اپیفانوس (د. 402م)، اسنریان فرقه‌ای از یهودیان زاهدپیشه بودند که مجرد را مناسب‌ترین راه برای کسب عفت می‌دانستند (اپیفانوس، 2009م، ص 37). یوستینوس (110-165) اعلام می‌کند که بسیاری از مسیحیان، اعم از زن و مرد که «از کودکی شاگرد مسیح بودند، تا شصت یا هفتاد سالگی باکره مانده‌اند» (شاف، 2001م، یوستینوس، دفاعیه، ج 1، فصل 15، ص 255). به نظر او، این نوع سبک زندگی معادل عفت است. در جایی دیگر، هدف از ازدواج را به دنیا آوردن فرزند و هدف از مجرد را دوری از روابط جنسی می‌داند (همان، فصل 29، ص 265). بنابراین، در سده دوم میلادی، جریان‌های متعددی در جهان مسیحیت ظهور کرد که حصول عفت را منوط به ترك ازدواج می‌دانست (مکلان، همان). این گروه‌ها، به طرفداران کفّ نفس (Encratites) معروف بودند. تاتیانوس (110-172)، شاگرد یوستینوس، یکی از معروف‌ترین آنان بود. به نظر ایرنائوس (130-200)، این جریان با تبلیغ علیه ازدواج، در حقیقت تدبیر خدا را در آفرینش مرد و زن برای یکدیگر مخدوش می‌نمود (شاف، 2001م، ایرنائوس، برضد بدعت‌ها، ج 2، فصل 28، ص 581). از این پس، با اینکه مسیحیت رسمی آموزه‌های طرفداران کفّ نفس را نپذیرفت، اما به این نتیجه رسید که درست‌ترین شکل عفت، در مجردزیستی منحصر است (مکلان، همان).

از سده چهارم میلادی به بعد، عفت با تك همسری پیوند خورد. به عبارت دیگر، هرچند یکی از مظاهر اصلی عفت ازدواج است، اما چندهمسری مصادق عفت و پاکدامنی به حساب نمی‌آید. برخی متکلمان مسیحی، مثل ترتولیانوس چندهمسری را تقریباً هم سطح زنا می‌دانستند (شاف، 2006م، ترتولیانوس، برضد مرکیون، ج 1، فصل 29، ص 480). بعضی هم ازدواج سوم را اصلاً ازدواج نمی‌شمردند. همچنین، در سده چهارم این اصل رسمیت یافت که اگر عوام، پس از

فوت همسرشان دوباره ازدواج کنند، عفت را نقض کرده اند (مکلثان، همان). به طور کلی، در سده چهارم دو نظر عمده در باب ازدواج و عفت وجود داشت: اقلیت، ازدواج را برای همگان منافعی عفت می دانستند، اما اکثریت، به خصوص شورای نیقیه، برای عوام ازدواج را توصیه کردند و بین آن و عفت هیچ تناقضی نمی دیدند. در نهایت، همین دیدگاه تا امروز در بین مسیحیت رسمی رواج یافت. به طور خلاصه، باید گفت: در جهان مسیحیت از همان ابتدا، نگاه منسجمی به مسائل جنسی وجود نداشت و بزرگان مسیحی، گاهی آن را سرکوب و زمانی تأیید می کردند. با ظهور مشکل کمبود جمعیت، مدعی شدند که مردم عوام با ازدواج می توانند عفت خود را حفظ کنند، اما استمرار این حیات عفیفانه، بعد از ازدواج از طریق تعهد و وفاداری به زندگی زناشویی، حاصل می شود. در نظر آنان، چندهمسری یا ازدواج مجدد عفت به حساب نمی آید. اما در مورد کسانی که خواهان زندگی راهبانه هستند، عفت مفهوم متفاوتی دارد. این اشخاص، با تجردپیشگی باید مصداق و مظهر عفت باشند.

تربیت جنسی در اسلام

اسلام گزینه جنسی را به رسمیت می شناسد و آن را منافعی با معنویت نمی داند (مطهری، 2010م، ص26). تربیت جنسی در دین اسلام، امری الهی - انسانی است (شکوهی و دیگران، 2008م، ص59) و در فرآیندی تدریجی و مستمر با رویکردی واقع گرا یانه شکل می گیرد (رفیعی و مدن، 2004م، ص200). به همین دلیل، راهکار اسلام در پیشگیری از عوارض گزینه جنسی، کنترل شهوت جنسی پیش از سن بلوغ و هدایت آن به سمت ازدواج، پس از آن است (قائمی، 1997م، ص252). در این فرآیند، اگرچه مراقبت‌ها از دوران جنینی شروع می شود، اما دوران کودکی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا کودک هنگام تولد، از لحاظ دانش و معلومات، اندوخته ای ندارد و چون لوحی پاک متولد می شود. به عبارت دیگر، علم آدمی پس از تولد و از طریق مشاهده و تجربه به دست می آید (پاپکین، و آروم، 2001م، ص229). از این رو، تربیت جنسی در این دوره بر مبنای عدم تحریک کودک، از طریق حواس پنج گانه و بروز رفتارهای جنسی در حضور او، استوار است. روشن است که مدیریت میل جنسی بدون آموزش امکان پذیر نیست و باید در این مسیر، به مقتضای هر مرحله از رشد، به شیوه مناسب کودک را از هویت جنسی خود آگاه نمود. چنان که در متون روایی نیز شیوه های آموزش متناسب با مراحل سنی، مطرح گردیده است (شکوهی و دیگران، 2008م، ص59). از منظر دینی، والدین موظفند فرزندان خود را پس از بلوغ جنسی برای تشکیل خانواده، از جهت روحی و جسمی آماده کنند؛ زیرا ازدواج امن ترین و ساده ترین شیوه برای حفظ عفاف پس از بلوغ است. چنان که قرآن بر ازدواج مجردان تأکید کرده است (نور: 32) و پیامبر (ص) می فرماید: «ازدواج کنید که برکت و عفت در ازدواج است» (طبرسی، 1408ق، ج 14، ص 62). به دیگر سخن، سهل انگاری در ازدواج به موقع، زمینه را برای ارضای نادرست این میل فراهم می کند. پس از ازدواج نیز کلام و نگاه هوس آلود به غیر همسر، حرام می باشد (حرعاملی، 1988م، ج 12، ص134)؛ زیرا ارضای درست یا نادرست گزینه جنسی، رابطه معناداری با کشش های عاطفی زوجین دارد.

یکی دیگر از اصول اسلام، لحاظ کردن هویت جنسی در تربیت است؛ زیرا علاوه بر تفاوت زمان بلوغ در دختران و پسران (مرویان حسینی، 2016م، ص41)، آنان از نظر فیزیولوژی، ویژگی های روانی و نوع وظایف نیز یکسان نیستند. به همین دلیل، اسلام به تفاوت تربیت آنان در محتوا و قالب برنامه های آموزشی معتقد است. روشن است که هدف از دوگانگی تربیت، تنها رعایت شئون دو جنس بر اساس نظام فطری آفرینش است؛ زیرا مسئولیت های مختلف اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی، اقتضاتاتی دارد که انجام هر يك از آنها، به تنهایی از عهده زن و مرد خارج

است. علاوه بر این، تربیت جنسی دختران به دلایلی مهم‌تر از پسران است؛ زیرا از سوپی دختران علاوه بر بلوغ زودتر، به علت خصوصیات مادرانه و وسعت وقتی که با فرزندان سپری می‌کنند، نفوذ بیشتری بر آنان دارند. از سوی دیگر، در تنظیم رفتار جنسی، زنان نسبت به مردان توانمندتر هستند. از سوی دیگر، همواره زنان به واسطه این غریزه، مورد سوء استفاده‌های اقتصادی و سیاسی قرار گرفته‌اند (زنداوندیان و شمشادی، 2010م، ص64).

تعالیم اسلامی، علاوه بر توجه به جنبه‌های نظری تربیت جنسی، به الگوهای رفتاری نیز اهتمام ورزیده است. برخی از این الگوها بدین شرح می‌باشد:

1- پرورش نقش و هویت جنسی: هویت جنسیتی آگاهی کودک از طبیعت زیست شناختی خود و بینشی است که نسبت به جنسیت، نقش‌ها و گرایش‌های متناسب با جنس خود دارد (پاول، 2003م، ص432). برای نمونه، ویژگی ممتاز دختران، یعنی اظهار غریزه مادری، از حدود پنج سالگی شروع می‌شود. این امر بیانگر این است که کودکان طی سنین سه تا هفت سالگی، شروع به کسب آگاهی از جنسیت خود می‌کنند. به جز مفهوم هویت جنسیتی، نقش جنسیتی نیز مجموعه‌ای از رفتارها و گرایش‌های فردی است که با جنسیت فرد هماهنگ باشد (بی‌ریا و همکاران، 2006م، ج2، ص102). کودک همگام با رشد خود، از طریق تجربه‌های روزانه درمی‌یابد که چه رفتارهایی مناسب با جنسیت اوست (مرویان حسینی، 2016م، ص66). از این رو، برخی روایات بر جدایی بستر کودکان از یکدیگر، در شش یا هفت سالگی تأکید می‌کنند. از آنجاکه مادر، در آموزش نقش جنسیتی دختر کارآمدتر است، پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «امور دختران را به مادران آنها واگذارید» (متقی هندی، 1981م، ج16، ص309). اعتدال در محبت به فرزندان، پرهیز از تبعیض نسبت به دختر و پسر در خانواده، هماهنگی پوشش و بازی‌های کودک با جنسیت او، پرهیز از تحمیل ویژگی‌ها، واگذاری مسئولیت‌های یک جنس به جنس دیگر، بیان طبیعی بودن تفاوت‌های دو جنس و سرانجام، احترام گذاشتن به آنان از روش‌های عملی برای مدیریت غریزه جنسی است (فقیهی، 2014م، ص109-111).

2- تبیین الگوهای عملی در خانواده: از آنجاکه کودک قادر به درک هیجانات جنسی است (افشاری، 2015م، ص82)، این رفتارها و الگوها بیشتر جنبه پیشگیری دارد، مانند اجتناب پدر و مادر از مقاربت در مقابل فرزندان (عاملی، 1988م، ج20، ص133)، امر به اجازه گرفتن کودک هنگام ورود به خلوت والدین در سه وقت (نور: 58-59) و پرهیز از برهنه کردن کودکان و لمس عورت، که حیا را از بین برده و موجب تحریک جنسی می‌شود (متقی هندی، 1981م، ج7، ص330). چنان‌که امام علی(ع) می‌فرماید: لمس اندام جنسی دختر توسط مادر در شش سالگی، نوعی زنا می‌باشد (عاملی، 1988م، ج20، ص230). به عبارت دیگر، چون احتمال بروز انحرافات مثل همجنس‌بازی، استمناء و روابط نامشروع در وی وجود دارد. به همین دلیل، امام شریعتی قبح این عمل را مانند زنا معرفی کرده است (فقیهی، 1387، ص119).

همچنین در دوران کودکی، بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان توسط جنس مخالف منع شده است. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «وقتی دختر بچه‌ای به شش سالگی رسید، جایز نیست که پسر بچه، او را ببوسد و هنگامی که پسر از سن هفت سالگی گذشت، جایز نیست که زن [نامحرم] او را ببوسد» (مجلسی، 1983م، ج101، ص96).

در نظام تربیت دینی، طبق اصل پیشگیری از بلوغ زودرس، باید رختخواب پسر و دختر جدا باشد. در این زمینه، دو دسته روایات وجود دارد که سنین شش و هفت سالگی را سن تفکیک بستر می‌داند (عاملی، 1988م، ج20، ص231). اسلام حتی به نوع بازی کودکان توجه دارد؛ زیرا پذیرش نقش جنسیتی کودک مؤثر است. والدین باید مراقب باشند که وقتی دختران با دختران

هم بازی می‌شوند، بازی‌ها به تحریکات جنسی منجر نشود (مرویان حسینی، 2016م، ص63). همچنین، کودک به بازی با خود مشغول نشود؛ چراکه این اتفاق، ممکن است نخستین بار، فقط به قصد کشف اعضای بدن باشد، اما با تکرار آن، کودک، احساس لذت کرده، آن را دوباره انجام می‌دهد.

عفاف‌گرایی در تعالیم اسلام

از منظر اسلام آزادی جنسی، انسان را از فضیلت و معنویت دور می‌سازد. قرآن کریم گمراهی (مریم: 59) و انحراف (نسا: 27) را از پیامدهای شهوت‌گرایی می‌داند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «شهوت‌گرایی، شیرینی ایمان را از قلب می‌برد» (محمدی ری شهری، 1995م، ج1، ص382). از این رو، اسلام برای دوران جنینی، ازدواج و پس از آن، در راستای مدیریت میل جنسی با مرکزیت عفاف، تمهیداتی را اندیشیده است. «عفاف» در معنای عام، یعنی پرهیز از آنچه حلال و پسندیده نیست و در معنای خاص، به مفهوم مدیریت غریزه جنسی یا پاک‌دامنی است. این خویشتن‌داری جنسی، تمامی ساحت‌های وجودی انسان، اعم از حواس پنج‌گانه، قلب و ذهن را پوشش می‌دهد (محمدی ری شهری، 1995م، ج80، ص129؛ حرعاملی، 1988م، ج15، ص249). از این رو، در کنار عفت چشم (نور: 30)، زبان (احزاب: 32)، و تن (حرعاملی، 1988م، ج2، ص341) به ناپاکی هر یک از حواس و اعضای بدن نیز اشاره شده است. لازم به یادآوری است که در ادبیات مذهبی، واژه «عفت» و «حیا» اغلب با یکدیگر به کار می‌روند؛ زیرا حیا یکی از تقویت‌کننده‌های انسان در عرصه عفاف‌گرایی است. به همین دلیل، اسلام معاشرت با زنان را مخل عفت عمومی نمی‌داند، بلکه این تعاملات اجتماعی را به رعایت حجاب و حیا مشروط می‌کند (قصص: 25) و بر وجود آن، در دختران تأکید بیشتری دارد (شیخ صدوق، 1992م، ج3، ص468). همچنین، یکی از فلسفه‌های لزوم پوشش سراسر بدن و مو در زنان مسلمان، پوشش لباس متناسب با جنسیت (حرعاملی 1988م، ج20، ص221) و ممنوعیت استفاده از لباس بدن نما، در اماکن جمعی با هدف تقویت حیا آنان است؛ زیرا نوع و میزان پوشانندگی لباس، در تربیت جنسی مؤثر است (قائمی، 1982م، ص285). به عبارت دیگر، وجوب پوشش مو و بدن در زنان موجب مصونیت آنان از موقعیت‌ها و رفتارهای پرخطر جنسی شده و ضامن زیست‌عقیفانه است. از نگاه اسلام، برای برخورداری از نسلی پاک، باید در گزینش همسر عواملی چون دینداری و عوامل وراثتی را در نظر گرفت (محمدی ری شهری، 1995م، ج5، ص2253 و 2258). امام صادق (ع) می‌فرماید: «کفو کسی است که عقیف و پاکدامن بوده و توانایی اداره زندگی را داشته باشد» (طبرسی، 1371، ص204). از سوی دیگر، در قرآن از وصلت با بی‌عفتان نهی شده است (نور: 3). جالب‌تر اینکه در امر ازدواج بر پاکدامنی و حسن خلق زنان بیشتر تأکید شده است؛ زیرا پیامبر (ص) می‌فرماید: زنان شیبیه برادران و خواهران خود می‌زایند (پاینده، 1381، ج1132). طبق آموزه‌های دینی، اگر هزینه‌های تشکیل خانواده از مال حرام تأمین شود، ازدواج فاسد خواهد شد (مجلسی، 1983م، ج96، ص125). لازم به یادآوری است که پس از ازدواج نیز حفظ عفت فردی و خانوادگی از دغدغه‌های اسلام می‌باشد. به همین دلیل، همسران به مهرورزی با یکدیگر امر شده‌اند. به عنوان مثال، از امام کاظم (ع) نقل شده است: رسیدگی به ظاهر سبب عفاف‌افزایی در همسران است (کلینی، 1968م، ج5، ص561).

نظام تربیتی اسلام برای برخورداری از نسلی صالح و پاک، والدین را به انجام دستوراتی پیش از فرزندآوری ملزم می‌کند. پرهیز از خیانت ذهنی هنگام آمیزش (حرعاملی، 1988م، ج20، ص252)، رعایت زمان و مکان مجامعت (مجلسی، 1983م، ج5، ص337) و دعا کردن هنگام

انعقاد نطفه (حرعاملی، همان، ص 115). پس از تولد فرزند آدابی مانند انتخاب نام نیکو، گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، یاد خدا به هنگام شیرخواری کودک و مانند آن نیز در بهداشت معنوی، روانی و جسمی کودک مؤثر است (فقیهی، 1387، ص 191، 66، 275). بدین ترتیب، اسلام در نخستین مرحله مدیریت قوای جنسی برای پیش از دوره جنینی تا دوره بلوغ راهکارهای نظری و عملی دارد. اما با ورود فرزند به بلوغ جنسی عاملیت فرزند پررنگ‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، اکنون او باید با پرهیز از تمتعات نامشروع، عفت خود را حفظ کند تا شرایط ازدواج به عنوان دومین مرحله تربیت جنسی تأمین شود؛ زیرا یکی از کارکردهای تشکیل خانواده، مصونیت از ناهنجاری‌های جنسی است. از این رو، والدین در قبال ازدواج فرزندان (طبرسی، 1408ق، ج 8، ص 240) و تأمین زمینه‌های مادی، فرهنگی و فکری آن مسئول هستند. اما سومین مرحله، تربیت جنسی پس از ازدواج می‌باشد. یکی از حقوق زوجین پس از ازدواج، «حقوق جنسی» است. این حقوق، با لذات جنسی زوجین مرتبط است و هر یک از مرد و زن را در تأمین این لذت موظف می‌کند. تمکین از جمله این حقوق است که شامل سه مرحله آراستگی، آمادگی و آمیزش می‌باشد. به عبارت دیگر، یکی از لوازم حفظ عفاف برای متأهلین، ارضای تمایلات شهوانی در بستر خانواده است. در روایات حتی به شرایط زمانی، مکانی و روانی مناسب برای این تأمین شونده اشاره شده است (فقیهی، 1429ق، ص 260-267). روشن است زوجین باید علاوه بر توجه به نیازهای جنسی یکدیگر، در مراقبت از حواس و اعضای خود تلاش کنند. اسلام همچنین برای افرادی که تشکیل خانواده برای آنها ممکن نیست، سازوکارهایی اندیشیده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: احسان بر دو گونه است؛ احسان نکاح و احسان عفاف. بدین ترتیب، مجردین به خویشتن داری و کف نفس توصیه شده‌اند. ذکر و توجه به خدا، تقویت عقل، یادآوری آخرت (مجلسی، 1983م، ج 74، ص 35؛ کلینی، 1968م، ج 2، ص 482)، مراقبت‌های غذایی، پوششی به علاوه کار و اشتغال، می‌تواند در حفظ این احسان مؤثر باشد (مجلسی، 1983م، ج 104، ص 80؛ محمدی ری شهری، 1995م، ج 7، ص 3334). در نظام تربیتی اسلام، جواز ازدواج موقت برای کسانی است که از یک سو، قادر به تحمل فشار روانی ناشی از خویشتن داری نبوده و از سوی دیگر، ازدواج کردن برایشان مقدور نیست. بدین ترتیب این حکم خود عامل حفظ عفاف فردی و عمومی و طرد روابط فرارزشجویی می‌باشد.

منابع

- افشاری، محمدحسین، 2015 م، «تربیت جنسی کودک در روایات اهل بیت (ع)»، حدیث و اندیشه، ش 20، ص 74-93.
- باقری، خسرو، 2006م، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چ سیزدهم، تهران، مدرسه.
- بی‌ریا، نصر، 2006م، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت.
- پاپکین، ریچارد، و استرول‌آروم، 2001م، کلیات فلسفه، ترجمه: جلال‌الدین مجتبیوی، تهران، حکمت.
- پاول، هنری ماسن، 2003م، رشد و شخصیت کودک، ترجمه: مهشید یاسایی، تهران کتاب‌ماد.
- پاینده، ابوالقاسم، 1381، نهج الفصاحه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پورامینی، محمدباقر، 2004م، «تربیت جنسی در سیره نبوی»، تربیت اسلامی، ش 8، ص 165-182.
- ثابت، حافظ، 2006م، تربیت جنسی در اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- جمعی از نویسندگان، 2009م، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و

- پژوهشی امام خمینی (ره).
- حر عاملی، محمد بن الحسن، 1988م، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، 2001م، سیری در تربیت اسلامی، چ چهارم، تهران، تحقیقات ذکر.
- دورکیم، امیل، 1989م، تربیت و جامعه شناسی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
- رفیعی، بهروز، و یوسف مدن، 2004م، «تربیت جنسی در اسلام»، پژوهش‌های تربیت اسلامی، ش 8، ص 183-218.
- زنداوندیان، احمد، و صادق شمشادی، 2010م، «ابعاد و مراحل تربیت جنسی دختران و زنان از نظر اسلام»، مباحث بانوان شیعه، ش 25، ص 65-98.
- شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم؛ و علی نقی فقیهی، 2008م، «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی»، تربیت اسلامی، ش 7، ص 51-80.
- طبرسی، فضل بن حسن، 1371، مکارم الاخلاق، قم، شریف الرضی.
- طبرسی، میرزا حسین، 1408ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
- عاملی، حسن بن علی، 1988م، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- فقیهی، علی نقی، 1387، مبانی، اصول و روش‌های تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث، چ نهم، قم، دار الحدیث.
- قائمی، علی، 1982م، اسلام و تربیت دختران، چ پنجم، تهران، طلوع آزادی.
- ، 1997م، خانواده و مسائل جنسی کودکان، چ دهم، تهران، انجمن اولیا و مربیان ایران.
- قمی، محمد بن علی بن حسین بابویه (صدوق)، 1992م، من لا یحضره الفقیه، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، 1968م، اصول من الکافی، چ سوم، قم، دار الکتب الاسلامیه.
- کوچتکف، و. د.، و. و. م. لاپیک، 1990م، روان‌شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ترجمه: محمد تقی زاده، تهران، بنیاد.
- متقی هندی، علاء‌الدین، 1981م، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، چ پنجم، دمشق، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، 1983م، بحار الانوار، بیروت، دار لحياء التراث العربی.
- محقق داماد، سیدمصطفی، 1394، الهیات محیط زیست، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- محمدی، حسین؛ رهنما، اکبر؛ و حمید علیین، 2007م، «بررسی و تبیین مبانی، اصول روش‌های تربیت جنسی با تأکید بر دیدگاه اسلام»، دانشور رفتار، ش 24، ص 97-110.
- محمدی ری‌شهری، محمد، 1995م، میزان الحکمه، چ دوم، قم، دار الحدیث.
- مرویان حسینی، محمود، 2016م، تربیت جنسی در اسلام، آموزه‌ها و راهکارها، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مطهری، مرتضی، 2010م، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، تهران، صدرا.
- Epiphanius of Salamis, (2009), The Panarion: Book I (Sects 1-46), Tr. By Frank Williams, Brill.
- Gold, Daniel, (1987), "Celibacy", Encyclopedia of Religion, Ed. By Mircea Eliade, Macmillan: New York and London.

- Grenz, Stanley, (1998), "Theological Foundations for Male-Female Relationships", JETS, 41/4-
- Ioan Petru Culianu, Hans Thomas Hakl, (1987), "Sexuality: Sexual Rites in Europe", .Encyclopedia of Religion, Ed. By Mircea Eliade, Macmillan: New, York and London
- Jaeger, Werner, (1946), Paideia: the Ideals of Greek Culture, Oxford, vol. 1-
- Joy , Morny, (2006), "Gender and Religion: A Volatile Mixture", Temenos, vol. 42, No. 1-
- .Lawrence, Raymond, (2007), Sexual Liberation: The Scandal of Christendom, London
- Macleon, A. J, (1918), "Chastity (Christian), Encyclopedia of Religion and Ethics, Ed. By .James Hastings, Edinburgh
- Matthews A. ojo, (2005), Religion and Sexuality: Individuality, Choice and Sexual .Rights in Nigerian Christianity, Lagos, Nigeria
- Roberts , Richard H. , (2006), "Body", The Blackwell Companion to the Study of , Religion, (ed) Robert A. Segal , Blackwell Publishing Ltd
- Robinson, James (ed), 1984, "The Gospel of Philip", and "The Gospel of Thomas", in: .The Nag Hammadi Library in English, Brill: Leiden
- Schaff, Philip(ed), rep (2001), The Apostolic Fathers with Justin Martyr and Irenaeus, Edinburgh, 1867-
- .Schaff, Philip(ed), rep(2006), Latin Christianity: Its Founder, Tertullian , Edinburgh
- .Schaff, Philip, (1886), Augustin: Anti-Pelagian Writings, New York
- Schaff, Philip, (2004), Fathers of the Second Century: Hermas, Tatian, Athenagoras, Theophilus, and Clement of Alexandria (Entire), Ante-Nicene Fathers, Edinburgh .Series
- Susan Calef, Ronald, Simkins, (2009), "Women, Gender, and Religion", Journal of Religion & Society
- منبع:** برگرفته از مقاله مقایسه مبانی تربیت عقیفانه در مسیحیت با اسلام؛ اسلام و پژوهش‌های تربیتی؛ بهار و تابستان 1398 - شماره 21؛ رحیم پور ازغدی، طاهره؛ عبدی، ولی.

ترویج و تبلیغ عفت و پاکدامنی

آنچه می‌توان به عنوان وظیفه مبلغان گرامی و اولیا و مربیان بر شمرد، آن است که ضمن در نظر گرفتن مخاطب، مخصوصاً مخاطب [1] جوان و نوجوان راه‌های مناسب برای ارضای غریزه را به آنان گوشزد نموده و مسیر صحیح و سالم را به آنان معرفی کنند.

به عنوان مثال، اگر جوان داوطلبانه به دنبال کنترل غریزه شهوانی خویش باشد، می‌توان او را با راه‌های زیر آشنا ساخت:

الف. شناسایی منشأ شهوات

1- مال و ثروت

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ»؛ [2] دارایی و ثروت مایه اصلی شهوات [بشر] است.»

2- چشم

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «نِعْمَ صَارَفُ الشَّهَوَاتِ غَضُّ الْأَبْصَارِ؛ بهترین عامل روی گردانی از خواهشها و امیال فرو بستن چشم هاست.»
 آن حضرت در پاسخ به سؤال کسی که پرسید: «يَمَاذَا يَسْتَعَانُ عَلَى غَضِّ الْبَصَرِ؟» [3] چگونه چشمان خود را از [حرام] فرو بندیم؟» فرمود: «بِالْخُمُودِ تَحْتَ سُلْطَانِ الْمُطَّلِعِ عَلَى سِرِّكَ وَالْعَيْنُ جَاسُوسُ الْقَلْبِ وَ بَرِيذُ الْعَقْلِ فَغَضَّ بَصْرَكَ عَمَّا لَا يَلِيْقُ دِينِكَ وَ يَكْرَهُهُ قَلْبُكَ وَ يَنْكُرُهُ عَقْلُكَ؛ [4] با در نظر گرفتن قدرت خداوندی که مطلع بر اسرار توست؛ در حالی که چشم جاسوس قلب و رابط [بین چشم و] عقل است. پس چشمانت را از آن چیزی که لایق دینت نیست و قلبت [از آن] آکراه دارد و عقلمت آن را انکار می‌کند، فرو بند!»

ب. شناخت مقام معنوی خویش

در صورتی که انسان به شأن و مقامو شخصیت خویش واقف گردد، خواهد توانست به راحتی بر لجام گسیختگی غریزه شهوت فائق آید؛ چنان که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:
 «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ؛ [5] هر کس شخصیتش برای شکریم و بزرگ باشد، شهواتش برای او خوار می‌شود.»
 و نیز می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ شَرَفَ مَعْنَاهُ صَاتَهُ عَنْ دَنَائَةِ شَهْوَتِهِ؛ [6] کسی که شرافت ذاتی خویش را بشناسد، [این شناخت] او را از پستی شهوت مصون می‌دارد.»

ج. شناخت راههای کم شدن شهوت

1- عقل و حکمت

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ كَمَلَ عَقْلُهُ اسْتَهَانَ بِالشَّهَوَاتِ؛ [7] کسی که عقلش کامل گردد، شهوتش را خوار می‌کند.»
 و نیز می‌فرماید: «كَلِمَا قَوِيَتِ الْحِكْمَةُ ضَعُفَتِ الشَّهْوَةُ؛ [8] هر گاه حکمت قوی گردد، شهوت ضعیف می‌شود.»

2- عفت

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعِفَّةُ تُضْعِفُ الشَّهْوَةَ؛ [9] عفت، شهوت را ضعیف می‌کند.»

3- یاد مرگ

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فَأَكْثِرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ عِنْدَ مَا تُتَارَعُكُمْ إِلَيْهِ أَنْفُسُكُمْ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا؛ [10] وقتی نفس شما خواست شما را باشهوات به تباهی بکشاند، زیاد به یاد مرگ باشید؛ زیرا برای موعظه، یاد مرگ کافی است.»

د. شناخت ضررها

اگر جوان حاضر به چشم پوشیاز غرایز شهوانی خویش نگردد و راه های یاد شده در او تأثیرگذار نباشد، لازم است او را با ضررهای دنیوی، جسمی و روحی آزاد گذاشتن بی قید و بند غریزه شهوت آشنا سازیم. به عنوان نمونه، یکی از مواردی که در تحریک غریزه شهوت تأثیر بسزایی دارد، چشم چرانی است و بازگو کردن ضررهای جسمی و روحی آن، بازدارندگی بسیار زیادی در جوان و نوجوان ایجاد خواهد کرد؛ ضررهایی همچون:

1- حسرت طولانی

اگر چه نگاه حرام موجب لذتانی است، اما گاه يك نگاه، انسان را برای همیشه در حسرت فرو می‌برد و همین باعث به هم ریختن سیستم عصبی می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً؛ [11] نگاه

حرام تیری است از تیرهای زهرآگین شیطان و چه بسا نگاهی که حسرت و پشیمانی طولانی از خود به جای می‌گذارد.»

2- آینده مجهول

جوان چشم چران به هیچ وجه نخواهد توانست آینده خوبی داشته باشد؛ چرا که به دلیل دیدن افراد متفاوت، هیچ کس را مناسب ازدواج نمی‌بیند و با هیچ فردی آرام و قرار نخواهد گرفت؛ به خلاف مؤمنان که ازدواج بهترین راه رسیدن آنان به آرامش می‌باشد؛ همچنان که قرآن مجید می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ [12] «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و درمیانتان مودت و رحمت قرار داد. دراین، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»

3- ضررهای جسمی و روحی

تپش قلب، ضعف و خستگی عمومی، سردرد، بی‌قراری، بی‌خوابی، کم‌اشتهایی، خستگی فکری و بسیاری از موارد دیگر، از جمله ضررهای جسمی و روحی چشم‌چرانی است. [13]

منبع: برگرفته از مقاله غرایز انسانی، باید‌ها و نبایدها؛ مجله مبلغان، اردیبهشت 1386 - شماره 90؛ فجری، محمد مهدی

پی‌نوشت‌ها:

[1] در نظر گرفتن مخاطب و نوع برخورد با او جزء سیره معصومین علیهم السلام بوده است.

آنان با هر کس به اندازه عقل و ظرفیتش سخن می‌گفته‌اند.

[2] غرر الحکم، ج 1، ص 153.

[3] همان، ج 6، ص 164.

[4] مصباح الشریعة، مؤسسة اعلمی للمطبوعات، بیروت، 1400 ق، ص 9.

[5] نهج البلاغة، حکمت 449.

[6] غرر الحکم، ج 5، ص 438.

[7] مستدرک الوسائل، ج 11، ص 212.

[8] غرر الحکم، ج 4، ص 622.

[9] همان، ج 2، ص 152.

[10] الامالی، شیخ صدوق، دار الثقافة، قم، چاپ اول، 1414 ق، ص 28.

[11] وسایل الشیعة، ج 20، ص 191.

[12] روم / 21.

[13] آنچه باید يك زن بداند، اسد الله محمدی نیا، مرکز علمی فرهنگی مسجد صاحب الزمان

علیه السلام، ورامین، چاپ چهارم، 1374 ق، ص 363.

ازدواج

دین مبین اسلام به تمام نیازمندیهای انسان بر اساس مصالح و مفسدات او توجه کرده است. بر همین اساس، برای مقابله با سه اسارت فکری، روحی و جسمی انسان، راه کارهایی ارائه داده است تا هیچ گاه انسان در بند آن اسارتها گرفتار نیاید و از راه رشد و ترقی باز نماند. یکی از آن اسارتها مربوط به قوای غریزی انسان است که در عین ضرورت آن، از حساسیت خاصی برخوردار است؛ چرا که هر یک از قوای غریزی، انسان را به سمت و سوی خویش کشانده و گاه این جاذبه به حدی است که اگر بدون دقت و برنامه ریزی باشد، قوای دیگر را تحت الشعاع قرار داده، زندگی و روابط انسان را از حالت طبیعی خارج می‌سازد.

یکی از این غرایز، غریزه جنسی است که از کششهای مهم نفس آدمی می‌باشد و ریشه در غریزه لذت جویی دارد. علاقه به همسررداری و میل به بهره‌مندی از لذایذ جنسی، لازمه ساختمان وجودی انسان و جزء لاینفک آن است. از سوی دیگر، رها کردن بی‌قید و شرط این محرک پر نیرو نیز به منزله غفلت از حرکت سیل خروشان است که دیر یا زود همه چیز را از جا کنده، به همراه خویش خواهد برد.

گرچه کلیسا بر خلاف طبیعت انسان و بر ضد غرایز و امیال فطری آدمی، ازدواج را امری پلید دانسته و پیروانش را به مجرد زیستن تشویق می‌کند، اسلام از ابتدای طلوعش با این عقیده انحرافی و دیگر انحرافات که در سایر مکاتب بوده، به مبارزه برخاسته است، و مرد و زن را بر اساس طبیعت و غرایزشان به ازدواج تشویق کرده، آن را نیمی مایه حفظ از دین بر می‌شمرد، چنانکه رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ يَصْفَ دِينَهُ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي التَّصْفِ الْبَاقِي»؛ [1] هرگاه آدمی ازدواج کند، نصف دین خویش را مصون داشته است و باید مراقب نیم دیگر آن باشد.»

بر همین اساس در تعالیم اسلامی، ازدواج با تعبیرات گویا و پرمعنایی بیان گردیده است. امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: «رَكَعَتَانِ يَصَلِّيهِمَا مَتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يَصَلِّيهِمَا أَعْرَبٌ»؛ [2] دو رکعت نمازی که متأهل می‌خواند از هفتاد رکعت نمازی که شخص عزب (بی‌همسر) می‌خواند، برتر است.»

در مقابل، مجرد ماندن و روی آوردن به رهبانیت و ترک ازدواج در دین اسلام منفور قرار گرفته است. در تاریخ آمده است که در زمان رسول خدا (ص) برخی از اصحاب به خیال اینکه خود را به قلعه‌های رفیع معنویت برسانند، تصمیم گرفتند که ظواهر مادی دنیا را رها کرده، روز و شب را به عبادت بگذرانند. در این تصمیمی که گرفته شد، فردی از آنان گفت: من روزها را روزه خواهم گرفت. دیگری گفت: من تمام شبها را به عبادت خواهم گذرانم. و بعضی گفتند: ما هرگز تن به ازدواج، ارضای شهوت و تشکیل خانواده نخواهیم داد. چون خبر این تصمیم به پیامبر (ص) رسید، آنان را دعوت کرد و فرمود: «أَنَا أَعْلَمُكُمْ بِاللَّهِ وَ أَخْشَاكُمْ لَهُ وَلَكِنِّي أَقَوْمٌ وَ آتَامٌ وَ أَصُومُ وَ أَفْطِرُ وَ أَتَزَوِّجُ الْبَنَاتِ فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»؛ [3] من که به عظمت حضرت حق [و اسماء و صفاتش] بیش از شما آگاهم، و از شما خداترس‌ترم؛ ولی در شب، هم به عبادت برمی‌خیزم، هم می‌خوابم، برخی روزها را روزه گرفته، بعضی ایام را افطار می‌کنم و با زنان ازدواج می‌کنم، پس کسی که از سنت من روی گردان شود، از من نیست.»

گرچه درباره ضرورت و اهمیت ازدواج، اهداف آن، راه انتخاب همسر، و ده‌ها موضوع مرتبط با آن کتابهای بسیاری نوشته شده است، و سخنرانان و مبلغان، فراوان به آن پرداخته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد افزون بر لزوم تکرار این مسئله، هنوز نیاز به تبیین و تحقیق داشته و ضروری است که

مبلغان گرامی در این راستا عنایت ویژه‌ای داشته باشند. با کمال تأسف عدم استفاده صحیح از اینترنت، ماهواره، موبایل و عدم توجه جدی به مسئله حجاب و... باعث انحراف غریز شده، اهمیت و ضرورت ازدواج را برای برخی جوانان کمرنگ نموده یا آنان را به سمت عشق‌های ظاهری و ازدواجهای خیابانی کشانده است که در بسیاری از آنها عدم رسیدن به تصورات ذهنی، منجر به اختلاف و جدایی و سرخوردگی از جامعه شده است. این سرخوردگی‌ها که نتیجه‌ای جز نفرت دائمی از ازدواج ندارد، و لزوم ارضای غریزه شهوت، خطرات ناگواری را برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت.

این نوشتار در پی آن است تا با بازخوانی تعالیم اسلامی وظیفه‌آحاد افراد جامعه اسلامی را در قبال ازدواج افراد مجرد مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. امروز مسئله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان به صورت یکی از پیچیده‌ترین مسائل حادث اجتماعی درآمده و کمتر خانواده‌ای است که دارای دختر و پسر جوانی باشد و از این موضوع رنج نبرد. انبوهی از مشکلات طاقت فرسا، این مسئله مهم و در عین حال ساده، زندگی آنها را در کام خود فرو برده، به صورت هیولایی وحشتناک درآورده است. دختران زیادی در خانه‌ها مانده و در انتظار ازدواجند، در حالی که هیچ مشکل مهمی ندارند؛ اما خود را در برابر انبوهی از مشکلات جانکاه و موانع غیرقابل عبوری مشاهده می‌کنند.

از آن سو، پسران زیادی نیز سنین شادابی جوانی را پشت سر گذارده، و هنوز اندر خم یک کوچه، در آرزوی تشکیل خانواده‌اند؛ ولی آداب و رسوم زشت اجتماعی و پیرایه‌های غلطی که به این امر حیاتی بسته‌اند، و ترس از آینده‌ای مبهم و تلخ آنها را از رسیدن به مقصود باز می‌دارد. عجب اینکه این پیچیدگی، هم در خانواده‌های فقیر و هم در خانواده‌های مرفه مشاهده می‌شود؛ چرا که هر کدام کوهی از توقع‌های غلط را بر دوش دارند، و زیر آوار سنگینی از آداب و رسوم موهوم دست و پا می‌زنند. اسفبارتر آن که، چون پایه‌های چنین توقعاتی از آغاز کج گذارده شده است، بنای بسیاری از خانواده‌ها تا ثریا کج می‌رود، و چون شالوده محکمی ندارد، پیوسته دستخوش نوسانات، اضطرابات و ناراحتیها است. [4]

گرچه ازدواج برای بسیاری از جوانان به عنوان یک واجب مطرح است؛ اما نباید از مسئولیت‌سایرین در قبال ازدواج جوانان غافل شد. به نمونه‌های زیر دقت کنید:

1. مبلغین

بررسی تعالیم اسلامی نشانگر آن است که یکی از عوامل ترویج ازدواج در جامعه اسلامی، بیان آثار و فواید آن و نیز بازگو کردن اثرات سوء مجرد زیستن است. روایات بسیاری از معصومان (ع) حکایت از آن دارد که آن بزرگواران از هر فرصتی برای ایجاد انگیزه برای ترغیب جوانان استفاده می‌کردند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مَا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِلَّا الْوَجْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ» [5] در اسلام، هیچ بنایی ساخته نشده که نزد خدای بزرگ، محبوب‌تر از ازدواج باشد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: مردی محضر پدرم حضرت باقر (ع) آمد، حضرت فرمود: همسر داری؟ گفت: نه. پدرم فرمود: «وَمَا أَحَبُّ إِلَيَّ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَ أَيْبَى لَيْلَةٍ وَ لَيْسَتْ لِي زَوْجَةٌ ثُمَّ قَالَ الرَّكْعَتَانِ يَصْلِيهِمَا رَجُلٌ مَتَزَوَّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ أُعْزَبَ يَقُومُ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ ثُمَّ أُعْطَاهُ أَيْبَى سَبْعَةِ دَنَابِيرٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ تَزَوَّجْ يَهْذِهِ» [6] دوست ندارم دنیا و آنچه در آن است از من باشد و من یک شب بدون همسر به سر برم. آنگاه فرمود: دو رکعت نماز مرد زن دار از عبادت شبانه و روزه روزانه شخص بدون همسر بهتر است، سپس هفت دینار طلا به او داد و فرمود: با این پول ازدواج کن.

اکنون این تبلیغ بر عهده تمامی افراد اثرگذار در جامعه اسلامی، مخصوصاً مبلغان است. آنان می‌توانند بیشترین نقش را برای ترغیب جوانان برای ازدواج ایفا نموده، وظیفه والدین و سایر مؤمنین را نیز به آنان گوشزد نمایند. به یقین مجرد زیستن در تمام زمانها، به خصوص زمان حاضر عواقب ناگواری را به همراه دارد، چنانکه در برخی روایات از آن به «فتنه» و «فساد کبیر» تعبیر شده است. [7]

2. حکومت اسلامی

بررسی سیره و سخنان حضرات معصومین (ع) حکایت از آن دارد که آن بزرگواران افزون بر سفارش به ازدواج، در برخی مواقع مبالغی را برای ایجاد پیوند ازدواج بین دو نفر پرداخت می‌نموده‌اند. مانند روایت فوق و همچنین، امام باقر (ع) می‌فرماید: «أُتِيَ عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) بِرَجُلٍ عَيْثَ يَذْكُرُهُ حَتَّى أَنْزَلَ قَضْرَبَ يَدَهُ بِالْإِذْنِ حَتَّى أَحْمَرَتْ وَ لَا أَعْلَمُ إِلَّا وَ قَالَ زَوْجُوهُ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ؛ [8] مردی را نزد امیر المؤمنین (ع) آوردند که با خود [به قصد استمنا] به بازی پرداخته بود، پس دست او را [به منظور تربیت و تأدیب] چند ضربه زد که سرخ شد، سپس از بیت المال هزینه ازدواج او را تأمین کرد و به او زن داد.»

از این حدیث این نتیجه به دست می‌آید که حکومت اسلامی موظف است افزون بر اجرای احکام الهی، واقعیت زندگی و فقر و نیازمندی مردمان را از نظر دور ندارد، و نهایت تلاش خود را برای تسهیل در امر ازدواج، به خصوص ازدواج جوانان به کار بندد. تسهیلات ویژه برای ازدواج جوانان و وام‌های بلندمدت، تسهیلات بیشتر به ازدواج‌های کم هزینه مثل کسانی که مهریه کمتری دارند، و... از برنامه‌های بسیار مناسبی بوده که لازم است با شدت تأکید از سوی دولت جمهوری اسلامی پیگیری شود.

3. والدین

غریزه جنسی نیرومندترین و سرکش‌ترین غرایز انسان است که به تنهایی با دیگر غرایز برابری می‌کند، و انحراف آن نیمی از دین و ایمان انسان را به خطر خواهد انداخت.

به همین دلیل، همکاری و هرگونه کمک ممکن در امر ازدواج جوانان مجرد، مورد سفارش اسلام قرار گرفته است. افزون بر این، اسلام مسئولیت سنگینی در قبال فرزندان را بر دوش پدران افکنده، و پدرانی را که در این مسئله حیاتی بی‌تفاوت هستند، شریک جرم انحراف فرزندانشان شمرده است، چنانکه در حدیثی از پیامبر (ص) می‌خوانیم: «مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ يَحْسِنُ اسْمَهُ وَ يَعْلِمُهُ الْكِتَابَةَ وَ يَزُوْجُهُ إِذَا بَلَغَ؛ [9] از حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: نام نیکو بر او بنهد، به او سواد بیاموزد، و هنگامی که بالغ شد، او را همسر دهد.»

و نیز می‌فرماید: «إِذَا أَتَاكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَ أَمَاتَهُ فَرَّوْجُوهُ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا تَكُنْ فِئْتَةً فِي الْأَرْضِ وَ قَسَاؤُ كَبِيرٌ؛ [10] هرگاه کسی برای خواستگاری و ازدواج نزدتان آمد، و شما دین و امانتداری وی را پسندیدید، زمینه ازدواجش را فراهم کنید، که اگر در امر ازدواج اقدام ننمایید، سبب فتنه در زمین و فساد و گناه بزرگ شده‌اید.»

بررسی سخنان معصومان (ع) نشانگر اهمیت توجه والدین به ازدواج فرزندان است. امری که با سهل‌انگاری برخی از والدین مواجه شده و با بهانه‌های واهی به تأخیر می‌افتد. برخی والدین تأخیر ازدواج پسرشان را اینگونه توجیه می‌کنند که درست است، از وقت طبیعی ازدواج او مدتها گذشته؛ ولی چگونه می‌تواند ازدواج کند، با اینکه هنوز منزل شخصی، اتومبیل سواری، شغل پردرآمد یا پول هنگفتی که جوابگوی هزینه‌های سنگین ازدواج باشد، ندارد و هنوز....

والدین عروس نیز با بهانه اینکه چگونه با ازدواج دخترمان موافقت کنیم، با اینکه هنوز یک شوهر

ایده آل، با درآمد کافی، شغل آبرومند، پست خوب، خانه و زندگی، خوش تیپ، فامیل دار و .. به خواستگاری او نیامده و هر کس آمده، غالباً فاقد یک یا دو تا از این شرایط بوده است؟! و یا هنوز تجهیزیه لازم تهیه نکرده ایم و از وسایل منزل، فرش و مبیل، یخچال، ماشین لباسشویی و سرویسهای مختلف غذاخوری، اتو، جارو برقی، چرخ خیاطی و... چند قلم کسری داریم! [11] زمینه ازدواج فرزندانمان را به حدی تأخیر می‌اندازند که «شور» و «طراوت» جوانی تقریباً از میان رفته، بهترین فرصت طبیعی ازدواج آنان پایان می‌یابد.

متأسفانه برخی از والدین با بهانه مختلف، مانع ازدواج فرزندان، مخصوصاً دختران خویش می‌شوند و موجب می‌گردند بهار جوانی که فصل ازدواج است به خزان نزدیک شود و مشکلات بسیاری را به وجود آورد.

امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌فرماید: «تَزَلَّ جَبْرَيْلُ عَلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ إِنَّ الْأَبْكَارَ مِنَ النِّسَاءِ يَمْنَزِلُهُ التَّمْرَ عَلَى الشَّجَرِ فَإِذَا أَيْتَعَ الثَّمْرُ فَلَا ذَوَاءَ لَهُ إِلَّا اجْتِنَاؤُهُ وَ إِلَّا أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَ غَيْرُهُ الرِّيحُ وَ إِنَّ الْأَبْكَارَ إِذَا أُذْرِكْنَ مَا تُذْرِكُ النِّسَاءَ فَلَا ذَوَاءَ لَهُنَّ إِلَّا الْبُغُؤُ وَ إِلَّا لَمْ يُؤْمِنْ عَلَيْهِنَّ الْفَيْئَةُ فَصَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمِنْبَرَ فَجَمَعَ النَّاسَ ثُمَّ أَعْلَمَهُمْ مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ؛ [12] جبرئیل نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: ای محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و می‌فرماید: دوشیزگان همچون میوه روی درخت هستند. میوه چون برسد، برای آن دارویی چون چیدن نباشد، و گرنه آفتاب آن را فاسد و باد آن را خراب می‌کند. هرگاه دوشیزگان نیز به مرحله رشد زنان برسند، آنان را دارویی جز شوهر دادن نباشد، وگرنه از گمراهی و فساد ایمن نخواهند بود، پس رسول خدا (ص) بر منبر رفت و مردم را جمع کرد و فرمان خداوند را به آگاهی آنان رساند.»

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مَنْ أُذْرِكَ لَهُ وَلَدٌ وَ عِنْدَهُ مَا يَرْوِجُهُ فَلَمْ يَرْوِجْهُ، فَأَخَذَتْ قَالَتُمُ بَيْتَهُمَا؛ [13] کسی که فرزندش به حد رشد رسد و امکانات تزویج او را داشته باشد و اقدام نکند، و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود، این گناه بر هر دو نوشته می‌شود.»

منبع: مجله مبلغان، دی - بهمن 1391 - شماره 161؛ فجر، محمد مهدی

پی نوشت ها:

- [1] امالی، شیخ صدوق، نشر اعلمی، بیروت، چاپ پنجم، 1400ق، ص 518.
- [2] من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، نشر جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، 1404 ق، ج 3، ص 384.
- [3] الإصابة فی تمييز الصحابة، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، دار الکتب، بیروت، چاپ اول، 1415ق، ج 1، ص 41.
- [4] برگرفته از شیوه همسری در خانواده نمونه، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم، چاپ اول، 1381ق، ص 15، 16.
- [5] من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ج 3، ص 383.
- [6] الکافی، شیخ کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، 1407ق، ج 5، ص 329.
- [7] همان، ص 347.
- [8] الاستبصار، شیخ طوسی، دارالکتب اسلامیه، تهران، چاپ اول، 139ق، ج 4، ص 226.
- [9] مکارم الأخلاق، شیخ طبرسی، نشر شریف رضی، قم، چاپ چهارم، 1412ق، ص 220.
- [10] الأمالی، ص 519.
- [11] برگرفته از کتاب مشکلات جنسی جوانان، مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم، 1387ش، ص 40.
- [12] عیون أخبار الرضا (ع)، ابن بابویه، نشر جهان، تهران، چاپ اول، 1378ق، ج 1، ص 289.
- [13] مجمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، 1372ق، ج 7، ص 220.

رفتار جنسی در روابط زناشویی

الف- عوامل ایجاد رفتار جنسی مطلوب در روابط زناشویی

1- رضایت زوجین در انتخاب یکدیگر

رفتار جنسی مطلوب در روابط زناشویی، زمانی تحقق پیدا می‌کند که زن و مرد به ازدواج با یکدیگر راضی باشند و بدون اکراه و اجبار پیوند زناشویی را پذیرفته باشند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «با هر زنی که می‌خواهی ازدواج کن و آن چه را که دیگران یا والدین تو برای تو می‌خواهند، رها کن».[1] رغبت و میل به همسر یکی از ارکان ارضای غریزه ی جنسی است. رضایت زن و شوهر در انتخاب یکدیگر، فواید زیادی در استحکام خانواده دارد که از آن جمله، ارضای صحیح و کامل غریزه ی جنسی است. عموماً رضایت از یکدیگر، محبت و دوستی را به وجود می‌آورد و در پرتو علاقه و مهربانی نسبت به هم، خواسته‌های یکدیگر را مراعات خواهند کرد.

2- رعایت احترام و محبت متقابل

زوجین در راستای استحکام خانواده و ایجاد یک رابطه جنسی سالم و معتدل، باید به روابط میان خود بر اساس صمیمیت و احترام توجه کافی داشته باشند. امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید: «مرد در پیوند میان خود و همسرش از سه چیز بی‌نیاز نیست: همدلی با زن تا از این راه محبت و دلبستگی وی را به خود جلب کند و حسن خلق و متوجه کردن دل زن به سوی خویش با قیافه‌ای که در چشم زن خوشایند باشد و توسعه دادن معیشت همسر. زن نیز در ارتباط میان خود و همسر همدلیش، از سه خصلت بی‌نیاز نیست: خویشتن داری از هر آلودگی تا دل شوهر در اعتماد به وی در هر خوش و ناخوش مطمئن باشد و واریسی و مراقبت حال شوهر تا اگر لغزشی از او سر زد، شوهر با او مهربان باشد و اظهار عشق به شوهر با دلربایی و زیبا ساختن خویش در چشم وی».[2] مرد باید ابراز نیاز کند و زن به نیاز مرد توجه داشته باشد و هم چنین هرگاه زن نیاز داشته باشد، به گونه‌ای که به شوهر خود نشان دهد، نیاز خود را آشکار سازد و شوهر پاسخ مناسب را ابراز کند. در چنین رابطه‌ای زن باید با مرد خود مهربان و پاکدامن باشد. زیبایی‌های خود را برای همسرش آشکار سازد و در خلوت، مرد هرچه از زن بخواهد در اختیار او بگذارد.[3] مرد نیز باید زن را نعمت الهی بداند که خداوند به وی ارزانی داشته و با او به نیکویی معاشرت نماید و به فرمایش قرآن عمل کند که فرمود: «و عاشروهن بالمعروف»، (نساء، 19)

3- پرهیز از حیای منفی

زن و شوهر محرم اسرار یکدیگرند و باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ در صورتی که مشکل جنسی داشته باشند، برای یکدیگر بازگو کنند و گاهی نیازمند مشاور یا روان‌شناس بوده تا به آن‌ها در حل مسایل کمک کنند. زن و شوهر باید بدانند، هیچ کس (حتی پدر و مادر) به اندازه آن دو نسبت به آن‌ها نزدیک نیست و در امور جنسی فقط زن و شوهر هستند که می‌توانند از مسایل و مشکلات جنسی یکدیگر با خبر باشند و هیچ‌گونه شرم و حیایی بین آن دو در این رابطه معنا ندارد.

4- تفاهم و توافق میان همسران در روابط جنسی

زن و شوهر باید در ارضای نیاز جنسی به تفاهم و توافق نظر برسند و قبل از انجام مقاربت جنسی، آمادگی‌های روانی و جسمانی لازم را کسب کنند. ادراک متقابل و رعایت شرایط

یکدیگر، باعث ارضای کامل، صحیح و دو جانبه‌ی غریزه جنسی همسران خواهد شد.

5- رعایت اخلاق جنسی

در روابط جنسی زناشویی، ضروری است که زن و شوهر به طور کامل مراقب گفتار و رفتار خود باشند و از ادای عباراتی که موجب تحقیر دیگری شود بپرهیزند؛ زیرا در غیر این صورت، وضعیت روانی یکدیگر را مختل ساخته و این اختلال بر کنش جنسی آن‌ها تأثیر منفی خواهد گذاشت؛ به طوری که ممکن است موجب سردی شده و از ادامه‌ی آمیزش جنسی ممانعت به عمل آید؛ حتی گاه ممکن است باعث عصبانیت زوجین شده و خشونت را به دنبال داشته باشد. لازم است همسران در روابط زناشویی به اصول اخلاقی پای بند بوده و احساسات منفی خویش را کنترل نمایند و در صورت عدم ارضای جنسی به امور اخلاقی وفادار باشند.

ب- آداب آمیزش جنسی

بسیاری از احکام و آداب آمیزش جنسی در نگاه اسلام، به منظور ایجاد تعادل میان کمیت و کیفیت چنین فعالیت‌هایی است. احکامی نظیر:

- استحباب عجله نکردن هنگام مقاربت [4]

- استحباب ملاعبه قبل از آمیزش [5]

- رعایت اوقات مستحب و مکروه که در رساله‌های عملیه آمده است. از جمله اوقات حرام آمیزش، ایام عادت ماهانه و مدت معینی پس از زایمان است که مردان از آمیزش جنسی با زنان منع شده‌اند. اوقات دیگری که آمیزش حرام شمرده شده، روزهای ماه مبارک رمضان است که از اذان صبح تا اذان مغرب مردان و زنان باید از آمیزش امتناع کنند و در صورتی که از روی اراده و اختیار به آمیزش جنسی بپردازند، قضا و کفاره واجب می‌شود (همان). هم چنین در حال احرام (در ایام حج) نه تنها آمیزش جنسی، بلکه بوسیدن و لمس کردن و نظر کردن به شهوت، بلکه هر لذتی از زنان منع شده است. [6]

رعایت آداب شب زفاف به عنوان اولین تجربه ارضای نیاز جنسی؛ این امر از اهمیت زیادی برخوردار است به گونه‌ای که در کتاب‌های فقهی در ابواب نکاح، بابی را به آن اختصاص داده‌اند. در این شب، مستحباتی وجود دارد که به عنوان آداب زفاف مطرح می‌شود:

میهمانی دادن به دوستان و خویشاوندان که موجب ایجاد شادی و نشاط می‌شود و از لحاظ روان‌شناختی تأثیر مهمی در روابط زناشویی خواهد گذاشت.

با وضو بودن عروس و داماد در شب زفاف؛ زیرا وضو نور است و باعث نورانیت قلب می‌شود و کدورت‌ها را از بین برده و با آرامش به انجام آمیزش جنسی می‌پردازند.

مستحب است که عروس و داماد دو رکعت نماز بجا آورند و بعد از نماز با خدا راز و نیاز کنند. پس از نماز این دعا توصیه شده است: «خدایا الفت، مودت و رضایت زن را نسبت به من و رضایت مرا نسبت به او بر من ارزانی دار و میان ما را به بهترین وجه مجتمع فرما و نیکوترین الفت را به ما عطا کن، همانا تو حلال را دوست می‌داری و حرام را زشت می‌شماری.»

مستحب است، مرد رو به قبله دستش را بر پیشانی زن قرار دهد و بگوید: «خدایا این زن را به امانت از تو گرفتم و با کلمات تو او را حلال کردم، اگر از این زن فرزندی به من مقرر فرمودی، او را پر برکت و پارسا و از شیعیان خاندان پیامبر اسلام (ص) قرار ده و برای شیطان در او بهره‌ای قرار مده» و پس از آن مرد با همسر خود به آمیزش جنسی بپردازد و افراط و زیاده روی نکند و با این وجود، وضع همسر خود را رعایت نماید.

اسلام به مردان اجازه نمی‌دهد که به زنان و میل جنسی آن‌ها بی‌توجه باشند؛ به گونه‌ای که بر مردان واجب کرده است که دست کم در طول چهار ماه یکبار با همسر خویش آمیزش

داشته باشند و از سوی دیگر افراط نیز نباید صورت گیرد و هر گاه نیاز مرد برآورده شد، بسنده کند و به امور دیگر بپردازد. هم چنین به زنان توصیه کرده است که حقوق مردان را رعایت کنند؛ حتی پیامبر(ص) به زنان فرمود: «لا تطولنّ صلاتکّن لتمعنن ازواجکّن»، «با طولانی ساختن نماز خویش، مانع خواسته همسران خویش نشوید.» [7]

ج- عوامل افزایش بهره مندی جنسی در روابط زناشویی

1- عوامل رفتاری

- پوشش زیبا و مناسب، خودآرایی، رعایت پاکیزگی و اصول بهداشتی زن و شوهر برای ایجاد رضایت در یکدیگر، خود را باید آراسته سازند. آراستگی ظاهری در لباس پوشیدن و آرایش مناسب دیده می شود. ائمه معصومین (ع) در روایات زیادی به مردان و زنان توصیه کرده اند که خود را برای یکدیگر بیارایند. امام محمد باقر(ع) می فرماید: «سزاوار نیست که زن خود را بدون آرایش نگهدارد؛ هرچند با آویختن گردنبندی به گردن باشد و هم چنین شایسته نیست که زن هرچند هم سالمند و بزرگسال باشد، دست خویش را حتی اگر با کمی حنا هم شده، بدون خضاب بگذارد.» امام صادق (ع) حقوق مرد بر زن را استفاده از بهترین بوی خوش، پوشیدن لباس های زیبا و بهترین نوع آرایش و آماده کردن خود برای شوهر دانسته است. [8]

نکته ی قابل توجه این است که تشویق زنان به استفاده از لباس های زیبا و آرایش به عنوان حق شوهر، تنها به محیط خانه اختصاص دارد و اسلام به زنان اجازه نداده است که خارج از خانه خود را آرایش کنند یا معطر و خوشبو سازند؛ زیرا هم خود در معرض گناه قرار می گیرند و هم دیگران را در معرض گناه قرار می دهند.

علاوه بر آرایش کردن زنان برای شوهران، اسلام به مردان نیز توصیه کرده است که خود را برای همسرانشان بیارایند. امام موسی بن جعفر(ع) را مشاهده کردند که محاسن خود را خضاب کرده است. راوی سؤال می کند: آیا خضاب کرده اید؟ فرمود: بلی، آماده ساختن مرد و آرایش کردن وی از جمله چیزهایی است که عفت زنان را زیاد می کند؛ برخی از زنان عفت خود را رها کرده اند؛ به دلیل این که شوهران آن ها به آرایش خویش توجه نمی کنند. آیا وقتی آرایش نکرده ای، دوست داری او را بر همان حالی ببینی که او تو را می بیند؟ راوی پاسخ می دهد: نه، حضرت می فرماید: پس او هم از تو انتظار آراستگی دارد؛ سپس می فرماید: از اخلاق پیامبران تمیزی، خوشبویی، تراشیدن مو و آمیزش با همسر است.» [9]

از این گونه احادیث می توان نتیجه گرفت که آراستگی ظاهر مخصوص زنان نیست؛ بلکه مردان هم باید خود را بیارایند و لباس تمیز و زیبا بپوشند؛ به ویژه آراستگی و پاکیزگی هر يك از زن و شوهر قبل از آمیزش جنسی، در ارضای بهتر میل جنسی مؤثرتر است.

- رعایت موازین عاطفی در رفتار

ابراز محبت و توجه به عواطف یکدیگر در رفتارهای جنسی زناشویی از مواردی است که در ارضای بهتر و بهره مندی بیشتر همسران بسیار مؤثر خواهد بود.

2- عوامل کلامی

- رعایت موازین عاطفی در گفتار

یکی از عوامل مؤثر در روابط زناشویی این است که زن و شوهر از به کار بردن کلمات زشت و توهین آمیز دوری کنند؛ لیکن می توانند در ابراز محبت با سخنانی که باعث تهییج و تحریک جنسی است، همراه با رعایت احترام یکدیگر، بهره مندی جنسی در روابط زناشویی را افزایش دهند.

- به کارگیری جاذبه‌های کلامی

لحن زیبای کلام و استفاده از واژه‌های خوشایند و زمینه‌سازی مناسب برای بروز رفتار جنسی مطلوب یکی از مهمترین عوامل افزایش بهره‌مندی جنسی در روابط زناشویی به شمار می‌آید. باید در نظر داشت که در دستورات اسلامی سخن گفتن به هنگام آمیزش به میزان کم توصیه شده است و خوب است اگر کلامی گفته می‌شود، در جهت ایجاد جاذبه و کشش بین زوجین باشد.

د- آثار و پیامدهای رفتار مطلوب جنسی در روابط زناشویی

یکی از مؤلفه‌های اصلی رضایت زناشویی، رفتار جنسی مطلوب در روابط میان همسران است؛ اگر رفتار جنسی به طور مطلوب و رضایت‌بخش تحقق پذیرد، آثار و پیامدهای نیکویی به دنبال خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به استحکام نظام خانواده، سلامت روانی و جسمانی زن و مرد و در مجموع سلامت اعضای خانواده، پیشگیری از بروز پرخاشگری و عصبانیت در زوجین، پیشگیری از بروز اختلالات و انحرافات جنسی، جلوگیری از نزاع و اختلاف خانوادگی و در نهایت کاهش آمار طلاق اشاره کرد. یکی از علل عمده اشاره شده در تحقیقات و پژوهش‌های گوناگون پیرامون علل طلاق و از هم گسستگی خانواده‌ها، عدم رضایت مطلوب جنسی در کنش متقابل همسران است. طی بررسی‌های گوناگون روشن شده است که یکی از عوامل اختلاف همسران در هنگام مراجعه به مراکز مشاوره، نارضایتی جنسی زوجین و نرسیدن به اوج لذت جنسی بوده است. نتیجه مشاهدات در تجربیات بالینی و مشاوره‌ای نشان می‌دهد که باید به این مسأله به عنوان یک موضوع جدی در حل اختلافات زوجین توجه زیادی مبذول داشت و تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای را دنبال نمود.

و سرانجام با توجه به مباحث فوق روشن شد که رفتار جنسی مطلوب و طبیعی و ارضای نیاز جنسی به شیوه‌ی معقول و در حد اعتدال، عامل مؤثری در سلامت روانی و جسمانی افراد خواهد بود. از طرف دیگر، به منظور پیشگیری از بروز انحرافات اخلاقی و تأمین بهداشت روانی تمایلات جنسی، لازم است دوره‌های عمومی آموزش جنسی را برای نوجوانان و جوانان طراحی نمود و در این راستا رسانه‌های گروهی سالم را جایگزین فرستنده‌های مسموم ساخت. به ویژه بر عهده‌ی سازمان‌ها و نهادهایی از قبیل آموزش و پرورش، وزارت علوم، بهداشت و درمان و نیز متولیان فرهنگی کشور است که با طرح برنامه‌ها و تمهیدات لازم و نیز محتوای مشخص و تعیین‌مربیان ویژه، (با توجه به ظرافت خاص مباحث مذکور) اطلاع‌رسانی سالم را در این زمینه پیگیری نمایند. قابل‌تذکر است که مباحث ارائه شده می‌بایست از یک سو با فرهنگ ایرانی و از سویی دیگر با فرهنگ دینی و مذهبی هماهنگ بوده و با عرف متداول تعارضی نداشته باشد و نیز باید توجه کرد که شیوه‌ی ارائه به صورت‌های گوناگون و متنوع آموزشی (سمینار، سخنرانی و کلاس)، هنری (فیلم، تئاتر و...) و تبلیغی (پوستر، تراکت، جزوه تبلیغی و...) باشد تا جذابیت لازم را پیدا کند و امکان پیشگیری و حل مشکلات احتمالی را فراهم سازد.

چنان‌که پیش از این اشاره شد، روشن شده است که بسیاری از اختلافات همسران، در نتیجه‌ی عدم ارضای صحیح و مطلوب نیاز جنسی که در پی عدم اطلاع از چنین فرایندی است، پدید می‌آید. جهت حل مشکلاتی از این قبیل نیز باید آموزش‌های جنسی پس از ازدواج را در مراکز مشاوره ایجاد یا تقویت نمود.

متأسفانه، با وجود فراوانی و وسعت اطلاعات در این حوزه، به فرهنگ غنی اسلام و قرآن و به ویژه سخنان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) توجه کمتری شده است و لزوم عنایت بیشتر

مسئولین و متولیان فرهنگی- تربیتی جامعه می‌رود.

منبع: برگرفته از مقاله رفتار شناسی جنسی در اندیشه دینی؛ کج باف، محمد باقر؛ نشریه مطالعات راهبردی زنان، بهار 1384 - شماره 27

پی‌نوشت‌ها:

- [1] «بزرگسالان و جوان»، فلسفی، محمد تقی؛ تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، چ دهم، 1352، ص 259.
- [2] «تحف العقول»، الحرائی، ابومحمدالحسن؛ قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ دوم، 1404 ق، ص 323.
- [3] «وسایل الشیعه»، حرعاملی، محمدبن الحسن؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ پنجم، 1403 ق، ج 14، باب 6، ح 2.
- [4] رك. «العروة الوثقی»، یزدی، سید محمد کاظم؛ بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، چ دوم، 1409 ق، ص 801.
- [5] همان.
- [6] «تحریرالوسیله»، خمینی، سید روح الله؛ قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ دوم، 1390 ق، ج 1، ص 419.
- [7] «وسایل الشیعه»، حرعاملی، محمدبن الحسن؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ پنجم، 1403 ق، ج 14، ص 117.
- [8] همان، باب 6، ح 2.
- [9] همان.

آسیب شناسی ازدواج

ازدواج و تشکیل خانواده پایدار، از سنتهای بزرگ الهی و مورد تأکید دین مبین اسلام است؛ و احکام، دستورات و آداب آن در متون دینی ذکر شده؛ هر چند در صد سال اخیر به دلایلی باور و عمل جامعه نسبت به این احکام و دستورات، دستخوش تغییر شده است.

از مهم ترین علل آن، اعمال رژیم فاسد پهلوی بوده که با کشف حجاب، ترویج اختلاط زن و مرد، گسترش اسباب تحریک جنسی و همچنین وارد کردن افکار و اندیشه های غربی در زمینه ازدواج و خانواده، موجب فساد اخلاقی بیش تر و ازدواج کم تر و سخت تر و در نتیجه ناپایداری خانواده ها شده است.

علت دیگر این مسئله، آداب و رسوم غلط اجتماعی است که بر مشکلات ازدواج و خانواده افزوده است.

پیدایش انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران موجب احیای سنت اسلامی و در مقابل مانعی برای بروز فساد اخلاقی بود و مقداری نیز در کاهش تشریفات نادرست و تسهیل ازدواج مؤثر بود؛ اما به تدریج در طول سال های پس از انقلاب و به خصوص دوران پس از جنگ تحمیلی، اوضاع جامعه به حالت نامطلوبی برگشته است، به طوری که در حال حاضر، فساد اخلاقی رو به گسترش نهاده و شرایط ازدواج سخت تر شده و در نتیجه پایداری خانواده ها در معرض خطر قرار گرفته است.

در این پژوهش، افکار و باورهای مغایر با آموزه های دین مبین اسلام در زمینه ازدواج و خانواده تبیین و بررسی گردیده است.

تغایر اندیشه های اسلامی و رفتار اجتماعی

1. رابطه دختر و پسر

تقسیم ارتباط پسر و دختر به «رابطه سالم و ناسالم» از جمله مواردی است که از تغایر آموزه های دین و باورهای جامعه حکایت می کند.

امروزه رسانه ها اعم از رسانه های دیداری، شنیداری، و یا مکتوب از سلامت ارتباط دختر و پسر در جامعه سخن می گویند و بسیاری از کارشناسان نیز سالم سازی ارتباطات موجود را به عنوان راه کار حل برخی از معضلات اجتماعی مطرح می کنند، به گونه ای که جوانان تصوّر می کنند رابطه دختر و پسر به دو نوع سالم و ناسالم تقسیم می گردد و رابطه سالم آنها با جنس مخالف اشکال ندارد.

حال سؤال این است: آیا این تقسیم بندی مورد تأیید دین مبین اسلام می باشد؟ و آیا بر اساس تعالیم دینی می توان رابطه دختران و پسران را به دو نوع درست و نادرست قسمت کرد؟

در پاسخ باید گفت: دین و آموزه های دینی، ارتباط دختران و پسران را، که بدون هرگونه هدف مشخص و یا تعهد طرفینی باشد، ناصحیح و گناه محسوب می کنند؛ چرا که در چنین مواردی تحریک شهوت وجود دارد و براساس فتاوی فقها، نگاه و صحبت کردن شهوت آمیز با غیر همسر حرام است؛ [1] حتی اگر بپذیریم در مواردی برای پسران تحریک شهوت وجود ندارند، باز هم این ارتباط حرام است؛ چون نگاه به غیر دست و صورت نامحرم، حتی بدون قصد شهوت نیز حرام است. [2]

سؤال:

در بعضی از موارد ارتباط پسر و دختر (به خصوص از جانب دختر)، تنها جنبه عاطفی دارد و در آن مسائل جنسی مطرح نیست، پس چرا برای او حرام باشد؟

جواب:

اولاً: هر چند در بعضی از موارد، دختر لذت شهوانی نمی برد؛ ولی نمی توان گفت که او به لذت بردن نامشروع پسر کمک نمی کند و در دین هرگونه کمک به گناه دیگران ممنوع شمرده شده است. قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ [3] «در راه گناه و تعدی به یکدیگر کمک ننمایید.»

ثانیاً: شکی نیست که در این ارتباط، احساسات عاطفی دختر بر انگیزته می شود و از این جهت دختران لذت می برند. البته لذت عاطفی به خودی خود حرام نیست؛ اما اگر در این ارتباط، نگاه، صحبت با نامحرم و ترس از به گناه افتادن باشد، حرام است؛ [4] یعنی اگر احتمال داده شود که چنین ارتباطی به تحریک شهوانی منجر می شود، از همان ابتدا حرام است. رابطه عاطفی دختر و پسر از مواردی است که چنین ترس و احتمالی در آن نهفته است؛ چون ارضای عاطفی منجر به دل بستگی می شود و دختر به رابطه بیش تر با طرف مقابل تمایل پیدا می کند و به مرور زمان صحبت و نگاه های آنان نیز گناه آلود می شود و حتی ممکن است این علاقه موجب شود تا دختر به درخواست طرف مقابل در مورد تماس و رابطه بدنی، پاسخ مثبت دهد و معلوم است وقتی چنین ترس و احتمالی وجود داشته باشد، طبق فتوایی که ذکر شد، این رابطه از اول حرام است.

بنابراین، از دیدگاه دین، رابطه سالم بین دختر و پسر نامحرم وجود خارجی ندارد و در اکثر موارد از همان اول نادرست است؛ چون اگر لذت آور باشد، به دلیل تحریک شهوت حرام است و اگر فقط رابطه عاطفی ایجاد کند، به واسطه ترس از به گناه افتادن حرام می باشد.

سپس رابطه علمی، درسی، تحقیقاتی، کاری و... بین دختر و پسر تنها در صورتی جایز است که نه تنها لذت شهوانی نداشته باشد؛ بلکه ترس از به گناه افتادن نیز در آن نباشد. حال اگر دختر و پسری احساس کردند که به خاطر این نوع ارتباطات در معرض خطا قرار گرفته اند و نمی

توانند دل و چشم خود را کنترل کنند، باید هرگونه رابطه علمی و .. را قطع نمایند. رابطه به قصد آشنایی برای ازدواج

از موارد ناهماهنگی رفتار جامعه با دستورات دینی، رابطه به قصد آشنایی برای ازدواج است که دین و کارشناسان مسائل اجتماعی در این زمینه اختلاف نظر دارند و دین آن را در اکثر موارد نادرست و کارشناسان صحیح می‌دانند.

به عبارت دیگر از نظر اکثر کارشناسان مسائل اجتماعی، دختر و پسر می‌توانند به قصد ازدواج، رابطه برقرار کنند تا با خصوصیات رفتاری یکدیگر آشنا شوند؛ و عده‌ای از این کارشناسان این ارتباط را لازم می‌دانند. [5] برخی از آنها نیز بر ارتباطی که با اطلاع خانواده باشد، تأکید می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد آشنایی دختر و پسر از طریق رابطه، چه با اطلاع خانواده و چه بدون آن، به دو دلیل نادرست است: اول، نقض غرض پیش می‌آید و دوم، به گناهان متعددی منجر می‌شود.

توضیح:

بیان دلیل اول: منظور از نقض غرض آن است که ممکن است آشنایی از طریق رابطه، نتیجه‌ای بر خلاف هدف مورد نظر داشته باشد؛ هدف از آشنایی، شناخت واقعی طرف مقابل است؛ ولی در بسیاری از موارد، این هدف به دست نمی‌آید؛ چون وقتی دختر و پسر به قصد آشنایی سخن می‌گویند و با هم معاشرت و نشست و برخاست دارند، این ارتباط در دل آنها اثر می‌گذارد و به یکدیگر علاقه مند می‌شوند و به تدریج علاقه آنها شدید می‌شود و در نتیجه عیوب را نمی‌بینند و اگر هم ببینند، موقتاً نادیده می‌گیرند؛ بعد از ازدواج که از شدت هیجان آنها کاسته می‌شود نمی‌توانند عیوب یکدیگر را تحمل کنند و زندگی شان خراب می‌شود.

بیان دلیل دوم: رابطه‌هایی که به قصد آشنایی و بدون عقد شرعی برقرار می‌شود، زمینه گناهان فراوانی را برای طرفین فراهم می‌کند؛ زیرا هر نگاهی که بین آنها رد و بدل می‌گردد، گناه و هر صحبتی که با هم می‌کنند، حرام است؛ چرا که یا محرک شهوت است و یا اینکه ترس از به گناه افتادن در آن وجود دارد؛ پس این رابطه، حتی اگر شناخت آور هم باشد، کوله باری از گناه دیداری و گفتاری را در نامه عمل دختر و پسر ذخیره می‌کند.

بنابراین، هرگونه رابطه پسر و دختر، حتی به قصد آشنایی، خلاف شرع است و ممکن است شناخت نادرست ایجاد کند.

سؤال:

اگر آشنایی از این طریق نادرست است، پس دختر و پسر چه طور می‌توانند با روحیات، صفات و اخلاق یکدیگر آشنا شوند؟

جواب:

اولاً؛ روش شناخت صفات روحی و ویژگیهای اخلاقی طرف مقابل، منحصر در ارتباط با یکدیگر نیست؛ بلکه آنها می‌توانند از طریق خانواده‌ها، دوستان، همسایگان و... با خصوصیات یکدیگر آشنا شوند. این روش، علاوه بر ایجاد شناخت درست، این حُسن را دارد که با سؤال از دیگران می‌توان فهمید مطالبی که طرف مقابل درباره خودش گفته، تا چه حد صحیح است.

ثانیاً؛ دختر و پسر می‌توانند طی چند جلسه در منزل دختر یا در جلسه‌ای در حضور فرد سوم، موارد لازم را جهت شناخت یکدیگر مطرح کنند. با این روش، علاوه بر اینکه یکدیگر را بهتر می‌شناسند، تبادل احساسات و دلبستگی نیز اتفاق نمی‌افتد و می‌توانند به دور از احساسات و با تعقل به نتیجه مطلوب برسند.

2. خویشتن داری

از دیگر موارد تغایر بین آموزه‌های دینی و باورهای رایج اجتماعی، توصیه به خویشتن داری به جای ازدواج است.

وقتی نوجوان به بلوغ جنسی می‌رسد و احساساتش نسبت به جنس مخالف تغییر می‌کند، نخستین توصیه‌ای که توسط دیگران به او می‌شود آن است که از جنس مخالف دوری و صحبت و نگاه خود را نسبت به او کنترل کند و حتی زمانی که به حرام می‌افتد، باز هم به او توصیه‌های سلبی می‌کنند و حرفی از راه‌ارضای حلال جنسی و عاطفی نمی‌زنند و می‌گویند سال‌های سال باید صبر کند تا صلاحیت ازدواج پیدا کند.

امروزه باور اکثر قریب به اتفاق نوجوانان و جوانان همین نکته است؛ در صورتی که این مطلب بر خلاف منطق قرآن کریم می‌باشد که اول به ازدواج توصیه می‌کند و چنانچه توان آن نباشد، سپس به خویشتن داری سفارش می‌نماید:

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَلِيَسْتَغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ [6] «مردان و زنان مجرد خود همچون غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را همسر دهید! اگر فقیر و تنگدست باشند، خدا از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد و خدا گشایش دهنده و آگاه است. و کسانی که نکاحی نمی‌یابند، باید عفت پیشه کنند تا زمانی که خدای متعال آنها را از فضل خود بی‌نیاز سازد.»

این آیه شریفه ابتدا ازدواج افراد مجرد را توصیه می‌کند؛ و سپس خویشتن داری را برای کسانی که نمی‌توانند ازدواج کنند، راه چاره می‌داند؛ بنا براین طبق منطق قرآن، زمانی که فرد نیاز عاطفی و جنسی دارد، در اولین قدم باید برای ازدواجش اقدام شود و در صورتی که توان نداشته باشد، وظیفه او خویشتن داری است.

سؤال:

امروزه به دلیل وجود برخی مشکلات اقتصادی و ضعف مالی خانواده‌ها، باید اکثر دختران و پسران را به خویشتن داری کرد، وگرنه در صورتی که شرایط اقتصادی آنها مناسب باشد، کسی نمی‌گوید ازدواج نکنند.

جواب:

این مطلب در مورد جوانان درست است؛ اما تمام افراد نیازمند به ازدواج، جوان نیستند؛ بلکه بسیاری از آنان در دوران نوجوانی به سر می‌برند که کسی صلاحیت آنها را برای ازدواج به رسمیت نمی‌شناسد و به همین دلیل، اگر در معرض ارتباطات عاطفی و گناهان جنسی قرار گیرند، دیگران به جای ازدواج، آنها را به خویشتن داری سفارش می‌کنند. در حالی که این توصیه جامعه به نوجوانان، خلاف نظر قرآن است و قرآن کریم، ازدواج را قبل از خویشتن داری برای تمام افراد مجرد سفارش می‌نماید.

3. مشکلات اقتصادی

در جامعه امروز، اقتصاد بر ازدواج مقدم شده است.

وقتی شخصی می‌خواهد ازدواج کند، دیگران از او می‌پرسند: چه داری؟ شغل تو چیست؟ کدامین منزل را برای سکونت همسرت آماده کرده‌ای؟ جوانان به دلیل این نوع سؤالات، تا زمانی که شرایط مالی مناسبی نداشته باشند، برای ازدواج اقدام نمی‌کنند و دیگران نیز نه تنها اقدامی انجام نمی‌دهند؛ بلکه ازدواج آنان را نیز صحیح نمی‌دانند؛ چون طبق باور آنها، ازدواج هزینه‌هایی دارد و آمادگی اقتصادی برای انجام آن لازم می‌باشد.

این تفکر، باور اکثر مردم و کارشناسان است در صورتی که دین، نظر دیگری دارد و ازدواج را نه تنها عامل فقر نمی‌داند؛ بلکه آن را نوعی معامله با خدا می‌داند.

لذا طبق فرمایش قرآن کریم: «اگر افراد ازدواج کرده فقیر باشند، خدا از فضل خود ایشان را بی‌نیاز خواهد کرد.» [7] پس ازدواج سبب رفع فقر است، نه تولید آن.

اینجا تفاوت دیدگاه دین و جامعه در آن است که اگر کسی بخواهد طبق منطق جامعه عمل کند، باید سالها برای فراهم کردن شرایط مناسب مالی صبر کند؛ اما کسی که طبق نظر قرآن عمل می‌کند، لازم نیست از حرکت باز ایستد؛ بلکه می‌تواند در زمان نیاز، بدون حصول شرایط مالی خاص، با توکل و اعتماد به خدا ازدواج کند، تا با عنایات الهی و به تدریج، شرایط مالی او بهتر شود.

البته باید توجه شود که ازدواج با شیوه و سفارش دین، همراه با سختی‌هایی است؛ زیرا اولاً: روزی رسانی خدا به این معنی نیست که خدا ضمانت کرده باشد روزی را حتماً از جایی که فرد می‌خواهد، به او برساند، لذا ممکن است شغلی را که انتظار دارد، نیابد و مجبور شود به شغل پایین‌تری مشغول شود.

ثانیاً: خدا ضمانت نکرده است که مقدار و اندازه روزی در حدّی باشد که فرد انتظار دارد، لذا ممکن است روزی دهی خدا به اندازه حداقل رفع نیاز او باشد، پس نباید توقع داشته باشد که مثلاً مسکن مورد نظرش با تمام امکاناتی که می‌خواهد فراهم شود و مجبور باشد در منزل کوچک و با امکانات کم زندگی کند.

ثالثاً: خدا تضمین نداده است که روزی را موقعی که مردم می‌خواهند، برساند. آنها انتظار دارند درآمد ثابت مثلاً ماهیانه داشته باشند تا خیالشان نسبت به تأمین زندگی‌شان تا آخر عمر راحت باشد؛ ولی زمان روزی رسانی خدا طبق دلخواه آنها نیست؛ چون خدا قول داده روزی برای زمان مصرف را برساند؛ ولی قول نداده که آن را زودتر از زمان احتیاج بدهد و خیال فرد را راحت کند.

رابعاً: خداوند متعال امکانات مورد نیاز انسان را به صورت تدریجی به او لطف می‌کند نه در قالب معجزه یا...؛ لذا فرد متوکل باید آماده باشد، از صفر شروع کند و به حداقل اکتفا نماید. مثل اینکه در ابتدای امر در اتاقی کوچک یا در کنار خانواده زندگی و به حداقل اثاثیه منزل اکتفا کند تا در طول زمان با روزی دهی الهی توان مالی او تقویت شود و بتواند منزل و امکانات مورد انتظارش را تهیه کند.

بنابراین، کسی که با اعتماد به خدا ازدواج می‌کند، هر چند در ابتدای زندگی به سختی می‌افتد؛ اما زودتر متأهل می‌شود و از ثمرات مثبت آن بهره‌مند می‌گردد؛ اما کسی که با اعتماد به پول خود، ازدواج می‌کند، گرچه ممکن است زندگی راحت‌تری داشته باشد؛ اما باید مدتی طولانی برای فراهم کردن امکانات ازدواج صبر کند، لذا مجبور است دیر ازدواج کند و از ثمرات مثبت توکل نیز محروم گردد.

توکل بر خداوند برکات زیادی دارد؛ از جمله آنکه فرد را در کوران سختی‌ها و کمبودهای مالی مجرب و قدرت مقاومت او در برابر ناملایمات را افزایش می‌دهد، از طرف دیگر دعا و مناجات او به درگاه خدا زیاد شده، خود را گدای او می‌بیند و ارتباطش با خداوند محکم‌تر شده، ایمانش تقویت می‌گردد. علاوه بر این اعتماد او از مال خود سلب شده، اعتماد به خدا در وجودش پدیدار می‌شود و از مشکلات مالی نمی‌هراسد؛ چرا که ایمان دارد خدا متعال نیازهای مادی او را به موقع تأمین خواهد کرد.

پس کسی که بدون توکل به خداوند ازدواج کرده، و با سختی‌ها مواجه نبوده، قدرت تحملش افزایش نیافته و در برابر ناملایمات به راحتی سرخم می‌کند، و این فرد خود را گدای خدا نمی‌داند.

ببند و با او ارتباط محکمی برقرار نمی‌کند، و به خاطر عدم اعتماد به خدا در مشکلات و سختیهای مالی آرامش خود را از دست داده، دچار لغزش روحی و روانی می‌شود. ممکن است بعضی بگویند: زمان توکل به خداوند گذشته است و دیگر مثل زمان قدیم، نمی‌توان با توکل به خدای تعالی ازدواج کرد؛ چرا که در گذشته مشکل مسکن، شغل و گرانی اجناس مثل امروزه وجود نداشت؛ لکن در حال حاضر به دلیل کمبود شغل، مسکن و گرانی اجناس چگونه ممکن است با توکل به خدا بتوان ازدواج کرد و امیدوار بود که خدا نیازهای زندگی را تأمین کند؟

جواب: به نظر می‌رسد شك در کارآیی «توکل» به این دلیل است که سؤال کننده توجه ندارد نتیجه توکل به خدا، الزاماً تأمین شغل، مسکن و امکانات در حد انتظار نیست؛ بلکه ممکن است فرد مجبور شود از صفر شروع کند و به حداقل انتظارات اکتفا نماید تا به تدریج وضع زندگی و مالی او بهتر شود.

شاید کسی بگوید: در شرایط کنونی تأمین نیاز حداقلی نیز ممکن نیست؛ چون جوانان مجرد هرچند تلاش می‌کنند اما کم‌تر موفق می‌شوند تا شغل، مسکن و امکانات لازم را کسب کنند.

جواب: باید توجه داشت که مقایسه فرد متأهل با فرد مجرد درست نیست؛ زیرا اولاً انگیزه افراد متأهل برای تلاش، بسیار بیش‌تر است. ثانیاً به خاطر نیاز، حاضر هستند هر شغلی را، هرچند سطح پایین، بپذیرد. ثالثاً پولی را که به دست می‌آورد، بیهوده خرج نمی‌کند و برای موارد اولویت دار پس‌انداز می‌کند. رابعاً خانواده و اطرافیان متأهل، برای کمک به آنان انگیزه بیش‌تری دارند.

نتیجه اینکه اگر جوانان با توکل به خدا به سمت ازدواج حرکت کنند و در این مسیر خود را برای سختی آماده نمایند و قبول کنند که به حداقلها در زندگی اکتفا کنند و از انجام هیچ شغلی ابا نداشته باشند و در راه تأمین مسکن نیز از ابتدا توقع خانه مستقل نداشته باشند، بعد از ازدواج، انگیزه خود و اطرافیان شان برای کمک جهت سامان یافتن زندگی آنها زیاده‌تر می‌شود و خدا نیز از جایی که انتظار ندارند یاری شان می‌کند و تدریجاً زندگی آنها بهتر می‌شود.

منبع: مجله مبلغان، بهمن و اسفند 1392 - شماره 174؛ کریمی، علی

پی‌نوشت‌ها:

[1] توضیح المسائل مراجع، محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، جامعه مدرسین، حوزه علمیه

قم، قم، 1376 ش، ج2، ص484، مسئله 2433.

[2] همان.

[3] مائده / 2.

[4] العروة الوثقی، السید الیزدی، مؤسسه آل‌البیت(ع)، قم، ج5، صص 487 - 490.

[5] آموزش پیش از ازدواج، دکتر میر محمد صادقی، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان

بهبیستی کشور، تهران، 1384 ش، ص11.

[6] نور / 33 - 32.

[7] نور / 32.

ناهماهنگی دین و کارشناسان در زمینه ازدواج و خانواده

1. انتخاب همسر

یکی از مواردی که در آن بین نظرات کارشناسان و آموزه‌های دینی ناهماهنگی دیده می‌شود،

در موضوع «انتخاب همسر» است.

ملاکهای انتخاب همسر

کارشناسان می‌گویند: گزینش شریک زندگی باید بر اساس ملاک و معیارهایی باشد که خانواده پایدار ایجاد شود و در نهایت از طلاق جلوگیری نماید. کارشناسان حوزه خانواده، جوانان را از آسان‌گیری در انتخاب همسر بر حذر می‌دارند و ملاکهای ایجابی و سلبی متعددی مطرح می‌کنند. [1]

همچنین پایداری خانواده و جلوگیری از طلاق را تنها معیار و محور ملاکهای انتخاب همسر می‌دانند و طبیعتاً عوامل مؤثر بر خانواده را به عنوان ملاک ایجابی و سلبی مد نظر قرار می‌دهند. ولی پایداری خانواده تنها ضرورتی نیست که در عرصه انتخاب همسر باید مورد نظر باشد؛ این مطلب یک روی سکه است که خانواده پایدار و پیشگیری از طلاق اهمیت دارد، ولی بررسی علل کاهش ازدواج نیز مهم است، پس نباید ملاکها به قدری ریز، محدود کننده و ترساننده باشد که تعداد ازدواجها را کاهش دهد. به عبارت دیگر، دقت در انتخاب همسر نباید به حدی با وسواس همراه باشد که جلوی ازدواج را بگیرد.

این مطلبی است که کارشناسان به آن توجه نکرده‌اند و ملاکهای انتخاب همسر را یک سوپه دیده‌اند؛ اما دین آن را مورد توجه قرار داده و ملاکها را بر اساس دو جنبه فوق‌الذکر پیشنهاد داده است. از جمله:

«عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي رَجُلٍ خَطَبَ إِلَيَّ فَكَتَبَ مِنِّي خَطْبَ إِلَيْكُمْ قَرَضِيَّتُمْ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ كَائِنًا مَن كَانَ قَرَوُّوْهُ وَ إِلَّا تَفَعَّلُوا تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ؛ [2]

حسین بن بشّار می‌گوید: طی نامه‌ای به امام جواد(ع) نوشتم: مردی دخترم را خواستگاری کرده است. تکلیف من چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: هر کس به خواستگاری دختر شما آمد که از دین و امانتداری او راضی بودید دخترتان را به ازدواج وی درآورید؛ زیرا اگر این کار را نکنید، در روی زمین تباهی و فساد بزرگ به بار می‌آید.»

بر اساس این روایت، در صورتی که در ملاکهای ازدواج سخت‌گیری شود، فساد و تباهی در جامعه گسترش خواهد یافت؛ چرا که در نتیجه تعداد ازدواجها کاهش یابد و با زیاد شدن افراد مجرد، زمینه گسترش فساد و فحشا در جامعه فراهم شود.

سؤال: چگونه می‌توان ملاکهای ارائه‌شده کرد که خانواده را پایدار سازد و جلوی انجام ازدواجها را نیز نگیرد؟

جواب: برای رسیدن به این هدف باید دو کار انجام گیرد: نخست باید پایداری خانواده شدنی تعریف شود و خانواده‌ای پایدار دانسته شود که اعضای آن رضایتمندی مجموعی از زندگی دارند، لذا ممکن است در آن اختلاف باشد، منتها نه در حدی که قسمت خوش‌زندگی را تهدید کند.

اگر پایداری خانواده به این صورت تعریف شود، ملاکها تا حد زیادی تعدیل خواهند شد و بسیاری از آنها که در جهت ایده آل‌سازی زندگی است حذف می‌شود.

دوم اینکه ملاکهای انتخاب همسر به دو دسته اصلی و ترجیحی تقسیم شود. ملاکهای اصلی آن، خطوط قرمز زندگی است که نقصان آن برای طرفین قابل تحمل نیست و زندگی را در معرض خطر قرار می‌دهد. بر خلاف ملاکهای ترجیحی که بودنش زندگی را بهتر می‌کند؛ اما به اصل ازدواج لطمه نمی‌زند.

برای این دو مطلب آن است که فرد در جهت تشکیل زندگی قابل قبول و دارای رضایتمندی مجموعی، نخست ملاکهای اصلی طرف مقابل را بررسی می‌کند و بعد از اطمینان از وجود آنها، به حسب شرایط، از ملاکهای ترجیحی صرف نظر می‌نماید تا به اصل ازدواجش لطمه

نخورد. اگر به این صورت عمل شود، نه به پایداری خانواده‌ها لطمه می‌خورد و نه تعداد ازدواجها کم می‌شود.

2. تحصیل و اشتغال دختران

تقدّم تحصیل و اشتغال دختران بر ازدواج

از مواردی که بعد از انقلاب درباره آن تبلیغ زیادی صورت گرفته، تحصیل و اشتغال دختران است. تا جایی که در حال حاضر به هدفی اصلی و ارزشمند برای دختران تبدیل گردیده و بسیاری از خانواده‌ها تحصیل بالا و شغل دختران خود را نقطه مثبت آنها تلقی کرده، و به آن افتخار می‌کنند.

از نظر دین، اصل تحصیل دختران یا کار کردن آنها منع شرعی ندارد؛ اما در شرایطی ممکن است پیامدهایی داشته باشد که به ازدواج و تشکیل خانواده مورد تأیید دین، لطمه بزند.

ازدواج یا تحصیل

1. کم شدن خواستگاران به خاطر تحصیلات بالا؛ گرچه تحصیلات عالیّه موجب می‌شود کیفیت خواستگاران بالا برود؛ اما تعداد آنها را کاهش می‌دهد؛ چون پسرانی که تحصیل پایین تری دارند، برای خواستگاری چنین دختری اقدام نمی‌کنند و یا اینکه خود دختر قبول نمی‌کند.

2. رد خواستگاران جهت ادامه تحصیل: اغلب دختران غرق درس خواندن می‌شوند و شوق ادامه تحصیل و تصور اینکه بعد از ازدواج نمی‌شود درس خواند، موجب می‌شود خواستگاران را رد کنند و در نتیجه ازدواج آنها به تأخیر می‌افتد.

3. مخالفت خواستگار با ادامه تحصیل دختر: اگر خواستگار با ادامه تحصیل دختر مخالفت کند، دختر باید بین ازدواج و تحصیل یکی را انتخاب کند و بسیاری از دختران تحصیل را ترجیح می‌دهند، در صورتی که امکان دارد این تصمیم به ازدواج آنها ضرر بزند و مجبور شوند به خاطر بالا رفتن سن، با اولین خواستگار ازدواج کنند یا اینکه مجرد بمانند.

4. کم گذاشتن از وظایف همسری و مادری: شوق به تحصیل ممکن است موجب شود زن وظایف همسری و مادری خود را به درستی انجام ندهد و همسر و فرزندان او احساس کمبود نمایند. بنابراین، توصیه می‌شود زنان در صورت احتمال ضرر به خانواده، سرعت تحصیل یا مقدار آن را کاهش دهند؛ چون تحصیل باید وسیله‌ای برای بهتر شدن زندگی باشد و اگر ادامه آن به زندگی لطمه بزند، باید محدود شود.

5. اختلاط با جنس مخالف در محیط تحصیل: دختران در محیط تحصیل با چند دسته از مردان ارتباط دارند:

الف) هم کلاسیها: دختران و پسران علاوه بر حضور در کلاس و محیط آموزشی، در قالب گفتگوی علمی، سؤال و جواب، انجام پروژه‌های علمی، اردو و... با هم ارتباط دارند که می‌تواند از برخورد محترمانه و رسمی شروع و به رابطه صمیمانه و در نهایت عاشقانه منتهی شود.

ب) اساتید: ممکن است ارتباط درسی دختران با اساتید، سبب علاقه به استاد شود.

ج) شاگردان: ممکن است اساتید خانم به شاگردان پسر خود دل ببندند.

د) کارمندان اداری: مراجعه مکرر دختران به کارمندان محل تحصیل جهت انجام امور اداری، ممکن است منجر به دل بستگی شود.

ضمن اینکه ارتباط دختران با مردهای متفاوت، موجب سخت گرفتن و ردّ خواستگاران شود؛ یعنی ذائقه دختران و پسران در این ارتباطها شکل گرفته و به ضرر آینده آنها شود.

اشتغال دختران!

کارکردن دختران در محیط بیرون از خانه پیامدهایی دارد که اهم آنها عبارت اند از:

1. کم شدن فرصت شغلی برای پسران: به دلیل محدود بودن فرصت‌های شغلی در جامعه، اشتغال دختران موجب می‌شود، بازار کار اشباع شده، و میلیون‌ها پسر بیکار بمانند و یا مجبور شوند به شغل‌های کم درآمد تن دهند و نتوانند برای ازدواج اقدام کنند و در نتیجه دختران زیادی بی همسر بمانند.
- پس اشتغال دختران موجب کم کردن فرصت‌های شغلی پسران شده، در حقیقت به ازدواج خود آنها لطمه می‌زند.
2. کم شدن درآمد پسران: چون مسئولیت تأمین مخارج زندگی به عهده دختران نیست، حاضرند با حقوق کم تری کار کنند و این امر سبب می‌شود که سقف حقوقها پایین بیاید و درآمد کم تری نصیب پسران شود و آنها احساس کنند که نمی‌توانند از عهده مخارج زندگی بر آیند، لذا برای ازدواج اقدام نمی‌نمایند.
3. فکر نکردن به ازدواج: چون دختران از استقلال مالی خودشان راضی و به آن قانع هستند و می‌ترسند با ازدواج آن را از دست بدهند و همچنین به خاطر شوق و علاقه ای که نسبت به کار خود دارند، لذا ممکن است تا سالها نه تنها به ازدواج تن ندهند؛ بلکه فکر آن را نیز نکنند و به صورت مجرد زندگی کنند.
4. اختلاط در محیط کار: دختران در محیط کار با دو دسته از مردان برخورد دارند: ارباب رجوع، و همکاران.
- خطر به وجود آمدن ارتباط نادرست با دسته اول کم تر است؛ چون معمولاً برخورد و ملاقات آنها به حدی نیست که به ایجاد رابطه منجر شود، البته در مواردی که مراجعات مکرر باشد و حدود شرعی در نگاه و سخن رعایت نشود، احتمال خطر ارتباط نادرست وجود دارد.
- اما در مورد همکاران مرد، خطر برقراری رابطه غیر شرعی بیش تر است؛ چون وقتی دختران روزی چند ساعت در کنار همکاران مرد باشند، قطعاً رابطه صمیمانه ای ایجاد می‌شود و ممکن است به گناهان متعدد یا علاقه ناخواسته منجر شود.
5. قبول نکردن خواستگار، علی‌رغم اینکه برخی از پسران به دنبال زن شاغل هستند، عده ای دیگر به کار کردن همسر تمایل ندارند؛ چون نمی‌خواهند زن نیمه وقت داشته باشند یا اینکه همسرشان ساعتها در کنار نامحرمان باشد، لذا شرط می‌کنند که دختر بعد از ازدواج کار خود را رها کند قبول این موضوع برای بسیاری از دختران سخت است و به خاطر تمایل به ادامه کار، این گونه خواستگاران را رد می‌کنند.
6. پول زن در زندگی مشترک: چون گاهی درآمد مردی که متقاضی ازدواج با دختر شاغل است، برای تأمین زندگی مشترک کافی نیست، انتظار دارد زن حقوق خود را در زندگی مشترک خرج کند. این انتظار، استقلال مالی زن را زیر سؤال می‌برد؛ چون نمی‌تواند درآمد خود را به هر صورت که می‌خواهد هزینه کند، لذا ممکن است در زمینه انتخاب همسر دچار مشکل شود، پس اگر بخواهد استقلال مالی خود را بعد از ازدواج حفظ کرده، و پولش را به اختیار خود خرج کند، باید خواستگارهای زیادی را رد کند و یا به ناچار صبر نماید تا شاید فردی پیدا شود که با شرط مورد نظر او موافقت نماید، به علاوه کسی که با دختر شاغل ازدواج می‌کند، باید قبول کند که او ساعاتی را در منزل نباشد و به همین مقدار از وظایف همسری و مادری اش بکاهد، پس اگر زن قبول نکند که حقوق خود را در زندگی خرج کند، دلیلی ندارد که مرد کارکردن او را بپذیرد؛ چون می‌تواند با دختر غیر شاغل ازدواج کند که به صورت تمام وقت در کنار او و فرزنداناش باشد. ضمن اینکه این پول چگونه توسط زن خرج شود، گاهی مورد رضایت و خواست مرد نیست و خود این امر نیز مشکل ساز می‌شود.
7. کم گذاشتن از وظایف همسری و مادری: چون زن شاغل، ساعاتی در خارج منزل به سر می‌

برد خستگی ناشی از کار ممکن است از حوصله و نشاط او بکاهد و نتواند به صورت يك همسر شاداب ظاهر شود و به زندگی انرژی مثبت تزریق کند و همچنین امکان دارد که برای تربیت فرزندان حوصله کافی نداشته باشد، لذا استمرار این وضعیت گرمی ارتباط همسران را کاهش می‌دهد و به نقص تربیتی فرزندان منجر می‌شود و اغلب به خاطر اشتغال زن، به داشتن يك فرزند اکتفا می‌نمایند که پیامدهای منفی آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

3. سن ازدواج

احساسات عاطفی و جنسی دختر و پسر در دوران نوجوانی بیدار شده، دید آنها به یکدیگر عوض می‌شود، و به رابطه با یکدیگر تمایل پیدا می‌کنند؛ اما عکس العمل و برخورد مناسب در برابر این تمایل چیست؟ بین دین و کارشناسان در این مورد نه تنها وحدت نظر وجود ندارد؛ بلکه نظرات آنها با هم فاصله زیادی دارد.

اکثر کارشناسان معتقدند که ازدواج در این سن درست نیست و نوجوانان باید تا جوانی و حتی میانسالی صبر کنند. این عقیده کارشناسان مختص حال عادی نیست و شامل زمان ضرورت و به گناه افتادن نوجوانان نیز می‌شود؛ یعنی طبق نظر آنها:

حتی نوجوانان در صورت آلوده شدن به خلافهای جنسی باز حق ازدواج ندارند؛ زیرا برای ازدواج بلوغ عقلی، عاطفی، روانی، اجتماعی و... لازم است و کسی که به این حد نرسیده، صلاحیت ازدواج را ندارد و در این صورت بین حال عادی و ضرورت فرقی نیست؛ چون وقتی نوجوان صلاحیت ندارد، ازدواج نکردنش بهتر است تا اینکه ازدواجش به طلاق منجر شود.

اما دین نظر دیگری دارد و ازدواج در سن نوجوانی را رد نمی‌کند، و بین حال عادی و ضرورت نیز فرق می‌گذارد و در زمان ضرورت و به گناه افتادن، ازدواج را لازم و واجب می‌داند [3] و در حال عادی و عدم ضرورت نیز ازدواج در سن پایین را بر سن بالا ترجیح می‌دهد.

اغلب کارشناسان بدون توجه به تفاوت شرایط ضرورت و عادی، روش غربیها را پیشنهاد می‌کنند. آنها توجه ندارند که نادرست دانستن ازدواج برای نوجوانان موجب می‌شود که آنها در زمان تحریک عاطفی و جنسی، راه حلالی برای ارضای خود نیابند و به سمت گناهان متعدد و ارتباطات نادرست کشیده شوند، پس کارشناسان با نظر منفی خود در مورد ازدواج نوجوانان، عملاً جواز گناه کردن بسیاری از آنان را امضا می‌کنند.

ازدواج در نوجوانی

حال عادی آن است که ضرورتی برای ازدواج نباشد و هیچ گناهی اعم از چشم چرانی و خودارضایی یا ارتباط با نامحرم، از دختر و پسر نوجوان سر نزنند. در این صورت نیز نظر کارشناسان بر نادرستی ازدواج نوجوانان است و دلیل آنها همان طور که گفته شد شرط بودن بلوغهای چندگانه برای ازدواج است که در نوجوان وجود ندارد.

اما از نظر دینی، در این صورت نه تنها ازدواج نادرست نیست؛ بلکه بر ازدواج نکردن ترجیح دارد. به عبارت دیگر، از منظر دین، ازدواج در سن پایین بهتر از سن بالا است. دلیل این مطلب روایاتی است که چند مورد ذکر می‌شود:

1. رسول خدا(ص) فرمودند: «ما مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةٍ سَيِّئَةٍ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَأْوِيهِ يَا وَيْلَهُ عَصِمَ مِثِّي ثَلَاثِي دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثَّلَاثِ الْبَاقِي؛ [4] هیچ جوانی نیست که در ابتدای رسیدن به بلوغ ازدواج کند، مگر آنکه شیطانش فریاد برآورد: ای وای! ای وای! دو سوم دینش را از من حفظ کرد. بنابراین، بنده باید برای حفظ يك سوم باقیمانده، تقوای خدا را در پیش گیرد.» در این روایت به ازدواج در اول جوانی سفارش شده است. شروع جوانی در لسان روایات از هجده سالگی یا بالاتر نیست، بلکه بلافاصله بعد از بلوغ جنسی است.

شاهد مطلب، کلام صاحب «مجمع البحرين» است که می‌گوید: «الشباب من تجاوز البلوغ الی ثلاثین سنة؛ [5] جوانی از سن بلوغ تا سی سالگی است.» همچنین طبق نظر عده ای از علما، از جمله «صاحب جواهر»، [6] شروع جوانی از زمان بلوغ است. پس از نظر دین و در زمان صدور روایات، بین کودکی و جوانی، فاصله ای به نام نوجوانی نبوده است و شخص با بلوغ جنسی جوان محسوب می‌شود. بنابر این، طبق روایت فوق، بهتر است ازدواج در ابتدای بلوغ جنسی انجام شود؛ چون سبب حفظ دین است. شاید گفته شود: حفظ دین منحصر به ازدواج در نوجوانی نیست و انجام آن در سنین بالاتر نیز همین نتیجه را دارد، پس ازدواج در نوجوانی رجحانی ندارد.

جواب: اولاً تعبیر به حفظ دو سوم دین در این روایت به جای حفظ نصف دین [7] که در روایات دیگر ترجیح به ازدواج آمده است، شاید به خاطر این باشد که برساند ازدواج در سن پایین‌تر بیش‌تر دین را حفظ می‌کند، پس بر ازدواج در سن بالاتر ترجیح دارد. ثانیاً برفرض که حفظ دین در نوجوانی با سنین بالاتر تفاوت نکند، باز هم ازدواج در نوجوانی ترجیح دارد؛ زیرا حفظ دین زودتر اتفاق می‌افتد.

2. امام صادق (ع) فرمود: «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ لَا تَطْمَتَ ابْنَتُهُ فِي بَيْتِهِ؛ [8] از خوشبختی مرد آن است که دخترش در خانه اش حیض نیند.» این روایت بر ترجیح ازدواج دختران در سن پایین، دلالت می‌کند. علاوه بر اینکه فقها بر اساس این گونه روایات، به استحباب زود شوهر دادن دختر، فتوا داده‌اند. [9]

3. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «إِنَّ الْإِبْكَارَ يَمْنُزِلُهُ التَّمَرُ عَلَى الشَّجَرِ، إِذَا أَدْرَكَ ثِمَارَهَا فَلَمْ تَجْتَنِ أَفْسَدَتَهُ الشَّمْسُ، وَنَثْرَتَهُ الرِّيحُ، وَكَذَلِكَ الْإِبْكَارُ إِذَا أَدْرَكَ مَا يَذْرُكُ الْبِئْسَاءُ، فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبَعُولَةُ وَإِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفَسَادَ لِأَلْتُهُنَّ بَشَرٌ؛ [10] همانا دوشیزگان به منزله میوه بر درخت می‌باشند که چون برسند و چیده نشوند، خورشید آنها را فاسد و تباہ سازد و بادها پراکنده شان کند. همچنین است دختران که هرگاه به حد زنان برسند (بالغ و حائض شوند)، برای آنها دارویی جز شوهر کردن نیست، وگرنه بر ایشان از فساد ایمن نمی‌توان شد؛ زیرا آنها بشرند.» طبق فرموده رسول خدا (ص) وقتی دختران به بلوغ جنسی برسند، تنها راه پاسخگویی به احساسات غریزی آنها، ازدواج است؛ چون آنها بشرند و احتمال دارد گرفتار فساد شوند. با توجه به این روایت، ازدواج بعد از بلوغ توصیه شده است، پس می‌توان گفت: این توصیه شامل پسران نیز هست؛ چون علت این توصیه، احتمال فساد است که معمولاً این احتمال در پسران، اگر بیش‌تر نباشد، کم‌تر نیست. پس اقدام برای ازدواج نوجوانان بعد از بلوغ، لازم‌تر است.

نکته جالب توجه در این روایت آن است که فرمود: «چون بشرند، ایمن از فساد و گناه نیستند؛ یعنی اگرچه در معرض اسباب تحریک هم نباشند؛ ولی به دلیل وجود غریزه جنسی ایمن از خطا نیستند و ممکن است به حرام بیفتند، پس بهتر است ازدواج کنند.

معنای این سخن آن است که اگر در جامعه اسباب تحریک مانند اینترنت، ماهواره، فیلمهای تحریک‌آمیز، بدحجابی، پوششهای زننده و... وجود نداشته باشد، باز بهتر است نوجوانان بعد از بلوغ جنسی ازدواج کنند و آن را تأخیر نیندازند تا احتمال فساد آنها از بین برود؛ چون اگر تحریکات بیرونی نیز وجود نداشته باشد، تحریک درونی ناشی از غریزه جنسی آنان را رها نمی‌کند و ممکن است گرفتار گناه شوند.

اسلام از لزوم بلوغهای چندگانه سخنی نگفته و مردم نیز تا کم‌تر از 100 سال قبل، طبق این نسخه دین، این نوع ازدواج را انجام می‌داده‌اند و معمولاً زندگیهای پایداری نیز داشته‌اند. شاهد این مطلب آن است که میانگین سن ازدواج پسران و دختران در تهران در سال 1309 ش

به ترتیب 17 و 13 سال بوده است؛ [11] یعنی معمول دختران در 13 سالگی و معمول پسران در 17 سالگی ازدواج می‌کرده‌اند، پس نمی‌توان نسخه‌ای را که هم دینی است و هم بیش از هزار و چهارصد سال جواب داده، به خاطر اعتقاد کارشناسان متأثر از غرب، نادرست دانست و کنار گذاشت.

به جای نفی ازدواج نوجوانان، باید شرایط طوری تغییر داده شود که توان ازدواج در آنها شکوفا شده، بتوانند همانند نوجوانهای سابق ازدواج کنند.

به علاوه اگر بلوغهای فوق‌الذکر را برای شرایط کنونی لازم بدانیم، باز هم راه ازدواج نوجوانی بسته نیست؛ زیرا این بلوغها برای تشکیل زندگی لازم است، نه اصل ازدواج. بر این اساس، می‌توان در نوجوانی عقد شرعی انجام داد و دوران عقد را به زمان کارآموزی مهارت‌های زندگی تبدیل کرد تا دختر و پسر در این فاصله به بلوغهای لازم برسند.

برفرض که ازدواج در نوجوانی خطرآفرین باشد؛ ولی باز نمی‌توان آن را به راحتی رد کرد؛ چون خسارت منع ازدواج در نوجوانی نیز کم نیست، چون نوجوانان امروز به دلیل گسترش اسباب تحریک عاطفی و جنسی جدید به شدت در معرض خطر گناه و خلاف‌های جنسی هستند.

به عبارت دیگر، مسئله یک سوپه نیست که با ازدواج نکردن برای نوجوانان مشکلی پیش نیاید و خطری عفت و پاکی آنها را تهدید نکند. اگر ازدواج مشکل ساز است، مجرد نیز خسارت آفرین می‌باشد. بنابراین، کارشناسان باید به دنبال راه حلی باشند که هر دو خطر را رفع کند، نه اینکه با توصیه‌های خود، نوجوانان را از چاله در آورده و در چاه بیندازند؛ بلکه باید راه کاری همه جانبه برای شرایط امروز ارائه نمایند.

4. ازدواج فامیلی

نادرستی ازدواج فامیلی؟

از نظر پزشکی، ازدواج فامیلی در مواردی منجر به نقص بدنی یا مرگ فرزند می‌شود. بر این اساس، برای ازدواج دختران و پسرانی که فامیل هستند، آزمایش ژنتیک انجام می‌شود و درصد خطر مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر درصد آن کم باشد، مجوز ازدواج صادر می‌شود. منتها شنیده می‌شود، بعضی از کارشناسان، کلاً ازدواج فامیلی را (حتی اگر احتمال خطر حداقل باشد) ترجیحاً نادرست می‌دانند، در صورتی که عموم فقها آن را مباح و بعضاً مستحب می‌دانند. [12]

شاید گفته شود: وقتی در ازدواج فامیلی احتمال نقص و مرگ بچه می‌رود، نباید چنین ازدواجی جایز باشد.

جواب: اگر قرار باشد به خاطر صرف احتمال خطر، از وصلت فامیلی منع شود، لازم است ازدواج غیر فامیلی نیز نادرست باشد؛ چون احتمال نقص و مرگ فرزند در ازدواج با غیر فامیل نیز منتفی نیست و تقریباً 2 درصد از ازدواج فامیلی کم‌تر است. [13]

منبع: مجله مبلغان، اسفند 1392 و فرودین 1393 - شماره 175؛ کریمی، علی

پی نوشت‌ها:

- [1] آموزش پیش از ازدواج، دکتر میر محمد صادقی، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور، تهران، 1384 ش، ص 170 - 118.
- [2] من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، 1413 ق، ج 3، ص 394.
- [3] توضیح المسائل مراجع، محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، 1376 ش، ج 2، ص 493.
- [4] بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1403 ق، ج 100، ص 221.

- [5] مجمع البحرين، طریحی، نشر مرتضوی، تهران، 1375 ش، ج 2، ص 569.
- [6] جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1373 ش، ج 26، ص 5.
- [7] پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي؛ هر کس ازدواج کند، همانا نصف دینش را حاصل کرده است، پس در نصف باقی تقوای الهی پیشه سازد.» مکارم الاخلاق، الحسن بن الفضل الطبرسی، مؤسسه نشر اسلامی، نوبت اول، 1414 ق، ج 1، ص 429، ش 1455.
- [8] وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، 1409 ق، ج 20، ص 61.
- [9] العروه الوثقی، سید محمدکاظم یزدی، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ج 5، ص 483.
- [10] وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج 20، ص 61.
- [11] نشریه زنان، ش 11، مقاله آقای محمود شهابی.
- [12] همانند آیت الله العظمی بهجت (ره) طبق استفتاء انجام شده از دفتر ایشان.
- [13] در این زمینه از آزمایشگاه ژنتیک پزشکی دکتر اکبری به صورت کتبی سؤال شد که پاسخ چنین است: در کتب مرجع ژنتیک پزشکی، ریسک مطلق فرزندان غیر عادی در ازدواجهای خویشاوندی (پسر عمو و دختر عمو یا پسر عمه و دختر دایی یا بالعکس یا دختر خاله و پسر خاله) 3 تا 5 درصد در مقایسه با 2 تا 3 درصد در زوجین غیر خویشاوند است؛ یعنی عدد ریسک تقریباً 2 برابر است.

افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان

نیاز جنسی، بخش جدایی ناپذیر ماهیت زیستی، روانی و اجتماعی آدمی را تشکیل می دهد و روشن است که کیفیت ارضای این نیاز نقش بسیار مهمی در سلامت و بهداشت روانی فرد و جامعه دارد. براساس آموزه های دینی، اگر این نیاز به صورت شرعی و معقول (ازدواج) و در زمان مناسب ارضا شود. باعث آرامش خاطر، رشد شخصیت و نیز استمرار حیات بشر می شود. و اگر امکان ارضای صحیح آن فراهم نیاید به صورت انحرافات جنسی و بی بندوباری اخلاقی نمودار خواهد شد.

در سال اخیر، آمارها منحنی های رو به رشد و مشابهی را در زمینه انحرافات و بی بندوباری های اخلاقی در میان جوانان نشان می دهند. این رشد غیر طبیعی و هماهنگ می تواند حاکی از عوامل ساختاری همانند باشد. به طور قطع نمی توان يك عامل را علت انحرافات اخلاقی و بی بندوباری جنسی جوانان دانست؛ در بیشتر موارد ترکیبی از چند عامل وجود دارند. با این وجود، برخی مطالعات عوامل خاصی را به عنوان عوامل مؤثر در میزان بروز بی بندوباری جنسی جوانان شناسایی کرده اند. در این مقاله سعی شده است این ایده توضیح داده شود که بی بندوباری های جنسی و انحرافات اخلاقی جوانان تا حد زیادی ناشی از فراهم نبودن شرایط ازدواج برای جوانان یا به تعبیر دقیق تر، افزایش سن ازدواج است.

این مقاله، ابتدا هنجار دینی سن ازدواج و عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج را مورد بررسی قرار می دهد. سپس به رابطه، افزایش سن ازدواج با انحرافات اخلاقی و جنسی می پردازد و در پایان، برای مقابله با انحرافات اخلاقی و رسیدگی به مشکل ازدواج جوانان راهکارهایی را ارائه می دهد.

افزایش سن ازدواج؛ مسئله اجتماعی

همان گونه که بیان شد، هدف اصلی این تحقیق واریسی و آزمون این فرضیه است که بالا رفتن سن ازدواج باعث افزایش نرخ انحرافات اخلاقی و بی بندوباری های جنسی در میان جوانان شده است. بدین منظور، ابتدا باید نشان دهیم که سن ازدواج در دهه های اخیر افزایش یافته

است. اولین گام، تعریف شاخصی برای اندازه‌گیری سن ازدواج است و گام بعدی، تعیین هنجار در این زمینه؛ چراکه صرف نشان دادن افزایش یا کاهش سن ازدواج بدون تعیین هنجار، معنای خاصی در بر نخواهد داشت.

الف. مقیاس‌های اندازه‌گیری سن ازدواج

در مطالعات کلان‌نگر (macroscopic) مهم‌ترین شاخصی که در دست‌رس پژوهشگران قرار دارد، تحقیقات تجربی و نظرسنجی‌های انجام‌شده در زمینه‌های مورد نظر است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، متوسط سن برای ازدواج جوانان در دهه‌های اخیر افزایش یافته است. [1] به عنوان مثال، پژوهشی در این خصوص حاکی از آن است که میانگین سن ازدواج در ایران برای پسران در سال‌های 1354، 25 سال بوده است، در حالی که بعد از آن (به جز در سال 1365) این روند افزایش داشته است. این تحقیق نشان داده است سن ازدواج دختران از سال 1354 تا 1380 به طور مداوم سیری صعودی داشته است. [2]

تحقیقاتی چند که جنبه نظرسنجی دارند نیز افزایش سن ازدواج را نشان داده‌اند. نظرسنجی‌های انجام‌شده اخیر در تهران حاکی از آنند که جوانان پسر سن ایده‌آل برای ازدواج را بالای 26 سال می‌دانند. این امر بالا رفتن سن ازدواج را نسبت به فضای سنتی جامعه، که معمولاً ازدواج‌ها زیر 20 سال انجام می‌شده، نشان می‌دهد. سن ازدواج برای دختران در این تحقیق، 21 تا 25 سال گزارش شده است. [3]

به یقین، اگر تحقیق دیگری در این زمینه انجام شود، رشد بیشتری را نشان خواهد داد علاوه بر مطالعات نظام‌مند، مورد پژوهی‌ها و یافته‌های بالینی نیز نشان می‌دهند که امروزه جوانان دیرتر ازدواج می‌کنند.

تحقیقات تجربی، میانگین اجتماعی را مبنای قضاوت درباره افزایش یا کاهش نرخ سن ازدواج در نظر می‌گیرند. اما با تفحص در آموزه‌های دینی به الگوهای دیگری برمی‌خوریم که براساس آن‌ها می‌توان درباره افزایش یا کاهش سن ازدواج قضاوت نمود.

ب. هنجار دینی سن ازدواج

ازدواج و تأسیس کانون زندگی مشترک خانوادگی یکی از بهترین و مهم‌ترین رسوم اجتماعی انسان‌هاست که از فطرت و آفرینش ویژه آن‌ها مایه می‌گیرد. این نیاز که به صورت فطری در انسان به ودیعت نهاده شده، تا زمان ظهور جوانه‌های بلوغ، همچنان دوران آرام و بی‌تحركی را پشت سر می‌گذارد. اما به مجرد شروع دوران نوجوانی، زمان بیداری آن فرا می‌رسد و آرام‌تأممی وجود نوجوانان را در برمی‌گیرد و به یکی از پرقدردترین نیازهای وی تبدیل می‌شود. اگر این نیاز به موقع و به طور صحیح پاسخ داده شود، زمینه سلامت و بهداشت روانی انسان فراهم می‌گردد. از این رو، در آیات و روایات به اهمیت ازدواج و نیز زمان مناسب آن تصریح و تأکید شده است. [4]

در قرآن کریم گرچه «سن» خاص و معینی برای ازدواج بیان نشده، ولی از واژگانی همچون «بلوغ»، «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» می‌توان به نحوی سن بلوغ و ازدواج را به دست آورد. شاید رساترین آیه در تعیین سن ازدواج، این آیه شریفه باشد:

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ

(نساء: 6) یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به نکاح (همسرگزینی) تمایل پیدا کنند. اگر آنان را به درک مصالح زندگانی خود آگاه یافتید، اموالشان را به آنان بدهید.

«بلوغ نکاح» در زمانی است که قدرت بر ازدواج پیدا کنند. شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌نویسد: «معنای بلوغ نکاح آن است که به مرحله توانایی بر هم‌خوابگی و تولید نسل

برسند.» [5] در تفسیر مراغی آمده است: بلوغ نکاح رسیدن به سنّی است که استعداد و آمادگی ازدواج حاصل شود. نوجوان در این حالت میل پیدا می‌کند همسر و سرپرست خانواده باشد. [6]

از موارد یادشده استفاده می‌شود که معیار سن ازدواج از نظر قرآن، احساس نیاز به ازدواج، توانایی همخوابگی، قدرت تولید نسل و رسیدن به حدّ رشد، یعنی توانایی بر تشخیص مصلحت خویش، است.

در روایات بدون آنکه به سن خاصی اشاره شود، ترغیب به ازدواج در آغاز جوانی شده است. [7] در مجموع، از روایات استفاده می‌شود که سن پایه برای ازدواج بعد از بلوغ است و اگر شخص احساس نیاز کند، به گونه‌ای که ترك آن موجب گناه شود ازدواج در این سن واجب می‌گردد. [8]

سن ازدواج براساس سیره معصومان علیهم السّلام: براساس شواهد تاریخی، ازدواج امامان علیهم السّلام در سنین پیش از 20 سالگی بوده است. [9] این بزرگواران در مورد فرزندانشان نیز همین شیوه را داشتند و نوعاً قبل از 20 سالگی زمینه ازدواج آنان را فراهم می‌نمودند. [10] از آن رو که عمل و سیره معصومان علیهم السّلام برای ما الگو و حجت است، در تعیین سن ازدواج نیز می‌توانیم سیره آن بزرگواران را به عنوان يك هنجار دینی در نظر بگیریم. ما چه نرم اجتماعی را ملاک قرار دهیم و چه سیره و عمل معصومان را، در هر دو صورت، سن ازدواج افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، سن ازدواج تفاوت معناداری یافته است.

عوامل موثر در افزایش سن ازدواج

مسئله مشکلات و موانع ازدواج از يك سو و آرزوها، ایده آل‌ها و تصویری که دختران و پسران از آینده و زندگی مشترك خود دارند، از سوی دیگر، موجب گردیده که جوانان به آسانی تن به ازدواج ندهند.

عوامل بسیاری در افزایش سن ازدواج جوانان مؤثرند که برخی از آن‌ها واقعی و برخی دیگر ساخته و پرداخته خود ما می‌باشند. این عوامل عبارتند از:

1- تحوّل در الگوهای رفتاری

در دهه‌های اخیر، تحوّل جدّی در الگوهای رفتاری خانواده‌ها به وجود آمده است. تغییر در الگوی مصرف، نوع پوشاک، مسکن، سطح انتظارات خانواده‌ها و توجه به آراسته بودن ظاهری موجب گردیده که مفهوم زندگی به طور کلی دگرگون شود. امروزه «رفاه» از مهم‌ترین مسائلی است که خانواده‌ها توجه بیشتری بدان مبذول می‌دارند. در حالی که در 4، 5 دهه قبل مفهوم «رفاه» کمتر جایی در زندگی افراد داشت.

جوان در جست‌وجو و تلاش برای رسیدن به شکلی از زندگی است که رهیافت واقعی جامعه است، اما از سوی دیگر، فرصت‌ها و امکانات مساوی برای دست‌یابی به این شرایط وجود ندارد. بسیاری از جوانان با این استدلال که تأمین هزینه‌های عقد و عروسی، تهیه منزل و اسباب و لوازم زندگی بسیار سخت است و نمی‌توان از عهده مخارج آینده زندگی برآمده و آبرومند زندگی کرد، برخلاف میل باطنی از ازدواج به موقع خودداری می‌ورزند.

در پژوهشی که به منظور بررسی نگرش دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی اهواز نسبت به ازدواج انجام شده، بیش از 52% دختران تمایل به ازدواج از خود نشان داده‌اند، اما 25% از همین دانشجویان مشکلات مالی را از موانع ازدواج ذکر کرده‌اند. [11] تعداد این قبیل افراد نسبتاً زیاد است و شاید برخی، به ویژه پسران، ناچار می‌شوند تا پایان عمر مجرد زندگی کنند.

2- ادامه تحصیلات و تحول موقعیت زنان

دومین عاملی که موجب افزایش سن ازدواج شده، گرایش به ادامه تحصیلات در بین جوانان است. اغلب پسران و دختران علاقه دارند تحصیلات خود را تا لیسانس و بالاتر ادامه دهند. امروزه تلقی و برداشت جوانان این است که ازدواج فرصت ادامه تحصیل را از آنان سلب می‌نماید. به ویژه تحول موقعیت اجتماعی زنان و گرایش آن‌ها به تحصیلات عالی موجب شده که سن ازدواج افزایش پیدا کند. [12] دختران چنین فکر می‌کنند که بعد از ازدواج به دلیل مسئولیت همسری و یا مادری نمی‌توانند درس بخوانند. خانواده دختر و پسر نیز همین عقیده را دارند و غالباً حاضر نیستند درباره ازدواج فرزندان‌شان در حال تحصیل اقدام کنند.

3- اعتقاد به داشتن زندگی آزاد

برخی بر این باورند که ازدواج باعث ایجاد محدودیت در بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای آنان می‌شود؛ از این رو، ترجیح می‌دهند به شکل مجرد و آزاد زندگی کنند. این گرایش نه تنها در بین پسران وجود دارد، بلکه برخی از دختران نیز ازدواج را نوعی محدودیت و موجب سلب آزادی‌های فردی خود می‌دانند.

شاید بیشتر افرادی که ازدواج را عامل محدودکننده آزادی‌های فردی می‌دانند، فلسفه و حقیقت ازدواج را به خوبی درک نکرده و طرفدار آزادی به معنای غربی آن باشند، اما در این میان افرادی هم هستند که با وجود گرایش مذهبی قوی، آسایش، آرامش، خودسازی و سیر و سلوک معنوی را در داشتن نوعی زندگی می‌دانند که در آن قید و بندهای زناشویی و زندگی مشترک وجود نداشته باشد. برخی نیز فرزنددار شدن را مانع رشد اجتماعی مطلوب و کار و تحصیل خود می‌دانند، از این رو، حاضر نمی‌شوند ازدواج کنند.

4- فراهم بودن زمینه ارضای نامشروع

به نظر می‌رسد بین افزایش سن ازدواج و انحرافات اخلاقی رابطه‌ای دو سویه برقرار باشد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند روابط آزاد بین دختر و پسر و امکان تمتع و ارضای جنسی، نیاز به ازدواج را در جوانان کم رنگ کرده است.

در تحقیقی که مشکلات و موانع ازدواج جوانان و به ویژه دختران مورد بررسی قرار گرفته، به این نکته اشاره شده که برخی جوانان برای ارضای غرایز طبیعی خود به ارتباط با جنس مخالف بسنده می‌کنند و در نتیجه، وجود زمینه‌های انحرافی و روابط آزاد دختر و پسر را به عنوان یکی از عوامل افزایش سن ازدواج برشمرده است. [13]

بنابراین، روابط آزاد دختر و پسر و امکان بهره‌گیری جنسی از طریق غیر ازدواج که در عین حال، مسئولیت‌چندانی بر عهده فرد نمی‌گذارد، خود یکی از عوامل افزایش سن ازدواج است.

5- وسواس بیش از حد در انتخاب همسر

یکی دیگر از عوامل افزایش سن ازدواج، احتیاط بیش از حد و وسواس گونه دختر و پسر (یا خانواده آن‌ها) در مورد همسر آینده می‌باشد. افرادی که بیش از حد در این زمینه وسواس به خرج می‌دهند نمی‌توانند در مورد ازدواج و انتخاب همسر آینده خود تصمیم بگیرند. این افراد گاه در اقدام به ازدواج، با اینکه همه اقدامات ضروری پیش از مراسم ازدواج را انجام داده‌اند، اما چند روز مانده به عقد و یا عروسی، تمام قول و قرارها را زیر پا می‌گذارند و حاضر به ازدواج نمی‌شوند.

آنچه بیان شد، تنها برخی از عوامل فردی و اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج بود. گردآوری و بررسی شواهد جامع و فراگیر در این زمینه، پژوهش مستقل و گسترده‌ای را می‌طلبد که به دور از هدف اصلی ما در این نوشتار است.

افزایش سن ازدواج و کاهش سن بلوغ جنسی

در حال حاضر شواهد حاکی از این می‌باشند که سن ازدواج روز به روز به افزایش است، اما از آن طرف، سن بلوغ جنسی کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد و در سال‌های اخیر فاصله این دو بیشتر شده است. به تعبیر دیگر، انتظارات، ایده آل‌ها و هنجارهای اجتماعی، ازدواج جوانان را به تأخیر انداخته است، اما از سوی دیگر، غریزه جنسی که سراسر وجود نوجوان را تسخیر کرده و عوامل تحریک‌کننده بیرونی از قبیل الگوهای رفتاری، چهره‌های زیبا و آرایش کرده، نوارها و عکس‌های مبتذل، فیلم‌های سینمایی وارداتی، دسترسی به ماهواره و اینترنت و علاوه بر آن، فیلم‌ها و سریال‌های داخلی مغایر با فرهنگ معنوی جامعه، باعث بلوغ زودرس در نوجوانان شده و چون همه آن‌ها از لحاظ اخلاقی و معنوی آن‌چنان قوی نیستند که بتوانند با رعایت تقوا و خویشتنداری، این فاصله (بلوغ تا زمان ازدواج) را پشت سر بگذارند، امکان ابتلای آنان به انحرافات اخلاقی و بی‌بندوباری‌های جنسی بیشتر است.

با توجه به وضعیت فرهنگی جامعه، به صراحت می‌توان گفت که افزایش سن ازدواج یک مشکل حاد اجتماعی است و به تعبیر جامعه‌شناسان می‌توان از آن به عنوان یک «مسئله اجتماعی» نام برد.

ملاک مسئله بودن پدیده‌ای در جامعه از دیدگاه جامعه‌شناسان، آزردهنده بودن آن برای شمار زیادی از مردم است. سی‌رایت میلز در اثر ارزنده خود پیمان جامعه‌شناسی بر این تعریف از مسئله اجتماعی تأکید نموده و قویا استدلال می‌کند که وقتی مشکلی در تعداد وسیعی از مردم تأثیر دارد، باید به ماورای افراد و از این رو، به ساختار و الگوهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه نظر افکنیم. [14] جامعه‌شناسان بعد از میلز با الهام از وی «مسئله اجتماعی» را چنین تعریف کرده‌اند: مسئله‌ای که با تعداد فراوانی از مردم ارتباط دارد و ناشی از علل اجتماعی-ساختاری و همچنین مستلزم راه‌حل‌های اجتماعی-ساختاری می‌باشد. [15]

حال با این تعریف از مسئله اجتماعی، آیا می‌توان افزایش سن ازدواج را، آن‌هم در شرایطی که عوامل تحریک‌کننده جنسی در جامعه بیشتر شده و سن بلوغ جنسی کاهش چشمگیری یافته، یک مسئله اجتماعی دانست؟ پاسخ این سؤال مثبت است.

با این زمینه، به راحتی می‌توان به گستردگی تأثیرات افزایش سن ازدواج پی برد و از آن به عنوان یکی از عوامل راهبردی انحرافات اخلاقی و بی‌بندوباری‌های جنسی در میان جوانان بحث کرد.

افزایش سن ازدواج و نقش آن در گسترش بی‌بندوباری‌های جنسی جوانان در سال‌های اخیر هرزگی، بی‌بندوباری جنسی، روابط دختر و پسر، حاملگی نامشروع، سقط (کورتاژ) غیر قانونی و دیگر انحرافات اخلاقی در میان جوانان افزایش چشمگیری یافته است.

تبیین‌هایی که از انحرافات اخلاقی و بی‌بندوباری‌های جنسی جوانان شده، به ندرت محتوا و شریط سنی آنان را در نظر گرفته‌اند؛ اکثر مؤلفان انحرافات اخلاقی جوانان را از نظر نوع انگیزه با انحرافات اخلاقی بزرگسالان یکسان و مشابه دانسته‌اند. در این رویکرد، برخی به بررسی تأثیر انواع مشکلات خانوادگی، مشکلات روانی، آموزشی، و مسائل اقتصادی و اجتماعی اشاره نموده‌اند. آنان بر این عقیده‌اند که الگوی انحرافات اخلاقی در جوانان تفاوتی با الگوی بزرگسالان ندارد. اما کوهن (1982) معتقد است انحرافات اخلاقی و اجتماعی جوانان از نظر نوع انگیزه با بزرگسالان تفاوت اساسی دارد. [16] براساس یافته‌های او، افراد بزرگسال و کسانی که نقش آنان تا حدودی در خانواده و جامعه احراز شده، اگر اقدام به عمل خلاف می‌کنند و -مثلاً- دست به خودکشی، خانه‌گریزی، و روابط جنسی با دیگران می‌زنند، ممکن است به

خاطر مشکلات اقتصادی، عدم رضایت از زندگی و فزون خواهی باشد، اما بخش عمده انحرافات اخلاقی جوانان ریشه در نیازهای واقعی عاطفی و جنسی آن‌ها دارد که به خاطر محرومیت و فراهم نبودن شرایط ارضای مناسب و مشروع آن به جست‌وجوی راه‌های دیگر برای رسیدن به خواسته‌ها و آرزوهای خود برمی‌آیند.

براساس آموزه‌های دینی، اگر این‌گزینه به صورت شرعی و معقول و در زمان مناسب ارضا شود، باعث آرامش خاطر، رشد عاطفی، تأمین سلامت روانی و نیز استمرار حیا بشهر می‌شود، و اگر امکان ارضای صحیح آن فراهم نیاید به صورت انحرافات جنسی، کامجویی بدلی، هم‌جنس‌گرایی و بی‌بندوباری جنسی ظاهر خواهد شد که سلامت روانی و جسمی فرد و جامعه را برهم‌زده، عواقب ناگواری را به همراه خواهد داشت.

مهاجمان فرهنگی با شناخت دقیق از شرایط و ویژگی‌های سنتی، عاطفی و روانی جوانان و نوجوانان و نیز شناخت شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه، سعی کرده‌اند از این نیاز طبیعی انسان، حداکثر سوءاستفاده را برای تحقق اهداف خویش به عمل آورند.

توجه به آمارهای ارائه شده در زمینه انحرافات اخلاقی جوانان، راز تأکید ائمه علیهم‌السلام مبنی بر ازدواج به موقع را برملا می‌سازد و ما را بیشتر به این نکته رهنمون می‌سازد که چرا در روایات توصیه شده که پدران و مادران در امر ازدواج فرزندان خود اقدام کنند.

یکی از وظایف و مسئولیت‌های والدین در برابر فرزندان برنامه‌ریزی برای ازدواج آن‌هاست. در روایات متعدد، بر به موقع شوهر دادن دختران تأکید گردیده و گوشزد شده که اگر به موقع در این زمینه اقدام نشود، از گمراهی و فساد ایمن نخواهند بود:

والا لم یومن علیهن الفتنه. [17]

برای آنکه بیشتر به نقش و تأثیر افزایش سن ازدواج در اشاعه و گسترش انحرافات اخلاقی جوانان پی ببریم، به برخی تحقیقات انجام شده در این زمینه اشاره می‌کنیم:

الف. افزایش سن ازدواج و خودکشی

آمارهای ارائه شده درباره خودکشی در شهرهای ایران حکایت از آن دارند که در گذشته میزان خودکشی در میان گروه‌های سنتی بالا بیشتر بود، اما در 20 سال اخیر این‌گروه به هم‌خورده و میزان بالای خودکشی به سمت گروه‌های سنتی جوان‌تر گرایش پیدا کرده است. [18] براساس پژوهش‌های جهانی و نیز برخی تحقیقات انجام شده در ایران، اکثر اقدام‌کنندگان به خودکشی را جوانان مجرد تشکیل می‌دهند. [19]

طبق نظریه «روان‌تحلیلگری» فروید، میان پدیده خودکشی و ناکامی در عشق، رابطه قوی وجود دارد. تحلیل او درباره جوانانی که اقدام به خودکشی می‌کنند این است که آنان در ارضای نیازهای جنسی خود ناکام شده و در اثر محرومیت و نومیدی از خواسته‌های خود اقدام به خودکشی می‌کنند. این تحلیل فروید اگرچه عمومیت ندارد، اما به یقین موارد بسیاری از خودکشی‌های جوانان به خاطر مشکلات ازدواج، و به ویژه در دختران به خاطر ماندن بیش از حد در خانه و احساس ناامیدی از ازدواج است.

در تحقیقی که به منظور بررسی عوامل اقدام به خودکشی بر روی 500 مورد انجام شد، این نتیجه به دست آمد که یکی از عوامل اصلی و عمده اقدام به خودکشی در جوانان، فراهم نشدن زمینه برای ازدواج آنان است. [20]

در مطالعه‌ای دیگر که بر روی 690 پرونده مربوط به خودکشی انجام گردید، آشکار شد که میزان خودکشی در سنین جوانی (16-30 سالگی) بسیار بالاست و بخش قابل توجهی از افرادی که اقدام به خودکشی کرده‌اند، در ازدواج ناموفق بوده یا از آن ناکام مانده‌اند. همچنین در پژوهشی که در سال 1383 به منظور بررسی علل خودکشی در شهر کرمانشاه انجام شد، این

نتیجه به دست آمد که ازدواج در کاهش میزان خودکشی مؤثر است. [21]

ب. افزایش سن ازدواج و خانه‌گریزی دختران

فراز از خانه یکی از معضلات حاد اجتماعی است که عوامل مختلفی در آن دخالت دارند. نسبت دخترها و پسرها در فرار از خانه تقریباً مساوی است، اگرچه دخترها بیش از پسرها دستگیر می‌شوند. طبق گزارش خبرگزاری ایسنا در سال 1380، 4 هزار و 73 جوان و نوجوان فراری شناسایی شدند که بیشتر آنان را دختران تشکیل می‌دادند و 72 درصد دختران فراری بین 16 تا 25 سال داشتند. [22]

تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهند که در کنار موارد اختلافات خانوادگی، خشونت والدین، بی‌سرپرستی، فقر و پایین بودن سطح فرهنگ خانواده، درصد قابل توجهی از دختران فراری کسانی هستند که علی‌رغم نیاز شدید آن‌ها به ازدواج و داشتن خواستگارهای متعدد، والدین آن‌ها با ازدواجشان مخالفت کرده‌اند.

در یکی از پژوهش‌ها، تأثیر نقش والدین بر فرار 20 دختر جوان مورد بررسی قرار گرفت. از 20 مورد که با آن‌ها مصاحبه شده 16 نفر به اتفاق، کارکرد ناسالم خانواده را عامل فرار خود از خانه می‌دانند. با توجه به اظهارات این دختران، آن‌ها پیش از فرار، به نوعی درگیر یافتن یک حامی بوده‌اند که بتواند آن‌ها را دوست بدارد یا حمایت کند؛ مثل دوست شدن با یک یا چند پسر به قصد ازدواج، اما به علت مخالفت والدین، درگیری‌های خانوادگی شدت یافته و دختران نیز به دلیل اینکه نسبت به موقعیت خود اعتراض آگاهانه داشتند و خود را مستحق ظلم والدین نمی‌دانسته‌اند، به قصد رسیدن به رهایی و آزوی ازدواج، راه فرار در پیش گرفته‌اند. [23] در پژوهش دیگر نیز کارکرد ناسالم خانواده، عدم ارضای نیازهای عاطفی و بی‌توجهی والدین به ازدواج فرزندان به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز بی‌بندوباری‌های اخلاقی و خانه‌گریزی دختران، یاد شده است. [24]

مسئله این دختران نیاز شدید به یک منبع قدرت قابل اعتماد دارند تا از آنان حمایت کند. براساس این احساس و نیاز درونی است که هر یک خود را به شکلی تابع و تسلیم یک قدرت قابل اعتماد (از دیدگاه خودشان) کرده‌اند.

با توجه به اظهارات این دختران می‌توان چنین نتیجه گرفت که کارکرد ناسالم خانواده و مخالفت یا بی‌توجهی والدین به ازدواج فرزندان در فرار دختران تأثیر دارد.

در نهایت، این نکته را باید یادآور شد که به اعتقاد پژوهشگر، نوعی معصومیت خاموش در پشت این چهره‌های به ظاهر سرکش و ماجراجو، که تعدادشان هم کم نیست، وجود دارد و بسیاری از دختران و پسران جوان که در خیابان‌ها پرسه می‌زنند، کسانی هستند که به دلیل نداشتن شرایط مساعد خانوادگی و عدم حمایت‌های لازم از سوی نهادهای اجتماعی، نقش‌هایی را که در جامعه می‌توانستند به عنوان همسر و مادر یا پدر داشته باشند، به دست نیاورده‌اند.

ج. افزایش سن ازدواج و خودفروشی دختران

یکی دیگر از پیامدهای افزایش سن ازدواج و بی‌توجهی والدین به مسائل جوانان، به ویژه دختران جوان، انحرافات اخلاقی از نوع خودفروشی و روسپیگری است.

براساس یکی از تحقیقات انجام شده در این زمینه، از نظر توزیع فراوانی و درصدی مراجعان «مرکز مداخله در بحران و ستاد پذیرش و قرنطینه شمال بهزیستی استان تهران»، سن اکثر موارد ارجاعی این مرکز بین 16 تا 21 سالگی است. [25] در تحقیقی که به منظور بررسی «عوامل زمینه‌ساز تن دادن زنان به روسپیگری» بر روی 147 زن و دختر روسپی انجام شده، نشان داده شده است که 62٪ سن آغاز به این کار، 13 تا 20 سالگی، یعنی دوران نوجوانی و سال‌های اولیه جوانی، بوده و 69 / 3٪ این دختران، فراهم نبودن شرایط ازدواج و

بی توجهی و مخالفت والدین با ازدواج آن‌ها را علت این اقدام دانسته‌اند. به عبارت دیگر، این دختران به خاطر فراهم نشدن شرایط ازدواج، مجبور به ارضای نیازهای خود از راه‌های غیر مشروع شده‌اند.

ارتباط تنگاتنگ افزایش سن ازدواج یا به تعبیر دیگر، بی توجهی مسئولان و خانواده‌ها نسبت به ازدواج جوانان با بی بندوباری جنسی نه تنها در این تحقیق، بلکه در تحقیقات دیگر نیز گزارش شده است. [26]

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه بیان شد به این نتیجه می‌رسیم که یکی از مشکلات جوانان تجرد و فراهم نبودن زمینه برای ازدواج است که به نوبه خود باعث انواع انحرافات و بی بندوباری‌های اخلاقی در جامعه و به ویژه در بین جوانان شده است. هرچند، تحقیق مستقلی در این زمینه انجام نشده، اما گزارش‌های ضمنی و مواردی که به طوری جانبی به این موضوع پرداخته‌اند، نشان دهنده رابطه مثبت بین افزایش سن ازدواج و انحرافات اخلاقی است تأثیر افزایش سن ازدواج در انحرافات اخلاقی جوانان به قدری وسیع و گسترده است که تحقیقی مستقل و (به تصویر صفحه مراجعه شود) جداگانه‌ای را می‌طلبد. زمینه‌یابی‌ها و یافته‌های فراتحلیلی نشان می‌دهند که حتی در مواردی که به ظاهر هیچ ارتباطی با این موضوع ندارند نیز محرومیت از ازدواج و کامروایی‌های جنسی خارج از چارچوب خانواده، عامل اصلی است.

بنابراین، گرچه نمی‌توان همه انحرافات اخلاقی و بی بندوباری‌های جنسی جوانان را ناشی از افزایش سن ازدواج دانست، اما به یقین بخش عمده‌ای از انحرافات اخلاقی جوانان، ریشه در این مسئله دارد.

راهکارها

همان‌گونه که در طول این بررسی تأکید شد، افزایش سن ازدواج تنها یکی از عوامل انحرافات اخلاقی است که باید اقدامات پیشگیرانه درباره آن انجام شود.

قدر مسلم این است که اقدامات پیشگیرانه در زمینه انحرافات اخلاقی و برنامه ریزی برای ازدواج در زمان مناسب، در قدم اول به خود جوانان مربوط می‌شود که با پی‌روی از دستورات اسلامی مبنی بر اقدام به موقع برای ازدواج و مقاومت در برابر وسوسه، از خطرات احتمالی پیشگیری کنند. در مرحله بعد، خانواده‌ها و سازمان‌های اجتماعی، به ویژه دولت، در مورد ازدواج جوانان نقش و مسئولیت خطیری را بر عهده دارند.

الف. نقش والدین در ازدواج جوانان

نقش خانواده در بهینه‌سازی سن ازدواج و پیشگیری از انحرافات اخلاقی جوانان، نقش مهم و اساسی است. والدین می‌توانند با اقدام به موقع برای ازدواج فرزندان و دست برداشتن از سختگیری‌های بی‌مورد، رسومات و سنت‌های غلط، و انتظارات و توقعات نابجا از فرزندان، زمینه ازدواج به موقع آن‌ها را فراهم نموده و به مسئولیت دینی و اخلاقی خود، عمل کنند.

ب. مسئولیت دولت در تسهیل امر ازدواج جوانان

هریک از نهادهای اجتماعی عهده‌دار مسئولیت‌ها و وظایف مشخصی از کارکردهای یک جامعه هستند. فرایند عملکرد این نهادها و نیز تعامل بین آن‌ها، چگونگی حرکت یک جامعه را مشخص می‌سازد. دولت به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، مسئولیت حراست از ارزش‌های فرهنگی، ایجاد زمینه برای رفاه اجتماعی و تسهیل ازدواج جوانان را به عهده دارد.

در فرهنگ اسلامی بر تعاون اجتماعی و رسیدگی به امور جوانان تأکید شده و بخشی از بیت المال برای تسهیل ازدواج جوانان اختصاص یافته است.

در احوال حضرت علی علیه السلام آمده است: جوانی را که مرتکب استمنا شده بود، محضر

او آوردند تا مجازات کند. حضرت او را تعزیر کرد و روی دستش را آن قدر زد تا سرخ شد. سپس فرمود: چرا این کار را کردی؟ چرا ازدواج نکرده‌ای؟ عرض کرد: چون توانایی ندارم و... حضرت دستور داد از بیت المال او را تأمین کنند که ازدواج کند. [27]

برای تسهیل امر ازدواج جوانان و در نتیجه، پیشگیری از بسیاری انحرافات اخلاقی موارد ذیل پیشنهاد می‌شوند:

1- برگزاری کلاس‌های آموزشی درباره ازدواج و تحلیل و بررسی پیامدهای به تأخیر انداختن آن؛
 2- ایجاد مراکز ویژه برای شناختن موقعیت‌های افراد طالب ازدواج و فراهم کردن زمینه آشنایی خانواده‌ها و خواستگاری در مواردی که با معیارهای مورد نظر دختر و پسر هم خوانی داشته باشد؛

3- فراهم کردن امکانات ازدواج به دور از مخارج غیر ضروری و در چارچوب فرهنگ دینی، از نوع ازدواج‌های گروهی که در سال‌های اخیر شاهد برگزاری ساده و صمیمی آن‌ها بوده ایم، تا به این وسیله جوانان بتوانند با صرفه جویی، زمینه یک زندگی ساده و سالم را فراهم کنند؛

4- منحصر نکردن امکانات مادی و رفاهی به دانشجویان و جوانان ساکن در پایتخت و تقسیم تسهیلات بین همه قشرها و گروه‌ها در شهرها و شهرستان مختلف؛

5- قرار دادن افرادی که ازدواج کرده‌اند در اولویت‌های اشتغال و در واقع، توجه به اشتغال جوانان به دور از تبعیض و رابطه محوری؛

6- فرهنگ سازی ازدواج ساده و منطبق با معیارهای اسلامی، که یکی از راهکارهای اصلی در حل مشکلات ازدواج جوانان بوده است و باید از سوی رسانه‌ها دنبال شود. اگر معیار ما در ازدواج و انتخاب همسر، اسلام باشد، همه یا اکثر این مشکلات وجود نخواهد داشت؛
 باید بینش جوانان، نوجوانان و خانواده‌ها نسبت به زندگی و ازدواج اصلاح شود تا بتوان مقدمات ازدواج آنان را در زمان مناسب و با الگوگیری از امامان معصوم علیه السلام که پیش از 02 سالگی اقدام به ازدواج می‌نمودند، فراهم کرد.

7- باید تدابیری از سوی مریبان، مسئولان فرهنگی و دولت در نظر گرفته شود که جوانان و نوجوانان در ابعاد گوناگون جسمی، جنسی، عقلی، اجتماعی، عاطفی و اقتصادی به طور هماهنگ و متناسب رشد نمایند. آنچه در حال حاضر مشاهده می‌شود ناهم تراز رشد و بلوغ جنسی و جسمی با دیگر ابعاد رشد یعنی رشد عقلی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی جوانان و نوجوانان است.

از این رو، جوانان سال‌ها پس از رسیدن به بلوغ جنسی، منتظر یافتن شغل مناسب، تکمیل تحصیلات و دیگر پیش نیازهای زندگی باقی می‌مانند که در نتیجه، یا اصلاً به آن دست نمی‌یابند و یا وقتی به آن‌ها می‌رسند که دیگر شادابی، طراوت و انگیزه ازدواج را ندارند. در هر دو صورت، زندگی آسیب‌پذیر و در معرض خطرات جدی است.

منبع: مجله معرفت، دی 1384 - شماره 97؛ شجاعی، محمدصادق

پی نوشت‌ها:

[1] زهره زاهدی، «افزایش میانگین سن ازدواج»، نشریه زنان، ش 48، ص 53.

[2] زهرا محمدی، بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه 1370-1380، تهران، شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، 1382، ص 81.

[3] منوچهر محسنی، بررسی آگاهی، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، تهران، زهد، 1379، ص 117-123.

[4] نور: 32 آل عمران: 39 نحل: 72/ فرقان: 74. قال رسول الله صلی الله علیه و آله «ما بنی فی الاسلام بناء احبّ الی الله اعزّ من التزویج» (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 18، ص

- (222)؛ «ما من شاب نَزَّوجَ فی حداثۃ سنّۃ الا عَجَّ شیطانہ: یا ویلہ یا ویلہ! عصم مَتّی ثلثی دینہ، فلیتَّقِ اللّٰهَ العبد فی الثلث الباقی.» (همان، ج 23، ص 221).
- [5] شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 116.
- [6] احمد مصطفی المراغی، تفسیر مراغی، ج 4، ص 188.
- [7] محمّد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 23، ص 221 و نیز ج 16، ص / 223 شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 20، ص 61.
- [8] در روایتی از امام باقر علیه السّلام نقل شده که فرمودند: دختر وقتی به نه سالگی می‌رسد، از یتیمی بیرون می‌آید و می‌تواند ازدواج کند. (شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج 1، ص 30) در روایتی دیگر آمده که دختر وقتی به نه سالگی برسد و تزویج نماید، از یتیمی خارج شده و اموالش را می‌توان به او واگذار نمود. (همان، ص 31) در احوالات رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که: «انّ رسول الله دخل بعایشه و هی بنت عشر سنین و لیس یدخل بالجاریة حتی تکو امرئة.» (همان.) پیامبر در حالی با عایشه ازدواج کرد که عایشه ده ساله بود و ایشان با دختری ازدواج نمی‌کرد مگر اینکه بالغ باشد. و نیز امام باقر فرموده است: «لا یدخل بالجاریة حتی یاتی اما تسع سنین او عشرة سنین» همبستر شدن و ازدواج با دختر قبل از نه یا ده سالگی جایز نیست. (همان، ج 14، ص 70)
- [9] امام سجاد علیه السّلام در سال 38 هـ ق متولد شد. ماجرای کربلا در آغاز سال 61 رخ داد. در عین حال، مورّخان نوشته‌اند که امام باقر علیه السّلام در سال 57 هجری متولد شد و در کربلا چهار ساله بود. (مهدی پیشوایی، سیمای پیشوایان در آئینه تاریخ، قم، دار العلم، 1380، ص 77) از این مطلب می‌فهمیم که امام سجاد علیه السّلام در حدود 18 سالگی ازدواج کرده است.
- امام کاظم علیه السّلام در سال 128 هـ ق متولد شد و امام رضا علیه السّلام در سال 148 دیده به جهان گشود؛ نتیجه می‌گیریم که امام کاظم علیه السّلام قبل از 20 سالگی ازدواج کرده است.
- امام جواد علیه السلام در سال 159 هجری متولد شد و امام هادی علیه السلام در سال 212 دیده به جهان گشود، نتیجه اینکه امام جواد علیه السلام در موقع ازدواج کمتر از 17 سال داشته است.
- امام هادی علیه السلام در 212 هـ ق به دنیا آمد. فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام در سال 232 دیده به جهان گشود، بنابراین امام هادی علیه السلام باید قبل از 20 سالگی ازدواج کرده باشد. (محمّد تقی عبدوس، فرازهایی برجسته از سیره امامان شیعه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج 2، ص 28 و 29).
- [10] همان.
- [11] غلامحسین سفیدگران، مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت‌ها و رویکردها، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، 1380، ص 715.
- [12] همان.
- [13] همان، ص 632 و 633.
- [14] Moulder, F. V; Social problems of Modern World (2000), wadsworth, Thomson .Learning
- [15] دانیلین لوزیک، نگرشی نو در تحلیلی مسایل اجتماعی، ترجمه سعید معیدفر، تهران، امیرکبیر، 1383، ص 23-35.
- [16] Cohen, K. A; The delinquency Subculture in Rose Giallombardo, A Book of [16] Readings; (1982), New York; wiley
- [17] محمد باقر مجلسی، پیشین، ج 61، ص 223.
- [18] نعمت الله تقوی، خودکشی، نشر آگه، 1383، ص 75.

- [19] مانند مطالعات دورکیم در پاریس، 1897؛ مرتون در آمریکا، 1971؛ خسروی، 1342؛ محسنی، 1346؛ شیبانی، 1352؛ محسنی تبریزی، 1372 (پیشین، ص 76).
 [20] نعمت الله تقوی، پیشین، ص 95-106 / ص 156.
 [21] همان.
 [22] شهلا معظمی، فرار دختران؛ چرا؟، نشر گرایش، 1382، ص 83.
 [23] معصومه رستم خانی، روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی، انتشارات آگاه، 1381، ص 117-119.
 [24] ر. ک: آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، انتشارات آگاه، 1381.
 [25] جمعی از مؤلفان، آسیب‌های اجتماعی ایران، نشر آگه، 1383، ص 307 / ص 273-292.
 [26] همان.
 [27] محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 7، ص 265.

ازدواج موقت در کتاب و سنت

میل جنسی یکی از امیال طبیعی است که در هر انسان، در برهه‌ای از زمان به گونه‌ای مستحکم است که هیچ یک از امیال دیگر به پایه آن نمی‌رسد. در پرتو این میل است که احساس عشق و محبت و مهربانی، شکوفا می‌شود و انسان در جهت تحکیم پایه‌های خانواده که هسته اولیه جامعه بزرگ انسانی را تشکیل می‌دهد، احساس مسئولیت می‌کند. ارضاء غریزه جنسی یکی از نیازهای مبرم و از ضروریات زندگی هر انسانی است و نیاز انسان به ازدواج، کمتر از نیاز او به خوردن و آشامیدن نیست. از آنجا که شریعت اسلام، آخرین شریعت و پیامبرش خاتم پیامبران و کتابش آخرین کتاب آسمانی است، این جنبه از شخصیت انسان را در نظر گرفته و آن را به گونه‌ای که با دیگر امیال درونی انسان هماهنگ باشد اشباع کرده است.

عنایت شریعت مقدس اسلام به ارضای این غریزه، به حدی است که ازدواج را سنتی الهی و روی گردانی از آن را، روی گردانی از شریعت به شمار آورده است. این مطلب در حدیثی که از پیامبر اسلام (ص) نقل شده چنین ترسیم شده است:

«النکاح سنتی فمن أعرض عن سنتی فلیس منی؛ [1]

ازدواج، سنت من است، پس کسی که از سنت من روی گرداند، از من نیست.»

این سخن، نشان می‌دهد که ازدواج در اسلام امری مقدس است و بر خلاف میل برخی از غریبزدگان جدید، چیزی بالاتر از مبادله کالا و مال می‌باشد. [2]

هر قدر انسان تمایل به زندگی مجردی داشته باشد زمانی نمی‌گذرد که در زندگی احساس کمبودی می‌کند که با چیزی جز ازدواج، پر نمی‌شود. به دلیل همین اهمیت است که اسلام قوانین زیبایی را در تنظیم غریزه جنسی و سوق آن در جهت صحیح وضع کرده تا هم این غریزه اشباع شود و هم ارضای این غریزه، متناسب با سایر امیال انسانی باشد و هم کرامت و شرافت او محفوظ ماند. خداوند در قرآن فرموده است:

«وأنکحوا الأيامی منکم و الصالحین من عبادکم و إمائکم إن یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم؛ [3]

مردان و زنان بی همسر خود، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را همسر دهید، اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود، آنان را بی نیاز می‌سازد؛ خداوند گشاینده و آگاه است!»

اسلام در بسیاری از آیات قرآنی به انسان اجازه داده است تا به نیازهای جنسی اش به یکی از راه‌های زیر پاسخ دهد:

1. ازدواج دائم؛
 2. ازدواج موقت؛
 3. بهره بردن از کنیزی که در اختیار انسان است.
- به هر حال، آنچه ما را وادار کرده تا در باره ازدواج موقت بحث کنیم، ظلمی است که در نوشته‌های دوستان و دشمنان به این ازدواج شده است. دشمنان با نگاه کینه توزانه و حسدورزانه، مانند يك هوو به هووی دیگر به این مسأله نگاه کرده و در نتیجه محاسن آن را به صورت عیب تصویر نموده‌اند. دوستان هم با به راه انداختن غوغا و هیاهو و بدون تدبر و عدل و انصاف، حکم خود را علیه آن صادر کرده، حتی برخی آن را بیشتر به زنا و هرزگی نزدیک دانسته‌اند. معنای این سخن این است که رسول اکرم(ص) (معاذالله) در برهه‌ای از زمان، به منظور فرونشاندن آتش شهوت اصحاب خویش، هرزگی را برای آنان تجویز کرده است. [کبرت کلمة تخرج من أفواههم؛ چه سخن سهمگینی است که از دهان آنان خارج می‌شود]. بنابراین انتظار نمی‌رود در مورد موضوعی که دشمن برای ضربه زدن و دوست به دلیل جهل به حقیقت آن، تمامی تلاش خود را جهت تبیین و تحلیل آن انجام داده‌اند، شبهاتی ایجاد نشود. اگر دوستان، موضوع را به طور عمیق مورد بررسی قرار می‌دادند و به آنچه در قرآن و احادیث نبوی آمده است احاطه پیدا می‌کردند، چنین سخنان نیش داری را بر زبان جاری نمی‌ساختند.

آنچه اکنون به آن اشاره می‌کنیم این است که اسلام با فراخواندن مردم به ازدواج دائم، مشکل غریزه جنسی را حل کرده است و ازدواج را پایه زندگی انسان و به عنوان امری ضروری و غذای روحی تمامی انسانها تلقی کرده است. اما با این حال، گاه شرایط خاصی در زندگی انسان روی می‌دهد که قادر نیست از این راه عمومی (یعنی ازدواج دائم) به مقصد برسد. اینجاست که شریعت اسلامی بایستی برای چنین شرایطی و به عنوان راه حلی مقطعی، تدبیری برای تشریح مشکل خاصی از ازدواج اندیشیده باشد. این اشتباه است که کسی تصور کند دعوت اسلام به ازدواج موقت، مانند دعوتش به ازدواج دائم است. هرگز چنین نیست؛ زیرا ازدواج دائم پاسخی است به نیاز جنسی انسانها در کلیه مراحل زندگی. اما ازدواج موقت (همچنان که گفتیم) پاسخی است برای حل مشکلات مقطعی و به منظور ممانعت از شیوع فساد در جامعه اسلامی و به عنوان دارو است، نه غذا؛ زیرا ممکن است انسان در شرایطی قرار گیرد که امکان ازدواج دائم برایش وجود نداشته باشد. در این صورت سه راه حل در پیش روی او وجود دارد:

1. فرونشاندن آتش شهوت؛
 2. پناه بردن به فاحشه خانه‌ها؛
 3. ازدواج موقت، با شروطی که اسلام وضع کرده است.
- اما راه حل اول، به جز برای معصومین و برخی دیگر به تناسب نزدیکیشان به آنها، و به طور عادی برای همگان ممکن نیست.

راه حل دوم هم علاوه بر این که موجب نابودی کرامت انسانی است، باعث شیوع فساد و بیماریها و تداخل نسبت‌های فامیلی می‌شود. بنابراین چاره‌ای جز راه حل سوم، یعنی ازدواج موقت باقی نمی‌ماند.

براین اساس، ازدواج موقت یکی از زیباترین سنت‌های اسلامی است که به منظور حفظ کرامت انسانی تشریح شده است. امام علی(ع) عمق این معضل را شناخته و با سخنانی زیبا، گوشه‌های ما را نوازش داده و به بحرانی که ممکن است در اثر بی‌اعتنایی به این سنت،

گریبانگیر جامعه شود، هشدار داده است. او چنین فرموده است:

لولا نهی عمر عن المتعة، لما زنى إلا شقى أو شقية؛

اگر عمر متعه را منع نکرده بود، جز مرد و زن شقی، کسی زنا نمی کرد.

اندیشمند اسلامی، شهید مرتضی مطهری، در این زمینه سخنی دارد. او می گوید:

خاصیت عصر جدید این است که فاصله بلوغ طبیعی را با بلوغ اجتماعی و قدرت تشکیل عائله، زیاد کرده است... آیا جوانان حاضرند يك دوره [رهبانیت موقت] را طی کنند و خود را تا زمانی که امکانات ازدواج دایم پیدا شود به سختی تحت فشار قرار دهند؟ بر فرض، اگر جوانی حاضر شود رهبانیت موقت را بپذیرد آیا طبیعت حاضر است از ایجاد عوارض روانی سهمگین و خطرناکی که در اثر ممانعت از اعمال غریزه جنسی پیدا می شود و روانکاوی امروز، از روی آنها پرده برداشته است، صرف نظر کند؟ دو راه بیشتر باقی نمی ماند.

1. جوانان را به حال خود رها کنیم و مانند غربی‌ها پسرها و دخترها را به طور مساوی آزاد بگذاریم.

2. به قانونی بودن ازدواج موقت کردن نهیم.

در دوران اخیر برخی از فیلسوفان غربی هم که به آزاد اندیشی مشهورند با ندای اسلام، مبنی بر قانونی بودن ازدواج موقت هم آواز شده اند. به عنوان مثال از دیدگاه راسل، امروزه سنت ازدواج بدون دلیل به تأخیر می افتد؛ زیرا در یکی دو قرن گذشته يك دانشجو در حدود سن هجده یا بیست سالگی، دروسش را به اتمام می رساند و در سن بلوغ آماده ازدواج می شد و برای او دوره انتظار، زیاد به طول نمی انجامید؛ مگر اینکه می خواست زندگی خود را وقف تحصیل علم کند و کمتر جوانی از میان صدها و هزاران جوان، این گزینه را انتخاب می کرد. اما امروزه، دانشجویان پس از هجده یا بیست سالگی مرحله تخصص در علوم و صنایع را آغاز می کنند و طبعاً پس از فارغ التحصیل شدن و اتمام دانشگاه، نیازمند زمانی هستند تا آمادگی کافی را برای کسب درآمد از طریق بازرگانی یا دیگر کارهای اقتصادی، پیدا کنند. از این رو قبل از سن سی سالگی شرایط ازدواج برای آنها آماده نیست. بنابراین امروزه يك جوان، دوره ای طولانی را از سن بلوغ تا سن ازدواج طی می کند. در حالی که این دوره در گذشته به حساب نمی آمده است و این دوره، دوره رشد جنسی و سرکشی امیال و دشواری مقاومت در مقابل محرك هاست. با این حساب، آیا ممکن است در نظام جامعه انسانی، این دوره را همچون گذشتگان و مردم قرون وسطی، نادیده بگیریم؟

به نظر فیلسوف یاد شده، این کار مقدور نیست و اگر ما این دوره را به حساب نیاوریم، نتیجه اش چیزی جز فساد و بازیچه قرار دادن نسل دختران و پسران جوان نخواهد بود. به عقیده وی باید قوانین، برای جوانان در این سنین نوعی ازدواج را تجویز کنند به گونه ای که نه به سختی های داشتن خانواده دچار شوند و نه به کام شهوت های کشنده و بیماری‌ها و دردهای بعدی آن بیفتند. او از این نوع ازدواج به [ازدواج بدون فرزند] تعبیر می کند و مرادش این بوده که این ازدواج از يك طرف، آنها را از افتادن در گرداب فساد، باز می دارد و از طرف دیگر آنها را قبل از آنکه خانواده ای تشکیل دهند، آماده زندگی زناشویی می کند. [4]

منظور راسل از [ازدواج بدون فرزند] ازدواجی است که در آن، از باردار شدن زن جلوگیری شود. البته التزام به این شرط هر چند امکان دارد، اما دشوار است و بفرض که از وسایل جلوگیری استفاده کنند و با این حال بچه دار شوند، این فرزند، فرزند شرعی است و به پدر و مادرش ملحق می شود.

طرحی که این فیلسوف انگلیسی ارائه داده است، طرحی است که بیش از چهارده قرن است که اسلام، مردم را به آن فراخوانده، با این تفاوت که طرح اسلام در چارچوب قوانینی به مراتب

زیباتر و شگفت‌انگیزتر از طرحی است که راسل پیشنهاد کرده است. آنچه پیش روی شما خواننده محترم می‌باشد، پژوهشی مختصر در باره ازدواج موقت است. باشد که به این موضوع عنایت بیشتری شده و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد تا عظمت قوانین اسلامی روشن‌تر شود و مشخص گردد که دشمنان حقانیت آن را انکار کرده و دوستان هم آن را نشناخته‌اند.

آرای فقها در باره متعه

تمامی مذاهب فقهی اسلامی اتفاق نظر دارند که رسول خدا (ص) در برهه‌ای از زمان، با وحی الهی، متعه زنان را حلال کرده است. آنچه مورد اختلاف مذاهب فقهی است استمرار این حلیت و نسخ آن می‌باشد. شیعه امامیه و اندکی از صحابه و تابعین، بر این عقیده‌اند که این حلیت استمرار داشته است. اما مذاهب چهارگانه اهل سنت معتقدند که حلیت متعه زنان، نسخ شده و در حال حاضر این کار حرام است. بدیهی است که مسأله متعه زنان، مسأله‌ای بغرنج و مشتمل بر نوعی ابهام است.

البته این سخن بدین معنا نیست که این مسأله بعد از رحلت رسول خدا (ص) تا قیامت، فاقد دلیلی شرعی از کتاب و سنت است، بلکه مراد از پیچیدگی و ابهام، این است که پژوهشگر هر چند بی طرف باشد ممکن است متهم شود که به هنگام تحقیق در این گونه مسائل دچار هواهای نفسانی شده است.

علاوه بر این، باید اعتراف کرد که مسئله ازدواج موقت علی‌رغم تصور ناآگاهان میان معتقدان به آن پدیده‌ای شایع نیست، بلکه این پدیده برای شرایط محدود و معینی تدارک دیده شده است.

اینک تبیین حق در مسأله، طی بیان چند امر تقدیم می‌شود:

1. تعریف متعه و پاره‌ای از احکام آن

ازدواج موقت آن است که یک زن آزاد و کامل، خود را با رضایت، به عقد مردی در آورد که مانعی برای ازدواج با او (از قبیل مانع سببی یا نسبی یا رضاعی یا شوهر داشتن یا عده و دیگر موانع شرعی) وجود نداشته باشد و مهریه و مدت ازدواج را هم در آن ذکر کند. در این ازدواج هر گاه مدت به سرآید، زن و مرد بدون طلاق از هم جدا می‌شوند و در صورتی که آمیزش صورت گرفته باشد و زن در سن یائسگی نبوده و از جمله کسانی باشد که حیض می‌بیند، باید به مدت دو حیض عده نگه دارد و گرنه، به مدت چهل و پنج روز عده نگه دارد.

ازدواج موقت مانند ازدواج دائم تنها با عقدی صحیح که نشان دهنده قصد جدی طرفین بر ازدواج است، صورت می‌پذیرد و هر آمیزشی که بین زن و مرد بدون صیغه عقد انجام بگیرد هر چند با تراضی طرفین و میل و رغبت باشد متعه و ازدواج موقت محسوب نمی‌شود. بنابراین هنگامی که صیغه عقد جاری شد، عقد لازم شده، وفای به آن واجب می‌شود.

پاره‌ای از احکام ازدواج موقت

بیشتر اشکالاتی که بر ازدواج موقت وارد می‌شود ناشی از جهل به حقیقت، آثار و احکام آن است. از این رو مختصری از احکام آن را در اینجا می‌آوریم تا روشن شود که تفاوت ازدواج موقت و زنا بسیار زیاد است.

علاوه بر احکام مشترکی که بین ازدواج موقت و دائم وجود دارد، ازدواج موقت دارای احکام خاصی است و ما در کتاب [نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیة الغراء] به طور مفصل احکام هر یک از آنها را آورده ایم که خواننده را به آنجا ارجاع می‌دهیم. [5]

در اینجا تنها به پاره‌ای از احکام مشترک و مختص این دو نوع ازدواج اشاره می‌کنیم و فقیه

آگاه، احکام مشترك آنها را از احکام مختص تشخیص می‌دهد. ازدواج موقت دارای چهار رکن است: صیغه، طرفین، مدت، مهریه. ا: صیغه

صیغه عبارت است از ایجاب و قبول. برای ایجاب کافی است که یکی از این سه واژه به کار رود: [زوجتک، متعتک، انکحتک] و برای قبول کافی است از لفظی که دلالت بر رضایت بر ایجاب دارد، مانند عبارت [قبلت النکاح] یا [قبلت المتعة]، استفاده شود. ب: طرفین

شرایطی که زوج و زوجه در ازدواج دائم دارند در ازدواج موقت هم به جز استثناءاتی وجود دارد. بنابراین بایستی زوجه مسلمان باشد و بنابر قولی که بین فقها مشهورتر است جایز است زوجه از اهل کتاب باشد، اما زن مسلمان نمی‌تواند به ازدواج موقت مرد غیر مسلمان در آید. در ازدواج موقت، همانند دائم، مرد نمی‌تواند بدون اجازه زن با خواهر زاده یا برادر زاده او ازدواج کند و چنانچه ازدواج صورت گیرد، صحت آن مشروط به اجازه زن است و اگر زن اجازه نداد، عقد باطل است.

ج: مهریه

یکی از ارکان ازدواج موقت، مهریه است و چنانچه در عقد ذکر نشود عقد باطل است. یکی از شرایط مهریه این است که مملوک مرد و معلوم باشد، یعنی با پیمان یا وزن یا به واسطه دیدن یا توصیف، مشخص باشد و اگر مرد قبل از آمیزش، مدت ازدواج را به زن ببخشد، بایستی نصف مهریه را بپردازد و بعد از آمیزش تمام مهریه بر مرد واجب می‌شود.

د: مدت

مدت نیز یکی از ارکان ازدواج موقت است. برخی فقها قائلند اگر در عقد نامی از مدت برده نشود، عقد باطل است و برخی دیگر گفته‌اند ازدواج موقت به ازدواج دائم تبدیل می‌شود. بنابراین بایستی مدت ازدواج موقت، معین و عاری از ابهام باشد. در ازدواج موقت، بیرون ریختن نطفه، بدون اجازه زن جایز است، اما در ازدواج دائم بیرون ریختن نطفه فقط با اجازه زن جایز است.

جدایی بین زن و مرد در ازدواج موقت با پایان یافتن مدت انجام می‌پذیرد و در آن طلاق نمی‌باشد. زن و شوهر در ازدواج موقت از یکدیگر ارث نمی‌برند، مگر آنکه در متن عقد ذکر شده باشد.

در مورد افرادی که با زناشویی محرم می‌شوند، ازدواج موقت همچون ازدواج دائم است. بنابراین اگر مردی با زنی ازدواج موقت کند، چه با او آمیزش کرده باشد و چه نکرده باشد، مادرزانش بر او حرام است و در صورتی که آمیزش کرده باشد، دخترش نیز بر او حرام است. همچنین دیگر مواردی که در باب حرام شدن به واسطه زناشویی، ذکر شده است در ازدواج موقت نیز جاری است.

اگر مرد در ازدواج موقت با زن آمیزش کرده باشد و مدت ازدواج هم پایان یافته باشد، در صورتی که زن حیض می‌بیند، باید به اندازه دو بار حیض دیدن، عده نگه دارد، اما اگر خون نمی‌بیند ولی در سن زنانی باشد که خون می‌بینند، باید چهل و پنج روز عده نگه دارد. اینها در صورتی بود که با او آمیزش شده باشد و گرنه، عده ندارد.

چنانچه قبل از پایان یافتن مدت متعه، مرد بمیرد، بایستی زن چه با او آمیزش شده باشد و چه نشده باشد، در صورت آبستن نبودن چهار ماه و ده روز و به قول برخی دو ماه و پنج روز، عده نگه دارد. اما اگر حامله باشد بایستی به دیرترین مدت، از عده وفات و آبستنی عده نگه دارد و اگر کنیز باشد و آبستن نباشد بایستی دو ماه و پنج روز عده نگه دارد. [6]

غرض از بیان این احکام این بود که معلوم شود ازدواج موقت ازدواجی حقیقی است و در عموم احکامش مگر در مواردی که دلیل وجود دارد مانند ازدواج دائم است. مهمترین تفاوت‌های ازدواج دائم و موقت از این قرارند:

1. در ازدواج دائم جدایی زن از مرد با طلاق حاصل می‌شود، در صورتی که در ازدواج موقت با پایان یافتن مدت حاصل می‌شود.
 2. زن در ازدواج دائم، نفقه دارد، در صورتی که در ازدواج موقت چنین نیست.
 3. زن و مرد در ازدواج دائم از یکدیگر ارث می‌برند در صورتی که در ازدواج موقت چنین نیست.
 4. چنانچه زن در ازدواج دائم مطلقه شود، بایستی سه ماه یا به اندازه سه بار حیض دیدن عده نگه دارد؛ در صورتی که زن در ازدواج موقت پس از پایان مدت، بایستی به اندازه دو بار حیض دیدن یا چهل و پنج روز عده نگه دارد.
- این تفاوت‌های اندک، زن را در ازدواج موقت، از زوجه بودن خارج نمی‌کند و مانند زن در ازدواج دائم، دارای احکامی است. به عنوان مثال وقتی خداوند می‌فرماید:

والذین هم لغروجهم حافظون لإعلیٰ أزواجهم أو ما ملکت أیمانهم فانهم غیر ملومین؛ [7]
و آنها که دامان خود را حفظ کنند؛ تنها با همسران و کنیزانشان آمیزش جنسی دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند.

یکی از مصادیق [أزواجهم]؛ یعنی: [همسرانشان]، زنی است که به ازدواج موقت مردی در آمده است. بنابراین چنین زنی، حقیقتاً زوجه است و مانند زوجهٔ مرد در ازدواج دائم، دارای حکامی است، مگر احکامی که مطابق دلیل، مختص ازدواج موقت است. این که در این ازدواج، برخی از احکام ازدواج دائم منتفی است و یا احکامی مخصوص به خود دارد، باعث نمی‌شود که عنوان زوجیت از آن سلب شود. در آینده به صورت مفصل خواهیم گفت که در ازدواج دائم نیز گاهی اوقات، زن بدون طلاق از مرد جدا می‌شود و یا در این ازدواج هم گاهی زن و مرد از هم ارث نمی‌برند و یا زن، نفقه ندارد. بیشتر...

منبع: فقه اهل بیت، زمستان 1385 - شماره 48؛ سبحانی تبریزی، جعفر

پی‌نوشت‌ها:

- [1] جامع احادیث الشیعه، ج 25، ص 38، ح 36412
- [2] ازدواج موقت از نظر شیعه، اثر شهلا حائری، ص 45.
- [3] نور، ایه 32.
- [4] عباس محمود العقاد، الفلسفة القرآنیة، ص 87 - 88.
- [5] نظام النکاح، ج 2، ص 47 - 108.
- [6] شرایع الاسلام، ج 2، ص 307؛ تحریر الاحکام الشرعیة، ج 3، ص 526.
- [7] مؤمنون، ایه 5 و 6.